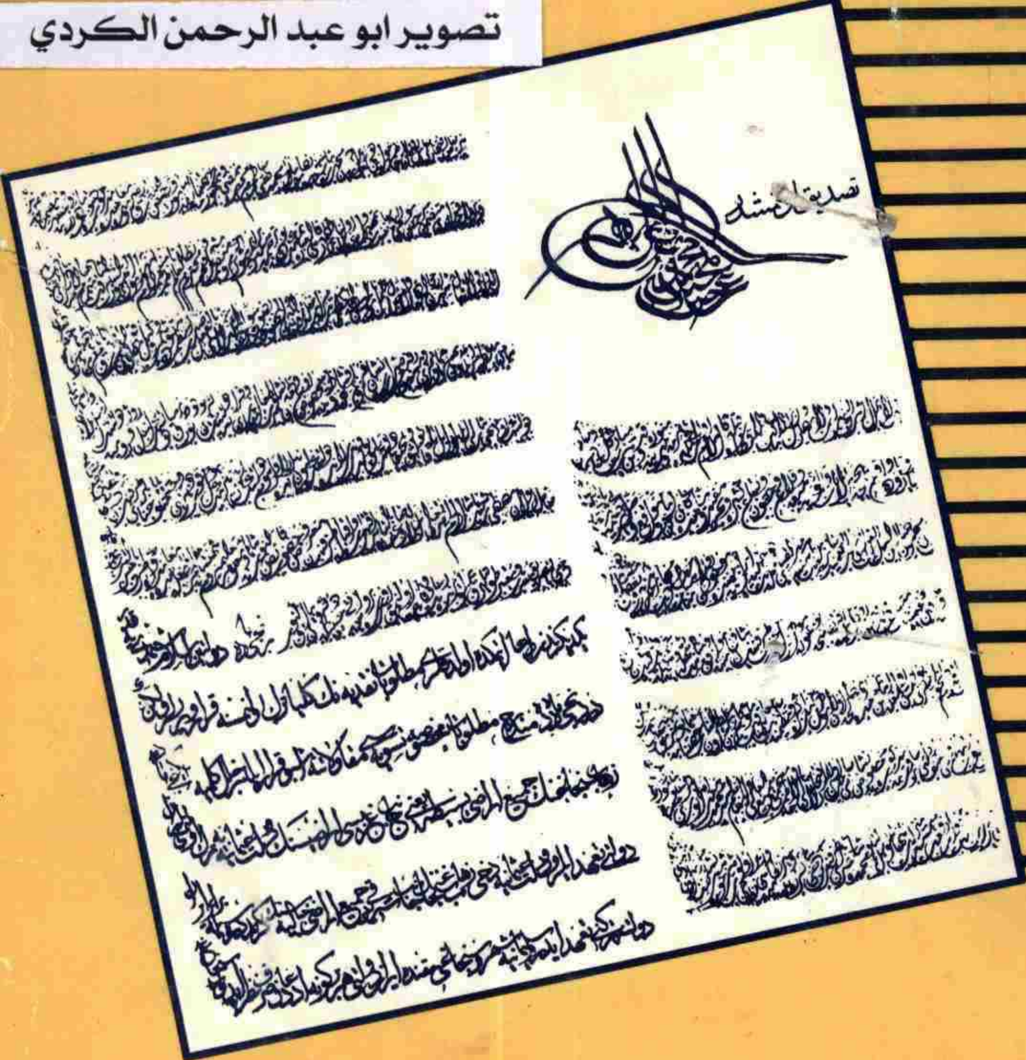


اسنادی از

روند انعقاد عهدنامهٔ دوّم ارزنة الروم

(۱۲۵۸-۱۲۶۴ ه.ق)

به کوشش:

نصرالله صالحی

ادارهٔ انتشار اسناد

دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی



اسنادی از
روند انعقاد عهدنامهٔ دوم ارزنة الروم

(۱۲۶۴ ـ ۱۲۵۸ هـ.ق)

به کوشش نصرالله صالحی

«اداره انتشار اسناد»

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
تهران ـ ۱۳۷۷

فهرستنویسی پیش از انتشار

صالحی، نصرالله، ۱۳۴۳ - ، گردآورنده.
اسنادی از روند انعقاد عهدنامه دوم ارزنةالروم (۱۲۶۴-۱۲۵۸ هـ.ق) / به کوشش نصرالله صالحی، [برای] دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، اداره انتشار اسناد تاریخی. ــ تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۷.
سی، ۴۳۴ ص.: نمونه.ــ (مباحث اسناد؛ ۵۳).
بها: ۱۴۰۰۰ ریال — ISBN 964- 5572- 07- X:
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا (فهرستنویسی پیش از انتشار)
ص.ع. به انگلیسی: Nasrollah Salehi.
Documents on the negotiation process and the conclusion of the second Erzrum Treaty (1842-1848)

کتابنامه: ص. [بیست و پنج]-سی.
۱. ارزروم، عهدنامه ۱۲۶۳ ق. ۲. ایران - روابط خارجی - ترکیه - قرن ۱۳ ق. اسناد و مدارک. ۳. ترکیه - روابط خارجی - ایران - قرن ۱۳ ق. اسناد و مدارک. ۴. ایران. قراردادها. الف. ایران. وزارت امور خارجه. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. اداره انتشار اسناد تاریخی. ب. ایران. وزارت امور خارجه. موسسه چاپ و انتشارات. ج. عنوان.
۵الف ۲ ص / DSR ۱۳۸۷ — ۹۵۵/۰۷۴۵۰۷۲۷
کتابخانه ملی ایران — ۷۷-۸۱۸۰م

اسنادی از روند انعقاد عهدنامهٔ دوم ارزنةالروم

اداره انتشار اسناد
به کوشش نصرالله صالحی
چاپ اول: ۱۳۷۷
تعداد: ۱۰۰۰ جلد
حروفچینی و صفحه آرایی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

مجتمع بزرگ کتاب: تهران، خیابان آیت اله طالقانی بعد از تقاطع بهار، شمارهٔ ۵۱۷
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۳۵۳ تلفن: ۷۶۸۵۸۲، ۳-۷۵۰۶۱۰۰، فاکس: ۷۵۰۶۰۴۴
دفتر مرکزی و فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان شهیدباهنر، خیابان شهیدآقایی
صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۷۴۶، تلفن: ۲۰-۲۵۷۷۰۱۹، فاکس: ۲۵۷۱۰۱۹
فروشگاه شماره ۳: انتهای خیابان شهیدباهنر میدان شهیدباهنر، تلفن: ۷۱-۲۲۹۲۲۷۰

فهرست تفصیلی اسناد

پیشگفتار .... سیزده

مقدمه .... پانزده

[اسناد سال ۱۲۵۸]

۱. سواد ترجمه نامه وزیر مختار انگلیس به وزیر امورخارجه راجع به دعاوی دو دولت ایران و عثمانی و تقاضای او از ایران جهت اعزام نماینده برای انجام مذاکرات در ارزنةالروم ۳

۲. سواد ترجمه نامه وزیر مختار انگلیس به وزیر امورخارجه در مورد اطمینان دادن به دولت ایران مبنی بر عادلانه میانجیگری‌کردن سفیر انگلیس در عثمانی ۹

۳. ترجمه نامه سفارت انگلیس به وزارت امورخارجه راجع به خصوصیات نمایندگان منتخب برای انجام مذاکرات در ارزنةالروم ۱۲

۴. سواد نامه حاجی میرزاآقاسی به صدراعظم عثمانی درخصوص عمل ناشایست والی بغداد در قتل عام مردم کربلا و درخواست قصاص او ۱۵

[اسناد سال ۱۲۵۹]

۵. سواد فرمان محمدشاه به میرزاتقی‌خان (اختیارنامه میرزاتقی‌خان) ۲۵

۶. سواد نامه وزیر امورخارجه به میرزاتقی‌خان درخصوص ابلاغ فقراتی که سفرای روس و انگلیس برای حل اختلافات ایران و عثمانی پیشنهاد کرده‌اند ۲۸

۷. سواد نامه وزیر امورخارجه به وزیر مختار انگلیس در باب قتل عام کربلا و انتقاد از وساطت روس و انگلیس در این خصوص ۳۱

۸. سواد دستورالعمل محمدشاه به میرزاتقی‌خان درخصوص چگونگی مذاکره درباره سلیمانیه، محمره و شاهزادگان فراری ۳۶

۹. سواد نامه میرزا آقاسی به میرزاتقی‌خان در تقدیر و تشکر از حُسن مذاکرات او در مجلس پنجم کنفرانس ارزنةالروم و خبر اهداء نشان از سوی محمدشاه به او ۴۰

۱۰. سواد نامه میرزاتقی‌خان به میرزا آقاسی راجع به مذاکرات مجلس هشتم و سؤال و جواب غیرمستقیم او با شیخ کعب درخصوص ملکیت محمره ۴۳
۱۱. سواد نامه وزیر امورخارجه به میرزاتقی‌خان راجع به تغیُّر میرزاآقاسی نسبت به او و ارائه ادله در اثبات حدود ایران ۴۷
۱۲. سواد نامه میزاتقی‌خان به میرزاآقاسی راجع به مذاکرات مجلس یازدهم و نیز مذاکره با سفرای واسطه در مورد حدود ایران در مجلس دهم ۵۰
۱۳. سواد نامه وزیر امورخارجه به میرزاتقی‌خان درباره کارشکنی عثمانی‌ها در باب حقوق ثابته ایران در زهاب و محمره ۵۳

[اسناد سال ۱۲۶۰]

۱۴. سواد نامه وزیر امورخارجه به میرزاتقی‌خان در نکوهش و توبیخ او به جهت ضعف در ارائه ادله در مذاکره و تأکید بر غیرقابل تغییر بودن حقوق حقّهٔ ایران ۶۱
۱۵. سواد نامه عتاب‌آمیز میرزا آقاسی به میرزاتقی‌خان در باب عدم پیشرفت مذاکرات و تأکید بر ثبات قدم و ایستادگی او ۶۶
۱۶. سواد نامه وزیر امورخارجه به میرزاتقی‌خان در نکوهش او به جهت ضعف در ارائه ادله در مذاکره . ۶۹
۱۷. سواد فرمان محمدشاه به بهمن میرزا صاحب اختیار آذربایجان درخصوص ضرورت تدارک و تجهیز قشون ۷۲
۱۸. سواد نامه میرزاتقی‌خان به میرزا آقاسی راجع به وعده سفرای واسطه برای متقاعدکردن دولت عثمانی به مذاکره پیرامون مواد خسارات ۷۴
۱۹. سواد نامه میرزاتقی‌خان به میرزا آقاسی راجع به گزارش کلی از مجالس منعقده و استعلام از او در خصوص تعیین مبالغ خسارات وارده به رواندوز ۷۷
۲۰. سواد ترجمه نامه لرد ابردین به شیل مبنی بر تأسف دولت انگلیس از موضع ایران در قضیه کربلا و روشی که دو دولت ایران و عثمانی می‌بایست در مذاکرات در پیش گیرند.. ۸۰
۲۱. سواد نامه شیل به وزیر امورخارجه راجع به درخواست عدم احضار میرزاتقی‌خان و ذکر محسنات ادامه مذاکرات ارزنة‌الروم.. ۸۵
۲۲. سواد نامه وزیر مختار روسیه به وزیر امورخارجه راجع به درخواست عدم احضار میرزاتقی‌خان و عدم برهم زدن مجالس مذاکرات ارزنة‌الروم ۸۷

۲۳. سواد نامه وزیر امورخارجه به وزیر مختار روسیه در پاسخ به نامه قبلی او درخصوص خُلف وعده‌ها و تأخیر و تعلل‌های دولت عثمانی در مذاکرات ارزنةالروم ۹۰

[اسناد سال ۱۲۶۱]

۲۴. نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی در مورد محاسن مذاکرات و نیز حل و فصل عادلانه اختلافات مرزی در محمره، زهاب و غیره ۹۷

۲۵. نامه وزیر مختار روسیه به وزیر امورخارجه در ضرورت صبر و استقامت اولیای دولت ایران برای انجام‌یافتن قطعی مذاکرات و حل و فصل نهایی دعاوی طرفین ۱۰۱

۲۶. سواد نامه میرزاتقی‌خان به میرزا آقاسی درخصوص اینکه از جانب او هیچ گونه کم‌لطفی و ناملایمتی نسبت به مأمور دولت عثمانی نشده است ۱۰۴

[اسناد سال ۱۲۶۲]

۲۷. سواد نامه تشکرآمیز میرزا آقاسی به میرزاتقی‌خان و درخواست عدم معاودت او پیش از امضاء عهدنامه ۱۱۳

۲۸. سواد نامه وزرای امورخارجه روس و انگلیس به میرزا آقاسی درخصوص صدور احکام برای میرزاتقی‌خان ۱۱۵

۲۹. نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی درخصوص ضرورت صدور دستورالعمل از سوی محمدشاه برای میرزاتقی‌خان ۱۱۷

۳۰. سواد دستورالعمل محمدشاه به میرزاتقی‌خان ۱۱۹

۳۱. سواد فرمان محمدشاه به میرزاتقی‌خان درخصوص نگارش عهدنامه جدید براساس دستورالعمل. ۱۲۲

۳۲. نامه میرزا آقاسی به وزیر مختار انگلیس در رد درخواست او مبنی بر افزودن دو فقره دیگر به عهدنامه ۱۲۴

۳۳. سواد عهدنامه دوم ارزنةالروم ۱۲۷

۳۴. سواد فرمان محمدشاه به میرزاتقی‌خان مبنی بر امضاء عهدنامه ۱۳۱

۳۵. سواد فرمان محمدشاه به میرزاتقی‌خان مبنی بر امضاء و مبادله عهدنامه ۱۳۳

۳۶. سواد نامه میرزاتقی‌خان به سفرای دول واسطه درخصوص حمله وحشیانه اتباع عثمانی به محل اقامت او و خسارات مالی و جانی وارده ۱۳۵

۳۷. نامه میرزا آقاسی به وزیر مختار انگلیس در مورد اطمینان خاطرداشتن از مهر و مبادله‌شدن قرارنامه ۱۳۸
۳۸. سواد نامه میرزا آقاسی به میرزاتقی‌خان مبنی بر قبول و ممهور کردن قرارنامه علیرغم مغایرت و مباینت کلی آن با دستورالعمل قبلی ۱۴۰
۳۹. سواد نامه میرزا آقاسی به میرزاتقی‌خان مبنی بر قبول قرارنامه تازه علیرغم مغایرت آن با قرارنامه قبلی ۱۴۳
۴۰. سواد فرمان محمدشاه به میرزاتقی‌خان درخصوص مهر و مبادله کردن قرارنامه ۱۴۷
۴۱. سواد نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی مبنی بر درخواست افزودن فقره دهم به قرارنامه ... ۱۴۹
۴۲. سواد نامه عتاب‌آمیز و ملامت‌انگیز میرزا آقاسی به میرزاتقی‌خان درخصوص «فقره دهم» ۱۵۱
۴۳. سواد نامه میرزا آقاسی به میرزاتقی‌خان در تقدیر و تشکر و تحسین و ستایش از حُسن انجام مأموریت از جانب او ۱۵۳
۴۴. سواد فرمان محمدشاه به میرزاتقی‌خان در تقدیر از نتیجهٔ مأموریت او و اعطای «یک قبضه شمشیر مرصع» به او ۱۵۶

[اسناد سال ۱۲۶۳]

۴۵. سواد نامه میرزا آقاسی به وزیر مختار انگلیس درخصوص دروغ بودن خبر ساختن قلعه از سوی ایران در سرحد، پیش از انعقاد قرارنامه ۱۵۸
۴۶. سواد نامه میرزا آقاسی به میرزاتقی‌خان درخصوص دستورات لازم برای گنجاندن فقره هفتم در قرارنامه ۱۶۰
۴۷. سواد نامه میرزا آقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس درخصوص پایان یافتن صبر و حوصله دولت ایران و تصمیم به احضار میرزاتقی‌خان ۱۶۳
۴۸. سواد نامه وزیر مختار روسیه به میرزا آقاسی در مخالفت با احضار میرزاتقی‌خان ۱۶۶
۴۹. سواد نامه وزیر مختار انگلیس در مخالفت با احضار میرزاتقی‌خان ۱۶۸
۵۰. سواد نامه میرزا آقاسی به وزیر مختار انگلیس در پاسخ به نامه قبلی او و در تأکید بر بی‌نتیجه بودن مذاکرات ارزنة‌الروم از نظر دولت ایران ۱۷۰
۵۱. سواد نامه میرزا آقاسی به وزیر مختار روسیه در پاسخ به مخالفت او با احضار میرزاتقی‌خان ۱۷۳

۵۲. سواد نامه میرزا آقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس مبنی بر شکایت از نقض عهود و رفتارهای خلاف قاعده دولت عثمانی ۱۷۶
۵۳. نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی درخصوص افزودن دو ماه دیگر به قرارنامه ۱۷۹
۵۴. سواد نامه میرزا آقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس راجع به تصمیم قطعی دولت ایران در احضار میرزاتقی‌خان ۱۸۱
۵۵. نامه وزیر مختار روسیه به میرزا آقاسی راجع به نگرانی او نسبت به تصمیم دولت ایران در احضار میرزاتقی‌خان ۱۸۳
۵۶. سواد نامه وزیر مختار روس به میرزا آقاسی درخصوص تمایل دولت روسیه به تداوم مذاکرات ارزنةالروم ۱۸۶
۵۷. سواد عهدنامه دوم ارزنةالروم (۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳) ۱۸۹
۵۸. نامه میرزا آقاسی به میرزاتقی‌خان درخصوص رئوس دعاوی ایران ۱۹۷
۵۹. نامه تبریک وزیر مختار روسیه به میرزا آقاسی به جهت انعقاد عهدنامه ارزنةالروم ۱۹۹
۶۰. سواد نامه میرزا آقاسی به میرزامحمدعلی‌خان شیرازی درخصوص مأموریت او به عثمانی جهت حل و فصل نهایی عهدنامه منعقده ۲۰۱
۶۱. نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی در مورد حل و فصل فقرات جزئیه عهدنامه ۲۰۳
۶۲. سواد نامه میرزا آقاسی به میرزا محمدعلی‌خان درخصوص چگونگی مبادله عهدنامه ۲۰۵
۶۳. سواد نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی درباب توضیح بعضی از فقرات عهدنامه از سوی وزرای مختار و چگونگی تعیین سرحد در ناحیه محمره ۲۰۷
۶۴. سواد نامه میرزا آقاسی به میرزاتقی‌خان راجع به ابلاغ دستورالعمل نهایی درباب چگونگی امضاء فقرات تسعه و مبادله عهدنامه ۲۰۹
۶۵. نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی در انتقاد نسبت به نظر او مبنی بر تعیین مهندسین برای تشخیص سرحد ۲۱۲
۶۶. سواد نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی در مورد ضرورت مهرکردن عهدنامه از سوی میرزاتقی‌خان ۲۱۵
۶۷. سواد نامه میرزا آقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس درخصوص قبول مصالحه منعقده به تاریخ ششم رجب ۱۲۶۳ و اعلام مبادله آن توسط میرزا محمدعلی‌خان ۲۱۷

۶۸. سواد نامه میرزا آقاسی به وزیر مختار انلگیس درخصوص قبول عهدنامه امضاء شده به تاریخ ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ و وعده مبادله آن توسط میرزامحمدعلی‌خان ۲۱۹
۶۹. سواد نامه میرزا آقاسی به وزیر مختار انگلیس در پاسخ به انتقاد او نسبت به تأخیر مبادله عهدنامه.. ۲۲۱
۷۰. سواد نامه میرزا آقاسی به رشیدپاشا صدراعظم عثمانی درخصوص مأموریت میرزامحمدعلی‌خان به استانبول جهت انجام مذاکرات پایانی ۲۲۳
۷۱. نامه محمدشاه به سلطان عبدالمجید عثمانی درخصوص مأموریت میرزامحمدعلی‌خان به استانبول جهت انجام مذاکرات پایانی........ ۲۲۶
۷۲. سواد نامه میرزا آقاسی به وزیر مختار انلگیس درخصوص حد و حدود محمره........ ۲۲۸
۷۳. سواد نامه شکوه‌آمیز میرزا آقاسی به وزیر مختار روسیه درخصوص خلف وعده‌ها و اشکال‌تراشی‌های مکرر دولت عثمانی و پاسخ و توضیح به چند اشکال آنها........ ۲۳۱
۷۴. سواد نامه میرزا آقاسی به میرزامحمدعلی‌خان مشتمل بر مطالبی که در صورت ضرورت به آنها استناد نماید........ ۲۳۵
۷۵. سواد نامه میرزامحمدعلی‌خان به رشیدپاشا صدراعظم عثمانی درخصوص انجام چند فقره مطالب جزئیه که بعد از اتمام امر مصالحه لازم است........ ۲۳۹
۷۶. سواد نامه وزرای مختار روس و انگلیس به میرزا آقاسی درخصوص سؤال و جواب آنها با وزیر امورخارجه عثمانی درخصوص شرایط دولت عثمانی برای مبادله عهدنامه (چند فقره استفسار و پاسخ‌های آنها) ۲۴۲
۷۷. سواد نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی در تأکید بر خیرخواهی دولت انگلیس ۲۴۷
۷۸. سواد نامه گلایه‌آمیز میرزا آقاسی به میرزامحمدعلی‌خان درخصوص دیررسیدن گزارشهای او و نیز توصیه به او جهت درپیش گرفتن رفتار و عمل متقابل با طرف عثمانی ۲۴۹
۷۹. سواد نامه وزیر مختار دولت انگلیس به میرزا آقاسی درباب شرایط ساختن قلعه در اطراف شط... ۲۵۲
۸۰. سواد نامه میرزا آقاسی به وزیر مختار انگلیس درخصوص شرایط ساختن یا نساختن قلعه در جزیرةالخضر ۲۵۴
۸۱. سواد نامه میرزا آقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس در شکایت از تأخیر امضا از سوی دولت عثمانی ۲۵۶
۸۲. سواد نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی در پاسخ به نامه قبلی او و دفاع از دولت عثمانی ۲۵۸
۸۳. سواد نامه میرزا آقاسی به وزیر مختار انگلیس در پاسخ به ایرادات او ۲۶۰

۸۴ سواد نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی راجع به هرچه زودتر فرستادن عهدنامه امضا شده برای مبادله........ ۲۶۲
۸۵ سواد نامه گلایه‌آمیز وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی درخصوص کارشکنی دولت ایران و تأکید بر هرچه زودتر فرستادن عهدنامه امضاء شده برای مبادله........ ۲۶۴
۸۶ سواد نامه میرزا آقاسی به وزیر مختار انگلیس در پاسخ به نامه قبلی او........ ۲۶۶
۸۷ سواد نامه وزرای مختار روس و انگلیس به میرزامحمدعلی‌خان درخصوص مخالفت با عزیمت او از استانبول پیش از مبادله عهدنامه........ ۲۶۸
۸۸ سواد نامه میرزا آقاسی به میرزامحمدعلی‌خان حاوی دستورالعمل درخصوص چگونگی مبادله عهدنامه........ ۲۷۱
۸۹ سواد نامه میرزا آقاسی به میرزا محمدعلی‌خان مبنی بر ارسال عهدنامه امضاء شده جهت مبادله، البته به خواهش وزرای مختار و بدون میل قبلی!........ ۲۷۳
۹۰. سواد نامه وزیر امورخارجه عثمانی به میرزمحمدعلی‌خان درخصوص عزیمت او به فرانسه پیش از مبادله عهدنامه........ ۲۷۶
۹۱. سواد نامه میرزامحمدعلی‌خان به وزیر امورخارجه در پاسخ به نامه قبلی او........ ۲۷۸
۹۲. سواد نامه میرزامحمدعلی‌خان به میرزا آقاسی راجع به اصرار و تهدید سفرای روس و انگلیس برای اقامت بیشتر او جهت مبادله عهدنامه و نیز اصرار و تهدید وزیر مختار فرانسه درخصوص عزیمت هرچه سریعتر او از استانبول به پاریس........ ۲۸۰
۹۳. سواد نامه میرزامحمدعلی‌خان به وزرای مختار روس و انگلیس راجع به تصمیم قطعی او برای عزیمت از استانبول به فرانسه........ ۲۹۰
۹۴. سواد نامه میرزا آقاسی به میرزامحمدعلی‌خان راجع به دو نسخه سواد که در آن سؤال و جواب میرزا آقاسی با وزیر مختار انگلیس مندرج است و او ملزم به رعایت مطالب آن است........ ۲۹۳
۹۵. سوادنامه میرزا آقاسی به میرزامحمدعلی‌خان درخصوص دستورالعملی که باید تا رسیدن عهدنامه امضاءشده به آن عمل کند........ ۲۹۵
۹۶. سواد نامه میرزا آقاسی به میرزامحمدعلی‌خان درخصوص تأیید عزیمت او از استانبول به پاریس و سفارش اکید به مراجعت هرچه سریعتر به استانبول جهت مبادله عهدنامه........ ۲۹۷
۹۷. نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی درخصوص غیرقانونی بودن امضاء سواد عهدنامه........ ۳۰۰

۹۸. نامه وزرای مختار روس و انگلیس به میرزا آقاسی راجع به مأموریت میرزامحمدعلی‌خان برای بازگشت سریع از فرانسه ۳۰۲
۹۹. نامه میرزا آقاسی به وزیر مختار انگلیس در مورد درخواست تضمین برای به عمل آوردن ترضیه از سوی عثمانی ۳۰۴
۱۰۰. نامه وزرای مختار روس و انگلیس به میرزا آقاسی مبنی بر تعجیل در معاودت میرزامحمدعلی‌خان و اقدام برای مبادله عهدنامه ۳۰۶
۱۰۱. سواد نامه وزرای مختار روس و انگلیس به میرزا آقاسی در تذکر تعهدات دولت ایران نسبت به مأموریت میرزامحمدعلی‌خان ۳۰۸
۱۰۲. سواد نامه میرزا آقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس در پاسخ به نامه قبلی آنها درخصوص مأموریت میرزامحمدعلی‌خان ۳۱۱
۱۰۳. سواد نامه میرزا آقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس درخصوص مأموریت میرزامحمدعلی‌خان ۳۱۳
۱۰۴. سواد نامه وزرای مختار روس و انگلیس به میرزا آقاسی در تأکید بر مشخص‌شدن وظایف میرزامحمدعلی‌خان بعد از بازگشت از پاریس به استانبول ۳۱۴
۱۰۵. سواد نامه میرزا آقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس در پاسخ به نامه قبلی آنها ۳۱۶
۱۰۶. نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی در شکایت از بی‌اعتنایی میرزامحمدعلی‌خان نسبت به او ۳۱۸
۱۰۷. نامه وزرای مختار روس و انگلیس به میرزا آقاسی در اظهار تأسف نسبت به بی‌نتیجه‌ماندن مساعی آنها ۳۲۰
۱۰۸. نامه گلایه‌آمیز وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی درخصوص عزیمت میرزامحمدعلی‌خان از استانبول به پاریس بدون رضایت و صلاحدید وزرای مختار دو دولت واسطه ۳۲۲
۱۰۹. سواد نامه میرزا آقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس درباب تکلیف میرزامحمدعلی‌خان در عزیمت به پاریس ۳۲۵
۱۱۰. سواد نامه میرزا آقاسی به میرزامحمدعلی‌خان راجع به مأموریت او در بازگشت از فرانسه به استانبول جهت مبادله عهدنامه ۳۲۷
۱۱۱. سواد نامه میرزا آقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس راجع به معاودت سریع میرزامحمدعلی‌خان از پاریس به استانبول ۳۲۹

۱۱۲. سواد نامه میرزا آقاسی به میرزامحمدعلی‌خان درباب زیاد توقف نکردن در پاریس و تعجیل در مراجعت به استانبول ۳۳۱
۱۱۳. سواد نامه میرزا آقاسی به میرزامحمدعلی‌خان درخصوص سفارش به بازگشت سریع از پاریس به استانبول جهت اتمام کار عهدنامه ۳۳۳
۱۱۴. سواد نامه میرزا آقاسی به میرزامحمدعلی‌خان درخصوص مبادله عهدنامه و گفتگوی مواد جزئیه بین دو دولت ایران و عثمانی ۳۳۵
۱۱۵. نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی راجع به ضرورت اعزام هرچه سریعتر چاپار برای همراه‌بودن عهدنامه امضاء شده برای مبادله ۳۳۷
۱۱۶. نامهٔ وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی راجع به ضرورت، حرکت سریع میرزاجواد به استانبول ۳۳۹
۱۱۷. سواد نامه میرزا آقاسی به وزیر مختار انگلیس در پاسخ به نامه قبلی او ۳۴۱
۱۱۸. سواد فرمان محمدشاه به میرزامحمدعلی‌خان راجع به اعزام میرزاجواد همراه با عهدنامه امضاء شده به استانبول ۳۴۲
۱۱۹. نامه وزرای مختار روس و انگلیس به میرزا آقاسی درباب اجازه مبادله عهدنامه به نیابت از میرزامحمدعلی‌خان پیش از بازگشت او به استانبول ۳۴۴

[اسناد سال ۱۲۶۴]

۱۲۰. سواد نامه میرزامحمدعلی‌خان به محمدشاه بعد از معاودت از فرانسه به استانبول و ارسال روزنامه سفارت توسط میرزاحسین‌خان به تهران ۳۴۶
۱۲۱. سواد نامه میرزامحمدعلی‌خان به سفرای دول واسطه درخصوص امتناع او در قبول **ایضاحات اربعه** به دلیل این که در دستورالعمل او چنین مطلبی ذکر نشده ۳۴۸
۱۲۲. سواد استیضاح دولت عثمانی و ایضاحات سفرای دول واسطه ۳۵۲
۱۲۳. سواد دیگری از استیضاح دولت عثمانی و ایضاحات سفرای دول واسطه ۳۵۶
۱۲۴. سواد استیضاح دولت عثمانی در معنی صحیح بعضی فقرات عهدنامه ارزنة‌الروم و جواب سفرای دول واسطه ۳۵۹
۱۲۵. سواد دیگری از ایضاحات سفرای دول واسطه به سؤالات دولت عثمانی ۳۶۲

۱۲۶. سواد نامه سفرای دول واسطه به میرزامحمدعلی‌خان در باب اتمام حجت برای قبول ایضاحات و تهدید ابطال عهدنامه در صورت عدم قبول ایضاحات ۳۶۵
۱۲۷. سواد نامه میرزا محمدعلی‌خان به سفرای دول واسطه راجع به موافقت او با ایضاحات اربعه ۳۶۸
۱۲۸. سواد نامه میرزامحمدعلی‌خان به میرزا آقاسی درباب چگونگی طرح تکمیل ایضاحات اربعه و مقاومت او، ارائه ادله در قبول نکردن ایضاحات و اصرار سفرای دول واسطه و توسل او به وزیر مختار فرانسه........ ۳۷۰
۱۲۹. سواد نامه میرزا آقاسی به میرزامحمدعلی‌خان درخصوص تأکید بر عدم اقامت بیشتر در عثمانی و بازگشت سریع به ایران ۳۷۶
۱۳۰. سواد نامه میرزا آقاسی به میرزامحمدعلی‌خان در تقدیر و تشکر از انجام مأموریت به نحو مطلوب و توصیه به اتمام کار در استانبول به نحو احسن ۳۷۹
۱۳۱. سواد نامه میرزامحمدعلی‌خان به میرزا آقاسی درباب تهدید و اتمام حجت سفرای دول واسطه برای قبول ایضاحات اربعه و واکنش او........ ۳۸۱
۱۳۲. تصدیقنامه عهدنامه دوم ارزنة‌الروم ۳۸۸
۱۳۳. سواد صورت مجلس مبادله رسمی تصدیقنامه عهدنامه دوم ارزنة‌الروم ۳۹۶
۱۳۴. سواد ترجمه پروتکل مجلس دیپلوماتیک (پروتکل مبادله عهدنامه) ۳۹۸
۱۳۵. سواد نامه میرزا محمدعلی‌خان به میرزا آقاسی در توجیه قبول ایضاحات اربعه و گزارش مبادله عهدنامه ۴۰۳
۱۳۶. سواد نامه میرزامحمدعلی‌خان به میرزا آقاسی راجع به چگونگی برگزاری مراسم شادیانه بعد از مبادله عهدنامه ۴۰۹
۱۳۷. سواد نامه میرزا آقاسی به وزیر مختار انگلیس در ارائه ادله نسبت به مالکیت ایران بر محمره..... ۴۱۳
۱۳۸. سواد نامه میرزامحمدعلی‌خان به حاجی جبّار مصلحت‌گذار بغداد راجع به مسائل مختلفه در روابط ایران و عثمانی........ ۴۱۶
۱۳۹. نامه نمایندگی انگلیس به میرزا آقاسی در تبریک مبادله عهدنامه ۴۲۱
۱۴۰. سوادنامه میرزا آقاسی به میرزامحمدعلی‌خان درخصوص حاصل و نتیجه عملی عهدنامه منعقده بین طرفین........ ۴۲۳
فهرست راهنما ۴۲۶

پیشگفتار

تاریخ ملتها همواره با تحولات و فراز و نشیب‌ها و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی همراه بوده است، که زمانی قرین پیشرفت و تعالی و گاهی باتلخی و ناکامی توأم می‌شده است؛ مللی که در این میدان از سیاست و رقابت جهانی عقب مانده‌اند با حسرت و تلخکامی آن صفحات را می‌بینند و ملتهایی که شاهد مقصود را دربرگرفته و کمال مطلوب را دریافته‌اند، با غرور و سربلندی به آن می‌نگرند. در این میان، پیرو هر مسلک و مکتبی که باشیم، این نکته را فراموش نمی‌توانیم کرد که زمامداران و رجال سیاسی و بزرگان و معاریف هر جامعه نقش نمایان و سازنده‌ای در ساختار جامعه و سربلندی و زبونی آن خواهند داشت و نیز مورخان و محققان بی‌نظر و منصف در پرداختن حقایق تاریخی، به مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و اطلاع از جنبش‌ها و تحولات فکری و فرهنگی بیش از سایر مسائل اهمیت می‌دهند.

اسناد تاریخی که نمایانگر این تحولات گذشته‌اند، نقش بسزایی در روشنگری اذهان جامعه، خصوصاً نسل جوان و آینده‌ساز کشور خواهند داشت و علل توانایی و ناتوانی گذشته و خادمین و خائنین را از یکدیگر متمایز و برای دریابندگان عبرت، راه سربلندی و سعادت را نمایان می‌سازند. تاریخ دوره قاجاریه به ویژه روابط ایران و عثمانی و مذاکرات چهار ساله ارزنةالروم و نیز «روند انعقاد عهدنامه دوم ارزنةالروم» که موضوع این کتاب را شامل می‌گردد، طبق اسناد و مدارک موجود در این کتاب از توانایی‌ها و ناتوانی‌های رجال سیاسی ایران حکایت دارد. ماجراهای سیاسی آن دوران و کارنامه بسیاری از زمامداران از این اسناد به خوبی نمایان است. بجز معدودی از رجال پاکدامن و کاردان و باایمان، اغلب کسانی که بر مقدّرات این مرزوبوم حاکم بوده‌اند، افرادی ناآگاه و فاقد هرگونه کارایی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بوده و آلت فعل سیاست بیگانه به شمار می‌آمدند و مقام و منافع خویش را بر مصالح و حقوق ملّت و مملکت ترجیح می‌دادند. ازجمله رجال کاردان و باکفایتی که اسناد زیادی از لیاقت و توانایی او در مذاکرات ارزنةالروم و حفظ حقوق ایران، در انعقاد عهدنامه دوم ارزنةالروم، در این کتاب

گردآوری شده است، میرزاتقی‌خان امیرکبیر است. همچنین از جمله رجال بی‌کفایت و ناتوانی که اسناد متعددی از او در تسلیم‌شدن به خواست وزرای مختار روس و انگلیس و تن دادن به «ایضاحات اربعه» در این کتاب آورده شده است، میرزامحمدعلی‌خان شیرازی است. مطالعه و مقایسه این قبیل اسناد تصویر روشنی از شناخت گذشته ایران و نیز شناخت رجال خائن و خادم در اختیار ما قرار می‌دهد.

خوشبختانه با فراهم شدن زمینه مطالعه و انتشار اسناد تاریخی وزارت امورخارجه برای مورخان و محققان، آنها می‌توانند موضوعات مورد علاقه خود را متناسب با نیازهای کشورمان انتخاب کرده و به بررسی و تحقیق بپردازند و سپس نتایج آن را به یاری واحد نشر اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی که زیر نظر شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد فعالیت دارد، انتشار دهند.

این جانب از تلاش و زحمات صادقانه معاون محترم آموزش و پژوهش وزارت امورخارجه و جناب آقای محمدحسن کاووسی عراقی سرپرست اداره انتشار اسناد و نیز از جناب آقای نصرالله صالحی کارشناس اداره مزبور به جهت تهیه و تدوین این کتاب که با نهایت درایت به این مهم اقدام نموده‌اند، تشکر می‌نماید و توفیق آنان را از خداوند متعال مسئلت دارد.

سیدکمال خرازی

وزیر امور خارجه

و

رئیس شورای عالی نظارت بر تدوین و نشر اسناد

عثمانی وارد جنگ شد ۱۲۳۸ ق (۱۸۲۳ م). با پیشرویهای محمدعلی میرزا فرمانده سپاه ایران، در قلمرو عثمانی، قسمت اعظم بین‌النهرین به تصرف سپاهیان ایران درآمد و بغداد محاصره شد. در اثر محاصره هشت ماهه بغداد، دولت عثمانی خواستار متارکه جنگ و شروع مذاکرات طرفین برای نیل به صلح شد. مذاکره صلح در ۱۲۳۸ ق در شهر ارزنةالروم میان رئوف پاشا حاکم آن دیار و میرزامحمدعلی آشتیانی نماینده ایران که از سوی قائم مقام مأموریت یافته بود آغاز گردید. مذاکرات با توافق طرفین جهت انعقاد قرارداد صلح پایان یافت و در تاریخ نوزدهم ذیقعده ۱۲۳۸ ق عهدنامه اول ارزنةالروم بین دو دولت منعقد شد.[۹]

با انعقاد این عهدنامه هرچند بین دو کشور صلح برقرار گردید اما «ریشه اختلاف و مسائل مورد ستیز، همچنان بجای ماندند.»[۱۰] زیرا طرفین در گفتگوهای صلح از حد کلیات فراتر نرفتند، درحالی که دامنه اختلاف طرفین بسیار گسترده و راه‌حل آنها بس ناهموار بود.[۱۱] بنابراین، عهدنامه اول ارزنةالروم نه تنها اختلافها و مسائل موجود میان دو کشور را بطور قطع حل و فصل نکرد، بلکه با پایان یافتن سلطنت فتحعلی‌شاه و از نخستین سال سلطنت محمدشاه ۱۲۵۰ ق (۱۸۳۴ م) حوادث و اتفاقات جدیدی روی داد که هر یک به نوبه خود در هرچه تیره‌تر کردن روابط دو کشور نقش مهمی داشتند. اهم این حوادث از قرار ذیل بود:

حمله به کاروانی از بازرگانان ایرانی در خاک عثمانی در سال ۱۲۵۰ و غارت کالاها و اموال آنها. حمله ایلات مرزنشین عثمانی به خوی و قطور در سال ۱۲۵۱. حمله علیرضا پاشا، حاکم بغداد، به خرمشهر و قتل و غارت مردم آن شهر در سال ۱۲۵۳. این حمله[۱۲] زمانی صورت گرفت که محمدشاه مشغول محاصره شهر هرات بود. غیر از این حوادث؛ اتفاقات دیگری نیز در سالهای بعد صورت گرفت که روابط دو کشور را هرچه بیشتر تیره کرد. ازجمله در سال ۱۲۵۷ والی سلیمانیه که توسط دولت عثمانی برکنار شده بود، به ایران پناهنده شد. دولت ایران به والی کردستان دستور داد تا والی سلیمانیه را بر حکومت آنجا برساند و سلطه ایران را در آنجا استوار کند. در سال ۱۲۵۸ نجیب‌پاشا والی بغداد با حمله به شهر کربلا، قتل‌عام وحشتناکی از ایرانیان و شیعیان به راه انداخت. به این ترتیب از آغاز سلطنت محمدشاه؛ (۱۲۵۰) تا سال ۱۲۵۸ سلسله وقایعی که به برخی اشاره

شد، میان ایران و عثمانی اتفاق افتاد که بر هرچه تیره‌تر شدن روابط افزود و دو کشور را در آستانه جنگ قرار داد. از آنجاکه در اکثر وقایع اتفاقیه حق و حقوق دولت و اتباع ایران تضییع شده بود، محمدشاه چند بار به تجهیز و بسیج سپاه برای مقابله با عثمانی فرمان داد. اما از آنجایی که نه دولت عثمانی آماده جنگ بود و نه دولت‌های روس و انگلیس راضی به وقوع جنگ بودند؛ نمایندگان دو دولت مزبور در تهران و استانبول برای یافتن راه‌حلی مسالمت‌آمیز جهت جلوگیری از وقوع جنگ و برخود نظامی به تکاپو برخاستند.[۱۴] در این خصوص کلنل شیل وزیر مختار انگلیس در تهران در نامه ۴ جمادی‌الاول ۱۲۵۸ خطاب به وزیر امورخارجه نوشت:

«... هر دو دولت از یکدیگر شاکی‌اند و پرظاهر است که از برای هیچ کدام رسم تلافی‌نمودن منفعتی ندارد. اگر در حقیقت اراده دارند که بکلی رفع این غائله بشود باید مطالبات گزاف راکنار گذارده آن وقت بسیار آسان می‌شد که شکایات دولتین از میان برخواسته شود، حال در نظر دوستدار مصلحت چنان اقتضاء می‌کند که دولت علیّه ایران کسی را به زودی روانه اسلامبول کرده در آن جا با رجال دولت عثمانی اظهار وقوع این گونه رفتارات ... نماید و هم این دفعه سعی کامل در دفع و رفع سایر شکایات بین‌الدولتین آورند و از برای این که این امر زودتر و آسان‌تر بگذرد راهنمایی می‌نماید که دولت علیّه ایران خوب است از یکی از دولت‌های فرنگ خواهش دولتی نمایند که ایلچی بزرگ خود را در اسلامبول مأمور کنند که نهایت سعی در تدارک این امر به قسمی به عمل آورد که ایلچی از برای طرفین موافق انصاف باشد. معلوم است اگر دولت علیّه ایران کسی را مأمور به گذراندن این امر نمایند باید چنان کسی باشد که نه تنها به عقل موصوف باشد بلکه امانت و صداقت او لازم‌تر است. زیرا اگر مطالبات زیاد اظهار دارد یا گفتگویی نماید که بیان واقع نباشد البته باعث تعویق و تأخیر و بی‌زاری خواهد بود، و اگر امنای دولت علیّه ایران به قسمی که اظهار شده به طریق استقامت و مدارا و انصاف

معمول دارند امید کلی دارم که شکایات بین‌الدولتین از میان برداشته خواهد شد و اگر نشود، بر جمیع دولت‌های عالم معلوم خواهد شد که دولت علیه ایران می‌خواست که به طریق ملایمت و مدارا و اصلاح این امر را بگذراند و امیدوارم که امنای دولت علیّه ایران اعتقاد خواهند فرمود که اظهار این سخنان محض این است که خواهش دولت علیّه انگلیس را که التیام و اتحاد بین‌الدولتین ایران و روم باشد به عمل آورم بسیار مذموم است که میانه دو دولت همسایه و نزدیک که تنها دولت بزرگ اسلام‌اند بُعد و عداوت باشد و هم یقین است که اگر انفصال و انقطاع عظیم واقع می‌شد دشمنان ایران و روم خوشحال می‌گشتند و مشکل بود که از برای طرفین فایده و نفعی داشته باشد بلکه موجب ضرر خطیر به جهت جانبین می‌گشت ...»[۱۵]

شیل در مراسله دیگر به تاریخ ۲۱ رمضان ۱۲۵۸ خطاب به وزیر امورخارجه، به دولت ایران اطمینان خاطر داده است که نماینده انگلیس در عثمانی در مذاکرات دو کشور عادلانه و بیطرفانه وساطت خواهد کرد. او می‌نویسد: «... و هم دولت ایران مطمئن باشید که ایلچی مذکور هر قسم تکلیفی که با امنای دولت ایران به میان می‌آورد ملاحظه خیریت و شأن دولت ایران را چنان خواهد نمود که کمتر از خیریّت و شأن دولت روم نخواهد بود ...»[۱۶]

چنانکه از این مراسلات پیداست بحث تشکیل یک مجمع بین‌المللی برای رسیدگی و حل و فصل نهایی اختلافات ایران و عثمانی از اوایل سال ۱۲۵۸ به طور جدّی مطرح شده است و با وقوع قتل‌عام کربلا در ۱۱ ذیحجه ۱۲۵۸، انگیزه سه دولت روس و انگلیس و عثمانی برای پیشگیری از وقوع جنگ بین دو کشور بیش از پیش افزایش یافته و عزم‌شان برای تشکیل کنفرانس جهت مذاکرات صلح راسخ‌تر شده است. دولت ایران نیز که در واقع در رأس آن حاجی میرزا آقاسی قرار داشت و رأی و تصمیم او لازم‌الاجرا بود بنابه حسن‌نیتی که به وساطت وزرای مختار روس و انگلیس داشت، با نشان دادن تمایل به پیشنهاد و تقاضای تشکیل انجمنی متشکل از نمایندگان چهار دولت، عملاً و رسماً راه را برای تشکیل کنفرانس ارزنةالروم هموار کرد. بنابراین در اواخر سال ۱۲۵۸

قمری تصمیم قطعی برای تشکیل کنفرانس گرفته شد و «در هفته اول محروم ۱۲۵۹ قمری (هفته اول فوریه ۱۸۴۳) همه نمایندگان، بجز میرزا جعفرخان مشیرالدوله نماینده ایران که در راه عزیمت به آنجا در ذیحجه ۱۲۵۸ در تبریز سخت بیمار گردیده بود، در ارزنة‌الروم گرد آمدند.»[۱۷] بجای مشیرالدوله، میرزاتقی‌خان وزیر نظام معین گردید.[۱۸] و در ماه صفر ۱۲۵۹ از سوی محمدشاه فرمانی که در واقع اختیارنامه یا وکالت‌نامه او برای شرکت در کنفرانس ارزنة‌الروم بود، صادر گردید. محمدشاه در فرمان خود خطاب به میرزاتقی‌خان نوشته بود:

«... از آنجا که، آن عالیجاه از تربیت‌یافتگان و عمدهٔ چاکران دربار فلک مدار، و به مزید شایستگی و استعداد و کفایتی چند که در خدمات دولت قوی بنیاد از او به ظهور رسیده، محل وثوق و اعتماد خاطر آفتاب مظاهر اقدس شهریاری از حسن درایت و کفایت و کاردانی آمده، در این وقت که وکلای دولتین فخیمتین روم و روس و انگلیس در سرحدّ حاضر و مجتمع گشته‌اند، آن عالیجاه را نیز از جانب سنی‌الجوانب همایون وکیل و مأمور فرمودیم که به محض زیارت این مبارک منشور قضا دستور، روانه ارزنة‌الروم گشته، با وکلای دول ثلاثه ملاقات حاصل و از قراری که، اولیای دولت قاهره به آن عالیجاه دستورالعمل داده‌اند، مطالب دولت علیّه را صورت انجام داده معاودت نماید.»[۱۹]

میرزاتقی‌خان با این فرمان اواخر ماه ربیع‌الاول ۱۲۵۹ به همراه هیأتی دویست نفره از افراد لشکری و کشوری رهسپار ارزنة‌الروم شد.[۲۰] کنفرانس از اواسط ربیع‌الثانی با حضور نمایندگان چهار دولت تشکیل شد. نمایندگان دولت‌های چهارگانه مرکب بودند از: میرزاتقی‌خان از ایران، انور افندی از عثمانی، کلنل ویلیامز[(۱)] و ماژور فرانت[(۲)] و ربرت کرزن[(۳)] از انگلیس، کلنل دنیس[(۴)] یا (دنیز) و پرسریاکف[(۵)] و موخین[(۶)] از

---

1. Col. Williams
2. Maj. Ferrant
3. R. Corzon
4. Col. Dainese
5. Proseuriakof
6. Moukine

روسیه. نمایندگان ایران و عثمانی از لحاظ حقوقی، نماینده «مختار» بودند. یعنی طرف اصلی مذاکره و مأمور امضاء عهدنامه بودند. اما نمایندگان روس و انگلیس عنوان «کمیسر» داشتند که به فارسی «مأمور واسطه» تلقی می‌شدند. به عبارت دیگر «از نظر حقوق بین‌الملل عمومی، مسئولیتی به عهده آنان نبود بلکه با بکار بردن «مساعی جمیله» و «میانجیگری»، در تسویه اختلاف ایران و عثمانی کوشش داشتند ـ و اصطلاح «حُسن توسط» هر دو مفهوم مزبور را می‌رساند.»[۲۱]

ب) روند انعقاد عهدنامه

کنفرانس ارزنةالروم در واقع «نخستین مجمع بین‌الملل بود که اختلافهای دیرینه ایران و عثمانی، با شرکت مأموران میانجی انگلیس و روس» در آن مورد گفتگو قرار گرفت، نخستین جلسه رسمی کنفرانس در ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۵۹ (۱۵ مه ۱۸۴۳) منعقد گشت. کنفرانس ارزنةالروم را باید به دو دوره متمایز تقسیم کرد:

دوره نخست که شامل هیجده مجلس مذاکره بود. مجلس اول در ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۵۹ با افتتاح کنفرانس آغاز گردید، و مجلس هیجدهم در تاریخ دهم صفر ۱۲۶۰ (۲ مارس ۱۸۴۴) تشکیل یافت. در جلسه‌های هیجده‌گانه مزبور از همه مسائل مورد اختلاف ایران و عثمانی، گفتگو شد،[۲۲] نمایندگان دو کشور حرفهای خود را زدند و از ادعاهای دولتشان دفاع نمودند. مأموران واسطه روس و انگلیس هم پرسشها و نکته‌جوییهایی می‌کردند. دوره دوم کنفرانس از اواسط ۱۲۶۱ تا ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۲۶۳ (۲ ژوئن ۱۸۴۷) که پیمان بسته شد، ادامه یافت.[۲۳] در این دورهٔ کنفرانس، به تدوین و نگارش مواد عهدنامه پرداختند.[۲۴] اما امضاء عهدنامه از سوی مأموران دو دولت به معنی پایان قطعی دعاوی طرف مقابل نبود. زیرا طرف عثمانی با ایجاد اشکال‌تراشی در جریان مبادله تصدیق‌نامه‌های عهدنامه درصدد القاء تفسیر به رأی از برخی مواد عهدنامه به مأمورین دول واسطه جهت تغییر محتوی برخی مفاد پیمان منعقده بود. توضیح آن‌که بعد از امضای عهدنامه میرزاتقی‌خان به سوی ایران بازگشت. در راه با میرزامحمدعلی‌خان شیرازی «نایب وزارت دول خارجه» که به سفارت فرانسه می‌رفت، دیدار کرد و او را در جریان انعقاد عهدنامه گذاشت. وزیر نظام روانه تبریز و تهران شد، و میرزامحمدعلی‌خان از

طریق عثمانی رهسپار پاریس گردید. بر طبق ماده نهم عهدنامه می‌بایست:

«حداکثر تا دو ماه پس از امضای آن ترتیب تصویب و مبادله تصدیق‌نامه‌های آن از جانب دو دولت داده شود. محمدشاه آن را تصویب کرد. میرزامحمدعلی‌خان هنوز در پاریس بود که از دولت دستور رسید که «بزودی به اسلامبول معاودت کرده امر مبادله را به انجام برساند.»[۲۵] از آنجا راهی شد و در هفدهم محرم ۱۲۶۴ به پایتخت عثمانی وارد گردید. میرزا جواد که عهدنامه را همراه آورده بود، به او سپرد.[۲۶] ترکان در تصویب پیمان دست نگاه داشته، و مبادله آن را مشروط بدان کرده بودند که چهار مطلب را که به صورت «ایضاحات» تهیه کرده و نمایندگان روس و انگلیس نیز آنها را تأیید نموده بودند مورد قبول ایران قرار گیرد، وگرنه دولت عثمانی حاضر به مبادلهٔ عهدنامه نخواهد گشت. ترکان که در کنفرانس ارزنة‌الروم نتوانسته بودند با گنجاندن ماده دهم در قرارنامه، موضوع مبادلهٔ آن را معلق گردانند، و از برخی مواد آن خاصه حاکمیت ایران بر محمره و شط‌العرب خرسند نبودند ـ حال بنای اشکال‌تراشی را نهاده، نغمه ایضاحات[۲۷] را که در معنی تجدید نظر عهدنامه بود، ساز کردند.»[۲۸]

میرزامحمدعلی‌خان در نخستین واکنش به مسأله ایضاحات، صریحاً با قبول آن به مخالفت برخاست و در اواخر محرم ۱۲۶۴ طی نامه‌ای به نمایندگان دول واسطه مقیم استانبول نوشت: «... در این باب به هیچ قسم نمی‌تواند کاغذی بدهد و سؤال و جواب را قبول نماید زیرا که بکلی با مأموریت و دستورالعمل دوستدار مخالفت دارد. لهذا استدعای عاجزانه دوستدار این است که به چیزی که دوستدار مختار نیست و مأموریت از پادشاه ولی‌نعمت خود ندارد و جناب حاجی میرزا آقاسی که آقا و بزرگ من است به من دستورالعمل نداده است، تکلیف نفرمایند ...»[۲۹] نمایندگان دول واسطه که بر سؤالات چهارگانه (استیضاح) دولت عثمانی جواب‌های (ایضاحات اربعه) مقبول آن دولت نوشته و اصرار داشتند که میرزامحمدعلی‌خان با قبول و امضای آنها به مبادله تصدیق‌نامه‌های عهدنامه مبادرت ورزد؛ طی نامه‌ای در پاسخ به میرزامحمدعلی‌خان او را به قبول

ایضاحات اربعه ترغیب کرده و تأکید نموده بودند که در صورت عدم قبول؛ عهدنامه از جانب دولت عثمانی ابطال خواهد شد.[۳۰] میرزا محمدعلی‌خان تحت تأثیر و فشار و تهدید و احیاناً تطمیع[۳۱] نمایندگان دول واسطه به قبول و امضای ایضاحات تن داد.[۳۲] او بعد از قبول ایضاحات، طی سه گزارش بلند به تاریخ ۲۸ صفر، ۱۴ و ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۲۶۴، خطاب به میرزا آقاسی؛ تلاش کرد تا تن دادن به ایضاحات را به نوعی توجیه نموده و قبول آن را امری اجتناب‌ناپذیر توصیف نماید.[۳۳] بعد از امضا و قبول ایضاحات اربعه از جانب میرزامحمدعلی‌خان، که موجب جلب رضایت دولت عثمانی و نمایندگان واسطه شد؛ در یک مجلس رسمی که در خانه جناب عالی پاشا وزیر دول خارجه عثمانی برگزار شده بود، در ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۴ تصدیق‌نامه‌های عهدنامه دوم ارزنةالروم توسط میرزامحمدعلی‌ـخان و عالی پاشا در حضور سفرای دول واسطه رسماً مبادله شد.[۳۴] و مذاکرات چهارساله ارزنةالروم پایان یافت.

روش تدوین اسناد در این کتاب

اسناد گردآوری شده در این کتاب حاصل مطالعه و بررسی دهها کتابچه سواد و اصل مکاتبات و نیز هزاران برگ از اسناد قدیمه است. با بررسی مجموعه‌های مزبور تلاش شد تا مهمترین اسناد مربوط به «مذاکرات ارزنةالروم» گزینش شده تا تصویر کاملاً روشنی از چهار سال مذاکرات بدست آید. علاوه بر این، کتابهای تاریخی و نیز مجموعه اسناد منتشر شده نیز مورد بررسی قرار گرفت تا با گزینش اسنادی از آنها که احیاناً در بین اسناد وزارت امورخارجه موجود نیست؛ مجموعه کاملی از اسناد مربوط به روند «انعقاد عهدنامه دوم ارزنةالروم» فراهم آید. ازجمله می‌توان به دو فرمان محمدشاه به میرزاتقی‌خان اشاره کرد که اصل و سواد آن در دست نبود لذا از کتاب «اسناد و مکاتبات تاریخی ایران» که مجموعه اسناد آرشیو استانبول است، گزینش شد.[۳۵] همچنین فرمانی از حاجی میرزا آقاسی خطاب به میرزاتقی‌خان از کتاب ناسخ‌التواریخ اقتباس شد.[۳۶] چند مورد از سواد اسناد وزارت امورخارجه در کتاب «میرزاتقی‌خان امیرکبیر» آمده است که با تصحیح برخی اشتباهات در بازنویسی و یک مورد اشتباه در بازخوانی تاریخ سند[۳۷] همراه با تصاویر اسناد آورده شد.[۳۸] چند مورد از اسناد نیز که در جلد اول «گزیده اسناد

سیاسی ایران و عثمانی» آورده شده است، با ذکر مأخذ در این کتاب آورده شد.[۳۹] بیشتر از آن جهت که اگر اسناد مزبور آورده نمی‌شد، تصویر روشنی از «سیر و جریان» مذاکرات و «روند» انعقاد عهدنامه دوم ارزنة‌الروم بدست نمی‌آمد. از آنجایی که اسناد گردآوری شده در این کتاب دارای وحدت موضوعی زیادی بوده، و هر سند با اسناد قبل و بعد ربطی منطقی دارد، یافتن **تاریخ هر سند** برای رعایت ترتیب زمانی اسناد بسیار مهم بوده، لذا تلاش بسیار به عمل آمد تا با مقایسه محتوی و مضمون اسناد فاقد تاریخ با اسناد دارای تاریخ و نیز با سنجش شواهد و قرائن موجود در اسناد، تاریخ تقریباً دقیق اسناد مشخص گردد. و با رعایت ترتیب زمانی اسناد، تصویر دقیق و مشخصی از سیر و جریان مذاکرات و «روند انعقاد عهدنامه دوم ارزنة‌الروم» بدست آید.

در پایان از همکاری جناب آقای قانع‌زاده رئیس بایگانی اسناد وزارت امورخارجه و نیز جناب آقای محمدحسن کاووسی عراقی رئیس اداره انتشار اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی به جهت پاره‌ای توصیه‌های مفید و همچنین کمک در بازخوانی بعضی کلمات تشکر و سپاسگزاری می‌نمایم.

نصرالله صالحی

اداره انتشار اسناد

«یادداشت‌ها»

۱. برای اطلاع از شرح جنگ‌های ایران و عثمانی نگاه کنید به: خان‌بابابیانی: تاریخ نظامی ایران، جنگهای دوره صفویه، ستاد بزرگ ارتشتاران (تهران ۱۳۵۳)

۲. جعفری ولدانی، اصغر: بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، (تهران، ۱۳۷۰) ص ۴.

۳. این جنگ منجر به انعقاد عهدنامه اول ارزنةالروم بین دو کشور شد.

۴. جعفری ولدانی: پیشین، ص ۸

۵. عهدنامه‌های منعقده بین دو کشور بعد از عهدنامه دوم ارزنةالروم به این شرح است: پروتکل تهران ۱۳۲۹ ق (۱۹۱۱ م)، پروتکل استانبول ۱۳۳۱ ق (۱۹۱۳ م) و صورت جلسات منضم به آن، عهدنامه ۱۳۱۶ ش (۱۹۳۷ م) و عهدنامه مرزی و حسن همجواری سال ۱۳۵۴ ش (۱۹۷۵ م). به نقل از جعفری ولدانی: پیشین، ص ۹.

۶. آدمیت، فریدون: امیرکبیر و ایران، انتشارات خوارزمی (تهران، ۲۵۳۵) ص ۱۳۸.

۷. جعفری ولدانی: پیشین، صص ۲۷ و ۲۸.

۸. برای آگاهی از شرح تفصیلی جنگ مزبور و نیز علل متعدد وقوع آن نگاه کنید به منابع زیر:

الف) سپهر، میرزامحمدتقی لسان‌الملک: ناسخ‌التواریخ، انتشارات اسلامیه (تهران، ۱۳۴۴) جلد اول، صفحات ۳۳۰-۳۳۹.

ب) نفیسی، سعید: تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، انتشارات بنیاد (تهران، ۱۳۴۴) جلد دوم، صص ۲۰۲-۲۰۴.

ج) میرزا صالح، غلامحسین: اسناد رسمی در روابط ایران با انگلیس و روس و عثمانی، نشر تاریخ ایران (تهران، ۱۳۶۵) جلد اول، ص ۲۴۹.

د) نصیری، محمدرضا: اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)، انتشارات کیهان، (تهران، ۱۳۶۶) جلد اول، مقدمه کتاب و نیز اسناد متعدد آن.

ه) آدمیت: پیشین، صفحات ۶۳-۶۶.

۹. برای آگاهی از متن عهدنامه اول ارزنة‌الروم، نگاه کنید به سپهر: پیشین، جلد اول، صفحات ۳۴۰-۳۴۷.

۱۰. آدمیت: پیشین، ص ۶۷.

۱۱. برای آگاهی از مهمترین اختلافات و مسائل حل ناشده در عهدنامه مزبور، نگاه کنید به منبع پیشین، همان صفحه.

۱۲. تفصیل این واقعه را میرزاجعفرخان مشیرالدوله که در این موقع سفیر کبیر ایران در عثمانی بود در رساله «تحقیقات سرحدّیه» آورده است، نگاه کنید به:

مشیرالدوله میرزاجعفرخان: رساله تحقیقات سرحدیه، به اهتمام محمد مشیری، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران (تهران، ۱۳۴۸) صص ۳۴ و ۳۵.

۱۳. تفصیل کشتار کربلا در سال ۱۲۵۸ در منابع آن دوران آمده است، نگاه کنید به:

سپهر: پیشین (چاپ جهانگیر قائم مقامی)، جلد دوم، صص ۱۵۵ و ۱۵۶.

همچنین عباس اقبال به نقل از کتاب زنبیل فرهاد میرزامعتمدالدوله گزارش واقعه را در اثر زیر آورده است:

اقبال آشتیانی، عباس: میرزاتقی‌خان امیرکبیر، به کوشش ایرج افشار، چاپ تابان (تهران، ۱۳۴۰) صص ۳۵ و ۳۶.

راجع به قتل عام کربلا سندی نیز از حاجی میرزا آقاسی به صدراعظم عثمانی در همین کتاب آمده است. (سند شماره ۴ و نیز سند شماره ۷)

۱۴. مرحوم اقبال معتقد است که تلاش نمایندگان روس و انگلیس برای یافتن راه‌حل مسالمت‌آمیز؛ در واقع به درخواست سلطان عثمانی بوده است. او می‌نویسد: «در موقعی که محمدشاه به تحریک حاجی میرزاآقاسی ظاهراً برای تنبیه اشرار و الواط اصفهان و باطناً برای جنگ با عثمانی به این شهر حرکت کرده بود یعنی در اواخر سال ۱۲۵۵ سلطان عبدالمجیدخان به امپراطور روسیه متوسل شد تا میان ایران و عثمانی واسطه مذاکره شود و کار اختلافات بین این دو دولت از جمله مسائل سرحدی را به وسیله انجمن حل نماید.

امپراطور روسیه مراسله‌ای به محمدشاه نوشت و قرار شد که نمایندگان طرفین در انجمنی گِرد آیند و کلیه مسائل مورد اختلاف ازجمله قضیه محمره و خطوط سرحدّی را فیصل دهند.

متأسفانه مرحوم اقبال در این خصوص سندی ارائه نداده است: نگاه کنید به اقبال: پیشین، ص ۳۴.

۱۵. سند شماره ۱ (همین کتاب).

در اینجا بخشی از سند، علیرغم اطنابْ آورده شد بیشتر از آن جهت که این سند مشتمل بر چندین فقره موضوعات مهم است به ویژه علل و زمینه‌های برگزاری کنفرانس ارزنةالروم و نیز نقش میانجیگری وزیر مختار انگلیس را از پیش از تشکیل کنفرانس مزبور روشن می‌کند.

۱۶. سند شماره ۲.

۱۷. آدمیت: پیشین، ص ۷۰.

۱۸. برخی از مورّخین همان دوره نظیر نادر میرزا و جهانگیر میرزا معتقد بودند که حاجی‌میرزاآقاسی به دلیل رشک و حسادتی که نسبت به میرزاتقی‌خان داشت، خواست با روانه کردنش به ارزنةالروم، مدتی او را از ایران رانده باشد. در این خصوص نگاه کنید به:

نادرمیرزا: تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، (تهران ۱۳۲۳ ق)

جهانگیرمیرزا: تاریخ نو، به کوشش عباس اقبال، شرکت سهامی چاپ (تهران ۱۳۲۷)

آدمیت ضمن قبول تلویحی نظر این دو مورخ، درخصوص علت انتخاب میرزاتقی‌خان؛ «کازدانی» او را دلیل اصلی انتخاب وی دانسته است. نگاه کنید به آدمیت: پیشین، ص ۷۰.

۱۹. سند شماره ۵.

۲۰. مرحوم اقبال به اشتباه سال ۱۲۶۰ را زمان عزیمت میرزاتقی‌خان به ارزنةالروم ذکر کرده است و نیز بنابه عدم اطلاع ازکم و کیف مذاکرات ارزنةالروم و کیفیت انعقاد عهدنامه دوم ارزنةالروم نوشته است: «بدبختانه به علت دست نداشتن به اسناد رسمی درست معلوم نیست که مدت اقامت بالنسبه طویل امیر در ارزنةالروم (نزدیک به چهار سال)

چگونه گذشته حتی تاریخ صحیح حرکت و عده همراهان او که جزء نمایندگان ایران محسوب می‌شده‌اند معلوم نیست. همین قدر مسلم است که او در اوایل سال ۱۲۶۰ به این مأموریت رفته و در ۱۲۶۳ به ایران برگشته است.» نگاه کنید به اقبال: پیشین، ص ۳۹. برخلاف نظر اقبال اسناد تدوین شده در این کتاب به طور دقیق و جز به جزء جریان مذاکرات و روند انعقاد عهدنامه ارزنة‌الروم و نیز مسائل بعدی را نشان می‌دهد. همچنین نه تنها «عده همراهان» میرزاتقی‌خان مشخص است بلکه اسامی و مشخصات هر یک نیز معلوم است. آدمیت در صفحات ۷۱ و ۷۲، امیرکبیر و ایران، مشخصات هیأت همراه امیر را بدست داده است.

۲۱. آدمیت: پیشین، ص ۷۲.

۲۲. میرزاتقی‌خان در پایان هر جلسه از کنفرانس، صورت جلسه تنظیم شده را به همراه گزارش مستقل خود جهت استحضار شاه و صدراعظم، به تهران ارسال می‌داشت. متأسفانه در بین اسناد وزارت امورخارجه از بین هجده صورت مجلس تنها یازده مورد موجود است. این یازده مورد در فصل پنجم، جلد اول «گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی» منتشر شده است. بنابراین هفت مورد از صورت جلسه‌ها موجود نیست. (صورت‌جلسه‌های چهارم، ششم، دهم، سیزدهم، پانزدهم، شانزدهم و هفدهم) یقیناً میرزاتقی‌خان صورت جلسه‌های هیجده‌گانه را ارسال داشته است. چنانکه آدمیت در صفحات ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ کتاب «امیرکبیر و ایران» به صورت جلسه دهم و پانزدهم که اکنون در بین اسناد وزارت امورخارجه موجود نیست، اشاره و استناد کرده است. نگارنده برای یافتن صورت جلسه‌های مزبور جهت رفع نقیصهِ فصل پنجم کتاب یادشده و نیز تکمیل اسناد این کتاب، در قسمت‌های مختلف بایگانی اسناد وزارت امورخارجه جستجوی بسیار نمود، اما متأسفانه توفیقی نیافت.

تذکر این نکته ضروری است که بجز میرزاتقی‌خان نمایندگان مأمور سه دولت دیگر نیز با ارسال صورت جلسه‌ها و گزارشهای خود، دولت‌های متبوعشان را در جریان مداوم گفتگوها و مذاکرات کنفرانس قرار می‌دادند. در جامع‌ترین و دقیق‌ترین تحقیق و تحلیلی که از سوی آدمیت درخصوص کم و کیف جریان کنفرانس ارزنة‌الروم صورت گرفته است، تنها صورت جلسه‌ها و گزارشهای میرزاتقی‌خان و گزارشهای متعدد نماینده

انگلیس به فراوانی مورد اشاره و استناد قرار گرفته است. لذا تاکنون صورت جلسه‌ها و گزارشهای دو نماینده مأمور روس و عثمانی در تحقیقات فارسی مورد استفاده کسی قرار نگرفته است. اگر ترجمه گزارشهای مزبور نیز در اختیار می‌بود، شاید تصویر روشن‌تر و همه‌جانبه‌تری از جریان مذاکرات و روند انعقاد عهدنامه دوم ارزنةالروم بدست می‌آمد.

۲۳. بنابراین کنفرانس ارزنةالروم به حساب سنوات قمری چهار سال و دو ماه و یک روز به طول انجامید.

۲۴. آدمیت: پیشین، صص ۷۶ و ۷۷.

۲۵. نگاه کنید به اسناد: ۱۱۱، ۱۱۲ و ۱۱۳.

۲۶. نگاه کنید به اسناد: ۱۱۵ الی ۱۱۸.

۲۷. نگاه کنید به اسناد: ۱۲۱ الی ۱۲۸ و سند ۱۳۵. لازم به تذکر است که اسناد مربوط به «ایضاحات» جامع‌ترین و منسجم‌ترین اسناد گردآوری شده در این کتاب است. اسناد مزبور تصویر کاملاً روشنی از قضیه «ایضاحات» ارائه می‌دهند.

۲۸. آدمیت: پیشین، ص ۱۴۰.

۲۹. سند شماره ۱۲۱.

۳۰. نگاه کنید به سند شماره ۱۲۶.

۳۱. مؤلف ناسخ‌التواریخ به گرفتن رشوه از سوی میرزامحمدعلی‌خان اشاره کرده است. سپهر می‌نویسد: «میرزامحمدعلی‌خان گفت من اجازت ندارم که سجلی بسپارم وی اجازت دولت سجل مرا چه محل خواهد بود کارداران روم وزرای دولت روس و انگلیس را برانگیختند و ایشان میرزامحمدعلی‌خان را اطمینان خاطر دادند که ما حاجی میرزا آقاسی را بدین توضیحات راضی کنیم و از قبل سلطان روم چهار هزار تومان جایزه که در معنی رشوه بود او را دادند، و سجلی از او گرفتند آنگاه عهدنامه را مبادله کردند.» سپهر: پیشین، جلد ۳، ص ۱۱۶.

۳۲. سند شماره ۱۲۷.

۳۳. نگاه کنید به سه سند ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۵.

۳۴. نگاه کنید به اسناد ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴.

۳۵. اسناد: ۵، ۳۰، ۳۱، ۷۱.

۳۶. سند شماره ۵۸.

۳۷. سند شماره ۸۷. در کتاب مزبور تاریخ سند ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۲ ذکر شده که صحیح آن ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ است.

۳۸. اسناد شماره ۲۶، ۳۸، ۴۰، ۴۲-۴۴، ۵۷.

۳۹. اسناد شماره ۳۳، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۹. (لازم به یادآوری است که مجموعه هفت جلدی «گزیده اسناد ایران و عثمانی به همت و کوشش آقای محمدحسن کاووسی عراقی - رئیس اداره انتشار اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه - تهیه و تدوین شده است).

اسناد سال ۱۲۵۸

سند شماره ۱

تاریخ: ۴ جمادی‌الاول ۱۲۵۸

ترجمه سوادِنامه وزیر مختار انگلیس به وزیر امورخارجه

ترجمه کاغذی که عالیجاه کلنل[1] شیل صاحب در جواب جناب وزیر دول خارجه نوشته و همراه اصل کاغذ [ی] که در انگلیس نوشته‌اند ارسال داشته‌اند. تاریخ چهاردهم شهر جمادی‌الاول ۱۲۵۸.

کاغذی که آن جناب درباب چپاولی که در این تازگی از طایفه اکراد سلیمانیه تابع دولت عثمانی در خاک اردلان متعلق به دولت علیّه ایران واقع شده است قلمی و در جوف آن مراسله به جهت جناب ایلچی بزرگ دولت علیّه انگلیس مقیم استانبول ارسال و خواهش نموده بودند که مراسله مذکور را ترجمه کرده با ترجمه کاغذی که آن جناب به جهت خود دوستدار نوشته بودند و ترجمه کاغذ میرزا هدایت وزیر که تفصیل و چگونگی آن حادثه را نوشته است نزد جناب ایلچی معظم‌الیه فرستاده شود واصل آمد. در جواب آن قلمی می‌گردد که به زودی فرصتی خواهد یافت و خواهش امنای دولت علیّه ایران را به عمل خواهد آورد و هم ترجمه جمیع آن نوشتجات را خدمت جناب جلالت نصاب لرد[2] ابردین وزیر امورخارجه دولت علیّه انگلیس ارسال خواهد داشت. چند کلمه که نسبت به این امر شایسته دارد لازم دانست که به سمع امنای دولت علیه ایران برساند. ظاهراً چنین به نظر می‌آید که خود دولت عثمانی در این مقدمه که به خاک ایران وارد شده است مداخلت نداشته باشد زیرا که این اوقات گماشته از خود به جهت تعیین و تشخیص امر عمدهٔ سرحد دولتین ایران و روم به توسط سفیری از دولت‌های فرنگ مأمور کرده‌اند در چنین صورت استعباد کلی دارد که خود دولت محرک امور عنادآمیز شود و این هم بر دست‌آویزی نخواهد بود چراکه هرگاه این امر بی‌اطلاع دولت عثمانی واقع شده باشد می‌توان به خوبی و سهولت رفع آن را کرد. خلاصه هرچند

این ضرری که حال واقع شده است از سایر اوقات عظیم‌تر است اما در حقیقت چندان تفاوتی نخواهد داشت. از عداوت و نزاعی که همیشه در میان ایلات اکراد متداول بوده است، آن جناب مطلع‌اند که آن قسم نظم و نسقی که در سایر بلاد ایران و روم معمول است در سرحدات نیست و همه[۳] می‌دانند که ایلات مکری و اردلان و به‌به و بلباس و غیره همیشه یکدیگر را چپاول نموده‌اند و هرگز کسی از آنها مواخذه نکرده است و این که این دفعه امنای دولت علیه ایران پاپی این مقدمه شده‌اند به جهت زیادتی ضرری است که از آنها رسیده است و با وجودی که ضررش هم بسیار است دوستدار متوقع است که آن جناب در خاطر داشته باشند که در چنین اوقات کارکنان طرفین از حقیقت امری که وقوع یافته است هم ضررش زیادتر اظهار می‌دارند و هم رفتار را برتر از کاغذ وزیر، هرگاه درست بفهمم باید چنان معلوم می‌شود که محمودپاشا حاکم سابق سلیمانیه که به ایران فرار کرده بود، جمعیتی در اردلان فراهم آورده که بر سر سلیمانیه رفته باشد اگر فی‌الواقع چنین باشد و حکام اردلان هم عزیمت او را به خاک روم می‌دانستند و اغماض کردند البته آن جناب قبول خواهند کرد که چندان غرابت ندارد که حاکم سلیمانیه هم سبقت جسته و جمعیتی بر سر حاکم اردلان آورده باشد و گویا مردمانی که از اکراد با نظم‌تر باشند به همین منوال معمول می‌داشتند گذشته از خرابی محمره که می‌گویند به اذن جناب پاشای بغداد بوده است، سالها است که حاکم سرحدات ایران و روم خود را بر این داشته‌اند که در هنگام فرصت یکدیگر را غارت نمایند و نتیجه این رفتار باعث ضرر دولتین شده است، شاید زیادتر از برای رعایای دولت علیه ایران و از آن گذشته عوض اتحاد و خرسندی که چندین منفعت به جهت دولتین ایران و روم دارد مورث کلفت و نقار هم گشته است و گویا این قاعده نهب نُه سال پیش از این در عهد حکومت نواب جهانگیر میرزا متداول شده باشد. دولت علیه ایران چند شکایت از دولت عثمانی دارند: یکی خرابی مرکوار است که میر رواندوز[۴] کرده بود. و یکی خرابی محمره است که ضرر خطیر به مال‌التجاره تبعه دولت علیه ایران رسیده است و یکی این چپاول تازه است و بعضی هم در مواد جزئیه. و از آن طرف نیز دولت عثمانی را چندین شکایت است: که یکی این است که می‌گویند دولت ایران محال زهاب را که خاک روم است چندین وقت است در تصرف خود داشته و می‌دارند و این معنی را هم شنیده‌ام که دولت علیّه ایران تکذیب نمی‌کند. یکی دیگر این است که دولت ایران در امور دولت روم مداخله نموده‌اند چنان

که می‌خواستند در محال سلیمانیه که خاک روم است پاشا تعیین کنند اگرچه مخالف رأی آن دولت باشد. یکی دیگر آن که افواج نظامی آذربایجان تحت حکم حسین پاشاخان با توپخانه بر سر سلیمانیه فرستاده شده است و یک دفعه یا بیشتر سلیمانیه را غارت کرده‌اند. باری اگرچه دوستدار اراده بحث که آیا حق به کدام طرف است ندارد ولی این فقرات را در میان آورد که معلوم شود که هر دو دولت از یکدیگر شاکی‌اند و پرظاهر است که از برای هیچ کدام رسم تلافی‌نمودن منفعتی ندارد. اگر در حقیقت اراده دارند که بکلی رفع این غائله بشود باید مطالبات گزاف را برکنار گزارده آن وقت بسیار آسان می‌شد که شکایات دولتین از میان برخواسته شود حال در نظر دوستدار مصلحت چنان اقتضاء می‌کند که دولت علیه ایران کسی را به زودی روانه استانبول[5] کرده در آن جا با رجال دولت عثمانی اظهار وقوع این گونه رفتارات و مطالبه خساراتی که در اردلان رسیده است به طوری که خود را محق می‌دانند نماید و هم این دفعه سعی کامل در دفع و رفع سایر شکایات بین‌الدولتین آورند و از برای این که این امر زودتر و آسان‌تر بگذرد راهنمایی می‌نماید که دولت علیّه ایران خوب است از یکی از دولت‌های فرنگ خواهش دولتی نمایند که ایلچی بزرگ خود را در استانبول مأمور کنند که نهایت سعی در تدارک این امر به قسمی به عمل آورد که از برای طرفین موافق انصاف باشد. معلوم است اگر دولت علیّه ایران کسی را مأمور به گذراندن این امر نمایند باید چنان کسی باشد که نه تنها به عقل موصوف باشد بلکه امانت و صداقت او لازم‌تر است زیراکه اگر مطالبات زیاد اظهار دارد یا گفتگویی نماید که بیان واقع نباشد البته باعث تعویق و تأخیر و بیزاری خواهد بود و اگر امنای دولت علیّه ایران به قسمی که اظهار شده به طریق استقامت و مدارا و انصاف معمول دارند امید کلی دارم که شکایات بین‌الدولتین از میان برداشته خواهد شد و اگر نشود بر جمیع دولت‌های عالم معلوم خواهد شد که دولت علیّه ایران می‌خواست که به طریق ملایمت و مدارا و اصلاح، این امر را بگذارند و امیدوارم که امنای دولت علیّه ایران اعتقاد خواهند فرمود که اظهار این سخنان محض این است که خواهش دولت علیّه انگلیس را که التیام و اتحاد بین‌الدولتین ایران و روم باشد به عمل آورم. بسیار مذموم است که میانه دو دولت همسایه و نزدیک که تنها دولت بزرگ اسلام‌اند بُعد و عداوت باشد و هم یقین است که اگر انفصال و انقطاع عظیم واقع می‌شد دشمنان ایران و روم خوشحال می‌گشتند و مشکل بود که از برای طرفین فایده و نفعی داشته باشد بلکه موجب ضرر خطیر به جهت جانبین می‌گشت.

در باب سایر امور جزئیه که در کاغذ آن جانب مرقوم شده است مثل گذشته دولت علیّه ایران شکایت دارند که دولت روم می‌خواهند گمرک مال‌التجاره تبعه ایران را از صد چهار زیاد بگیرند، چند وقت پیش از این از خود جناب جلالتماب حاجی میرزا آقاسی استماع شد که صدراعظم دولت روم به ایشان نوشته بوده است که منظور ما نیست که از تجار تبعه دولت ایران زیاد از حد چهار گرفته شود و هم بعضی از تجار تبعه ایران می‌گویند که دولت روم می‌خواهند گمرک تازه قرار بدهند که مناسبت به قیمت حقیقی اجناس داشته باشد به جهت آن که قیمت اجناس و مال از آن چه در هنگام قرارداد سابق بوده است تفاوت کرده است. دیگر آنکه نگاهداشتن مال‌التجاره تبعه ایران در ارزنةالروم که در آن کاغذ مرقوم شده بود بلکه باعثش این بوده است که تجار تبعه ایران خواسته بودند بطور تقلّب مال از گمرک بگذرانند و البته آن جناب مطلع‌اند که بعضی از تجار تبعه ایران ساکن ارزنةالروم را چندان اعتباری نیست. بسیار خوشحال می‌گشتم اگر می‌توانستم به دولت علیّه انگلیس اظهار دارم که دولت علیّه ایران بنای آن دارند که این طور رفتار ملایم و مدارا را که اظهار داشتم معمول خواهند داشت. و هم امیدوارم که دولت عثمانی در این فکر خواهند افتاد که تلافی منصفانه به جهت خسارات و ضررهایی که به دولت علیّه ایران رسیده است به عمل آورند مشروط بر این که خالی از گزاف و بی‌انصافی باشد. والسلام.*

توضیحات:

۱. در اصل: کرنل

۲. « « : لارد

۳. « « : هم

۴. « « : راوندز

۵. « « : اسلامبول (در همه اسناد این مجموعه کلمه اسلامبول در بازنویسی سند به استانبول تبدیل شده است، و در قسمت توضیحات از اشاره مکرر به آن پرهیز شده است).

---

* . صندوق ۵ پوشه ۱۹.

ترجمه کاغذی که ماه گذشته صاحب ... در جواب ... نوشته و همراه ... کاغذ ... انگلیسی نوشته‌اند ارسال داشته‌اند تاریخ چهارم شهر ... ۱۲

... اخبارات ... چهارم ... که از طایفه اکراد سلیمانیه تابع دولت عثمانی در خاک اردلان متعلق به دولت علیه ایران واقع شده ... حرف ... جناب ... بزرگ دولت علیه

مقیم اسلامبول ارسال ... فرموده ... ترجمه ... ترجمه کاغذی که ... و ترجمه کاغذ میرزا ... وزیر ... که ... نوشته است ... جناب ... معظم الیه ...

واصل ... در جواب ... که ... خواهند ... ما در دولت علیه ایران ... خواهد ... هم ترجیح ... جناب جلالت‌مآب ... امور خارجه دولت علیه انگلیس ارسال ...

چه کلیه نسبت ... لازم داشته ... دولت علیه ایران ... ظاهراً ... عثمانی ... زیرا که ...

... از ... و ... سرحد ... ایران و روم ... در خصوص ... محکم ... و اینهم ... و ...

چرا که هرگاه این امر ... عثمانی ... خلاصه ... اما در حقیقت ... خواهد ...

منازعه همیشه در میان ایلات اکراد ... انجاب ... دولت ... ایلات ... اردلان ...

و ... همیشه یکدیگر را ... و دیگر ... دولت علیه ایران ... ضرورت ... از آنها رسیده است ... ضرر ...

... اخبار ... در خصوص ... ضرر ... از ... وزیر ...

... سلیمانیه ... اردلان ... سلیمانیه ... و حکام اردلان ... شده ...

قبول خواهند ... حاکم سلیمانیه ... حاکم اردلان ... شده ... بیشتر ...

... جناب ... سالهاست حکام ... ایران ... یکدیگر را غارت ... ضرر ...

رعایای دولت علیه ایران ... دارد ... کشته است و ... حکومت ...

متداول شده ... دولت علیه ایران ... [illegible] ... دولت علیه ایران ... و ...



سند شماره ۲

تاریخ: ۲۱ رمضان ۱۲۵۸

ترجمه سواد نامه وزیر مختار انگلیس به وزیر امورخارجه

ترجمه:

مراسله آن جناب که در باب وقوع غوایل غمناک فیمابین دولت ایران و خیوق و هم ظهور حوادث بین‌الدولتین ایران و روم نگاشته بودید در نوزدهم نوامبر [۱] عزّ ورود یافت. آن جناب اظهار داشته بودید که خواهش امنای دولت ایران این است که عقاید دولت انگلیس را در این باب دانسته باشید. چون در کاغذی که مورخه بیست و چهارم اکتبر [۲] به جناب حاجی میرزاآقاسی نگارش رفته و هم در نامه [ای] که حال به جناب اظهار داشته خیالات دولت انگلیس را در غوایل فیمابین دولت ایران و خیوق چگونه رفع می‌شود، ذکر شده است. لازم است که پیش از این به آن جناب زحمت بدهد مگر این که بیان نماید که هرگاه خیراندیشی که از جانب دوستدار در این باب با امنای دولت ایران به ظهور رسیده است در نظر اعلیحضرت پادشاه ایران مقبول افتد و به آن واسطه تجدید تعلق دوستانه فیمابین این دو مملکت واقع شود، خود را قرین بهره‌مندی کامل می‌داند.

در باب فقراتی که در مراسله آن جناب سمت تحریر یافته بود کافی است که رجوع به مراسله خود نماید که در بیست و سوم سپتامبر [۳] به جهت آن جناب نوشته بود که ایلچی بزرگ دولت انگلیس مقیم استانبول اذن کامل دارند که در باب غوایل بین‌الدولتین ایران و روم به طوری معمول دارد که امید ارتفاع غوایل مذکور بین‌الدولتین حاصل آید و هم دولت ایران مطمئن باشید که ایلچی مذکور هر قسم تکلیفی که با امنای دولت ایران به میان می‌آورد ملاحظهٔ خیریت و شأن دولت ایران را چنان خواهد نمود که کمتر از خیریّت و شان دولت روم نخواهد بود. متوقع است که آن جناب دوستی و اتحاد دوستدار را نسبت به خود زیاد از حد دانسته.

تحریراً فی شهر نوامبر سنه ۱۸۴۲ مطابق ۲۴ شوال سنه ۱۲۵۸*

---

*. صندوق ۵ پوشه ۱۸.

[حاشیه]: مطابق ۱۵ شوال سنه ۱۲۵۸

مطابق ۲۱ رمضان سنه ۱۲۵۸

توضیحات:

۱. در اصل: نومبر

۲. « « :اکتوبر

۳. « « : سپتمبر

ترجمه



مراسله جناب [illegible] درباب وقوع عوائد گمرک [illegible] دولت ایران حقوق و هم [illegible]

مطابق ١٥ شوال ١٢٥٨

[illegible] ایران و روم که گذاشته شده در نوزدهم شهر نومبر [illegible] جناب [illegible] اظهار داشته [illegible]

[illegible] دولت ایران است [illegible] دولت انگلیس در باب [illegible] چون [illegible]

مطابق ٢٠ رمضان ١٢٥٨

مورخه بیست و چهارم اکتوبر جناب حاجی میرزا [illegible] نگارش رفته و هم در نامه [illegible] جناب اظهار داشته

خیالات دولت انگلیس [illegible] عوائد [illegible] دولت ایران [illegible] رفع شود و گزارش [illegible] لازم

[illegible] جناب [illegible] مگر اینکه [illegible] هر گاه [illegible]

با [illegible] دولت ایران [illegible] رسیده است در نظر [illegible] و با [illegible]

[illegible] مملکت [illegible] خود [illegible] درباب [illegible]

انجاب [illegible] جواب [illegible] مراسله [illegible] در بیست و سیم سپتمبر [illegible]

[illegible] دولت انگلیس [illegible] درباب عوائد [illegible] ایران و روم

بطور [illegible] عوائد [illegible] دولت ایران [illegible]

مطابق ١٢٥٨

سند شماره ۳

تاریخ: ۱۳ ذیحجه ۱۲۵۸

ترجمه نامه سفارت انگلیس به وزارت خارجه [1]

ترجمه:

اگرچه به کلنل [2] شیل که بهره‌مند رسانیدن حالات دوستانهٔ دولت انگلیس نسبت به دولت ایران، نگاشته است ولی باز خود را از این خوش‌وقتی خارج نمی‌سازد که بی‌واسطه به آن جناب اظهار دارد. مأموریت ایلچی دولت روم را که از سعد اختری به واسطهٔ سعی و حمایت دوستدار هم واقع شده است و امروز عازم ارزنةالروم که محل گفتگو است، خواهد شد. ظن غالب حاصل است که اوصاف حمیدهٔ نوری افندی با موافقت خیالات دوستانهٔ سلطان معزی‌الیه غوایل فی‌مابین دولتین را رفع و بنای دوستی مستحکم و مؤید بماند چون هیچ شکی ندارد که ایلچی دولت ایران نیز که وکیل اعلحضرت شاهنشاه است و هدایت یافتهٔ رأی آن جناب همین قسم منظورات دوستانه معمول و ظهور رغبت مصالحت و خیراندیشی را مضبوط خواهد داشت که باعث رفع کدورت و کینه‌جویی بشود، در این صورت امید کلی می‌توان داشت که عواقب امور به خیر و خوبی انجام یابد.

لوازم مأموریت وکلای مخصوص که از دربار لندن و پطربورغ تعیین شده‌اند این است که حضور آنها در مجلس گفتگو آنچه از برای پیشرفت امور ضرور است به ظهور رسانیده، هنگام ضرورت اقدام در نصایح عاقلانه مختصه نمایند که مواد مشکله را رفع و بنیان دوستی را مشید و ممهد کنند.

در تعیین کردن کسی که وکالتاً از دولت انگلیس مأمور به ارزنةالروم شود، ملاحظهٔ بسیار نمود که به اوصاف ملایمت و بینش که طرف‌گیری نداشته موصوف باشد، زیرا که پی داشتن این صفات خواهش مشفقانه به اعلحضرت شاهنشاه ولی نعمت خود به عمل نمی‌آمد. امیدوارم که میرزاتقی معتقد به او خواهد شد و هم هرگاه اتفاقاً ضرور شود که معزی‌الیه بعضی فقرات را به واسطهٔ کلنل شیل به نظر آن جناب برساند آن جناب از رأی صائب و فرط مهربانی در آن ملاحظه

فرمایند منظوری که انگلیس و روسیه در خوشی ایران و آرامش مشرق دارند البته معلوم خاطر امنای دولت ایران خواهد بود چون درست نیست که در محبت بیش از این به آن جناب زحمت بدهد، لکن همین قدر بر آن جناب ظاهر باشد که چه‌قدر خرسندی کامل حاصل می‌شود اگر دوستدار حامی انجام این امورات بزرگ تواند شد و هم اینکه در نهایت صداقت، دوست یک جهت آن جناب است.

تحریراً فی ۱۴ شهر جولای سنه ۱۸۴۳ مطابق ۱۳ شهر ذیحجه‌الحرام سنه ۱۲۵۸*

توضیحات:

۱. این سند قبلاً در جلد اول گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی صفحات ۴۵۰ و ۴۵۱ آورده شده است.

۲. در اصل: کرنل

* . صندوق ۵ پوشه ۱۹.

ترجمه

اگرچه یک نشان که بهره‌مند از اینه خیالات دوستانه دولت انگلیس به دولت ایران گذاشته است [illegible]

و لیکن از حد و حقوق خارج نمی‌سازد و چه واسطه که جناب ایلچی دارد با مأموریت ایلچی دولت روم [illegible] ... از نسبت اخیر

بواسطه سعی و حمایت دوستانه ایشان واقع شده است و امروز عازم دارالسلطنه الروم ... که خشنودی ... خواهد شد [illegible]

حاصل است و اوصاف حمیده نوری افندی با موافقت خیالات دوستانه سلطان معظم الیه [illegible] ... بایست از

رفع و بنای دوستی مستحکم و مؤید نماید چون ... ایلچی دولت ایران [illegible] ... علیحضرت پادشاه

و هدایت [illegible] ... منظورات دوستانه ... مصالح ... خواهد بود

باعث رفع کدورت و کینه جزئی شود در صورت امیر ... عراق ... [illegible]

لوازم مأموریت وکالت مخصوص ... در ... و ... تعیین شده‌اند ... [illegible]

برای پیشرفت امور ضروریات ... به هنگام ضرورت اقدام در ... [illegible]

رفع و ... [illegible] ... در تعیین ... وکالت از دولت انگلیس ... [illegible]

با ... اوصاف ... موصوف باشد زیرا که ... صفات ... [illegible]

ولی نعمت ... [illegible] ... و هم ... [illegible]

بواسطه ... [illegible] ... منظور ... [illegible]

سند شماره ۴

تاریخ: [به احتمال قوی اواخر ذیحجه ۱۲۵۸]۱

نامه حاجی میرزا آقاسی به صدراعظم عثمانی

سواد کاغذ جناب حاجی سلمه‌اللّه به صدراعظم روم

جناب جلالت و مجدت نصاب به القابه. بعد از مدتها جواب مراسله محبانه را که قبل از وقوع قضیه‌ها [یله] کربلای معلی و حرکات نالایق جناب والی بغداد به خدمت سراسر سعادت محض از راه دولت‌خواهی و حفظ اهل اسلام از فساد هر خدانشناس عاری از ایمان نگاشته بود. بعد از الفاظ فتن و استیلای بلایا و مِحن بر عبادالله که بهین ودیعه خالق عالم است فرستاده شده بود واصل و اطلاع از مضامین متناقضه آن حاصل آمد. بلی هرچه در آئینه، جوان بیند پیر درخشت خام آن بیند. از وجنات احوال و از آثار افعال آن ناحمیده خصال چنین استنباط می‌شد که او در باطن خاین دولت علیه روم و پیوسته در فکر تخریب آن مرز و بوم می‌باشد. شاید به واسطه فساد او ملک عراق الجاء محول به دیگری گردد. بعد از آن، نفاق باطنی خویش را آشکار و دیگری را در آن بلاد و امصار و اصقاع و اقطاع صاحب اختیار و ملک‌دار نماید. آن دوستدار به واسطه قرب جوار و به توسط زوّار و تجّار از این مکنون خاطر او اطلاع حاصل کرده به مفاد علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد امنای دولت علیه روم را اخبار نمود امنای دولت علیه روم به واسطه کثرت مشاغل یا چنان که قاعده سابقه ایشان است که اهمال در کار دارند اعتنایی به مراسله دوستدار نکرده به اغفال گذراندند بعد از این که این امر شنیع از او به منصه ظهور رسید و امور به مکالمه و مقاوله انجامید؛ قلمی داشتند که این امر عظیم بی‌اطلاع امنای دولت علیّه روم اتفاق افتاده با این که سلاطین عظیم‌الشأن آل‌عثمان انارالله برهانهم هیچ وقتی متعرض متوطنان آن امکنه مقدسه نشده و خلاف احترام با روضات خله آئین ائمه‌طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین به عمل نیاورده بودند خواه هنگام سلم و صفا با امنای دولت علیه ایران خواه در ایام مجادله و مقاتله خواه در ایام تصرف دارالسلام بغداد خواه در هنگام

عدم تسلط بر آن بلاد رفتار جناب والی به خلاف سلاطین اولی‌الامر دولت علیه روم ظهور یافت و به نفاق و شقاق شتافت قال اللّه تعالی الی «ویتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ماتولی و نصله جهنم»[۲]، الآیة بلکه این امر عظیم شقاق با فخر کائنات حضرت سیدالمرسلین علیه الصلوات التحیات من رب‌العالمین می‌باشد. زیرا که اجر رسالت به مضمون آیه کریمه «قل لا اسئلکم علیه اجراً الاالموة فی‌القربی»[۳] بود و او را کار انکار حقوق رسالت و خیانت بر دین و ملت آمد به جمیع امنای دولت علیه روم شرعاً و عرفاً لازم و مثل فرائض مؤکده واجب و متحتم بود که او را به جهت مخالفت با دین و دولت و رفتار به طریق خلاف حرمت با اهل بیت عصمت و قتل و اسر و نهب اهل قبله و قائل کلمتین طیبتین شهادتین و عبادت مورد انواع مواخذه و سیاست نمایند نه آن که با عدم اذن از دولت ابدمدت علیّه درباره رفتار او اظهار تأسف و ندامت میان دولت‌های خارجه فرمایند. بالجمله اگر این امر شنیع موافق شرع شریف و حکم عقل کامل و رفتار سلاطین و ائمه اناراللّه برهانهم بود دیگر چه جای ندامت اولیای علیّه روم است و اگر مخالفت هر سه را نموده، او مستحق سیاست‌های بلیغه و تنبیهات کامله بوده و می‌بایست به مفاد و جزاء سیئة سیئة مثلها اقلاً به جزای عمل بد خود گرفتار آید. دیگر آن که در شرع شریف مطاع تأسف و ندامت بر حقوق الناس نه تنها ادای خسارات مالیه است بلکه قصاص نیز بر مباشرین قتل می‌باشد. قال اللّه تعالی شانه «من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطانا» و قال الله شانه العزیز «یا ایها الذین امنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحرو والعبد بالعبد»[۴] الی اخر الایة. باری موافق حکم محکم الهی قصاص بر قاتلین است. و تأسف و ندامت بر افعال ایشان اگرچه این گونه کلمات متضاد از مقالات دولت‌های مورث غیرتابعین ملت و فرقه ناجیه اسلام آمده، معلوم رأی شریف باشد که دولتهای دیگر نیز قادر هستند بر این گونه افعال را در سرحدات به عمل آورند و بعد متمسک بر تأسف و ندامت آیند. این نیست مگر تعطیل احکام الهی‌العالی و رفتار برخلاف شرع متاع بسیار بسیار از آن جناب مستبعد آمد که در جواب آن مراسلهٔ دوستدار این گونه معاذیر، مسطور شود و با وجود خط همایون سلطان خلد آشیان سلطان محمود اناراللّه برهانه به کرات جهت جامعهٔ اسلامیه نوشته، گاهی تطبیق و تعریض دولت علیهٔ اسلام آن را به القاب خارج از دایرهٔ اسلام به تخویف نوشته آید. چنین نیست که معارضه به مثل مقدور باشد.

خلاصهٔ مقال پای مجال حال که متقبل رد خسارات و تعمید روضات مقدسه شده‌اند در قصاص هم موافق شرع مستطاب رفتار کنند و بعد از رفع این غوایل و خسارات و تنبیه مفسدین حکم بر اطراف و اکناف صادر شود که چنانچه کسان دولتهای خارجه در بلاد ممالک روم آزاد و مکلّف بر تقلید طریقت حنفیه نیستند اهالی دولت علیهٔ ایران نیز مطلق العنان و مکلّف بر تقلید نباشند و اظهار شعائر مذهب جعفری علیه‌السلام بی‌غائله نمایند. آن را که اختلاف در فروع، ضرر به اصول ملت اسلام ندارد هر کس به آئین خود رفتار کند و مکالمه بر مصالحه انجامد. بلی میان ممالک ایران نیز بسیاری از متقلدان مذاهب اربعهٔ اسلام جعفری هستند و احدی متعارض آنها نمی‌شود که به آئین جعفری علیه‌السلام متقلد باشند و البته شایستهٔ دولتین علیتین ایران و روم این است که حکام امکنهٔ مقدسهٔ اربعه که از توابع دارالسلام بغداد هستند بعد المصالحه راه تعدّی را به زور و تجار بسته و ابواب مسالمت را گشاده، بلکه باید کسانی که حکام آن اماکنه باشند که امنای دولت علیه ایران حکومت ایشان را تصدیق کرده باشند و در هر یک از آن اماکن مقدسهٔ شریفه از جانب دولت علیهٔ ایران مصلحت گذار امین با انصاف نزد حکام تعیین شود که امر و نهی حکام به زوّار و تجّار و رعایای دولت علیّهٔ ایران جاری نشود و اگر امری ضرور شود به مصلحت گذار القا کنند او خود آمر و ناهی زوّار و تجّار و رعایای دولت ایران خواهد بود من بعد نقار از طرفین زایل و اتحادالمسلمین کامل آید اگرچه دوستدار در سفر خیر اثر زیارت بیت‌الله الحرام از شام تا شام آن جناب را به کرّات ملاقات نمود و موصوف به دیانت و امانت و بزرگی و جلال یافت. اما این دفعه از اغماض در ادای حقوق مسلمین و ابقا بر مفسدین و معاندین ائمه دین علیهم الصلوات من رب العابدین دوستدار را قرین یاس و فسوس ساخت. نمی‌بایست آن جناب جلالت مآب و من درویش معروف انتساب تا این قدر در رفع این گونه غوایل اهمال ورزیم که عاقبت به وخامت انجامد و نایرهٔ نقار و کدورت کبری رسد که محتاج وسایط و رحمت دولتهای بزرگ دور و نزدیک شویم و به حکم الله العلی الکبر والعافیة للمتقین. والسلام.*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲، برگ ۱۴۱ b.

توضیحات:

۱. محتوای نامه حاجی میرزا آقاسی عمدتاً مربوط است به شکوه و شکایت از عمل ناشایست نجیب پاشا در قتل عام مردم کربلا که در تاریخ ۱۱ ذیحجه ۱۲۵۸ صورت گرفت. لذا این نامه بعد از این قتل عام و تقریباً اواخر ذیحجه همان سال نوشته شده است.

لازم بذکر است که از سه سند نخست این کتاب پیداست که مسأله تشکیل انجمنی بین‌المللی برای انجام مذاکرات بین ایران و عثمانی برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات دو کشور پیش از کشتار کربلا مطرح بود و با وقوع قضیه کربلا انگیزه سه دولت روس و انگلیس و عثمانی برای تشکیل کنفرانس برای اجتناب از وقوع جنگ بیشتر شده بود لذا در اواخر ۱۲۵۸ تصمیم نهایی برای تشکیل کنفرانس گرفته شد.

۲. سوره نساء / آیه ۱۱۵.

۳. سوری شوری / آیه ۲۳ در اصل سند «المودة فی القربی» دوبار تکرار شده است.

۴. سوری بقره / آیه ۱۷۸.

سواد کاغذ به ... صدر اعظم روم

جناب جلالت و مجدت نصاب بالقابه بعد از مدتها جواب مراسله محبانه را که قبل از وقوع قضیه ناگوار کربلای معلی و حرکات ناملایم جناب ... نجیب پاشا

بخدمت سرایر سعادت مظاهر ارسال و در تنخواهی حفظ اهل اسلام از فساد ... و حرکات ... جاری ... از ... بعد از ... اتفاق و ... استیلای

... محض بر عباد الله که بهترین ودیعه خالق عالم است فرستاده شده بعد و ... اطلاع از ... مناقضه آن ... آمده با ...

جوان ... خاطر ... از جنابت احوال ... آن ... خصال حسنه ... که او در باطن ...

دولت علیه روم و پیوسته در فکر تخریب آن مرزوبوم ... شاید بواسطه فساد ... او ملک عراق ... و تحول ... گردد

بعد از آن نفاق باطنی خویش را آشکار ... و در آن بلاد ... صفحات ... بلاد ... ملک ... ایران ... دوستدار

قرب جوار ... ربط ... زن ... خاطر او اطلاع ... کرده ... وقوع باید کرد امنای دولت علیه روم

اخبار ... امنای دولت علیه روم بواسطه کثرت ... قاعده سابقه ایشان است که اهمال در کار ... دوستدار ...

بتعال

اهمال گذرانده‌اند بعد از آنکه این امر منیع از منصه ظهور رسید و امور بمکالمه متعارفه انجامید قلبی داشتند که این امر عظیم باطلاع مبارک اعلیحضرت

لقای افاده بنماید که سلطان عظیم الشأن آل عثمان انار الله برهانهم هیچوقت متعرض تردد زوار اماکن مقدسه نشده و خلاف احترام بارگاه

ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین بعمل نیاورده بلکه خواه در استحکام سلم و صفا با اولیای دولت علیه ایران خواه در ایام مجادله و معادله

و خواه در ایام تصرف بلاد اسلام نمودند خواه در استحکام عدم تسلط بر آن بلاد فتوحات والای اسلاف سلاطین اولیای امور دولت علیه از ظهور رسانیده

از نفاق و شقاق منصرف قال الله تعالی الا من یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولی و نصله جهنم الآیه بلکه این امر عظیم متعلق بافتخار ساحت حضرت

سید المرسلین علیه الصلوات التحیات من رب العالمین میباشد زیرا که اجر رسالت منصوص آیه کریمه قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی

مودة فی القربی بوده و انکار حقوق رسالت و اذیت بر دین و ملت آمد در جمیع امور دولت علیه ... و عرفا لازم شده ... مرکز

محتم بود که او را از این جهه مخالفت با دین و دولت در رفتار بطریق خلاف حرمت اهل بیت عصمت ... در امر زیارت اهل قبله

... شهادتین عبادت مورد انواع صدمه زیارت نهند نه که با عدم اذن از دولت علیه درباره زوار

... شریف ... مرات ... خارجه فرمایند بالجمله اگر این امر شنیع منافی شرع شریف و حکم عقل کامل و رفتار سلاطین

... بود دیگر چه جای ندامت اولیای دولت علیه ... اگر مخالف هر رسته را نموده ... بلیغه و تنبیهات

نموده مبالغت بمفاد جزاء سیئة سیئة مثلها ... بمجازات ... گرفتار آید چه هر که در شرع شریف مطاع ... شریف ... مراعات

... نه تنها از مجازات ... بلکه قصاص نیز ... من قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه

سلطانا ... قال الله تعالی ... یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر والعبد بالعبد الی آخر الآیه ... حکم الهی قصاص ...

... ندامت را فعالیت ... اگرچه ... کلمات ... و از مقالات ... تنها ... ملت و فرقه ... اسلام اند

... شریف ... شد که ... تنها ... فقهای ... افعال را در سر ... مسئله آورده ... تمسک ... شریف ... اند

... شریف ... اوامر ... الهی ... رفتار بر خلاف شرع مطاع ... بسیار از ... مستبعد آید و در جواب ... مسئله

... حکام آنجا ... خط ... سلطان ... سلطان محمود ... برهانه ... جامعه اسلام ... علیه السلام

... و خط ... سلاطین ... اسلام تحقیق ... که ... مقتضیه ... مقال ... حال ... تعقیب ...

خسارات که تعیین دولتین متعهده شده‌اند و در قصاص هم به رای شرع مطاع رفتار کنند و بعد از رفع این عوایق و زوار و خسارات
ربیعه مفیدین حکم بر اطراف و اکناف صادر شود که حکام و کارگذاران در بلاد ممالک روم زوار و مکلف رعایه طرفین
نشمند اما دولت علیه ایران نیز مطلق‌العنان و مکلف نباشند و اهالی تبعه مذهب جعفری علیه السلام بی خاطر باهم ازراه
در فروع ضرر و صدمه ملت اسلام نرسد و هرکس با آیین خود رفتار کند و مکالمه و مصالحه نماید با اهالی ممالک ایران نیز بسیار متعلق
مذاهب جعفری هستند و احدی متعرض ایشان نشود که با این جعفری علیه السلام متعلق باشند ولیکن شایسته است که جلیلتین ایران و روم این
حکام امکنه مقدسه از جمله که از توابع دارالسلام بغداد هستند بعد المصالحه راه تعدی بر زوار و تجار بسته و اولیای دولت گشاده
کسان حکام آن اماکنه نشوند مگر به اذن دولت علیه ایران حکومت نمایند تصدیق کرده باشند و در هریک از آن اماکن مقدسه
جانب دولت علیه ایران معتمد از این تعارف که حکام تعیین شوند و به تعهد حکام بر زوار و تجار در جاهای دولت علیه ایران
واگر امر ضروری روی دهد معطل کذارند آنکه اوجه آمر و نهی زوار و تجار جاهای دولت ایران خواهد بود من بعد نقار از طرفین
زایل و اکلاً الملین کافی لکن اگرچه دوستانه در سفر خیر اثر دولت علیه الکرام کرام شد اما کتاب سعد برات ملک
مرافت و امانت و بزرگی و جلال بافت اما این دفعه از اغماض درادای حقوق سلطنت و انعقاد به مفیدین و معاندین آمد
سلطان العلما از ممالک ایران هم دوستانه فرمان های و قبول حق نمایند که جناب جلالت مآب و منش در پیش مسعود
تا این قدر در رفع این گونه عوایق اهالی و رفع عاقبت رعایت اکابر و بازده نقار و کدورت کبری با مردمان
از تبعهای بزرگ ملوک و دولت ... شود و دیگر که العلم الکریم و ۱۲ شهر ... الملک

اسناد سال ۱۳۵۹

سند شماره ۵

تاریخ: صفر ۱۲۵۹

سواد فرمان محمدشاه به میرزاتقی‌خان[1]

آنکه عالیجاه رفیع جایگاه، عزت و فخامت همراه، مجدت و شهامت اکتناه، درایت و فطانت انتباه اخلاص و ارادت آگاه، مقرّب الخاقان، میرزاتقی‌خان وزیر نظام به توجّهات خاطر عطوفت مظاهر اقدس همایون شاهنشاهی مفتخر و مباهی بوده بداند که:

چون در این اوقات اولیای دولتین بهّیتین روس و انگلیس به مقتضای مراتب خیرخواهی و صلح‌اندیشی سعی و اهتمام تمام دارند که فی‌مابین دولتین علیّتین ایران و روم اسباب التیام و مسالمت و مصالحت فراهم آورده به دفع و رفع عوامل بین‌الدولتین پردازند و وکیلی از جانب خود و دولت علیّه روم روانه ارزنةالروم نمایند که، در آنجا با وکیل این دولت علیّه اجلاس و گفتگو کرده موافق قانون انصاف قراری درباب مطالب و حقوق ثابته این دولت علیّه گذارند.

از آنجا که، آن عالیجاه از تربیت یافتگان و عمده چاکران در بار فلک مدار، و به مزید شایستگی و استعداد و کفایتی که در خدمات دولت قوی بنیاد از او به ظهور رسیده، محل وثوق و اعتماد خاطر آفتاب مظاهر اقدس شهریاری از حسن درایت و کفایت و کاردانی آمده، در این وقت که وکلای دولتین فخیمتین روم و روس و انگلیس در سرحدّ حاضر و مجتمع گشته‌اند، آن عالیجاه را نیز از جانب سنی‌الجوانب همایون وکیل و مأمور فرمودیم که به محض زیارت این مبارک منشور قضا دستور، روانه ارزنةالروم گشته، با وکلای دول ثلاثه ملاقات حاصل و از قراری که، اولیای دولت قاهره به آن عالیجاه، دستورالعمل داده‌اند، مطالب دولت علیّه را صورت انجام داده معاودت نماید و در عهده شناسد.

تحریراً فی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۵۹.*

توضیحات:

۱.عنوان نامه به ترکی چنین است:«ایران سفیری میرزاتقی جنابلرینک یدنده بولنان منشور شاهینک صورتیدر.»

* . بایگانی نخست وزیری استانبول، مسائل مهمّه ایران، ش: ۱۰۷۹، برگ ۱۴ به نقل از نصیری، محمدرضا: اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه) انتشارات کیهان (تهران ۱۳۶۸) جلد دوم صفحات ۲۰۲ و ۲۰۳. تصویر سند صفحه ۳۱۷، لازه به ذکر است که سواد این سند در بین اسناد وزارت امورخارجه یافت نشد. فریدون آدمیت نیز به اصل این سند که در واقع اختیارنامه یا وکالت‌نامه میرزاتقی‌خان برای شرکت در کنفرانس ارزنةالروم است؛ دسترسی نداشته و در اثر خود عین این سند را از اسناد وزارت امورخارجه انگلیس نقل کرده است. نگاه کنید به: آدمیت، پیشین، ص ۸۰

ایران سفیری میرزا تقی جناب [illegible]
منشور شاهنشاهی [illegible]

آنکه عالیجاه رفیع جایگاه عزت و فخامت همراه مجدت و شهامت دستگاه درایت و فطانت انتباه اخلاص و ارادت آگاه

مقرب الخاقان میرزا تقی وزیر نظام بتوجهات خاطر عطوفت مظاهر اقدس همایون شاهنشاهی مفتخر و مباهی بوده بدانند که چون در این اوقات

اولیای دولتین بهیتین روس و انگلیس بمقتضای مراتب خیرخواهی و صلاح اندیشی سعی و اهتمام تمام دارند که فیمابین دولتین علیتین

ایران و روم اسباب التیام و مسالمت و مصالحت فراهم آورده بدفع و رفع غوائل بین الدولتین بپردازند و وکیلی از جانب خود بجهت [illegible]

روانهٔ ارزنة الروم نمایند که در آنجا با وکیل این دولت علیه اجلاس و گفتگو کرده موافق قانون انصاف قراری در باب مطالب [illegible]

و حقوق ثابتهٔ این دولت علیه بگذارند از آنجا که آن عالیجاه از تربیت یافتگان و نعمت چاکران دربار فلک مدار و

و استعداد و کفایتی چند که در چند مأموریت دولتی بسیار از او بظهور رسیده محل وثوق و اعتماد خاطر آفتاب مظاهر اقدس شهریاری

از حسن درایت و کفایت و کاردانی آن عالیجاه وقوف که وکلای دولتین فخیمتین روم و روس و انگلیس در سرحد حاضر و مجتمع گشته اند

آن عالیجاه را نیز از جانب سنی الجوانب همایون وکیل و مأمور فرمودیم که بمحض زیارت این مبارک منشور قضا دستور

روانهٔ ارزنة الروم گشته با وکلای دول ثلاثه ملاقات حاصل و از قراری که اولیای دولت قاهره با آن عالیجاه در دستور العمل نموده اند

مطالب دولت علیه را صورت انجام داده معاودت نماید و در عهده شناسد تحریراً فی شهر صفر المظفر ۱۲۵۹

سند شماره ۶

تاریخ: ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۲۵۹

سوادنامه وزیر دول خارجه به میرزاتقی‌خان

سواد مراسله [ای] که وزیر دول خارجه به عالیجاه میرزاتقی‌خان وزیر نظام نوشته‌اند. چون مجلس مکالمه ارزنة‌الروم بسیار به طول انجامیده بود در این وقت سفرای دولتین بهیتین روس و انگلیس نظر به کمال خیرخواهی و مصلحت‌جویی که نسبت به دولتین علیّتین ایران و روم دارند تکلیف [و] خواهش دوستانه به اولیای دولت علیّه ایران کردند که در باب حقوق ثابته دولت علیّه ایران که از دولت علیّه روم دارند آن فرزند مأمور شود که آن حقوق را از قرار فقرات ذیل‌الکتابه معمول دارد و آن فقرات از این قرار است:

فقره اول: هرچند شاهزادگان فراری موافق عهدنامه باید رد شوند ولی به توسط اولیای دولتین فخیمتین قرار به این شد که اگر دولت علیه عثمانی متعهد منع فساد آنها شود دولت علیه ایران راضی خواهد شد که آنها از سرحد دور و به وسط مملکت روم فرستاده شوند و اگر متعهد نشوند بعد از اذن از دولتین فخیمتین خود ضامن شوند والاّ امنای دولت علیّه ایران راضی نخواهند شد تا فراریان رد شوند. فقره دوم: مأمورین، جانبین حدود طرفین را مشخص خواهند کرد. فقره سوم[1]: ایلات اکراد و سایر عشایر که به خاک یکدیگر رفته‌اند باید از طرفین رد شود و به جهت اتمام این امر باید اسامی ایلات طرفین مشخص شود. فقره چهارم: عهدنامه تجارتی و قرار گمرک که در زمان سابق مقرر شده به اعتبار قدیم باقی خواهد ماند و تجار دولت علیّه ایران گمرک مال‌التجاره خود را از قرار صدچهار باید از روی نرخ بازار نقداً یا جنساً موافق دلخواه خود بدهند. پنجم: دولت علیه ایران با وجود این که سلیمانیه را ملک خود می‌داند راضی است که از عهده خسارتی[2] که محمودپاشا به کسان دولت علیّه عثمانی رسانیده باشد برآید مشروط بر آن که دولت علیّه عثمانی هم از طرف خود راضی شود که از عهده خسارات اردوی والی کردستان برآید. و چنان که دولت علیّه عثمانی بنابر صلاح‌دید دو دولت قوی مکنت از مطالبه خساراتی که به کسان آن دولت رسانیده باشد دست

بردارد، دولت علیّه ایران هم با وجود اینکه خسارت اردوی والی، کلی و خیلی زیادتر از خسارت آن طرف که از مطالبه آن دست خواهد برداشت و چون دولت علیّه بنابر خواهش دو دولت قوی شوکت والی کردستان را احضار و به این واسطه دولت علیه عثمانی را رضایت و کفایت درباب خصومت محمودپاشا نسبت به کسان آن دولت داده از این قرار باید جمیع حرف‌ها درخصوص سلیمانیه طرد و رفع گردد. ششم: درباب خسارت محمّره و میررواندوز و اورامان و سایر و همچنین وجه عادیه ییلاقیه دولت علیّه ایران راضی می‌باشند که دولت روم ....[۳] دیگر عوض دهد. فقره هفتم: دولت علیه ایران مضایقه ندارند که جمیع فقرات که در مجلس ارزنةالروم فیصل دهند همه را به قرارنامه علی‌حده که یا صورت شرطنامه و یا صورت عهدنامه داشته باشد درآورد. فقره هشتم: در باب مقدمه هایله کربلای معلی که برای اهالی ایران زیاده‌تر از این مطلبی نمی‌باشد امنای دولت ایران مطالبه حقوق[۴] عظیمه را خواهند کرد و اگر فقره کربلای معلی و رضایت دادن اولیای دولت علیه روم به امنای دولت علیه ایران صورت نگرفت همه این مکالمات از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

حرر فی ۲۴ جمادی‌الثانی سنه ۱۲۵۹.*

توضیحات:

۱. در اصل: سیم

۲. « » : خسارت

۳. [احتمالاً:] ملکاً یا گیر

۴. در اصل: الحقوق

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲، ص ۱۹۷.

سواد مراسله وزیر امور خارجه [illegible]

چون مجلس مکالمه ارزنه الروم بسیار بطول انجامید بعد در این وقت سفرای فخام مسیحیه روس و انگلیس نظر بکمال خیرخواهی و محبت دولتین

و نتیجه مسیحیین ایران و روم داده تکلیف خواهش نمودند تا به بیای دولت علیه ایران کرده [illegible] حقوق ثابته دولت علیه ایران و از

علیه روم داده آنقدر را منظور نموده از حقوق [illegible] قرار فقرات ذیل که بعمل درآورد و آن فقرات از این قرار است فقره اول

هر چند [illegible] قراری [illegible] عهدنامه باید رد شوند [illegible] تبعه دولتین قرار این شد که اگر دولت علیه عثمانیه متعهد شود

آنها [illegible] دولت علیه ایران [illegible] خواهد شد از سرحد [illegible] مملکت روم قرار داده شوند و اگر متعهد نشوند [illegible]

نخستین خود خواهند شد و الا [illegible] دولت علیه ایران راضی نخواهند شد [illegible] فقره دوم ماموری جانبین حدود طرفین را

مشخص خواهند کرد فقره سیم ایلات اکراد و سایر عشایر [illegible] یکدیگر رفته اند باید از طرفین رد شوند و نتیجه اتمام این امر باید

اسامی ایلات طرفین مشخص شود فقره چهارم عهدنامه تجارت و قرار گمرک [illegible] مقرر شد با اعتبار خود باقی خواهد ماند

و تجار دولت علیه ایران گمرک مال التجاره خود را از قرار صدی چهار باید بدهند [illegible] نرخ بازار نقد [illegible] موافق [illegible]

و هم دولت علیه ایران با وجودیکه [illegible] خود میداند راضی است [illegible] از عهده [illegible] دولت علیه عثمانیه

رسانیده [illegible] برآید بشرط اینکه دولت علیه عثمانیه هم از طرف خود راضی شود که از عهده [illegible] کردستان برآید

و چنانکه دولت علیه عثمانیه [illegible] صلاح دیده دولت [illegible] مطالبه خسارتیکه [illegible] رسیده است دست بردارد دولت

علیه ایران هم با وجودیکه خسارات [illegible] از خسارات آنطرف [illegible] از مطالبه آن دست خواهد برداشت

و دولت علیه ایران بنا بر خواهش [illegible] حاضر [illegible] دولت علیه عثمانیه را [illegible]

درباب خصوص محمره [illegible] کمال [illegible] طرح [illegible]

محمره [illegible] دولت علیه ایران راضی [illegible] دولت روم [illegible]

فقره [illegible] دولت علیه ایران [illegible] مجلس ارزنه الروم [illegible]

شرط نامه [illegible] صورت عهدنامه [illegible] فقره [illegible]

[illegible] دولت ایران مطالبه [illegible] حقوق عظیمه [illegible]

دولت علیه ایران صورت [illegible] ۱۲۵۹

سند شماره ۷

تاریخ: ۲۳ رمضان ۱۲۵۹

سوادنامه وزیر دول خارجه به وزیر مختار انگلیس

سواد کاغذ جناب وزیر دول خارجه که به جناب شیل صاحب وزیر مختار دولت بهیه انگلیس نوشته‌اند:

بعد از انتظار بسیار که رجال دولت علیه روم درباب قضیه هایله کربلای معلی رضامندی کامل به اولیای دولت علیه ایران خواهند داد. در این وقت جناب جلالت نصاب دستور مکرم معظم حاجی رؤف پاشا صدراعظم آن دولت علیه به جناب جلالت مآب اجل اعظم آقای حاجی مدظله العالی مراسله نوشته بودند. حاصل مضمون و خلاصه مسطوراتش این که برای تحقیق واقعه کربلای معلی معتمد ما نامق‌پاشا با محقق دولتین بهیتین انگلیس و روس به بغداد رفت و پس از تحقیقات لازمه معاودت کرده از افادات و تقریرات او چنین مستفاد و معلوم می‌گردد که باعث ظهور و وقوع این واقعه؛ عصیان اهالی کربلا بود که به جناب والی بغداد قولاً و فعلاً کردند. لهذا دفع این مقوله عصیان و تأدیب و تنبیه صاحبان این گونه اعمال از تدابیر انتظام ملکیّه بود که بر هر دولتی واجب و لازم است. اما به مقتضای حالات حربیّه که بعضی بی‌جرم در میانه تلف و اموال آنها به غارت رفته باعث تأسف و تأثر گشته آن عجزه و مساکین مورد احسان و اعطا خواهند شد. از کمال عقل و دانش و وفور کفایت جناب معظم‌الیه بسیار مستبعد آمد که در باب واقعه قضیه شنیعه کربلای معلی به این گونه معاذیر غیرموجه که در قانون هیچ دولتی مقبول و مسموع نیست مستمسک و متشبث شوند و حال آن که مکرر این گونه معاذیر ناپسند بی‌حساب را گفته‌اند و مفصل جواب‌های پسندیده مقرون به حساب شنیده‌اند. باز می‌گویند برای دفع عصیان اهالی کربلا و تنبیه آنها از لوازم ملک‌داری بود. می‌گوئیم بلی حرف شما صحیح است اما در صورتی که به ملاحظه جزئی انتظامی در مملکت خود ضرار و خسارت فاحش برای شیعه دولت دوست مقصود نباشد و دفع چند نفر اشرار بی‌پا و سر که به اقسام دیگر ممکن بود چه لازم بود که ناموس و نفوس و اموال چندین هزار مخلوق

را در معرض اتلاف درآورند و شقاوت و بی‌باکی را در قتل و اسر و نهب آنها به جایی برسانند. که تا دامن قیامت ذکرش بر زبانها جاری باشد. نجیب‌پاشا که به عمد مایل و طالب قتل و غارت تبعه این دولت علیّه نبود، می‌توانست آن قدر مهلت دهد که آنها خود را از این ورطه خلاصی دهند یا پیش از عزم تسخیر کربلا به اولیای دولت علیّه ایران اعلام کند که مرا منظور دفع اشرار کربلا است، شما به هر طور که می‌دانید تبعه خود را از آن جا خلاص سازید. غرض از این مقوله دلایل و براهین بسیار است و اظهارش موجب اطناب و باعث زحمت جناب سامی. اما آن که نوشته‌اند که بعضی بی‌جرم بودند و در میانه تلف شده‌اند و اموال آنها به غارت رفته، تأسف و تأثر دارند و آن عجزه و مساکین مورد احسان و اعطا خواهند شد از این قرار این دولت علیّه هم معارضه به مثل کرده آن وقت اظهار تأسف و ملالت نمایند. و در باب احسان به عجزه و مساکین این اکرام را در مقابل اموال منهوبه مجاورین که از حساب برون بود. می‌فرمائید که به این جزئیات تلافی نخواهد شد و کسانی که از تبعه این دولت علیّه در آن جا مجاور بودند مردمان با ثروت و مکنت بودند که به مرور دولت و ثروت خود را در آن جا برده به عبادت مشغول بودند؛ نه عجزه و مساکین، و آن مجاورین بعضی به قتل رسیده‌اند که منسوبان و کسان آنها در ایران است و بقیةالسیف که بودند به دیار و امصار خود مراجعت کردند. اگر از مجاورین مانده باشند چند نفری که نظر به عدم استطاعت نتوانستند حرکت نمایند، شاید آنها مشمول احسان شوند. خلاصه پس از آن که ترجمه کاغذ جناب جلالت حاجی رؤف پاشا به نظر اعلیحضرت قدر قدرت اعلیحضرت قضا شوکت شاهنشاه با فر و جاه ایداللّه، علیه و ایّد جیشه رسید فرمودند سوادی از آن ترجمه برای آن جناب انفاد دارد و فرمودند که خود آن جناب اطلاع و استحضار کامل دارند که بعد از وقوع قضیه هایله کربلا جمیع مجتهدین و علما و فضلا و سادات و اعزه و اعیان و اشراف و رؤسا و سرخیلان طوایف ایلات و احشامات ایران از راه تعصب و غیرت دین از در تقاص و انتقام و خونخواهی که به حکم شرع و عرف محق بوده درآمده عرایض متعدده به اولیای دولت قاهره نوشتند و اذان خواستند که خود رفته انتقام کشند اما ما محض برای اینکه برهم خوردگی مجلس ارزنةالروم را یک نوع تخویفی برای وکلای خطیر دولتین بهیتین روس و انگلیس دانستیم به لطایف الحیل و حکمت‌های عملی آنها را عجالة ساکت کردیم و گفتیم

چون پای توسط اولیای دو دولت بزرگ منصف در میان است، البته قراری هم در تلافی قضیه کربلا خواهند داد و در همان اثناء شرحی از جناب زبدة الکبرای العیسویه ویس شانسلیه غراف نسلرود[1] وزیر دول خارجه دولت بهیّه روس رسید که چه قدرها سفارش از صبر و حوصله ملوکانه کرده بودند و نوشته بودند ظهور این حرکت شنیع از نجیب پاشا بدون حکم و رضای دولت علیّه روم بوده است و البته دولت علیّه روم از عهده تلافی این عمل شنیع بیرون خواهد آمد و اعلیحضرت قدرقدرت قضا شوکت امپراطور خجسته صدراعظم اکرم به ایلچی خودشان که متوقف دارالسلطنه لندن است حکم داده‌اند که به اولیای دولت بهیّه انگلیس در این باب گفتگو کرده به اتفاق یکدیگر قرار صریح گذارده اصرار شدید نموده اولیای دولت علیه روم به این بدارند که رضامندی کلی از این عمل شنیع به اولیای این دولت علیّه بدهند. فرمودند که با صبر و حوصله زیاد ما و تعهدات دولتین بهیتین روس و انگلیس و این طور جواب نوشتن جناب صدراعظم وظیفه ما چیست و تا به کی و تا چند می‌توان صبر و حوصله کرد و جواب خلق ایران را چه بگوییم، بگوییم جناب صدراعظم از وقوع حادثه کربلا تأسف و تأثر دارد و عجزه و مساکین مشمول احسان خواهند شد. اگر رأی منصفانه اولیای دو دولت بزرگ به این طور اقتضاء می‌کند صریح بنویسد که همین قدر کافی است یا ما نیز مردم را ساکت کنیم والا چرا راضی می‌شوند که رجال دولت علیّه روم این امر خطیر [و] بزرگ را مهمل بگیرند و این طور جواب‌های ناصواب بنویسند هر طور مصلحت دانستند جواب قلمی دارند که به سر کار اقدس شهریاری خلداللّه ملکه عرض شود چون واجب بود اظهار شد.

تحریراً ۲۳ شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۵۹*

توضیحات:

۱. در اصل: الترود

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲، برگ ۱۴۰ a.

سواد کاغذ جناب وزیر دول خارجه بجناب مستطاب صاحب وزیر مختار انگلیس نوشته‌اند

چون بنظر بسیاری از رجال دولت علیه روم و بعضی قضیه‌ای که در کربلای معلی حادث شده کمال تأثر را بدولت علیه ایران خواهد داد در این وقت جناب جلالت‌نصاب

دستور مکرم معظم حاجی رؤف پاشا صدر اعظم آن دولت علیه بجناب جلالتمآب اجل اعظم آقای حاجی مد ظله العالی مراسله نوشته بعضی مضمون و خلاصه مسطور را

اینکه برای تحقیق واقعه کربلای معلی معتمد نامتش پاشا با فتحعلی [illegible] انگلیس و روس ببغداد رفت پس از تحقیقات لازمه معاودت کرده از افادات

و تقریرات او چنین استفاده و معلوم میگردد که باعث ظهور و وقوع این واقعه عصیان اهالی کربلا بوده که بجناب والی بغداد قولاً و فعلاً کرده‌اند رفع

این مقوله عصیان و تأدیب و تنبیه عاصیان اینگونه اعمال از لوازم انتظام ملکیه بود که بر دولتی واجب و لازم است اما انفصال [illegible] بعضی

با جرم در میانه تلف و اموال آنها بغارت رفته باعث تأسف و تأثر گشته آن [illegible] کمال [illegible] اعطا خواهند کرد [illegible] عفو [illegible]

و در [illegible] مطالب اینها بسیار مستبعد آمد که در واقعه فضیحه شنیعه کربلای معلی بچگونه معاذیر متوجه که در [illegible] مقبول و مسموع

تواند شد [illegible] اینگونه معاذیر بسند بجناب راکفته اند منفصل جواب [illegible] بمعرض [illegible] لذا [illegible]

برای رفع عصیان اهالی کربلا و تنبیه آنها از لوازم ملک‌داری بوده بکویم با هر صورت شاید صحیح است اما در صورتیکه جمله جزئی انتظام ممکنت حفظ

ضرر از خسارت خویش برای تبعه دولت متصور باشد و رفع چند نفر اشرار را باید هم بتوان ذکر نمود چه لازم بود که ناموس و نفوس و اموال چندین

هزار مخلوق بیچاره در معرض اتلاف در آورند بغارت دهند اکر او در قتل و اسیر و نهب آنها [illegible] که با وجود این [illegible] ذکر [illegible]

جاری [illegible] اکر بعد با [illegible] قتل و غارت تبعه این دولت علیه نبود میتوانست آنقدر مهلت دهد که آنها خود را از این ورطه خلاصی دهند

با بیش از عزم تسخیر کربلا بدولت علیه ایران اعلام کند بر طرف رفع اشرار کربلا است بهر طور که بتواند تبعه خود را از آنجا خلاص [illegible]

از این مقوله دلایل براهین بسیار است و اظهار موجب باعث زحمت جناب [illegible] که نوشته اند بعضی مجرم بعضی در میانه تلف شده اند

و اموال آنها بغارت رفته تأسف و تأثر دولت و اولیای [illegible] برای [illegible] خواسته از [illegible] دولت علیه ام معارضه [illegible] کرده‌اند

و ملالت [illegible] تأثر و ملال [illegible] انکار [illegible] اموال [illegible] که [illegible] نخواهند

و کسان [illegible] از تبعه این دولت علیه در آنجا مجاور بعضی مردمان با ثروت و مکنت بعضی هم در دولت و ثروت خود را در آنجا برده به عبادت [illegible]

مساکین و امثال [illegible] بعضی بعد رسیده اند [illegible] آنها اهل ایران است و تبعیه [illegible] بعضی بدیار و دیار خود مراجعت کرده و اکثر مجاورین

مانده باشند چند نفر [illegible] نظر بعدم استطاعت نتوانستند حرکت نمایند آنها [illegible] خلاصه پس از آنکه ترجمه [illegible] جلالت [illegible]

بنظر اعلیحضرت قدر قدرت اعلیحضرت قضا شوکت شاهنشاه با فرجاه ابدالله ظله رسید فرمودند سواد [illegible] ترجمه برای [illegible] انفاذ دارد

در فرمودند که آنجناب اطلاع و استحضار کامل داشته باشند بعد از وقوع قضیه کربلای معلی مجتهدین و علما و فضلا و سادات و اعزه و اعیان و اشراف و

[illegible] خلال طوایف [illegible] ایران از راه تعصب و غیرت دینی از در تقاضای انتقام و خونخواهی که کلم شرع و عرف محقق [illegible]

... ده با اولیای دولت قاهره نوشته‌اند و اذن خواسته‌اند که خود رفته تقاص کشند اما مخفی نماند که بر اهم خورد که مجلس ارزنة الروم

یک نوع تحقیق بنمایند و کارگزاران ... سفیر ... انگلیس ... بلطایف الحیل و ... آنها را ... و نفهمیدن

اولیای دولت ... در میان است ... قرار ... در تلافی قضیه کربلا خواهند داد و در همان ... سرحد ... اولیای دولت ...

... دولت ... رسید که ... تعارض ... از صبر و حوصله ... کرده ... شنیع ...

بدون حکم و اجازه دولت علیه روم بوده است و البته دولت علیه روم از عهده تلافی ... شنیع بیرون خواهد آمد و اعلیحضرت قدر قدرت

... جناب صدر اعظم ... متوقف ... دارالسلطنه لندن ... حکم داده‌اند ... دولت بهیه انگلیس در این باب گفتگو کرده

... قرار صحیح گذارده ... نموده اولیای دولت علیه روم ... [illegible] ... شنیع ...

علیه ... باصبر و حوصله زیاد ... دولتین بهیتین روس و انگلیس ... جواب ... جناب صدر اعظم ...

... صبر و حوصله کرد و جواب خلق ایران چه بگوییم که جناب صدر اعظم ... کربلا ...

... خواهند ... اگر ... اولیای دولت ... [illegible]

... دولت علیه روم ... جواب ... دارند

... [illegible] ... ۱۲۵۹

سند شماره ۸

تاریخ: [به احتمال قوی بین ربیع‌الثانی و شوال ۱۲۵۹]‏[1]

سواد دستورالعمل محمدشاه به میرزاتقی‌خان

دستورالعمل همایون است که در خفیّه به آن عالیجاه داده می‌شود که در نزد کسی ابراز نکند. این است که: اول در باب سلیمانیه، اگر وکیل دولت علیّه روم اصرار کند وکلای دولتین بهیتین روس و انگلیس توسط نمایند که در دست دولت علیّه روم باشد، آن عالیجاه با این که معترف شود که داخل خاک روم است، هم این قدر بنا به خواهش وکلای دول ثلاثه قبول نماید در تصرف دولت علیّه روم باشد مشروط به این که حاکمی که در سلیمانیه تعیین می‌شود به رضا و امضای طرفین باشد و خلعت حکومت از جانبین به او داده شود و حکام آن جا سالی سی هزار تومان وجه عادیه ییلاقیه را به اولیای دولت علیّه ایران بی‌حرف و عذر کارسازی کنند. دوّم[2]: درباب رد شاهزادگان فراری پس از آن که اذعان نمودند که باید رد شوند. اما در عالم دوستی توقع نمایند که آنها را برده در شهر ادرنه یا حلب، آن سمت‌ها سکنی دهند، قبول نمایند. سوّم[3]: در باب چهار کرور خسارت محمره است، اگر وکلای دول ثلاثه توقع نمایند که گذشت نمائیم و از این مبلغ کم کنیم قرارش را بدهد و کمتر راضی نشود اما خود محمره و این طرف شط‌العرب تماماً از خاک ایران است و قرار بدهد که من بعد احدی در این باب گفتگویی نداشته باشد. چهارم: درباب حق گمرکخانه است که باید از تجّار تبعه دولت علیّه ایران موافق عهدنامه مبارکه که در یکجا زیاده از صد چهار نگیرند، موافق نرخ نامه که در این مدت معمول نبود مطالبه صدچهار نمایند لیکن اگر وکیل دولت علیّه روم اصرار کند و وکلای دولتین بهیتین روس و انگلیس توسط نماینده آن عالیجاه قرار بدهد که تجار دولت علیّه ایران صدچهار را با نقد به موجب نرخ و قیمت عادله بازار که بخرند و اجحاف و زیادتی به آنها نشود، بدهند یا جنس از همان مال‌التجاره حق صدوچهار بردارند دیگر به تعرفه[4] قدیم و جدید رجوع نداشته باشد. والسلام*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲ برگ ۱۵۱ b، متن همین دستورالعمل در کتابچه شماره ۶ البته با کمی تفاوت در

توضیحات:

۱. این سند دستورالعمل محمدشاه به میرزاتقی‌خان درخصوص چگونگی مذاکره درباره سلیمانیه است. موضوع سلیمانیه در جلسه پنجم کنفرانس ارزنةالروم مورد بحث قرار گرفت. صورت‌جلسه آن به تاریخ ۲۰ شوال ۱۲۵۹ به تهران فرستاده شد. صورت جلسه مذاکرات مجلس سوم نیز در تاریخ ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۲۵۹ به تهران ارسال شده است. از آنجا که صورت جلسه چهارم موجود نیست. می‌توان احتمال داد که در یکی از ماههای بین ربیع‌الثانی و شوال میرزاتقی‌خان از محمدشاه درخصوص چگونگی مذاکرات راجع به سلیمانیه که بنا بوده در مجلس پنجم مورد مذاکره قرار گیرد، استعلام کرده باشد. برای آگاهی از متن صورت جلسه سوم و پنجم نگاه کنید به: گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، جلد اول، صفحات ۶۴۴-۶۸۴.

۲. در اصل: دویم

۳. « « : سیم

۴. « « : تعریفه

پاره‌ای الفاظ عیناً آمده است، لذا فقط تصویری از سواد مزبور را در اینجا درج می‌کنیم.

مسئله اهم اینست که در خصوص ... [illegible] ... درنگ که ... است اول در باب سلیمانیه که وکلای دولت علیه روم

اصرار کنند و وکلای دولتین روس و انگلیس از شرط ... در دولت علیه روم بعد از آنکه معترف شده

که ... خاک ایران است ... با ... وکلای دولتین ... قبول نمایند که در تصرف دولت علیه روم باشد

... حاکم سلیمانیه ... [illegible] ... حکومت ... و چنانچه اگر

سالی ... [illegible] ... دولت علیه ایران ... دویم در باب ارادکان

و ... از آنکه ... [illegible] ... نقض عهدی از دولت علیه روم

ظاهر می‌گشت ... از ... حاکم ... [illegible] ...

اینها ... [illegible] ... توقع نمایند ... [illegible] ...

... [illegible] ... وکلای دولتین ... توقع نمایند ... [illegible] ...

قرار ... [illegible] ... اما محمره و ... [illegible] ... خاک ایران است و ...

... در باب ... [illegible] ... دعاوی دولت علیه ایران دولت علیه ...

... [illegible] ... وکلای دولتین ... توقع ... [illegible] ...

... در باب ... [illegible] ... دولت علیه ایران ... [illegible] ...

... [illegible] ... وکلای دولت علیه ... توقع ... وکلای دولتین ...

... [illegible] ... دولت علیه ایران ... [illegible] ...

... [illegible] ... حق ... [illegible] ...

رسم العمل ایران است که در خفیه باقی داده می‌شود در زیر کمی ابراز نمی‌شود این است که اول در باب سفاین اگر وکلای دولت علیه روم اصرار

اصرار کنند و وکلای دولتین روس و انگلیس توسط نمایند در دست دولت علیه روم باشد الحال آنها که معترف به ادا و خلاف حاکی

روم است همینقدر رضا کرده است که وکلای دول ثلاثه متعهد باشند در تصرف دولت علیه روم باشد شرط باشد که حکم در سفاین نقل ملحوظ

حکومت طرفین باشد و ضعف حکومت از جانبین داده شود و حکام آنجا سالی هزار تومان وجه عادت سالیانه را بدهد به دولت علیه ایران

تحریف و انکار سازی نکنند دویم در باب رود شاهزاده‌ها که قرار است که از آن [illegible] مدعی شوند اما در عالم [illegible]

توقع نامه که اظهار کرده در شهر [illegible] شهرها سکنی دهند قصد نامه [illegible] سیم در باب جهات گرد [illegible] حضرت [illegible] اگر وکلای [illegible]

توقع نامه [illegible] گذشت [illegible] و از این [illegible] کم کنیم قرارش را بدهد و کمتر راضی نشود اما خود [illegible] شط العرب تا [illegible] از خاک ایران است

و قرار نامه [illegible] در این باب گفتگو شده باشد چهارم در باب حق گمرکی است که باید از تجار تبعه دولت علیه ایران مأخوذ شود عهدنامه

مبارکه در گمرک زیاده از صدی چهار نگیرند موافق نرخ نامه [illegible] معمول [illegible] صدی چهار [illegible] اگر وکلای دولت علیه روم اصرار کنند

و وکلای دولتین روس و انگلیس توسط نمایند [illegible] قرار [illegible] تجار دولت علیه ایران صدی چهار را نقد به موجب نرخ و قیمت [illegible] بازار [illegible]

و اجحاف و زیادتی ما بها نشود بدهند یا جنس از همان مال التجاره حق صدی چهار بردارند دیگر [illegible] رجوع [illegible] نشود والسلام

سند شماره ۹

تاریخ: [به احتمال قوی ذیقعده ۱۲۵۹][1]

سوادنامه میرزا آقاسی به میرزاتقی‌خان

سواد کاغذی است که جناب حاجی [میرزا آقاسی] به وزیر نظام نوشته‌اند:

تحریرات آن فرزند با کتابچه صورت مجلس پنجم[2] که در بیستم شوال [۱۲۵۹] با وکیل دولت علیّه روم گفتگو کرده، فرستاده بود، در دوازدهم ذی [احتمالاً ذی‌حجه] واصل شد و همه را به نظر دقت از مطلع تا مقطع[3] ملاحظه و مطالعه کرده بعد به لحاظ اقدس همایون شاهنشاهی روح‌العالمین فداه رسانید و خدمات آن فرزند مقبول خاطر مهر اثر ملوکانه افتاد و باعث ازدیاد مراحم و اشفاق مهر اشراق خدیوانه درباره آن فرزند شد. الحق [بر] آن فرزند آفرین، روی آن فرزند سفید، نمک شاهنشاه دین پناه به آن فرزند حلال باشد که بطور دلخواه، آن جناب در مجلس پنجم حقوق و حدود دولت علیّه ایران را ثابت کردی و همان صورت مجلس را به هر دو سفیر دولتین بهیتین نشان داده و گفتگو کرده که وکلاء دولتین مقیمین ارزنةالروم حضور داشته‌اند. که آن فرزند وکیل دولت علیه روم [را] به دلیل ساخته که کتابهای جغرافیا[4] در دارالخلافه استانبول به حکم دولت ایقاع یافته و وکیل دولت علیّه روم هم تصدیق نموده‌اند. یقین حاصل است که وکلای دولتین فخیمتین روس و انگلیس هم به مقتضای کمال خیرخواهی کتمان نکرده به اولیای دولت خود صورت مجلس پنجم را حقیقت نگاری خواهند کرد. باری عجالتة در ایذاء[5] حس خدمات و کفایت و کاردانی[6] آن فرزند مشمول عاطفت ظل‌اللهی گشته به صدور منشور قضاء دستور و اعطای یک قطعه نشان شیر و خورشید الماس از مرتبه اول با حمایل خواص که مخصوص خدّام با اختصاص است سرافراز آمد. می‌باید با کمال استظهار و امیدواری نشان مبارک را با حمایل خواص رتبت می‌گردد شافی کردن جان نثاری خود ساخته زیاده از پیش در انجام خدمات دولت[7] ....*

---

*. سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲، برگ ۶۱ b.

توضیحات:

۱. در متن سند اشاره به صورت مجلس پنجم که در ماه شوال ۱۲۵۹ انعقاد یافته؛ شده است. لذا با احتساب مدت زمان ارسال صورت مجلس فوق‌الذکر می‌توان تاریخ سند را به احتمال قوی ذیقعده ۱۲۵۹ دانست.

۲. برای متن کامل صورت مجلس مذاکرات پنجم نگاه کنید به: گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی جلد اول، صفحات ۶۶۳-۶۷۳.

۳. در اصل مقطی

۴. درخصوص ارائه ادله متقن از سوی میرزاتقی‌خان در اثبات حدود ایران و استناد او به کتاب جغرافیای کاتب افندی، نگاه کنید به منبع پیشین، ص ۶۷۱.

۵. در اصل: ایزاء

۶. در اصل: کادانی

۷. این سند در کتابچه سواد نیز ناقص است.

[illegible]ت که جناب حاجی [illegible] لطف‌الله نوشته‌اند تحریرات آن فرزند کتابچه صورت مجلس پنجم و بیستم
[illegible] با وکیل دولت علیه روم گفتگو کرده فرستاده بود در بیست [illegible] واصل شد و همه را از نظر دقت
از مطلع تا مقطع ملاحظه و مطالعه کرده به لحاظ انور اقدس همایون شاهنشاهی روح العالمین فداه رسید و خدمات آن فرزند
مقبول خاطر مهر مظاهر ملوکانه افتاد و باعث ازدیاد مراحم و اشفاق مهر اشراق خسروانه درباره آن فرزند شد [illegible] آن فرزند
در مجلس پنجم بسیار خوب از عهده گفتگو برآمده است زیاده از [illegible] آن فرزند [illegible] خشنودم چنانچه حضرات
آن [illegible] آن فرزند [illegible] با آن فرزند جدال [illegible] انجاب و در مجلس پنجم حقوق دولت
دولت علیه ایران را ثابت کردی و همان صورت مجلس [illegible] دولتین [illegible] گفتگو کرده کلیه
دولتین [illegible] حضور داشته‌اند که آن فرزند و وکیل دولت علیه روم [illegible] که [illegible]
در [illegible] اسلامبول به حکم دولت [illegible] یافته و وکیل دولت علیه روم هم تصدیق نموده‌اند [illegible]
و وکلای دولتین فخیمتین روس و دولت انگلیس هم به مقتضای کمال خیرخواهی کتمان نکرده [illegible] دولت [illegible] صورت [illegible]
حقیقت‌نگاری خواهند کرد باری [illegible] در ابراز حسن حالات و کفایت و کاردانی آن فرزند مشمول عواطف [illegible]
گشته [illegible] و عطای [illegible] نشان شیر و خورشید الماس از مرتبه [illegible] با حمایل خواص [illegible]
با اختصاص [illegible] سرافراز [illegible] کمال استظهار [illegible] نشان مبارک را با حمایل خواص [illegible]
[illegible] از همه [illegible] در ایام [illegible] شده است

سند شماره ۱۰

تاریخ: ۲۰ ذیقعده [۱۲۵۹][1]

سوادنامه میرزاتقی‌خان به میرزا آقاسی

سواد کاغذ مرحوم[2] وزیر نظام به حاجی میرزا آقاسی

فدایت شوم؛ صورت مجلس ثامن[3] راجوف عریضه انفاد حضور مرحمت دستور بندگان ولی‌النعمی دام‌ظله العالی نمود. اگرچه تفصیل مکالمات در صورت مجلس مفصلاً و مشروحاً بدون کم و زیاد عرض شده، به نظر بندگانعالی خواهد رسید. اجمالاً عرض می‌شود که چون در این دو مجلس حرف و گفتگو از محمره است، در این مجلس ثامن جناب مأمور مرخص عثمانی خواست شیخ کعب را برای شهادت حاضر مجلس مکالمه سازد به ملاحظه این که مکالمه با امثال او خارج از مضامین دستورالعمل و مأموریت است از حضور او استنکاف نمود. چون مأمورین متوسطین ممانعت این کمترین را صلاح ندانسته و رسماً به عدم ممانعت کمترین تصریح کرده حتی متقبل شدند این صواب‌دید خودشان را تحریراً نوشته به کمترین بسپارند. بنابراین کمترین غلام سکوت کرده ممانعت ننمود لکن با او هم کلام هم نشده هر مطلبی که ایراد می‌کرد کمترین خطاباً از جناب مأمور مرخص سئوال و جواب می‌نمودم جناب مشیرالیه نیز هرچه از تحقیقات کمترین که متعلق به محمره بود و خود نمی‌دانست از او می‌پرسید، به کمترین خودش جواب می‌داد و این بیست وپنج طغری کاغذها را که اسم آنها را سند گذاشته به کمترین داد. کمترین در آن مجلس اسم آنها را سند نگفته، کاغذ خوانده و آورده، دو طغری از آنها فرمان سلطان محمد و سلطان مصطفی است که برای اثبات اسم درّه ابراز کرده که اسم اصلی محمّره درّه بوده است و سایرین همه کاغذهای شرعی از قبیل قباله و فتوی و وقف‌نامه است. کمترین آنها را به منزل آورده همه را ترجمه کرده از مضامین آنها کماهوحقه مستحضر شده، دستگیر شد که این کاغذها به هیچ وجه برای دولت عثمانیّه در اثبات حقیقت محمّره سند نمی‌تواند شد چرا که اسم خود محمره در این کاغذها نیست. سهل است اسم درّه هم در این کاغذهای شرعی نبوده. از این گذشته از کجا معلوم است که اسم محمره سابقاً درّه بوده

است، حال این که این معاملات هیچ کدام در درّه واقع نشده کلاً در مواضع دیگر است. بالفرض در درّه هم وقوع یافته باشد دلیل حقیقت دولت عثمانی نخواهد شد از این قرار باید اکثر ممالک دولت عثمانیّه داخل ممالک محروسه دولت علیّه ایران باشد به جهت این که اکثر تبعه ایران در مملکت عثمانی موافق قباله‌جات شرعی صاحب املاک‌اند از قبیل عتبات عالیات و خود ارزنة‌الروم و حوالی استانبول پس معامله و خرید و فروخت رعیت مناط نخواهد بود. بالجمله مستعد بودم که در مجلس آینده عدم دلالت این کاغذها را به مدعا [به] او مفصلاً مدلّل کرده بخصوص رد نمایم ولکن چون روز دیگر با مأمورین متوسطین در منزل خود ملاقات کرده و با آنها مصلحت کرده آنها گفتند اگرچه خود اختیارداری و ترا در این باب مجبور نمی‌کنیم ولکن نظر به این که سواد این کاغذها را برای ماها هم داده ما ها نیز ترجمه کرده به سفارتخانه‌های استانبول و طهران فرستاده‌ایم چنان بهتر می‌دانیم که شما هم سواد آنها را نزد امنای دولت علیه ایران بفرستید که آنجا به استصواب سفرا آنچه جواب شافی است خواهند گفت و اگر در ضمن تعلیمات مخفی خود چنین دستورالعملی داری که این قبیل کاغذها را بدون استحضار امنای دولت جواب بدهی اقدام بکن والاّ همین طور که ما صلاح می‌دانیم به دارالخلافه بفرست. بناء علیه سواد همه آنها را فرستادم ملاحظه خواهید فرمود و بهتر از همه خواهید دانست ولکن این غلام هم در آن مجلس گفته و هم در مجلس آینده خواهم گفت که این کاغذها راکه سند می‌نامید به هیچ وجه سند نیستند و نخواهند بود. و دیگر در باب ملکیّت محمّره که کمترین در مجلس از جناب افندی رسید که دولت علیّه روم این محمره را هنگام قتل و غارت آنجا و پیش از آن و بعد از آن چه طور می‌دانستند. چون جواب داد که ماضیاً و حالاً و استقبالاً ملک خود می‌دانستند علیهذا سواد فرمانی راکه عالیجاه میرزا جعفرخان به امر و فرمایش بندگانعالی با سایر کاغذها به کمترین داده بود، ابراز کرده و استدلال کردم که اگر ملک خود می‌دانستند چرا این فرمان را می‌دادند، پس معلوم است در آن وقت اولیای دولت روم یا اصلاً محمره را ملک خود نمی‌دانستند یا شبهه داشتند، چنانکه در فرمان به لفظ رومی نوشته‌اند والاّ اگر صریح می‌دانستند که ملک دولت روم است، میرزاجعفرخان را جواب صریح می‌گفتند. و هرگز این طور فرمان را صادر نمی‌کردند. جناب شما حالا ادعای صریح می‌کنید. بنابراین سواد فرمان را ابراز نموده و در مجلس خوانده شد و به هر

سه از مأمورین دول ثلاثه که خواستند، سواد آن را داده یک سواد نیز جوف عریضه فرستادم. امرکم مطاعاً

به تاریخ ۲۰ ذیقعده. تفصیل کاغذهای انفادی از این قرار است:

صورت مجلس ثامن، سواد کاغذها بیست و پنج طغری، سواد فرمانی که میرزاجعفرخان داده بود یک طغری.*

توضیحات:

۱. تاریخ صورت مجلس هشتم ۱۹ ذیقعده ۱۲۵۹ است. این نامه همراه با صورت مجلس مذکور یک روز بعد یعنی در ۲۰ ذیقعده ۱۲۵۹ برای حاجی میرزا آقاسی ارسال شده است.

۲. کلمه «مرحوم» ظاهراً حکایت از آن دارد که سواد سند بعد از قتل میرزاتقی‌خان از روی اصل سند تهیه شده است. اسناد ۱۲، ۱۸ و ۱۹ نیز چنین است.

۳. برای آگاهی از متن کامل صورت مجلس هشتم، نگاه کنید به: گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، جلد اول از صفحات ۶۹۷-۷۰۳.

---

* . صندوق ۱۸/۶-۲، پوشه ۱۸/۲

صورت مجلس ثانی راجع به عریضه آقای حاضر در رحمت دستگیر شدگان

اگر چه تفصیل مکالمات در صورت مجلس مفصلاً مشروحاً مندرج است کم و زیاد عرض شده منظور نبوده کاملاً خود کلیه آن را

عرض میشود یعنی در این دو مجلس حرف و گفتگو از مجره است در مجلس ثانی جناب ... مورخین عثمانی خواهش کردند

برای شهادت حاضر مجلس یک نامه بسازد مجلد حاضر آنکه یک نامه از علما باشد و خارج از مفاد نامه دستگیر

از حضور اینک فهمیده ... تا در مرتب مکاتبات این سه دو صلاح دانسته و در شما نیست ...

تصریح که حتی متقبل شده این مسئله و در خود شان تحریراً نوشته که مکرر این ... با نامه علما

مخالف ننمود ولکن با او هم کلام ... هر مطلبی را ایراد کردند مکرر از خطاها ... مورخین عثمانی

در جواب ... را نیز هر چه از تحقیق گفتم را مستحق مجره بود ... از دو طرف

مکرر در جواب ... نامه از اسم ... را داشته که داشته مکرر ...

در مجلس اسم ... کاغذ خوانده داده ... طوری از ... سلطان محمد سلطان مصطفی

در باب اثبات اسم دره ... اسم اصلح مجره دره ... از همه کاغذهای شرعی ...

... دو دقیقه نامه است مکرر ... آورده ... ترجمه که از مفاد ...

... دستگیر ... کاغذ ... عثمانیه در اثبات حقیقت مجره ... قرار

چرا که اسم ... مجره در این کاغذ ... اسم دره ... کاغذهای شرعی ...

گذشته ازاین معلوم است اسم مجره سابق در ... است ... احکام ... دره

واقع ... در مواضع دیگر ... دره ... مورخ ... حقیقت ... عثمانی

نخواهد ... اگر ... عثمانیه داخل ممالک محروسه ... ایران ...

بجهت آنکه اگر تبعه ایران در مملکت عثمانی ... شرعی ... ازجمله ...

... مسجد ... و ... بمناط نخواهد

بجهت ... در مجلس آینه ... عدم دلالت این کاغذها ... مفصلاً

سند شماره ۱۱

تاریخ: ذیحجه ۱۲۵۹

سواد نامه وزیر دول خارجه به میرزاتقی‌خان

سواد مراسله [ای]که وزیر دول خارجه به عالیجاه میرزاتقی‌خان نظام نوشته‌اند.

مقرب الخاقانا برادر مهربانا، درباب حدود و سنور دولتین علیتین ایران و روم که مأمورین دولتین فخیمتین روس و انگلیس از شما سند خواسته بودند و شما از جواب عاجز مانده بودید[1]، جناب اجل اکرم آقای حاجی مدظله العالی کمال تغیّر را به شما فرمودند که با وصف آن که شما در عنفوان شباب و سن تمیز تا به حال در آن سرحدات توقف داشته‌اید و دخیل در کارهای مرحوم قائم‌مقام و مرحوم امیرنظام بوده‌اید و از همه جا همه اوقات استحضار کامل داشته‌اید چرا از جواب عاجز شده‌اید و فرمودند **دلایل ما از آفتاب روشن‌تر** است. به این تفصیل: در اوقاتی که مرحوم محمدخان حاکم ایروان بود و بعد که حکومت آن جا مفوض به مرحوم حسین‌خان سردار شد مغابرد و اطراف ارپاچایی و این طرف آخور کلک را پیوسته سابقاً و لاحقاً بی‌حرف و گفتگو متصرف بودند و همچنین قلعه بایزید نشمن مرال سلطان ایروانی و از توابع ماکو بود، بعد اگر چندی اسحق پاشا و اولادش داشتند اما باز کسان دولت علیه ایران مالک شدند از آن جمله در حین انعقاد مصالحه بین‌الدولتین عالیجاه علی‌خان ماکویی در آن جا حاکم بود، چرا جناب جلالت مآب حاجی رؤف‌پاشا در حین مصالحه اگر حرفی داشتند می‌بایست در آن اوقات بزنند و همچنین نوشار و خوشاب و اباقای و محمودی که مشهور به یزیدخانه است و غازلی گل در تصرف مرحوم احمدخان دنبلی بود و بعد از فوت مرحوم احمدخان و انقراض اولاد او در ضبط فتحعلی‌خان قاجار که حاکم خوی بود و همچنین چهریق و باشقلان را مرحوم احمدخان دنبلی و بعد مرحوم جعفرقلی‌خان در تصرف داشتند بعد از آن یوسف‌خان و سهراب‌خان مرحوم، حاکم آن جا بود [ند] و در تصرف داشتند. همچنین سلیمانیه، کوی و حریر در تصرف نواب ولیعهد مبرور طاب ثراه بود که مالیات می‌گرفتند و حاکم از خود تعیین می‌کردند و ازجمله حکام یکی مرحوم محمدخان سردار ماکویی

بود در ایام حیّوه [حیات] مرحوم محمدعلی میرزا با خانقاه عرب و عجم در تصرف داشت و در حین مصالحه بین‌الدولتین در ارزنةالروم در تصرف نواب حشمت‌الدوله بود و همچنین زهاب که از عهد قدیم مسکن طایفه کوران و موطن اجداد محمدولی‌خان حاکم طایفه مزبوره است و هست و این معنی بر همه کس ظاهر و هویدا است. همچنین کعب و محمره مالیات آن جا را به حاکم فارس می‌دادند چنانچه مرحوم حسنعلی میرزافرمانفرمای سابق فارس متصرف بود و بعد نواب فریدون میرزا که فرمانفرمای فارس شد در تصرف داشت و همچنین تا به حال در تصرف حکام و مأمورین این طرف بوده است و هیچ کس خاطر ندارد که کعب محمره وقتی در تحت حکومت بغداد یا بصره بوده است همه را باید حالی مأمورین دولتین فخیمتین روس و انگلیس نمایند و مدلل بدارند بفضل‌اللّه لعالی هرگز اولیای دولت قاهره حرف بی‌حساب نگفته و نخواهند گفت باید آن برادر به همین ادلّه، مدلّل کند و راضی به دفع الوقت نشود. این معنی معلوم اجانب و اقارب است.

تحریراً فی شهر ذی‌حجةالحرام سنه ۱۲۵۹.*

توضیحات:

۱. به احتمال قوی اشاره است به گزارش میرزاتقی‌خان در صورت مجلس ششم که بین ۲۰ شوال ۱۲۵۹ تا ۱۴ ذیقعده ۱۲۵۹ به وزارت امورخارجه ارسال داشته است. چنانکه در مقدمه گفته شد، صورت مجلس ششم جزء هفت صورت مجلسی است که متأسفانه در کارتن $\frac{۱۸}{۲}$ (نوشته‌های قدیم) موجود نیست.

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲، ص ۱۹۹.

سواد مراسله وزیر دول خارجه که بمیرزا تقی وزیر نظام نوشته‌اند

مقرب الخاقانا [illegible] در باب حدود و ثغور دولتین علیتین ایران و روم که مأمورین دولتین فخیمتین روس و انگلیس از شما [illegible] خواسته بودند
و شما از جواب عاجز مانده بجناب اجل اکرم آقا حاجی [illegible] نوشته [illegible] بر شما [illegible] وصف اینکه شما در عنوان شباب و سن [illegible]
تا بحال در این حدود [illegible] و چند در کارهای مرحوم قائم مقام و مرحوم میرزا نظام [illegible] همه [illegible]
چرا از جواب عاجز شده‌اید [illegible] روشن‌تر از آفتاب [illegible] بتفصیل [illegible] مرحوم محمد خان حاکم ایروان بوده
[illegible] حکومت آنجا مفوض بمرحوم حسین خان سردار [illegible] و اطراف [illegible] طرف [illegible] حرف و گفتگو
متصرف بعضی [illegible] همچنین قلعه بایزید [illegible] سلطان [illegible] بعد [illegible] داشته [illegible]
دولت علیه ایران [illegible] در حین انعقاد مصالحه بین الدولتین [illegible] حاکم [illegible] جناب جلالت مآب [illegible]
در حین مصالحه [illegible] داشته [illegible] و همچنین [illegible] محمود [illegible]
در تصرف مرحوم احمد خان [illegible] بعد از فوت مرحوم احمد خان [illegible] انقراض اولاد او [illegible] حاکم خوی [illegible] و همچنین چهریق
مرحوم احمد خان [illegible] مرحوم جعفرقلیخان در تصرف داشته بعد از آن [illegible] سهراب خان مرحوم [illegible] حاکم آنجا بوده و در تصرف داشته‌اند
همچنین سلیمانیه [illegible] در تصرف [illegible] حاکم [illegible] و از جمله حکام [illegible] مرحوم محمد خان
[illegible] در ایام حیوة مرحوم محمد علی میرزا [illegible] عرب و عجم در تصرف داشته و در حین مصالحه بین الدولتین در ارزنة الروم
در تصرف نواب حشمت الدوله بوده و همچنین [illegible] کوران [illegible] حاکم طایفه مزبوره [illegible]
و همچنین بر همه کس ظاهر و هویدا است همچنین کعب و محمره [illegible] حاکم فارس [illegible] مرحوم حسینعلی میرزا فرمانفرما [illegible] فارس
متصرف بوده و نواب فریدون میرزا فرمانفرمای فارس [illegible] در تصرف داشت و همچنین [illegible] در تصرف حکام [illegible] مأمورین [illegible] بوده است
و همچنین ظاهر [illegible] کعب و محمره [illegible] در تحت حکومت [illegible] بوده [illegible] همه [illegible] باید حالا مأمورین دولتین فخیمتین روس و انگلیس [illegible]
و [illegible] بتفصیل انشاء الله تعالی [illegible] حرف [illegible] نخواهند گفت [illegible] برادر [illegible] کنند
[illegible] معلوم [illegible] است

تحریراً فی شهر ذی حجه الحرام سنه ۱۲۵۹

سند شماره ۱۲

تاریخ: ۱۷ ذیحجه [۱۲۵۹][1]

سواد نامه میرزاتقی‌خان به میرزا آقاسی

سواد کاغذ مرحوم[2] میرزا نظام به حاجی میرزا آقاسی

فدایت شوم؛ صورت مجلس یازدهم[3] است که در جوف عریضه انفاد حضور مرحمت دستور بندگان عالی گردید. انشاءالله از نظر مرحمت اثر بندگان ولی‌النعمی دام‌ظله‌العالی خواهد گذشت. سواد خریطه و فرمان سلطان احمد ثالث و سواد صفحه کتاب جهان‌نما که جناب مأمور مرخص عثمانی داده بود در جوف به نظر بندگانعالی خواهد رسید. اما سواد عرض محضر اهالی حکاری را هنوز نفرستاده بود. بعد که می‌فرستد، ارسال می‌شود. مضمون آن که در مجلس ملاحظه شد، این است که اهالی حکاری نوشته‌اند: این قلاع و قصبات که در ید تصرف امنای دولت علیّه ایران است ملک دولت علیّه روم است، بالجمله در هفتم شهر حال مأمورین متوسطین به منزل این غلام آمده اولاً گفتند شما آن روز در مجلس عاشر که مکالمه از حدود بود خواندید از قبیل اخسقه و قارص و وان و بایزید الی آخر و حال آن که در ترجمه و دستورالعمل شما که نزد ما هست لفظ این قبیل نیست. و ثانیاً اگر اخسقه و بایزید و وان و قارص ملک دولت ایران بود چهارده سال قبل با وجود حصول اتحاد مابین دولت ایران و روس امنای دولت ایران چرا اظهار نکردند. این غلام گفتم محرمانه می‌پرسید یا رسمانه؟ گفتند محرمانه، جواب دادم من هم جواب محرمانه می‌دهم، که من مأمورم و موافق دستورالعمل به اطاعت احکام مجبور که هرچه حکم شده باید بگویم و به امثال من نمی‌رسد این قبیل سؤالات را از پادشاه جمجاه روح‌العالمین فداه یا ولی‌النعمت خود سؤال نماید که چرا آن وقت این ولایات را نخواستند. المأمور معذور مثلاً اگر امپراطور اعظم روس به شما که کلنل دنیس[4] هستید امر نماید که برو اسکدار را از سلطان روم مطالبه بکن می‌توانی از جهت و سبب آن بپرسی یا اطاعت امر نکنی گفت نه، بعد ذلک این غلام گفتم: اصل دستورالعمل ممهور مزیّن به مهر بندگانعالی را حاضر کردند به آنها نشان دادم که لفظ از این قبیل بود. ثالثاً گفتند اگرچه شما دربا‌ب

ابراز کتاب جغرافیای مطبوعه عهد سلطان سلیم به ما اخبار کردید ولکن اگر پیشتر دیده و فهمیده بودیم، نمی‌گذاشتیم ابراز نمایی چرا که در کتاب مزبور چیزی به ایران نفعی داشته باشد نیست. کمترین، جواب دادم که موافق دستورالعمل مأمور بودم آن دو کتاب را برای دو فقره ابراز نمایم کتاب جغرافیای دولتی کاتب افندی را در مجلس خامس ابراز کردم این را هم در مجلس عاشر و من از بازار نخریده بودم که خود، خوب دید آن را صلاح دانم، [من] به اطاعت و حکم دستورالعمل خود رفتار کرده‌ام. اگر شما از دولت خودتان به امری مأمور باشید سوای اطاعت چاره دارید؟ گفتند خیر. و دیگر یک صفحه کتاب ترجمه اطلس راکه در مجلس عاشر ابراز نموده بود یک سواد نیز جوف این عریضه برای اطلاع و استحضار بندگانعالی فرستاد. امرکم مطاعاً.

به تاریخ ۱۷ ذی‌حجةالحرام عرض شد.*

توضیحات:

۱. تاریخ صورت مجلس یازدهم ۱۳ ذیحجه ۱۲۵۹ است. این نامه همراه با صورت مجلس مذکور چند روز بعد یعنی در ۱۷ ذیحجه ۱۲۵۹ برای حاجی میرزا آقاسی ارسال شده است.

۲. نگاه کنید به توضیحات (شماره ۲) سند شماره ۱۰.

۳. برای آگاهی از صورت مجلس یازدهم نگاه کنید به: گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، جلد اول، صفحات ۷۲۰-۷۳۳.

۴. در اصل: کورونیل دانی‌نز [کلنل ژوزف دنیس]

---

* . صندوق $\frac{۱۸}{۶-۲}$، پوشه $\frac{۱۸}{۲}$.

سواد کاغذ مرحوم وزیر نظام به جناب میرزا تقی [illegible]

قربانت شوم صورت مجلس یازدهم است در جوف عریضه انفاذ حضور مهر ظهور دستور بندگان عالی

گردید انشاءالله از نظر مرحمت اثر بندگان والا اتمی دام ظله العالی خواهد گذشت سؤال جغرافیه [illegible] سلطان احمد پاشا

و سواد صفحه کتاب جهان‌نما و جواب بورجیس عثمانی هم بعد از وقوف نظر بندگان عالی خواهد رسید اما سواد

عرض محضر اهالی حکاری را هنوز نفرستاده‌ام بعد از این مینویسند ارسال میشود مضمون آن را در مجلس ملاحظه

اینست که اهالی حکاری نوشته‌اند که این قلاع و قصبات در تصرف ایشان و آن [illegible] ایران

ملک دولت علیه روم است با جمله در هفتم شهر حال مأمورین سر سلطنتین به [illegible] انعقاد [illegible] گفته

امروز در مجلس سیزدهم مکالمه از حد و حدود خواهند [illegible] و قارص و وان و بایزید الی آخر و حال

آنکه در ترجمه دستور العمل شاه نزد ماست لفظ این قبیل نیست و تنها گفته که [illegible] وان [illegible]

و قارص ملک دولت ایران بعد چهار ده سال [illegible] و حدود [illegible] دولت ایران و روس

[illegible] دولت ایران چرا اظهار نکردند این غلام گفتم محرمانه [illegible] گفتند محرمانه جواب دادم

فرم جواب محرمانه [illegible] مأمورم و موافق دستور العمل با طاعت احکام مجبورم هر چه حکم شده باید بکنم

و با مشاوره [illegible] این قبیل سؤالات را از پادشاه و جمیع روح العالمین فداه و ولی النعمت خود [illegible] نمایند

و حمله [illegible] ولایات [illegible] المأمور معذور [illegible] اگر امر اعظم رسیده [illegible] گرد [illegible] و آلی

هستند [illegible] اگر از سلطان روم مطالبه کنید میتوانی از جهت [illegible] آن [illegible] با اطاعت [illegible]

این [illegible] گفت نه بعد [illegible] این غلام گفتم [illegible] دستور العمل مهر [illegible] بندگان عالی را حاضر کردند [illegible]

هم لفظ [illegible] گفته اگر [illegible] از کتب جغرافیای مطبوعه عهد سلطان سلیم [illegible]

کمعد و لکن اگر بیشتر دیده و فهمیده بفهم [illegible] ایران [illegible] در کتب [illegible] که [illegible]

نفع دولت [illegible] جواب [illegible] موافق دستور العمل مأمور بفهم [illegible]

[illegible]

سند شماره ۱۳

تاریخ: ۲۵ ذیحجه ۱۲۵۹

سواد نامه وزیر دول خارجه به میرزاتقی‌خان

سواد کاغذی که جناب وزیر دول خارجه به عالیجاه مقرب الخاقان میرزاتقی‌خان وزیر نظام نوشته‌اند.

عالیجاها، مقرب الخاقانا، گرامی برادر، مهربانا.

نوشتجاتی که در چهاردهم شهر ذیقعدةالحرام نگارش و صورت مکالمات مجلس سادس و سابع [1] [را] فرستاده بودید واصل شد و از مضامین آنها استحضار کامل حاصل آمده تمامی را به نظر اقدس شهریاری روح‌العالمین فداه جناب اجل اعظم اکرم آقای حاجی مدظله‌العالی رسانید. فرمودند اگرچه این معنی ظاهر بود که بنای دولت علیه روم با ما به طفره و دفع‌الوقت و اهمال بود لکن چون اولیای دولتین فخیمتین روس و انگلیس صورت انعقاد مجلس ارزنةالروم را به اولیای دولت علیّه تکلیف کردند و مقرر داشتند که در حضور دو نفر وکیل منصف خودشان احقاق حق شود به مقتضای لوازم دوستی و یگانگی قبول نمودیم که اتمام حجت کنیم حتی قضیه کربلای معلی هم که در آن اثناء اتفاق افتاد محض این که مبادا یک نوع حقی برای وکلای دو دولت بزرگ باشد تحمل و تأمل نمودیم و مجلس ارزنةالروم را برهم نزدیم والاّ پرمعلوم است که وکلای دولت علیّه روم به هیچ طور پا به راه نمی‌گذارند و مایل به گذراندن امر مصالحه نیستند و هفت مجلس که سهل است اگر در هفتاد مجلس همه حرف بزنند همان صورت مجلس اول را دارد چنانچه مطلبی را پیشتر گفته‌اند و جوابهای مسکت حسابی شنیده‌اند و جناب اجل اعظم اکرم حاجی مدظله العالی جناب صارم افندی را در حضور جناب جنرال دوحامل وزیر مختار سابق دولت بهیّه روسیه مجاب کردند که خود جناب معزی‌الیه معترف شد که حق با شماست باز حالا وکیل دولت علیّه روم همان مطالب را اعاده می‌کند و در مقابل حقوق ثابته این دولت علیّه ادعای زهاب و محمره و سلیمانیه را می‌نماید. این که نوشته بودند که در باب زهاب اولیای دولت علیّه به شما دستورالعملی نداده‌اند، زهاب ملکی

متنازع فیه نبود که در آن باب فرمانی به شما [داده] شود و همه کس می‌داند که زهاب از قدیم یورت و مسکن ایل کوران و همیشه در تصرف این دولت علیّه بوده، شاهد بر این مدعا این که اگر دولت علیه روم را در باب زهاب حرفی بود چرا در هنگام انعقاد صلح بین‌الدولتین که جناب جلالتماب دستور اعظم حاجی رؤف پاشا که مباشر امر مصالحه بودند حرفی درباب زهاب نفرمودند. زهاب که سهل است بلکه تا پل خانقین، عرب و عجم خاک دولت علیه ایران است و همچنین محمره، هرگز آنجا و اعراب آنجا در تصرف دولت علیّه روم نبوده است و همیشه در تصرف حکام فارس بوده است و موافق نقشه‌های قدیم و جدید داخل خوزستان است و اراضی آنجا از بند هاشم و رود کارون که تعلق به دولت علیه ایران دارد مشروب می‌شود و بر همه معلوم است که محمّره از خاک ایران است و اولیای دولت علیّه روم بی‌حرف باید از عهده چهار کرور خسارت تبعه این دولت برآیند. این که درباب سلیمانیه وکیل دولت علیّه روم فرمان مبارک اعلیحضرت قدرقدرت قضا شوکت شاهنشاهی روح‌العالمین فداه را ابراز کرده است که از بابت تنخواه سلیمانیه یک هزار و پانصدتومان از سلیمان‌پاشا مطالبه فرموده‌اند اولاً اگر نوکری از این دولت علیه به آن طرف برود و فرمانی به او بنویسند هم این که در این دولت علیّه است از نوکری این دولت سیئه اخراج نخواهد بود. ثانیاً اگر سلیمان‌پاشا را نوکر خود و سلیمانیه را ملک خود نمی‌دانستند چرا به طوری که به نوکرهای خودشان فرمان و حکم صادر می‌فرمایند به او صادر فرموده‌اند. ثالثاً از کجا معلوم شود که تنخواه بدهی آنجا همین مبلغ بوده است و این مبلغ از بابت بقیه تنخواه بدهی او نمی‌باشد چنانچه از مکانی که سپرده‌اند و ثبت دفاتر پادشاهی معلوم است مالیات آنجا را که اسم عادیه ییلاقیه گزارده‌اند سی‌هزارتومان است. خلاصه به این دلایل ضعیفه چرا متمسک می‌شوند چنانچه سواد عهدنامه ترکی را سند خود کرده‌اند و حال آن که باید اصل عهدنامه فارسی باشد که به امضای شاه‌صفی صفوی اناراللّه برهانه رسیده باشد. اگر آن عهدنامه را ابراز نماید حدود دولتین مشخص و معلوم خواهد شد باری جمیع مکالمات [و] مکاتب وکلای دولت علیّه روم از این قرار است و علم قطعی حاصل است که اولیای دولت علیّه روم قراری درباب حقوق ثابته این دولت علیّه نخواهد گذارد و در رفع غوایل بین‌الدولتین اهتمامی نخواهند نمود حتی این که اکراد ما را که از قارص و موش و وان

منزل داده‌اند و بی‌جهت نگاه داشته‌اند و آنها را هر روز دزدی و جنایت در آن سرحدات می‌کنند به ما رد نکردند. عجالة آنها را گرفته بفرستند تا ببینیم مآل کار به کجا خواهد کشید. دیگر در دو ماه قبل از این، جناب جلالتماب اجل اعظم آقای حاجی مدظله العالی کاغذی که سوادش را برای شما فرستادم به جناب جلالت مآب دستور معظم مشیر مفخم صدراعظم دام اقباله مرقوم داشتند جوابش را نفرستادید. آن برادر جواب آن کاغذ را مطالبه می‌کند یعنی به وکلای دولتین فخیمتین انگلیس و روس بنویسد که از جانب معظم الیه جواب بخواهند چون لازم بود اظهار شد.

تحریراً فی ۲۵ شهر ذیحجةالحرام ۱۲۵۹*

توضیحات:

۱. برای متن کامل صورت مجلس هفتم نگاه کنید به: گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، جلد اول، صفحات ۷۰۴-۷۱۹.

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲، ص ۶۸.

عالیجاها مقرب الخاقانا اکرمی برادر مهربانا — برادر کامکاری جناب وزیر [illegible] مقرب الخاقان سرتیپ وزیر نظام [illegible]

رقیمه شما که در چهاردهم شهر ذیقعده الحرام نگارش و صورت مکالمات مجلس [illegible] و [illegible]

[illegible] شده [illegible] انها [illegible] حاصل آمده تماما را از نظر انور شهریاری روحنا العالمین فداه و جناب اجل اعظم اکرم آقای [illegible]

رسانید [illegible] اگرچه [illegible] بر [illegible] الیه [illegible] با لطف [illegible] وقت [illegible] ولکن [illegible] مجلس [illegible] صدر العالی [illegible]

[illegible] الیه [illegible] که در [illegible] شده در حضور [illegible] مقتضیات [illegible] قبول [illegible]

[illegible] که بعد [illegible] اتفاق [illegible] مبادا [illegible] وکلای [illegible] و [illegible] در مجلس [illegible]

و الله [illegible] معلوم است که وکلای [illegible] الیه [illegible] بگذارند [illegible] مصلحت [illegible] اگر [illegible]

[illegible] صورت مجلس اول را [illegible] مطالب [illegible] جواب [illegible] جناب اجل اعظم اکرم [illegible]

جناب [illegible] افندی در حضور جناب [illegible] جناب [illegible] جناب [illegible] المعروف [illegible]

[illegible] الیه [illegible] اعاده [illegible] در [illegible] زبان [illegible]

[illegible] شما [illegible] نداده [illegible] شود [illegible]

[illegible] از قدیم یورت و مسکن ایل کوران و همه در تصرف ایران [illegible] بوده باشد بر اینکه اگر دولت علیه روم در باب [illegible] بوده

در [illegible] انعقاد صلح بین الدولتین جناب جلالتمآب دستور اعظم حاجی رووف پاشا منکر از مصالحه بعد جرئی در باب [illegible] نفر بوده در باب

سرحدات [illegible] باب [illegible] عزت [illegible] جاکت دولت علیه ایران است و همچنین محمره هرگز انجا و اعراب انجا در تصرف دولت علیه روم [illegible]

[illegible] در تصرف حکام فارس بوده است و در اوراق نقشه های قدیم و جدید [illegible] خوزستان است و اراضی انجا از بندها هستم و [illegible] کارزون

متعلق به دولت علیه ایران و [illegible] و بر همه معلوم است که محمره از خاک ایران است و اولیای دولت علیه روم منحرف [illegible] از عهده [illegible] کرده

خسارت تبعه [illegible] اینکه در باب سلیمانیه [illegible] دولت علیه روم فرمان [illegible] قدر [illegible] رضا [illegible] روح الامین [illegible]

ابراز کرده است [illegible] اربابت نخواهد [illegible] سلیمانیه [illegible] سلیمان پاشا مطالبه [illegible] اولا اگر نوکری از [illegible] علیه [illegible] نظرف [illegible] دو فرمان

[illegible] پسند [illegible] در [illegible] دولت علیه است [illegible] نوکری [illegible] دولت [illegible] اخراج نخواهد [illegible] اگر سلیمان پاشا [illegible] نوکر [illegible] سلیمانیه [illegible] نتیجه [illegible]

[illegible] فرمان و حکم صادر [illegible] باشد [illegible] [illegible] از کجا معلوم شود نخواهد بود [illegible] [illegible] بوده [illegible] سلیمان [illegible]

بقیه نخواهد بود [illegible] چنانچه [illegible] معلوم است که [illegible] انجا [illegible] اسم [illegible] سلیمانیه [illegible]

[illegible] این [illegible] ضعیفه [illegible] تمسک [illegible] مشت [illegible] عهدنامه ترک [illegible] و حال آنکه [illegible] عهدنامه [illegible]

[illegible] صفحه [illegible] رسیده باشد اگر آن عهدنامه را ابراز [illegible] شخص و معلوم خواهد [illegible]

[illegible] از این قرار است [illegible] قطعی [illegible] اولیای دولت علیه روم قرار در باب [illegible] دولت علیه نخواهد گذارد [illegible] بین الدولتین

[illegible] نخواهد [illegible] اگر [illegible] از فارس و [illegible] منزل داده [illegible] انها [illegible]

و در آن سرحدات [illegible] میکنند [illegible] دیگر [illegible] انها [illegible] کار [illegible] خواهند [illegible]

جلالتمآب اجل اعظم آقا حاجی [illegible] العالی [illegible] سرکار [illegible] جناب [illegible] اعظم [illegible] اعظم دام [illegible]

مرقوم داشته [illegible] انگلیس [illegible] جواب [illegible] کنند [illegible] انگلیس [illegible]

در جواب معظم له جواب نخواهند [illegible] لازم بود اظهار شد [illegible] شهر [illegible] ۱۲۶۵

اسناد سال ۱۲۶۰

سند شماره ۱۴

تاریخ: [به احتمال قوی محرم ۱۲۶۰][1]

سواد نامه وزیر دول خارجه به میرزاتقی خان

سواد کاغذی که جناب وزیر دول خارجه به عالیجاه میرزاتقی وزیر نظام نوشته‌اند.

مقرب الخاقانا، گرامی برادر مهربانا؛ بعد از منازعه و مجادله که نادرشاه افشار انارالله برهانه مصالحه با دولت علیّه روم کرد، حدود و سنور دولتین علیتین را منوط و مربوط به عهدنامه خدیو سلطان مرادخان رابع داشت. از آن به بعد تعدیات پی در پی از دولت علیّه روم رو داد و به واسطه اشتغالی که نیز دولت علیّه ایران به مدافعه دولتهای دیگر گرم بود هر نوع تعدّی که خواستند کردند به حدی که ولیعهد مبرور مغفور بی‌اطلاع در خانه خود نشسته بود عسکری از دولت علیه روم بی‌مکالمه دوستی و اثبات حق برای جنگ مأمور شد. ولیعهد مبرور مغفور در سرحدات ایران برای مدافعه مصمم شد. اما به حفظ جهت جامعه اسلامیه نخواست که رشته مواحدت فیمابین دولتین علیتین اسلام به کلی انقطاع و انفصام پذیرد همان اکتفا به دفع ایشان کرده محرک سلسلهٔ معادات نشد تا کار به مصالحه انجامید و آن مصالحه به توسط جناب جلالت و نبالت نصاب، صدارت و وزارت انتساب، مشیر مفخم، دستور معظم حاجی رؤف پاشا صدراعظم دولت علیّه روم سمت انعقاد یافته کسی دیگر در میان نبود و خود جناب معظم‌الیه می‌دانند که از ایام نادرشاه الی یومناهذا جمیع اکراد ایل و عشره دولت علیّه ایران بود [ه‌اند] و اگر گاهی آنها در سرحد بنا را بر مفسدت و هرزگی گذارده به آن طرف می‌رفتند مسترد می‌شدند تا امروز کسی چنین ادعایی نکرده بود که اکراد زیلان، ایل دولت علیّه روم است. عریضه حسین‌خان زیلان نمک به حرام و فراری این دولت علیه را دادن چه خاصیتی دارد و اگر خود او عریضه به آن طرف نوشته است قاسم آقای، پسرش با جمیع رؤسای زیلان به این طرف عریضه نوشته‌اند که همان عریضه آنها را در جوف این نوشته برای شما فرستادم.

استشهاد از رعایای حکاری گرفتن کاغذ شیخ ثامر آل غضبان و نوکر مغضوب مردود این دولت علیّه را دست‌آویز خود ساختن چه سند دولتی می‌شود. الیه شهدان المنافقین لکاذبون. سخن باید مطابق عهدنامه‌های مؤلفه باشد تا موافق تصرفاتی که تا این آن، دولت علیّه ایران در دست دارد حالا که ما آمده‌ایم به طور خوشی احقاق حقوق کنیم و رفع غوایل نمائیم وسلم واسلام وامن وایمان را رعایت کنیم دولت علیّه روم به مضمون الغریق یتشبث به کل حشیش به این حجت‌های نامربوط که در نزد هیچ معقولی مقبول نیست متمسک و متوسل می‌شوند چرا باید وکلای دولتین علیتین کـه از اهـل فطنت و انصاف و فراست هستند قبول نماید، خوب، ای برادر من، شما را چه افتاده است که به این جواب‌های سخیفه تن درمیٌ‌دهید و نوشتجات شیخ ثامر و رعایای حکـاری و کـاغذ حسین‌خان زیلان را که نوکرْ فراری مقصر این دولت علیه‌اند نزد اولیای دولت قاهره می‌فرستید، نمی‌دانم این چه عجز و سستی است که گریبان‌گیر شما شده است. جناب اجل اعظم آقای حاجی مدظله‌العـالی فرمودند که به شما بنویسم که اگر من بعد این گونه نوشته‌جات از دولت علیه روم گرفته فرستاده‌اید، خاین دولت شاهنشاه جمجاه روح‌العالمین فداه هستید. معلوم است آن تعلیقهٔ جناب اجـل اعـظم آقای حاجی مدظله‌العالی به خط شریف به شما مرقوم فرموده‌اند هنوز نرسیده است والا اگر رسیده بود یقین دارم این طور تن به عجز نمی‌دادید. باری اینها چه صحبت است و کاغذ فلان شیخ و فلان رعیت چه چیز است یا نوشته فلان کدخدا به چه دردی دواست، تا کی و تا چند، صورت گفتگوهای مجالس بی‌حاصل را باید خواند نمی‌دانم عقل و فطانت شما چه شد تحمل و تأمل شما از چـه راه است چرا این طور جوابهای ناصواب می‌شنوید و هیچ نمی‌گوئید، نمی‌گوئید «یا اهـل الکـتاب لم تلبسون‌الحق بالباطل و تکتمون الحق و انتم تـعلمون.»[۲] خـلاصه در ارزنـةالروم شـما را آن طـور مشغول و معطل کرده‌اند و سه ماه است جناب اجل اعظم آقای حاجی مدظله‌العالی کاغذ به جناب جلالت مآب صدراعظم نوشته‌اند از استانبول جواب نمی‌فرستند، ما گفتیم به اطـلاع دول مـتحابه احقاق حقوق ثابته خود را کنیم که به اصلاح بگذرد والّا پرمعلوم است که ما از حقوق ثـابته خـود نمی‌گذریم این را یقین بدانند، خلاصه طوری نمائید که رفع تغیّر جناب اجل اعظم آقـای حـاجی

مدظله‌العالی از خود نمائید، دیگر مختارید.*

توضیحات:

۱. در متن سند به «کاغذ شیخ ثامر آل غضبان» و جوابهای به اصطلاح «سخیفه» میرزاتقی‌خان به او شده است. قضیه استشهاد شیخ ثامر آل غضبان در صورت مجلس نهم که به تاریخ ۶ ذیقعده ۱۲۵۹ به تهران ارسال شده بود، منعکس شده است. لذا از این اشارات صریح به مطالب مندرج در صورت مجلس نهم می‌توان احتمال داد که این سند بعد از تاریخ ۲۶ ذیقعده ۱۲۵۹ نوشته شده باشد. با احتساب زمان ارسال صورت مجلس به تهران و نوشته شدن جواب و ارسال آن می‌توان احتمال داد که تاریخ این سند محرم سال ۱۲۶۰ باشد.

برای آگاهی از متن کامل صورت مجلس نهم، نگاه کنید به گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، جلد اول، صفحات ۷۰۴-۷۱۹.

۲. آل عمران / آیه ۷۱.

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲، برگ a ۷۱.

سواد کاغذی که جناب وزیر دولت علیه میرزا تقی وزیر نظام نوشته اند

مقرب الخاقان [illegible] بعد از منازعه و محاربه‌ها در [illegible] بالاخره بنا به مصالحه با دولت علیه روم گردید حدود و دستور العمل [illegible] را منوط

در برقراری عهدنامه جدید سلطان مرادی [illegible] از آن بعد تعدیات بسیار در زمان دولت علیه روم روداد و بواسطه اشتغالات دولت علیه ایران

به دفع دولتهای دیگر که بعد از رفع تعدی روس خواستند که [illegible] ولیعهد مرحوم مغفور به اطلاع [illegible] نشسته به عسکری از دولت علیه روم با مقاتله

دولتی و اثبات حق برای جنت مکان ولیعهد مرحوم مغفور در سرحدات ایران برای [illegible] شدند اما بحمدالله جامعه اسلام نخواست [illegible] موجبات

فیما بین دولتین علیتین اسلام انقطاع و انفصال بپذیرد [illegible] که محرک سلسله معادات [illegible] کار به مصالحه انجامید و آن مصالحه به توسط جناب جلالت

و نبالت نصاب صدارت و وزارت انتساب [illegible] دستور معظم حاجی رئوف پاشا صدر اعظم دولت علیه روم [illegible] جناب

معظم الیه [illegible] پاشا [illegible] اکراد [illegible] دولت علیه ایران [illegible] اگر [illegible] آنها در سرحد بنا را بر [illegible]

با آن طرف [illegible] اکراد [illegible] دولت علیه روم [illegible] عریضه حسین خان زیلان [illegible]

و فراری [illegible] دولت علیه را دادن چه [illegible] دارد و اگر [illegible] عریضه با آن طرف نوشته است قاسم آقای [illegible] با جمع [illegible] زیلان با آن طرف

عریضه نوشته اند [illegible] عریضه آنها را در جواب این نوشته برای شما فرستادم [illegible] اشتهار [illegible]

[illegible] دولت علیه [illegible] تا باید مطابق عهدنامه [illegible]

تصرف [illegible] تا آن که دولت علیه ایران در دست [illegible] حقوق کنیم و رفع [illegible] و سلم و اسلام [illegible]

رعایت کنیم دولت علیه روم [illegible] العرق [illegible]

چرا باید وکلای [illegible] از راه فطنت و انصاف و فراست [illegible] قول [illegible] شما را چه افتاده [illegible]

تحقیق [illegible] شیخ [illegible] حسین خان زیلان [illegible]

قاهره [illegible] نمی دانم این چه [illegible] جناب اجل اعظم آقا [illegible]

و اگر [illegible] دولت علیه روم [illegible]

[illegible] جناب اجل اعظم آقا [illegible]

بطوری [illegible] اینها چه صحبت است و کاغذ فلان شیخ و فلان [illegible] چه جرئت [illegible] نوشته فلان کدخدا [illegible]

تا کار [illegible] صورت [illegible] را باید [illegible] نمی دانم [illegible] شما [illegible]

چرا [illegible] صواب [illegible] الحق [illegible]

خلاصه روزنامه اردو [illegible] که [illegible] در سرحد است جناب اجل اعظم آقای حاجی مدظله العالی کاغذی بجناب
جلالتمآب صدر اعظم نوشته از اسلامبول جواب نرسیده با کمال اطلاع در حل مسئله احقاق حقوق دولتیه خود سعی کنیم
[illegible] اطلاع میگذرد و [illegible] معلوم است [illegible] حقوق دولتیه [illegible] خلاصه طوری [illegible]
تغییر جناب اجل اعظم [illegible] مدظله العالی از عهده [illegible] دیگر [illegible]

سند شماره ۱۵

تاریخ: ۸ محرم ۱۲۶۰

سواد نامه میرزا آقاسی به میرزاتقی خان

سواد مراسله حاجی مدظله‌العالی که به میرزاتقی وزیر نظام نوشته‌اند.

عالیجاه فرزند عزیز مکرم میرزاتقی وزیر نظام اطال اللّه بقائه. پیوسته قرین صحت و خوشدلی و خوشوقتی و سلامتی باشند. بعدها مشهود می‌دارد که صورت مجالس یازده گانه را که متوالیه و متعاقبه و متواتره ملاحظه کردی من هم به همان نهج ملاحظه کردم لایشفی العلیل ولایروی الغلیل اصطلاحات مجدّه از اهالی روم و اروپا یاد گرفته که بعد از ورود به دارالخلافه مطلقاً حرف تو را نخواهیم فهمید. مخابره مکالمه بر شما تحریراً و تقریراً محرمانه، مکلفانه، مشاوره مراقبه و قس علی هذا، باری هنگام آمدن ترجمانی ضرور داری. مرد حسابی قریب یک سال است صدهزار مرارت کشیده در ارزنةالروم مجالس منعقد می‌شود حاصل چه آمد، فرمان سلطان علیین آشیان سلطان احمدخان ثالث به چه درد دوا می‌کند. محضر اهالی حکّاری چه نفع می‌بخشد. شهادت شیخ ثامر آل‌غضبان کدام منازعه را طی می‌نماید. واللّه یشهدان المنافقین یکادون رعیت ما به ما شاهد شد، یعنی چه. برای دو مطلب کلی تو را فرستاده [ایم] یکی آن که نقض عهدهای پی در پی از دولت روم ظهور یافت فراری را تصاحب کرد، ممالک را خراب نمود. نهب و اسر و قتل در همه جا از حد گذشت من گفتم آن جا با امنای دولت‌ها حالی نماید که در عالم جوار سرحدنشینان دولت علیّه روم مرتکب این گونه خسارت و جسارت شده‌اند. اگر با اذن امنای دولت علیه روم است من هم در فکر مکافات باشم و اگر بی‌اذن است مرتکبین را تنبیه کرده خسارت‌ها را مسترد نمایند میان اهل اسلام منازعه و مجادله نشود و مضحکه غیرمتدینین به شریعت اسلام نشویم. آخرش به آنجا منجر شد که الفاظ مغلقه مستعمل آمد. حال دیگر فهمیدن لسان محتاج مترجمان است. دوم آن که درباب حدود دولتین علیتین بود که اکثر این فساد از آن جا برخاسته [است.] وقتی که جناب صارم افندی این جا بود در حضور جناب وزیر مختار سابق دولت بهیّه روسیه همین گفتگو را کردم و مدلل نمودم که موافق عهدنامه سلطان خلد مرابع سلطان مرادخان رابع این ملک‌ها مال دولت علیه ایران است برهانی برای این مطلب خواست، چون آن وقت صورت عهدنامه به دست نیامده بود کتاب

جغرافیای کاتب چلبی را ابراز کردم و صورت اجمالی عهدنامه را نمودم دانست که اخسقه و قارص الغازیر [و] دو بایزید و وان و چهریق و شهر زور یعنی سلیمانیه و کوی و حریر تا خانقین و شط العرب مال دولت علیه ایران است. دیگر فرمان مکتوب بطلان سلطان خلد آشیان سلطان احمدخان ثالث که نه عهدی کرده و نه حرفی زده چه اعتبار دارد از قدیم میان دولتین علیتین ایران و روم همین منازعه بوده. گاه آنها گنجه و تفلیس و تبریز و مراغه و نهاوند و کرمانشاه را داشتند، فرمان می‌نوشتند، حاکم تعیین می‌کرد [ند]، گاه اینها که [در] بغداد و بصره و موصل و کرکوک و دیار بکر حاکم تعیین می‌نمودند. نمی‌دانم به مدرک‌ها چه شده که امر به این وضوح مخفی است سابقاً مابین فرات و جیحون ایران بود. این بر همه کس کاشمس فی‌رابعه النهار هویدا است. به واسطه انقلابات به اینجا رسید که قارص و وان هم از تصرف بیرون رفت. باری معتبر، عهدنامه سلطان خلد مرابع سلطان مرادخان رابع است. الآن صورت عهدنامه نیز به دست آمده نمی‌تواند احدی از آن تخلف نماید و کتاب جغرافیای کاتب چلبی اجمال آن است. اما کتاب جغرافیای مطبوعه در عهد سلطان خلد مقیم سلطان سلیم اگرچه مخالف عهدنامه مقرره سلطان خلد مرابع سلطان مرادخان رابع است و آن چه در آن در تصرف داشتند و بی‌سند و حجت غاصب بودند مطبوع آمده اما چون یزیدی خانه که عبارت از محمودی و آباقای باشد و شهر زور با قزل رباط و هم‌چنین در شرح نقشه‌ها اگر ملاحظه نمایند معلوم خواهد شد که تا شط العرب ملک اهواز است. مسطور آمده از آن جهت آن کتابت را دادم که عندالحاجة حجت بر امنای دولت علیّه روم باشد یعنی بدانند که به خلاف عهدنامه عمل کرده و رفتار نموده در اولی کلاًو در ثانی بعضاً منطبع گشته و بی‌شبهه غاصب شده‌اند و پیوسته کار اولیای دولت روم نقض عهد و تعدّی بر دولت ایران است. تا حال دولت ایران پادشاهی به این استقلال و کمال عقل و بسط و جلادت نداشت هر دولتی بر ایرانیان ستمی می‌گماشت. الحمدللّه، حال که دولت ایران به این استقلال شده، چرا تعدیات را قبول نماید و چرا حقوق ثابته خود را مطالبه نکنند.

آن عالیجاه فرزند مهربان اگر در این باب‌ها ثبات قدم نورزند و موافق قاعده ایستادگی ننمایند، خاین دولت ابد مدت قاهره خواهند بود.

تحریراً فی ۸ شهر محرم‌الحرام سنه ۱۲۶۰ والسلام.*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲، ص ۱۲۱.



[illegible]

سند شماره ۱۶

تاریخ: ۱۲ محرم ۱۲۶۰

سواد نامه وزیر دول خارجه به میرزاتقی‌خان

سواد مراسله [ای] که جناب وزیر دول خارجه به عالیجاه به میرزاتقی‌خان نوشته‌اند.

عالیجاها، مقرب الخاقانا، گرامی برادر، مهربانا.

صورت مجلس یازدهم هم رسید و جناب اجل اعظم اکرم آقای حاجی مدظله العالی ملاحظه فرمودند. احتجاجات وکیل دولت علیّه روم و آن طور جواب‌های مبهم شما که جز رسمانه و محرمانه و مکلفانه چیزی حالی نمی‌شود زیاده از حد متغیّر و متعجب شدند و رقیمهٔ به خط شریف مرقوم فرمودند که زیارت خواهید کرد و می‌فرمودند که چرا وزیر نظام با وصف این که چندین سال می‌شود در کار دولت و امر سرحد بود این طور از جواب عاجز شده‌اند و در مقابل حقوق ثابته دولت علیّه گوش به این مستندات و دلایل ضعیفه می‌دهند و نمی‌گویند که شهادت شیخ ثامر آل غضبان که نوکر مغضوب [و] مردود این دولت علیّه است برای ما چه سند می‌شود یا عریضه اهالی حکّاری رعیت دولت علیّه چه اعتبار دارد یا خریطه خود بیرون ادله نقش نمی‌کنند، چه حجتی خواهد بود. چرا که به وکلای دولتین علیتین روس و انگلیس حالی نمی‌کنند و این گونه دلایل ضعیفه مقابل حقوق ثابته ما که از جمله رد فراریان و خسارت محمره و خسارت میررواندوز و قتل و غارت اهالی کربلای معلی و غیره هست، نمی‌شود و این که گفته‌اند اخسقه و قارص و وان و بایزید الی آخر در ترجمه دستورالعمل نیست چرا اصل دستورالعمل را نشان ندادید که تفصیل اسامی آنها در آن جا مندرج است و این که گفته‌اند اگر اخسقه و بایزید و وان و قارص ملک دولت علیه ایران بود چرا در چهارده سال قبل با وجود حصول اتحاد مابین دولت ایران و روس امنای دولت علیه ایران چرا اظهار نکردند، چرا جواب نگفتند. اگر آن وقت اولیای دولت علیّه بنابه مصلحتی حرفی نگفته باشند دلیل بر عدم حقیقت نمی‌شود اما در باب ابراز کتاب جغرافیای مطبوعه عهد سلطان سلیم و

کتاب کاتب افندی که کرده‌اید، نفعی برای دولت علیه ایران نداشت. منظور از این دو کتاب فقط منفعت دولت علیّه نبود بلکه مقصود اولاً برای بستن عهد و دیگری برای تعدّی آن دولت بود. ثانیاً منظور از یزیدی خانه که اباقای و محمودی باشد داخل خاک این دولت علیّه نوشاز و خوشاب را سرحد قرار داده شده بود و شهر زور را که سلیمانیه باشد خود نوشته‌اند که داخل خاک دولت علیّه ایران است. اگر غیر از این بود بدانند عهدنامه ممضی شده شاه صفی صفوی را ابراز نماید تا معلوم شود. خلاصه طوری بکنید که رفع تغییّر جناب اجل اعظم آقای حاجی مدظله‌العالی را از خود نماید و احقاق حقوق ثابته این دولت علیّه را نماید، زیاده چه نگارش رود. رقیمه جناب معظم‌الیه را زیارت نمائید و از آن قرار معمول دارید. چند روز قبل برات مبلغ سه هزار ریال برای مخارج شما انفاد نزد نواب اشرف والا بهمن میرزا صاحب اختیار آذربایجان شد که برای شما ارسال دارند. البته تا حال رسیده است و ارسال داشته‌اند، دائماً حالات و مهمات را اعلام دارید.

تحریراً فی ۱۲ شهر محرم‌الحرام سنه ۱۲۶۰.*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲.

[illegible]

صورت مجلس روز دوام ریاست جناب اجل اعظم اکرم آقای حاجی دام ظله العالی ملاحظه فرمودند از حجابت علما مصرف کاکه ... بلاد ما

و وکیل دولت علیه روم و نظر جوابهای ... جز رسانه و محرمانه مختلفه جز جائی ... زیاده ... متغیر و متعجب شدند و فیما تحت الخط تعریف

مرقوم فرموده اند زیارت خواهید کرد ... در نظام ما وصف اینکه چندین سال است در کار دولت و امر سرحد بعد از منظور ...

عاجز شده اند و در مقام حقوق ثابته دولت علیه کوشش با این مستندات و دلائل ضعیفه میدهند و ... دست شیخ ... ایل ...

... مغصوب ... دولت علیه است ... چه سند ... عرض ... احتکاری ... علیه ... ادله ... خریطه ...

نقش ... جواب ... وکلای ... علیه ... روس ... نمی کنند و این گونه دلائل ضعیفه مقام حقوق ثابته را ...

... عبارت محمره ... ریاست ... دلائل ... که گفته اند ... و ... حمله

دستور العمل ... جواب ... بنا ... تفصیل ... آنجا ... گفته اند ...

... ملک دولت علیه ایران ... جواب ... مقصد ... دولت ایران و روس ... دولت علیه ایران ...

جواب ... از وقت ... دولت علیه ... گفته شده دلیل عدم ... اما در ... کتاب ...

... سلطان سلیم ... دولت علیه ایران ... کتاب ... دولت علیه ...

برای ... تا ... از ... آقای ... دولت علیه ... قرار داد

... نوشته اند ... دولت علیه ایران است اگر ... شده ...

تا معلوم شود ... رفع ... جناب امین اعظم آقای حاجی ... حقوق ثابته ... زیاده ...

... جناب ... زیارت ... روز ... هزار ... برای ... انفاذ ...

... الدوله ... میرزا ... اینجا ... الان ... است ... انشاء الله ...

و مهمات را اعلام ... ۱۲ ... محرم الحرام ...

سند شماره ۱۷

تاریخ: ۱۲ محرم ۱۲۶۰

سواد فرمان محمدشاه به بهمن میرزا

برادر نیک اختر کامکار و نور چشم اسعد نامدار بهمن میرزا صاحب اختیار آذربایجان.

از قراری که این روزها به تواتر خبر به اولیای دولت قاهره رسید، امنای دولت علیّه روم در تهیه و تدارک اسباب جنگ هستند. قشون خود را سان می‌بینند و قورخانه زیادی به سرحد ارزنةالروم فرستاده‌اند و آن برادر که در آن سرحد نشسته به هیچ وجه در تدارک نیست از این که بر اولیای دولت قاهره لازم است معامله و معارضه به مثل نماید، می‌باید آن برادر اسعد کامکار بعد از آن که مشخص و معلوم کرد که این اخبار مقرون به صدق است از هر جهت تدارک خود را دیده مستعد باشد و قشون از سواره و پیاده و توپچی مضبوط کند و قورخانه بسازد و همه اسباب خود را مهیّا و موجود داشته منتظر حکم مجدد باشد و هرچه از توپخانه و قورخانه و اسباب لازم باشد به اولیای دولت علیّه اظهار و اعلام کند که به زودی به آن برادر برسانند. باید آن برادر مراقب و مواظب بوده به هیچ‌وجه من الوجوه ناتمامی در کار خود نگذارد و اگر این اخبار مقرون به صدق نباشد و بی‌اصل و بی‌فروغ باشد آن برادر سبقت در امری ننماید، اما اگر سرحدداران دولت علیّه روم قشون خود را جمع‌آوری کرده بعد مرخص نمایند آن برادر نیز مرخص نماید، مقصود این است که آن برادر باید با دولت علیّه روم معامله و معارضه به مثل کند اما به طوری که فرصت از دست نرود باید آن برادر بزودی حقیقت احوال را عرضه دارد.

تحریراً فی ۱۲ شهر محرم‌الحرام سنه ۱۲۶۰.*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲، ص ۲۳.

برادر ملفوفه فرمان مبارک

برادر نیک اختر کامکار نور چشم معظم ارجمند میرزا جعفرخان بسیار از کمال اوربادهر چه را رقم کرده‌اید که این روزها بتواتر خبرهای [illegible] دولت قاهره

اسلامی دولت علیه روم در تهیه و تدارک اسباب جنگ هستند قشون خود را [illegible] و قورخانه زیادی بسرحد ارزنة الروم فرستاده‌اند دولت ابد

مدت را این سرحد نشسته بهیچ وجه در تدارک نیست از اینکه برای دولت قاهره لازم است معامله و معارضه نمائید بنا بر این آن برادر را

کامکار بعد از آنکه مشخص و معلوم کرد که این اخبار مقرون بصدق است از هر جهت تدارک خود را دیده مستعد باشید و قشون از سواره

و پیاده و توپخانه منضبط کنید و قورخانه تازه و همه اسباب خود را مهیا و موجود داشته منتظر حکم محکم باشید و هر چه از توپخانه و قورخانه و اسباب

لازم باشد اولیای دولت علیه از اینجا اعلام کنید که زود بآن برادر برسانند باید آن برادر مراقب و مواظب بوده بهیچ وجه من الوجوه

تمامی در کار خود نگذارد و اگر این اخبار مقرون بصدق نشد و بی اصل و بی فروغ باشد آن برادر باید در این امر [illegible] اما اگر سرحدداران

دولت علیه روم قشون خود را جمع آوری کنند [illegible] آن برادر نیز [illegible] مقصود این است که آن برادر باید با دولت علیه روم

معامله و معارضه نکند اما بطوری که فرصت از دست نرود باید آن برادر [illegible] اطلاع عرضه دارد [illegible] تحریرا

فی ۲۴ شهر محرم الحرام سنه ۱۲

سند شماره ۱۸

تاریخ: [به احتمال قوی ربیع‌الاول ۱۲۶۰][1]

سواد نامه میرزاتقی‌خان به میرزا آقاسی

سواد کاغذ مرحوم[2] وزیر نظام به حاجی میرزا آقاسی

فدایت شوم؛ فردای روز مجلس هجدهم[3] که این غلام به منزل مأمور متوسط روس که مأمور انگلیس هم آنجا بود رفتم در میان حرف آنچه این غلام گفته عرض شده بود و این فقرات که عرض می‌شود فقراتی است که آن جا مأمورین متوسطین لفظ به لفظ گفته و کمترین یادداشت کرده‌ام. مأمورین متوسطین گفتند: تو که مأمور ایران هستی به کلی راحت بنشینید که نهایت ممنونی از حرکت و گفتار تو داریم، به دارالخلافه طهران و دارالخلافه استانبول این اوضاع را تماماً می‌نویسیم و امید قوی داریم که به معرفت سفارتخانه‌های دولتین علیتین متوسطین دولت علیه عثمانیّه را به راه حقانیت بگردانند که به وکیل خودشان که در اینجا هست امر نمایند که به مذاکره باقی مانده مواد خسارات داخل شود بعد از اقوام به مذاکره اگر وکیل مزبور بخواهد سواد عهدنامه جدید را به شما بدهد و تکلیف نماید، از شما خواهش می‌کنیم که گرفته برای استحضار اولیای دولت ایران بفرستید و همچنین حرف دیگر زدند که از حرکات دیروزی وکیل دولت عثمانی که به حکم امنای دولت خود کرده آشکار است. امنای دولت عثمانی از مذاکره خسارت واهمه دارند و این کیفیت به عقل ناقص این غلام این طور آمد که این واهمه آنها حالا به دولتین متوسطین آشکار می‌شود که امنای ایران در مطالبه خسارت حق دارند چنانچه در آخر مجلس شانزدهم مأمورین متوسطین آن همه به مأمور دولت عثمانی اصرار کردند که به مذاکره ماده خسارت اقدام نماید گفت اگر باشد در آخر، به آخر هم این طور شد. امرکم مطاع*

---

* . صندوق $\frac{۱۸}{۲-۶}$، پوشه $\frac{۱۸}{۲}$.

توضیحات:

۱. در این سند اشاره به صورت مجلس هیجدهم که در تاریخ ۱۲ صفر ۱۲۶۰ به تهران ارسال گشته بود، شده است. این سند که گزارشی است از مذاکره وزیر نظام در روز بعد از مجلس هیجدهم، به احتمال قوی در ربیع‌الاول ۱۲۶۰ تحریر یافته است.

۲. نگاه کنید به توضیحات (شماره ۲) سند شماره ۱۰.

۳. برای آگاهی از متن کامل صورت مجلس هیجدهم نگاه کنید به: گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، جلد اول، صفحات ۷۷۱-۷۹۹.

سواد کاغذ مرحوم وزیر نظام به حاجی میرزا تقی

صورت سوم فردای روز مجلس مجدد که به منزل مأمور مخصوص روس که مأمور انگلیس هم بود رفتیم

در میان حرف آنچه این غلام به تفصیل عرض شده بود دلایل فقرات که عرض شده فقرات است که ارکان مأمورین

متوسطین لفظ به لفظ نقل و مکرر بیان و درست به کلام مأمورین متوسطین گفتند که مأمورین ایران هستند

نقل راحت نشنید که نهایت ممنون از حرکت گفتار شما داریم بدانید که اولیای دولت علیه ایران در این

مسئله حمل اولیای دولت عثمانی بر غرض نموده‌اند و امیدواری داریم به معرفت سفارتین نهایت سعی دولتین متوسطین

حرکت علیه خانه برای حقانیت بکنند که به دولت خودشان که در اینجا است اگر بتوانند

که بنمایند تا چه ماند به مراجعت دولتین که بعد از اقدام به مذاکره اگر دولتین خیر نکنند خواهند بود

عهدنامه جدید نمی‌شود و تکلیف از قرار خودشان مسلم که گرفته برای استحقاق از اولیای دولت ایران

نوشته‌اند و همچنین حرف دیگر زدند که از حرکات دیروز دولت عثمانیه دولتین متوسطین

امنای دولت خود که آشکار است امنای دولت عثمانی از مذاکره خارجند و همه در رنجند

کیفیت تعدی و قصد اولیای دولت این طور می‌رساند که اولیای دولت همه اینها حالا به دولتین متوسطین اشکال شد

که امنای ایران در مطالبه خسارت حق دارند چنانکه در آخر مجلس مشروحاً هم مأمورین متوسطین

سند شماره ۱۹

تاریخ: ۸ ربیع‌الثانی [۱۲۶۰][1]

سواد نامه میرزاتقی‌خان به میرزا آقاسی

سواد کاغذ مرحوم[2] امیرنظام به حاجی میرزا آقاسی.

فدایت شوم؛ معلوم حضور بندگان ولی النّعمی دام ظله‌العالی هست که از حقوق ثابتهٔ دولت علیّه ابد فرجام هیچ کدام باقی نمانده است که برای هر یک، یکان یکان مجلس و مکالمه نشده است، مگر مقدمه بعضی خسارات آذربایجان و رواندوز و اورامان[3]، آن را هم در مجلس هیجدهم[4] ملاحظه می‌فرمایند که وکیل عثمانی چه جوابها داده و آنها هم به اقتضای هر مجلس حرف زده شده ولکن مجلس مخصوصی برای مکالمه خسارت منعقد شده، وکیل دولت علیّه روم همیشه از این مجلس در طفره بوده و از خسارات صرف‌نظر کرده تا آن که مجالس را قطع نمود. لکن احتیاطاً این غلام عرض می‌نماید که مقدمهٔ خسارت میرواندز و طرف آذربایجان و اورامان در دستورالعمل همایون[5] تعین قدر و مبلغ و تشخیص عدد اشخاص مقتولین نشده است و خدمت جناب وکیل مهام خارجه سابقاً چند دفعه نوشته‌ام که اگر مکالمه شود مختصر گفتن این بنده، بی‌تفصیل و قدر مبلغ و عدد مقتول جابجا، سربسته و مختصر می‌شود و نمی‌دانم که آیا خسارت میررواندز را تا چه قدر تعیین نمایم و عدد مقتولین را تخمیناً تا چند قلمداد کنم. لاهیجان و سردشت و اشنو و سلدوز را داخل مرکور نموده همه رابگویم که میررواندوز همه را خراب کرده یا مرکور تنها را بگویم و خسارت اورامان را چه مبلغ بگویم و خسارات متوالیهٔ سنواتی محلات خوی و ارومی و سایر جاهای آذربایجان را که کسان این طرف بالمره خراب کرده‌اند تا چه قدر مأذون می‌فرمایند چون برای اینها در دستورالعمل همایون تعیین قدر نشده است. اگر به همان طور و به همان اختصاری که در دستورالعمل مرقوم است بگویم شاید مأمورین متوسطین بخواهند که تعیین قدر و مقدار بکنم و اگر از پیش خود تعیین نمایم بنا به عقل ناقص این غلام دو عیب را متضمن است عمده این که شاید خلاف امر و فرمایش بندگان ولی النعمی گفته باشم و ثانی این که تحمیل مأمورین متوسطین بگویند

که این تفاصیل در دستورالعمل نیست به این ملاحظات مکرر به معزی‌الیه نوشته و حالا هم عرض می‌کنم بدیهی است معزی‌الیه عرض کرده است امیدوارم در این باب از آنچه مکنون خاطر و مضمر ضمیر مرحمت تخمیر بندگان ولی النعمی است این غلام را قرین استحضار و سرافرازی فرمایند. امرکم مطاعاً

فی ربیع‌الثانی *

توضیحات:

۱. در این سند اشاره به صورت مجلس هیجدهم شده که در تاریخ ۱۲ صفر ۱۲۶۰ به تهران ارسال شده است. این سند نیز همراه صورت مجلس مذکور بوده است.

۲. نگاه کنید به توضیحات (شماره ۲) سند شماره ۱۰.

۳. اصل: آورامان

۴. برای آگاهی از متن کامل صورت مجلس هجدهم، نگاه کنید به: گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، جلد اول، صفحات ۷۷۱–۷۹۹.

۵. اصل: همیون

---

* . صندوق $\frac{۱۸}{۲-۶}$، پوشه $\frac{۱۸}{۲}$.

سواد کاغذ مرحوم نظام ... به ...

قربانت شوم

معلوم حضور بندگان ولی‌النعمی دام ظله العالی هست که از حقوق ثابتهٔ دولت علیه

که در جزو ... است در باب ... مجلس مکالمه ... سنهٔ ...

عوض خسارات آذربایجان و رواندز و اورامان را هم در مجلس ... ملاحظه ...

و ... و آنها هم ... مجلس ... شده ولکن مجلس مخصوص برای

... خسارت منعقد نشده و ... دولت علیه ... از این مجلس در ... و از

خسارت صرف نظر کنیم تا آنکه مجلس ... لکن ... این ... خسارت

... خسارت رواندز و طرف آذربایجان و اورامان در دستورالعمل ...

تعیین قدر مبلغ و تشخیص عدد اشخاص مقتولین ... خدمت ... مهام خارجه

سابقاً هم چند دفعه نوشته‌ام ... این ... تفصیل قدر مبلغ

و عدد مقتول ... ندانستم آیا خسارت رواندز را تا چه قدر

تعیین ... عدد مقتولین ... و ... داخل

... همه ... رواندز همه ... خسارت

اورامان را چه مبلغ ... خسارات ...

... آذربایجان را ... قدر ...

چون ... در دستورالعمل ... تعیین ... اگر ... ال

در دستورالعمل ... است ... مأمورین متوسطین ... تعیین قدر

سند شماره ۲۰

تاریخ: جمادی الثانی ۱۲۶۰

سواد نامه ابردین به شیل

ترجمه کاغذی است که جناب لرد[1] ابردین به عالیجاه شیل صاحب نوشته‌اند

امنای دولت انگلیس از مضمون کاغذ شما که مورخه ۳۱ ژانویه[2] مطابق ۱۱ شهر محرم نوشته بودید تأسف می‌خورند. عوض این که فی‌الفور تلافی دولت عثمانی را که در باب قضیه هایله کربلای معلی کرده بودند قبول کنند باز اصرار در عزل نجیب‌پاشا حاکم بغداد به جهت مداخله که در آن قضیه کرده بود دارند. حیف است که دولت ایران از قبول تلافی دولت عثمانی اجتناب کرده‌اند. زیرا که به موجب برپاداشتن مباحثه، برودت‌آمیز خواهد بود و حال آن که دولت انگلیس امید داشتند از تلافی که دولت روم در ماه سپتامبر[3] کرده بودند خوابیده شده باشد. به موجب شرح دولتی مورخه شهر رمضان که به شما نگارش رفته بود امنای دولت انگلیس امیدوار بودند که دولت ایران به رفتار دولت روم راضی خواهند بود، در جواب استفتایی که حال امنای دولت ایران کرده‌اند رأی امنای دولت انگلیس بی‌تردید این است که دولت ایران انصافاً نمی‌تواند اصرار در عزل حکومت نجیب [پاشا] نماید. شهر کربلا هرچند در نظر اهل ایران انصافاً محترم می‌باشد اما باز خاک روم است و در وقتی که شهر مزبور محصور بود از تسلط محقّانه دولت روم یاغی بودند و نمی‌تواند گفت که دولت روم نمی‌تواند شهر خود را به اطاعت درآورد و اگرچه بلاهایی که به بیگناهان کربلا به جهت خودرأیی مردمان جهال رسیده، مخالفت پادشاه خود کردند، باعث تأسف است. لکن باز در نظر امنای دولت انگلیس این معنی حجت نخواهد بود که دولت ایران خواهش کرده بودند که حاکم رومی معزول و بی‌آبرو شود زیرا که برای آن حاکم واجب بود که استقلال پادشاه خود را بر یاغیان مملکت ظاهر کند. اظهار نارضامندی که دولت روم از نجیب پاشا در تسخیر شهر مزبور کرده است در نظر امنای دولت انگلیس کافی می‌نماید و پیش از این امنای دولت ایران استحقاق ندارند و راضی شدن دولت روم در ادای خسارت به کسانی که محق می‌باشند دلیل بر میل ترحمانه سلطان روم

می‌باشد. سهل است به این واسطه دولت باید آن طور اطوار ملایم در مکالمات ارزنةالروم همه اسباب رفع مغایرت بین‌الدولتین را آسان کنند. امنای دولت انگلیس خشنودی حاصل کرده‌اند که رفتار دولت ایران را در یک باب می‌توان بر میل رفع غوایل ایران و روم استنباط کرد. یعنی از این که امنای دولت ایران به سهولت صلاحدید شما را که به اتفاق وزیر مختار روس بعد از اطلاع بر مضمون دستورالعملی که به حاکم آذربایجان درباب آماده ساختن افواج بزرگ به جهت جنگ کمایجب به آنها اظهار داشتید قبول کردند. زیراکه اگر دستورالعمل مذکور معمول شده بود احتمال کلی داشت که همه اهتمامات دولتین واسطه در برهم نخوردن مجلس ارزنةالروم باطل می‌شد. امنای دولت انگلیس از ایلچی بزرگ دولت بهیه مقیم استانبول تفصیل رفتار عجیبه وکیل دولت مردم را در مجلس هجدهم استماع نموده‌اند. هم در این باب و هم در باب گفتگوی لشکرکشی دولت روم به سرحدات ایران با ایلچی بزرگ مذکور دستورالعمل فرستاده‌ایم سواد آن نیز برای اطلاع شما ارسال شده است و شما مأذون هستید که اجمالاً مضمون دستورالعمل مسطور را به نظر امنای دولت ایران برسانید تا برایشان معلوم شود که به امنای دولت روم کمتر از امنای دولت ایران اصرار نمی‌کنند که آنها نیز طریق ملایمت را سلوک دارند و در مطالب مختلفه راه گذشت پیش گیرند چراکه به محض از چنان رفتار می‌توان امید داشت که نتیجه یا فایده از مکالمه ارزنةالروم حاصل شود. فی‌الحقیقه مکالمات درحالتی که طرفین در ادعاهای گزاف ایستادگی نمایند بی‌جاست خصوصاً در وقتی که اصل و حقیقت مطالب طرفین این قدر مبهم و محل ایراد باشد در این صورت اگر از مکالمات نتیجه یا فایده بخواهند، طرفین باید در تخفیف دادن مطالبات خود به طریق امکان با یکدیگر سازش منصفانه نمایند و کار دولتین واسطه این است که طرفین را به این رویه مایل نمایند و نشان بدهند که به چه سیاق بهتر می‌توان آن رویه مرضیه را معمول دارند اما اگر طرفین در تخفیف دادن مطالبات گزاف انکار نمایند دولتین واسطه را چاره نیست به جز این که شروطی راکه منصفانه بدانند حکماً بر طرفین جاری نمایند. یا این که بگذارند مطالبات خود را به طور جنگ از پیش ببرند. آیا دولت ایران از روی مآل‌اندیشی خواهند توانست که شق اخیر را پیش ببرند. جواب این سؤال او شرح دولتی شما مورخه محرم معلوم می‌شود از آن نوشتجات ظاهر شد که امورات معطله در میان دولتین ایران

و روس بود و هم این که به واسطه مطالبه نقدیّه دولت روس دولت ایران در حالت قید مانده است و محکوم است که خود را از این حالت نمی‌توانند بیرون آورد. اگر بی‌تدبیر به دولت روم به مقام جنگ پیش آیند از برای چیزهایی که فی‌الحقیقة گنجایش جنگ را ندارد اگرچه دولت ایران به حدی قوی باشند و حال آن که ضعیف است و اسباب مجادله را نقد و جنس به مرتبه زیاد داشته باشند و حال آن که در نظر دور و نزدیک کم است. امنای دولت انگلیس باطناً امید دارند که هیچ طرف قبل از این که این آگاهی که به دولت ایران داده‌اند و به همین وضوح نیز به دولت روم داده می‌شود به سمع پادشاه برسد رفتار به اسباب نکرده باشند و در این صورت امید دارند که نتیجه صلاحدید دوستانه دولت انگلیس چنین خواهد بود که دولت ایران رضامندی خود را اعلام دارند در این که با دولت روم از برای انجام مطالبی که ظاهراً به هیچ وجه طور دیگر صورت نمی‌بندد و پیش خواهند آمد و به واسطهٔ گذشتی از طرفین مطالب خود را قطع و فصل نمایند. شما مأذون هستید که این نوشته را از برای دولت ایران بخوانید و اگر چنین بدانید که مضامین آن بهتر به سمع اعلیحضرت شاه می‌رسد ترجمه آن را نیز بدهید.

سواد دستخط همایون در حاشیه همان کاغذ ترجمه: نمی‌دانم آن حقهای صحیح که همه کس تصدیق می‌کنند ما داریم از چه، قدرهای آن و عثمانلو از چه حقش بگذرد تا مصالحه درست شود، خسارت‌هایی که زده، هر زمین‌هایی که غصب کرده هر خونهایی که ریخته‌اند انصاف دولتهای مصلح کجا رفته.

به تاریخ شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۲۶۰.*

توضیحات:

۱. در اصل: لارد

۲. « « : جنوری

۳. « « : سپتمبر

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲، برگ b ۱۹۱.

ترجمه کاغذیست که جناب لارد ابردین به نواب شیل صاحب نوشته است

اولیای دولت انگلیس از مضمون کاغذ شماره [illegible] سلخ شهر محرم الحرام که بتوسط [illegible] مینماید عرض اینکه [illegible] دولت علیه [illegible] از قبول [illegible]

قضیه کربلای معلی که بعضی قبول کنند باز صرار در عزل نجیب پاشا حاکم بغداد از جهت مداخله در آن قضیه که بود در خصوص دولت علیه

دولت عثمانیه کبعضی [illegible] با ذهن [illegible] به دولت آخر خواه بود و حال آنکه دولت انگلیس امید داشتند از [illegible] دولت روم

[illegible] بعضی خواهیده شده [illegible] شرح [illegible] شهر [illegible] دولت انگلیس [illegible] دولت ایران [illegible] دولت روم

[illegible] خواهد بود در جواب استیفای [illegible] حال اولیای دولت ایران [illegible] اولیای دولت انگلیس [illegible] دولت ایران انصاف [illegible]

حکومت نجیب پاشا شهر کربلا هر چند در نظر اهالی ایران [illegible] محترم [illegible] از خاک روم است [illegible] شهر [illegible]

[illegible] دولت روم نمی‌تواند شهر خود را [illegible] کربلا [illegible] ایران [illegible] مبالغه [illegible]

[illegible] در نظر اولیای دولت انگلیس [illegible] دولت ایران [illegible] حاکم [illegible]

[illegible] که استقلال [illegible] مملکت [illegible] دولت روم [illegible] در تسخیر شهر [illegible] در نظر اولیای دولت انگلیس

[illegible] اولیای دولت ایران استحقاق [illegible] دولت روم [illegible] سلطان روم

[illegible] دولت ایران [illegible] در مکالمات [illegible] ارزنة الروم [illegible] اولیای دولت انگلیس

[illegible] دولت ایران [illegible] ایران [illegible] دولت ایران

[illegible] صلاح [illegible] وزیر مختار روس [illegible] دستورالعمل [illegible] ایران [illegible]

[illegible] دستورالعمل [illegible] ارزنة الروم

[illegible] ارزنة الروم [illegible] اولیای دولت انگلیس [illegible] دولت روم [illegible]

[illegible] دولت روم [illegible] دولت ایران [illegible] دستورالعمل [illegible] اطلاع [illegible]

[illegible] دستورالعمل [illegible] اولیای دولت ایران [illegible] دولت روم [illegible] دولت ایران

[illegible] طریق [illegible] مطالب مختلفه [illegible]

[illegible] ارزنة الروم [illegible] تحقیقه مطالب [illegible] طرفین [illegible] حقیقت مطالب

طرفین [illegible] در این صورت اگر از مطالبات [illegible] طرفین [illegible] مطالبات [illegible] طریق [illegible]

[illegible] طرفین [illegible]

[illegible] طرفین [illegible] مطالبات [illegible] طرفین

جاری نماید یا اینکه بگذارد مطالبات خود را بطور جنگ پیش ببرند آیا دولت ایران از رد مال اندیشه خواهد نمود [illegible]

پیش ببرند جواب این سؤال اوضح است بعد از شمار رضه محترم معلوم شود لذا آن زنجیرات ظاهر شده امورات معطله در میان دولتین ایران و انگلیس

و این آنکه در رابطه مطالبه نقدیه دولت روس دولت ایران در حالت قید مانده است و معلوم است که خود را از این حالت نمی‌تواند بیرون آورد

اگر به تدبیر دولت روم به مقام جنگ پیش آید از این چه خبر باشد که فی الحقیقه کسی پیش جنگ را نمی‌دارد اگر چه دولت ایران یک دو قشون باشند حال آنکه

ضعیف است و اسباب جنگی ندارد نقدی چنین بر تربه را داشته باشند و حال آنکه در نظر دولت کم است اما دولت انگلیس با ... در این باره صحیح

قبل از اینکه این آگاهی به دولت ایران داده شود به همین وضوح نیز به دولت روم داده شود که به سمع آنها رسانیده شده باشد

و در این صورت امید دارد که نتیجه صلاح دیده شده دولت انگلیس چنین خواهد بود دولت ایران رضامندی خود را اعلام و اقدام در اینکه با دولت روم

اجرای انجام مطالب ظاهر را به هیچ طور در هیچ صورت نمی‌بندد پیش خواهند آمد و بر رابطه گذشتن از طرفین مطالبات خود را قطع و فصل نمایند

شما حال استدعا دارم نوشته بلا از برای دولت ایران بخوانند و اگر چنین بدانند مضامین آن به تهیه سمع اعلیحضرت شاه برسانید ترجمه آن را ...

سند شماره ۲۱

تاریخ: ۱۴ رمضان ۱۲۶۰

سواد نامه شیل به وزیر دول خارجه

سواد نوشته شیل صاحب است به وزیر دول خارجه.

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصابا، دوستان اعتضادا، محبان استظهارا، مشفقا؛

ملفوفه مراسله آن جناب که در طی آن نگارش رفته بود که وکیل دولت علیّه روم به عالیجاه میرزاتقی‌خان تکلیف طرابوزان کرده که در آن جا طی گفتگو نمایند و به این سبب اولیای دولت علیّه ایران عالیجاه مشارالیه را می‌خواهند احضار به دربار همایون نمایند، رسید. قطع نظر از این که اولیای دولت علیّه تعهد دولتی کرده‌اند که تا دولتین علیتین انگلیس و روس را راضی نفرمایند، عالیجاه میرزاتقی‌خان را احضار ننمایند البته بر سر عهد و پیمان خود استوار خواهند بود. با وجود این احوال احضار عالیجاه مشارالیه را دوستدار به هیچ وجه مصلحت نمی‌داند و بودن او در آن جا من حیث آن جهات از برای این دولت علیّه منفعت دارد. اولاً: حالا امید است که بعد از اندک زمانی این مکالمات صورت انجام و اتمام پذیرد. ثانیاً: اولیای دولت علیّه از روی انصاف ملاحظه فرمایند که از اقامت وکلاء در ارزنةالروم چه قدرها باعث امنیت و آرامی سرحدات شده است که در این جزء آنان هیچ وقت به این قسم امن و آرام و خالی از اغتشاش نبود و چندین هزار آدم در سرحدات به رفاهیّت و آسودگی می‌گذرانند. در باب رفتن وکلاء به طرابزان [طرابوزان] به خلاف رأی اولیای دولت علیّه ایران مراتب را دوستدار به ایلچی بزرگ دولت بهیه انگلیس مقیم استانبول نوشته است. ظاهر این است، جوابی که مطابق رأی اولیای امور دولت علیّه باشد. در این روزها به زودی برسد. آشکار است که تا دولت علیّه ایران به عالیجاه میرزاتقی‌خان اذن ندهند کسی تکلیف حرکت از آن جا نمی‌تواند نماید. زیاد چه زحمت دهد.

تحریراً ۱۴ شهر رمضان المبارک ۱۲۶۰.*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲، برگ ۱۸۴ b و ۱۸۵ a.

... جناب جلالت ... ارکان ... جواب مراسله ... است ... برادر ...

دوستان ... اظهار ... مراسله جناب ... دولت علیه روم ... نظام ایران ... گفتگو ... دولت علیه ایران ... قطع نظر ... دولت علیه ... تفتیش ... این احوال ...

...

... مقالات صورت انجام و اتمام پذیرد ثانیاً اولیای دولت علیه ... وکلاء ... امنیت ... سرحدات شده است که ... قسم ... و در باب ... وکلاء ... ایران ... اولیای دولت علیه ایران ... دولت علیه ایران ... تحقیق حرکت ... سنه ۱۲۶۰

سند شماره ۲۲

تاریخ: ۱۵ رمضان ۱۲۶۰

سواد نامه وزیر مختار روسیه به وزیر دول خارجه

سواد نوشته جناب وزیر مختار دولت بهیه روسیه به جناب وزیر دول خارجه جناب جلالت و نبالت نصابا، مجدت و نجدت انتباها، مقرب‌الخاقانا، دوستان استظهارا، مشفقاً معظما؛

مراسله آن جناب دوست مشفق مکرم معظم که محتوی به شرح مطالبات دولت علیّه ایران از دولت روم و مبنی بر شکوه و شکایت از تعویق و تأخیر مجالس ارزنة‌الروم بود و در ضمن آن نیز اظهار داشته بودند که اولیای دولت قاهره می‌خواهند عالیجاه میرزاتقی‌خان را احضار فرمایند رسید. دوستدار نمی‌خواهد که غوایل فیمابین دولتین علیتین ایران و روم و مکالمات در مجالس ارزنة‌الروم را مفصلاً نگارش دهد لیکن به این اکتفا می‌نماید که در جوف این مراسله سواد دو طغرا کاغذ دولتی نزد آن جناب دوست مشفق مکرم ارسال دارد. اولیای دولت قاهره در ضمن آنها صراحتاً به دو دولت بزرگ تعهد نموده‌اند که بدون رضا و صوابدید دولتین متوسطین مجالس ارزنة‌الروم را موقوف ندارند و برهم نزنند. قرارداد مزبور واضح و لایح است. هیچ چیز نمی‌تواند آن را باطل نماید، تعهد این که دولتی با دولت دیگر می‌نماید باطل و عاطل نمی‌شود کرد. تجاوز و عدول جایز و درست نیست. دوستدار را اعتقاد باطن حاصل است که اولیای دولت قاهره بعد از تفکر زیاد این گونه تدبیر که باعث تحیّر امنای دولت بهیه روسیه می‌شد خواهند گذشت. این امر نیز بر آن دلیل می‌بود که دولت علیّه ایران نمی‌خواهند از عهده وعدهٔ خود برآیند. اولیای دولت قاهره البته راضی نخواهند بود که دو دولت بزرگ که، واسطه‌اند این قدر زحمت از برای دوام صلح و اصلاح فیمابین دو دولت اسلام متحمل شده بودند این خلاف قاعده را بر گردن ایشان وارد بیاورند و امید کلی حاصل است که اعلیحضرت قدرقدرت پادشاهی به رضا و رغبت خودشان فرمایش ملوکانه را که با عدالت و ملایمت که به آن حال اظهار و ابراز فرموده بودند مغایرت دارد موقوف خواهند فرمود. و در اقدام به انجام وقایع تعجیل نخواهند نمود. سهل است، به کمال اطمینان به دو دولت بزرگ که دوست و

متحدند مفوض فرمایند که به دفع و رفع غوایل فیمابین دولت اسلامی پردازند. دوستدار اکنون باید اصرار نماید که قراری که آن جناب درباب احضار عالیجاه میرزاتقی‌خان گذارده بودند موقوف شود و نیز هر نوع حرکتی که مبطل تعهداتی که دولت علیّه ایران به دولت بهیه روسیه نموده است بالصراحه ایراد نگردد هر قسم تصدیع و مرارتی که از برهم زدگی مجالس ارزنةالروم می‌تواند بر خواست برعهده دولت علیّه ایران خواهد بود. اگر همین اراده و تغییر مکان مجالس گفتگوی ایران که به جهت ناخوشی مأمورین دول اربعه رو داده است، باعث آن گردید که امنای دولت قاهره این گونه قراری گذاشتند رفع آن بهانه به سهولت مقدور می‌شود. زیرا که فرمایش اقدس شهریاری در باب غیرقبول تغییر مکان مزبور اکتفا خواهد نمود که آن اراده بالمرّه متروک شود. دوستدار از آن جناب دوست مشفق مکرم توقع می‌نماید که هرچه زودتر ممکن شود، جواب این مراسله را قلمی فرمایند که با دوستدار، مضمون آن را بدون تأخیر به اطلاع امنای دولت بهیّه روس رساند. چون لازم بود مصدع آمد.

تحریراً فی ۱۵ شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۶۰.*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲، برگ ۱۸۳a.

نوید دوستانه جناب وزیر مختار دولت بهیه روسیه جناب وزیر امور خارجه جلالت و معالی انتساب اجل مکرم

دوستان مهربان مکرم [illegible] مرقومه آن جناب مشفق مکرم [illegible] مطالبات دولت علیه ایران از دولت روم

و [illegible] شکایات از تعویق [illegible] مجلس شورای ملی [illegible] بوده [illegible] که اولیای دولت قاهره [illegible]

انجام [illegible] رسیده استقرار [illegible] مجلس شورای ملی [illegible] مشکلات [illegible] مجلس شورای ملی [illegible]

[illegible] آن جناب مشفق مکرم ارسال داشته [illegible] دولت [illegible]

[illegible] بزرگ [illegible] مجلس شورای ملی [illegible]

[illegible] الان [illegible] دولت [illegible]

[illegible] دولت قاهره [illegible]

دولت بهیه روسیه [illegible] دولت علیه ایران [illegible] اولیای دولت

قاهره [illegible] دولت بزرگ [illegible] اصلاح [illegible] دولت [illegible]

این [illegible] که اعلیحضرت [illegible]

[illegible] دولت [illegible]

[illegible] دولت بزرگ [illegible] دولت [illegible]

اصرار [illegible] که [illegible] آن جناب [illegible] دولت [illegible]

دولت بهیه روسیه [illegible] مجلس شورای ملی [illegible]

[illegible] دولت علیه ایران [illegible] ایران [illegible]

باعث [illegible] دولت قاهره [illegible] دولت [illegible]

[illegible] آن جناب مشفق مکرم [illegible]

[illegible] دولت بهیه روسیه [illegible]

[illegible] ۵ [illegible] ۱۲

سند شماره ۲۳

تاریخ: [اواخر رمضان ۱۲۶۰][1]

سواد نامه وزیر دول خارجه به وزیر مختار روسیه

سواد نوشته جناب وزیر امورخارجه به وزیر مختار روسیه جناب جلالت و نبالت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا مشفقا مکرما، معظما؛

اگرچه اعتقاد دوستدار این بود که پس از مطالعه مراسله [ای]که ۱۴ شهر رمضان به آن جناب نگارش و در طی آن مجملی از مفصل معاملات منصفانه دولت علیّه روم با دولت علیّه ایران ایراد رفته بود حُسن انصاف آن جناب اقتضا خواهد کرد که اعتراف نمایند به این که اولیای دولت علیّه ایران حق دارند که پس از مدت هشت سال که چهار سال پای توسط امنای دو دولت بزرگ در میان است که مطالبه حقوق خود را از دولت علیّه روم می‌کنند و رجال آن دولت علیّه به هیچ وجه قراری درباب حقوق ثابته این دولت نمی‌دهند و معلوم هم نیست که مآل این کار تا کی و تا کجا بکشد، عالیجاه میرزاتقی‌خان وکیل خود را احضار نمایند. ولی آن جناب باز جوابی مرقوم داشته و در جوف آن سواد و طغرا کاغذ فرستاده بودند که اولیای دولت قاهره به دو دولت بزرگ تعهد نموده‌اند که بدون رضا و صوابدید دولتین متوسطین مجلس ارزنةالروم را برهم نزنند و میرزاتقی‌خان را احضار ننمایند و نوشته بودند که هیچ چیز این تعهدات و قرارداد مزبور را نمی‌تواند باطل نماید؛ رسید، و لازم آمد که دوستدار نیز به جواب پردازد که اولاً: این معنی بر اولیای دولت علیه پوشیده نبوده و فراموش نکرده بودند که چنین نوشته داده‌اند اما در ضمن آن نوشته قید کرده‌اند مگر وقتی که دولت علیّه روم دولت ایران را ناچار و لابد بر آن نماید حال آن جناب از دوست مشفق معظّم سؤال می‌شود که بعد از این همه تعطیل و تعویق و تراخی و انقضاء مجالس متعده ارزنةالروم هشت ماه می‌شود که جناب انوری افندی انتظار دستورالعمل مجدد از دولت خود می‌کشد و رجال آن دولت علیّه مطلقاً در فکر گذاشتن کار و دادن دستورالعمل به وکیل خود نیستند و معلوم هم نیست که باشند یا اعتنایی داشته باشند. باز اولیای دولت علیّه را لابد ناچار نکرده‌اند که وکیل خود را احضار نمایند. ثانیاً: مرقوم داشته بودند که اولیای دولت قاهره به دو دولت بزرگ تعهد نموده‌اند که بدون رضا و صوابدید دولتین متوسطین مجالس ارزنةالروم را به هم‌نزنند، نباید از عهد خود نکول نمایند، اولیای دو دولت بزرگ هم تعهد کرده‌اند که احقاق حقوق دولت علیّه ایران را از دولت علیّه روم نمایند، چه

به عهد خود وفا نمی‌کنند و اولیای دولت علیّه روم را بر این نمی‌دارند که از عهد حقوق ثابته این دولت علیّه برآیند چنانچه اگر خاطر شریف آن جناب باشد ترجمه کاغذی که مدتی پیش از این جناب جلالت و نبالت نصاب عمدةالکرام المسحیه زبدةالوزرا العسویه دوست مشفق معظم ویس شانسلیه غراف نسلرود وزیر امورخارجه دولت بهیّه روسیه درباب قضیه کربلای معلی به آن جناب نوشته بودند و آن جناب نزد دوستدار فرستاده بودند در آن کاغذ مندرج بود که اعلیحضرت امپراطور از قرار تقریرات امنای و دولت علیه روم و از اظهار میل آنها در چاره این مقدمه از ایشان چنین دریافت فرموده‌اند که این عمل ناشایست و فجیع نجیب‌پاشا بدون حکم دادن اولیای دولت علیّه روم بوده است خصوصاً هیچ وقت به او حکم نداده‌اند که قضیه کربلای معلی را محاصره نموده به غلبه اهالی بی‌گناه و ضعفای بیچاره آن جا را طعمه شقاوت و طمع سربازهای بی‌باک نمایند. در هر صورت اولیای دولت علیّه روم باید این عمل شنیع را مذمت نموده از عهده تلافی آن برآیند و از همین قرار از جانب اعلیحضرت امپراطوری حکمی به ایلچی ما که متوقف دارالسلطنه لندن است داده شده است که با اولیای دولت بهیه انگلیس در این باب گفتگو نموده قرار صریحی بدهند که به اتفاق یکدیگر اصرار شدید و کمال سعی و اهتمام نموده اولیای دولت علیّه روم را بر این دارند که رضامندی کلی از این عمل شنیع نجیب‌پاشا به دولت علیّه ایران داده شود. اولیای دولت قاهره همان کاغذ جناب معزی‌الیه را سند کرده در اوقاتی که جمیع علما و فضلا و مجتهدین و قضاة و سادات و نواب و عموم اهالی ایران جوش و خروش انتقام داشتند سواد آن کاغذ را به جمیع ممالک محروسه پادشاهی فرستاده اطمینان کامل به آنها دادند که حال که اولیای دولت بزرگ تعهد کرده‌اند که دولت روم را بر این بدارند که قضیه کربلای معلی را به خوبی تلافی نمایند، آسوده و مطمئن باشید که تلافی خواهد شد، اهالی ممالک محروسه پادشاهی به این اطمینان ساکت شده از وصول آن کاغذ تا به حال که مدتی مدید می‌گذرد منتظرند که دولت بهیّه روسیه کی به وعده وفا خواهند کرد. لیکن به هیچ وجه اثری از آن تعهد ظاهر نیست و نجیب‌پاشا که پیش مباشر و مؤسس این فتنه عظیمه بود در کمال عزت و جلال به حکمرانی عراق عرب اشتغال دارد، رجال دولت علیّه روم نه به فکر تعمیر بقاع شریفه‌اند و نه در خیال ادای خسارات اموال منهوبه، اما از این طرف هرچه در این مدت اولیای دولتین متوسطین گفتگو نموده‌اند قبول کرده‌اند. چنانچه جناب رضاقلی‌خان والی کردستان را با وصف خسارات کلیّه که از عبدالله بیک بابان به او رسیده بود، اولیای دولتین متوسطین خواهش کردند که اولیای دولت قاهره او را احضار به دارالخلافه نمایند به محض خواهش اولیای دولتین،

اولیای دولت قاهره جناب والی را با دوهزار کس شغلی و نوکر به دارالخلافه احضار و دو سال او را در دارالخلافه موقوف داشتند که از این راه نیز خسارت زیاد به او رسیده سهل است. در غیب جناب مومی‌الیه خرابی کلی به خاک مملکت کردستان راه یافته که مالیات دیوانی آن جا به کلی از میان رفت معذالک هر وقت خواستند او را به مقر والیگری خود بفرستند اولیای دولتین متوسطین مانع آمده گفتند که رجعت او به مقرر والیگری منوط به رضای اولیای دولت علیّه روم است، اما از آن طرف اولیای دولت علیّه روم شیخ ثامر نوکر یاغی [و] فراری این دولت علیّه را به ارزنةالروم برده، فساد و تقلّب و تفتن به او آموخته او را به بصره فرستادند که در کار عربستان اخلال و افساد نماید، [و] به اولیای دولت علیّه روم نگفتند که هر قسم قراراتی که از برهم‌زدگی مجلس ارزنةالروم از این خلاف می‌تواند برخواست در عهده دولت علیّه روم است. این که در آخر کاغذ آن جناب مندرج شده بود که امید کلی حاصل است که اعلیحضرت قدرقدرت پادشاهی به رضا و رغبت خودشان فرمایش ملوکانه را که با عدالت و ملایمت که تا به حال اظهار و ابراز فرموده‌اند با احضار میرزاتقی‌خان مغایرت دارد، دوستدار نمی‌داند که همین کار ملوکانه ابتذال چهار سال و ابطال حقوق و نگذشتن کار و بی‌اعتنایی عالیجاه مقرب الخاقان میرزاتقی‌خان است یا کار ملوکانه این است که چهار سال اولیای دولتین متوسطین؛ توسط در امور بین‌الدولتین فرمایند و تا حال مثمر ثمری نشود و تازه وکیل دولت علیّه روم مجلس گفتگو را به طر [ف] ایران قرار بدهد. نمی‌داند مقصود عقلایی بزرگ دول خارجه چیست آیا در این بین کسری شأن دولت علیه ایران شود، کسر بسیار شأن دولت‌های فخیمه نخواهد بود که در چهار سال هرچه سعی کردند ابنای دولت علیه روم اعتنایی نکردند، علی ای التقادیر از اولیای دولتین متوسطین و سفرای حضرتین متوقع‌ایم که حدی برای مدت گذشته امور بین‌الدولتین قرار بدهند و صراحةً اعلام دارند که تا کی و تا چه وقت گذشتن کار به طول خواهد انجامید. یقین است که رأی زرین آن جناب اقتضاء خواهد کرد که اولیای دولت علیّه ایران را از این اشتباه و ابهام بیرون خواهد آورد.*

توضیحات:

۱. این نامه در پاسخ به نامه قبلی وزیر مختار روسیه نوشته شده است. تاریخ نامه قبلی ۱۵ رمضان ۱۲۶۰ بود لذا احتمال می‌رود که تاریخ این سند نیمه دوم ماه رمضان ۱۲۶۰ باشد.

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲، برگ ۱۸۵ b.

[illegible] وزیر امور خارجه [illegible] جلالت [illegible]

پس از مطالعه [illegible] ۱۴ [illegible] دولت علیه روم و دولت علیه ایران [illegible]

[illegible] ایران حق دارند [illegible]

[illegible] دولت بزرگ [illegible] دولت علیه [illegible]

[illegible]

[illegible] دولت بزرگ [illegible]

[illegible]

[illegible] دولت علیه روم دولت علیه ایران [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دولت بزرگ [illegible]

[illegible] دولت علیه روم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دولت علیه ایران [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دولت بزرگ [illegible]

[illegible]

[illegible] از صحت آن کاغذ [illegible] دولت [illegible] دعا خواهانه [illegible] دولت علیه ایران [illegible]
ظاهر است [illegible] عثمانی [illegible] دارد [illegible] دولت علیه [illegible]
[illegible] تعریف [illegible] شریفه [illegible] اما از [illegible] اولیای دولت علیه [illegible]
[illegible] کوهستان [illegible] خسارات کلیه [illegible] اولیای دولت علیه [illegible]
[illegible] اولیای دولت [illegible] اولیای دولت [illegible]
[illegible] موقوف [illegible] است [illegible]
[illegible] مملکت کوهستان [illegible] مع ذالک [illegible]
اولیای دولت علیه [illegible] اولیای دولت [illegible] اما از [illegible] اولیای دولت علیه [illegible]
[illegible] دولت علیه [illegible]
با اولیای دولت علیه [illegible] دولت علیه [illegible]
[illegible] کاغذ [illegible] کوهستان [illegible]
[illegible] دارد [illegible]
[illegible] دولت [illegible]
[illegible] دولت علیه [illegible]
[illegible] دولت علیه ایران [illegible]
دولت علیه [illegible] اولیای دولت علیه [illegible]
[illegible] خواهد [illegible]
که اولیای دولت علیه ایران [illegible] خواهد کرد

اسناد سال ۱۲۶۱

سند شماره ۲۴

تاریخ: ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۲۶۱

نامه وزیرمختار انگلیس به میرزا آقاسی

جناب جلالت و نبالت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا، معظما؛

در این وقت که دوستدار اصرار دارد که امنای دولت علیّه ایران قراری را که دولتین قوی شوکتین واسطه در رفع مغایرت بین‌الدولتین ایران و روم از روی انصاف و تدبیر خود داده‌اند بی‌اکراه و کلفت قبول فرمایند بعضی خیالات است که از خود لازم دید برای دریافت آن جناب مشفق معظم اظهار دارد این که دولتین واسطه مُهمِ پرزحمتِ طولانیِ توسط را قبول کردند، منظور اصلی آنها که مطلقاً غرضی و نفعی از برای خود نداشته، همین برپا داشتن امنیت این ولایات و نفع دو دولت اسلام بوده است و این مقصود حاصل نمی‌شد مگر طرفین طریق مصالحه دوستانه پیش گرفته به تخفیف و اغماض از مطالبات بی‌اندازه پرداخته، گذشت منصفانه را مرعی دارند اگر دولت ایران هرچه خواسته بودند به عمل نیامد همین حالت، حالت دولت روم است بلکه حالت هر دولتی است که کار به مکالمه و مباحثه رسیده باشد در هر صورت از برای دولتین اسلام صلحی حاصل می‌شود که به واسطه دو دولت بزرگ مؤید و پایدار خواهد ماند. کاردانی و فراست جناب سامی به حدی است که البته قبول خواهند فرمود که آفت و بلاهایی که حاصل هر آشوب و اغتشاش می‌شود می‌باید به هر ضرر که باشد از خود رفع کرده گذشته از آن خود آن جناب این خیالات روشن را که سرشته فطرت و بزرگی آن جناب است این قدر به سمع دوستدار رسانیده‌اند که در این باب شکی ندارد، قراری که دو دولت بزرگ در باب محمره داده‌اند باعث خرسندی خواهد شد چرا که نمی‌توان پنهان داشت که هر قدر حقوق دولت ایران در آنجا واضح باشد لیکن مدتهای مدید حقوق مذکور بی‌فایده و بی‌ثمر بوده است زیرا که همین در عهد این سلطنت تسلط واقعی در آنجا به هم رسیده است و از آن طرف دولت روم در مکالمات ارزنةالروم بعضی مستندات مضبوط ابراز کرده بودند که می‌شد

دولتین واسطه را به تشکیک اندازند اما حال در امر محمره قرار داده‌اند که بعد از انعقاد عهدنامه، محمره با حق عبور کشتی‌ها تا بحر عمان در شط‌العرب که حقی است عمده به آزادی تمام و این امتیازی است که تا حال دولت ایران در آنجا نداشت و علاوه بر آن از محمره گرفته کنار شرقی شط العرب تا بحر مملکت عمان جزو مملکت ایران خواهد شد. حال البته کفایت آن جناب مشفق معظم در دریافت این فقره تصدیق خواهند کرد که چه قدر از برای این دولت علیّه نفع دارد در ظل سایه سرکار اعلیحضرت پادشاهی و حمایت مدیرانه آن جناب احتمال کلی می‌رود که محمره نظر به موضع خوبی که واقع است از بهترین مسقطهای شرقیّه بشود و باعث ازدیاد دولت اهالی جنوبی این مملکت خواهد بود. در باب قسمت کردن محال زهاب اگر آن جناب مشفق معظم این فقره را نظر به احوالات مختلفه آن بی‌غرضانه تفکر فرمایند. خود آن جناب به اعتقاد دوستدار به مآل و تدبیرات لازمه دو دولتین واسطه را بر این قرارداد داشته است، معترف خواهند شد هر چند دوستدار در نوشتن این صحیفه به طریق دولت و مثل کسی است که همیشه قلباً نفع دولت ایران را منظور دارد اما نمی‌توان انکار کرد که در ایام سابق محال مزبور جزو مملکت روم نبوده است و دلیل این است که عهدنامه فیمابین شاه‌صفی و سلطان مرادخان رابع در زهاب منعقد گشت و در آن وقت مضرب خیام قشون روم بود و در آن عهدنامه هیچ جا قید نشده است که رومیها از آن جا بیرون بروند و این دلیل است بر این که جزو مملکت روم محسوب بوده است و این هم مخفی نیست که مرحوم محمدعلی‌میرزا تخمیناً سی سال قبل از این آن جا را به زور تصرف کرده و برخلاف عهدنامه منعقده در ارزنةالروم تا حال در تصرف ایران بوده است.

هرگاه قرار دولتین واسطه درباب گذشت طرفین از همگی مطالبه خسارات در نظر دولت ایران ناگوار آید. آن جناب مشفق معظم یقین داند که در نظر دولت روم هم به همان مرتبه ناگوار است در حقیقت دو دولت بزرگ چاره دیگر نداشتند. چگونه می‌توانستند ادعاهای مختلفه طرفین که هر دو مطالبات گزاف که در یک درجه ایستادگی داشته باشند از پیچیدگی درآورند البته از خاطر آن جناب محو نشده است که دلایلی درباب ادعاهای خود داشتند همان تقریر فقط بوده است و بس و اگر این قسم دلایل سند باشد دولت روم هم در مرتبه دولت ایران خواهد بود پس دو دولت بزرگ را

چاره جز آن نبوده که کرده‌اند اگر به همه جهات خوب ملاحظه کنیم از یک طرف بودن محمره به طریق امنیت و بدون این که کسی ادعای حقی در آن جا کند نظر به موضع خوبی که واقع است و منافع کلیه که از آن حاصل می‌شود و قسمت بهتر از زهاب را در دست دولت ایران و از یک طرف قطع‌کردن مطالبات نقدیه طرفین را گویا اصلح وجهی است از برای اسکات فقره پیچیده مطالبات نقدیه.

در مورد دیگر قراری که داده‌اند باعث حصول خواهش دولت ایران می‌شود. شاهزادگان فراری را بنا به خواهش دولت ایران در جایی محکم خواهند برد که بعد از این به هیچ وجه از آنها اذیت نرسد. درباب تجدید تعرفه[۱] و بازدید قیمت مال‌التجاره این که تازگی ندارد دولت ایران از روی انصاف این رسم را پیش از اینها بنابه خواهش دولت روم قبول کرده‌اند.

بالیوزهایی که از طرف دولت ایران در دولت روم‌اند بعد از این مرتبه [ای] که شایسته ایشان است خواهند داشت و به همان شأن و امتیازاتی که بالیوزهای دول متحابه در روم دارند خواهند بود و هم اختصاص و امتیازی که زوّار ایران در رفتن زیارت به مملکت روم خواهند داشت باعث کمال خرسندی عموم اهالی ایران و هم سبب نیکنامی آن جناب مشفق معظم خواهد بود. این که دوستدار خیالات لازمه را برای دریافت آن جناب اظهار کرد نه این است که منظور مکالمه و مباحثه داشته است بلکه همین فایده حقیقی رأی و عقاید دولتین واسطه را اظهار کرده است و احسن طریقی که شایسته دولت ایران است این است که قراردادهای دولتین واسطه را به زودی بی‌اکراه قبول فرمایند و تنها و بس، به این واسطه دولت ایران امتنان خود را به خوش‌ترین وجهی می‌توانند از دو دولت ایران در تلافی زحمات و مخارج زیادی که بدون ملاحظه نفع خود بلکه محض از برای نفع این دو دولت اسلام متحمل شده‌اند ظاهر نماید.

تحریراً فی ۱۷ ربیع‌الثانی سنه ۱۲۶۱.*

[مهر پشت سند] جستن شیل

توضیحات:

۱. در اصل: تعریفه

* . صندوق ۵ پوشه ۳۷ـ سواد این سند در صندوق ۵ پوشه ۳۶ موجود است.

جناب جلالت و نبالت [illegible]

[illegible]

[illegible]

سند شماره ۲۵

تاریخ: ۲۵ شعبان ۱۲۶۱

نامه وزیر مختار روسیه به وزیر دول خارجه

جناب مجدت و نجدت نصابا، فخامت و مناعت اکتسابا، مقرب الخاقانا، دوستان استظهارا، محبان نوازا، مشفقا، معظما؛

در بین اعلام این که اعلیحضرت قدرقدرت شهریاری راضی شده‌اند احمدپاشا را از سرحدات دولت علیّه روم دور نمایند آن جناب بر خود لازم دیده است که به طریق اختصار شکایات دولت علیّه ایران را که از دولت علیّه عثمانی دارد تکرار نموده وقایع مختلفه را که در حین مکالمه فیمابین دو دولت اسلام از روزی که پای دو دولت واسطه به میان آمد، روی داده است متذکر شوند و نیز اظهار نمایند که دولت علیّه ایران بعد از آن که چند ماه است صورت قراری که دو دولت قوی شوکت روس و انگلیس تکلیف کردند قبول نموده بیش از این نمی‌تواند منتظر جواب دولت عثمانی شد و من بعد خود را از تعهدات خود خلاص میداند از واردات بین گفتگوی دولتین علیتین ایران و روم و از وقایع این میانه و اهتمامات دو دولت قوی شوکت دولت در رفع مشکلات که با اتحاد مانع حفظ صلح و استقرار کامل فیمابین دو دولت اسلام بود هیچ کس بهتر از دوستدار مستحضر نیست.

دوستدار مستقیم دخیل در همه این مکالمات مربوطه [و] این مغایرات طولانی بوده، بنای عدالت و قناعت و دانش اولیای دولت علیّه را که در رفتار مصلحانه خود در این مدت ظاهر کرده‌اند از روی انصاف مکرر اقرار و تصدیق کرده است. وقتی که دولت علیّه ایران بدون مضایقه تکلیف نامه را کلاً قبول کرد، آن جناب اطلاع دارد که دوستدار با جناب جلالتمآب کلنل [1] شیل وزیر مختار دولت بهیّه انگلیس به چه خوشحالی مراتب را هر یک به دولت خود نوشتیم و چه طور مایه انبساط خاطر اعلیحضرت امپراطوری آمده. دولت علیّه ایران از قبول آن قرارداد دلیل حسن نیت و حرمت خود ظاهر نموده نسبت به تکالیف بی‌غرضانه دول واسطه که از این معنی دلگرم شده اهتمام خود را پیش دولت علیّه روم زیاد نموده‌اند تا جواب قطعی از او حاصل نمایند و ایلچیان روس و انگلیس در استانبول متصل در کارند و امید کلی هست که به زودی مشکل آخری را که مانع قبول فقرات اصلیه

قرارداد است که باید مایه استحکام روابط دوستی فیمابین دولتین علیتین ایران و روم شود مندفع سازند. دوستدار زیاد از حد افسرده و غمگین است از دیدن این که اولیای دولت علیّه در وقتی که به مقصود نزدیک شده‌اند و عنقریب باید ثمرات زحمت و محنت که در راه صلح و آرامش مشرق کشیده‌ایم بچینیم بی‌صبر می‌شوند. مادامی که در پیشرفت کار یقین حاصل است و مادامی که خلاف امید مشاهده نشده و از جانب دولت علیّه روم صراحتاً ابا و انکار لاتغیّر نشده است که دو دولت واسطه نمی‌دانند دولت علیّه ایران را از تعهدات مخصوص خود خلاص دهند بلکه برخلاف آن اصرار خواهند کرد که دولت علیّه آنها را به تأکید به عمل آورد و اعلیحضرت امپراطوری که بحدی اعتماد به استقامت رأی و دانش اعلیحضرت پادشاهی دارد که هیچ وقت از خاطرش نمی‌گذرد. اعلیحضرت اقدس شهریاری از تعهدات رسمی خود که به رضاء و رغبت خودشان نموده‌اند گریز داشته باشند بلکه اعلیحضرت امپراطوری با اعتقاد تام از عزم جزم اعلیحضرت پادشاهی مطمئن است که وعده خود را به صداقت عمل فرموده در شیوه ثابت پسندیده دائمی خود ثابت قدم خواهند بود. به این طورها اعلیحضرت اقدس همایون تقویت خواهند فرمود تا جهاتی که ایلچیان دو دولت واسطه مأمورند در استانبول به جهت استعمال امر مصالحه بکار اندازند و به همین شرط است و بس که دو دولت قوی شوکت روس و انگلیس می‌توانند حاصل نموده آن مقصود را که محض رفاه دولتین علیتین اسلام توسط خیرخواهانه آنها با کمال سعی و مواظبت تعاقب می‌کند. باقی ایام دوستی و اتحاد مستدام باد.

فی بیست و پنجم شهر شعبان سنه ۱۲۶۱.*

[پشت سند:] جناب مجدت و نجدت نصاب، فخامت و مناعت اکتساب، دوستان نوازا، مقرب‌الخاقان، مشفق معظم مهربان، حاجی میرزا ابوالحسن‌خان وزیر دول خارجه دولت علیه ملاحظه فرمایند.

[مهر] وزیر مختار دولت بهیه روسیه؛ غراف مدم

توضیحات:

۱. در اصل: کولونل

---

* . صندوق ۵، پوشه ۳۶.

جناب جلالت‌مآب [illegible] دوستان مهربان اکسلانس [illegible] ایلچی [illegible]

[illegible] اعلام اینکه اعلیحضرت [illegible] قدرت [illegible] شده‌اند احمد پاشا را از سرحدات دولت علیه روم [illegible]

آگاه [illegible] بطریق [illegible] اتفاقات دولت علیه ایران [illegible] دولت علیه عثمانی [illegible]

وقایع [illegible] در حین مکالمه فیمابین دولت اسلام [illegible] دولت واسطه [illegible]

و نیز اظهار [illegible] دولت علیه ایران [illegible] صورت قرارنامه [illegible] دولتین روس و انگلیس

تکلیف [illegible] قبول [illegible] منتظر جواب دولت عثمانی [illegible]

بین [illegible] اولیای دولتین علیتین ایران و روم [illegible] دولتین روس و انگلیس [illegible]

[illegible] صلح [illegible] دولتین اسلام [illegible]

مکالمات مربوطه [illegible] دولت علیه [illegible]

در [illegible] دولت علیه ایران [illegible]

[illegible] اطلاع [illegible]

هر یک [illegible] دولت علیه ایران [illegible]

[illegible]

پیش دولت علیه روم [illegible] جواب قطعی [illegible] ایلچیان روس و انگلیس [illegible]

[illegible]

[illegible] اولیای دولتین علیتین ایران و روم [illegible]

سند شماره ۲۶

تاریخ: [به احتمال قوی ۱۲۶۱]۱

سوادنامه میرزاتقی‌خان به میرزا آقاسی

«فدایت شوم؛ رقیمهٔ کریمهٔ مطاعه روز ۲۳ رجب‌المرجب به توسط مأمورین متوسطین دولت فخیمهٔ انگلیس واصل و زیارت شد. از مرقومات آن و فرمایشات بندگان ولی‌النّعمی دام ظلّه العالی که مشتمل بود به حسن سلوک و ملایمت و عدم درشتی با عالیجنابان مأمورین دولتین فخیمتین روس و انگلیس به تخصیص با عالیجاه انوری افندی مأمور دولت علیّه عثمانیه اطلاع کامل حاصل و اطاعت شد. بندگان عالی را قسم میدهم به خدا که این عریضهٔ کمترین را بخصوصه من اوّله الی آخره ملاحظه فرمایند. اولاً: کمترین چه حدّ دارم این لفظ را بر زبان آورم که اطاعت کردم، کمترین غلام خود را از مشتی خاک کمتر می‌داند و در جنب بندگان آقایی وجود و شخص خود را محو و لاشئ محض می‌داند. بدیهی است لاشئ محض یک پارچه اطاعت می‌شود. این اطاعت تازگی نداشت. کمترین غلام از روز اول عمر خود را و قدرت خود را صرف کرده است که حتّی‌المقدور بر اطاعت بیفزاید. بی‌صدور هرگونه حرکت مذبوح از این بنده نسبت بشأن و ناموس دولت ابد مأنوس است نه راجع به وجود خود و این شخصیّت معدوم درباب ملایمت و عدم درشتی با مأمورین دولتین فخیمتین مرقوم و مقرّر فرموده بودید که قرار امور با اولیای دولت قاهره است آنچه به تو نوشته می‌شود همان را بدون کم و زیاد بگو و آنچه آنها می‌گویند به اینجا بنویس دیگر درشتی که چرا، در این امر و فرمایش حرفی نیست. البته قرار امور با دولت علیّه است وظیفه و شیوهٔ کمترین هم اینست بجز این نیست که فرمایشات عالی را بدون کم و زیاد به آنها اظهار بکنم. حالا عرضه بنده هم در این است که می‌خواهم فرمایشات بندگان عالی را بدون کم و زیاد بگویم، همین خلاف رأی حضرات می‌شود. چون کمترین نمی‌تواند از فرمایشات بندگان آقایی تخلّف ورزد، برمی‌دارند می‌نویسند که فلانی با ما ملایمت نمی‌کند و درشتی می‌نماید. جسارت می‌کنم که بندگان عالی در چنین موادّی که بپرسد که فلانی چه درشتی کرده و کدام خلاف حرمت و محبّت را بعمل

آورده تا بنده را از آن درشتی ندامت و انفعالی حاصل آید. پیشتر هم عرض کرده‌ام به خدا قسم به نمک بندگان عالی قسم رفتار کمترین در هر حال و هر باب با آنها از ملایمت گذشته سهل است از تملّق هم گذشته است باز چاره نمی‌کند و نخواهد کرد، چرا که آنها رهین منّت عثمانلو هستند و هر روز انواع مهربانی از هر جور از جانب عثمانلو می‌بینند، بنابراین از هیچ‌گونه تکالیف آنها خود را معاف نمی‌دارند. **اغلب رقیمه‌جات بندگان عالی به توسّط آنها به کمترین می‌رسد.** همین رقیمهٔ سرباز را فردای ورود چاپار بعد از آنکه از همهٔ منابر و محافل سرعسکر و انوری افندی فراغتی حاصل کرد و **مضمونش پیش از رسیدن رقیمه به کمترین بازاری شد** برای کمترین فرستادند. حکمت امور در خدمت و حضور بندگان ولی النّعمی است. کمترین چه می‌داند که منظور ولی‌النّعمی چیست، البته خالی از مصلحتی نیست و مقصود کمترین از این فقرات اوضاع‌نویسی است. **امّا عثمانلو با غروری که دارند هیچ کاغذی بتوسط آنها نمی‌فرستند و هیچ مصلحت باطنی خودشان را به آنها هرگز بروز نمی‌دهند.**

در حاشیهٔ رقیمه به ملایمت انوری افندی و مهمان خواستن و رفتن به مهمانی او را امر فرموده بودید. اولاً: امروز که ۲۶ رجب‌المرجب بود سه ماه تمام است که مجالس مکالمه موقوف شده. نمی‌دانم ناملایمت از جانب کمترین از چه رهگذر بوده است و حال آن که بیست روز ناخوش و بستری شده دوا خوردم یک احوال‌پرسی نشد نه از جانب او و نه از جانب سرعسکر. امّا پیش از آن تا گفتند سر سرعسکر درد می‌کند فوراً وقایع نگار را به احوال‌پرسی فرستادم که در اتاق خود نشسته بود بدون درد، که این طور نامهربانی‌ها از جانب کمترین است یا از جانب آنها و ثمره‌اش عاید وجود نابود کمترین است یا راجع شأن دولت علیّه. مع هذه‌المراتب مجرّد اینکه همین رقیمه شریفه را زیارت کردم مرقوم فرموده بودید که بدون ملاحظه این جزئیات مهمانش بکن مهمانش بشو، بدون تأمل محض اجرای حکم بزرگ خودم و اطاعت و امتثال بامر و فرمایش ولی‌النّعمی مدّظلّه وقایع نگار را به دیدن انوری افندی و احوال‌پرسی او و اظهار کمال محبّت و خصوصیّت فرستادم و علی التعاقب رقعه‌ای در کمال عزّت و حرمت نوشته به شب پنجشنبهٔ ۲۶ دعوت کردم، نیامد. جواب نوشت که اول تو بیا بعد من می‌آیم. او نیامد، امّا سایر مأمورین دولتین فخیمتین که مدعوّ بودند

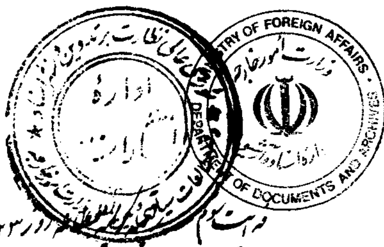
آمدند. بلی چون از این رقیمه ولی‌النّعمی مستحضر بود بلکه به تحریک او نوشته و اصدار کرده بودند و می‌دانست که از امر و فرمایش ولی‌النّعمی تخلّف نمی‌توانم کرد، بدون همه چیز جواب کرده به مهمانی کمترین نیامد و کمترین را به خانهٔ خود خواست. کمترین هم محض اطاعت ولی‌النّعمی نتوانستم ردّ نمایم که مبادا مضمون‌تراشی کنند و رقیمهٔ دیگر که تهدیدش از این بیشتر و شدیدتر باشد اصدار نمایند. تکلیف او را قبول و دعوتش را اجابت کردم. غرض از دردسر دادن ولی النّعمی دو فقره است: یکی اینکه صریح مرقوم بفرمائید که هرچه مأمورین دولتین فخیمتین تکلیف می‌کنند قبول بکن تا فردا کمترین مورد مؤاخذه نشوم، چراکه اگر قبول نکنم این طور می‌شود. دیگر درشتی کمترین را با هر کدام از مأمورین دول ثلاثه اتّفاق افتاده است معلوم فرموده کمترین را هر طور شایسته می‌دانند مؤاخذه بفرمایند و جواب این دو فقره را منتظر هستم که مرحمت فرموده مرقوم و مرسوم فرمائید، امرکم مطاع*.»

توضیحات:

۱. در متن سند به روز پنج‌شنبه ۲۶ ماه رجب اشاره شده است. احتمالاً این مراسله در سال ۱۲۶۱ نوشته شد، چه در این سال است که ۲۶ ماه رجب پنج‌شنبه بوده است.

۲. در اصل: اوطاق

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۱۹، برگ ۱۸. لازم به ذکر است که این سند قبلاً در کتاب «امیرکبیر» عباس اقبال در صفحاتِ ۷۷–۸۰ آورده شده است.



مراسلهٔ سوم [illegible] در ۲۳ شهر رجب المرجب توسط مأمورین متوسطین دولت فخیمه انگلیس واصل و زیارت شد

از مرقومات آن و فرمایشات بندگان ولیعهد دام ظله العالی که شهرت بحسن سلوک و ملایمت و عدم درشتی با عالیجاهان

مأمورین دولتین فخیمتین روس و انگلیس بتخصیص با عالیجاه انوری افندی مأمور دولت علیه عثمانیه اطلاع حاصل و اطاعات

بندگان عالی را تسلیم میدهم که اگر این عریضه کمترین را بالخصوصه من اوله الی آخره ملاحظه فرمایند اولاً کمترین چه حد دارم این

لفظ را بزبان آورم که اطاعت نکردم کمترین غلام خود را از مشت خاک کمتر میدانم و در جنب بندگان والا که

وجود شخص خود را محو و لاشیء محض میدانم بدیهی است لاشیء محض یکپارچه اطاعت ملفوف و این اطاعت تا زمانیکه

نه است کمترین غلام از روز اول عمر خود را و قدرت خود را صرف کرده است که حتی المقدور بر اطاعت بیفزاید لیکن

صدور هر گونه حرکت مذبوح از این بنده نسبت بشأن و ناموس دولت ابد مأنوس است نه راجع بوجود خود

و این شخصیت معدوم در باب ملایمت و عدم درشتی با مأمورین دولتین فخیمتین مرقوم و مقرر فرموده بودید که قرار امور

با اولیای دولت قاهره است آنچه تو نوشته ملفوف حال را بدون کم و زیاد بگو و آنچه آنها میگویند بما بنویس

دیگر درشتی که چرا در این امر و فرمایش حرفی نیست البته قرار امور با اولیای دولت علیه است وظیفه و شیوه

کمترین هم نیست بجز این نیست که فرمایشات عالی را بدون کم و زیاد به آنها اظهار بکنم حالا عرض بنده اینم

در این است که میخواهم فرمایشات بندگان عالی را بدون کم و زیاد بگویم همین خلاف را حضرت ملیفق

چون کمترین مقول له از فرمایشات بندگان والا کشف و رزد برمیدارند ملتفت نشده که خلاف با ملایمت

نمیکنم و درشتی نمینماید جسارت میکنم که بندگان عالی در چنین سواد دیگر بپرسید که فلانی چه درشتی کرده و کلام

خلاف





خلاف حرمت و حکمت را معمول آورده تا بنده را از آن ورشته ندامت و انفعالی حاصل آید پیشتر هم عرض کرده‌ام
که اقسام تمکین بندگان از قسم رفتار کارگزاری در هر حال و هر باب با آنها از ملایمت که نشده سهل است از تملق هم که نشده است
باز حالا میگویند و نخواهند که چگونه آنها رعایت ملت عثمانلو هستند و هر روز انواع مهمانی از هر جور از جانب عثمانلو می‌بینند
بنابراین از هیچ گونه لطایف آنها خود را معاف نمیدارند اغلب رقیمه‌جات بندگان به توسط آنها کارگزاری میرسد
همین رقیمه سرافراز را فرداروز چهارم رجب از آنکه از همه مشایر و حتی سرعسکر و انوری افندی زودتر حاصل که و مضمونش
پیش از رسیدن رقیمه به کارگزار باز رشته برای کارگزاری فرستادند حکمت امور در صرفست و حضور بندگان ولی النعمت
کارگزاری چه میدانند که منظور ولی النعمی چیست البته خالی از مصلحتی نیست و مقصود کارگزار از این فقرات اوضاع ناگوار است
اما عثمانلو با غروری که دارند هستند هیچ کاغذی به توسط آنها نمیفرستند و هیچ مصلحت باطنی خودشان را با آنها اظهار نمی‌نمایند
در حاشیه رقیمه علامت انوری افندی و مهمان خواستن رفتی بهانه او را امروز که بعد از او که امروز که ۲۶ شهر رجب المرجب
سه ماه تمام است که مجالس مطالعه موقوف شده نمیدانم ناملایمت از جانب کارگزار از چه راه بروز رسیده است و حال آنکه
بیست روز ناخوش و بستری شده‌ام اخولوم یک احوال پرسی نه از جانب او و نه از جانب سرعسکر آمد پیش از آنکه
تا گفته سرعسکر در دیوانه فوراً وقایع نگار را به احوال پرسی فرستادم که از اوطاق خود نشسته به بیرون در در سر اینطور
ناملایمتها از جانب کارگزار است یا از جانب آنها و ثمره‌اش عاید وجه ناگهان کارگزار است یا راجع شان دولت علیه
سعهده المراتب مجدداً اینکه همین رقیمه شریفه را یارت کوم مرقوم فرموده بودید که بیرون ملاحظه این حرکات مهمانی
بکنم مهمانی نکن فوراً بیرون تا مات محض اجرای حکم بزرگ مخدوم و اطاعت و امتثال ... دولت ولی النعمی

وقایع نگار را به دیدن انوری افندی و احوال پرسی او و اظهار کمال محبت و خصوصیت فرستادم و علی التعاقب رقعه
در کمال عزت و حرمت نوشته شب پنجشنبه ۲۲ دعوت کردم بیاید جواب نوشت که اول تو بیا به دیدن من برایم آمدم
او نیامد اما سایر مأمورین دولتین فخیمتین که دعوت شده بودند آمدند بعد چون از این رقعه ولی النعمی مستحضر شده بلکه تحریر
و نوشته واضحه ارکان دولت علیه است که از این حرکاتش ولی النعمی کشف نمی توانم کرد بدون همه خبر جواب
که عهدنامه لگرنیز نیاید دیگری را کان به خط خود است که این همه محض اطاعت ولی النعمی شد البته رد نمایم که مبادا
مضمون تراشی کنند و رقعه دیگر که تهدیدش از این بیشتر و شدیدتر باشد اصدار نمایند تکلیف او را
قبول و دعوتش را اجابت کردم عرض از درد سر حال ولی النعمی این فقره است یا اینکه صریح مرقوم فرمایند
که هر چه مأمورین دولتین فخیمتین تکلیف می‌کنند قبول نمایند تا فردا که این مورد مواخذه نشوم حاصل اگر قبول نکنم
این طور تکلیف و دیگر در شان دیگری را با هر کدام از مأمورین دول ثلاثه اتفاق افتاده است معلوم فرموده
و کمترین را هر طورش لیاقت هست مواخذه فرمایند و جواب این فقره عرض را منتظر هستم که
مرحمت فرموده مرقوم و مرسول فرمایند امر کم متعالی



مراسله مرحوم میرزا تقی خان امیر کبیر به مرحوم حاجی میرزا آقاسی است

اسناد سالهای ۶۴-۱۲۶۲

سند شماره ۲۷

تاریخ: [احتمالاً اوایل ۱۲۶۲][1]

سواد نامه میرزا آقاسی به میرزاتقی‌خان

سواد کاغذ جناب آقای مدظله العالی به میرزاتقی‌خان وزیر نظام.

مقرب الخاقانا، فرزندا، مهربانا؛ در ماضی و حال شکوه و شکایت زیاد از طول سفر و اشتداد و امتداد ناخوشی و امراض مزمنه خود کرده بودید. الحق در این سفر بسیار زحمت و تصدیع کشیدید و مشقت دیدید هرچه شکوه کنید و آه و ناله نمائید حق دارید. نمی‌توان اغماض کرد به طوری که آن فرزند در این چهار سال متحمل زحمت و تصدیعات شد تا به حال هیچ یک از نوکران و خدّام اعاب علیّه پادشاهی به این طریق متحمل نشده‌اند و در نفس‌الامر به طور شایسته و شأن دولت علیّه راه رفت و از عهده خدمت برآمد. روی آن فرزند سفید و نمک شاهنشاه دین پناه روح‌العالمین فداه به آن فرزند حلال باشد. انشاءالله بعد از این که معاودت به دیار اقدس پادشاهی صان‌اللّه شوکته عن‌التناهی کردید، رحم و اشفاق مهر اشراق ملوکانه رفع همه اسقام کسالت‌های آن فرزند را خواهد نمود و اجر زحمات آن فرزند عاید خواهد شد. اما درباب معاودت خود که اصراری کرده بودید، انشاءاللّه سعی کرده قرارنامه را به مهر و مبادله رسانیده، دیگر کاری نیست که باعث معطلی آن فرزند باشد بماند، ولی اگر نخواهید پیش از مبادله قرارنامه معاودت کنید در آن جا کار معوق می‌ماند و جز آن فرزند کسی نیست که در این امورات مستحضر باشد برود کار معاهده را انجام نماید این که تشویش از ناخوشی خود کرده بودید به هیچ وجه مشوش نباشید که دعای من آن فرزند را حفظ خواهد نمود [و] رفع ناخوشیهای آن فرزند را خواهد کرد، والسلام.*

توضیحات:

۱. در متن سند به بیماری میرزاتقی‌خان شده است. از آنجا که میرزاتقی‌خان اوایل سال ۱۲۶۲ دچار بیماری سختی شده بود، احتمالاً این نامه در همان سال نوشته شده است.

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲، ص ۲۴.



سرکار کامکار جناب اجل [illegible] مد ظله العالی میرزا [illegible] خان [illegible]

[illegible] فرزندا مهربانا در [illegible] شکوه و شکایت [illegible] اراضی [illegible]

[illegible] سال [illegible] متحمل [illegible]

[illegible] بکمال [illegible] متحمل [illegible]

[illegible] معاودت [illegible]

[illegible] معاودت [illegible]

[illegible] معاودت [illegible]

[illegible]

[illegible]

سند شماره ۲۸

تاریخ: ربیع‌الاول ۱۲۶۲

سواد نامه وزرای مختار روس و انگلیس به میرزا آقاسی

سواد کاغذی است که وزرای مختار به جناب حاجی [نوشته‌اند.]

دست خط گذارندگان ذیل وزراء مختار دو دولت واسطه لازم می‌دانند که درباب اهمال دولت علیّه ایران در صدور احکام برای وکیل این دولت جاوید مدت مقیم ارزنةالروم تعجب خود را ظاهر نمایند. شانزده روز می‌شود که سواد قرارداد طرفین را به نظر اولیای دولت علیّه رسانیده‌اند و امنای دولت علیّه قبول نموده و در جواب آن از جانب وزیر دول خارجه به دو سفارت شرحی رسید و ضمناً از جانب سنی‌الجوانب اعلیحضرت قدرقدرت پادشاهی بالصراحه اعلام نمود که قرارداد مزبور را قبول فرموده‌اند چون هیچ سببی نیست که پیش از این اهمال در [این] باب روی دهد این دست‌خط گذارندگا [ن] نظر لَباب مجرده دو دولت بزرگ واسطه دارند تا این امر که این قدر مایه زحمت و صرف اوقات شده به خوبی انجام پذیرد. بر خود واجب می‌دانند که در صدور فوری احکام مزبوره اصرار و ابرام نمایند.

تحریراً فی شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۶۲.*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲.

[illegible]

سند شماره ۲۹

تاریخ: ۲۰ ربیع‌الاول ۱۲۶۲

نامه وزیر مختار انگلیس به میرزاآقاسی

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا، معظما؛

شرحی که در جواب کاغذ دوستدار نگارش و ضمناً مرقوم رفته بود که جواب فقرات را شفاهاً سرکار اعلیحضرت پادشاهی به خود دوستدار فرموده‌اند کاغذی که دیروز دوستدار به جناب سامی نوشته بود یکی درباب دو فقره دیگر که فقره دهم و یازدهم باشد که می‌بایست خود آن جناب مشفق معظم به عالیجاه میرزاتقی‌خان بنویسند، بود و یکی درباب تغییردادن کلمه الفاظ در دستورالعمل که باعث معطلی وکلای طرفین در ارزنةالروم بود و آن روز که شرفیات حضور مبارک گردید در هیچ یک از این فقرات عرضی نکرد و جوابی نشنید، آن روز شرفیانی عرضی که کرد و قبول فرمودند، عموماً در باب فرستادن دستورالعمل بود و بس نه در این فقرات این بود که به خود آن جناب مشفق معظم زحمت داد و در هر یک از آنها شرحی نوشت و خواهشی کرد که بعد از آن که فقرات عمده گذشته است این فقرات را نیز بگذرانند، حال نیز از آن جناب متوقع است که چون در این فقرات از سرکار اعلیحضرت پادشاهی جوابی نشنیده است، جوابی که مقرون به انجاح و انجام کار باشد مرقوم دارند، امید هست که از قراری که نوشته است قبول و جواب را به زودی به دوستدار برسانند. چون لازم بود، اظهار داشت.

تحریراً ۲۰ شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۲۶۲

[حاشیه سند] و هم مرقوم رفته بود که کاغذی که ارسال داشته بودند درباب حاجی نورالدین رسید، دوستدار هرچند فکر می‌کند حال شش ماه است که در باب حاجی نورالدین به آن جناب شرحی ننوشته و زحمتی نداده؛ ندانست که از چه رو و منظور از نگارش آن چه بوده است.*

[مهر پشت سند] جستن شیل

---

*. صندوق ۵ پوشه ۴۳.

جناب جلالت و نبالت مآب وکفایت نصاب اجل اکرم عالی [illegible]

شرحی که دیروز در جواب کاغذ بنده [illegible] نگارش و ضمنا مرقوم رفته بود در جواب عبارت تلگراف اعلیحضرت [illegible] حکومت [illegible]

کاغذی که دیروز [illegible] به جناب سامی نوشته بودم [illegible] جواب چند فقره دیگر [illegible] لازم باشد در باب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۱۳۰۳

[illegible]

[illegible]

سند شماره ۳۰

تاریخ: [ربیع‌الثانی ۱۲۶۲]۱

سواد فرمان محمدشاه به میرزاتقی‌خان

آنکه عالیجاه رفیع جایگاه، عزّت و فخامت همراه، مجدت و مناعت انتباه، کفالت و کفایت اکتناه فطانت و فراست پناه، اخلاص و ارادت آگاه، مقرّب الخاقان، میرزاتقی وزیر نظام به جلائل توجّهات خاطر مرحمت آیات اقدس همایون شاهنشاهی مفتخر و مباهی بوده بداند که:

چون مجلس مکالمه ارزنةالروم بسیار به طول انجامیده بود، در این وقت سفرای دولتین بهیّتین انگلیس و روس نظر به کمال و خیرخواهی و مصلحت‌جویی که نسبت بر دولتین علیّتین روم و ایران دارند تکلیف و خواهش دوستانه به اولیای دولت قاهره کردند که، در باب حقوق ثابته این دولت بهیّه از دولت علیّه روم دارند که عالیجاه را مأمور فرمائیم که آن حقوق را از قرار فقراتی که در طیّ این همایون منشور قضا دستور مندرج است معمول دارد.

فقرهٔ اوّل:

هرچند شاهزادگان فراری موافق عهدنامه باید رد شوند ولی به توسط اولیای دولتین فخیمتین قرار به این شد که اگر دولت علیّه عثمانی متعهّد منع فساد آنها شود دولت بهیّه ایران راضی خواهد شد که آنها از سرحدّ دور و به وسط مملکت روم فرستاده شوند و اگر متعهّد نشوند بعد از اذن از دولتین فخیمتین خود ضامن شوند والاّ امنای دولت بهیّهٔ ایران راضی نخواهند شد تا فراریان رد نشوند.

فقرهٔ دوّم:

مأمورین جانبین حدود طرفین را مشخص خواهند کرد.

فقرهٔ سوّم:

ایلات و اکراد و سایر عشایر که به خاک یکدیگر رفته‌اند باید از طرفین رد شود و به جهت اتمام این امر باید اسامی ایلات طرفین مشخّص شود.

فقرهٔ چهارم:

عهدنامهٔ تجارتی و قرار گمرک که در زمان سابق مقرّر شده به اعتبار قدیم باقی خواهد ماند و تجّار دولت بهیّهٔ ایران گمرک مال‌التجاره خود را از قرار صدوچهار باید از نرخ بازار یا نقداً یا جنساً موافق دلخواه خود بدهند.

فقرهٔ پنجم:

دولت بهیّهٔ ایران با وجود اینکه سلیمانیه را ملک خود می‌داند راضی است که از عهدهٔ خسارتی که محمودپاشا به کسان دولت علیّهٔ عثمانی رسانیده باشد برآید. و چنانچه دولت علیّه عثمانی بنابر صلاحدید دو دولت قوی مکنت از مطالبهٔ خسارتی که به کسان آن دولت رسانیده باشد دست بردارد دولت بهیّهٔ ایران هم با وجود اینکه خسارت اردوی والی، کلی و خیلی زیادتر از خسارت آن طرف است از مطالبه آن دست خواهید برداشت. و چون دولت بهیّهٔ ایران بنابر خواهش دو دولت قوی شوکت والی کردستان را احضار و به این واسطه دولت علیّهٔ عثمانی را رضایت و کفایت درباب خصومت محمودپاشا نسبت به کسان آن دولت داده از این قرار باید جمیع حرفها درخصوص سلیمانیه طیّ و رفع گردد.

فقرهٔ ششم:

درباب خسارت محمرّه و میرروانذوز اورامان و سایر، و همچنین وجه عاریه ییلاقیه، دولت بهیّه ایران راضی می‌باشند که دولت علیّه عثمانیه ملکاً یا به چیز دیگر که به قدر همان ضرری که رسانیده‌اند عوض بدهد.

فقرهٔ هفتم:

دولت بهیّهٔ ایران مضایقه ندارد جمیع فقرات که در مجلس ارزنةالروم فصل دهند همه را به قرارنامهٔ علی حده که یا صورت شرط نامه و یا صورت عهدنامه داشته باشد درآید.

فقرهٔ هشتم:

درباب مقدمهٔ قضیهٔ هائلهٔ کربلای معلّی که برای اهالی ایران زیادتر از این مطلبی نمی‌باشد امنای دولت بهیّه ایرانیّه مطالبه حقوق عظیمه را خواهندکرد و اگر قفل کربلای معلّی در صیانت‌داران

اولیای دولت علیّه عثمانیه به امنای دولت بهیّه ایران صورت نگرفت همهٔ این مکالمات که در طیّ این همایون منشور مندرج است از درجهٔ اعتبار ساقط خواهد شد می‌باید آن عالیجاه این همایون منشور قضا دستور را اختیار تامه خود دانسته به نحوی که به آن عالیجاه امر و مقرّر شده است معمول و مرتّب دارد و در عهد شناسد.*

توضیحات:

۱. در دو سند قبلی به ضرورت صدور احکام یا اختیارنامه از سوی محمدشاه برای میرزاتقی‌خان اشاره رفته بود. لذا به احتمال قوی این فرمان در پاسخ به درخواست‌های وزرای مختار روس و انگلیس در اواخر ربیع‌الثانی ۱۲۶۲ صادر شده است.

* . بایگانی نخست وزیری استانبول، مسائل مهمه ایران، شماره ۱۰۷۹ به نقل از محمدرضا نصیری: پیشین، ج ۲، صفحه ۲۱۳-۲۱۴.

لازم بذکر است که اصل و سواد این سند در بین اسناد وزارت امورخارجه بدست نیامد لذا از منبع فوق نقل گردید. همچنین تصویر سند در کتاب مزبور نیز نیامده است.

سند شماره ۳۱

تاریخ: [احتمالاً رجب ۱۲۶۲][1]

سواد فرمان محمدشاه به میرزاتقی‌خان[2]

عالیجاه مقرّب الخاقان میرزاتقی وزیر نظام بداند که:

در این وقت، آن عالیجاه را در مجلس مکالمه ارزنة‌الروم به وکالت مطلقه سرافراز و مأذون فرمودیم که مطابق دستورالعملی که به آن عالیجاه وارد شده است بدون تخلّف یک کلمه در انجام آن اهتمام به عمل آمده و عهدنامهٔ جدید نوشته مهر نماید که از قراری که بعینه در دستورالعمل مرقوم و از جانب سنی الجوانب همایون ما حکم صادر گشته است و آن عالیجاه با وکیل دولت علیّه روم[2] به اتمام رساند در حضرت همایون ما پذیرفته و به عزّ قبول و امضاء مقرون خواهد شد. مشروط به اینکه به قدر سَرِ مویی خلاف مضامین دستورالعملی که نزد آن عالیجاه فرستاده شده است نباشد. **اگر به قدر سَرِ مویی مخالف دستورالعمل مرقومه باشد پذیرفته و امضاء نخواهد شد.***

توضیحات:

۱. با توجه به مضمون و محتوی چند سند قبل به نظر می‌رسد، این سند که موضوع آن نگارش عهدنامه جدید براساس دستورالعمل پیشین است، در ربیع‌الثانی ۱۲۶۲ و متعاقب فرمان قبل صادر شده باشد.

۲. عنوان نامه به ترکی چنین است: «ایران سفیرینه رخصت نامه شهامتلو ایران شاهی خضرتلری جانبندن تواردیدن منشورکَ عیندر.»

---

* . بایگانی نخست وزیری استانبول، مسائل مهمه ایران، شماره ۱۰۷۹، برگ ۱۶. به نقل از محمدرضا نصیری: پیشین، ج ۲، صفحه ۲۱۲، تصویر سند در صفحه ۳۱۹.

[illegible]

عالیجاه مقرب الخاقان میرزا تقی وزیر نظام بداند که در این وقت آن عالیجاه را در مجلس مکالمه ارزنة الروم

بوکالت مطلقه سرافراز و مأذون فرمودیم که مطابق دستور العملی که بآن عالیجاه داده شده است

بدون تخلف یک کلمه در انجام آن اهتمام بعمل آورده و عهدنامه جدید نوشته مهر نماید

که از قراری که بعینه در دستور العمل مرقوم و از جانب سنی الجوانب همایون ما حکم صادر

گشته است و آن عالیجاه با وکیل دولت علیه روم باتمام رساند و حضرت همایون ما پذیرفته

و بعز قبول و امضا مقرون خواهد شد مشروط باینکه بقدر سر موئی خلاف مضامین

دستور العملی که نزد آن عالیجاه فرستاده شده است نباشد. اگر بقدر سر موئی مخالف دستور العمل

مرقومه باشد پذیرفته و امضا نخواهد شد

سند شماره ۳۲

تاریخ: ربیع‌الثانی ۱۲۶۲

نامه میرزا آقاسی به وزیر مختار انگلیس

جناب جلالت و نبالت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا معظما؛

مراسله آن جناب واصل و صورت دو فقره تازه که مجدداً به فکر آن جناب رسیده، مرقوم داشته بود که علاوه فقرات تسعه قرارنامه گذشته که ممهور شود و بنظر آن جناب چنین رسیده است که نوشتن دو فصل مزبور باعث راحت و زود گذرانیدن امر ارزنةالروم است. جواب این است که اولاً: از حسن انصاف و دلسوزی و مراتب خیراندیشی آن جناب بسیار غریب است که بعد از دو سال گفتگو و زحمات بسیار که به اینجا کشیده چه فرمودند و تکلیف دوستانه کردند. اولیای دولت قاهره به محض پاس حرمت دوستی مهر دولت بهیّه انگلیس قبول کردند تا مطالب منحصر به نُه فقره قرار گرفت. نوشتند و دادند تا کار به اتمام رسید که بلکه رفع غایلات بشود و زیاد از این زحمت به دولت دوست نشود و ثانیاً: اولیای دولت قاهره در آخرین مجلس بعد از اتمام و انجام کار فوراً به آن جناب نوشته دوستی دادند و خاطرنشان کردند و عذر خواستند که دیگر من بعد به هیچ وجه من‌الوجوه از این مقوله افزودن یا کاستن در قرارداد گذشته حرفی به میان نیاید. باز آن جناب تکلیف می‌فرمایند که علاوه بر فقرات تسعه دو فقره دیگر علاوه شود. اولاً مرقوم داشته‌اند که دو دولت اسلام متعهد می‌شوند که از طرفین وکلا مأمور نمایند که بعد از امضای این قرارنامه عهدنامه کامل ببندند. همین فقرات که در همان قرارنامه قید شده است دوباره بجز این که جمله معترضه می‌شود چه فایده دارد. دیگر فرموده‌اند فقره یازدهمی به این مضمون قرار بدهند که طرفین عهدنامه فوق را ممضی داشته مبادله امضاء را در عرض دو ماه یا کمتر به طرف یکدیگر رد [و] بدل نمایند. اینهم لزومی ندارد زیرا که اگر فی‌الحقیقه دو دولت واسطه در مقام خیراندیشی و دلسوزی چنانکه هستند، اهتمام می‌فرمایند که امر، زود بگذرد این حکم را بالصراحه باید به وکیل خود مرقوم بفرمایند که در دو ماه یا کمتر کار را بگذرانند. اولیای دولت قاهره نیز بدیهی است که به وکیل خود همین حکم را خواهند

فرمود دیگر چه لازم است که این فقره جزء فقرات تسعه گذشته دولتی بشود باز هم دوستدار در این باب عذرخواه است که دیگر زیاد از این تأخیر انجام مطالب این دولت علیّه که بحمدالله تعالی از حُسن انصاف و زحمات و توسط آن جناب گذشته راضی شوند در داخل کردن این دو فقره و رد [یا] قبول او دوستدار به هیچ وجه اختیاری نیست. رأی، رأی مبارک اقدس همایون شهریاری است چون لازم بود، زحمت داد.

تحریراً فی شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۲۶۲.*

---

*. صندوق ۵ پوشه ۴۳.





جناب جلالت و نبالت نصاب اجل عالی آقای [illegible] السلطنه

مراسله جنابعالی که در [illegible] فقره تازه در مجلس [illegible] مرقوم داشته بودید علاوه بر فقرات سابقه [illegible]

وسط آنجناب [illegible] است در [illegible] باعث راحت و [illegible] که [illegible] جناب [illegible] اولیاء

از حسن عواطف و دلسوزی [illegible] خیرخواهی آنجناب [illegible] است در [illegible] که [illegible] وزارت [illegible] مقصد

ولکن [illegible] که [illegible] دولت قاهره [illegible] دولت [illegible] قبول [illegible] مطالب [illegible] فقره قرارداد

نشده و دفعه ما کار باتمام رسیده بلکه رفع [illegible] در این مدت [illegible] دولت [illegible]

اولیای دولت قاهره در آخرین مجلس قرار اتمام و [illegible] کار [illegible] آنجناب [illegible] داده و [illegible] که [illegible] شده

که دیگر [illegible] بهیچوجه [illegible] افزودن یا کاستن در قرارداد که [illegible] با آنجناب [illegible]

علاوه بر فقرات سابقه [illegible] فقره دیگر علاوه شود اولاً مرقوم داشته اند [illegible] دولت اسلام [illegible]

از طرفین وکلا مأمور [illegible] قرارنامه [illegible] همان عبارات که در

قرارنامه قید شده است دوباره [illegible] جمله معترضه [illegible] چه فایده دارد دیگر [illegible] فقره [illegible]

[illegible] قرار [illegible] طرفین [illegible] مبادله [illegible] در عرض [illegible] ماه [illegible]

[illegible] دولت [illegible] در مقام [illegible]

[illegible] که [illegible] که در [illegible] ماه [illegible]

[illegible] اولیای دولت قاهره [illegible] که [illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible] که [illegible] از حسن [illegible] آنجناب [illegible]

[illegible]

سند شماره ۳۳

تاریخ: ۵ جمادی‌الثانی ۱۲۶۲

سواد عهدنامه ارزنة‌الروم

فقرهٔ اول: دو دولت اسلام بر خود قرار خواهند داد که ادعای جمیع مطالبات نقدیّه باستثناء فقرهٔ چهارم متروک باشد.

فقرهٔ دوم[۱]: شهر و بندر محمره و جزیرة‌الخضر و لنگرگاه و هم از ساحل شرقی شط العرب که ایلات متعلّقهٔ معروفهٔ ایران در تصرف دارند به ملکیّت در تصرف دولت علیّهٔ ایران باید باشد و به علاوه اینها حق خواهند داشت که با کشتی‌های خود به آزادی تمام از دهنهٔ شط العرب الی موضع الحاق حدود طرفین در روی آب آمد و رفت نمایند.

سلیمانیه با توابعی که بعد مهندسین مشخص خواهند کرد به ملکیّت در تصرف دولت علیّه روم باید باشد. در باب زهاب دولت علیّهٔ ایران قرار می‌دهد که کل کوهستانات آن را معدره کرند که در سمت شرقی آن واقع است در تصرف خود، و جلگهٔ زهاب را که در سمت غربی واقع است به دولت علیّهٔ روم واگذار نماید.

فقرهٔ سوم[۲]: طرفین متعهد می‌شوند که سایر ادعای ملکیه را موقوف نموده بلا تأمل وکلا ومهندسین را مأمور نمایند که رفته حدود مابین مملکتین را مطابق فقرهٔ مسطورهٔ فوق مشخص نمایند.

فقرهٔ چهارم: طرفین قرار خواهند داد خساراتی که بعد از قبول قرارداد دو دولت بزرگ واسطه که در شهر جمادی‌الاول سنهٔ ۱۲۶۱ سمت نگارش یافت به طرفین رو داده است، با وجه عادیهٔ ییلاقیه از سالی که تأخیر افتاده از روی عدالت فیصل و احقاق آنها به اجلاس وکلا و طرفین خواهد بود که بلاتأمل بخصوصه تعیین نمایند.

فقرهٔ پنجم: دولت علیّهٔ روم محل توقف شاهزادگان فراری ایران را بُرسا قرار خواهد داد، بی‌آنکه اذن غیبت به آنها بدهد و گذارد که مراودهٔ مخفیه با ایران داشته باشند و درباب سایر فراری

قرار خواهد داد که عموماً را ردّ نمایند.

فقرهٔ ششم: تجار دولت علیّهٔ ایران رسوم گمرک مال‌التجارهٔ خود را از قرار قیمت حقیقی آن ولایت نقداً یا جنساً به طوری که در عهدنامهٔ ارزنةالروم که در سال هزارودویست‌وسی‌وهشت در فقرهٔ تجارتیه سمت انعقاد یافته کارسازی نمایند و سوای آنچه در عهدنامهٔ مزبور مسطور است چیزی از آنها مطالبه ننمایند.

فقرهٔ هفتم: دولت علیّهٔ روم موافق عهدنامه‌های سابقه امتیازات لازمه در حق زوار ایرانی معمول خواهد داشت تا بتوانند در کمال امنیت و بدون هیچ اجحاف به زیارت اماکن مقدسه که در خاک روم است بروند. علاوه بر آن دولت علیّهٔ روم به جهت استحکام اساس دوستی و یکجهتی که لازم است فی‌مابین دولتین علیّتین و رعایای طرفین برقرار باشد در فکر اصلح قراری خواهد بود که سایر رعایای دولت علیّهٔ ایران هم چنانچه زوار ایران در جمیع امتیازات محفوظه بهره‌ور بوده از هر نوع ظلم و تعدی محفوظ باشند.

دولت علیهٔ روم بالیوزهایی که اعلحضرت شاهنشاه ایران به مملکت روم یعنی هرجا که محل تجارت و ضرور حمایت به تجار و رعایای ایران باشد مأمور نمایند، بغیر از مکّه معظمه و مدینهٔ مشرفه قبول خواهند نمود و در حقّ بالیوزهای مزبور هر نوع امتیازاتی که شایستهٔ منصب دولتی آنها باشد و در حق بالیوزهای سایر دول متحابّه معمول است، جاری خواهد بود و از این طرف هم دولت علیّهٔ ایران به بالیوزهایی که اعلحضرت سلطان در ممالک ایران یعنی هرجاکه اقامت آنها لازم باشد مأمور نمایند با امتیازاتی که بالیوزهای سایر دول خارجه در ایران محفوظند در حق آنها جاری و معمول خواهد بود، و همچنین به رعایا و تجار روم که به ایران بیایند حمایتی که در عهدنامه‌های سابقه مسطور است، نسبت به آنها به عمل خواهد آمد و از هر نوع بی‌حرمتی و اذیت چه در کار تجارت چه در سایر مواد محفوظ خواهند بود.

فقرهٔ هشتم: دولتین علیتین اسلام به همدیگر تعهد می‌نمایند که به جهت رفع سرقت ایلات سرحدنشین دو دولت تدبیرات حراست به کار اندازند و به همین خصوص در سرحدات قرار کشیکخانه‌ها خواهند گذارد و دولتین علیتین از عهدهٔ هر تاخت و تازی که به خاک یکدیگر دهد

بر آیند، ایلاتی که متنازع فیه نیستند روبه دولت خود خواهند کرد که تعلق به آن دولت دارد. امّا درباب ایلاتی که متنازع فیه می‌باشند و صاحب آنها مشخص نیست، انتخاب محل توقف خود را به خود آنها واگذار می‌نمایند که یک دفعه مسکن بعد خود را معین نمایند.

فقرهٔ نهم: جمیع فصول عهدنامه ارزنةالروم که بخصوصه در این صفحه تغییر داده نشده کلمه به کلمه در عهدنامهٔ تازه مندرج خواهد شد، و فیمابین دولتین علیتین ایران و روم قرار بر این یافت که بعد از آنکه فقرات نُه گانه فوق مبادله شد و به امضای حضرتین رسید در دو ماه یا کمتر به طرفین ردّ و بدل خواهد شد.

تحریراً فی ۵ جمادی‌الثانی سنه ۱۲۶۲.*

توضیحات:

۱. در اصل: دویم

۲. « « : سیم

* . صندوق ۵ پوشه ۴۳. این سند در جلد اول «گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی» از صفحه ۳۲۳ تا ۳۲۵ آمده است.

فقره اول دولتین اسلام بر وجه قرار خواهند داد که ادعاهای جسیمه سلطانیه نقدیه با استثنای فقره چهارم متروک شود فقره دوم شهر و بندر محمره و جزیره الخضر

و لنگرگاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب یسار شط العرب را که در تصرف عشایر متعلقه معروفه ایران در تصرف دولت علیه ایران باشد و علاوه بر این حق خواهد داشت

که کشتیهای ایران به آزادی تمام از محل مصب شط العرب الی موضع الحاق حدود طرفین در رودخانه آمد و شد نمایند سلیمانیه با لواحق و ولایت منقسمه آن متعلق خواهد بود بملک

دولت علیه روم باشد و در باب زهاب دولت علیه ایران قرار میدهد که کل اراضی آن را از دره کرند و در تصرف خود

و جمله زهاب را در سمت غربی واقعست بدولت علیه روم واگذار نماید فقره سوم طرفین متعهد میشوند که سایر ادعاهای ملکیه را موقوف نموده مأمورین و وکلا از طرفین

مأمور نمایند که رشته حدود مابین مملکتین را مطابق فقره مسطوره فوق مشخص نمایند فقره چهارم طرفین قرار خواهند داد که بعد از قبول قرارداد

و اعلام و در سر حد ادعای ... از طرفین روی داده است ... و سالفه از سنه ... تا حال حقوق اینها

با اجلاس و وکلای طرفین خواهد بود و با تمام آنها بعمل نمایند فقره پنجم دولت علیه روم ... شاهزادگان فراری ایران را در بروسه اقامت خواهد داد

به اینکه از آن جهت با اینها ... و دیگر ... مراوده مخفیه با ایران داشته باشند و در باب سایر فراریان قرار خواهد داد ... فقره ششم

رسوم گمرک مال التجاره خود را از قرار قیمت حقیقی ... نقدا ... بطوریکه در عهدنامه ارزنه الروم ... در باب ... اوست در فقره

سمت انعقاد یافته کارسازی نمایند و سوای آنچه در عهدنامه مزبور مسطور است چیزی از اینها مطالبه ننمایند فقره هفتم دولت علیه روم برای ... عهدنامه

امتیازات لازمه در حق زوار ایران معمول خواهد داشت تا بتوانند در کمال امنیت و بدون هیچ اجحاف به زیارت اماکن مقدسه در ممالک روم

بروند علاوه بر آن دولت علیه روم بجهت استحکام روابط دوستی و محبتی که لازم است مابین دولتین علیتین و رعایای طرفین برقرار باشد در ممالک ...

و سایر رعایای دولت علیه ایران هم چنانچه زوار ایران از ... محفوظ باشند و بهره ... از هر نوع ظلم و تعدی محفوظ باشند دولت علیه روم ... که اعلیحضرت

شاهنشاه ایران بمملکت روم یعنی ... برای محل تجارت و ... حمایت تجار و رعایای ایران مأمور نماید بغیر از مکه معظمه و مدینه منوره قبول خواهد کرد

و در حق مأمورهای مزبور ... هر نوع امتیازاتی که ... شایسته منصب ... اینها ... و در حق مأمورهای سایر دول متحابه معمولست جاری خواهد بود و از طرف اعلیحضرت

سایر ... که اعلیحضرت سلطان در ممالک ایران ... از جانب ... اهالی ... مأمور نماید با امتیازاتی که با مأمورهای سایر دول ... در ایران ... درحق

اینها جاری و معمول خواهد بود و همچنین ... رعایا و تجار روم در ایران ... و در عهدنامه های سابقه مسطور است نسبت به اینها ... خواهد داد

چه در کار تجارت چه در سایر موارد محفوظ خواهد بود فقره هشتم دولتین علیتین اسلام بهمدیگر تعهد مینمایند که بجهت رفع و قطع ایلات سرحدیه

حرکات ... و ... در سرحدات قرارگاهها خواهند گذارد و دولتین علیتین از عهده ... آن ... که بر ... ایلاتیکه متنازع فیه

نیستند رو بدولت خود خواهند کرد ... اما درباب ایلاتیکه متنازع فیه میباشند و صاحب اینها مشخص نیست ... خود

واگذار نمایند ... سکنی ... خود ... فقره نهم جمیع فصول عهدنامه ارزنه الروم ... و ... در ... که ... در عهدنامه

حاضره ... و ... ایران اسلام ... قرار ... گانه فوق مبادله شد و ... در ... مبادله خواهد

تحریراً فی ۱۶ شهر جمادی الثانیه ۱۲۶۳

سند شماره ۳۴

تاریخ: ۷ رجب ۱۲۶۲

سواد فرمان محمدشاه به میرزاتقی‌خان

سواد مسوّده مبارک به عالیجاه میرزاتقی‌خان وزیر نظام.

عالیجاه، مقرب الخاقان میرزاتقی‌خان وزیر نظام بداند که در این اوقات جنابان جلالتمابان عمدةالسفرا المسحیه وزرای مختار دولتین فخیمتین واسطه به اولیای دولت قاهره اظهار کرده بود از وصول فقرات تسعه ارزنةالروم، وکیل دولت علیّه عثمانی خواهش به تغییر پاره الفاظ که به هیچ وجه ضرری برای دولت علیّه ندارد کرده است که صورت آنها باسواد القاب همایون و القاب اعلیحضرت سلطان که باید در پایه قرارنامه نوشته شود به نظر اقدس همایون پادشاهی رسید، می‌باید آن عالیجاه چه در باب الفاظ چه در باب القاب مسطوری که جناب جلالتماب حجةاسلام والمسلمین ناصرالملة والدین حاجی میرزاآقاسی سلمه اللّه تعالی به عالیجاه نوشته‌اند از آن قرار معمول داشته از قرار کاغذ جناب معظم الیه فقرات تسعه قرارنامه بین الدولتین را به مهر رسانیده با وکیل دولت علیّه روم مبادله کرده و معاودت به دیار اقدس پادشاهی نماید. باید آن عالیجاه از قرار مقرر معمول و از حکم قضا شمول تخلف و عدول جایز ندارند و در عهده شناسند.

تحریراً فی شهر رجب المرجب ۱۲۶۲.*

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲، برگ 23b.

سواد دستخط مبارک که به میرزا تقی خان وزیر نظام [illegible] سفارت آقای میرزا تقی خان وزیر نظام [illegible]

که در این اوقات جناب جلالتمآب عمدة الامراء المسیحیه وزیر امور خارجه دولت فخیمه [illegible] اظهار [illegible] از [illegible]

الدوم وکیل [illegible] القاب که [illegible] صورت [illegible] القاب [illegible]

[illegible]

[illegible] به نظر اقدس همایون [illegible] رسیده [illegible] در باب الفاظ [illegible] در باب القاب [illegible] جلالتمآب

[illegible] الملة [illegible] الذی [illegible] نوشته [illegible] از قرار معمول [illegible] از قرار [illegible] معظم [illegible]

[illegible] الدین [illegible] وکیل [illegible] اقدس [illegible] از قرار [illegible]

[illegible] تحریراً [illegible] ۱۲۶۲

سند شماره ۳۵

تاریخ: [احتمالاً رجب ۱۲۶۲][1]

سواد فرمان محمدشاه به میرزاتقی‌خان

سوال ملفوفه فرمان مبارک به افتخار عالیجاه میرزاتقی‌خان وزیر نظام به این شرح:

عالیجاه، مقرب الخاقان میرزاتقی‌خان وزیر نظام که در این اوقات جنابان جلالت و نبالت نصابان مجدت و فخامت انتباهان عمدةالسفراء المسیحه پرنس دولغاورکی و کلنل[2] شیل وزرای مختار دولتین فخیمتین روس و انگلیس به اولیای دولت قاهره اظهار داشتند بعد از وصول فقرات تسعه به ارزنةالروم، وکیل دولت علیّه عثمانی خواهش به تغییر پاره الفاظ از فقرات مزبور را کرده است که سواد آنها با سواد القاب همایون و القاب اعلیحضرت سلطان که باید در دیباچه قرارنامه نوشته شود به نظر اقدس شاهنشاهی رسد از این نظر که مسطور به نظر معدلت اثر ملوکانه آن است که این امر زیاده از این در عهدهٔ تعویق و تراخی نماند به آن عالیجاه امر و مقرر می‌فرمائیم که چه درباب الفاظ چه در باب القاب به طوری که جناب جلالتمآب غوث‌الاسلام والمسلمین ناصرالدین حاجی میرزا میرزاآقاسی سلمه اللّه تعالی به آن عالیجاه نوشته‌اند از آن قرار معمول داشته از قرار کاغذ جناب معظم‌الیه فقرات تسعه قرارنامه بین‌الدولتین را به مهر رسانیده با وکیل دولت علیّه عثمانی مبادله کرده معاودت به دربار اقدس همایون پادشاهی نماید باید آن عالیجاه از قرار مقرر معمول و از حکم قضا شمول تخلف و عدول جایز ندارند.*

توضیحات:

۱. مضمون این سند با اندکی تفاوت با سند قبلی یکی است از این رو تاریخ هر دو سند می‌بایست رجب ۱۲۶۲ باشد.

۲. در اصل: قولونل

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲، ص ۵۵.

[illegible] مبارک قبول عالی نیز [illegible] در نظام [illegible] معروض [illegible] نیز [illegible] در نظام [illegible] در [illegible] حال

[illegible] عهد [illegible] سفرای انگلیس و روس [illegible] شد [illegible] شمار [illegible] [illegible]

[illegible] حصول قرار [illegible] دولت علیه عثمانی خواهش [illegible] طرز [illegible] که سواد آنها [illegible]

[illegible] قرارنامه [illegible] نوشته شود [illegible] سطور [illegible] مملکت [illegible] درباره [illegible]

[illegible] نامه [illegible] الفاظ [illegible] الفاظ [illegible] سطری [illegible] شوکت [illegible] السلطنه [illegible]

[illegible] سلمه الله [illegible] نوشته اند [illegible] معمول [illegible] قرار [illegible] قرارنامه [illegible]

[illegible] دولت علیه عثمانی مبادله کرده [illegible] معمول [illegible]

سند شماره ۳۶

تاریخ: ۲۶ رجب [۱۲۶۲][1]

سواد نامه میرزاتقی‌خان به سفرای دول واسطه

سواد کاغذی که این غلام به مأمورین متوسطین نوشته؛ به تاریخ ۲۶ شهر رجب.

عالیجاها، بلند جایگاها، فطانت و درایت همراها، مکرم دوستا، مهربانا؛

روز یکشنبه ۲۴ شهر رجب چنانکه خود شنیدید و معاینه بچشم دیدید، ویس کونسولهای مقیم این شهر و سایر مسافرین و غرباء که در این شهر بودند همه دیدند و شنیدند که بدون نیم ساعت خبرداری سابق، دوستدار بی‌جهت و سبب و بدون دست‌آویزی حسابی از راه لجاج و محض افتضاح دوستدار، مُسلّح و مُکمّل پنج، شش هزار نفر غفلتاً با شمشیر و تفنگ و طپانچه بر سر منزل دوستدار ریختند و خانه را از بام و در خراب کردند و از هر طرف آتش زدند و پنج شش ساعت متوالی هجوم آورده با تفنگ و اسلحه بر سر دوستدار و آدمهایم ریختند و تا توانستند سعی کردند که خودم و آدمهایی که همراه داشتم همگی را به قتل رسانند و به هیچ وجه در سعی و قصد کشتن دوستدار و آدمهایم و یغماکردن مال کوتاهی نکردند و یک نفر نویسنده دوستدار میرزاحسن نام را در خارج آن خانه بدست آورده پارچه، پارچه کردند و یک نفر احمد نام دیگر را از همانجا کشیده و در پیش روی پاشایان نظام پارچه، پارچه کردند و چند نفر دیگر که همه حاضرند زخمدار کردند و آن چه هم از نقد و جنس و اسباب و اشیاء که به دست آمد بردند به خودم هم پیش از رسیدن پاشایان نظام و بعد از آن در حضور آنها از انداختن گلوله و زدن سنگ و شمشیر کوتاهی نکردند و بالاخره بعد از چند ساعت این گونه گیرودار که این آشوب جزئی تسکین یافت شما خود به آنجا آمده جمیع اوضاع زخمدارها و کشته‌ها و خانهٔ خراب و آتش‌زده و یغمای اموال و اشیاء را مفصلاً دیدید که حاجت به تفصیل نیست بعد از آن به صوابدید شما قرار شد که دوستدار و آدمهایم آمده در چادر عالیجاه بحری پاشای فریق، یک دو روزی نشسته تا چنانکه شایستهٔ شأن مأموریت دولت ابدمدت علیّه ایران است با هر که لازم باشد قرار اجرای تنبیه و سیاست مرتکبین این تقصیر عظیم و ردّ اموال

منهوبه را بدهید و قرار امنیت و امکان اقامَت بعد را هم بگذارید تا امروز که روز سوم[۲] است نه یک نفر مقصر گرفته شده و نه قراری معلوم شده و نه کسی سیاستی شده و نه امنیتی از برای دوستدار حاصل است و نه آرامی هست. چون انعقاد این مجلس ارزنةالروم و اقامت دوستدار در این ولایت معلوم است با امر اولیای دولت ابد مدت علیّه ایران و صوابدید دو دولت بزرگ واسطه است و شما هم که دو مأمور متوسط هستید برای انجام این مطلب در اینجا توقف دارید در این صورت دوستدار را می‌رسد که بهر جهت از شما قرار اجرای تنبیه و سیاست و قرار امنیت آتیهٔ در این شهر را بخواهم تا مراتب را به عرض اولیای دولت متبوعه خود برسانم. لهذا به شمار اظهار می‌کنم و خواهش دارم که تا پس‌فردا که روز پنجم این مقدمه است از آخرین قرار و جواب شما مستحضر شوم.*

توضیحات:

۱. این سند شرح مختصری است راجع به شورش مردم ارزنةالروم و حمله آنها بـه مـحل اقامت میرزاتقی‌خان. بنابه نوشته مورخین این واقعه در ماه رجب سال ۱۲۶۲ اتفاق افتاده است. نگاه کنید به: سپهر، پیشین، جلد ۳، صص ۵۰–۵۳.

۲. در اصل سیم

* . اصل مکاتبات، کتابچه شماره ۱۱، برگ ۱۲.

سواد کاغذی در اعلام به مأمورین دول علیه نوشته شده ۲۶ شهر رجب

جنابا بلندجایگاها وظایف دوستی با سفرای محترم دول جهانیان روز یکشنبه ۲۴ شهر رجب چنانکه خود شنیده‌اید و مسامحه بچشم دیده‌اید کوچکها

مقیم این شهر و سایر اهالی از زن و مرد که در این شهر بودند همه دیدند و شنیدند که بدون نیم ساعت خبرداری سابق قونسولخانه بلاجهت و سبب و بدون دست آویز

حتی از راه لجاج و محض اشرار جماعت قونسولخانه و یکدسته پنج شش هزار نفر عظما با شمشیر و تفنگ و طپانچه بر منزل قونسول ریختند و خانه را از بام و در و ابواب

گرفتند و از هر طرف آتش زدند و پنج شش ساعت متوالیا هجوم آورده با تفنگ و اسلحه بر سر قونسول و آدمهایش ریختند و تا توانستند سعی کردند که خصم و کوچکها

که همراه و آدم همه کس را بقتل رسانند و بهیچوجه دریغ و قصد کشتن قونسول و آدمهایش و یغما کردن اموال کوتاهی نکردند و یکنفر نویسنده قونسول میرزا حسن نام را

در خارج آن خانه بدست آورده پاره پاره کردند و یکنفر دیگر تمام چیزهایش را از اعمال کشیده تو پیش روی سربازان نظام پاره پاره کردند و چند نفر

دیگر که همه حاضر زخمدار کردند و آنچه هم از نقد و جنس و اسباب و اشیاء که بدست آمد نتوانند بچه وجه هم پیش از رسیدن سربازان نظام و سربازان در خلوت آنها

از انداختن گلوله و انداختن سنگ و شمشیر کوتاهی نکردند بالاخره بعد از چند ساعت اینگونه گیر و دار که این آشوب قدری تسکین یافت تا خود بالکانه جمیع اوضاع

زخمدارها و کشته‌ها و خانه خراب و آتش زده و یغمای اموال و اشیاء را مفصلا دیده‌اید که جهت بعضی سربازان لعوابدید قراری که

قونسول و آدمهایش گاه در جوار عالیجاه بهرام‌خان ... روز نشسته تا چنانکه شایسته شأن مأموریت دولت ابد مدت علیه ایران است

باهر که لازم باشد قرار اجرای تنبیه و سیاست مرتکبین این تقصیر عظیم و رد اموال منهوبه را بدهید و قرار امنیت و امکان اقامت او را هم بگذارید

تا امروز که روز سیم است هیچیک مختصر گرفته نشد و نه قراری معلوم شد و نه کسی سیاستی شد و نه امنیتی از برای قونسول حاصل است و نه آرامی است حال

انفصال این مطلب از رفت آمدم و اقامت قونسول در ولایت معلوم است با امنای دولت ابد مدت علیه ایران و جوابدید دولت

بزرگ و اعلی است و شما هم که با امور مربوط هستید برای انجام این مطلب در اینجا توقف دارید در اینصورت قونسول را لازم است که هر آینه از شما

قرار اجرای تنبیه و سیاست و قرار امنیت آتیه در این شهر را بخواهم تا مراتب را بعرض اولیای دولت متبوعه خود برسانم لهذا بشما اظهار میکنم

و خواهش دارم که تا پس فردا که روز پنجم این ماه است از آخر قرار و جواب شما مستحضر شوم

سند شماره ۳۷

تاریخ: ۱۱ شوال ۱۲۶۲

نامه میرزا آقاسی به وزیر مختار انگلیس

سواد کاغذی است که به جناب وزیر مختار دولت بهیّه انگلیس نوشته شد.

هو

جناب جلالت و نبالت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا معظما؛

شرحی که مرقوم فرموده بودید ـ آن جناب در قلب خود اعتقاد قطعی دارند که از آمدن قشون به ارزنةالروم منظور تنبیه مفسدین و اشرار است و مقصودی دیگر ندارند و هم تلافی قضیه واقعه عالیجاه میرزاتقی‌خان را دولت علیّه روم از قراری که نزد دولت بزرگ و واسطه وعده کرده‌اند به عمل خواهند آورد و احتمال نمی‌رود که خلف وعده به دو دولت بزرگ نمایند لهذا دوستدار حکم محکمی به عالیجاه میرزاتقی‌خان بنویسد که به هیچ وجه تعلل نکرده قرارنامه را به زودی زود مهر و مبادله کرده معاودت کند که زیاد از این؛ این امر در عهده تعویق و تراخی نماند ـ رسید و به نظر مبارک اقدس شاهنشاهی صان‌اللّه شوکته عن‌التناهی رسانید؛ فرمودند اگرچه از نوشته جناب وزیر مختار معلوم نمی‌شود که دولت علیّه روم چه قسم ترضیه به عمل خواهند آورد که شایستهٔ شأن دولت علیه باشد اما چون مثل جناب وزیر مختار دولت بهیّه انگلیس شخص بزرگی اطمینان نامه به دولت علیّه داده‌اند و اولیای دو دولت بزرگ واسطه راضی نخواهند شد که ترضیه شایسته به عمل نیاید و نیز راضی نیستم که زیاد از این اولیاء و وزراء و وکلای دولتین فخیمتین واسطه در زحمت و تصدیع این کار باشند امر و مقرر فرمودیم که عالیجاه میرزاتقی‌خان به هیچ وجه تعلل و تسامح نورزیده به محض وصول نوشته اولیای دولت قاهره قرارنامه را مهر و مبادله کرده معاودت کند.

امتثالاً الامر الاقدس به عالیجاه مقرب الخاقان میرزاتقی‌خان نوشته شد که قرارنامه را مهر و مبادله کرده معاودت کند و این امر را زیاد از این در عهده تعویق و تراخی نگذارد.

چون لازم بود اظهار شد.

تحریراً فی ۱۱ شهر شوال المکرم سنه ۱۲۶۲.*

توضیحات: [مهر پشت سند] آقاسی

---

* . صندوق ۵ پوشه ۴۳.

سواد کاغذ سر رابرت کرز بجناب وزیر مختار ایران به انگلیس نوشته





جناب جلالت و نبالت انتساب مجدت نصاب [illegible] دوستان استظهارا مشفقا

شرحی که مرقوم فرموده بودید آنجناب در قلب خود اعتقاد قطعی دارند که از آمدن فرخ خان [illegible]

منظور شبهه مفسدین و اشرار است و مقصودی دیگر ندارند و هم تا قضیه وقعه عالیجاه میرزا تقی خان [illegible]

از قراری که بر دولت بزرگ واسطه وعده کرده است بعمل خواهد آورد و احتمال نمیرود خلف وعده از دولت

بزرگ نمایند اما هرچند از حکم ملکی پادشاه میرزا تقی خان [illegible] بهیچ وجه تعلق ندارد قرارنامه ای که

عهد مبادله کرده مطاوعت کنند و زیاده از این امر در عهده تعویق و تراخی بماند [illegible]

شاهنشاهی چنان است [illegible] فرموده اند گرچه از نوشته جناب وزیر مختار معلوم نموده

[illegible] خواهند آورد شایسته شأن دولت علیه [illegible]

وزیر مختار [illegible] شخص بزرگ [illegible] دولت علیه اراده [illegible]

رضای [illegible] شایسته [illegible] و وزرا و وکلای [illegible]

مخصوص واسطه در رخصت و تصدیع این کار [illegible] میرزا تقی خان [illegible]

وقایع [illegible] قرارنامه را عهد مبادله کرده مطاوعت کنند

انشاء الله [illegible] میرزا تقی خان نوشته شده قرارنامه ای که مبادله

کرده مطاوعت کند و این امر را زیاده از این در عهده تعویق و تراخی نگذارد [illegible]

[illegible] تحریراً فی ۱۱ [illegible] سنه ۱۲۶۳ [illegible]

سند شماره ۳۸

تاریخ: ۹ ذیقعده ۱۲۶۲

سواد نامه میرزا آقاسی به میرزاتقی‌خان

سواد کاغذی که جناب آقای حاجی سلمه اللّه به میرزاتقی‌خان وزیر نظام نوشته‌اند.

به شرح آن که: «عالیجاه، مقرّب الخاقانا، فرزندا، مهربانا» نوشتجات و سواد فقرات تسعهٔ قرارنامه را که به فارسی و ترکی مطابق یکدیگر نوشته مصحوب چاپار سفارت دولت بهیّهٔ روسیه فرستاده بودید رسید و از فاتحه الی خاتمه مطالعه و ملاحظه شد. اگرچه فقرات مسطوره با دستورالعملی که سابقاً به آن فرزند داده شد در الفاظ و معانی مغایرت و مبانیت کلی دارد و چنانچه من مکرّر به جناب جلالت مآبان وزرای دولتین فخیمتین واسطه گفته‌ام دولت علیّهٔ عثمانی نظر به عدم استیلا و اقتدار به ایلات و سرحدّنشینان خود نمی‌تواند حفظ شروط عهدنامهٔ مقرّره را نمایند چنانچه بعد از تاریخ جمادی‌الاولی ۱۲۶۱ چند فقره خسارات از سرحدداران آن طرف به این طرف رسیده است: ازجمله یکی ایلات عشایر این دولت را که به عنف در ملک خود نگاه داشته‌اند اگر مالیاتی بعد از آن تاریخ از آنها گرفته‌اند باید رد کنند. دوم: خسارتی که از عبداللّه پاشای بابان به دهات کردستان رسیده است و دو نفر از صاحب منصبان دولتین فخیمتین واسطه رفتند ملاحظه کردند باید از عهده برآیند. سوم[1]: قلعهٔ که کارگذاران این دولت علیّه در سرحد لائیجان ساخته بودند طایفهٔ بلباس بعد از تاریخ جمادی‌الاولی داخل خاک این دولت علیّه شده خراب کردند باید از عهده برآیند. چهارم: جناب نجیب‌پاشا به شهادت کنسولهای[2] دول خارجه کشتی برای منع دخول سفاین تجارتیه به محمره در شط العرب گذاشت و آنچه مال‌التجاره به محمره می‌رفت عنفاً به بصره برد و از تاریخ جمادی‌الاولی تا به حال آنچه ضرر به گمرک محمره رسیده است باید از عهده برآیند. دیگر: این روزها خان محمودخان ابدال کُرد قلعهٔ آخورک را که داخل خاک این دولت علیّه است متصرّف شده‌اند، استرداد قلعهٔ مزبور به عهدهٔ اولیای آن دولت است. علی ایّ التقادیر از این قبیل خسارات و تجاوزها بسیار است و تا بعد چه حادث شود. معذالک چون اولیای دولتین فخیمتین واسطه در این

کار بسیار زحمت و تصدیع کشیده‌اند که کمال خجالت و شرمندگی را از آنها دارم و نمی‌خواهم زیاده از این تصدیع بکشند، فقرات تسعه را که به فارسی و ترکی نوشته به مهر و خطّ من ممهور و مختوم است مهر کرده مبادله نموده معاودت نمائید.*

توضیحات:

۱. در اصل: سیم

۲. « » : قونسولهای

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۱۰، همچنین عباس اقبال: پیشین، ص ۵۸ و ۵۹.

لازم به ذکر است که ضمیمه این مراسله حاجی میرزا آقاسی خطاب به میرزاتقی‌خان سواد معاهده دوم ارزنةالروم است که پیشتر آورده شد. با این تفاوت که در حاشیه معاهده ارسالی از سوی حاجی میرزاآقاسی، عبارت الحاقی تحت عنوان «فقره دهم» نیز موجود است که حاجی میرزاآقاسی برای افزودن به نُه فقره معاهده، آورده است. فقره مزبور چنین است: «فقره دهم: این معاهدهٔ حاضره اساس صلح گردیده به مراد قراردادن تفرعات مواد مندرجهٔ آن و بعضی خصوصیّاتی که تسویهٔ آنها فیمابین دولتین لازم است. دولتین تعهد می‌کنند که بعد از تصدیق کردن این معاهده از طرفین وکلا تعیین نمایند.» سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۱۰.

جمعه ۹ شهر ذی‌قعده سنه ۱۲۶۲

مطلبی که جناب آقای حاجی سلمه‌الله میرزا ابوالحسن خان وزیر امور خارجه نوشته‌اند شرح آنکه علیاحضرت معظمه [illegible]

قرار [illegible] با دولت روس و [illegible] معاهده [illegible] رسیده و از [illegible]

الکه [illegible] با دستور العمل [illegible] در لفظ و معنی مغایرت و مباینت کلی دارد و چنانچه [illegible]

وزرای [illegible] و اطلاع [illegible] از نظر [illegible] استقلال و اقتدار با دولت [illegible] حفظ شروط

عهدنامه مقرره را [illegible] چنانچه [illegible] از تاریخ جمادی‌الاول سنه ۱۲۶۱ چند فقره خسارات [illegible] از آن طرف [illegible] رسیده

از جمله [illegible] و [illegible] که [illegible] در ملک خود [illegible] بوده [illegible] تاریخ [illegible]

[illegible] کردستان رسیده است و [illegible] تفاوت [illegible]

[illegible] از عهده [illegible] که [illegible]

از تاریخ جمادی [illegible] دولت [illegible] برآمده [illegible] جناب [illegible]

[illegible] دخول [illegible] و آنچه مال [illegible]

[illegible] تاریخ [illegible] از عهده [illegible] دیگر [illegible]

[illegible] دولت علیه [illegible] قرار [illegible]

[illegible] خسارات [illegible] اولیای [illegible]

بسیار [illegible] دارم و میخواهم [illegible]

که [illegible] مهر [illegible] مبادله [illegible]

[illegible]

سند شماره ۳۹

تاریخ: [اواخر ذیقعده ۱۲۶۲][1]

سواد نامه میرزاآقاسی به میرزاتقی‌خان

سواد کاغذ جناب آقای مدظله العالی به وزیر نظام مقیم استانبول.[2]

عالیجاها، مقرب الخاقانا، فرزندا؛ به قرار آن همه معطلی آن فرزند و چهار سال طول مشکلات و مباحثات مجلس ارزنةالروم در سال گذشته جنابان جلالتمآبان وزرای مختار دولتین فخیمتین واسطه از جانب اولیای دولت خود با اصرار و ابرام زیاد قرارنامه نوشتید و رفع و دفع غوایل دولتین ایران و روم را منوط به استقرار فقرات مندرجه آن قرارنامه دانسته، اولیای دولت علیّه را به قبول آن تکلیف کردند. اعلیحضرت قدرقدرت قضا شوکت شاهنشاهی صان‌اللّه شوکته عن‌التناهی با وصف آنکه فقرات آن قرارنامه عشری از اعشار اندکی از بسیار حقوق ثابته مالیّه و ملکیّه درحالیه این دولت که صورت آن مفصلاً در دستورالعمل آن فرزند می‌باشد نبود، معذالک پاس احترام دو دولت بزرگ واسطه که بسیار در نظر اقدس با قدر و گران‌بها است گذشتِ کریمانه و اغماض ملوکانه فرمود قبول آن را به اولیای دولت جاوید مدت قاهره حکم فرمودند و جنابان جلالت‌مابآن وزرای مختار صورت آن قرارنامه را نزد اولیای دولت علیّهٔ روم فرستادند که از آن طرف نیز قبول شود، اما اولیای دولت علیّه از راه عدم اعتنا بود یا نمی‌دانم سببی دیگر داشت، مدت یک سال جواب ندادند تا این اوقات باز توسط جنابان جلالت‌مآبان وزرای مختار دو دولت بزرگ واسطه به اولیای دولت قاهره اظهار شد، تکلیف نمودند که قرارنامهٔ تازه که مسوده دادند و با قرارنامه پیشین مغایرت دارد، نوشته شود یعنی این طور که مظلومین کربلای معلی خارج از قرارنامه باشد و نوشتجات معزی‌الیهما که برای اطمینان اولیای دولت قاهره بدهند کافی باشد قرارنامه مشتمل بر نُه فقره قلمی دارند اگرچه اولیای دولت قاهره را کمال استکراه و استکار از قبول قرارنامه مزبوره بود ولی چون این امر بسیار به طول انجامیده بود راضی نبودند که زیاده از این زحمت و تصدیعی به اولیای دو دولت بزرگ واسطه برسد و وزراء و وکلای دولت دو دولت نرنجند و خود نیز نظر به

ملاحظه صلاح مسلمین کاغذی اولیای دولت علیّه درباب خسارت کربلای معلی از جنابان جلالتمآبان وزرای مختار گرفته که عنقریب دولت علیّه روم به طور شایسته به اطلاع وکلاء دولتین واسطه از عهده بیرون خواهد آمد و فقرات نُه گانه دیگر را ممهوراً نزد آن فرزند ارسال داشتند و فرمان مبارک نیز در این باب و سرافرازی آن فرزند صادر شد می‌باید آن فرزند موافق حکم جهان مطاع فقرات تسعه مرقومه ممهوره را بدون تغییر لفظی و تبدیل و تحریف کلمه و نقطه نوشته به مهر خود رسانیده با نسخه مقابل آن ممهور به مهر وکیل دولت علیه روم مبادله نماید و پس از آن مبادله، همان وثیقه راکه به مهر وکیل دولت علیّه روم رسیده است بلادرنگ و تأمل ارسال به دارالخلافه دارد که اگر موافق قرارنامه است که به نظر اولیای دولت قاهره رسیده است به امضا و قبول اعلیحضرت قدرقدرت پادشاهی خلدالله ملکه و سلطانه و افاض علی‌العالمین یده و احسانه رسد و از این که در اینجا جنابان جلالتمآبان وزرای مختار قرار داده‌ایم که به قرار تاریخ مبادله قرارنامه در دو ماه یا کمتر به امضا و قبول حضرتین برسد آن فرزند هر قدر در فرستادن قرارنامه مزبور اهتمام و سعی نماید بهتر است و چنانچه درباره جزئیه؛ وکیل دولت علیّه روم با آن فرزند گفتگویی باشد به توسط شور و صلاح وکلای دولتین فخیمتین واسطه گفتگو کرده مراتب را مصحوب چاپاری مسرع به اولیای دولت قاهره عرض نموده منتظر جواب و دستورالعمل مجدد باشد. دیگر درباره از فقرات تسعه مختصر نوشته شد که تصریح آنها به آن فرزند لازم است. یکی درباب شاهزادگان فراری است که [به]بُرسا بروند این حکم درباره همان شاهزادگانی است که در هنگام غایله در خاک روم بوده‌اند، نه در باب شاهزادگانی که اگر بعد از این هم فرار نمایند آنها را باید به بُرسا ببرند. آنها را باید مثل سایر فراریان رد نمایند. یکی در باب گمرک مال‌التجاره دولت علیّه ایران است که در سر خیال خواه معاملات اندرونی مملکت روم باشد یا خارج و مال‌التجاره که در دست آنها باشد از داخله باشد یا خارجه باید از چهار دیناری به هیچ وجه من‌الوجوه علاوه نگیرند. و در باب قیمت مال‌التجاره آنها که نوشته شده است از قرار فصل تجارتیّه عهدنامه ارزنة‌الروم منظور و مقصود همان نرخ نامه[۳] است که در وقت انعقاد عهدنامه نرخ نامه ابدی قطعی فیمابین دولتین علیتین ایران و روم نوشته شده است. اولاً باید به همان نرخ نامه قدیم تغییر ننماید و اگر از آن نرخ نامه می‌خواهند تجاوز کنند نرخ نامه

جدیدی پسندند بسته نخواهد شد و تجاوز دولت تبعه علیه در این باب کمال تحاشی را دارند باید صدوچهار از آن قرارداد جنس کارسازی دارند. یکی دیگر در باب ایلات و عشایر اکراد است تا آن فرزند در آن جا است قراری بدهد که اولاً: در باب اکراد که متعلق به این دولت علیّه است باید تماماً رد شود و یک نفر در آن جا نماند. ثانیاً: در باب ایلات متنازع فیه و قراباباق و آیرملو که هرگز رعیت دولت روم نبوده‌اند آن فرزند آدمی نزد آنها فرستاده تکلیف نمایند که به خاک دولت علیّه ایران بگذرند و یک دفعه مسکن بعد خود را سبیل خود معین نمایند. در باب امتیازات دینیّه مقررات که از قرار عهدنامه مبارکه ازرنةالروم درباره رعیت دولت علیّه ایران عمل شود. البته در این فقرات [که] به آن فرزند نگارش یافت کمال اهتمام و اجتهاد را به عمل آورده به قسمی به دربار اقدس شاهنشاهی معاودت کند که روسفیدی حاصل نماید و مورد تفقدات شهریاری روح‌العالمین فداه [قرار گیرد و] تا زمان ملاقات همواره حقایق امورات را اعلام دارد.

توضیحات:

۱. در متن سند به چهارمین سال مذاکرات ارزنةالروم اشاره شده است. از آنجا که مذاکرات مزبور از اوایل سال ۱۲۵۹ آغاز شد، چهارمین سال مذاکرات مصادف است با اواخر سال ۱۲۶۲. از طرف دیگر محتوای این سند با سند قبلی تا حد زیادی یکی است. لذا با توجه به تاریخ سند قبل می‌توان احتمال داد که تاریخ این سند اواخر ذیقعده ۱۲۶۲ باشد.

۲. در اصل: اسلامبول

۳. در اصل: نرخنامه

[illegible] جناب ... سفیر کبیر ... [illegible] ... انقره و ... طول مکالمات [illegible]

[illegible] ارزنة الروم ... جنابان جلالتمآب وزرای مختار دولتین فخیمتین واسطه ... اولیای دولت ... [illegible]

[illegible] عوائد دولتین ایران و روم ... استقرار فقرات ... انقره ... اولیای دولت علیه ... تکلیف [illegible]

[illegible] فقرات ... [illegible] ... حقوق ... [illegible]

... انقره ... [illegible] ... دولت بزرگ واسطه ... [illegible]

[illegible] جنابان جلالتمآب وزرای مختار صورت ... [illegible] اولیای دولت

علیه روم ... [illegible] ... اولیای دولت علیه ... عدم ... [illegible]

باز بتوسط جنابان جلالتمآب وزرای مختار دولت بزرگ واسطه با اولیای دولت ... اظهار ... تکلیف ... [illegible]

[illegible] ... کربلای معلی ... [illegible] ... اولیای دولت

[illegible] ... قرارنامه ... اولیای دولت ... [illegible]

[illegible] ... دولت بزرگ ... [illegible]

[illegible] ... کربلای معلی ... جنابان جلالتمآب وزرای مختار ... [illegible]

[illegible] ... وکلاء دولتین ... [illegible]

[illegible] ... انقره ... [illegible] ... مهر ... [illegible]

[illegible] ... مهر وکیل دولت علیه روم ... [illegible] ... دولت علیه روم ... [illegible]

[illegible] ... قرارنامه ... اولیای دولت ... [illegible]

[illegible] ... جنابان جلالتمآب وزرای مختار ... [illegible]

[illegible] ... انقره ... قرارنامه ... [illegible] ... دولت علیه روم ... [illegible]

[illegible] ... وکلاء دولتین فخیمتین ... [illegible] ... اولیای دولت ... [illegible]

از فقرات ... [illegible]

[illegible] ... دولت علیه ایران ... [illegible]

خواه معاملات ... مملکت روم ... مال التجاره ... [illegible]

مال التجاره ... [illegible] ... عهدنامه ارزنة الروم ... [illegible]

علیتین ایران و روم ... [illegible]

[illegible]

در باب ... [illegible] ... انقره ... [illegible]

انقره ... [illegible] ... دولت روم ... [illegible]

[illegible] ... عهدنامه ... ارزنة الروم ... دولت علیه ... [illegible]

[illegible]

اعلام [illegible]

سند شماره ۴۰

تاریخ: ۱۲ ذیقعده ۱۲۶۲

سواد فرمان محمدشاه به میرزاتقی‌خان

سواد ملفوفه فرمان مبارک که به افتخار میرزاتقی‌خان وزیر نظام شرف نفاذ پذیرفت.

به شرح آن که: صورت فقرات قرارنامهٔ بین‌الدّولتین علیّتین ایران و روم را که به فارسی و ترکی فرستاده بود به توسط اولیای دولت قاهره ملحوظ نظر مبارک افتاد و از مسطوراتش من‌الفاتحه الی الخاتمه خاطر اقدس را آگاهی حاصل آمد، لهذا به آن عالیجاه امر و مقرر می‌داریم که صورت قرارنامهٔ فارسی و ترکی راکه به خطّ و مهر جناب جلالت مآب غوث‌الاسلام والمسلمین ناصرالملة والدّین حاجی میرزا آقاسی ممهور و مختوم است از همان قرار مهر و مبادله کرده به دربار اقدس پادشاهی معاودت نماید، می‌باید آن عالیجاه از قرار معمول و از حکم قضا شمول تخلّف و عدول جایز نداند.

تحریراً فی شهر ذیقعده ۱۲۶۲.*

---

*. سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۱۰. مرحوم اقبال در صفحه ۶۰ اثر پیشین، این سند را آورده است.
لازم به ذکر است، این فرمان که از طرف محمدشاه «به افتخار میرزاتقی‌خان وزیر نظام شرف نفاذ یافته» همراه مراسله حاجی میرزاآقاسی که پیشتر آورده شد برای میرزاتقی‌خان ارسال شده است.

روز دوشنبه ۱۲ شهر ذی قعده ۱۲۶۲

بموجب فرمان مبارک که بجناب میرزا تقی خان وزیر نظام شرف نفاذ پذیرفته بشرح که صورت فصول قرارنامه بین الدولتین علیتین ایران و روم [illegible] و [illegible] که در تاریخ [illegible] میرزا تقی خان [illegible] ملحوظ نظر مبارک [illegible] و در [illegible] العاکمه الی الی خاطر [illegible] حاصل آمد لهذا آنانکه [illegible] رسیده ایم که صورت قرارنامه فارسی [illegible] و مهر [illegible] عون الله الملک [illegible] ناصر الدین [illegible] میرزا [illegible] ممهور و مختوم است [illegible] دولت [illegible] پیمان [illegible] قرار [illegible] و [illegible] ول [illegible] تحریراً شهر ذی قعده الحرام سنه ۱۲۶۲

سند شماره ۴۱

تاریخ: ۱۲ ذیقعده ۱۲۶۲

نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، و مشفقا مُعظما؛

مکرر در باب فقره دهم قرارنامه به اولیای این دولت علیه زحمت داده است که موافق وعدهٔ دولتی و احکام متواتره که به عالیجاه میرزاتقی‌خان مرقوم داشته‌اند حکمی صادر فرمایند که این فقره نیز به انجام برسد، زیرا دوستدار قبول اولیای این دولت علیّه را اطلاع داده و اولیای دولت علیّه روم نیز به جانب انوری افندی حکم داده‌اند که آن فقره دهم را در قرارنامه داخل نماید. دور نیست که حال که این احکام بروند و حکم آن فقره نرود جناب انوری افندی ایراد بگیرند، باز این امر در عهده تعویق و تراخی بماند و محتاج به آمدن و رفتن چاپاری دیگر گردد. باری متوقع است که قدغن فرمایند امروز حکم آن فقره را از قراری که وعده کرده‌اند به دوستدار برسانند که چاپار برود و این امر بکلّی به اتمام و انجام رسد و راه ایراد و گفتگویی باقی نماند. چون لازم بود اظهار داشت.

تحریراً ۱۲ شهر ذیقعدةالحرام سنه ۱۲۶۲

[در حاشیه سند:] و این که عالیجاه میرزاتقی‌خان نوشته است اولیای دولت علیّه روم سکوت در آن فقره دارند که به دوستدار پیغام کرده بودند این مرحله به عالیجاه میرزاتقی‌خان مشتبه شده است نه این است که او نوشته است. به جهت اطلاع اظهار داشت.*

[مهر پشت سند] جستن شیل

* . صندوق ۵ پوشه ۴۳.

جناب جلالت و نبالت و لیاقت نصابا مجدت همراها سفارت آثارا معظما مشفقا

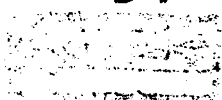




مکرر در باب فقره نهم قرارنامه با اولیای دولت علیه زحمت داده‌اید در مراتب وعده صریح و اعلام مشروحه

در باب میرزا تقی خان مرقوم داشته‌اید حکمی صادر فرمایند در این فقره نیز با حکام رسیده زیرا که مستدعی قبول اولیای دولت علیه را

اطلاع داده و اولیای دولت علیه روم نیز جناب انوری افندی حکم داده‌اند در این فقره نهم را در قرارنامه داخل نمایند



در رتبه در حال از این اعلام برود و حکم این فقره نزد جناب انوری افندی ارسال گردید با از این امور در اعلیه تعویق

در اخبار نماند و محتاج به آمدن ورقه‌جات و پاره‌ای دیگر گردد باری به تقویت دوستی مرقوم فرمایند امروز حکم این فقره را از قرارنامه

وعده کرده‌اند هر روز منتظر رسیدن آن به دارالخلافه رود و این امر به‌طور اتمام و انجام رسد و زیاده زحمت ... باقی ایام

حق الله ... انظار داشت تحریراً ۱۳ شهر ذیقعده الحرام سنه ۱۲۶۳

[illegible]

سند شماره ۴۲

تاریخ: ۱۴ ذیقعده ۱۲۶۲

سوادنامه میرزا آقاسی به میرزاتقی‌خان

سواد کاغذ جناب آقای حاجی سلمه اللّه که به میرزاتقی‌خان وزیر نظام نوشته شد.

به شرح آن که: در باب فقرهٔ دهم، آن فرزند نوشته بود که اولیای دولت علیّه عثمانی از این فقره گذشته‌اند و عالی‌جاه انوری افندی هم در این باب اظهاری نکرده است و در فقرات تسعه که وکلای دولتین فخیمتین واسطه صورت آن را به فارسی و ترکی به آن فرزند داده‌اند که فرستاده بود نیز اشعاری نرفته است، امّا در اینجا جنابان جلالت مآبان وزرای مختار دولتین فخیمتین واسطه می‌فرمایند که اولیای دولت علیّهٔ عثمانی از این فقره نگذشته‌اند اصرار زیادی در استقرار فقرهٔ مزبوره دارند، سخن آن فرزند با فرمایش جنابان معزّی الیهما مغایرت و منافات کلّی دارد. لکن چون جنابان معزّی‌الیهما این طور می‌فرمایند به آن فرزند مؤکداً قلمی می‌شود که فقرهٔ دهم را که به ترکی و فارسی نگارش و به مهر من رسیده در جوف این نوشته نزد آن فرزند فرستاده شد به فقرات تسعه ملحق ساخته **قرارنامه را ده فقره قرار بدهد.** ولی از آن فرزند بسیار بعید است که دروغ و خلاف به من بگوید و دولت علیّهٔ عثمانی اصراری در این فقره از فقرهٔ دهم داشته باشد به من بنویسد که آنها از این فقره گذشته‌اند و اگرچه این فقره برای دولت علیّه ضرر و نقصانی ندارد، امّا سخن در این است که چرا آن فرزند به من دروغ نوشته است. علی ای التّقادیر از این که نمی‌خواهم زیاده از این به اولیاء و وزرا و وکلای دولتین فخیمتین دردسر و زحمتی برسد و نیز من خود طالب نیستم از این زیاده متبوعه و مضبطه و تسویه و تعلیمات و تنظیمات و رسماً بشنوم در کمال تأکید به آن فرزند می‌نویسم که به محض وصول علی‌اکبر بیک سلطان توپ خانهٔ مبارکه و حصول زیارت ملفوفهٔ فرمان همایون **فقرات عشره** را که مختوم به مهر من است با اولیای دولت علیّهٔ روم مهر و مبادله کرده معاودت کند و تشکیک و تردید را از خود دور سازد،

چه روی راه تردد قضی الامر فقم   چه کنی نقش تخیل بلغ اللیل زباه

زیاده چه نویسد تا زمان ملاقات دائماً حالات و مهمّات را اعلام دارند.

تحریراً فی ۱۴ شهر ذی‌قعده ۱۲۶۲.*

---

*. سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۱۰، برگ 4 b. مرحوم اقبال در صفحه ۶۰ و ۶۱ کتاب «امیرکبیر» این سند را آورده است. مرحوم اقبال درخصوص محتوی این سند و علت نگارش آن و سند بعدی و نیز درخصوص معزل «فقره دهم» این توضیح مفید و ضروری را آورده است: «از این مراسله چنین برمی‌آید که «فقره دهم که عین آن را پیشتر نقل کردیم پیشنهاد نمایندگان عثمانی بوده و **میرزا تقی خان امیر زیر بار قبول آن نمی‌رفته** و بالاخره هم آن را نپذیرفته و نمایندگان طرف را به عقیده خود درآورده بوده و به همین شکل هم مطلب را به حاجی میرزا آقاسی نوشته، ولی حاجی به استناد گفته سفرای روس و انگلیس در طهران تصوّر کرده بوده است که امیر مطلب را برخلاف واقع به او نوشته و به همین جهت بر امیر خشمناک شده و او را مورد ملامت و عتاب قرار داده و بالاخره به قبول آن فقره تن در داده است. از مشاهده متن امضاء شده معاهده به خوبی واضح است که این فقره دهم در آن نیست و **حقّ با امیر بوده**، شاید هم به همین علت است که حاجی پس از اطلاع کامل بر حسن خاتمه کار و پی بردن به اشتباه خود لهجه خویش را در خطاب به امیر تغییر داده و آخرین مراسله‌ای را که در مأموریت او به ارزنة‌الروم به او نوشته با لحنی مغایر لحن آن مراسله سابق به رشته تحریر آورده است.» سند بعدی سواد مراسله فوق است.

نگاه کنید به: اقبال آشتیانی، عباس: پیشین، صص ۶۱ و ۶۲.

سند شماره ۴۳

تاریخ: ذیحجه ۱۲۶۲

سواد نامه میرزا آقاسی به میرزاتقی‌خان

سواد کاغذ جناب حاجی سلمه اللّه العالی که به میرزاتقی‌خان وزیر نظام نوشته‌اند.

به شرح آن که: عالیجنابا، مقرّب الخاقانا، فرزندا؛

نوشتجات آن فرزند با کتابچهٔ وقایع مصحوب علی‌اکبربیک سلطان پستخانهٔ مبارکه در چهاردهم شهر ذیحجّه واصل شد و مسطوراتش را از فاتحه تا خاتمه ملاحظه و مطالعه کرد، آفرینِ خدای بر پدری ـ که تو پرورد و مادری که تو زاد، مرحبا، صدهزار آفرین، روی آن فرزند سفید، نمک شاهنشاه دین پناه روح‌العالمین فداه بر آن فرزند حلال باشد، الحقّ در این مدت پنج سال که در ملک خارج موافق شأن و جلالت دولت علیّه حرکت کرده و با کفایتی وافی و درایتی کافی به خدمات مرجوعه پرداخت از طرز حسن خدمت و خلوص عقیدت و صدق ارادت و اهتمام در خدمات دولت مرا زایدالوصف از خود راضی و خشنود ساخت. رضای من که سهل است خاطر اقدس همایون شاهنشاهی خلّداللّه ملکه و سلطانه و افاض علی‌العالمین برّه و احسانه را بسیار از خود راضی ساخته است که انشاءاللّه بعد از شرفیابی حضور مبارک در تلافی زحماتی که کشیده و مشقّتهایی که دیده مورد تلطّفات و تفقّدات ملوکانه خواهد شد. عجالةً آن فرزند را به صدور منشور عطوفت دستور همایون و ایفاد یک قبضه شمشیر مرصّع مفتخر و سرافراز فرمودند که از این عنایت عظمی و موهبت کبری فیمابین امثال و اکفاء مفاخرت حاصل نماید. درباب آمدن یوسف بیک از دربار دولت علیّهٔ عثمانی و آوردن پانزده هزار تومان وجه خسارت برای آن فرزند و تکلیف وکلای دولتین فخیمتین واسطه در قبول آن که به آن تفصیل قلمی داشته بود معلوم شد. بدیهی است که در این مدّت هرچه امناء و وکلای دولتین فخیمتین واسطه به این طرف تکلیف کردند محض پاس احترام ایشان همه را شنیدیم و قبول کردیم، امّا من مکرّر به جنابان جلالتمآبان وزرای مختار دولتین فخیمتین واسطه گفته‌ام که این عمل و ترضیهٔ آن دستورالعملی برای آیندهٔ این دولت علیّه شده است.

اینکه نوشته بود تنخواه مزبور را به رسم نیاز می‌خواهد به جهت اینجانب بفرستد اینها چه حرف است، من بایست به آن فرزند در تلافی زحمات و خساراتی که در مدّت توقف ارزنةالروم کشیده است رعایتها بکنم و محبّتها بنمایم، توقعی از آن فرزند ندارم. دیگر از قراری که نوشته بود البتّه تابه‌حال دستورالعمل برای انوری افندی از جانب دولت علیّهٔ عثمانی رسیده است و قرارنامه را مهر و مبادله کرده معاودت نموده است. اینکه اذن خواسته بود برای سرکشی و انتظام امور خود، چندی در تبریز توقف نماید البتّه لازم است که بیست روز و یک ماهی در تبریز توقف کرده از رنج سفر آسایش نموده و به سرکشی منسوبان و نظم امورات خود پرداخته بعد به دربار همایون پادشاهی بیاید، می‌باید آن فرزند تا زمان ملاقات حالات را و مهمّات را اعلام دارد.

تحریراً فی شهر ذیحجه ۱۲۶۲.*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۱۰، ص ۱۹. مرحوم اقبال در صفحه ۶۲ و ۶۳ کتاب «امیرکبیر» این سند را آورده است.

سند شماره ۴۴

تاریخ: ذیحجه ۱۲۶۲

سواد فرمان محمدشاه به میرزاتقی‌خان

سواد فرمان مبارک که به افتخار مقرب الخاقان میرزاتقی‌خان وزیر نظام شرف صدور یافته.

به شرح آن که: عالیجاه مقرّب الخاقان میرزاتقی‌خان بداند که چون به مزید شایستگی و استعداد و کفایت چند که در کلیّات امور دولت قوی بنیاد از او به ظهور رسید موجب اعتماد و وثوق‌خاطر همایون به حسن درایت و کفایت آن عالیجاه گردیده و مدّتی که آن عالیجاه را مأمور به توقف ارزنة‌الرّوم و رفع غوایل بین‌الدّولتین علیّتین ایران و روم فرموده بودیم اهتمامات کامله بظهور رسانیده و خدمات شایستهٔ او مقبول حضرت سلطنت آمده ظهور مرحمتی دربارهٔ او ملزوم همّت آسمان رفعت آمده در هذه السّنهٔ یونت ئیل خیریّت دلیل به اعطای یک قبضه شمشیر مرصع او را مخصوص و مباهی داشتیم و به ظهور این عنایت پایهٔ اعتبارش در میان امثال و اکفاء برافراشتیم که شمشیر مرحمتی را زیب میان خدمتگذاری ساخته از روی کمال استظهار و اهتمام به مراتب خدمت اقدام و حسن کفایت و کاردانی خود را زیاده مشهود امنای دولت ابد ارتسام دارد و در عهده شناسد.

تحریراً فی شهر ذی حجه ۱۲۶۲.*

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۱۰، برگ ۱۸ b. مرحوم اقبال در صفحه ۶۴ کتاب «امیرکبیر» این سند را آورده است.

نوشتهٔ مبارکه که مشتمل بر [illegible] میرزا تقی خان وزیر نظام شرف صدور یافته بود [illegible] معانی آن

میرزا تقی خان [illegible] که چون [illegible] واقعه [illegible] کفایتی حسنه که در کلیات امور دولت [illegible] ازدیاد [illegible]

موجب اعتقاد و وثوق خاطر [illegible] در ذات و کفایت [illegible] و [illegible] امور [illegible] الروم

در رفع [illegible] الدولتین العلیتین ایران و روم [illegible] اهتمامات کامله بظهور رسیده و [illegible]

منظور حضرت سلطنت [illegible] ظهور مرحمتی درباره او ملزوم همت [illegible]

با اعطای یک قبضه شمشیر مرصع [illegible] خصوصی [illegible] و اظهار عنایت [illegible] امثال و اکفا [illegible] شمشیر مرحمتی [illegible] آرزوی [illegible] و اهتمام [illegible]

خدمت اقدام و حسن کفایت [illegible] مقصود [illegible] تحریراً [illegible] ۱۲

سند شماره ۴۵

تاریخ: ۱۲ صفر ۱۲۶۳

سواد نامه میرزا آقاسی به وزیر مختار انگلیس

سواد کاغذ جناب آقای [حاجی] سلمه‌اللّه که به جناب وزیر مختار دولت بهیّه انگلیس نوشته‌اند.

به شرح آن که مرقوم فرموده بودند که هنوز قرارنامه صلح بین الدّولتین علیّتین ایران و روم مهر و مبادله نشده به حکم اولیای قاهره در سرحد قلعه در کمال حصانت و رزانت ساخته شده که تمام است و دو قلعه دیگر بنا کرده‌اند که در دست است. از این که این معنی مایه شکایت کارگذاران دولت علیّه روم است. دوستدار حکمی صادر نماید که بنای آن دو قلعه را موقوف دارند تا قرارنامه بین‌الدّولتین علیّتین ایران و روم مهر و مبادله شود. دوستدار حیرتی در این باب دارد که چرا باید شکایت بی‌مایه کارگذاران آن دولت علیّه را در این باب قبول نمایند زیرا که اولاً: در باب قلعه که در اواجق ساخته شده است مکرر به آن جناب اظهار شده است که دوستدار آن قلعه را برای حفظ رعایای خود از تطاول اکراد و اشرار آن حدود ساخته است و منظور چیز دیگر نیست. ثانیاً: در باب بنای دو قلعه دیگر که مرقوم فرموده بودند در کار ساختن هستند، در این سرمای زمستان که شدّتش در آن سرحد از همه جا بیشتر است و حال دو ذرع برف افتاده است چگونه ممکن است در آنجا بنایی کرد؛ هرگز آن جناب قبول نفرمایند که کذب محض است و سرحدداران دولت علیّه روم بی‌جهت مصدّع اوقات آن جناب می‌شوند. چون لازم بود اظهار شد.

تحریراً فی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۶۳.*

---

*. سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، برگ ۱۳b.

روز جمعه ۱۲ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۶۳

آقا محمد ابراهیم چاپار

سواد کاغذ جناب وزیر مختار دولت بهیه انگلیس که نوشته‌اند شرح الکه مرقوم فرموده بودند که هنوز قرارنامه صلح بین الدولتین علیتین ایران و روم
مهر و مبادله نشده و بحکم اولیای [illegible] در سرحد قلعه در [illegible] [illegible] شده که تمام [illegible] و قلعه دیگر بنا کرده‌اند در دست است
از آنجائیکه بمعنی شکایت کارگزاران دولت علیه روم است [illegible] حکمی صادر نمایند بنای آن قلعه موقوف دارند تا قرارنامه بین الدولتین
علیتین ایران و روم مهر و مبادله شود [illegible] در بنای [illegible] دارد [illegible] شکایت [illegible] کارگزاران آن دولت [illegible] در جناب [illegible]
او [illegible] قلعه [illegible] ساخته شده [illegible] مکرر باین جناب اظهار شده [illegible] از آن قلعه [illegible] برای حفظ رعایای خود [illegible] ولی اگر [illegible] از
آنکه [illegible] منظور [illegible] تا یا در باب بنای قلعه دیگر که مرقوم فرموده بودند [illegible]
از همه جا بیشتر [illegible] چگونه ممکن است [illegible] بنا [illegible]
دولت علیه روم [illegible] تحریرا فی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۶۳

سند شماره ۴۶

تاریخ: ۱۳ صفر ۱۲۶۳

سواد نامه میرزاآقاسی به میرزاتقی‌خان

سواد کاغذ جناب آقای [حاجی] سلمه اللّٰه تعالی که به میرزاتقی‌خان وزیر نظام نوشته‌اند به شرح آن که: مقرب الخاقانا، فرزندا؛ در چند وقت قبل از این که صورت قرارنامه را به فارسی و ترکی وکلای دولتین واسطه نوشته [به] ارزنة‌الروم فرستاد و جنابان جلالتمآبان وزرای مختار دام مجدهما به اولیای دولت علیّه دادند و تکلیف به قبول آن کردند اولیای دولت علیّه هم بدون تغییر و تبدیل لفظی از آن قبول فرمودند و ممضی داشتند نزد آن فرزند فرستادند که از آن قرار با وکیل دولت علیّه روم مهر و مبادله کند و معاودت نماید و از این رو که وزراء و وکلای دولتین فخیمتین واسطه خود نوشته و قبول آن تکلیف کرده بودند اولیای دولت علیّه یقین کلی داشتند کـه ایـن دفـعه قـرارنـامه بین‌الدّولتین مهر و مبادله خواهد شد و آن فرزند معاودت خواهد کرد و در انتظار وصول قرارنامه مهر و مبادله شده و ورود آن فرزند بودیم که در این اثنا چاپار سفارت دولت بهیّه انگلیس آمد و از قراری که جناب جلالتمآب عمده السفراء المسیحیّه و زبدةالکبراء العیسویّه مـحبان اسـتظهاری دوستان اعتضادی وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت بهیّه انگلیس دام مجده اظهار داشتند رجال دولت علیّه عثمانی باز ایراد گرفتند که در فقره هفتم قرارنامه که درباره بالیوز و زوّار و تجّار دولت علیّه ایران نوشته شده است به آن تفصیل در باب بالیوزها و تجّار تبعه دولت عثمانی نـوشته شـده است و همین قدر به طریق اختصار نوشته شده است که در حق آنها معامله متقابله کاملاً اجری شود. فرزند من اگرچه می‌دانم که این غافله تا به حشر لنگ است و اینها همه بهانه‌جویی است اما چون جناب محبان استظهاری وزیر مختار دولت بهیّه انگلیس مرد بزرگی است و از جانب دولت بزرگی در اینجا اقامت دارند و احترام ایشان لازم است لهذا به آن فرزند اظهار می‌دارد که برحسب فرمایش اعلیحضرت قدرقدرت قضا شوکت شاهنشاهی روحنا فداه فقره هفتم را آن فرزند مأذون است که در قرارنامه موافق تفصیلی که در این کاغذ نوشته شده است مندرج داشته قرارنامه را مهر و مبادله

کرده معاودت نماید.

فقره هفتم: دولت عثمانی وعد می‌کند که به موجب عهدنامه‌های سابقه امتیازاتی که لازم باشد در حق زوّار ایرانی اجرا دارد تا از هر نوع تعدّیات بری بوده بتوانند به کمال امنیت محل‌های مبارکه را که کائن در ممالک دولت عثمانی است زیارت کنند و همچنین تعهد می‌کند که به مراد استحکام و تأکید روابط دوستی و اتحاد که لازم است فیمابین دو دولت اسلام و تبعه طرفین برقرار باشد مناسب‌ترین وسایل را استحصال نماید تا چنانکه زوّار ایرانیّه نیز در امتیازات مذکوره بهرور بوده خواه در تجارت و خواه در مواد سایره از هر نوع ظلم و تعدّی و بی‌حرمتی محفوظ باشند و علاوه بر این بالیوزهایی که از طرف دولت ایران برای منافع تجارت و حمایت تبعه و تجّار ایرانیّه به جمیع محلهای ممالک عثمانیّه که لازم باشد نصب و تعیین شود به غیر از مکّه مکرّمه و مدینه منوّره دولت عثمانیّه قبول می‌نماید و وعد می‌کند که کافه امتیازاتی که شایسته منصب و مأموریت بالیوزهای مذکور باشد و در حق کنسولهای[1] سایر دول متحابه جاری می‌شود در حق آنها نیز جاری شود و نیز دولت ایران تعهد می‌کند که در باب بالیوز که از طرف دولت عثمانی در هر جایی از ممالک ایران که لازم باشد تعیین شود به جمیع امتیازاتی که کنسول دول متحابه که در ممالک ایران اقامت دارند و بهره‌یاب هستند در حق آنها معمول خواهد شد و دولت علیّه ایران تعهد می‌کند که به تبعه و تجّار دولت علیّه عثمانی که در ممالک ایران آمد و شد می‌کنند به موجب عهدنامه‌های سابقه شامل هرگونه امتیازات خواهند گردید؛ خواه در تجارت و خواه در سایر جهات از هرگونه تعدی و بی‌حرمتی مصون خواهند بود. آن فرزند از این قرار فقره هفتم را در قرارنامه مندرج داشته با وکیل دولت علیّه روم مهر و مبادله رسانیده معاودت کند.

تحریراً فی شهر صفر سنه ۱۲۶۳.*

توضیحات:

۱. در اصل: قونسولهای

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، برگ ۱۴b.

روز یکشنبه شهر صفر المظفر ۱۲۶۳

چون که عالیجناب [illegible] میرزا محمد علی خان وزیر نظام نوشته که [illegible] معتمد الدوله فرمانفرما در حینی که عهدنامه ارزنة الروم [illegible] صورت قرارداد
نظامی دولتین و وکلای [illegible] محقق الاطلاع نوشته ارزنة الروم فرستاده و جناب جلالتمآب وزیر مختار دولت بهیه انگلیس ... علیه
و تکلیف [illegible] اولیای دولت علیه هم [illegible] و تبدیل لفظ [illegible] و ممضی داشتند که این [illegible] فرستاده که از قرار
و وکیل دولت علیه روم مهر و مبادله کند و [illegible] دولتین که وزرا و وکلای [illegible] محقق الاطلاع نوشته [illegible] تکلیف کرده
اولیای دولت علیه تصدیق داشتند که [illegible] قرارنامه به این [illegible] مهر و مبادله خواهند [illegible] موقع خواهد [illegible] صحت قرار
نامه مهر و مبادله شده و در [illegible] جناب جلالتمآب [illegible] وزرای [illegible]
[illegible] وزیر مختار دولت بهیه انگلیس [illegible] دولت علیه عثمانی [illegible]
که در فقره [illegible] قرارنامه [illegible] دولت علیه ایران نوشته شده است [illegible] دولت علیه عثمانی
نوشته شده است [illegible] نوشته شده است که در حق آنها [illegible]
[illegible] جناب [illegible] وزیر مختار دولت بهیه انگلیس [illegible]
[illegible] نوشته که [illegible] قرارنامه موافق [illegible] که در [illegible] نوشته
شده است مندرج [illegible] قرارنامه [illegible] فقره [illegible] دولت علیه عثمانی [illegible]
[illegible] لازم باشد در حق [illegible] تا از هر نوع [illegible]
[illegible] دولت علیه عثمانی [illegible] و همچنین تعهد میکند [illegible] دولت علیه [illegible]
[illegible] دولت [illegible] برقرار باشد [illegible] ایران [illegible]
[illegible] از هر نوع ظلم و تعدی و بیحرمتی محفوظ باشند [illegible]
از طرف دولت ایران [illegible] حمایت [illegible] ممالک عثمانیه که لازم باشد [illegible]
[illegible] مکه مکرمه و مدینه منوره [illegible] عثمانیه [illegible] و وعده میکند که کافه اتباع [illegible] منصب و مأموریت [illegible]
مذکور باشد و در حق [illegible] و نیز دولت ایران تعهد میکند که در باب
[illegible] که از طرف دولت عثمانی در هر جا از ممالک ایران که لازم باشد [illegible]
ایران [illegible] در حق آنها [illegible] دولت علیه ایران تعهد میکند که [illegible] دولت علیه عثمانی
که در ممالک ایران [illegible] خواهد [illegible] و خواه در [illegible]
از هر گونه تعدی و بیحرمتی مصون [illegible] ۱۲۶۳
[illegible]

سند شماره ۴۷

تاریخ: ۱۰ ربیع‌الاول ۱۲۶۳

سواد نامه میرزاآقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس

روز جمعه دهم ربیع‌الاول ۱۲۶۳؛ دو طغرا به یک مضمون نوشته شد.

سواد کاغذ جناب آقای حاجی سلمه‌اللّه که به جنابان وزرای مختار دولت بهیّه روس و انگلیس نوشته‌اند. به شرح آن که: جناب جلالت و نبالت نصابا، مجدت و فخامت انتباها، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا معظما؛ درباب رفع قایله بین‌الدّولتین ایران و روم پس از آن که اولیای این دولت علیّه **به پاس احترام دو دولت بزرگ واسطه مدت شش سال صبر و حوصله کردند و برحسب خواهش و تمنای اولیای دو دولت فخیمه از بس حقوق مالی و ملکی درحالی گذشتند و به آن افتضاح که بر سر وکیل دولت علیه ایران آوردند هیچ نگفتند و هر طور خواهش کردند و دستورالعمل نوشتند و تغییر و تبدیل دادند قرارنامه را از قرار خواهش و فرمایش سفرا و وزرای مختار دولتین فخیمتین واسطه نوشتند** و اعلیحضرت قدرقدرت پادشاه ذیجاه ممالک انگلستان به لفظ مبارک در خانه پارلمنت فرمودند بحمداللّه امر مصالحه ایران و روم به واسطه سعی و اهتمام اولیای دولتین فخیمتین واسطه گذشت از قرار این فرمایش و این که خود اولیای آن دو دولت فخیمه دستورالعمل داده بودند یقین داشتم امر مصالحه گذشت و قرارنامه ممهوراً مبادله شده خواهد رسید باز چاپارهای سفارت آمد به هیچ وجه خبری نیاورد. علی‌اکبر سلطان چاپار این دولت هم وارد شد از قراری که عالیجاه مقرب‌الخاقان فرزندی میرزاتقی‌خان وزیر نظام نوشته است در این باب مطلقاً نقلی در آن جا نیست و اولیای دولت علیّه روم به هیچ وجه به فکر گذشتن کار مصالحه نیستند. لهذا دیروز اعلیحضرت قدرقدرت، قضا شوکت شاهنشاهی صان‌اللّه شوکته عن‌التناهی فرمودند که **زیاده از این تاب و تحمل جایز نیست** و حکم صادر شد که فرمان احضار عالیجاه میرزاتقی‌خان نوشته شود و علی‌اکبر سلطان بروند عالیجاه مشارالیه را بیاورد از این که استحضار این جانب لازم بود مراتب را اظهار داشت و انصافاً زیاده از این تصدیع دادن به وکلا و وزرای مختار دولتین

فخیمتین واسطه درست نبود و زیاده از این حوصله برای این دولت علیّه نمانده بود. عالیجاه میرزاتقی‌خان می‌آید اگر وقتی رجال دولت علیّه عثمانی مایل به مهر و مبادله قرارنامه بین دولتین شوند به واسطه سفرای دو دولت واسطه این امر را بگذرانند **و از این بیش راضی هم به این طور ذلت و حقیر نمی‌توان شد.** والسلام.

تحریراً فی شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۶۳.*

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، برگ a ۲۳.

۱۲۶۳

روز جمعه [illegible] ربیع الثانی

بطور اینکه مضمون نوشته شده

[illegible] دو کاغذ جناب [illegible] سلمه الله که بجناب وزرای دولتین بهیتین روس و انگلیس [illegible] شرح اینکه جناب

جلالت و نبالت نصاب [illegible] دستگاه [illegible] در باب رفع فایده

[illegible] دولتی در ایران [illegible] از اینکه اولیای دولت علیه پاس احترام دو دولت بزرگ واسطه مدت

[illegible] حوصله کرده [illegible] خواهش و تمنای اولیای دولت فخیمه از این حقوق [illegible] که داشتند و بانی

انقطاع [illegible] دولت علیه ایران [illegible] هیچ نگفتند و [illegible] خواهش کرده و دستور العمل نوشتند و بعد

[illegible] قرارنامه را [illegible] خواهش [illegible] وزرای مختار دولتین فخیمتین واسطه نوشتند و [illegible]

[illegible] در [illegible] فرمودند [illegible] امر مصالحه ایران و روم بواسطه سعی [illegible]

[illegible] دولتین فخیمتین واسطه [illegible] و اینکه خود اولیای این دولت فخیمه دستور العمل داده

بودند [illegible] مصالحه [illegible] قرارنامه [illegible] مبادله شده [illegible] هیچ خبری نیاورد

[illegible] سلطان [illegible] میرزا تقی خان وزیر نظام [illegible]

[illegible] دولت علیه روم هیچ [illegible] کار مصالحه نشستند لهذا [illegible]

[illegible] شوکت شاهنشاهی جل الله [illegible] فرمودند [illegible] حاضر [illegible] و حکم جاری شد

فرمان احضار عالیجاه میرزا تقی خان نوشته شود [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] لازم بود [illegible] وزرای مختار [illegible] فخیمتین

واسطه [illegible] دولت علیه [illegible] عالیجاه میرزا تقی خان [illegible]

دولت علیه عثمانیه [illegible] مبادله قرارنامه [illegible] دولتین [illegible] واسطه [illegible] دولت واسطه [illegible]

~~[illegible]~~ [illegible] ربیع الثانی سنه ۱۲۶۳

[illegible]

سند شماره ۴۸

تاریخ: ۱۰ ربیع‌الاول ۱۲۶۳

سواد نامه وزیر مختار روس به میرزاآقاسی

سواد کاغذ جناب وزیر مختار دولت بهیّه روسیه که به جناب حاجی نوشته‌اند.

به شرح آن که: جنابا، آن جناب مشفق شرحی نگارش فرموده، ضمناً اظهار داشته که اولیای دولت علیّه از طول گفتگوی مجلس ارزنةالروم خسته شده اراده دارند مقرب‌الخاقان میرزاتقی‌خان وزیر نظام را احضار نمایند. بر دوستدار مشکل است از آن جناب مخفی دارد این که، چه قدر، چنین اراده از صلاح دور است. در وقتی که سفراء دو دولت واسطه در استانبول به اهتمام تمام مشغول انجام امر مصالحه هستند احضار مقرب‌الخاقان مشارالیه از ارزنةالروم در چنین وقتی صورت آن خواهد داشت که بعد از زحمات و اهتمام چندین ساله خواسته باشند قطع مکالمه نموده راهی را اختیار نمایند که خلاف مصلحت و خیر واقعی دولت علیّه ایران باشد و نیز چون آنجناب به موجب شرحی که سه سال قبل از این مرقوم فرموده‌اند و سواد آن جوف این صحیفه است به سفرای دو دولت واسطه مقیم دارالخلافه واضحاً و صریحاً عهد کرده‌اند دو دولت علیّه مجلس مکالمه ارزنةالروم بدون صوابدید دولتین قوی شوکتین روس و انگلیس به هم نخواهد زد دوستدار بر خود لازم می‌داند آن جناب را پیش از وقت اطلاع دهد که هر حرکتی به قصد احضار میرزاتقی‌خان ظاهر شود خلاف آرزوی و رأی دولت بهیّه روسیه خواهد بود.

فی دهم شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۶۳.*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، 23 b.

عالیجاها عزتا [illegible] نوشته بودید رسید که [illegible] آنجناب مشفق شرح [illegible] [illegible]

که دولتین علیتین [illegible] از جمله گفتگوی [illegible] الروم [illegible] شده [illegible] الله مقرب الخاقان [illegible] را احضار

نموده است [illegible] [illegible] اینکه [illegible] از اطلاع [illegible] [illegible] که [illegible]

با اهتمام تمام مشغول انجام امر مصالحه [illegible] احضار مقرب الخاقان [illegible] دولت علیه الروم [illegible] صورت این خواهد

که بعد از [illegible] اهتمامات [illegible] خواهد باشد قطع [illegible] [illegible] که [illegible]

دولت علیه [illegible] باشد و نیز چون [illegible] مرقوم فرموده [illegible] حروف این [illegible]

[illegible] دولت [illegible] مقیم [illegible] [illegible] [illegible] الله [illegible]

[illegible] [illegible] آنجناب [illegible] اطلاع [illegible] که [illegible]

[illegible] شهر ربیع الاول ۱۲۶۳

سند شماره ۴۹

تاریخ: ۱۱ ربیع‌الاول ۱۲۶۳

سواد نامه وزیر مختار انگلیس به میزرا آقاسی

روز شنبه یازدهم ربیع‌الاول سنه ۱۲۶۳.

سواد کاغذ جناب وزیر مختار دولت بهیّه انگلیس که به جناب آقای حاجی نوشته شد، به شرح آن که: جنابا، کاغذی که دیروز آن جناب درباب احضار مقرب‌الخاقان میرزاتقی‌خان از ارزنة‌الروم به دوستدار مرقوم فرموده بودند رسید، این معنی در چنین وقتی که احتمال کلی می‌رود که رفع گفتگوها از مهر شدن قرارنامه انجام گیرد نه تنها نامناسب مصالح خود امنای دولت علیّه ایران، بل اثری از کسر احترام دولتین فخیمتین واسطه استنباط می‌تواند شد و یقین دارد که از طرف امنای دولت علیّه ایران به هیچ وجه مقصودی بر این نیست. هرچند این تأخیرات بی‌گمان بر وفق خواهش نباشد اما حوصله امنای دولت علیّه ایران که مصالح ایشان در انجام آنها محتوی است کمتر از حوصله دولتین علیّتین واسطه که مطلقاً مآل دولتی آنها در میان هست و فقط اصلاح دولتین دوست است نباید باشد. خواهشمند است که آن جناب، مشفق معظم را بخاطر آورد که بودن سفراء و وکلاء در ارزنة‌الروم در رفع شرارت و فسادی که در سرحدات به مرتبه عادت رسیده بود منفعت کلی حاصل کرده است چنانچه طالب آرامش مثل این که در این چند وقت شده است در سرحدات آذربایجان کی بوده است به مثل سامی که صاحب فراست و بصیرت هستند بی‌فایده است که در غفلت خواستن سفیر دولت ایران در وقتی که این قدر قشون از آذربایجان به طهران خواسته‌اند و اراده دارند که قشون را باز دورتر بفرستند اظهار کند و چنین می‌نماید که خبری را که ما همه این قدر طالب هستیم به زودی از ارزنة‌الروم خواهد رسید. از این سبب خواهش می‌نماید که دوستدار اعلام فرمایند که عالیجاه میرزاتقی‌خان در جای خود خواهد ماند ترجمه کاغذ آن جناب را در کار فرستادن خدمت جناب جلالتمآب و مکتوب پالمرستون می‌شد.

تحریراً فی ۱۱ شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۶۳.*

توضیحات:

۱. در اصل: پارلمستان

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، برگ ۲۴a.

روز شنبه [illegible] شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۳

مراسله عالیجناب وزیر مختار دولت بهیه انگلیس که بجناب آقا حاجی [illegible] بشرح اکرم جنابها [illegible] کاغذیکه در روز [illegible]
درباب حضور معتمد الخاقان میرزا تقی خان در ارزنة الروم مرقوم داشته در موقع [illegible] و در حینیکه [illegible] احتمال
کلی میرفت که رفع گفتگوها از عهده شان قرار نا انجام گردد نه تنها مناسب مصالح خود اولیای دولت علیه ایران
[illegible] احترام دولتین [illegible] اعظم انتظام می‌تواند شد و یقین دارد که از طرف اولیای دولت علیه ایران
[illegible] هرچند این اخبارات [illegible] خواهش [illegible] اما حوصله اولیای دولت علیه ایران
در مصالح [illegible] انجام آنها [illegible] کمتر از حوصله دولتین [illegible] که [illegible]
و فقط [illegible] نباید باشد خواهشمند است که [illegible] معظم [illegible] که [illegible]
در ارزنة الروم در رفع [illegible] دیگر [illegible] منفعت [illegible] چنانکه [illegible]
[illegible] اینکه در [illegible] آذربایجان [illegible] که [illegible]
[illegible] سفیر دولت ایران [illegible] از آذربایجان [illegible]
[illegible] اظهار [illegible] ارزنة الروم
[illegible] میرزا تقی خان در [illegible]
۱۲۶۳
[illegible] شهر ربیع الاول

سند شماره ۵۰

تاریخ: ربیع‌الاول ۱۲۶۳

سواد نامه میرزاآقاسی به وزیر مختار انگلیس

سواد کاغذ جناب آقای [حاجی] سلمه‌اللّه العالی که به وزیر مختار دولت بهیّه انگلیس نوشته‌اند. به شرح آن که: جنابا، شرحی که در جواب کاغذ دوستدار که درباره احضار مقرب‌الخاقان میرزاتقی‌خان نوشته بود، مرقوم داشته بودند که مبنی بر سه فقره بود واصل شد. مرقوم داشته بودند که احضار عالیجاه مشارالیه نه تنها نامناسب مصالح خود امنای دولت علیّه ایران بل اثری از کسر احترام دولتین فخیمتین واسطه استنباط می‌شود. ثانی: نوشته بودند هرچند این تأخیرات بی‌گمان بر وفق خواهش نباشد اما حوصله امنای دولت علیّه ایران که مصالح ایشان در انجام آنها محتوی است کمتر از حوصله کارگذاران دولتین بهیّتین واسطه که منظورشان جز اصلاح دولتین دوست است نباید باشد. ثالث: اشعار رفته بود که بودن سفراء و وکلاء در ارزنة‌الروم و رفع شرارت و افسادی که در سرحدات به مرتبه عادت رسیده[1] بود منفعت کلی حاصل کرده است. بنابراین لازم شد که باز درباب فقرات مرقومه تصدیع بدهد جواب بنویسد. اولاً: که گفتگوی مصالحه بین‌الدّولتین که در سنه ۱۲۵۹[1] شروع شد، هرچه اولیای دولتین فخیمتین به دولت علیّه از خسارات مالی و رجالی و ملکی و صبر و تحمل تکلیف و گذشت نمودن همه را قبول فرمودند اما هرچه رجال دولت علیّه عثمانی تکلیف کردند هیچ یک را قبول ننمودند و اعتنایی نکردند. اولیای دولتین فخیمتین واسطه به آنها نفرمودند باعث کسر احترام دولتین فخیمتین واسطه [است] اما از این طرف که وقت خواستند وکیل خود را به دارالخلافه احضار نمایند وزرای مختار دولتین بهیّتین واسطه نوشتند باعث کسر احترام دو دولت واسطه است. ادراک دوستدار از فهم این نکته قاصر است. این که مرقوم داشته حوصله دولت علیّه ایران نباید کمتر از حوصله کارگذاران دولتین بهیّتین که جز اصلاح منظورشان چیزی نیست نباید باشد. دوستدار این حوصله را حمل بر اصول دوستی می‌نماید والّا معلوم است که در کارهای دولتی خودشان چه قدر اهتمام و استعجال دارند جز تأویل فکری دیگر به خاطر دوستدار نمی‌شد. ثالث: این که مرقوم داشته بودند، بودن سفراء و وکلاء در ارزنة‌الروم در رفع

شرارت و افسادی که در سرحدات به مرتبه عادت رسیده[۳] بود، منفعت کلی حاصل کرده است مورث تعجب و تحیّر دوستدار گردید زیراکه اگر در زمان غیبت وکلاء و سفراء خر و گاو در سرحد سرقت می‌شد در ایام حضور آنها به مراقد پیشوایان و بزرگان دین ما توپ بستند و رجال و نسوان ما را قتل کردند و به اسیری بردند و اموال آنها راکه به کرورات می‌رسید نهب و غارت کردند، بر سر وکیل ما چه افتضاح بود که نیاوردند و همچنین در این اوقات از قراری که به تواتر از عراق عرب خبر می‌رسد که در چند جا دزد بر سر زوّار تبعه دولت علیّه ریخته خود آنها را کشته‌اند و مال آنها را به غارت بردند و بر سر جسرها و معبرها از فتنه و کلک، زیادتیها نمود [ند،] آنچه خواسته‌اند به صیغه باج گرفته‌اند و می‌گیرند و اسم آن است که هر نفری شش عباسی پول بلیط می‌گیرند اما رسماً نفری پنج‌هزار در چندین جا پول بلیط از اینها می‌گیرند و تا حال معادل بیست هزار تومان پول بلیط گرفته‌اند و مکرر عریضه زوّار از بدرفتاری بیجا و بی [حساب] اینها می‌رسد. حقیقتاً خوب منفعتی از بودن وکلاء در ارزنةالروم حاصل کرده‌ایم. علی ایّ التقادیر دولت علیّه عثمانی هرگز با دولت علیّه سازگار و درست رفتار نخواهد شد و اگر قرارنامه هم به مهر برسد ترک این بدعت‌ها و بدرفتاریها را نخواهند کرد. باری از بودن و نبودن میرزاتقی‌خان در ارزنةالروم تفاوتی برای دولت علیّه ندارد زیاد چه مصدع اوقات آن جناب شوم.

تحریراً فی شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۶۳.*

توضیحات:

۱. در اصل: نرسیده؛ با توجه به مضمون و محتوی سند قبلی کلمه «رسیده» صحیح است.

۲. در اصل: ۱۲۵۷؛ این تاریخ اشتباه است. زیراکه درباره تشکیل کنفرانس ارزنةالروم اواخر ۱۲۵۸ تصمیم گرفته شد و مجلس اول مذاکرات در ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۵۹ با افتتاح کنفرانس آغاز گردید.

۳. در اصل: نرسیده

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، برگ ۲۷ a.

در باب

سواد [illegible] که به وزیر مختار دولت بهیه [illegible] لکه جنابا شرحی که در جواب [illegible] مرقوم داشته بودند در باره

احضار سفرای [illegible] از ارزنة الروم نوشته بود مرقوم داشته بودند و مبنی بر سه فقره بود و اینطور مرقوم داشته بودند که احضار ایشان را

به تنهائی مناسب مصالح خود امنای دولت علیه ایران [illegible] احترام دولتین فخیمتین [illegible] اطلاع [illegible] تا نوشته بودند [illegible]

[illegible] حصول [illegible] دولت علیه ایران که مصالح ایشان در انجام [illegible] کمتر از حصول

کارگذاران دولتین علیتین واسطه که منظور نظر [illegible] دولتین دولت است [illegible] ثالث اینکه [illegible] بودن سفرا و وکلا

در ارزنة الروم و رفع شرارت و فتنه‌ای که در سرحدات [illegible] مرتبه عداوت [illegible] منفعت کلی حاصل گردیده است بنا بر این لازم شد

که باز در باب فقرات مرقومه تصدیع [illegible] که گفتگوی معامله‌های دولتین که در سنه ۱۲۵۸ شروع شده هر چه از اول

دولتین فخیمتین [illegible] دولت علیه [illegible] تکلیف و گذشت نمودن [illegible] اما هر چه [illegible]

دولت علیه [illegible] تکلیف کردند [illegible] قبول نمودند و اعتنا نکردند [illegible] دولتین فخیمتین با آنها [illegible] باعث کسر

احترام دولتین فخیمتین [illegible] وقت خواسته [illegible] احضار [illegible] دولتین فخیمتین

واسطه نوشته باعث کسر احترام دولتین [illegible] است ادراک [illegible] اینکه مرقوم داشته [illegible] دولت علیه ایران

بنا بر [illegible] کارگذاران دولتین [illegible] که منظور [illegible] باشد [illegible]

[illegible] معلوم است که در کارهای دولتی خود [illegible] اهتمام و استعجال [illegible] جز تأخیر [illegible] از طرف

ثالث اینکه مرقوم داشته بودند بودن سفرا و وکلا در ارزنة الروم در رفع شرارت و فتنه‌ای که در سرحدات [illegible] مرتبه عداوت [illegible] بود

منفعت کلی حاصل کرده است [illegible] تجربه [illegible] زیرا که [illegible] وکلا و سفرا [illegible] در سرحد

سرقت [illegible] حضور آنها [illegible] بزرگان دین ما [illegible]

و احوال آنها را که [illegible] نهب و غارت کرده [illegible] و همچنین [illegible] اوقات [illegible]

[illegible] از عراق عرب [illegible] که در [illegible] دولت علیه [illegible] خود آنها را کشته‌اند و مال آنها را غارت

و در سرحد [illegible] و وکلای [illegible] که خواسته‌اند [illegible] کرده‌اند [illegible] هر نفری [illegible] لیره

میگیرند اما [illegible] نفری [illegible] لیره [illegible] میگیرند و تا حال [illegible] هزار [illegible] لیره گرفته‌اند [illegible]

[illegible] حقیقت خوب منفعتی از بودن وکلا در ارزنة الروم حاصل کرده‌ام [illegible] دولت علیه عثمانیه

هرگاه با دولت علیه [illegible] رفتار [illegible] خواهش [illegible] قرارنامه [illegible] ترک این بدعتها [illegible] خواهند کرد

[illegible] در ارزنة الروم [illegible] دولت علیه [illegible] اوقات آنجناب [illegible]

سند شماره ۵۱

تاریخ: ربیع الاول ۱۲۶۳

سواد نامه میرزاآقاسی به وزیر مختار روس

سواد کاغذ جناب آقای حاجی سلمه‌اللّه العالی که به جناب وزیر مختار دولت بهیّه روسیه نوشته شد؛ به شرح آن که: جنابا، در جواب شرحی که دوستدار در باب احضار مقرب‌الخاقان میرزاتقی‌خان وکیل دولت علیّه از ارزنةالروم به آن جناب فقراتی مرقوم داشته بودند که همه مشعر بر این بود که اگر عالیجاه مشارالیه احضار شود در چنین وقتی که سفراء دو دولت واسطه به اهتمام تمام مشغول انجام امر مصالحه هستند از صلاح دور است و باعث کسر احترام دولتین فخیمتین واسطه؛ و از این که خود گفته است مجلس مکالمه ارزنةالروم را بدون صوابدید دولتین بهیّتین روس و انگلیس بهم نخواهد زد؛ این قصد خلاف اراده و رأی دولت بهیّه روسیه خواهد بود. دوستدار کمال تحیّر را دارد و نمی‌داند از چه راه این طور مصلحت دیده‌اند که با این که در سه سال قبل از این در کاغذ محبان استظهاری ویس شانسلیه غراف نسلرود که بالفعل در دست است مرقوم شده است که اعلیحضرت قدرقدرت قضا شوکت امپراطوری فرمودند دولت علیّه ایران صبر ملوکانه کردند و زیاده از حد حوصله نمودند و با این که در این مدت هرچه تکلیف از گذشت مالی و رجالی و ملکی و صبر و تحمل با اولیای این دولت علیّه نمودند همه را قبول کردند که رضای خاطر اولیای دولتین فخیمتین واسطه به عمل آید و نگویند که [کسر] احترام ما شده است اما هرچه تکلیف به دولت علیّه عثمانی کرده‌اند هرگز نپذیرفته‌اند و اعتنایی به صوابدید وکلای دو دولت فخیمه واسطه نکرده‌اند به آنها، نشنیده است که گفته باشد کسر احترام دولت ما شده است. ادراک دوستدار از فهم این نکته قاصر است. چرا با او چنان؛ با ما چنین‌اند. اهتمامات سفراء و وزراء و وکلاء در انجام این امر بی‌حاصل است اگر آنها احترام از دو دولت فخیمه واسطه مسطور می‌داشتند، قضیه قتل و نهب مشاهد مقدسه پیشوایان ما به ظهور نمی‌رسید، آن طور افتضاح بر سر وکیل دولت علیّه نمی‌آوردند. ده، بیست هزار تومان پول بی‌حساب به اسم پول بلیط از زوّار تبعه دولت علیّه ایران نمی‌گرفته در سر

معبرها و جسرها به هزار اسم و رسم بدعتها نمی‌گذاردند. پولها نمی‌گرفته آنها را نمی‌کشتند مالهای آنها را نهب و غارت نمی‌کردند چنین تصور کنید که قرارنامه هم مهر شد حاصلی ندارد و دولت علیّه روم دست از حرکات و ناسازگاری و بدرفتاری خود برنمی‌دارند. هرچه اولیای دو دولت فخیمه به آنها نصیحت کنند سودمند نخواهد بود. این نه موسی است؛ کز آتش بکند ترک عمل. دولت علیّه ایران می‌توانند از یک نوکر خود بگذرند فکر اصلی باید کرد.

تحریراً فی شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۶۳.*

* ـ سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، برگ ۲۷ b.

سواد کاغذ جناب آقا حاجی سلمه الله که بجناب وزیر مختار دولت بهیه انگلیس نوشته‌اند شرح آنکه جناب با در جواب [illegible] نوشته [illegible]

[illegible] حضرات [illegible] دولت علیه ایران [illegible] با کاغذ [illegible] مرقوم داشته بودند [illegible]

در حینی [illegible] سفرا [illegible] با اهتمام تمام [illegible] از صلح [illegible] احترام [illegible] و اسطه

[illegible] گفته است [illegible] دولت روم [illegible] انگلیس [illegible]

[illegible] از چه [illegible] این طور مصلحت دیده‌اند [illegible]

[illegible] مرقوم شده است [illegible]

دولت علیه ایران [illegible] و با آنکه [illegible]

[illegible] دولت علیه [illegible] احترام [illegible]

[illegible] دولت فخیمه [illegible] احترام [illegible]

اوراک [illegible] چرا با [illegible] اهتمامات سفرا و وزرا [illegible]

از دولت فخیمه [illegible]

ده [illegible] هزار [illegible] دولت علیه ایران [illegible]

[illegible] قرار [illegible]

[illegible] دولت فخیمه [illegible]

[illegible] دولت علیه ایران [illegible] تحریراً فی شهر ربیع الاول ۱۲۶۳

سند شماره ۵۲

تاریخ: ۲۵ ربیع‌الاول ۱۲۶۳

سواد نامه میرزا آقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس

روز شنبه ۲۵ شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۶۳.

سواد و طغراء کاغذ جناب آقای حاجی سلمه اللّه که به جنابان وزرای مختار روس و انگلیس به یک مضمون نوشته‌اند. به شرح آن که: جنابا؛ نمی‌داند اولیای دو دولت بزرگ واسطه این قدرها خفت و بی‌احترامی را در حق دولت دوست همجوار خود روا می‌دارند و حال آن که به قدر ذره در حق خود روا نمی‌دارند. دوستدار مکرر به جنابان وزرای مختار دو دولت فخیمه زحمت داده و نوشت که دولت علیّه عثمانی هرچه خواست در این مدت خلاف دوستی و نقض عهود مقرره نسبت به دولت علیّه کرده و در اثنای گفتگوی مصالحه ارزنة‌الروم و اجماع و اجلاس وکلا به قتل و نهب اهالی کربلای معلا که اکثر آنها رعیت دولت علیّه بودند اقدام نمود، به این عمل شنیع اکتفا نکرده قشون فرستاد چند بلوک کردستان را قتل و غارت کرد به این هم قانع نشد بنای مهمان‌کشی گذاشت و آن طورها با وکیل دولت علیّه میرزاتقی‌خان رفتار کرد که از تفصیل ماجرا استحضار دارند و می‌دانند که هیچ دولتی با مهمان خود این طور رفتار نکرده است. از اینها گذشته حاجی نجیب‌پاشا در بغداد معادل بیست هزار تومان پول به اسم بلیط باج سر راه و معابر گرفت با این که دیناری از اتباع دول سایره نگرفت. اولیای دولت علیّه هر وقت به مقام تلافی برخواستند، از جنابان وزرای مختار اظهار می‌گردد که در حق دو دولت فخیمه واسطه بی‌احترامی می‌شود چنانچه در همین روزها کاغذ مفصلی به آنجناب نوشت که دولت علیّه عثمانی با دولت علیّه صلح و سازش دارد. بهتر است که وکلای دو دولت فخیمه واسطه زیاد از این تصدیع نکشد و عالیجاه میرزاتقی‌خان از ارزنة‌الروم بیاید، جناب سامی در جواب نوشتند که حال کار قریب به اتمام است و امید کلی است که در همین روزها خبر اتمام کار برسد. این روزها در عوض وصول اتمام کار، وصول اعلام جنگ از جناب حاجی نجیب‌پاشا می‌رسد به این معنی که کشتی جنگی که سابقاً در شط العرب مقابل محمره برای

منع دخول کشتی تجارتی به بندر مزبوره گذاشته بود و به توسط آن جناب از آنجا برده است. باز همان کشتی جنگی را به شط العرب فرستاده است که در آن جا لنگر اقامت انداخته که نگذارد مال‌التجاره به بندر مزبور فرود آورند حال از آن جناب دوست مشفق معظم که بحمدالله تعالی به حسن انصاف و دانش موصوف هستند سؤال می‌کند که هیچ دولتی در ایام صلح این طور رفتارها را درباره خود قبول می‌کند که دولت علیّه ایران بکند اگر چه اولیای دولت علیّه بعون اللّه تعالی به هیچ وجه عجز و قصورات از تلافی و معارض به مثل ندارد ولی نمی‌خواهند که اولیای دو دولت فخیمه [بگویند که] به ما کسر احترام شده است. حال از آن جناب متوقع است بـه آن جـناب وزیـر بـغداد بنویسند کشتی جنگی را از محمره بردارند یا اگر قبول نکنند کشتی خود را بردارنـد. سـرحـداران دولت علیّه کشتی جنگی آن دولت علیّه را به زور از آنجا بیرون کنند، نفرمایند به ما کسر احترام شده است.

تحریراً فی شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۶۳.*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، برگ ۳۰ b.

روز شنبه ۲۵ شهر ربیع الاولی سنه ۱۲۶۳

[illegible]

سند شماره ۵۳

تاریخ: ۱۹ ربیع‌الثانی سنه ۱۲۶۳

نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا، معظما؛ خیلی باعث راحت و زود گذرانیدن امر ارزنة‌الروم است که آن جناب مشفق معظم به عالیجاه میرزاتقی‌خان تعلیقه بنویسند که آن دو فصل دیگر را به قرارنامه ملحق کند. فصل دهم این است که بعد از طرفین وکلاء معین شوند از برای گذرانیدن مابقی از امثال جزئیات و غیره و چون همین قرار سابق است که قرار شده است. البته امنای دولت علیّه مضایقه نخواهند کرد. فصل یازدهم که تا مدت دو ماه طرفین امضا را مبادله نمایند و این فقره صریح موافق قاعده است و در جمیع عهدنامه و قرارنامه‌ها ذکر می‌کنند و در اینجا هم باید ذکر شود. امید دارد که امنای این دولت علیّه این دو فقره جزئی را قبول خواهند کرد زیرا که ایراد کردن و معطّل داشتن در سر هر جزئی، که قابل گفتگو نیست. بدانید این است مطالب عمده که گذشته است. این جزئیات را نباید این قدر ایراد کرد و امر را به تعطیل و تعویق انداخت. چون لازم بود اظهار داشت.

تحریراً ۱۹ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۶۳.*

[در حاشیه سند] و در جوف سواد آن دو فقره را ارسال داشت.

[مهر پشت سند] جستن شیل

* . صندوق ۶ پوشه ۳.

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصاب مجدت [illegible] شفیق معظما

[illegible] باعث راحت و ورود [illegible] ارزنة الروم است [illegible] شفیق معظم [illegible] میرزا تقی خان [illegible]



[illegible] فصل [illegible] ملحق [illegible] فصل دوم این است [illegible] طرفین و ملاحظات [illegible]

[illegible] جزئیات و غیره و چون [illegible] قرار سابق [illegible] قرار شده است [illegible] دولت علیه [illegible] گذاشته کرد

فصل دوم [illegible] مدت [illegible] طرفین [illegible] مبادله [illegible] و این فقره صریح [illegible] قاعده است و در جمیع عهدنامه‌ها و قرارنامه‌ها

ذکر [illegible] دولت علیه این فقره [illegible] قبول [illegible] زیاده [illegible] کردن

و مطول داشتن [illegible] هر جزئی [illegible] مطالب عمده [illegible] انجام [illegible]

ایراد [illegible] تعطیل و تعویق [illegible] لازم [illegible] ۱۶ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۶۳

[illegible]



سند شماره ۵۴

تاریخ: ۱۹ جمادی‌الاول ۱۲۶۳

سوادنامه میرزا آقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس

سواد کاغذی که جناب آقا به وزرای مختار دولتین بهیّتین روس و انگلیس نوشته‌اند. تاریخ ۱۹ شهر جمادی‌الاول سنه ۱۲۶۳. به شرح آن که: جنابا، درباب مبادله و مصالحه فیمابین دولتین علیّتین ایران و روم مکرر عذر زحماتی که وکلای دولتین فخیمتین واسطه کشیده‌اند از آن جناب جلالتمآب خواسته شده است و این معنی بر آن جناب مشفق معظم ظاهر و آشکار است که در این مدت شش سال سکوت و مدارا است. امنای این دولت علیّه هیچ باعثی نداشته است مگر رعایت حرمت وکلای دولتین فخیمتین واسطه، والا هرگز امنای دولت علیّه راضی بـه ایـن گـونه بـدنامی نمی‌شدند. از حسن انصافی که آن جناب دارند انصاف دهند که دیگر از جانب امنای دولت علیّه خلافی در این مدت شش سال واقع شده است. **عالیجاه میرزاتقی‌خان در ارزنة‌الروم پوسید و آخر به جایی نرسید.**[1] هرچه خواست او را احضار نماید به مراعات حرمت وکلای دولتین فخیمتین واسطه و خواهش آن جناب معظم که مکرر نوشته‌اند که اگر میرزاتقی‌خان احضار شود برحسب بی‌احترامی و کسر وکلای دولتین فخیمتین واسطه می‌شود اولیای دولت علیّه احضار او را موقوف داشته، حال تأمل از حد گذشت. دیگر پیش از این اولیای دولت علیّه به بدنامی خود راضی نمی‌شوند و نخواهند شد و آن جناب هم راضی نشوید. از راه این که بعد از این نفرمایند که اولیای دولت علیّه زحمات ما را منظور نکردند و میرزاتقی‌خان را احضار کردند لهذا لازم شد که آن جناب را از مراتب آگاهی دهد که آنچه لازمه احترام بود از وکلای دولتین فخیمتین واسطه اولیای دولت علیّه منظور کردند، اگر اولیای دولت علیه روم منظور نکردند چه بحثی به اولیای این دولت علیّه وارد می‌آید. الحمدالله بر آن جناب معلوم است که منظور اولیای این دولت علیّه بر گذشتن امر بود و منظور اولیای دولت علیّه روم بر کید و خلاف. حال از جانب اولیای دولت علیّه علی‌اکبر سلطان مأمور است که به چاپار رفته میرزاتقی‌خان را به دربار همایون بیاورد و دیگر وکلای دولتین فخیمتین واسطه چه ایراد دارند. در

این شش سال هرچه گفتند اولیای این دولت شنیدند حال اگر کسر احترام وکلای دولتین فخیمتین واسطه را اولیای روم منظور بکنند به اولیای این دولت جای بحث نیست، [چون] لازم بود [اظهار شد].

به تاریخ ۱۶ شهر جمادی‌الاوّل زحمت داد.*

توضیحات:

۱. به اعتقاد راقم این سطور نوشته‌ها و اظهارنظرهای متفاوت و گاه متناقض و بعضاً توأم با اشتباهِ حاجی میرزا آقاسی ـ در این سند و نیز در بسیاری از اسنادِ این مجموعه ـ که در طول برگزاری کنفرانس ارزنة‌الروم از جانب او صادر و یا بیان شده است؛ از هر حیث قابل نقّادی جدی است.

شاید یکی از کاربردهای مهم اسناد این مجموعه، سنجش میزان توانایی و عدم توانایی میرزاآقاسی ـ به تعبیر خود او: اول شخص مملکت ـ در زمینه دیپلماسی باشد.

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، برگ ۳۸ a.

سند شماره ۵۵

تاریخ: ۹ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳

نامه وزیر مختار روسیه به حاجی میرزاآقاسی

جناب جلالت و نبالت نصابا، کفایت و کفالت انتسابا، محبان نوازا، دوستان استظهارا، معظم مشفقا، اعتضادا، مهربانا؛

دوستدار تا به حال مکرر بـه آن جـناب مشـفق مـعظم اظـهار داشت کـه احـضار عـالیجاه مقرب‌الخاقان میرزاتقی‌خان بی‌موقع می‌باشد. در حین مکالمه که در استانبول[1] درباب مقدمه روم می‌شود و نیز بیان نمود جهاتی که دوستدار را بر آن واداشت که به آن جناب سامی معلوم نماید خلل عظیمی را که از برای دولت علیّه ایران می‌تواند حاصل شود چنانچه دربرهم‌زدگی سبقت نمایند و فی‌الحقیقه مادامی که دو دولت فخیمه روس و انگلیس مشغول هستند به امر مصالحه که باطناً طالب می‌باشند. آیا این معنی مناسب می‌باشد که دو دولت علیّه ایران این قدر کم اعتنایی به زحمات آنها بکنند که به واسطه برهم‌زدگی فوری و عدم صبر حکیمانه انتظار آخرین نتایج آن دو دولت بزرگ را نکشد. با وجود این همه مراتب مرقومه آن جناب مجدداً به موجب شرحی که در این روزها رسید به دوستدار اعلام و اظهار داشتند که اولیای دولت علیّه ایران می‌خواهند عالیجاه مـیرزاتـقی‌خان را از ارزنةالروم احضار فرمایند نظر به کمال وداد و اتحادی که فیمابین دولتین بهیّتین روس و ایران ممهد و موکد است وظیفه دوستدار این است که آن جناب مشفق مکرم را تکلیف نماید کـه زیـاد از ایـن تحمل فرمایند در امری که به واسطه شدت تعجیل و شتاب می‌تواند به آسانی به طوری ضایع شود که علاج‌پذیر نخواهد بود. مکالمه هر امر خطیر باشد چندی طول بکشد دوسـتدار را غـیرمقدور است که اقرار نماید به این معنی که از برای دولت علیّه ایران مدعی حاصل خواهد شد از این که با حوصله منتظر می‌باشد نتیجه مقدمه که پای توسط دو دولت بزرگ در میان است ولکن دوسـتدار مجدداً تکرار می‌نماید که خطر واقعی از برای دولت علیّه ایران خواهد بود اگر نـخواهـد مـوافـق صلاحدید آن دو دولت واسطه رفتار کند. درباب این که آن جناب سـامی مـی‌خواهـند قشـون بـه

سرحدات دولت علیّه روم مأمور فرمایند به نظر دوستدار چنین می‌آید که این معنی منافی تدبیرات حکیمانه است. اگر از قرار اخباراتی که از استانبول رسید دولت روم را واقعاً فرصت بدست آمده که چندین هزار قشون به سمت کردستان روانه نماید مقصود آن معلوم است که فتنه آشکار بدرخان بیک را ساکت کند و از جانب وان نیز ظاهراً فساد عمده اعانت و کمک[۲] قشون را از طرف دولت علیّه روم اقتضا نمود. درباب پنجاه هزار قشون که گویا در ارزنةالروم جمع شده باشند اعتقاد دوستدار این است که این حکایتی است که عمدتاً اختراع کرده‌اند که خاطر آن جناب را مشوش نمایند به جهت این که این گونه جمعیت قشون زیاد از قوه عسکریه دولت علیّه روم خارج است و مأمور دولت بهیه روسیه که در ارزنةالروم متوقف است. حرفی در مراسله‌جات خود که به دارالخلافه انفاذ داشته است مذکور ساخته است. زیاد زحمت‌افزا گردید.

تحریراً فی ۹ شهر جمادی‌الآخر من شهور سنه ۱۲۶۳.*

توضیحات:

۱. در اصل: اسلامبول

۲. در اصل: کومک

[مهر پشت سند] وزیر مختار دولت بهیّه روسیه کنیاز دوالغاروکی

---

* . صندوق ۶ پوشه ۳، همچنین سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، برگ ۴۲ a.

جناب جلالت و نبالت نصاب کفایت و کفالت انتساب مجدت و نجابت نواز دوستان اظهار [illegible]

دوستدار تا بحال مکرر بآنجناب شفیق معظم اظهار داشت که [illegible]

میرزا تقی خان [illegible] موقع می‌باشد در حین مکالمه در اسلامبول درباره [illegible]

وزیر بیان نمود چنانکه دوستدار از این واداشت که بآنجناب معلوم [illegible]

دولت علیه ایران نمی‌تواند حاصل شود چنانچه در رهبردگی سفارت [illegible]

دو [illegible] تا وقتیکه دولت فخیمه روس و انگلیس مشغول هستند [illegible]

با اطلاعات می‌باشند آیا این معنی باعث نمی‌باشد دولت علیه ایران

این قدر لازم [illegible] زحمات انها نکند بواسطه رهبردگی فوری و عدم [illegible]

حکیمانه انتظار آخرین نتایج اند دولت بزرگ را نکشد با وجود اینکه [illegible]

مرقومه آنجناب محترمه [illegible] بموجب شرحی که این روزها رسید بدوستدار [illegible]

اظهار داشتند که اولیای دولت علیه ایران نمی‌خواهند [illegible] میرزا تقی خان [illegible]

از ارزنه الروم احضار فرمایند نظر بکمال وداد و اتحاد [illegible]

و ایران متعهد و موکد است وظیفه دوستدار این است که آنجناب [illegible]

تکلیف نماید زیاده از این تحمل فرمایند در اینکه بواسطه شدت [illegible]

نمی‌تواند باین طور ضایع شود علاج پذیر نخواهد بود مکالمه [illegible]

طول نکشیده برقرار غیر مقدور است که اقرار نماید بدین معنی [illegible]

علیه ایران تحصیل خواهد شد [illegible] منتظر می‌باشد نتیجه [illegible]

توسط دو دولت بزرگ در میان است [illegible]

خلاف [illegible] اولیای دولت علیه ایران خواهد بود [illegible] موافق صلاح [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سند شماره ۵۶

تاریخ: ۹ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳

سواد نامه وزیر مختار روس به میرزاآقاسی

جواب مراسله وزیر مختار روس که [به] جناب آقای [حاجی] نوشته‌اند. به تاریخ ۹ شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۲۶۳ به شرح آن که: جنابا، از رسیدن جواب مراسله دوستدار و اهتمام در نیاوردن عالیجاه میرزاتقی‌خان وزیر نظام از ارزنةالروم و تأکیدات بسیار در این باب که اولیای دولتین فخیمتین زحمات زیاد در این شش سال برای اصلاح بین‌الدّولتین ایران و عثمانی کشیده‌اند بی‌جهت ضایع نشود، سبب مزید خجلت دوستدار گردید. بلی احدی را یارای انکار این مراحل نمی‌شد و از این جهت کمال امیدواری به اتحاد و یک‌جهتی امنای دولت فخیمه روسیه با اولیای دولت علیّه ایران حاصل آمده معلوم است که هیچ وقتی و هیچ حالی مغایرت فیمابین دولت فخیمه روسیه و دولت علیّه ایران نخواهد بود و هرگز احدی از امنای دولت علیّه ایران راضی به رنجیدگی خاطر شریف اولیای دولت فخیمه روسیه نخواهد شد. اما این مطلب بسیار جای تحیّر می‌باشد که عهود موثقه میان دولتین علیّتین ایران و روم استقرار نیافته و کاغذها از طرفین مبادله نشده و شروط مقرره به عمل نیامده یک دفعه استحضار به هم رسد که لشکر فراوان و تدارک شایان به ولایت وان که سرحد دولت روم و ایران است حاضر شود. تکلیف اولیای دولت علیّه ایران چه خواهد بود. مثلاً با کمال اتحاد دولتین علیّتین روس و ایران و بودن عهود موثقه در میان اگر پنجاه هزار قشون با توپ و توپخانه در سرحد آذربایجان در کنار رود ارس مجتمع آید، اگر اولیای دولت فخیمه روسیه از این اجتماع لشکر با کمال اطمینان از طرفین استفسار بفرمایند اولیای دولت علیّه ایران هم با عدم وثوق و عدم مبادله عهدنامه ساکت بوده استفسار نمایند و در فکر جمع‌آوری لشکر و طلبیدن عالیجاه میرزاتقی وزیر نظام باشد. والا چگونه عاقلی، بر خود می‌پسندد که با این اوضاع سلوک نماید و در فکر تدارک خود نباشد. با این که از بزرگان دولتهای فخیمه دیگر اظهاری که فرستادن قشون به تنبیه

طوایف حالیه یموت و کوکلان خالی از رویه احتیاط است، زیرا که قشون دولت علیّه عثمانیّه در سرحدات اجتماعی دارند، مبادا غائله از آنها به دولت علیّه ایران وارد آید. اگر آن جناب جلالتمآب و سایر بزرگان دولتهای دیگر را کمال اطمینان در این باب ....[1] زحمت کشیده دستخط به ضمانت اولیای دولت فخیمه خود مرقوم دارند که اگر غایله رو دهد خود رفع آن بردارند به جهتی در این باب دوستدار را مجاب خواهند فرمود، والا این علامات و حرکات اولیای دولت علیّه عثمانیّه خارج از قانون دوستی می‌نماید، مهم زحمت به آنجناب جلالتماب بدارد.*

توضیحات:

۱. دو کلمه خوانده نشد.

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، برگ a ۴۳.

[illegible] ۱۲ ربیع الثانی [illegible] از روسی [illegible]

[illegible] که اولیای دولت [illegible]

[illegible] قشون روسیه [illegible]

ایران [illegible] قشون روسیه [illegible] دولت علیه ایران [illegible]

[illegible] قشون روسیه [illegible] دولت علیه ایران [illegible]

[illegible] دولت ایران است [illegible]

ایران [illegible] دولتین روس و ایران [illegible]

[illegible] قشون روسیه [illegible] دولت علیه ایران [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دولت علیه ایران [illegible]

[illegible]

[illegible] جواب [illegible]

سند شماره ۵۷

تاریخ: ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۲

سواد عهدنامه دوم ارزنةالروم

سواد قرارنامه فارسی که بین‌الدّولتین علیّتین ایران و روم استقرار پذیرفته به شرح آن که:

غرض از ترقیم و نگارش این کلمات خجسته دلالات آنکه از مدّتی به این طرف چون فیمابین سلطنت جاوید آیت سنّیه و دولت دوران مدّت علیّهٔ ابدی الدّوام با دولت علیّه عثمانی بعضی عوارض و مشکلات حدوث و وقوع یافته بود بر مقتضای التیام اساس دوستی و الفت و ضوابط سلم و صفوت و جهت جامعهٔ اسلامیّه که میان دولتین علیّتین در کار و افکار سلمیّه که طرفین علیّتین بدان متّصف می‌باشند بالسّویه این گونه موادّ نزاعیّه را بر وجه موافق و مناسب فخامت شأن دولتین علیّتین به تجدید تأکید بنیان صلح و مسالمه و تشیید ارکان موالات و مودت از جانب دولتین علیّتین اظهار برغبت و موافقت شده برای تنظیم و مذاکره و مواد عارضیّه و تحریر و تسطیر اسناد مقتضیه برحسب فرمان همایون اعلحضرت قدرقدرت کیوان حشمت مملکت‌دار مملکت‌گیر. آرایش تاج و سریر جمال‌الاسلام والسملین جلال‌الدّنیا والدّین، غیاث‌الحقّ والیقین، قهرمان الماء والطّین، ظل‌اللّه الممدود فی‌الارضین، حافظ حوزهٔ مسلمانی، داور جمشید جاه، داراب دستگاه، انجم سپاه، اسلام پناه، زیب بخش تخت کیان، افتخار ملوک جهان، خدیو دریا دل کامران، شاهنشاه ممالک ایران السّلطان بن السّلطان والخاقان بن الخاقان محمّد شاه ادام‌اللّه تعالی ایام‌سلطنته فی‌فلک الاجلال و زیّن فلک قدره بمصابیح کواکب الاقبال بندهٔ درگاه آسمان جاه میرزا محمدتقی‌خان وزیر عساکر منصورهٔ نظام و غیرنظام که حامل نشان شیر و خورشید مرتبهٔ اوّل سرتیپی و حمایل افتخار خاص نیز است، به وکالت مخصوص و مباهی گشته و نیز از طرف اعلیحضرت کیوان منزلت شمس فلک تاجداری بدر افق شهریاری پادشاه اسلام پناه سلطان البرّین و خاقان البحرین خادم‌الحرمین الشّریفین ذوالشوکة والشّهامة السّلطان ابن‌السّلطان بن‌السّلطان عبدالحمیدخان جناب مجدت مآب عزّت نصاب انوری‌زاده السیّد محمّد انوری سعداللّه افندی که از اعاظم رجال دولت علّیهٔ عثمانیّه و

حائز صنف اوّل از رتبهٔ اولی و حامل نشان مخصوص به آن رتبه است مرخص و تعیین شده بر وجه اصول عادیه بعد از نشان دادن و ملاحظه و مبادلهٔ وکالت‌نامه‌های مبارکه انعقاد معاهدهٔ مبارکه در ضمن نه فقرهٔ آتیه قرار داده شد که در این کتاب مستطاب بیان و در مجلس منعقدهٔ ارزنة‌الرّوم مبادله می‌شود:

فقرهٔ اول: دولتین اسلام قرار می‌دهند که مطلوبات نقدّیهٔ طرفین را که تا به حال از یکدیگر ادعا می‌کردند کلّیاً ترک کنند ولکن با این قرار به مقاولات تسویهٔ مخصوصهٔ مندرجه در فقرهٔ چهارم خللی نیاید.

فقرهٔ دوم[1]: دولت ایران تعهّد می‌کند که جمیع اراضی بسیطهٔ ولایت زهاب یعنی اراضی جانب غربی آن را به دولت عثمانی ترک کنند و دولت عثمانی نیز تعهّد می‌کند که جانب شرقی ولایت زهاب یعنی جمیع اراضی جبالیهٔ آن را مع درهٔ کرند به دولت ایران ترک کنند و دولت ایران قوّیاً تعهّد می‌کنند که در حقّ شهر و ولایت سلیمانیّه از هرگونه ادّعا صرف‌نظر کرده به حقّ تملّکی که دولت عثمانیّه در ولایت مذکور دارد وقتاً من‌الاوقات یک طور داخل و تعرّض ننمایند و دولت عثمانیّه نیز قوّیاً تعهّد می‌کنند که شهر و بندر محمره و جزیرة‌الخضر و لنگرگاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب یسار شط العرب را که در تصرّف عشایر متعلّقهٔ معروفهٔ ایران است به ملکیّت در تصرّف دولت ایران باشد و علاوه بر این حق خواهند داشت که کشتیهای ایران به آزادی تمام از محلّی که [شط العرب] به بحر منصّب می‌شود تا موضع التحاق حدود طرفین در شهر مذکور آمد و رفت نمایند.

فقرهٔ سوم[2]: دولتین متعاهدین تعهّد می‌کنند که به این معاهدهٔ حاضره سایر ادّعاشان را در حق اراضی ترک کرده از دو جانب بلاتأخیر مهندسی و مأمورین را تعیین نموده برای اینکه مطابق مادّهٔ سابقه حدود مابین دولتین را قطع نمایند.

فقرهٔ چهارم: طرفین قرار داده‌اند که خساراتی که بعد از قبول اخطارات دوستانهٔ دو دولت بزرگ واسطه که در شهر جمادی‌الاول سنهٔ هزارودویست و شصت از سالی که تأخیر افتاده برای اینکه مسائل آنها از روی عدالت فصل و احقاق حق شود از دو جانب بلاتأخیر مأمورین را تعیین نمایند.

فقرهٔ پنجم: دولت عثمانی وعده می‌کند که شاهزادگان ایران را در بُرسا اقامت داده غیبت آنها را از محل مذکور و مراودهٔ مخفیّه آنها را به ایران رخصت ندهند و از طرف دولتین علیّتین تعهّد می‌شود که سایر فراری به موجب معاهدهٔ سابقهٔ ارزنةالرّوم عموماً ردّ شوند.

فقره ششم: تجّار ایران رسم گمرک اموال تجارت خود را موافق قیمت حالیّه و جاریهٔ اموال مذکوره نقداً یا جنساً بوجهی که در عهدنامهٔ منعقدهٔ ارزنةالرّوم در سنهٔ هزارودویست‌وسی‌وهشت در مادهٔ ششم که دایر بر تجارتست مسطور شده اداکنند و از مبلغی که در عهدنامهٔ مذکوره تعیین شده زیاده وجهی مطالبه نشود.

فقرهٔ هفتم: دولت عثمانیّه وعده می‌کند که به موجب عهدنامه‌های سابقه امتیازاتی که لازم باشد در حق زوّار ایرانی اجرا دارد تا از هر نوع تعدّیات بری بوده بتوانند به کمال امنیّت محلهای مبارکه راکه در ممالک دولت عثمانی است زیارت کنند و همچنین تعهّد می‌کنند که به مراد استحکام و تأکید روابط دوستی و اتحاد که لازم است فیمابین دو دولت اسلام و تبعهٔ طرفین برقرار باشد مناسب‌ترین مسائل را استحصال نمایند تا چنانکه زوّار ایرانیّه در ممالک دولت عثمانیّه به جمیع امتیازات نایل می‌باشند سایر تبعهٔ ایرانیّه نیز از امتیازات مذکوره بهره‌ور بوده خواه در تجارت و خواه در موارد سایره از هر نوع ظلم و تعدّی و بی‌حرمتی محفوظ باشند و علاوه بر این بالیوزهایی که از طرف دولت ایران برای منافع تجارت و حمایت تبعه و تجّار ایرانیّه به جمیع محلهای ممالک عثمانیّه که لازم باشد نصب و تعیین شود بغیر از مکّهٔ مکرمه و مدینهٔ منوّره دولت عثمانیّه قبول می‌نمایند و وعده می‌کنند که کافّهٔ امتیازاتی که شایستهٔ منصب و مأموریت بالیوزهای مذکوره باشد و در حق کنسولها[۳]ی سایر دول متحابّه جاری می‌شود در حق آنها نیز جاری شود و نیز دولت ایران تعهّد می‌کند که بالیوزهایی که از طرف دولت عثمانیّه به جمیع محلّهای ممالک ایرانیّه که لازم بیاید نصب و تعیین در حق آنها و در حق تبعه و تجّار دولت عثمانیّه که در ممالک ایران آمد و شد می‌کنند معاملهٔ متقابله را کاملاً اجرا دارد.

فقرهٔ هشتم: دولتین علیّتین اسلام تعهّد می‌کنند که برای دفع و رفع و منع غارت و سرقت عشایر و قبایل که در سرحدّ می‌باشند تدابیر لازمه اتّخاذ و اجرا کنند و به همین خصوص در محلهای

مناسب عسکر اقامت خواهند داد و دولتین علیّتین تعهّد می‌کنند که از عهدهٔ هر نوع حرکات تجاوزیّه مثل غصب و غارت که در اراضی یکدیگر وقوع می‌یابد برآیند قرار دادند که عشایری که متنازع فیه باشد و صاحب آنها معلوم نیست بخصوص انتخاب و تعیین کردن محلّی که بعد از این دائماً اقامت خواهند کرد یک دفعه به ارادهٔ اختیار خود ایشان حواله شواد و عشایری که تبعیّت آنها معلوم است جبراً به اراضی دولت متبوعهٔ آنها داخل شوند.

فقرهٔ نهم: جمیع موادّ و فصول معاهدات سابقه خصوصاً معاهده‌ای که در سنه ۱۲۳۸ در ارزنةالرّوم منعقد شده که بخصوصه با این معاهدهٔ حاضر الغاء و تغییر نشده مثل آنکه کلمه به کلمه در این صحیفه مندرج شده باشد کافّهٔ احکام و قوّت آن ابقاء شده است و فیمابین دو دولت علّیه قرار داده شده است که بعد از مبادلهٔ این معاهده در ظرف دو ماه یا کمتر مدّتی از جانب دولتین قبول و امضاء شده تصدیق نامه‌های آن را مبادله خواهند شد.[۴]

تحریراً فی یوم جمعه شهر فی یوم السادس عشر من شهر جمادی‌الثانی فی سنه ثلاثه وستین و مأتین بعدالالف. [۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳].*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۱۰ برگ ۳a و ۴a.

لازم به ذکر است که اصل عهدنامه دوم ارزنةالروم در وزارت امورخارجه موجود نیست. تنها سواد عهدنامه و تصدیقنامه آن موجود است که در اینجا عیناً آورده شد. (برای تصدیقنامه به سند شماره ۱۳۲ نگاه کنید).

متن کامل این عهدنامه در منابع تاریخی آن عهد نیز آمده است. برای نمونه در کتاب روضةالصفای ناصری، تألیف رضاقلی‌خان هدایت، جلد دهم (قم، ۱۳۳۹) از صفحه ۳۰۲ تا ۳۰۶ و نیز در کتاب ناسخ‌التواریخ تألیف میرزامحمدتقی‌خان لسان‌الملک سپهر، جلد سوم، کتابفروشی اسلامیه (تهران ۱۳۸۵ ق) صفحات ۱۰۵-۱۰۹.

همچنین مرحوم عباس اقبال در کتاب «میرزاتقی‌خان امیرکبیر» در فصل مربوط به سفارت ارزنةالروم چند نمونه از سواد اسناد مربوط به کنفرانس ارزنةالروم را آورده است. برخی را در متن تألیف و چند نمونه را هم به گفته ایرج افشار تنها بازنویسی نموده تا در فرصتی دیگر از آنها استفاده کند که متأسفانه توفیق انجام آن را نیافته است. با اینحال اگرچه چند نمونه از اسناد مذکور در اثر مرحوم اقبال آمده است اما مجدداً در اینجا همراه با تصویر سواد اسناد آورده می‌شود تا لطمه‌ای به «روند» زمانی و محتوایی اسناد مذاکرات ارزنةالروم وارد نشود و تا حد امکان تصویری کامل از کم و کیف مذاکرات و چگونگی انعقاد عهدنامه در اختیار اهل تحقیق قرار گیرد. اشاره می‌شود که این سند از صفحه ۵۱ الی ۵۵ اثر مذکور مرحوم عباس اقبال آمده است. منتها در بازخوانی سند و نیز تاریخ سند اشتباهاتی صورت گرفته است. برای مثال تاریخ سند سال ۱۲۶۲ ذکر شده که اشتباه است. نگاه کنید به: اقبال: پیشین، صص ۵۱-۵۵.

توضیحات:

۱. در اصل: دویم

۲. « « : سیم

۳. « « : قونسولها

۴. قبل از امضای این معاهده یعنی مقارن ایامی که حوادث ناگواری در آن شهر رخ داد و نزدیک بود که جان امیر و همراهان او در این واقعه از دست برود، حاجی میرزاآقاسی بار دیگر به تهدید دولت عثمانی به لشکرکشی و اظهار قصد حمله به خاک عراق شروع کرد اما مجدداً نمایندگان انگلیس و روس وساطت کردند و حاجی نامه‌ای که که متضمّن رئوس دعاوی ایران بود و حاجی در گنجاندن آنها در معاهده‌ای که باید به امضا رسد اصرار داشت به دو وزیر مختار انگلیس و روس مقیم تهران نوشت. (نگاه کنید به سند بعدی)

در تعقاد [illegible] حصول آلت و لدین غایات الحق و الیقین قهرمان الماء و الطین ظل الله الممدود الاقدس حضور خورشید منزلت جمشید داور دارا
[illegible] اسلام پناه زینت بخش تخت کیانی افتخار ملوک جهانبانی [illegible] کامران [illegible] ممالک ایران السلطان ابن السلطان
والی عالی [illegible] ابن الخاقان [illegible] محمد شاه ادام الله ایام سلطنته [illegible] مصابیح [illegible] اقبال [illegible]
میرزا محمد تقی خان وزیر عساکر منصوره [illegible] نظام [illegible] نشان [illegible] شیر و خورشید مرتبه اول [illegible] رضا [illegible]
[illegible] از طرف اعلیحضرت کیوان [illegible] سپهر [illegible] اسلام پناه [illegible] البرین و البحرین
خادم الحرمین الشریفین [illegible] السلطان ابن السلطان [illegible] عبدالمجید خان [illegible]
[illegible] مجیدی [illegible] اول [illegible] نشان [illegible]
[illegible] مبادله [illegible] معاهده [illegible] در ضمن نه فقره [illegible] قرار داده شده
[illegible] منعقده ارزنة الروم مبادله شود فقره اول [illegible] اسلام قرار میدهند [illegible] مطالبات [illegible]
که تا بحال از طرفین [illegible] ترک کنند [illegible] مطالبات مخصوصه [illegible] در فقره چهارم [illegible]
فقره دویم دولت ایران تعهد میکند [illegible] جمیع اراضی [illegible] دولت عثمانیه ترک کند
و دولت عثمانیه نیز تعهد میکند [illegible] جمیع اراضی [illegible] دولت ایران ترک کند
و دولت ایران قویا تعهد میکند که در حق شهر و ولایت سلیمانیه از هر گونه ادعا صرف نظر کرده [illegible] دولت عثمانیه [illegible]
مذکوره دارد [illegible] من الاوقات [illegible] دولت عثمانیه نیز قویا تعهد میکند که شهر و بندر محمره و جزیره الخضر
و لنگرگاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب یسار شط العرب را [illegible] در تصرف [illegible] متعلقه معروفه ایران [illegible] ملکیت [illegible]
دولت ایران [illegible] کشتیهای ایران [illegible] آزادی تمام از محلی که [illegible] تا موضع الحاق
سرحدین [illegible] فقره سیم طرفین متعاهدین تعهد میکنند که با این معاهده حاضره سایر ادعاهای خود در حق
اراضی ترک کرده از دو جانب بلا تاخیر مهندسین و مامورین [illegible] تعیین [illegible] سرحد [illegible]
قطع نمایند فقره چهارم طرفین قرار داده اند که [illegible]
که در شهر جمادی الاولی سنه ۱۲۶۱ [illegible] واقع شده [illegible] بلا تاخیر [illegible]
[illegible] از دو جانب بلا تاخیر مامورین [illegible] فقره پنجم دولت
عثمانیه وعده میکند که شاهزادگان فراری ایرانی [illegible] اقامت [illegible]
محفوظ [illegible] ایران [illegible] فقره
ارزنة الروم [illegible] فقره ششم تجار ایرانی [illegible] گمرک اموال تجارت خود را [illegible] قیمت حالیه
و جاریه اموال مذکوره [illegible] در عهدنامه منعقده ارزنة الروم در سنه ۱۲۳۸ در ماده که دایر
بتجارت است مسطور [illegible] در عهدنامه مذکوره تعیین شده [illegible] مطالبه نشود فقره هفتم

[illegible]هد میکند که بموجب عهدنامجات سابقه امتیازاتی که لازم باشد در حق زوار ایرانی اجرا دارد تا از هر نوع
تعدیات محفوظ بوده بی تعرض بتوانند اماکن مبارکه را که در ممالک دولت عثمانیه است زیارت کنند و همچنین تعهد
میکند که بجهت استحکام و تأکید روابط دوستی و اتحاد که لازم است فیمابین دولتین اسلام و تبعه طرفین برقرار باشند
مناسبترین وسایل را استعمال نماید تا چنانکه زوار ایرانیه در ممالک دولت عثمانیه بجمیع امتیازات نائل باشند
سایر تبعه ایرانیه نیز از امتیازات مذکوره بهره ور بوده خواه در تجارت و خواه در مواد دیگر از هر نوع ظلم و تعدی
و بیحرمتی محفوظ باشند و علاوه براین بالیوزها که از طرف دولت ایران برای منافع تجارت و حمایت تبعه
و تجار ایرانیه بجمیع محلهای ممالک عثمانیه که لازم باشد نصب و تعیین شود بغیر از مکه مکرمه و مدینه منوره دولت عثمانیه تعهد
قبول و وعده میکند که کافه امتیازاتی که شایسته منصب و مأموریت بالیوزهای مذکوره باشد و در حق قونسولهای
سایر دول متحابه جاری میشود در حق آنها نیز جاری شود و دولت ایران نیز تعهد میکند که بالیوزها که از طرف
دولت عثمانیه بجمیع محلهای ممالک ایرانیه که لازم باشد نصب و تعیین شود در حق آنها و در حق تبعه و تجار
دولت عثمانیه که در ممالک ایران آمد و شد میکنند معامله متقابله را کاملاً اجرا دارد فقره هشتم دولتین علیتین
اسلام تعهد میکنند که برای دفع و رفع و منع غارت و سرقت عشایر و قبایلی که در سرحد میباشند تدابیر لازمه
اتخاذ و اجرا کنند و بهمین خصوص در محلهای مناسبه عساکر اقامت خواهند داد و دولتین علیتین تعهد
میکنند که از عهده هر نوع حرکات تجاوزانه مثل غصب و غارت و قتل که در اراضی یکدیگر وقوع یابد برآیند
و قرار داده اند که عشایر متنازع فیها که صاحب آنها معلوم نیست بخصوص انتخاب و تعیین محلی که
بعد از این دائماً اقامت خواهند کرد یکدفعه باراده خودشان اختیار گذاشته شود و عشایری که تبعیت آنها معلوم است
جبراً باراضی دولت متبوعه آنها داخل شوند فقره نهم جمیع مواد و فصول معاهدات سابقه خصوصاً معاهده که در سنه ۱۲۳۸
در ارزنة الروم منعقد شده که بخصوصه با این معاهده حاضره الغا و تغییر نشده مثل اینکه کلمه بکلمه در این صحیفه
مندرج شده باشد کافه احکام و قوت آن ابقا شده است و فیمابین دولتین علیتین قرار داده شده است
که بعد از مبادله این معاهده در ظرف دو ماه یا کمتر از جانب دولتین قبول و امضا شده تصدیق نامجات آن
مبادله خواهد شد تحریراً فی یوم [illegible] شهر [illegible] سنه ۱۲۶۳ [illegible]

سند شماره ۵۸

تاریخ:[1]

نامه میرزا آقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس

فقرهٔ اول: هرچند این املاک متنازع فیه دولت علیّهٔ ایران و دولت علیّهٔ عثمانی به شهادت تواریخ و کتب جغرافی که اکثر دولتهای بزرگ دارند و می‌دانند مختص دولت علیّهٔ ایران است لکن بنا بتوسط اولیای دولتین فخیمتین قرار چنین بدهند که محمّره و جزیرةالخضر و لنگرگاه تعلّق به دولت ایران دارد و کشتیهای این دولت علیّه به آزادی از دهنه گرفته الی موضع الحاق حدود ایران و روم تردّد کنند.

فقرهٔ دوم: قرار بدهند زهاب تقسیم شود یعنی کلّ کوهستانات آن تعلّق به دولت ایران دارد و جلگه متعلّق به دولت عثمانی خواهد بود که من بعد مشخّص خواهند نمود.

فقرهٔ سوم: تا دولت عثمانی ردّ خسارات مظلومین کربلای معلّی را ننمایند همان جلگهٔ زهاب را دولت علّیهٔ ایران تصاحب خواهند نمود.

فقرهٔ چهارم: رسوم عادیهٔ ییلاقیّه را از سالی که نرسانیده‌اند ما بعدها اولیای دولت عثمانی از قرار تصدیق و غوررسی وکلائی که مأمور خواهند شد کارسازی کنند.

فقرهٔ پنجم: از سمت خوی و وان و بایزید و غیره الی دهنهٔ شطّ العرب مهندسین دو دولت واسطه و دو دولت اسلام خطّ سرحدّات جانبین را تشخیص بدهند.

فقرهٔ ششم: دولتین علیّتین به همدیگر تعهّد خواهند کرد که به جهت رفع سرقت ایلات سرحدّنشین در سرحدّات قرار کشیکخانه‌ها خواهند گذاشت.

فقرهٔ هفتم: دولتین علیّتین از عهدهٔ هر تاخت و تازی که از ایلات همدیگر به خاک یکدیگر روی دهد خواهند برآمد و به ایلات و احشامات که در قطور و اباقیه و محمودی سکنی دارند آزار و اذیّت ننمایند.

فقرهٔ هشتم: فراریان طرفین را از بزرگ و کوچک و ایل و عشایر و رعایا و کسبه عموماً رد

نموده تصاحب نکنند، الاّ اولاد خاقان مغفور را که به سمت بُرسه برند و مانع از مراوده و مکاتبه و مقاولهٔ آنها باشند.

فقرهٔ نهم: بغیر از دو فقره یعنی ردّ خسارات مظلومین کربلای معلّی و رسوم عادیّهٔ ییلاقیّه همهٔ خسارات نقدیّهٔ دیگر از طرفین موقوف و متروک خواهد بود و جمیع فقرات عهدنامهٔ ارزن‌الروم [ارزنةالروم] که تغییر داده نشده لفظاً برقرار خواهد بود.*

توضیحات:

۱. چنانکه در قسمت «توضیحات» سند قبلی آورده شد، این نامه از لحاظ زمانی پیش از سند قبلی ارسال شده است، ولی بدان جهت بعد از سند پیشین یعنی سواد «عهدنامه دوم ارزنةالروم» آورده شد که، دانسته شود، پیش از انعقاد عهدنامه مزبور، میرزا آقاسی طی این نامه خطاب به میرزاتقی‌خان رئوس دعاوی ایران را که می‌بایست در متن معاهده گنجانده شود، به شرح مذکور گوشزد کرده است. بنابراین با آوردن این سند در اینجا ربط منطقی این نامه با مفاد عهدنامه دوم ارزنةالروم هر چه بیشتر معلوم و مشخص می‌شود.

---

* . سپهر: پیشین، جلد ۳، صفحات ۵۹-۶۱.

سند شماره ۵۹

تاریخ: ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳

نامه وزیر مختار روسیه به میرزا آقاسی

جناب جلالت و نبالت نصابا، کفایت و کفالت انتسابا، محبان نوازا، دوستان استظهارا، معظم مشفقا، اعتضادا، مهربانا؛

دوستدار به آن جناب جلالتمآب دوست مشفق معظّم به رسم دولتی عمل بهجت‌افزا را اظهار و اعلام می‌دارد که عهدنامه فیمابین دو دولت اسلام در ارزنة‌الروم مورخ شانزدهم شهر جمادی‌الثانی مهر و مبادله شد. توقع است که آن جناب مشفق معظم از جانب دوستدار لازمه مراسم مبارک بادی مخلصانه را به خاکپای اعلیحضرت اقدس شهریاری در این باب به عمل آورد و دوستدار در ضمن این رسیله نیز مراتب تهنیت و مبارک بادی را به آن جناب می‌نماید که به وصف شخص اول در مشورت امورات متعلقه به دولت علیّه ایران با کمال حکمت و دانش و درایت خود دخیل انجام این امر بوده، باعث شکوه و رونق سلطنت اعلیحضرت پادشاهی شده‌اند. چون مطلب منحصر بود زیاد زحمت‌افزا نکرد.

تحریراً فی ۲۶ شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۲۶۳.*

[مهر پشت سند] وزیر مختار دولت بهیّه روسیه کنیاز دوالغاروکی.

---

*. صندوق ۶ پوشه ۳.

سفارت جلالت و نبالت انتساب کفایت و کفالت اکتساب مجدت نوازا دوستان عظما مشفقا معظما

در تذکار ما کتاب جلالت آیات دولت مشفق معظم که بسیار بهجت افزا

اظهار و اعلام میدارد که عهدنامه فیمابین دولتین اسلام

در ارزنة الروم مورخ شانزدهم شهر جمادی الثانی مبادله شد که توقیع آن

آنجناب مشفق معظم از جانب دولت لازمه مراسم مبارکبادی

بجای اعلیحضرت اقدس شهریاری درین باب بعمل آورده و در تذکار ضمن این مسئله

مراتب تهنیت و مبارکبادی را بانجام می‌رساند و در توصیف شخص اول در مورد امور

متعلقه بدولت علیه ایران بکمال حکمت و دانش و درایت

انجام این امر باعث شکوه و رونق سلطنت اعلیحضرت شاهنشاهی

... ۲۶ شهر ... ۱۲۶۳

سند شماره ۶۰

تاریخ: ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳

سواد نامه میرزاآقاسی به میرزامحمدعلی‌خان

سواد کاغذ جناب آقا مدظله العالی به عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان وزیر دول خارجه به تاریخ ۲۹ شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۲۶۳ به شرح آن که: عالیجاه مقرب‌الخاقانا، فرزندا؛ این روزها اجازات مصالحه و مبادله بین‌الدّولتین ایران و روم رسید و عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزاتقی‌خان نیز برحسب حکم جهان مطاع اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه مأمور به مراجعت شد و می آید. دیگر آن فرزند مطمئن و آسوده خاطر مأذون است که از طرفی استانبول رفته چند روزی که لازم است در آن جا توقف کرده پارهٔ قرارداد جزئیه که بین‌الدّولتین علیّتین باقی مانده است انجام و اتمام آن را به عهدهٔ خود داند. در مدت اقامت آن جا به طریق مصلحت و خیراندیشی دولت ابد مدت قاهره قرار و مدار با امنای دولت علیّه عثمانیّه داده بعد عزیمت به مقصد رساند. من در این موارد شرحی به جناب جلالت و نبالت مآب، فخامت و مناعت انتساب و مجدت اکتساب، مجدت و نجدت مآب دوست مکرم و مشفق معظم مهربان رشیدپاشا زبدهٔ حمیدهٔ نگاشته‌ام که آن عالیجاه فرزند از جانب اولیای دولت قاهره مأمور این خدمت است که چندی در آن جا متوقف و قرار و مدار امورات جزئیه را با اولیای آن دولت علیّه داده پس از اتمام کار برود. باید آن فرزند انشاءاللّه بدون معطلی بسیار، قطع و فصل این کار را به طریقی مستحسن برده روی نموده رود، دیگر ضرور بر سفارش و مبالغهٔ بیش نیست و نخواهد بود و البته از اولیای آن دولت علیّه لوازم احترام نسبت به آن فرزند خواهد شد. می‌خواهم در این سفر در انجام خدمات محوله دولتی قائده و استعداد خود را ظاهر نماید هرگونه اخباراتی که در عرض راه و ایام توقف روی دهد به تفصیل بنویسد و کماهی بکند.*

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، برگ b ۴۶.

[illegible]

سند شماره ۶۱

تاریخ: [جمادی‌الثانی ۱۲۶۳][1]

نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا، معظما؛

پریروز که با آن جناب مشفق معظم ملاقاتی حاصل آمد درباب بعضی جزئیات فقرات تسعه قرارنامه بین‌الدّولتین علیّتین ایران و روم اظهاری داشت و با خود عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان هم شفاهاً مطالب را معلوم داشت. از این که فقرات مذکور خیلی جزئی است و به این سبب نمی‌توان کار را در عهده تعویق انداخت. متوقع است از قراری که اظهار داشت و جناب سامی نیز قبول فرمودند. مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان امر و مقرر دارند که در این دو روزه صورت انجام داده به اتمام رساند. زیاد چه زحمت دهد.*

توضیحات:

۱. مضمون این نامه با محتوی سند قبلی یکی است. در این نامه وزیر مختار انگلیس از میرزاآقاسی می‌خواهد که «پاره جزئیات» مربوط به عهدنامه، در طول اقامت میرزامحمدعلی‌خان در استانبول حل و فصل شود. لذا به نظر می‌رسد که این نامه نیز در جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ نوشته شده باشد.

[مهر پشت سند] جستن شیل

---

*. صندوق ۶ پوشه ۳.

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصاب مجدت و نجابت انتساب اجلال احتشام سفارت عظمی

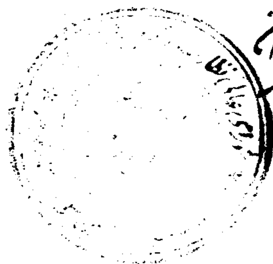
پریروز در باب جناب مستشار معظم ملاقاتی حاصل آمد و در باب بعضی جزئیات فقرات مسئله قرارنامه

بین الدولتین علیتین ایران و روم اظهاری داشت و با خصوص مطالبه مقرری آقای میرزا محمد علیخان آدم

شفاهاً مطلب را به لزوم داشت از آنجائیکه مقررات مذکوره جزئی و بنائی است و این جلب

تحقیق آن کار را در عهده تعویق انداخت مدتی است از وزارت که اظهار داشت

و جناب میرزا قبول و تعهد مقرری آقای میرزا محمد علیخان امروز و فردا روز دیگر شد



سند شماره ۶۲

تاریخ: [به احتمال قوی اوایل رجب ۱۲۶۳][1]

سواد نامه میرزا آقاسی به میرزامحمدعلی‌خان

سواد کاغذ جناب جلالتماب حاجی دام ظله‌العالی که به جناب مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره نوشته‌اند. مقرب‌الخاقانا، فرزندا، نامه مهرلمعان مبنی بر کمال اتحاد بین‌الدّولتین علیّتین و اظهار و اشعار بر مراتب مأموریت سفارت مخصوصه آن فرزند از اعلیحضرت قدرقدرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنافداه به اعلیحضرت سلطان روم شرف تحریر و ترقیم یافته روانه نزد آن فرزند شد که بعد از مبادله امضاها و رسیدن امضای سلطان روم در نزد آن فرزند است. اگر قبل از مبادله امضاها و رسیدن امضای دولت روم به دارالخلافه ابراز نامه شود کمال مواخذه از آن فرزند خواهد شد. مبادا پیش از مبادله نامه را ابراز کند. آن وقت که امضاء رسید به دارالخلافه و بنای گفتگوی مواد جزئیه شد پیش از گفتگو آن فرزند مأذون و مأمور است که نامه سلطان روم را برساند و مأموریت سفارت مخصوصه آن فرزند چنانچه در نامه مندرج است به سلطان روم معلوم شود. آن وقت بنای گفتگو را نماید و امر را موافق مصلحت دولت علیّه بگذراند. دیگر نمی‌نویسم که چه قسم حرکت نماید. باید به طریقه عقل بدون خبط انشاءالله امر را بگذراند زیاد چه تأکید شود.*

توضیحات:

۱. مضمون این سند با سند شماره ۶۰ مورخه ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ یکی است. به احتمال قوی این نامه چند روز بعد از آن سند برای تأکید بر چگونگی مبادله عهدنامه از سوی میرزاآقاسی خطاب به میرزامحمدعلی‌خان صادر شده است.

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۳۲. سواد دیگری نیز از این سند موجود است؛ پیشین، ص ۱۷۸+۳.

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سند شماره ۶۳

تاریخ: ۴ رجب ۱۲۶۳

سواد نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی

سواد کاغذ وزیر مختار انگلیس به جناب جلالتمآب آقای [حاجی] مدظلّه العالی به تاریخ ۴ شهر رجب ۱۲۶۳. جناب جلالتمآب، محبان استظهارا، مشفقا معظما؛ قبل از آن که امنای دولت علیّه روم اذن و اجازه به وکیل خود در ارزنةالروم بدهند که قرارنامه را مهر نماید. امنای دولت روم از وزرای مختار دولتین فخیمتین انگلیس و روس معنی بعضی از فقرات عهدنامه را استفسار کرده‌اند. وزرای مختار جواب نوشته را به طور دولتی به آنها داده‌اند تا آنها با اطمینان جواب وزرای معظم‌الیهما حکم مهرکردن قرارنامه را روانه کرده‌اند. صورت آن جواب را به طور اختصار فهرست کرده در جوف ارسال داشت و متوقع است که آن جناب مشفق معظم شرحی بر تصدیق و صحت وزرای مختار دولتین واسطه مرقوم داشته که باعث اطمینان اولیای دولت علیّه روم گردد و هم فرصت کرده در این وقت اظهار می‌نماید که در باب مأموری که باید از برای تشخیص سرحد بروند اولیای دولت انگلیس عالیجاه کلنل [1] وسمیش را که سابقاً هم در ارزنةالروم وکیل دولت انگلیس بود در این باب وکیل فرموده‌اند و این وکیلی است به کمال جد و اهتمام اولیای دولت انگلیس در توجه مأمورات این دولت علیّه قرار حُسن رفتار عالیجاه مشارالیه البته اولیای این دولت علیّه در این مدت استحضار به هم رسانیده [واگر] وزراء مستحضر نباشند از خود عالیجاه میرزاتقی‌خان استفسار نمایند چه می‌خواهد کرد، وزرای مختار نگویند که لنگرگاه محمّره همان محاذی محمّره و حفّار است و نیز اینکه دولت علیه روم محمّره و شهر و بندرش و جزیرةالخضر را واگذار کرده است. سایر بندرات یا مملکت دیگر را که در آن صفحات مال روم است اگر هم طایفه ایرانی یا قسمتی از طایفه ایرانی در آن جا سکنی کرده، هستند. و هم تکلیف کرده‌اند که طرفین سواحل مقابل شط العرب را قلعه نسازند. وزرای طرفین وعده کرده‌اند که این تکلیف را به نظر اولیای دولت ایران برسانند زیرا که چنین قراری در نظر آنها باعث استحکام اتحاد دولتین علیّتین است و هم تکلیف دیگر که

بالیوزهای طرفین و رعایای دولتین در امتیازات و رفتار، لابد دو طرف نسبت بـه حـصول منضم قرارنامه مساوی هستند.*

توضیحات:

۱. در اصل قولونل

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، برگ ۴۵ b.

سند شماره ۶۴

تاریخ: ۷ رجب ۱۲۶۳

سوادنامه میرزا آقاسی به میرزاتقی‌خان

سواد کاغذ جناب آقای مدظلّه‌العالی [که] به میرزاتقی‌خان وزیر نظام نوشته است.

مقرب‌الخاقانا، فرزندا، مهربانا؛ با کمال انتظار که این چاپار قرارنامه ممهوره مبادله شده را می‌آورد و فراغتی از این راه حاصل می‌شود، باز آن فرزند صورتی از القاب همایون و اعلیحضرت سلطان فرستاده بود [و] دستورالعمل خواسته بود که جنابان جلالتمآبان وزرای مختار دولتین فخیمتین واسطه نیز اظهار کردند که وکیل دولت علیّه روم خواهش به تغییر پاره الفاظ فقرات تسعه دارند مراتب را به خاکپای اقدس همایون شاهنشاهی روح‌العالمین فداه معروض داشت فرمودند: اولاً درباب القاب همایون شاهنشاهی و اعلیحضرت سلطان از همان قرار که سواد فرستاده بود در دیباچه قرارنامه بنویسد مقبول است. ثانیاً: در فصل دوم[1] فقرات تسعه که ولایت سلیمانیه نوشته شده قبول فرموده که شهر و ولایت سلیمانیه بنویسد. ثانیاً: در همان فصل دوم که نوشته شده است دولت علیّه ایران درباب زهاب قرار می‌دهد، بنویسد دولتین اسلام قرار می‌دهند. رابعاً: در هر جا که نوشته شده است دولت روم قبول فرمودند که بنویسد دولت علیّه عثمانی و هم در هر جا که سلطان روم نوشته‌اند بنویسد دولت علیّه عثمانی. خامساً: در هر جا که نوشته‌اند حضرتین یا این دو پادشاه در عوض بنویسد از طرف دولت علیّه ایران و از طرف دولت علیه عثمانی. سادساً: در جایی که در فصل نهم فقرات تسعه نوشته شده است کلمه به کلمه مندرج خواهد شد، نوشته شود که جمیع فصول عهدنامه ارزنة‌الروم که به خصوص در این صحیفه مشعر داده شده است. استقلالاً برقرار باشد مثل این که کلمه به کلمه در این صحیفه مندرج شده باشد. سابعاً: سواد دیباچه ترکی که وکیل دولت علیّه عثمانی می‌خواهد در قرارنامه بنویسد فرمودند علیت ندارد بنویسد، این است احکام و اوامر علیّه پادشاهی که به آن فرزند نوشته شده می‌باشد. آن فرزند از آن قرار معمول داشته فقرات تسعه را به این تغییرات نوشته به مهر رسانیده و با وکیل دولت علیّه عثمانی مبادله کرده زیاده از این

در آن جا معطل نشده معاودت نماید و به جز آن چه در این کاغذ نوشته شده بخواهند آن فرزند تغییر بدهد قبول ننماید که مأذون نیست. چون لازم بود، به آن فرزند اظهار شد. در این باب ملفوفه فرمان همایون به افتخار آن فرزند صادر شده است. زیارت خواهد کرد.

۷ شهر رجب المرجب سنه ۱۲۶۳.*

توضیحات:

۱. در اصل: دویم

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۲، ص ۲۴.

سواد کاغذ

جناب جلالت مآب مدظله العالی میرزا [illegible] خان وزیر دول عظام نوشته است مقرب الخاقان فرزند ارجمند کمال اعتبار که [illegible] به مهر و امضا داده اولیای

دولت [illegible] از این [illegible] صورت [illegible] از القاب [illegible] اعلیحضرت سلطان فرستاده [illegible] از [illegible] وزرای [illegible]

دولت [illegible] اظهار [illegible] که وکیل دولت علیه روم خواهش [illegible] نقاط [illegible] از [illegible] همایون [illegible]

[illegible] معروض داشت [illegible] القاب [illegible] اعلیحضرت سلطان [illegible] که سواد [illegible] در دو باب

قرارنامه [illegible] مقبول است [illegible] در فصل [illegible] فقرات [illegible] دولت [illegible] نوشته شده قبول [illegible] دولت [illegible]

[illegible] که نوشته شده است دولت علیه ایران [illegible] هر [illegible] اسلام [illegible] در هر جا که نوشته شده

دولت روم قبول [illegible] که [illegible] دولت علیه عثمانی [illegible] هر جا که سلطان روم نوشته [illegible] دولت علیه عثمانی [illegible] در هر جا که نوشته [illegible]

حضرت [illegible] پادشاه [illegible] از طرف دولت علیه ایران و از طرف دولت علیه عثمانی [illegible] در جائی که در فصل [illegible] فقرات

[illegible] نوشته شده است [illegible] خواهش [illegible] نوشته شده در جمیع فصول [illegible] که [illegible] داده است [illegible]

[illegible] در صحیفه مندرج [illegible] که وکیل دولت علیه عثمانی [illegible] در قرارنامه [illegible]

[illegible] احکام [illegible] پادشاهی که [illegible] نوشته [illegible] از [illegible] قرار [illegible]

نوشته [illegible] وکیل دولت علیه عثمانی [illegible] داده از [illegible] معاودت [illegible] در این کاغذ نوشته شده [illegible]

[illegible] قبول [illegible] که [illegible] لازم بود [illegible] در این باب [illegible] همایون [illegible] قرارنامه [illegible]

صادر شده است زیاده [illegible] که [illegible]

سند شماره ۶۵

تاریخ: ۷ رجب ۱۲۶۳

نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا معظما؛ مراسله آن جناب که در جواب کاغذ دوستدار درباب استفسار بعضی فقرات اولیای دولت روم نگارش رفته بود رسید. در عوض این که از برای اطمینان خاطر اولیای دولت علیّه روم تصدیق بر قول وزرای مختار دولتین واسطه نمایند. همه آن فقرات را موقوف به تشخیص مهندسین فرموده‌اند ولی اگر قدری ملاحظه بفرمایند خواهند دید که این فقرات دخلی به مهندسین ندارد. مثلاً لنگرگاه محمره، این که بر عالمی واضح است که لنگرگاه هر بندری همان محاذی آن بندر است، بلاتردید دیگر مهندس و غیر لازم ندارد و محمره در میان حفّار واقع است، و حفّار نهری است که از کارون[1] جاری می‌شود به سمت شط، پس آشکار است که لنگرگاه در میان همان حفّار است. خاطر جمعی دیگر اولیای دولت روم این بود که بعد از این که محمره را واگذار کردند، زمین و مملکتی که این طرف شط و مال روم باشد دولت ایران ادّعا ننماید مقصود از ملک روم بودن است که ملک روم را ادعا ننمایند یا آنها واگذار نخواهند کرد نه تشخیص سرحد که تاکجا مال ایران باشد و تاکجا مال روم است که مهندس احتیاج باشد.

فقره دیگر در باب طایفه [ای] از ایرانی است که اگر بطور فرار به خاک [روم] رفته و در خاکی از خاک روم سکنی گرفته باشد، بعد از آن که موافق عهدنامه آن فراری را ردّ کردند آن خاک روم مال ایران نخواهد بود. این هم آشکار است که مهندس احتیاج ندارد. درباب ساختن قلعه طرفین در ساحل شط العرب آن جناب مستحضر می‌باشند که دولت روم مدتها است در این باب اصرار دارند و خیلی هم جاهد می‌باشند و این فقره بخصوص را سرکار اعلیحضرت پادشاهی شفاهاً به توسط عرض دوستدار قبول فرمودند و هم موافق شرح دولتی خود آن جناب نوشتند که نخواهیم ساخت، که حال، سواد آن در جوف است و این قاعده در جمیع دولت‌ها متداول است ازجمله در سرحد

فرانسه و نمسه[۲] که نه فرانسه می‌تواند قلعه بسازد و نه نمسه، لهذا متوقع است که اولیای این دولت علیّه تصدیق به قبول وزرای مختار را زحمت کشیده ارسال دارند که روانه دارد وگرنه باز ظنّ غالب در طول انجامیدن امضاء می‌رود. زیاد چه زحمت دهد.

تحریراً ۷ شهر رجب‌المرجب سنه ۱۲۶۳.*

توضیحات:

۱. در اصل: قارون

۲. اطریش کنونی

[مهر پشت سند] جستن شیل

* . صندوق ۶ پوشه ۳.

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصاب مجدت نجابت همراه اشرف [illegible]

مراسله جناب شما در جواب کاغذ دوستدار در باب بعضی فقرات الوایح دولت روم که ارسال داشته بودید رسید

در عوض اینکه از برای الحاق این فقرات بر لوایح دولت علیه روم تصدیق بر قول وزرای مختار دولتین واسطه نمایید که امور فقرات را

موقوف به تشخیص مهندسان فریقین نموده‌اید ولی اگر فقرات ملاحظه نمایید [illegible] و دیگر [illegible] مهندس‌های مزاوده

مثلاً لنگرگاه محمره اینکه بر عالمی واضح است در لنگرگاه هر بندری بمال محاذی آن بندر است بلا تردید و دیگر

مهندس و غیر لازم ندارد و محمره در میان شط رواج است و شط [illegible] از قانون جاری [illegible]

بی اظهار است در لنگرگاه در میان بمال جهات است خاطر جمعی و بیانات دولت روم از این بعد در میان آنکه

محمره را واگذار کرده‌اند زبان و مملکتی در طرف شط و مال روم باشد دولت ایران ادعا نماید مقصود از ملک

روم بود آن است در ملک روم را ادعا نماید یا از آنجا واگذار نموده‌اند که نه تشخیص سرحد در تا کجا مال ایران

باشد و تا کجا مال روم است در مهندس احتیاج باشد فقره دیگر در باب طایفه که از ایران است در این طور

قرار یافت رفته و در خاکی از خاک روم مسکن گرفته باشد بعد از آنکه مراتب معاهده‌نامه آن قرار را رد کرده

آن خاک روم مال ایران نخواهد بود این هم اظهار است در مهندس احتیاج ندارد و در باب [illegible]

طرفین در ساحل شط العرب بجانب [illegible] باشند در دولت روم مدعا است [illegible] فرمایید

جا به جا باشند و [illegible] اعلیحضرت پادشاهی [illegible] عرض [illegible] قبول فرموده‌اند

مراتب شرح [illegible] جناب نوشته شده خواهم [illegible] در حال [illegible] و در حرف است [illegible]

سند شماره ۶۶

تاریخ: [به احتمال قوی اواسط رجب ۱۲۶۳][1]

نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا، معظما؛ این عهدنامه که مقرب‌الخاقان میرزاتقی‌خان آورده همان مُهر وکیل دولت علیّه روم را تنها دارد، لکن موافق قاعده و قانون لازم است که مهر هر دو وکیل را چه در فارسی و چه در تُرکی داشته [باشد]، لهذا جناب سامی قدغن فرمایند که این عهدنامه را میرزاتقی‌خان هم مهر کند، آن وقت به دستخط سرکار اعلیحضرت پادشاهی و آن جناب و دستخط و مُهر و امضاء نمایند. به همچنین آن عهدنامه را هم که اولیای دولت روم خواهند فرستاد به مهر جناب انوری افندی باید برسانند زیرا که هر دو مهر لازم است. به جهت اطلاع اظهار داشت.

زیاد زحمت ندارد.*

توضیحات:

۱. مطابق سند شماره ۶۰ مورخه ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳، میرزا آقاسی به میرزامحمدعلی‌خان می‌نویسد که بعد از امضای عهدنامه دوم ارزنةالروم (به تاریخ ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳)، محمدشاه حکم به مراجعت میرزاتقی‌خان صادر کرده است. لذا با توجه به این مطلب و نیز با مقایسه با سند بعدی می‌توان احتمال داد که تاریخ این سند اواسط ماه رجب ۱۲۶۳ باشد.

[مهر پشت سند] جستن شیل

* . صندوق ۵، پوشه ۴۳.



عالیجاه جلالت و نبالت و کفایت انتصاب مجدت اعتضاد سلطان



این عهدنامه را مقرب الخاقان میرزا تقی خان آورده الحال دولتین علیتین ایران و روم

تنها وارد لکن مراعات قاعده و قانون لازم است در هر صورت دیگر که در فارسی

و چه در ترکی داشته تهران ... فی عین فرمایند در این عهدنامه را امضا بالفعل

مهر کنند و در وقت به دستخط مبارک اعلیحضرت پادشاهی به جانب و دستخط و مهر و امضا

نماینده همین این عهدنامه را هم در روی دولت روم مبادله فرمایند

عهد جانب انوری قدری ... زیرا که در هر مورد لازم است

محبت را مطلع ... که اهل ... را

سند شماره ۶۷

تاریخ: [به احتمال قوی اواسط رجب ۱۲۶۳][1]

سواد نامه میرزاآقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس

سواد کاغذ جناب آقای [حاجی] دام مجده‌العالی [که] به وزرای مختار دولتین بهیّتین روس و انگلیس نوشته‌اند. به شرح آن که: جنابا درباب امضای مصالحه مابین دولتین اسلام عثمانی و ایران به خاکپای مبارک اعلیحضرت قدرقدرت ظل‌اللهی روحنا فداه عرضه داشتم مقرر فرمودند که به آنجناب جلالتمآب محبان استظهاری بنویسم که ما مصالحه مزبوره را که به توسط دو دولت در ارزنة‌الروم به تاریخ یوم‌السادس عشر شهر جمادی‌الثانی سنه یک‌هزارودویست‌وشصت‌وسه از جانب عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزاتقی‌خان وزیر نظام مهر شده و به مبادله جناب انورافندی وکیل دولت علیّه روم رسیده است، اصلاً حرفی نداریم. به تاریخ ششم شهر رجب‌المرجب سنه ۱۲۶۳ قوی‌ئیل به امضاء رسید. لهذا به آنجناب محبان استظهاری زحمت داد که امضاء از جانب اعلی جوانب اعلیحضرت ظل‌اللهی پادشاه ممالک ایران روحنا فداه به امضاء رسید. خاطر جمع باشید و امضاء و تصدیق عهدنامه مزبوره را عالیجاه نجدت و مجدت همراه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه مأمور خواهد شد که به استانبول برده مبادله امضاء تصدیق‌نامه اعلیحضرت سلطان دولت علیّه عثمانیه برساند.*

توضیحات:

۱. در متن سند به امضای عهدنامه که در ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ صورت گرفته اشاره شده و نیز به تاریخ ۶ رجب ۱۲۶۳ که به تأئید محمدشاه رسیده است، احتمالاً این نامه بعد از ۶ رجب و در ارتباط با سند قبلی نوشته شده است.

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، برگ 46 a.

[illegible] جناب [illegible] دولت بهیه روس [illegible] دولت [illegible] ایران [illegible] اعلیحضرت [illegible]

[illegible]

[illegible] جناب [illegible] افندی [illegible] ۱۲۶۲ [illegible]

[illegible] ایران [illegible]

[illegible] نامه اعلیحضرت سلطانی [illegible]

سند شماره ۶۸

تاریخ: [به احتمال قوی نیمه دوم رجب ۱۲۶۳]

سواد نامه میرزا آقاسی به وزیر مختار انگلیس

سواد کاغذ [ی که] جناب آقای [حاجی میرزاآقاسی] سلمه‌اللّه تعالی به وزیر مختار دولت بهیّه انگلیس نوشته‌اند. به شرح آن که: در باب امضای عهدنامه و مصالحه بین‌الدّولتین اسلام و عثمانی و ایران شرف مفاخرت حاصل کرده به حضور سعادت دستور اقدس ملوکانه معروض داشت. اعلیحضرت شاهنشاهی به دوستدار امر و مقرر فرمودند که به آن جناب قلمی دارد که ممضی داشتیم عهدنامه را که به توسط دو دولت بزرگ واسطه در ارزنةالروم در ۱۶ شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۲۶۳ فیمابین وزیر نظام میرزاتقی‌خان و مأموریت دولت عثمانیه انوری افندی مهر و مبادله شد و به هیچ وجه در این باب حرفی نداریم و در شهر رجب سنه ۱۲۶۳ مطابق سنه قوی‌ئیل به امضای همایون پادشاهی رسید بناء علیه خدمت آن جناب مصدع می‌شود که اعلیحضرت پادشاه با فروجاه ایران عهدنامه مزبوره را ممضی داشتند و آن جناب خاطر جمع باشند که به نایب وزیر دول خارجه میرزا محمدعلی‌خان حکم خواهد رسید که عهدنامه ممضی شده را در استانبول با عهدنامه ممضی شده اعلیحضرت سلطان مبادله نماید.*

توضیحات:

۱. در متن سند اشاره به رجب ۱۲۶۳ شده است که مطابق سند قبلی ۶ رجب است. لذا این سند در ارتباط با سند شماره ۶۶ و در پاسخ به درخواست وزیر مختار انگلیس؛ به احتمال قوی نیمه دوم رجب ۱۲۶۳ نوشته شده است.

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۱۲.

دوستدارا مخدوما جنابا [illegible] وزیر مختار دولت بهیه انگلیس [illegible] شرح آنکه در باب امضای عهدنامه

مصالحه بین الدولتین اسلام عثمانی و ایران شرف صفا حضرت [illegible] بحضور سعادت [illegible] اعلیحضرت

داشت اعلیحضرت شاهنشاهی [illegible] فرموده‌اند با آنجناب قسمی دارد که ممضی داشتیم عهدنامه

به توسط دولتین [illegible] در ارزنة الروم در عشر شهر جمادی الثانی ۱۲۶۳ فیمابین وزیر نظام میرزا تقی خان

و مأمور دولت علیه عثمانی انوری افندی مهر و مبادله شد و همچنین در باب [illegible] و در عشر شهر رجب ۱۲۶۳

مطابق سنه [illegible] با امضای [illegible] پادشاهی رسید بناءً علیه خدمت آنجناب [illegible] اعلیحضرت

پادشاه با فر و جاه ایران عهدنامه مزبوره را ممضی داشتند و آنجناب خاطر جمع باشند به جناب وزیر امور خارجه

میرزا محمد علی خان حکم خواهد رسید که عهدنامه ممضی شده را از [illegible] با عهدنامه ممضی شده اعلیحضرت

سلطان مبادله نماید

سند شماره ۶۹

تاریخ: شعبان ۱۲۶۳

سواد نامه میرزا آقاسی به وزیر مختار انگلیس

سواد کاغذ جناب آقای روحی فداه به جناب وزیر مختار انگلیس به تاریخ شهر شعبان سنه ۱۲۶۳، به شرح آن که: جنابا مراسله جناب سامی با ترجمه نوشته جنابان ایلچیان دولتین بهیّتین که ارسال نزد دوستدار داشته بودید رسید از فقرات مندرجه آن اطلاع حاصل گردید. در مقام حب و کمال اتحاد که آن جناب سامی دارد در امضای مصالحه و مبادله نامه را که اولیای دولت علیّه عثمانی به تأخیر انداخته‌اند ایراد گرفته و بیان آن را از دوستدار خواسته بودند. از دوستدار هم در مقام انصاف از آن جناب می‌شود که یا آن که دولت علیّه ایران امضای مصالحه و مبادله را نمودند و قدر زحمت وکلای دولتین فخیمتین و احترام آنها را داشته، اگر اولیای دولت علیّه عثمانی در امضای آن تعویق یا تأخیر جایز داشته به اولیای دولت ایران چه بحثی وارد خواهد بود. اگر درباب آن فقراتی است که در ترجمه ذکر شده و آن جناب مرقوم داشته‌اند دوستدار مکرر در جواب این مطلب جناب سامی را زحمت داده است که دیگر احتیاج به تفصیل علاوه ندارد. بدیهی است که پس از آن که مهندسین مأمور شدند و رفته تشخیص همه جاها را خواهند داد و بعد از تشخیص امر اولیای دولت ایران را سختی نخواهد بود. بحمداللّه در این مدت هرگز در این باب اولیای این دولت خلافی ننموده و نخواهد نمود، دیگر اولیای دولت علیّه عثمانی خود دانند. جواب آنها با ایلچیان و وکلای دولتین بهیّتین خواهد بود که اعتنا نکردند، چه نگارد.*

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۶۸.

سند شماره ۷۰

تاریخ: ۱۳ شعبان ۱۲۶۳

سواد نامه میرزا آقاسی به صدراعظم عثمانی

روز دوشنبه ۱۳ شهر شعبان سنه ۱۲۶۳.

سواد مراسله جناب جلالتمآب آقای حاجی سلمه اللّه تعالی که به جناب رشیدپاشا صدراعظم استانبول نوشته‌اند. به شرح آن که: جناب جلالت و نبالت نصابا، مجدت و نجدت انتسابا، فخامت و مناعت مآبا، شوکت و شهامت اکتسابا، رفعت و ابهّت پناها، معظم مشفقا، مکرّم مهربانا، محبّان استظهارا، دوستان اعتضادا. نظر به این که بنیان اساس مودت و یک‌جهتی و اتحاد منوط به تحریر وسایل مودت مشحون مصادقت بنیاد است و چون مکنون خاطر موالفت اثر به مقتضای کمال یکرنگی و موالات طالب و راغب آن است که محبان یکرنگ راسخ الاعتقاد را همواره به نگارش خلّت آیات فاتح ابواب مقالات دوستانه شود و صدیقه دوستی را به رشحات اقلام دعوات وافیات مهر و وفاق خضارت بخشای صدق و اتفاق گردد اشهدبالله که دوستدار همیشه منظور نظر بر حفظ بیضه اسلام و رفاه حال کافه انام بوده و می‌باشد و هرگز به هوای نفس مایل نشده و به خلاف و اختلاف و نفاق و افتراق و امری که مخالف طریقه زکیّه اسلامیّه بوده باشد راضی نگردیده. بحمداللّه الملک المنان که در این اوان رزایل نفاق بین‌الدولتین علیّتین بالمره منهدم و معدوم و اسباب دوستی و اتفاق بدون ضرر و نقصان کافه اهل اسلام فراهم آمد از آن جایی که سابقاً قرار شده بود که پس از اتمام امر مصالحه و مبادله بین‌الدولتین علیّتین و احضار وکیل دولت علیه به مقر خلافت کبری چنانچه ناتمامی در قرار و مدار مواد جزئیّه باقی باشد انجام و اتمام آن به عهده معتمدی امین از جانب این دولت علیّه محول شود که آمده با اولیای دولت علیّه عثمانی تمام نماید و چون عالیجاه رفیع جایگاها مجدت و نجدت همراها، فخامت و مناعت انتسابا، شهامت و نبالت اکتناها، مقرب‌الخاقان فرزندی میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه برحسب اولیای دولت قاهره به سفارت مخصوص دولت بهیّه فرانسه مأمور است لهذا بعد از رسیدن اخبار مصالحه

و مبادله از مصدر اجلال مجدداً حکم و مقرر شد که عالیجاه فرزند مشارالیه نیز خود را مأمور و اتمام این خدمت دانسته از طریق استانبول عبور نموده در استانبول چند وقتی که لازم است متوقف و رسوم ابلاغ دوستی صادقانه را با اولیای آن دولت علیّه به عمل آورده قرار و مدار مابقی مواد جزئیّه بین‌الدّولتین را داده بعد از آن روانه فرانسه شود معلوم است که اولیای آن دولت علیّه لوازم احترام را نسبت به عالیجاه فرزند مشارالیه به عمل خواهند آورد. لازم بود در مقام زحمت برآمد. ایام جلالت مستدام باد.*

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۰۶، برگ a ۵۴.



جناب جلالت مآب آقای حاجی سلمه الله تعالی به جناب رشید پاشا صدر اعظم اسلامبول نوشته اند شرح آنکه جناب جلالت

مآب ... با فخامت و مناعت نصاب شوکت و شهامت القاب رفعت و ابهت نصاب معظم مشفق مکرم مهربانا

... نظر باینکه بنیان اساس مودت و یکجهتی و اتحاد منوط بتحریر رسایل مودت مشحون بصداقت

... خاطر مواصلت ... مقتضای کمال یکرنگی و موالات خاطر دوستی آن است که ... یکرنگی را ... الاعتقاد

... رشته ... مراسلات ... فتح ابواب مقالات ... و صفحه ... را ... اقلام

وافیات مهر و وفاق حضرات ... صدق و اتفاق کرده اشهد الله که ... همیشه منظور نظر بر حفظ بیضه اسلام

در فایده کافه انام بوده و ... هرگز ... نشده و بجز رفع اختلاف و نفاق و افتراق ...

طریقه زکیه اسلامیه ... بحمد الله الملک المنان که در این اوان زمان اتفاق بین الدولتین العلیتین بالمره

منهدم و معدوم و اسباب ... و اتفاق ... اسلام فراهم آمد ...

لذا اتمام امر مصالحه و مسالمه بین الدولتین العلیتین ... بدولت علیه ... چنانکه ناتمامی در قرار و مدار

مواد جزئیه باقی ... انجام و اتمام آن ... معتمدی از جانب این دولت علیه محول نمود که ... با اولیای دولت علیه

عثمانیه تمام ... عالیجاه رفیع جایگاه مجدت و نجدت همراه فخامت و مناعت ... شهامت و جلالت ...

فرنگی ... نایب الوزاره ... لسفارت ... دولت بهیه فرانسه مأمور است

لهذا ... اخبار مصالحه و مسالمه ... عالیجاه ... الیه نیز خود را مأمور

بانجام و اتمام این خدمت داشته از طریق اسلامبول عبور نموده در اسلامبول چند وقتی که لازم است متوقف و رسوم

ابلاغ ... با اولیای آن دولت علیه بعمل آورده قرار و مدار باقی مواد جزئیه بین الدولتین را داده

روانه فرانسه شود معلوم است اولیای آن دولت علیه لوازم احترام ... عالیجاه فرنگی مشار الیه بعمل خواهند آورد

لازم بود در مقام زحمت بر آمد ایام جلالت مستدام باد



سند شماره ۷۱

تاریخ: [به احتمال قوی اواسط شعبان ۱۲۶۳][1]

نامه محمدشاه به سلطان عبدالحمید عثمانی

بَحمْدِاللّه الّذی اَیَدْالحق وشیّدالدین وَاَلَّف بَیْنَ قُلوبِ المُسْلِمینَ وَلَوْ انْـقَضّ مـافِی الأرْضِ جَمیعاً وَاجْتَمَعَتِ الجِنُّ والاِنسُ واِنْ کانَ بعضُهُمْ لِبَعْضٍ ظهیراً لَمْ تَاَلَّفْ قلوبُهُم، ولَمْ تُکْشَفْ کروبهُم لکِنَّ اللّهَ اَلَّفَ بَیْنَ قُلوبِهِمْ وَسَهَّل صَعْبَ خُطوبِهِم اِنَّهُ عَزیزٌ حَکیمٌ و بِعِبادِهِ رؤف رَحیمٌ.

پاکا، ملکا، جهان آنِ توست و جملهٔ دلها به فرمان تو.

سَرِ پادشاهان گردنفراز　　　به درگاه تو بر زمین نیاز

پادشاهی تو را سزاست که شاهنشاهانت بنده‌اند و خداونـدانت پـرستنده. صـلح و جـنگ شهریاران، نام و ننگ تاجداران، قبض و بسط ممالک، امن و خوف مسالک، جمله در دست قدرت توست و مسبوق تمشیت تو. لک الحمد مااولیت من نعمک و اَسْبَغْتَ من کرمک و نشرت من رأفتک و بشرت من رحمتک والصلواة علی نبیّک ولیک و اصحابه و اعقابه والسّلام.

و بعد بر رأی مهر ضیای خسرو ملک افزای کفرزدای، پادشاه اسلام پناه، الغازی فی‌سبیل‌اللّه، شهریار عادل دریادل، مهر اوج سما بحر موج سخا، سمای سماحت و جود سنای، سینای وجـود آرای فخر و فرّ، دانای خیر و شرّ، ابوالفتح و برادر معظم مهرپرور، سلطان‌البـرّین خـاقان‌البـحرین، خادم‌الحرمین الشریفین، سلطان والاشأن، سلطان عبدالحمیدخان، لازالت عماد دولة حالیّه و اعلام شوکة سامیّه مکشوف می‌دارد که:

اگرچه مواحدت دولتین اسلام، ایدهمااللّه الی یوم القیام و موألفت قـلوب اهـل تـوحید و صفوت ضمایر و پاکی سرایر و موافقت ظاهر و باطن و مجاورت ممالک و مواطن مقتضی آن است که هیچ‌گاه سلسلهٔ رُسُل و رسایل مابین دولتین انقطاع نیابد و رشتهٔ مراودت میان دو دولت ابدآیت اسلام که مستمسک آن فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالعُرْوَةِالوُثْقی لاَانفِصامَ‌لَها[2]ست انفصام نپذیرد. لکـن چـون چندگاه به واسطهٔ بعضی حرکات خلاف و نفاق سرحدّداران علی‌الظاهر آثار برودتی ظاهر، تـعیین

سفیر و تعیین مطاوی ضمیر در عهدهٔ تعویق و تأخیر افتاده بود تا اینکه نظر به اتّفاق باطنی دولتین اسلام و حسن تدبیر اولیای شوکتین ابدفرجام، در این اوقات که بحمدالله رفع برودت و اختلافات ظاهر بین‌الحضرتین به عمل آمده، در مدینه ارزنةالروم قرارنامه به توسّط وکلای جانبین سمت استقرار و اختتام پذیرفت، ادای رسوم تهنیت از دو جانب لازم افتاد و تجدید عهد مراسلت و مراودت بر دو حضرت واجب آمد.

عالیجاه رفیع جایگاه، مجدت و نجدت همراه، فخامت و مناعت اکتناه، مقرّب الخاقان، میرزامحمّدعلی‌خان، نایب‌الوزارة دول خارجه را که از عمده چاکران این دولت جاویدنشان است، از طرف دوستانهٔ این دولت به جانب ملوکانهٔ آن حضرت به رسم سفارت مخصوصه مأمور و به نظم سلک و ربط عقد این نامه محبّت ختامهٔ تجدید عهود مراودات قدیمه و تأکید رسوم معاهدات قویمه نمود که در انجمن حضور خلافت دستور ابلاغ و قرارنامهٔ مسطورهٔ تصدیق شدهٔ این طرف را با تصدیق شدهٔ آن حضرت اعلی تبدیل و به تکمیل متعلقات آن پردازد و فصلی از مراتب محبّت که در مکامن ضمیر دوستی تأثیر کامن است، بر رأی مهرآرا ظاهر و هویدا کند. لوازم رسوم مؤالفت و مراسم جهت جامعهٔ اسلامیة مقتضی آن است که پیوسته به تحریر مکاتبت دوستانه، خاطر مؤلفت مآثر را مسرور دارند. الخاتمة بالخیر والعاقبه بالعافیه.*

توضیحات:

۱. موضوع این سند دقیقاً با موضوع سند شماره ۷۰ یکی است. لذا هر دو نامه تقریباً در یک زمان خطاب به صدراعظم و سلطان عثمانی از سوی میرزاآقاسی و محمدشاه نوشته شده است.

۲. سورهٔ بقره، آیه ۲۵۶.

---

* . به نقل از نصیری، محمدرضا: پیشین، جلد ۲، ص ۲۲۱، سند شماره ۱۱۲. نصیری تصویر این سند را درج نکرده است.

سند شماره ۷۲

تاریخ: ۱۹ شعبان ۱۲۶۳

سوادنامه میرزاآقاسی به وزیر مختار انگلیس

سواد کاغذ جناب آقای [حاجی میرزاآقاسی] روحی فداه به وزیر مختار دولت بهیّه انگلیس به تاریخ ۱۹ شهر شعبان ۱۲۶۳. به شرح آن که: جناب جلالت و مجدت مآبا، نبالت و نجدت اکتسابا، کفالت و کفایت انتسابا، دوستان نوازا، محبان اعتضادا، مشفق مکرم معظّما. مراسله محبت‌آمیز که از راه کمال مهر قلمی فرموده بودید رسید و مضامین دوستی تضمینش معلوم و مفهوم گردید. درباب استفسار اولیای دولت بهیّه عثمانیّه از لنگرگاه که در عهدنامه مسطور آمده کدام است [که] اعلی‌جنابان دوستان نوازان ایلچیان عظیم‌الشأن مقیمان استانبول[1] از روی کمال صداقت گفته‌اند که معلوم است لنگرگاه هر بندر محاذی آن بندر می‌باشد. دوستدار را جواب این است: می‌بایست بفرمایند که اسم لنگرگاه نام محمّره نیست بلکه سالهای سال گذشته و قرنهای بی‌شمار طی شده سابقاً مکانی را در آن جاها لنگرگاه گفته‌اند و لازم نیست که لنگرگاه محاذی باشد گاه باشد که غیرمحاذی را به واسطه امکنه هر محلی لنگرگاه گفته‌اند و هیچ محاذی نبوده. این قید محاذرت از شرایط لنگرگاه نیست هنگام تحقیق از اهالی و سکنه آن جاها و همچنین از اهالی سفاین دور و نزدیک می‌باید هر جا مشهور به لنگرگاه، بوده آن جا به این اسم هم حالا موسوم نموده و البته باید تابع پیشینیان شد. آن سؤال را این جواب اَلَست بوده نه لفظ محاذی و ادعای علم درباب استفسار دوم[2] جواب این است که لفظ محمّره اسم بندری است از بنادر تا هر جا که اطلاق اسم محمّره یا تابع محمّره یا لاحق محمّره شود آن محمّره می‌باشد البته به نظر شریف جناب سامی در قباله‌جات آمده که هر ملکی را داخل قباله می‌نویسند با توابع ولواحق بالصراحه می‌نویسند مهندسین عظام که وارد آن جا می‌شوند هرجا را تابع دانستند تابع خواهد بود و داخل در محمّره و آنچه تابع نبوده باشد احدی گفتگو در آن باب نخواهد کرد. درباب استفسار سوم[3] معلوم است که شرعاً و عرفاً تصرف دلیل قوی ملکیّت خواهد بود. هر جایی راکه از مساکن عشایر دولت علیّه ایران همیشه متصرف بود

مال دولت علیّه ایران خواهد بود در هر جا باشد و اگر در تصرف دولت علیّه عثمانیه بوده احدی را حرف نخواهد ماند. قلمی فرموده بودید که سبب تعویق امضاء می‌باشد اگر در جوابهای اولیای دولت علیّه ایران جای خبطی باشد. یقیناً باعث عدم امضاء اولیای دولت علیّه ایران خواهند بود لکن اگر جوابها مطابق قواعد عقلی و نقلی باشد معلوم خواهد شد که سبب تعویق امضاء اولیای دولت عثمانی می‌باشد چنانکه تا حال به جهت عدم تحقیق سبب تعویق ایشان بوده‌اند و اگر ضرر مطلقاً به طرفین ندارد چنانکه مرقوم فرموده‌اند پس توقف اولیای دولت علیّه عثمانیه را باید سببی پیدا شود والا همان روز کاغذ دولتی به خدمت آن جناب مجدت نصاب دوستان نوازی نوشته زحمت داد که روزی که توپ اعلام مبادله خالی شد اعلیحضرت ظل‌اللهی شاهنشاه جمجاه ایران ادام‌الله دولته الی یوم القیام معاهده را امضا فرمودند و امری بود به مبارکی و فرخی به سعی و اجتهاد وکلا و اولیای دولتین فخیمتین گذشت این تعویق همه از امنای دولت علیّه عثمانیه شد زیاده زحمت ندارد. ایام جلالت مستدام باد. والسلام.*

توضیحات:

۱. در اصل: اسلامبول

۲. « « : دویم

۳. « « : سیم

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۰۵.

[illegible]

سند شماره ۷۳

تاریخ: ۲۳ شعبان ۱۲۶۳

سواد نامه میرزاآقاسی به وزیر مختار روسیه

سواد کاغذ جناب آقایی روحی فداه که به دستخط مبارک به جناب وزیر مختار دولت روسیه نوشته‌اند. به تاریخ ۲۳ شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۶۳ به شرح آن که: جناب جلالت و نبالت نصابا، مجدت و نجدت اکتسابا، کفالت و کفایت انتباها، دوستان نوازا، محبان اعتضادا، مشفقا، مکرما، معظما؛ مراسله مرسله در باب گفتگوی امنای دولت علیّه عثمانیّه به آن روش که قلمی فرموده‌اند تماما ملاحظه شد در عالم دوستی و محبت و اتحاد پایدار باشد. فی‌الحقیقه دوستدار را دیگر هیچ میلی به این قسم گفتگوها نمانده و من بعد اصلاً دخیل این امور بی ماحصل نخواهند شد از بس که زحمات بسیار به اولیای بزرگ دولت‌های فخیمه داد و از بس که از این مقالات بی‌فایده زحمت و رنجیدگی و آزردگی بهم رسانده چه نویسد و چه زحمت دهد امنای دولت علیّه عثمانیّه قدر چنین همسایه را که سالی دوازده کرور به واسطه زوّار و تجّار و حجّاج و مسافرین به آن دولت نفع می‌رسانند و همیشه منتسبان دولت علیّه ایران در آن ممالک به انواع مختلفه ذلّت و خواری می‌کشند، ندانند با ایشان دیگر چه جای گفتگو مانده. از بس که خجالت و شرمساری از اولیای دو دولت فخیمه دارد که بی‌جهت به ایشان آن قدر خسارت و مخارج گزاف و تحریر و مکاتبت بیشمار زحمت‌افزا گشته نه جای توقع دارد و نمی‌تواند دوباره چیزی نگارد از زندگانی سیر آمده‌ام و از گفتگو و طول و تطویل مقالات قرین هلاکت شده‌ام. هر ساعت اولیای دولت علیّه عثمانیّه رای می‌زنند و هر دمی گفتگویی می‌نمایند. گاهی سوال، تفسیر می‌جویند، گاهی کاغذ مبادله می‌نمایند. گاهی رأی‌شان منحرف می‌گردد، امضاء نمی‌کنند. باری چه نگارد که مستحضر نباشید و چه بگوید که بکرّات نشنیده‌اید. چون مراسله قلمی فرموده بودند و جوابی لازم گشته باز با هزاران خجلت و شرمساری مصدع گشت. مُحصّل این که تعدیات بسیار و خسارات از حد متجاوز از سرحدنشینان دولت علیّه عثمانیّه به اهالی ایران رسید. من نخواستم ستم میان دو دولت اسلام نقار و مخاصمه و تفریق باشد که

این امر موافق آیات کریمه شریفه دین اسلام نمی‌باشد در عالم دوستی به اولیای دولتین فخیمتین دادم و ایشان کمال بذل جهد را فرمودند به جائی نرسید. عهدنامه‌ها نوشته شد باز بعد از مدتی برهم خورد باز در ماه جمادی‌الاولی سنه ماضیه عهد و شرطی به میان آمد، باز بعد از مدتی نکث اتفاق افتاد باز امسال تجدید شد و حرفها قطع گشت و مبادله کردند حالا سؤال و تفسیر به میان آمده به آن جناب جلالتمآب آشکارا زحمت دادم که بعد از اختتام عهدنامه کاغذ نوشت که من‌بعد دیگر اگر گفتگوئی نمایند جواب بجز سکوت نخواهد بود. آخر تاکمی و تا چند اگر کاغذ را ملاحظه نکرده مبادله نمودند معنی آن چیست و اگر ملاحظه کردند و معنی فقرات را فهمیدند و راضی شدند و مبادله کردند حالا چه جای گفتگوست، و دفع‌الوقت در امضاء چه معنی دارد. شاهنشاه جمجاه ظل‌الله فی الارضین پادشاه ایران به مجرد تحقیق، مبادله امضا فرمودند و دوستدار امضاء را همان ساعت به همه دولتهای خارج اعلام و اظهار کرد. دیگر از این طرف راه حرفی نیست و اگر ایشان نخواهند امضاء بدهند به اولیای دولت علیّه ایران بحثی وارد نخواهد شد. سؤالی از لنگرگاه محمره شده این اسم مجردی نیست، مهندسین و سایرین از سکنه آن اطراف خواهند پرسید که لنگرگاه کدام است. آدمهای دولتین علیّتین اسلام از طرفین که آنجا حاضرند، خواهند گفت فلان جاست محاذی محمره است خوب و اگر چهار فرسخ دور است. خوب سؤال دیگر درباب توابع محمره است این نیز امر مخفی نیست، از سابق محمره جای صد ذرع در صد ذرع نیست مجرای انهار و تصرف در آن اراضی و مرابع و مراتع و ایلات و احشام و کشت و ذرع همه معین و مشخص می‌باشد. باز مهندسین و سایر سکنه آن اطراف معین خواهند کرد. به مجرد گفتگو یا عدم امضاء هیچ دولتی از ملک خود نخواهد گذشت. سؤال یگر درباب ساختن قلعجات است و این امری است محال زیراکه اگر سابقاً محمّره قلعه داشت جناب علی‌رضا پاشا آن تعدّیات را نمی‌توانست بکند که هفت کرور دولت با ناموس مسلمانان همه از دست رفت. به اولیای دولت علیّه عثمانیّه اظهار شد ایشان انکار کردند اما بعد از اطلاع نه رد خسارات کردند و نه مرتکبین را تنبیه و سیاست نمودند. اگر با اذن اولیای دولت علیّه عثمانیّه این امر اتفاق افتاده بود چرا انکار کردند و اگر بی‌اذن بود چرا سیاست نفرمودند. باری اگر قلعه در آنجا یا در همه سرحدات دولت علیّه ایران باشد همیشه این گونه تعدیات خواهد شد و

در مقام تعرض و سؤال انکار خواهند کرد و به سرحدنشینان تنبیه نخواهد شد آن وقت باید کل ایران خراب بشود به جهت خاطر امضاء بهانه‌جوئیها دست از ملک ایران کشیده شود و این نقل هم با اخلاصی که دوستدار به پادشاه جمجاه اسلام و ملت اسلام دارد به یکجا جمع نخواهد گشت. مردن و کشته شدن برای دوستدار تفاخر است نه این که عقلای زمان بگویند که دوستدار در اخلاص کوتاهی نموده [است.] سؤال دیگر درباب اراضی طرفین شط العرب و غیره است آن نیز موقوف به معین نمودن ید تصرف است موافق عقل و شرع ید تصرف دلیل ملکیّت است و تشخیص آن موقوف به تعیین مهندسین می‌باشد و تحقیق از سکنه آن سرزمین، بلی محال است که یک وجب از اراضی ایران به تصرف دولت دیگر باشد خواه امضا به عمل بیاید یا نیاید. هر آنی خبر می‌رسد که در بغداد این قدر پول از زوار گرفتند و این قدر از تجارگاه تکلیف می‌کنند که املاک خود را بفروشند گاه تکلیف می‌کنند که کاغذ ندهند و دل بگذارند که ماها رعیت دولت علیّه عثمانیّه می‌باشیم و این گونه تکالیف را به رعایای دولتین فخیمتین روسیه و انگلستان نمی‌کنند. اگر او را نگاه داشته‌اند از آن طرف مالیات هر ساله آنها تلف می‌شود و نمی‌رسد و از این طرف باز تاخت و تاز هست و رعایای سرحدنشین دولت علیّه ایران آسوده نیستند این چه مبادله و مصالحه است، ثمره اینقدر زحمات چیست. این جواب مراسله آن جناب جلالت مدار. زیاد چه تصدیع دهد. ایام جلالت مستدام باد.*

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۶۵-۱۶۶.

[illegible] ۲۳ [illegible] شرح آنکه [illegible]

[illegible] دولت علیه عثمانیه [illegible]

[illegible]

[illegible] دولت علیه ایران [illegible]

[illegible]

[illegible] این امر [illegible]

[illegible]

سند شماره ۷۴

تاریخ: ۲۶ شعبان ۱۲۶۳

نامه میرزاآقاسی به میرزامحمدعلی‌خان[1]

هو

فرزند عالیمقام و نور چشم عزیز معظم نایب دول خارجه و سفیر مخصوص دولت علیّه مفخم را به ابلاغ تسلیمات و انهاء تحیّات وافرات محترم داشته مشهود می‌دارم که هنگام مأموریت جناب شما از دربار همایون به سفارت دولت فخیمه فرانسه عبور از دارالخلافه استانبول منظور نبود. اما بعد از مرور آن فرزند مکرّم از سرحد دولت علیّه ایران مبادله عهدنامه‌های دولتین علتین اسلام ادام‌اللّه تعالی شوکتها الی یوم القیام در دارالسرور ارزنةالروم اتفاق افتاد، مأموریت به سفارت دارالخلافه استانبول نیز علاوه خدمات مأموره آن جناب از جانب دولت علیّه ایران صانهااللّه تعالی عن فتن الزمان گشت. نظر به این که آن فرزند عالیمقام من‌البدایة الی‌النهایه در مقالات وافره بین الدولتین العلیتین کمال مداخلت و استحضار را داشتند لازم نبود که اعلام مشفقانه درباب مقاوله با حضرات عالی درجات اولیای مکرم دولت ابد مدت عثمانیه شیداللّه‌تعالی ارکانه الی یوم القیمه حرفی نگارد یا ندانسته انگارد اما به جهت این که سندی در مکالمات دولتیه برای آن فرزند عالیمقام لازم بود چند کلمه به خط خود نگاشت که هنگام ضرورت استنادی به این سند نماید و خلاصه مطلب را به حضرات عالی درجات اولیای مکرم دولت علیّه ابدمدت عثمانیه اطال‌اللّه بقائهم و وفقهم‌اللّه تعالی لاعانه الدین المبین باصدق و صفا و بی‌ریب و ریا حالی نماید که در هیچ وقتی و آنی مکنون خاطر امنای دولت علیّه ابدمدت ایرانیه را ثبتهم اللّه تعالی فی‌الصراط القویم واعانهم‌اللّه فی اعلاء الواء الدین المستقیم مخالفت و مغایرت و تفرقه و مخاصمت نبوده واللّه علی ماتقول وکیل و کفی باللّه شهیدا و سابقاً به وساطت سفرای عالیمقام همین مطلب را در دارالخلافه استانبول گوشزد هر خاص و عام نموده که تفریق بین‌المسلمین والقاء فتنه فی شریعت خاتم‌النبیّن و سیدالمرسلین و حبیب رب العالمین علیه و علی آله الطاهرین و اصحابه المنتجبین من‌الصوات

انماها و من التحیات ازکیها شایسته شأن اهل اسلام و لایق و سزاوار سلاطین عظیم الشأن نیست. سیّما در این اوقات که رفتار طرفین مشهود و معلوم اهالی خانقین است و اشتباهی و شک و ریبی برای هیچ دولتی باقی نمی‌باشد اهالی ایران به واسطه عبور و مرور ایشان از بلدان متعلقه به دولت علیّه عثمانی صانها اللّه تعالی عن نواب الزمان که به عنوان مسافرت زیارات اماکن متبرکه مقدسه و تجارات طیّبه از سابق زیادتر اتفاق افتاد طالب آسایش آن بلدان و رفاه سکنه آن امکنه مشیدة الارکان می‌باشند. عقل مستقیم و رأی صایب دلیل و برهان این مطلب مستغنی عن‌البیان است و هر ساله قریب ده کرور نقد و جنس در آن ممالک به مصارف زیارات اماکن متبرکه و تجارات طیّبه می رسانند چگونه نقصان این ممالک قویم‌البنیان خواهند شد. با این اوضاع از اهالی آن ممالک پیوسته تعرض و آزار مشاهده می‌نمایند و ذلّت و خواری می‌کشند باز دست از دوستی و اتحاد برنداشته پیوسته با اهالی آن ممالک لازمه رفق و مدارا می‌نمایند هرچه از جانب اولیای دولت ابدمدت علیّه ایران صانها اللّه تعالی عن فتن‌الزمان اصرار زیاد در رفع این تعدیات به اولیای دولت قویمة‌الارکان آل‌عثمان زادها اللّه تعالی شرفا و کرامه شد به اهمال و اغفال و عدم اصغاء مقال گذشت حال که این قیل و قال مبدل به صلح و اصلاح و مخادنت و اقبال آمد آن فرزند بی‌همال نخستین مقال را به رجال کبار آن دولت ابد اتصال این کلمات را سازند که سعی بلیغ و جد کامل و اجتهاد کافل در استدامت و تقویت این مصالحه خیریّت انجام فرمایند مبادا باز از طمع یا عدم اعتنای سرحدنشینان منجر به زوال و اضمحلال گردد.

کسانی که بد را پسندیده‌اند ندانم ز نیکی چه بد دیده‌اند

اعلاء لواء اسلام و رفاه امت سیدالانام علیه الصلواة والسلام منوط به اتحاد دولتین علیّتین و یگانگی رجال کبار مملکتین می‌باشد. چنین اتفاق نیفتد که این حبل‌المتین را به افعال ارباب غرض انفصام دهند و این اجتماع کلمه اسلام را به سعایت معاندین عاری از دین تفرقه و انثلام خواهند بعد تمنای اقدام به عمل آوردن شرایط فقرات تسعه مرقومه در عهود مقرره بین‌الدولتین العلیّتین نمایند که لایاتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه، نه بر آن مزید است و نه نقصان آن را احدی طالب از قریب و بعید است همه کلمه به کلمه به اطلاع آن فرزند عالیمقام مرقوم گشته و بر جنابان وزرا و

وکلای دولتین فخیمتین واسطتین معلوم و مفهوم آمده از حضرات عالی درجات رجال کبار دولت ابدمدت علیّه عثمانی فرمانهای متعدده و احکام موکده برای سرحدداران ممالک محروسه و شهبندران ولایات بعیده اصرار نمایند که محافظت شرایط عهود را از خاطر محو و منسی ننمایند بعد عشایری که باید رد شود. چون فصل خریف قریب است و تدارک معیشت شتا لازم هرچه تعجیل به عمل آید برای آسایش عباداللّه بهتر خواهد بود. بعد مهندسین که برای تعیین سنور سرحدات مأمور خواهند شد نظر به این که غالب سرحدات ییلاق می‌باشد هرچه در این امر تعجیل شود موافق رویه عقل خواهد بود. چون مطلب منحصر بود، زیاد ننوشت. باقی والسلام خیر ختام.*

توضیحات:

۱. از این سند دو سواد بدست آمد. یکی در صندوق ۵، پوشه ۳ و دیگر در سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، صص ۱۰۷ و ۱۰۸. اصل سند و سواد نخست فاقد تاریخ و سواد دوم دارای تاریخ ۲۶ شعبان ۱۲۶۳ است.

* . صندوق ۶، پوشه ۳.

فرزند عالی‌مقام مکرم و دوستم حشمت‌مآب معظم‌الیه وزیر امور خارجه و سفیر مخصوص دولت علیه مفخم را با ابلاغ تسلیمات و اهدای تحیات وافیات محترم داشته مشهود میدارم [illegible]

که هنگام مأموریت جناب‌شان از دربار همایون به سفارت دولت فخیمه فرانسه عبور از دارالخلافه اسلامبول منظور نظر بود اما بعد از مرور آن فرزند مکرم [illegible]

مبادله عهدنامهای دولتین علیتین اسلام ادام الله تعالی شوکتهما الی یوم القیام در دارالسرور ارزنة الروم اتفاق افتاده مأموریت سفارت دارالخلافه [illegible]

نیز علاوه مهمات مأموره ایشان از جانب دولت علیه ایران صانها الله تعالی عن حدثان الزمان گشت نظر باینکه آن فرزند عالیمقام من البدایة الی النهایة

در مقالات وافی بین الدولتین العلیتین کمال مداخلت و استحضار را داشته لازم بود که اعلام مشفقانه در باب مقاله با حضرات عالیه رجال [illegible]

دولت ابدمدت عثمانیه شید الله تعالی ارکانه الی یوم القیمه حرفی نگارد یا به نشانه الفاظ لا محاله اینکه سنه [illegible] در مکالمات دولتیه [illegible] آن فرزند عالیمقام

لازم بود حرفی چند کلمه بخط خود نگاشت که اعلام ضرورت استناد در این سنه نماید و خلاصه مطلب سلام بحضرات عالیه رجال اولیای مکرم دولت علیه

عثمانیه اطال الله بقائهم و وفقهم الله تعالی لاعانة الدین المبین با صدق و صفا و بی ریب و ریا حالی نماید که در هیچ وقت و آن منظور خاطر این [illegible]

ایرانیه را ثبتهم الله تعالی علی الصراط القویم واعانهم الله فی اعلاء لوای الدین المستقیم مخالفت و مغایرت و نفرت و مخاصمت نبوده و الی ما یقول و کیل [illegible]

و سابقاً و سالفاً سفرای عالیمقام همین مطلب را در دارالخلافه اسلامبول کوشش در هر خاص و عام نموده که تفریق بین المسلمین والتفرقه فی شریعة [illegible]

خاتم النبیین و سید المرسلین و حبیب رب العالمین علیه و علی آله الطاهرین و اصحابه المنتجبین من الصلوات انماها و من التحیات ازکیها [illegible] اهل الاسلام [illegible]

سلاطین عظیم الشان نیست سیما در این اوقات که رفتار طرفین مشهود و معلوم اهالی خافقین است و شنیدها [illegible] منافع [illegible] زیارات اماکن متبرکه مقدسه

اهالی ایران بواسطه عبور و مرور ایشان از بلدان متعلقه بدولت علیه عثمانی صانها الله عن نوائب الزمان که بعنوان [illegible] دلیل و برهان

ارساتین زیاد تر اتفاق افتاده طالب آسایش این بلدان و رفاه سکنه آن امکنه مشیدة الارکان میباشند عمل مستقیم و رای صائب [illegible]

این مطلب مستغنی عن البیان است و هرساله قریب دو کرور نقد و جنس در آن ممالک بمصارف زیارات اماکن متبرکه و تجارات [illegible]

طالب نقصان این ممالک قویم البنیان خواهند شد با این اوضاع اهالی آن ممالک پیوسته ترقی و از ارشاد عثمانیه دولت و خواهش [illegible]

بازدیاد از دوستی و اتحاد بر بدانشته پیوسته با اهالی آن ممالک لازمه رفق و مدارا عثمانیه هرچه از جانب اولیای دولت ابدمدت علیه ایران

صانها الله تعالی عن حدثان الزمان اصرار زیاد در رفع این شبهات با اولیای دولت قویمة الارکان آل عثمان زاد الله تعالی شوکته [illegible] با اهل [illegible]

و عدم صفا بمقال گذشت حال که این قیل و قال بسهل بصلح و اصلاح و مخادنت و اقبال آمده آن فرزند بسهولت تحسین مقال را از رجال کبار [illegible]

این کلمات را ساز زند که بعون ملیک و جد کامل و اجتهاد کامل در رشته اتحاد و تقویت این مصالحه حرف اتمام فرمایند مبادا بازار طبع عدم [illegible]

منجر بزوال و اضمحلال گردد کسانی که ترا بسینه بود [illegible] اعلای کلمه اسلام و رضای امت سید الانام علیه الصلوة والسلام

منوط باتحاد دولتین علیتین و یکدلی رجال کبار مملکتین ملت [illegible] چنین اتفاق بفتند که این حبل المتین را با فعال ارباب غرض انفصام دهند و این

اجتماع کلمه اسلام بسعایت سعایت گران ازین تفرقه را نشود خواهند بعد ما اقدام بعدی [illegible] شرایط فقرات تسعه مرقومه در عهود معتبر

بین الدولتین العلیتین نماینه که لدی [illegible] الباطل من بین یدیه و لا من خلفه نظم بر آن فریه است و نه نقصان آنرا احتمال از قریب و بعید [illegible] مکلمه

باطلاع آن فرزند عالیمقام مرقوم گشته و جناب وزرا و وکلای دولتین الفخیمتین والمتحدتین معلوم و مفهوم آمده از حضرات عالیه رجال [illegible]

[illegible]

سند شماره ۷۵

تاریخ: ۲۸ شعبان ۱۲۶۳

سواد نامه میرزامحمدعلی‌خان به صدراعظم عثمانی

سواد کاغذ جناب مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب الوزاره دول خارجه که به جناب رشید پاشا صدراعظم دولت علیّه روم نوشته است. به شرح آن که: جناب شوکت و جلالت مآبا، حشمت و نبالت انتسابا، کفالت و کفایت اکتناها، مخلصان استظهارا معظما؛ در حین ادراک سعادت حضور جنابعالی مأموریتی که از جانب شرافت جوانب اولیای دولت قاهره ایران داشت بالمشافهه به طور اجمال به جنابعالی ابلاغ کرد. لازم آمد که مفصلاً و تحریراً نیز مأموریت خود را القاء کند و خدمت ذی سعادت جنابعالی مصدع آید و بگوید که الحمدللّه الذی ایّدالحق و مشیدالدین والف بین قلوب المسلمین شکر و سپاس و منت و نعمت خدایرا که باب رحمت بر روی اهل اسلام گشود و نظر رأفت بر تابعان سید انام انداخت و ملک اسلام را از رحمت آشوب و انقلاب مصون ساخت. سلم و اسلام و امن و ایمان موافق و معانق شدند، کلفت به الفت تبدیل یافت کاوش به سازش قرار گرفت اسم تخالف از میان رفت اسم تخالف به میان آمد. غوایل خلاف و اختلافی که فیمابین سرحداران مملکتین بود به حسن تدبیر اولیای دولتین دفع و رفع شد و قرارنامه بین‌الدولتین در ارزنةالروم به واسطه وکلای حضرتین مهر و مبادله گردید لهذا از رأی رزین و فکر گزین و عاقبت‌اندیشی آن جناب شوکت مآب اطمینان کلی و اعتماد کامل حاصل است که زیاد از پیش مواظب ابقای اصول مصالحه و مراقب اجرای فصول معاهده میمونه قدیمه و جدیده خواهند بود و نظر به قرب جوار و جهت جامعه اسلامیه دو دولت قوی آیت اسلام را دولت واحد خواهند شمرد و در سرّا و ضرّا و انتظام و اختلال با یکدیگر سهیم و شریک خواهند داشت و قولاً و فعلاً نظر التفات و اهتمام در ازدیاد مواد اتحاد و التیام دولتین ابدفرجام خواهند گماشت و نیز مأمور است که درباب چند فقره مطالب جزئیه که بعد از اتمام امر مصالحه میمونه انجام آنها از لوازم است خدمت آن جناب شوکت مآب مصدع آید. اولاً: فرامین متعدده و احکام مشیده به افتخار ولات پاشایان عظیم‌الشأن ولایات محروسه این دولت علیّه که عبور و وصول حجّاج و زوّار و تجّار دولت علیّه ایران اتفاق می‌افتد صادر شود که موافق شروط عهدنامه مبارکه با آنها رفتار کرده از ظلم و اجحاف نسبت به آنها

محرز باشند و در کمال حسن سلوک و اخوت با آنها معامله نمایند و در صیانت نفوس و اموال آنها لازمه اهتمام را به عمل آورند، خصوصاً به والی بغداد. ثانیاً: عشایر دولت علیّه ایران که در این دولت علیّه توقف دارند از این که فصل خریف قریب است و تدارک مکان و معیشت فصل شتا برای آنها لازم است فرامین مطاعه صادر شود که سرحدداران این دولت علیّه تمامی آنها را رد کرده که به منازل و اوطان و یورت قدیم خود معاودت کنند و اگر به رسم مالیات چیزی از آنها گرفته باشند رد نمایند و متعرض اموال و اسباب و دوّاب آنها شود. ثالثاً: چه برای تعیین سرحدات چه برای رسومات مراعی و خساراتی که بعد از تاریخ شهر جمادی‌الاول سنه ۱۲۶۱ اتفاق افتاد و در فقره سوم[1] و چهارم قرارنامه میمونه مندرج است که بلا تا خیر مهندسین مأمور شوند که موافق قانون انصاف صورت انجام پذیرد نظر به این که سنور و سرحدات دولت علیّه اغلب ییلاق می‌باشد هر چه در این امر تعجیل بفرمایند و مهندسین و مأمورین را تعیین نمایند به صلاح و صواب اقرب است. رابعاً: درباب خسارت مجاورین کربلای معلی از قرار استحضار جنابان جلالتمآبان وزرای مختار دولتین فخیمتین واسطه اولیای این دولت علیّه قرار دارند تلافی شایسته به عمل آورند تعویق این امر زیاد از حسن عدالت و انصاف رجال کبار دولت علیّه بعید است هرچه زودتر به وعده وفا فرمایند بهتر است. خامساً: از این که مخلص از اولیای دولت علیّه ایران مأمور است که زیاد از پانزده روز در استانبول مکث نکرده عازم مملکت فرانسه شود و کشتی جنگی آشتی دولت بهیّه فرانسه منتظر مخلص است. لهذا در دوشنبه هفته آینده از خدمت جنابعالی مرخص خواهد شد از جنابعالی متمنی است که در باب فرامین و اجرای مطالب مزبوره تا مخلص در استانبول است حکم به اتمام و انجام آنها فرمایند و جواب مراسله جناب شوکت و جلالتمآب اجل اعظم اکرم حاجی میرزاآقاسی سلمه‌اللّه تعالی را نیز مرقوم و نزد مخلص ارسال دارند که به اتفاق چاپار خود روانه دارالخلافه طهران دارد. چون لازم بود مصدع گردید.

تحریراً فی یوم سه‌شنبه ۲۸ شهر شعبان سنه ۱۲۶۳.*

توضیحات:

۱. در اصل: سیم

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، صص ۱۰۸ و ۱۰۹.

[illegible] جناب مقرب الخاقان [illegible] نایب الوزاره [illegible] جناب [illegible] صدراعظم [illegible]

[illegible]

[illegible] لازم [illegible]

[illegible] الحمدلله الذی [illegible] الحق و شید الدین و [illegible] قلوب المسلمین شکر و سپاس و منت و نعمت [illegible]

[illegible] اسلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۲۹ [illegible] ۱۲۶۳

سند شماره ۷۶

تاریخ: شعبان ۱۲۶۳

سوادنامه وزرای مختار روس و انگلیس به میرزاآقاسی

سواد شرحی است که وزرای مختار مقیم دارالخلافه جهت آقای [حاجی میرزاآقاسی] روحی فداه روانه کرده‌اند. به تاریخ شهر شعبان ۱۲۶۳.

به شرح آن که: ترجمه شرحی است که وزرای مختار دو دولت واسطه مقیم استانبول[1] بالاتفاق به جناب علی افندی وزیر دول خارجه دولت علیّه روم نوشته‌اند به تاریخ چهاردهم شهر آوریل مطابق یازدهم ذیحجّه شرحی که به یک مضمون مع نوشته علی حده جناب علی افندی وزیر دول خارجه دولت علیّه روم و ایران به تاریخ یازدهم این ماه به اینجانبان نوشته‌اند. با کمال خوشوقتی سند داشتم از آن حدود که خود علی افندی که ضمن آن به اسم دولت علیّه روم اظهار می‌دارد که بلادرنگ به وکیل دولت علیّه مقیم ارزنةالروم حکم خواهند داد که بدون تغییر و تبدیل فقرات عهدنامه فیمابین ایران و روم را مطابق انشاء وکلای دو دولت فخیمه واسطه و موافق تکلیف آنها به توسط وکلای مختار به دو دولت اسلام نموده‌اند دستخط گذارد مشروط بر این که وزرای مختار مقیم دارالخلافه و مقیم استانبول فقرات را که در نظر دولت علیّه روم به قدر کفایت واضح نیست مشخص کنند. فقراتی که اولیای دولت علیّه و روم در مقام استفسار آن برآیند از این قرار است: فقره اول؛ دولت علیّه روم را اعتقاد است که از قراری که از شروط فصل دوم قرار داد واگذار کردن شهر و بندر و لنگرگاه محمره و همچنین جزیرةالخضر را به دولت علیّه ایران بدهند منتها اگر ضرری داشته باشد به زمینهای دولت علیّه روم که در خارج شهر مزبور واقع می‌باشد و به سایر بندرات دولت علیّه روم که در آن سالها می‌باشد نیزی دولت علیّه روم را می‌نماید. آیا از قرار مضمون همان فقره که مقرری است نیز ایلاتی که واقعاً به دولت علیّه ایران تعلق دارند ولی دور نیست متفرق شده نصف آنها در ملک روم باشد و نصف دیگر در خاک ایران باید آن دسته که در خاک دولت علیّه روم است رعیت ایران بشود و از این قرار زمینهایی که دسته مذکور دارد باید به ایران واگذار

شود یا خیر البته اولیای دولت علیّه ایران می‌تواند با دولت علیّه روم درباب حق تصرف آن زمینها گفتگو و مباحثه داشته باشد. دوم دولت علیّه روم سؤال می‌نماید آیا از قرار مضمون حال فقرات اول و چهارم دولت ادعای خسارت نقدیه دولت را از دولت دیگر که بالمره موقوف شده می‌تواند در سلک مطالبات میان اشخاص اندازد حرف دولت علیّه روم این است که به اعتقاد خودش این گونه مطالبات باید همین دخل داشته باشد به بعضی رسوم چراگاه و ضررهایی که جانبین به یکدیگر رسیده باشد و پس مثلاً از قطاع الطریق و سایر از این قبیل فقراتی و همچنین دولت علیّه روم سؤال می‌نماید آیا از دولت علیّه ایران قبول مقدمه استحکامات را که بر فصل دوم افزوده شده حاصل خواهند کرد. مع قبول عبارات متعلقه به رفتار مساوی از جانب طرفین که در فصل هفتم قرارنامه از فقره مأمورین مقطوع آمده بود از آنجایی که وزراء مختار طالب و مایل رفع تردیدات دولت علیه روم در همه فقره فوق هستند در جواب اظهار می‌نمائیم: اولاً؛ لنگرگاه محمّره جایی است که در محاذی شهر محمّره در نهر منتهی به حفّار واقع می‌باشد و این فقره طور دیگر تأویل‌پذیر نیست و اینجانبان نیز شریک اعتقاد اولیای دولت علیّه روم می‌باشیم که از واگذار نمودن در مواضعی که ذکر می‌شود به دولت علیّه ایران شهر و بندر و لنگرگاه محمّره و همچنین جزیرةالخضر را چنان مفهوم نمی‌شود که دولت علیّه روم واگذار نموده باشد. در آنجاها هیچ زمین‌ها دیگر و سایر بنادر که می‌تواند در آنجاها باشد نیز اعلام می‌نمائیم که به هیچ بهانه دولت علیّه ایران نمی‌تواند درباب ولایات واقعه در سمت راست شط العرب و نه در باب زمین‌های سمت چپ آن متعلقه به دولت علیّه روم ادعایی برپا نماید اگر هم ایلات ایران به جزء و یا به کل در سمت راست شط العرب و یا بر زمینهای مذکور سکنی گرفته باشند. دوم در باب اندیشه دولت علیّه روم که مبادا تفسیر غیرصحیح فصل اول و چهارم عهدنامه باعث شود که دولت علیّه ایران ادعای خسارت نقدیه میان دو دولت برپا نمایند. اینجانبان اعلام می‌داریم که بنابر مضمون صریح فقرات اول و چهارم عهدنامه مذکوره جمیع مطالبات نقدیه از این قسم هر نوع مطالبات از هر جا باشد موقوف و متروک بوده و خواهد بود و به این جهت مباحثه در این باب به هیچ صورت نمی‌تواند برپا شود. همین می‌توانند حق داشته باشند که رضامندی از برای مطالبات میان اشخاص از طرفین داده شود و بس. غوررسی و حقیقت مطالبات

مذکور مفوض است به نحوی که مقرر شده است به مأمورین که به خصوصه این کار معین خواهند شد و تشخیص آن چه که باید دخل مطالبات میان اشخاص بشود نیز محول بـه مأمـورین مـذکور خواهد بود. در باب دو فقره دیگر که جناب علی افـندی در آن شـرح خـود مـذکور سـاخته است. اینجانبان به جواب مصدع می‌آیم که به اعتقاد خودمان می‌توانیم به گردن بگیریم که دولت علیّه ایران به رغبت راضی خواهد شد که در فصل هفتم فقرات چند در باب رفتاری که از طـرفین بـاالسّـویه محض صرفه رعایای جانبین و زوّار و کنسولها[۲] باید مرعی داشت مندرج شود. درخصوص فقره استحکامات اینجانبان اکتفا به اظهار اعتقاد به نفسه خود می‌نمائیم و آن این است کـه چـنانچه دو دولت اسلام از طرفین تعهد نمایند که اطراف شط العرب را محکم نمایند، بیشتر مـایهٔ اطـمینان از برای مراوده دوستانه فیمابین دو مملکت حـاصل خـواهـد شـد و زیـاد اسـتحکام رابـطهٔ اتـحاد و خصوصیت که مقصود عهدنامه است برقرار خواهد نمود. اینجانبان حاضر و آماده می‌باشیم که به توسط همکاران خود در تهران منظور دولت علیّه روم را در این باب به عمل آوریم و امید هست که چنین سعی بی‌اثر نخواهد و نیز در این امید هستیم که عهدنامه را بدون مضایقه می‌توان دستخط کرد بی‌آن که منتظر شوند نتیجه گفتگوی این فقره مخصوص را که مـی‌توان بـعد مـضمون شـرطنامه علی حده ساخت و بر عهدنامه افزود.*

توضیحات:

۱. در اصل: اسلامبول

۲. « « : قونسولها

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۶۴.

مقیم دار [illegible]

روانه کرده‌اند [illegible] ۱۲۶۳ [illegible]

ترجمه [illegible] وزیر مختار دولت [illegible]

[illegible] افندی وزیر امور خارجه [illegible]

[illegible] چهاردهم شهر [illegible]

[illegible] افندی وزیر امور خارجه [illegible]

[illegible]

[illegible] افندی در ضمن [illegible] دولت [illegible]

[illegible] دولتین ایران و روم [illegible]

[illegible] مطابق [illegible] مختار [illegible] دولت [illegible]

[illegible] دولت علیه روم [illegible] واضح نیست [illegible]

[illegible] دولت علیه روم [illegible] شروط [illegible]

شهر و بندر [illegible] محمره [illegible] دولت علیه روم [illegible]

و بنادر [illegible] دولت علیه روم [illegible] دولت علیه روم [illegible]

علیه ایران [illegible] نصف آنها در ملک روم باشد و نصف دیگر در خاک ایران [illegible] دولت علیه روم [illegible]

و در [illegible] دولت علیه ایران [illegible] دولت علیه روم [illegible]

[illegible] دولت علیه روم [illegible] دولت [illegible]

میان [illegible] دولت علیه روم [illegible]

و پس [illegible] دولت علیه ایران [illegible]

[illegible] ملاحظه [illegible] از طرفین [illegible] قرارنامه [illegible] معطل [illegible] که [illegible]

[illegible] در هیچ فقره فوق هستند در جواب اظهار میداریم اولاً [illegible] محمره [illegible]

[illegible] نیز [illegible] دولت علیه روم میدانیم ثانیاً [illegible] دولت علیه ایران [illegible]

[illegible] دولت علیه روم و اگر [illegible] باشد در آنجا [illegible] دولت علیه ایران

[illegible] شط العرب [illegible] متعلقه دولت علیه روم [illegible] دولت ایران [illegible]

[illegible] گرفته باشند [illegible] عهدنامه [illegible]

[illegible] دولت [illegible] عهدنامه مذکور جمیع مطالبات

[illegible] موقوف و متروک [illegible]

[illegible] مطالبات میان اشخاص [illegible] مطالبات مذکور [illegible] مقرر شده است

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] شط العرب [illegible]

[illegible] عهدنامه است [illegible]

[illegible]

[illegible] دولت علیه روم [illegible]

[illegible]

سند شماره ۷۷

تاریخ: شعبان ۱۲۶۳

سوادنامه وزیر مختار انگلیس به میرزاآقاسی

سواد کاغذ وزیر مختار انگلیس به جناب آقا، روحی فداه به تاریخ شهر شعبان سنه ۱۲۶۳.

به شرح آن که: جنابا شرحی که درباب تعرفه[۱] نگارش [و] با صورت صلاح صوابدید جناب جلالت نصاب، محبان استظهاری، مشفق معظم لرذ پالمرستون[۲] به توسط عالیجاه مجدت همراه دوست مهربان طامسن صاحب ارسال فرموده بودند رسید. از مراتب مندرجه هر سه که از روی کمال مودّت و مهربانی بود استحضار خاطر به هم رسانید. اگرچه تفصیل را زبانی به عالیجاه طامسن صاحب حالی کرد که به آن جناب اظهار دارد ولکن از برای اطمینان خاطر باز مختصری زحمت می‌دهد. لذا این فقره بدیهی است که اولیای دولت فخیمه انگلستان وجود آن جناب مشفق مهربان هیچ وقت صلاح صوابدید این دولت علیّه را از دست نداده، خصوص در امر مصالحه بین‌الدّولتین علیّتین ایران و روم که دوستدار کمال، کمال خجالترا از آن زحمات دارد. درباب این تعرفه هم معلوم است که صلاح و صرفه این دولت علیّه را مسطور کرده‌اند اما آن جناب خود می‌داند که اولیای علیّه روم بهانه‌جو می‌باشند. دور نیست که عهدنامه را امضاء نکنند. چندی تأمل فرمائید تا عهدنامه امضاء شود آن وقت با اولیای آن دولت بهیّه گفتگو خواهد شد.*

توضیحات:

۱. در اصل: تعریفه

۲. « « : لارد پالمستان

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۶۷.



[illegible]

سند شماره ۷۸

تاریخ: [به احتمال قوی اوایل رمضان ۱۲۶۳][1]

سوادنامه میرزاآقاسی به میرزامحمدعلی‌خان

دو ملفوفه جناب آقا به عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه ایلچی مخصوص دولت علیّه.

به شرح آن که مقرب الخاقانا فرزندا در مدت توقف طرابوزان[2] می‌گویم چیزی نبود که آن فرزند بنویسند در این چند وقت مکث آن فرزند در استانبول هم هیچ نوشتجات نرسید دیگران وضع اقدام آن فرزند را نوشته بودند و خود هیچ شرحی در این مواردها ننوشته است و اصلاً چیزی از احوال و گزارشات او نداریم. نمی‌دانم این همه تکاهل و تأمل چرا، نمی‌دانم چه باعث دارد که کاغذت دیر به دیر می‌رسد. با آن که اول قراری که شده بود در زود رسیدن نوشتجات آن فرزند بود. خوب ....[3] و رفتار کردی علی ای التقادیر البته تا حال یک دو مجلس گفتگو با اولیای دولت عثمانی کرده است و از بطون مقاصد آنها اطلاع به هم رسانیده است البته مصلحتی ۱ [یک] چاپار خیلی زود مراتب را مفصلاً، مشروحاً بنویس که بداند چگونه آن فرزند احترام به عمل آورده‌اند. مقصود من این است و بود که ببینم اولیای دولت روم درباب امضاء که قرار شده بود که دو ماه یا کمتر باشد و حال پنج ماه گذشته است چه خواهند کرد. من چنین می‌دانم که رومی در این باب اقبالی ندارند. اگر دارند بپرس و به همین سبب تعویق و تأخیر و تکاهل آنها از چه چیز است اگر دیدی آنها در بند نیستند آن فرزند هم در بند نباشد و اگر فی‌الحقیقة آنها طالب هستند آن فرزند هم مضایقه در امضاء و مبادله نداشته باشد امر است. همه گمانها در آن می‌رود اگر یافتی منظورشان بر تعطیل و مقصودشان بر نگذشتن کار است دیگر آن وقت بر این معطل نشود و روانه مملکت فرانسه شود که بدین طریق در آنجا معطل بودن حاصلی ندارد البته البته از گزارش ورود و مدت توقف خود را در استانبول بنویس و مرا آگاهی حاصل شود. تا بدانم تکلیف چیست. والسلام.*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۳.

توضیحات:

۱. میرزامحمدعلی‌خان در تاریخ ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۲۶۳ به قصد فرانسه از تهران حرکت کرد. بنا بود برای حل و فصل جزئیات عهدنامه مدت کمی در عثمانی توقف کند اما به دلیل کارشکنی‌های ترکان و حمایت سفرای دول واسطه از آنان، مدت اقامت او تا تاریخ ۱۴ رمضان ۱۲۶۳ که عازم فرانسه شد، به طول انجامید. در متن این سند میرزاآقاسی اشاره کرده است: «مقصود من این است و بود که ببینم اولیای دولت روم در باب امضاء که قرار شده بود که دو ماه یا کمتر باشد و حال پنج ماه گذشته است چه خواهند کرد. من چنین می‌دانم که رومی در این باب اعتنایی ندارد ...» از اشاره پنج ماه، می‌توان احتمال داد که این نامه مدت کمی قبل از عزیمت میرزامحمدعلی‌خان به فرانسه یعنی اوایل رمضان ۱۲۶۴ خطاب به او نوشته شده باشد. البته با احتساب فاصله زمانی انعقاد عهدنامه تا اوایل رمضان تقریباً چهار ماه و نیم می‌شود که میرزاآقاسی «پنج ماه» بیان کرده است.

۲. در اصل: طرابزند

۳. یک کلمه خوانده نشد.

[illegible]

سند شماره ۷۹

تاریخ: ۳ رمضان ۱۲۶۳

نامه وزیر مختار انگلیس به میرزاآقاسی

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا، معظما؛

شرحی که در جواب مراسله دوستدار که از قرار حکم جناب لرد پالمرستون[۱] درباب تصدیق فقرات چند از ایلچیان در استانبول در مصلحت‌اندیشی اولیای این دولت علیّه نزد آن جناب مشفق معظم فرستاده بود نگارش فرموده بودند، رسید، باعث افسوس گردید که اولیای این دولت علیّه مصحلت‌اندیشی اولیای دولت علیّه انگلیس را که واسطه بودند قبول و اعتنایی نکردند ولی چند روز قبل که دوستدار شرفیاب حضور مبارک گردید در باب قلعه به خصوص تفصیل را عرضه حضور مهر ظهور مبارک داشت بالمشافهه العلّیه فرمودند که به جناب حاجی می‌فرمائیم شرحی به شما بنویسند که مادامی که دولت علیّه روم در آن طرف شط محاذی خاک ایران قلعه نسازند ما هم این طرف شط محاذی خاک آنها قلعه نخواهیم ساخت. لهذا نظر به فرمایش ملوکانه از آن جناب مشفق معظم متوقع است که قدغن فرمایند از قراری که سرکار اعلیحضرت پادشاهی فرموده‌اند به همان مضمون شرحی به دوستدار مرقوم و ارسال دارند که دوستدار ترجمه او را تا زود است نزد ایلچیان مقیم استانبول روانه دارد که عجالة از این یک فقره استحضاری حاصل نمائید و با اولیای دولت علیّه روم از آن قرار گفتگو نمایند، یقین است چون فرمایش صریح ملوکانه است قدغن بلیغ در این باب خواهند فرمود که تخلف نشود. چون لازم بود اظهار داشت.

تحریراً ۳ شهر رمضان سنه ۱۲۶۳.*

توضیحات:

۱. در اصل: لارد پالمستان

[مهر پشت سند] جستن شیل

---

* . صندوق ۶، پوشه ۳، از این سند دو سواد بدست آمد، یکی در صندوق ۶، پوشه ۲، و دیگری سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۰.

جناب جلالت و نبالت و کفالت نصاب مجدت [illegible] اکرم عالیجاه [illegible] سفارت کبرای [illegible]



مرقومه‌ای که در جواب مراسله دوستدار راجع به اظهار جناب لارد پالمرستون در باب تصدیق [illegible] حدود [illegible]

در اسلامبول در مجلس [illegible] دولت علیه نزد جناب مشیر معظم [illegible] رسید

باعث افسوس گردید [illegible] دولت علیه [illegible] دولت علیه [illegible]

ولی چند روز قبل دوستدار شرفیاب حضور مبارک گردید و در باب قلعه [illegible] تفصیل را عرض کرد که

حضور مبارک [illegible] جناب حاجی [illegible]

[illegible] دولت علیه روم در اطراف خط [illegible] خاک ایران قلعه [illegible]

خط [illegible] خاک [illegible] قلعه نخواهیم ساخت [illegible] آن جناب مشیر معظم

موقعیت [illegible] از قرار [illegible] اعلیحضرت پادشاهی [illegible] دوستدار

مرقوم و در ارسال [illegible] دوستدار ترجمه او را [illegible] اسلامبول روانه و ارد

[illegible] دولت علیه روم [illegible]

[illegible] است چون فرمایش صریح ملوکانه است [illegible] تبلیغ در باب [illegible] تکلیف [illegible]

[illegible] اظهار داشت تحریر [illegible] شهر شعبان ۱۲۶۳



سند شماره ۸۰

تاریخ: ۵ رمضان [۱۲۶۳]

سوادنامه میرزاآقاسی به وزیر مختار انگلیس

سواد کاغذ جناب آقا روحی فداه به وزیر مختار انگلیس به تاریخ ۵ شهر رمضان [سنه ۱۲۶۳].

به شرح آن که جنابا در باب جزیرةالخضر هنگامی که شرفیاب حضور اعلیحضرت قدرقدرت شاهنشاهی شده بودند آن جناب مرقوم داشته بودند که سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی قبول فرمودند که مادامی که دولت روم در آن طرف شط محاذی خاک ایران قلعه نسازند دولت ایران هم نخواهند ساخت و از دوستدار خواهش رفته بود که همان مضمون حکم را به آن جناب اظهار دارد. دوستدار مراتب را به خاکپای اقدس ملوکانه عرضه داشت. امر و مقرر فرمودند که آن روز با جناب وزیر مختار دولت انگلیس در باب جزیرةالخضر که آن را حفّار می‌نامند. گفتگو شد ما می‌خواهیم که اگر رومی آن سمت قلعه نسازند برای ما هم واجب نیست که حالا قلعه بسازیم، اما عهدنامه بدهیم که قلعه ساختن ما ابداً از برای ما حرام باشد چه ضروراتی است، فرمایشِ ملوکانه که به تاریخ شهر رمضان مصدع شد.*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۶۹.

[illegible] آقای [illegible]

[illegible] جناب جلالتمآب [illegible] وزیر [illegible]

[illegible] در ممالک [illegible] ایران [illegible] نمره ۵۷ [illegible]

[illegible] که [illegible]

[illegible] که اگر [illegible] آن سمت [illegible]

[illegible] صدور این [illegible]

سند شماره ۸۱

تاریخ: ۵ رمضان ۱۲۶۳

سواد نامه میرزاآقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس

سواد کاغذ جناب آقا روحی فداه که وزرای مختار دولتین بهیّتین روسیه و انگلیس نوشته‌اند به تاریخ ۵شهر رمضان سنه ۱۲۶۳. به شرح آن که جنابا یکی از شروط قرارنامه بین‌الدّولتین علیّتین ایران و روم این است که بعد از مهر و مبادله قرارنامه در مدت دو ماه یا کمتر کاغذ به امضای حضرتین برسد. حال مدتی است که نظر به شرط عهدنامه دولت علیّه ایران شرایط قرارنامه را ممضی داشته‌اند و هنوز دولت عثمانی در این خیالات هیچ نیستند عالیجاه مقرب‌الخاقان فرزندی میرزامحمدعلیخان به استانبول رفته نمی‌داند چه بگوید و بشنود. دوستدار نمی‌داند سبب تأخیر این کار چه چیز است و چرا به تأخیر این امر راضی شده‌اند اگر این طور باشد عالیجاه فرزندی محمدعلیخان لابد است از آنجا بگذر و امر مبهم بماند چون لازم بود آن جناب را به اظهار مطلب زحمت داد که پس از این سبب تعویق و تعطیل این امر را از جانب اولیای دولت علیّه ندانند.*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، برگ ۸۶، ص ۱۰۷.

سواد کاغذ جناب آقا [illegible] میرزا [illegible] لندن [illegible]

[illegible] ۱۳۲۱ [illegible] یکی از شروط قرارنامه [illegible] ایران [illegible]

[illegible] شروط [illegible] شرایط قرارنامه [illegible]

[illegible]

[illegible] امر مهم [illegible]

و تکمیل این امر را [illegible] مرقوم شد

سند شماره ۸۲

تاریخ: ۸ رمضان ۱۲۶۳

نامه وزیرمختار انگلیس به میرزاآقاسی

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا معظما؛

مراسله آن جناب درباب امضی رسید. اولاً: مسئلت می‌نماید که آیا اولیای این دولت علیّه از ورود عالیجاه محمدعلیخان به استانبول استحضار دارند که یقیناً وارد شده است یا خیر. ثانیاً: آن صورت قرارنامه و امضی را برای مقرب‌الخاقان مشارالیه فرستاده‌اند که او در آنجا بدهد و مبادله کند که حال به این صراحت به دوستدار مرقوم می‌فرمایند که مقرب‌الخاقان میرزا محمدعلی‌خان لابد است از آنجا بگذرد کمال حیرت حاصل است که آیا اولیای این دولت علیّه به چه منظور و ملاحظه چنین اظهاری کرده‌اند بعد از آن که امضای قرارنامه در دست آن مأمور نباشد پس چه چیز را مبادله نمایند. اولیای دولت علیّه روم چه خلافی را این باب کرده‌اند که محل شکایت و نوشتن این طور مراسله باشد جز این که اولیای این دولت علیّه گذشته از آن ایرادهای جزئی، خود می‌خواهند خلاف عهد و قرار نمایند که یکی از آن نفرستادن امضی است بر اولیای دولت علیّه روم در این باب بحثی نخواهد بود خلاصه این است که دوستدار هرچند ملاحظه می‌نماید از معنی اظهار چنین مراسله چیزی نمی‌فهمد. اینکه نگارش رفته است که میرزامحمدعلیخان باید بگذرد، از آن جناب سؤال می‌نماید که آیا رفتن او باعث منفعت خواهد بود یا ضرر بای حال عجالةً تکلیف اولیای این دولت علیّه این است که صورت آن قرارنامه را سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی و آن جناب امضی داشته ممهور و مزین دارند و به زودی به عالیجاه میرزامحمدعلیخان برسانند که در آنجا بدهد و آن صورت قرارنامه که در آنجاست به مهر سلطان و صدراعظم رسانیده، بیاورد. [چون لازم بود] زحمت داد.

تحریراً ۸ شهر رمضان سنه ۱۲۶۳.*

---

* . صندوق ۶، پوشه ۳. همچنین سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۰.

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصاب مجدت و جلالت [illegible] مشفقا مهربانا

مراسله آن جناب در باب ایلچی رسید [illegible] مسئلت نموده [illegible] اولیای دولت علیه از ورود عالیجاه میرزا محمد علیخان

باسلامبول استحضار دارند [illegible] تعویق ورود شده است [illegible] آن صورت قرارنامه و امضای [illegible]

فرستاده [illegible] ارزنه الروم با هم مبادله کنند در حال این صراحت [illegible] مرقوم [illegible] معتمد الخاقان میرزا محمد علیخان [illegible]

از ارزنه الروم [illegible] حال [illegible] اولیای این دولت علیه به هیچ منظور و ملاحظه چیزی اظهار کرده [illegible] بعد از آنکه

امضای قرارنامه [illegible] آن مأمور نباشد پس چه چیز را مبادله نماید اولیای دولت علیه روم چه خلاف [illegible]

کرده [illegible] مراسله باشد جز آنکه اولیای این دولت علیه [illegible] از آن [illegible]

خلاف عهد و قرارنامه [illegible] اولیای دولت علیه روم در باب [illegible]

خلاصه اینست [illegible] هر چند ملاحظه می نماید [illegible] اظهار [illegible] مراسله چیزی مفهوم [illegible] میرزا محمد علیخان

باید [illegible] از آن جناب سؤال نماید [illegible] تکلیف اولیای این دولت علیه

اینست در صورت آن قرارنامه را سرکار اعلیحضرت پادشاهی [illegible]

عالیجاه میرزا محمد علیخان برساند در ارزنه الروم [illegible] صورت قرارنامه [illegible] صدر اعظم [illegible]

۱۲۶۳ [illegible] شهر شعبان [illegible] تحریراً [illegible]



سند شماره ۸۳

تاریخ: ۸ رمضان ۱۲۶۳

سوادنامه میرزاآقاسی به وزیر مختار انگلیس

سواد کاغذ جناب آقا روحی فداه به وزیر مختار انگلیس به تاریخ ۸شهر رمضان سنه ۱۲۶۳؛
به شرح آن که جنابا مراسله آمیخته به قهر و مهر آن جناب در باب امضاء[۱] رسید مضمونش معلوم گردید. دوستدار می‌خواست که با کمال انصاف و فطانتی که دارند چه قسم است اغماض روا داشته‌اند که مطالبات مراسله سابق دوستدار را که همه از راه حقیقت و حاجت بود آن جناب حجت دانسته در جواب این طورها نگاشته‌اند. مگر دوستدار از مصحلت دید امنای دولتین فخیمتین در این عرض عریض ابا و امتناع ورزیده است. یا آن که از قراری که در عهدنامه داده‌اند تخلف نموده است که سبب تغییرات باشد چون هر اوقات که به جهت خلافی که از رومی ناشی می‌شد دوستدار از راه آن که آن جناب را در کار این دولت علیّه دلسوز و مهربان می‌داند. زحمت اظهار و اعلام می‌داد. آن جناب مرقوم می‌داشته که اگر اولیای دولت ایران بخواهند در مقام تلافی برآیند گویا باعث بر این شود که اولیای دولت علیّه عثمانی در امضای مصالحه و مبادله تأملی نمایند. دوستدار برائت ذمه خواست که اگر مسطور رضای وکلای و امرای دولتین فخیمتین واسطه بود و قبول مصالحه و امضاء این هر سه از اولیای دولت ایران به ظهور برسد و به هیچ وجه تعطیل نشود حال اگر دولت عثمانی در امضای تعلل نمایند به ما چه بحثی است دیگر پای ایراد دیگر در میان نشود که مرقوم داشته‌اند جز این که اولیای این دولت علیّه گذشته از آن ایرادهای جزئی خود می‌خواهند خلاف عهد و قرار نمایند که یکی از آن نفرستادن امضی است حال دوستدار از آن جناب مسئلت می‌نماید که بفرمایند که امضا چه چیز است اگر از امضا مقصود راضی بودن تفصیلی است که در ماضی بعمل آمده باشد پس اولیای دولت ایران به توپ بشارت اعلام امضا را نموده و به اولیای دولتین واسطه نوشتند و اگر امضا دیگر چیزی است که باید در طبق گذارد و از این جا به آنجا فرستاد پس چرا لازم شده است که از آن طرف برود از آن طرف بیاید. درباب عالیجاه میرزامحمدعلی‌خان بالقطع والیقین موافق

نوشتجاتی که رسیده است حالا در استانبول متوقف است. نفع یا ضرر خلاصه از آن جناب متوقع است که در عبارات حقیقت بیان دوستدار ایراد جایز ندارد که هرچه همت محض صدق است و حمل بر حجت بفرمایند که محض حاجت است.*

توضیحات:

۱. در اصل: امضی

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۱.

سند شماره ۸۴

تاریخ: ۱۰ رمضان ۱۲۶۳

نامه وزیر مختار انگلیس به حاجی میرزاآقاسی

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا معظما؛

مراسله جناب سامی در باب امضی رسید. لازم آمد که به جواب آنها بپردازد که این بدیهی است، انداختن توپ بشارت مهرشدن عهدنامه است چنانچه دولت علیّه روم هم همان توپ را انداختند. اما اصل، مبادله آن عهدنامه است که به مهر سرکار اعلیحضرت پادشاه ایران و آن جناب در نزد اولیای دولت روم ضبط باشد و به مهر سلطان روم و صدراعظم در نزد اولیای این دولت علیّه در ضبط باشد. آن وقت آن عهدنامه گذشته و تمام است. مگر در نظر اولیای این دولت علیّه نیست که اوقاتی که دولت علیّه انگلیس عهدنامه تجارتی با این دولت علیّه بستند صورت آن عهدنامه و امضی را به مهر سرکار اعلیحضرت پادشاه ایران و آن جناب عالیجاه بلندجایگاه فرنت صاحب بُرد در آن جا داد و به مهر پادشاه ذیجاه انگلستان و اولیای آن جا را آورد که الآن نزد اولیای این دولت علیّه ضبط است. این فقره دیگر دلیلی لازم ندارد. خود صریح است. اما این که چرا آنها به اینجا نمی‌آیند و نمی‌آورند باز لازم می‌داند که در مقام یادآوری اظهار دارد که موافق نوشتجات و قرارداد اولیای این دولت علیّه از اول این قرار بود که یک نفر از جانب اولیای این دولت علیّه از برای مبادله و اتمام چیزهای جزئیه برود و آن وقتی که آن جناب مشفق معظم به دوستدار رفتن عالیجاه میرزامحمدعلی‌خان را به استانبول اعلام فرمودند دوستدار به مرتبه یقین چنین می‌دانست که صورت قرارنامه و امضاء را همراه خواهد داشت که در آنجا مبادله کند والاّ آن وقت به خاطر آن جناب می‌آورد که این قسم باید بشود. بای حال در هر صورت عجالةً فرستادن قرارنامه و امضی را هر قدر زودتر بفرستد بهتر است که به عالیجاه میرزا محمدعلی‌خان برسد و مبادله کرده به زودی ارسال دارد. چون لازم بود اظهار داشت.

تحریراً ۱۰ شهر رمضان سنه ۱۲۶۳.*

---

* . صندوق ۶، پوشه ۳. همچنین سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۱.

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصاب مجدت و نجابت انتساب ارسلان مشفقا معظما

مراسله جناب سامی در باب بعضی رسیده ملاحظه آمد در جواب آن پردازد در این مدت انتظار ترتیب بشارت



مهر شدن عهدنامه است چنانچه دولت علیه روم هم حال ترتیب را انداخته اند اما مجلس مبادله آن عهدنامه ها است

در عهدنامه سرکار اعلیحضرت پادشاه ایران و جناب وزیر اولیای دولت روم ضبط باشد و به مهر سلطان روم و صدراعظم وزرا

اولیای این دولت علیه در ضبط باشد از قرار آن عهدنامه گذشته و تمام است مگر در نظر اولیای این دولت علیه سلطنت

در اوقاتی که دولت علیه انگلیس عهدنامه تجارتی با این دولت علیه بسته صورت آن عهدنامه و بعضی را به مهر سرکار اعلیحضرت

پادشاه ایران و جناب جلالتمآب ... فرنت صاحب برده و در اینجا دارد و به مهر پادشاه و دیگر انگلستان و او را نامی کاره

آورده در اینجا نزد اولیای این دولت علیه ضبط است انتقعه و دیگر دولتین لازم نزد هر دو صریح است اما آنچه در اینجا

با تمامی این دولت آورده باز لازم نمیداند در مقام یادآوری اظهار دارد در صورت تنجیات و قرار اولیای این دولت علیه

از اول این قرار بود که یکنفر از جانب اولیای این دولت علیه از برای مبادله و اتمام چیزهای جزئیه برود و اینک قرار

جناب مشفق معظم مقرب الخاقان میرزا محمدعلیخان را با سلاسل اعلام فرموده ... که هر مرتبه بقای ... است

در صورت قرارنامه و بعضی را همراه خواهد داشت مجددا آنجا مبادله کند و الله الموفق ... جناب ... میآورد

در این قسم ... باقی حال در هر صورت عجالتا فرمان قرارنامه و بعضی را هر قدر زودتر بفرستد



سند شماره ۸۵

تاریخ: ۱۲ رمضان ۱۲۶۳

نامه وزیر مختار انگلیس به حاجی میرزاآقاسی

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا معظما؛

نمی‌داند چه اتفاق افتاده است که چند وقتی است که هر تکلیفی به اولیای این دولت علیّه می‌نماید محل بحث و گفتگو و ایراد است خصوص تعجب آن جا است که اگر در امری هم که باعث منفعت و خیر این دولت علیّه باشد و به دولت خود دوستدار دخلی ندارد باز بحث است ازجمله درباب فرستادن صورت قرارنامه نزد عالیجاه میرزامحمدعلیخان که در آنجا مبادله نماید از اول این مقالات قرار این بود که بعد از اتمام؛ یکی از جانب اولیای این دولت علیّه برود به امضای سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی حالا چه وقوع یافته است که امنای دولت ایران در آن باب این قدر ایراد نمی‌نمایند. بخصوص بعد از نوشتن مراسله دولتی خود آن جناب به دوستدار در شهر رجب سنه ۱۲۶۳ که بالصّراحه مرقوم رفته است که امضا و تصدیق عهدنامه مزبوره را عالیجاه مجدت همراه میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه مأمور خواهد شد، که به استانبول برده به مبادله و امضاء تصدیق نامه اعلیحضرت سلطان دولت عثمانی برساند. دوستدار نیز به همان قسم به امنای دولت روم اعلام داشت. در چنین صورت موافق انصاف و مناسب نیست که قبول دوستدار را نزد آنها بی‌اعتبار نمایند. این که اولیای دولت علیّه روم آدمی از برای امضا اینجا بفرستند یا نفرستند دوستدار در تعجب است که امنای این دولت علیّه در قید باشند شایستهٔ وقار دولتی نیست که در قید باشند. مثلاً وقتی که دولت علیّه انگلیس با این دولت علیّه عهد بستند تکلیف نکردند که آدمی از جانب این دولت با امضا بروند به آنجا. لهذا از آن جناب متوقع است که در این باب ایرادی نکرده به زودی امضاء را نزد عالیجاه میرزامحمدعلی‌خان ارسال دارند که در آنجا معطل نشود. چون لازم بود اظهار داشت.

تحریراً ۱۲ شهر رمضان سنه ۱۲۶۳.*

[در حاشیه] این فقره در نظر آن جناب باشد که تا این قرارنامه به مهر حضرتین مبادله نشود؛ مثل کاغذ سفید است و هیچ ثمری نخواهد داشت، به جهت اطلاع اظهار داشت.

[مهر پشت سند] جستن شیل

---

* . صندوق ۶، پوشه ۳، همچنین سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۲.

جناب جلالت و نبالت و فخامت نصاب مجدت انتساب ... مشفقا مهربانا

بنده از جهت اتحاد و یگانگی است که در چند وقت است در هر گونه امورات دولت علیه با نهایت تحکیم ...



را ابراز داشته خصوص ... انجام ... در اکثر امور ... باعث منفعت و صرفه دولت علیه باشد و ...

عهد نامه ارزنةالروم ... از جمله در باب فرمان ... صدارت ... از عالیجاه ...

در ... مبادله ... آیین معاهدات قرار ... بعد از اتمام ... از جانب اولیای دولت علیه ...

با سفارای ... اعلیحضرت پادشاهی ... وقوع یافته ... اولیای دولت ایران و ...

... مراسله ... جناب ... در شهر رجب ۱۲۶۳ در این باب ... مرقوم رفته است

در امضا و تصدیق عهدنامه مزبوره را عالیجاه مجدت همراه میرزا محمد علیخان نایب الوزاره ... خارجه مامور ...

در باب ... مبادله و امضا و تصدیق نامه اعلیحضرت سلطان دولت علیه عثمانی ...

با اولیای دولت علیه روم اعلام داشته ... صدارت ...

اولیای دولت علیه روم ... امضا ... نوشته ... ارزنةالروم ... اولیای ... دولت علیه

در قید باشند شایسته و قادر ... نیست ... در قید باشد ... دولت علیه ... این دولت علیه

عهد بسته تکلیف ... از جانب این دولت علیه با امضا برود ...

[illegible]



سند شماره ۸۶

تاریخ: ۱۲ رمضان ۱۲۶۳

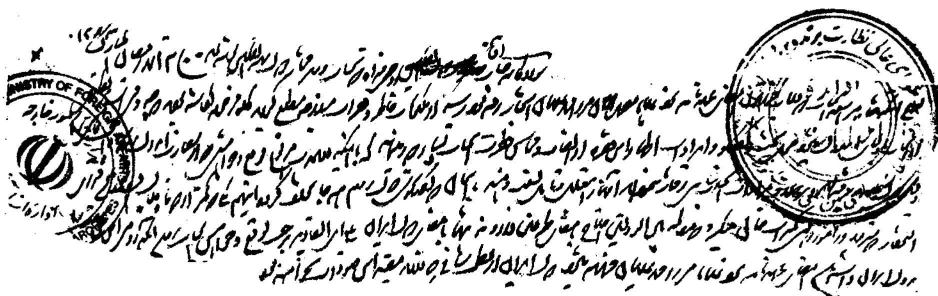
سواد نامه میرزاآقاسی به وزیر مختار انگلیس

سواد کاغذ جناب آقا روحی فداه که به جناب وزیر مختار دولت بهیّه انگلیس نوشته‌اند به تاریخ ۱۲ شهر رمضان المبارک ۱۲۶۳.

به شرح آن که جنابا مراسله آن جناب که در باب فرستادن امضاء عهدنامه نزد عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان اشعار رفته بود رسید. از مکنونات خاطر و فقرات مندرجه مطلع گردید گله فرموده، نگاشته بودید که چند وقتی است تکلیف از آنجناب به اولیای این دولت می‌شود محل بحث و گفتگو و ایراد است. اظهار این فقره از انصاف و محاسن فطرت آن جناب بسیار دور می‌نماید که با این که در این مدت هر نوع توقع و خواهشی که از سفارت این دولت بهیّه شده است تمامی را اولیای دولت علیّه پذیرفته‌اند و برخلاف مرادات آن جناب سامی رفتار ننموده‌اند، آنها را به تعلل و تأمل نسبت دهند. با این حال که گفتگوی دولت روم همه جا تخلف کرده این هم یکی که کمتر از دو ماه فلان امضاء شود، با بی‌قدری استحضار دوستدار در امور دولتی کمتر است چنان می‌کرد که مصالحه بین‌الدولتین احتیاج به امضاء طرفین دارد نه تنها به امضای دولت ایران. علی‌ای‌التقادیر برحسب توقع و خواهش آن جناب بدون آن‌که روی این حق سبقت را به دولت ایران داشته باشد امضای عهدنامه نزد عالیجاه میرزا محمدعلی‌خان فرستاده می‌شود. دولت ایران از لطف شافی که دارند مقید این قیودات نخواهند بود.*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۲.



سند شماره ۸۷

تاریخ: [۱۴ رمضان ۱۲۶۳][1]

سواد نامه وزرای مختار روس و انگلیس به میرزا محمدعلی‌خان

سواد کاغذ جنابان وزرای مختار دولتین بهیّتین روس و انگلیس که از محل بیوک درّه استانبول در ۱۳ اوت سنه ۱۲۶۳ به جناب مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه نوشته‌اند به شرح آن که جناب ایلچی بعد از آن که صلح‌نامه مقرره معتبره در قراری محکم فیمابین دو دولت هم‌جوار ایران و عثمانی به اهتمام و سعی بلیغ دو دولت واسطه و اجتهاد در رفع غوایل و اشکالی که در معاملات آنها بود در ارزنةالروم دستخط و مهر شد در این انتظار بودند که صلح‌نامه مزبوره تکمیل شود و عهد مصالحت به امضای دو پادشاه برسد. دولت علیّه ایران به همین قیمت و قدر فایده بسیار این مصالحه را باید بدانند بلکه باید امر و مهم عمده را که مدتهای مدید خود و دولت‌های واسطه سعی کرده‌اند و زحمت کشیده‌اند سعی و جهد در انجام آن به عمل آورده معوق نگذارند. دولت ایران راهی عاقلانه و منصفانه پیش گرفتند و تمیز منفعت ضروری خود را دادند که حکم صادر نمودند بدون تأخیر و تأمل مصالحه بین‌الدولتین ممضی شده به توسط مأموریت و اعتماد جناب شما در استانبول با دولت عثمانی مبادله شود. امضای عهدنامه و مأموریت جناب شما در مبادله به اسم دولتی به دو دولت بزرگ واسطه موافق کاغذ جناب حاجی‌میرزاآقاسی که ترجمه آن را به فرانسوی نزد آن جناب فرستادیم اعلام شده است و ما به ملاحظه آن جناب می‌رسانیم که چه قدر کاغذ مزبور که مشعر بر امضای عهدنامه و مأموریت آن جناب است سند معتبر است و وعده دولتی است که به دو دولت واسطه داده‌اند که اصلاً تغییر نخواهد یافت. در چنین حالت بسیار حق داریم که تعجب نمائیم آن جناب امری را پیش بگیرید که ما از آن به هیچ وجه استحضاری نداریم و انتظار وصول رسیدن عهدنامه ممضی شده را که از دولت خودتان خبر داده‌اند بکشیده، در این روزها از شهر بروید. لهذا در این اوقات صراحتاً و تأکیداً اظهار می‌نمائیم به طور حتمی که عزیمت جناب شما در این شهر بدون این که مأموریت خود را که به طور دولتی به ما اعلام شده است. اتمام ننموده بروید بسیار بسیار نتیجه مضر غم‌اندوز خواهد داشت علاوه بر آن یک دلیل بی‌حد و حسابی از برای تکمیل نکردن شروط مصالحه که امروز بحمدالله تعالی صورت استقرار پذیرفته چون از بسیار مدت وقتی است که دولتین واسطه اتفاق کرده‌اند در اتمام امر این مصالحه هیچ سببی و جهتی ندارد که این امر به اتمام نرسد و ما مجبوریم که به آن جناب اظهار کنیم به طور

حتمی و دولتی که آنچه از رفتن شما حاصل شود و نتیجه بد بدهد بر ذمه و عهده دولت ایران است بعد از اعلام فقرات مسطوره به جناب شما ما بر ذمه خود واجب می‌دانیم که شما را لابد کنیم که موقوف کنید نیت خود را از عزیمت آینده خود از این شهر و انتظار بکشید به وصول عهدنامه که به شما اعلام کردیم.*

توضیحات:

۱. در قسمت بالای صفحه مربوط به این سند در کتابچه سواد مکاتبات، این تاریخ قید شده است. پنج‌شنبه ۱۴ شهر رمضان سنه ۱۲۶۳.

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۱۱.

جواب کاغذ جناب عالی پاشا وزیر خارجه دولت علیه عثمانی رئیس [illegible] مورخه [illegible] در ۱۳ رجب سنه ۱۲۶۳

بجناب مستطاب مقرب الخاقان میرزا محمدعلی خان [illegible] شرح آنکه جناب جلالتمآب بعد از آنکه صلحنامه معتبره

معتبره در قرارداد محکم فیمابین دولتین [illegible] ایران و عثمانی با اهتمام و سعی بلیغ دولتین [illegible] و اجتهاد در رفع عوارض

و اشکالاتی که در معاملات [illegible] بود در ارزنةالروم [illegible] در این اثنا [illegible] صلحنامه مزبوره تکمیل شده و مهر مصالحه

با امضای وکلای [illegible] دولت علیه ایران [illegible] قدر فایده بسیار از این مصالحه [illegible]

[illegible] خود و دولت [illegible] واسطه سعی کرده اند و زحمت کشیده اند سعی و جهد در [illegible]

[illegible] معوق بگذارند دولت ایران [illegible] مستوفیانه پیش گرفته [illegible] منفعت ضروری خود را

داده [illegible] حکم صادر نمودند بدون تأخیر و تأمل مصالحه بین الدولتین ممضی شده بتوسط ماموریت [illegible]

[illegible] امضای عهدنامه و ماموریت جناب [illegible] دولت [illegible]

مراتب کاغذ جناب [illegible] ترجمه [illegible] نزد آنجناب [illegible] اعلام شده است و [illegible]

[illegible] امضای عهدنامه و ماموریت آنجناب سند معتبر است و وعده دولت [illegible]

واسطه [illegible] اصلا تغییر نخواهد یافت در حینی که [illegible] تعجب نمودیم آنجناب [illegible]

[illegible] امضای [illegible] عهدنامه ممضی شده [illegible] از دولت [illegible]

[illegible] لهذا [illegible] تاکید [illegible] اظهار [illegible] عزیمت جناب [illegible]

[illegible] ماموریت خود را [illegible] اعلام شده است [illegible] بسیار [illegible]

خواهد داشت علاوه [illegible] شروط مصالحه [illegible]

[illegible] چون [illegible] دولتین [illegible] تمام امر این مصالحه

[illegible] این امر با تمام [illegible] مجبوریم به آنجناب اظهار بکنیم [illegible] و دولتی که [illegible]

حاصل شود [illegible] دولت ایران است بعد از [illegible] مطوره بجناب [illegible]

[illegible] خود [illegible] موقوف کنید [illegible] عزیمت [illegible] خود [illegible]

[illegible] امضای عهدنامه [illegible] اعلام نمودیم

سند شماره ۸۸

تاریخ: ۱۷ رمضان ۱۲۶۳

سواد نامه میرزاآقاسی به میرزامحمدعلی‌خان

کاغذ جناب آقا روحی فداه به عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره به تاریخ ۱۷ شهر رمضان ۱۲۶۳ به شرح آن که: عالیجاه مقرب‌الخاقان فرزندا، صورت قرارنامه فارسی و ترکی را سرکار اقدس امضاء فرمودند. به دستخط مبارک و من نیز مهر کردم و نزد تو به همراه چاپار فرستادم مشروط بر این که پیش از این که از آنها اظهاری شود تو امضاء را ابراز ندهی تا وقتی که آنها سبقت کردند در مبادله و گفتند تو مأمور هستی آن وقت این صورت قرارنامه امضاء شده را به اولیای دولت روم می‌دهی و از روی همین بدون کلمه [ای] تعبیر قرارنامه ترکی و فارسی می‌گیری و عهد اعلیحضرت شاهنشاه روم و اولیای آن دولت را گرفته ارسال می‌داری درباب سایر فقرات جزئیه هم به قسمتی با آنها گفتگو نماید که انشاءالله به طور خوشی زود بگذرد و آن عالیجاه برود در باب چندفقره که ایلچیان دولتین واسطه قبل از مهرکردن عهدنامه اولیای دولت روم گفتگو کرده‌اند، در آن جا جناب وزیر مختار انگلیس اصرار کردند و من در هر یک از آن فقرات جوابی مقرون به حساب نوشته و فرستادم ازجمله دو طغرا سواد آن در جوف همین کاغذ است روانه کردم که در هنگام گفتگو ضبط در کلام شود و از این قرار گفتگو نمایند.*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۲.

[illegible]

سند شماره ۸۹

تاریخ: [به احتمال قوی ۱۷ رمضان ۱۲۶۳][1]

سواد نامه میرزاآقاسی به میرزامحمدعلی‌خان

عالیجاها، مجدت و نجدت همراها، مقرب‌الخاقانا، فرزندا؛

چند وقتی است که آن فرزند به هیچ وجه شرحی از گزارشات احوال خود و ورود به استانبول و کیفیت آن جا ننگاشته است و حال آن که بایست روزبه‌روز آنا فآناً نوشتجات آن فرزند مفصلاً، مبسوطاً به من برسد و از اخبارات و کم و کیف آن جا آگاهی حاصل کنم. نمی‌دانم سبب دیررسیدن نوشتجات از چیست.

باری در این وقت از کثرت اصراری که از جانب دوستی جوانب وزرای مختار دولتین فخیمتین واسطه هر روز به من در فرستادن امضا شد، با این که هیچ منظور و مقصودم نبود که پیش از آن که نوشتجات ورود آن فرزند به استانبول برسد و از طرز رفتار رومی نسبت به آن فرزند آگاهی بهم برسانم و بدانم چگونه رفتار کرده‌اند و چه قسم احترام نموده‌اند، امضا بفرستم. ولیک به موجب خواهش و توقعات سفرای دو دولت بزرگ احتراماً راضی شدم که صورت قرارنامه را امضاء کرده به جهت آن فرزند بفرستم. لهذا صورت قرارداد نامه فارسی و ترکی را سرکار اعلیحضرت و قدرقدرت قضا شوکت اقدس همایون[2] شاهنشاهی روحنا فداه به دستخط مبارک امضاء داشته مزین فرمودند و من هم مهر کرده ارسال نزد آن عالیجاه فرزند داشتم ولیک شرطش این است که پیش از آن که از اولیای دولت علیّه عثمانی در این موارد اظهاری بشود آن فرزند سبقت در ظاهرکردن امضاء به هیچ وجه نکند مگر پس از آن که از آنها اقدام در گفتگو شد و گفتند که آن فرزند مأمور به مبادله هست و دانستند و مأموریت آن فرزند را درباب مبادله فهمیدند. آن وقت مأذون و مأمور است که صورت قرارنامه امضاء شده را به اولیای دولت علیّه عثمانیه رد نماید و از روی همین قراردادنامه هم به ترکی و فارسی به عینها بدون کلمه و حرفی تغییر و تبدیل قراردادنامه علیحده از اولیای دولت علیّه عثمانیه گرفته و به مهر اعلیحضرت سلطان روم و اولیای آن دولت علیه رسانیده به زودی زود ارسال دربار همایون پادشاهی دارد. می‌خواهم خیلی در این باب محاسن کاردانی خود را ظاهر کند درباب سایر فقرات جزئیه که اتمام آن در عهده کفایت آن فرزند است باید به قسمی با اولیاء و امنای دولت علیّه عثمانیّه گفتگو نماید که به طور مرضی و مستحسن بگذرد و به زودی روانه شود که

ماندن در آن جا خیلی طول نکشد.

در باب چند فقره که جنابان جلالتمآبان ایلچیان دولتین بهیّتین واسطه قبل از مهر کردن عهدنامه به اولیای دولت علیه عثمانی گفتگو کرده بودند در اینجا جناب جلالتمآب وزیر مختار دولت بهیّه انگلیس در آن باب‌ها کمال مبالغه و اصرار را کردند و من در هر یک از آن فقرات جوابی مقرون به حساب که موجب اسکات است نوشته به جهت وزراء فرستادم ازجمله دو طغرا سواد آن در جوف همین کاغذ گذارده روانه نزد آن فرزند کردم که از مضمون گفتگویی که فیمابین شده مستحضر شود و از آن قرار در موقع با اولیای علیّه عثمانی گفتگو کند که خبط در کلام واقع نشود. دیگر دستورالعمل آن فرزند همان فطانت و استعداد ذاتی است که بحمداللّه دارد باید کمال تدبر و تفکر را بکار برد و مرا از خود راضی کند. زیاد بر این نمی‌نویسم پیوسته جهات را قلمی نماید. والسلام.*

توضیحات:

۱. محتوی و مضمون این سند با سند قبلی یکی است. البته با این تفاوت که میرزاآقاسی در این نامه توضیحات و مطالب بیشتری نسبت به نامه قبلی خطاب به میرزامحمدعلی‌خان نوشته‌اند. لذا می‌توان احتمال داد که این نامه به فاصله چند روز بعد از نامه قبلی نوشته شده باشد. با اینحال از آنجا که محتوی هر دو سند یکی است، هر دو پشت سرهم آورده شد.

۲. در اصل: همیون

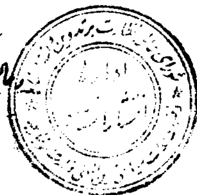
---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۲۸ و نیز صندوق ۵، پوشه ۱۹، این سند در جلد اول گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی (صفحه ۴۵۳) آمده است. اما در تخمین تاریخ سند، سال ۱۲۵۸ نوشته شده که اشتباهی است فاحش زیرا اصولاً مذاکرات ارزنةالروم از ۱۲۵۹ آغاز و در تاریخ ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۲۶۳ عهدنامه دوم ارزنةالروم انعقاد یافت. این سند مربوط است به ارسال عهدنامه امضا شده از سوی محمدشاه به میرزامحمدعلی‌خان که مأموریت داشت عهدنامه ممضی‌شده را با عثمانی مبادله کند.

چاپار ... [illegible] ... چند فقره ... آن عالیجاه ... [illegible] ... احوالات ... [illegible] ... کیفیت ... نوشته است



و ... [illegible] ... روز بروز ... آن عالیجاه ... [illegible] ... اخبارات ... کیفیت ... [illegible] ... کنیم ... [illegible]



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سند شماره ۹۰

تاریخ: ۱۷ رمضان ۱۲۶۳

سوادنامه وزیر دول خارجه عثمانی به میرزامحمدعلی‌خان

سواد کاغذ جناب عالی افندی وزیر امورخارجه دولت علیّه عثمانی که به جناب مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه و ایلچی مخصوص مختار دولت علیّه ایران نوشته است. به شرح آن که در اثنای ورود جناب شما به این طرف بعضی موادی که تا حال در بین‌الدّولتین قرار داده شده در این طرف گفتگوی آنها راکرده بود به محل مأموریت خودشان که جانب فرانسه باشد رفته باشید و حال شنیده بودیم بعد نظر به شنیدن مصمم به این بودید که از استانبول تشریف ببرید و این دو حادثه با یکدیگر منافات دارد یعنی فی‌الحقیقه اگر در نزد دولت علیّه و مذاکره مصالح مأموریت شما صحیح بود و یا نبود درست محقق نیست از طرف والای شما برای استفتاح حال نوشته شد.*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۱۳.

جواب کاغذ جناب عالی افندی وزیر امور خارجه دولت علیه عثمانی که بجناب مقرب الخاقان میرزا محمد علی خان نایب الوزاره
امور خارجه در باب [illegible] دولت علیه ایران نوشته است بشرح آنکه در اثنای ورود جناب شما [illegible] بعضی [illegible]
[illegible] تا حال در [illegible] قرار داده [illegible] گفتگوی آنها را [illegible] با مأموریت [illegible]



پنجشنبه ۱۱ شهر رمضان ۱۲۶۳

[illegible] شنیده [illegible] که از اسلامبول تشریف ببرید و اگر [illegible]
[illegible] منافات دارد یعنی فی الحقیقه [illegible] دولت علیه و مذاکره مصالحه مأموریت شما [illegible]
[illegible] از طرف والا شما برای استقلال حال [illegible]

سند شماره ۹۱
تاریخ: [۱۷ رمضان ۱۲۶۳][1]

سوادنامه میرزامحمدعلی‌خان به وزیر دول خارجه عثمانی

جواب کاغذ جناب مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه و ایلچی مختار دولت علیّه که به جناب عالی افندی وزیر امورخارجه دولت علیّه عثمانی نوشته‌اند: [جواب به زبان ترکی است، جواب فارسی به شرح زیر در حاشیه سند آمده است:] جواب فارسی: در استانبول در بعضی خصوصیات گفتگو کرده فیصل داده باشم و در آن خصوص مأموریت مخلص بود و نبود در نزد شما درست محقق نبود از برای استفتاح حال تذکره نوشته بودید به دست مخلص رسید چنانچه معلوم سرکار بود مأموریتی که بر ذمه مخلص بود و موادی که بایست فیصل داده شود چند روز قبل با تحریرات به جناب شما فرستاد و از جانب شما نیز جواب آنها را گرفته از برای استحضار شما نوشته شد.*

توضیحات:

۱. در قسمت بالای صفحه مربوط به این سند تاریخ «یکشنبه ۱۷ رمضان ۱۲۶۳» قید شده است.

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۱۴.

صورت کاغذ جناب [illegible] میرزا احمد [illegible] نایب الوزاره [illegible] و ایلچی [illegible] دولت علیه بجناب عالی [illegible] افندی

[illegible] امور خارجه دولت علیه عثمانیه نوشته اند شرح اینکه عطوفتلو افندم حضرتلری در سعادتده بعض مواد [illegible]

[illegible] الدی که تحریری خصوصنده مأموریت [illegible] اولوب [illegible] بیلمامه اولدیغنده استفسار حاله

[illegible] خصوصی امر [illegible] سامیلری رسیده [illegible] خلوص [illegible] فقط معلوم عالیلری اولدی



[illegible] وزره واجب الذمه مأموریتم اولان مواد [illegible] یوم [illegible] طرفه و الا [illegible] اکر [illegible] مسئله

[illegible] عطوفتلو [illegible] حواله [illegible] استحصال قلنمسه [illegible] شرح

سند شماره ۹۲

تاریخ: ۱۸ رمضان ۱۲۶۳

سوادنامه میرزامحمدعلی‌خان به میرزاآقاسی

سواد کاغذ جناب مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه و ایلچی مخصوص مختار دولت علیّه که به جناب آقای [حاجی میرزاآقاسی] مدظله‌العالی هنگام حرکت از استانبول[1] به سمت فرانسه نوشته است. به شرح آن که تصدقت شوم. روز حرکت از طرابوزان محمدحسین بیک چاپار را با عرایض و اخبارات روانه حضور سعادت دستور بندگانعالی داشت. انشاءاللّه تا به حال از نظر مرحمت اثر عالی گذشته باشد در طی عرایض مزبوره عرض کرده بودم کشتی انگلیسی حاضر است به استانبول عزیمت خواهد کرد لهذا روز پانزدهم سوار کشتی مزبوره شد، روز هیجدهم شعبان وارد بغاز استانبول گردید. فدوی با این که چهل روز پیش تعلیقه بندگانعالی را فرستاد و عالیجاه محمدخان را از ورود خود مطلع ساخته و قبل از ورود، آدمی نزد عالیجاه مشارالیه فرستاد که از ورود فدوی مطلع شود و خانه که از دولت برای فدوی متعلق شده است نشان بدهد که بنده را از کشتی به آن جا ببرند و در باب تشریفات ورود استفسار کند که چه قرار داده است که در آن اثنا خود محمدخان به کشتی آمده مذکور ساخت هنوز خانه خوب برای شما پیدا نکرده‌ایم حالا بیائید منزل من تا امکان خوبی پیدا شود و درباب تشریفات پذیرفتن سفرا این است که دولت روم در این تنظیماتی که تازه قرار داده‌اند همه کار را مختصر کرده‌اند تشریفاتی که در حق سفرا معمول می‌داشته‌اند نیز موقوف داشته‌اند و من در این باب با رجال دولت گفتگو کردم گفتند آن چه در حق سفرای دول سایره رفتار می‌کنیم در حق فلانی بی‌زیاد و کم معمول می‌داریم حالا جناب وزیر دول خارجه امین آقا نامی صاحب منصب دِرخان با کالسکه خود و بیست نفر قواس و چند رأس اسب برای همراهان فرستاده است فدوی گفت هرچه عوض دارد گله ندارد. لهذا در قایق محمدخان سوار شده به خشکی آمده و از آن جا در کالسکه سوار شده به خانه محمدخان رفته چند روز در آن جا بود تا خانه پیدا کردند و روز حرکت از خانه محمدخان چند رأس اسب آوردند با چند نفر قواس به منزلی که معین کرده بودند رفت. محمدخان خود در باب خرج حرف زده بود که باید موافق عهدنامه بدهید جواب داده بودند در وقت سفارت صارم‌پاشا به ایران حکایت خرج موقوف شده است فدوی در جواب گفت به فضل الله تعالی از تصرف سر مبارک قبله عالم و عالمیان

روح‌العالمین فداه و مرحمت جناب آقا سلمه‌الله به هیچ وجه احتیاج به خرج کسی ندارم و اگر نه طمع و اخاذی به نظر می‌آمد ثابت می‌کردم که نشده است اما موافق عهدنامه باید از عهده خرج برآیند، اول خلافی است که در شروط عهدنامه می‌کنند باری از جانب جناب صدراعظم و ناظر امورخارجه کامل افندی و کمال افندی احوال‌پرسی آمدند و خوش‌آمد منزل گفتند و معذرت خواستند که در باب خانه تقصیر مأمور شما است که ما گفتیم هر خانه خوبی که می‌خواهد پیدا کند کرایه می‌دهیم. مشارالیه در این باب کوتاهی کرده است بعد پرسیدند شما نامه دارید فدوی جواب داد خیر گفتند عهدنامه ممضی شده را آورده‌اید با عهدنامه ممضی شده سلطان تبدیل نمایی او را هم گفتم خیر گفتند پس مأموریت شما به دربار این دولت چه چیز است گفتم مراسله از جناب ولی‌النعمی خود برای جناب رشید صدراعظم دارم و دستورالعملی در مأموریت خود به خط شریف جناب معظم الیه در اجرای حقوق و مطالب جزیی که مانده است دارد. مشارالیها مراجعت کرده مراتب را به جناب صدراعظم و جناب ناظر امورخارجه گفتند سه روز بعد از ورود به منزل قرار شد فدوی برود جناب صدراعظم و جناب ناظر امورخارجه را ملاقات کند و در همان روز و روز بعد یک نفر ترجمان و ترجمان باشی سفارت دولت بهیّه روسیه و انگلیس آمده از جانب موسی استیف و لرد[۲] کولی وزرای مختار دولتین فخیمتین مبارک باد ورود گفته بعد در باب امضای عهدنامه پرسیدند به طریقی که فدوی به فرستادگان دولت علیّه روم گفته بود به آنها نیز گفته معاودت کردند و روز بعد عالیجاه میرزاحسین‌خان را به سفارت خانه روس و انگلیس و فرانسه برای اعلام ورود خود فرستاد ایلچی دولت بهیّه فرانسه نیز ترجمان و نایب خود را فرستاد تعارفات به جا آورد خلاصه عالیجاها کمال افندی با چند رأس اسب و چند نفر قواس و قواس‌باشی روزی که وعده داده بود آمده رفتیم به در خانه منزل جناب صدراعظم رفته جناب معظم الیه تا در اتاق[۳] بسیار بزرگی که طول آن تا در اتاق بسیار بود به استقبال آمد. کمال عزت و احترام را به عمل آورد و فدوی را بالادست خود نشانید فدوی اول تهنیت استقرار مصالحه را کرده بعد مراسله جناب بندگانعالی را رسانده و با جناب معظم‌الیه پاره مکالمات به زبان فرانسوی کرده بعد جناب معظم‌الیه خلوت کرده به جز چند نفر پیشخدمت لال و کر و دیگر کسی نبود. حرف از میل قبلی خود به دولت علیّه کرد درباب رشادت قشون و قورخانه دولت علیّه ایران و همم عالیه و تدابیر صائبه بندگانعالی بسیار گفتگو کرد و مدح نمود و بسیار اظهار این معنی را کرد که من از خدا طالب و خواهانم که همیشه دولتین اسلام متفق باشند بعد از اتمام گفتگو از آن جا به منزل جناب ناظر امورخارجه رفته او نیز کمال ادب و احترام را

به عمل آورد و تا بیرون اتاق به استقبال آمد با او هم تهنیت انجام امر مصالحه را گفته قدری به زبان فرانسوی و انگلیسی تکلم کرده معاودت به منزل شد و مطالب خود را از قرار سوادی که در کتابچه نوشته برای صدراعظم فرستاد بعد نواب و ترجمانهای فرانسه و روس و انگلیس باز به دیدن فدوی آمده از جانب سفراء خوش آمد گفتند و با خود سفراء نیز دید و بازدید شده تعارفات به طوری که شایسته دوستی دولتین بود به عمل آمد. جناب ایلچی فرانسه پیغام فرستاد که واپور[۴] آتشی از دولت یک ماه می‌شود برای شما حاضر شده است و از قراری که عالیجاه غراف سرتیژ نوشته است شما مأموریتی به دولت عثمانی ندارید همین است که کاغذی بدهید و تعارفی بکنید و پانزده روز بیشتر نمایند بروید اگر بیشتر بمانید من واپور را پس می‌فرستم و به دولت خود می‌نویسم شما ایلچی دولت بهیّه فرانسه هستید فدوی در جواب گفت هر طور دستورالعملی از جناب ولی‌نعمت و بزرگ خود دارم معمول خواهم داشت و جواب کاغذ جناب آقا روحی‌فداه و جواب مطالب خود را از صدراعظم اکرم و جواب مراسله را که به نظر بندگانعالی خواهد رسید در چهارم رمضان قرارداد سوار کشتی دولتی بخار فرانسه شده از قرار حکم جناب بندگانعالی عزیمت مقصد نماید که در آن اثناء ایلچی دولت بهیّه انگلیس و روس از عزیمت فدوی خبر شده صورت کاغذی که بندگانعالی به سفراء نوشته بودند که محمدعلی عهدنامه را که به عزّ امضای همایون پادشاهی رسیده است در استانبول مبادله خواهد کرد، آوردند و خود هم در کمال تغیّر گفتند چون جناب حاجی به ما وعده دوستی کرده است اگر تو بروی عهد رومی به هم خواهد خورد، نه همین[۵] عهد رومی به هم خواهد خورد دولت علیّه ایران به سه دولت خلاف کرده است و آن چه بعد می‌تواند از این خلاف؛ نتیجه بد حاصل کند به عهده دولت ایران است از این گونه تحکّمات و تعرضات و دعوا که گفت و شنید بسیار شد و فدوی را سخن این بود که جناب ولی‌نعمت من به من نوشته‌اند پانزده روز در آن جا بیشتر توقف مکن باید اطاعت حکم جناب معظم‌الیه را بکنم اگر جناب معظم‌الیه با دولت‌ها وعده کرده‌اند خودشان جواب دولتی در مقابل دارند و خواهند داد. گفتند در این عزیمت کار بسیار دشوار می‌شود و تو مقصر می‌شوی فدوی گفت هر کس اطاعت حکم آقا و ولی‌نعمت خود را بکند مقصر می‌شود. اولاً: دولت علیّه روم حرفی ندارد، واسطه چرا باید اصرار داشته باشد. عهدنامه ممضی شده دو ماه بعد برسد چه ضرری دارد ما باید اصرار داشته باشیم که حقوق خود را مطالبه کنیم نه آنها. ثانیاً: آقا و ولی‌نعمت من به من نوشته است و حکم داده است زیاد از پانزده روز توقف مکن چگونه جرأت دارم خلاف حکم جناب معظم‌الیه را بکنم بعد آن چه گفتند از همان قرار هر دو نوشته دادند

که ترجمه آن در کتابچه به نظر بندگانعالی خواهد رسید. بسیار شر و شیری نمودند به حدی که بدون خداحافظ می‌خواستند از مجلس بروند **فدوی جواب داد اگرچه حکم ندارم ولی بنا به خاطر شما توقف می‌کنم تا ورود چاپار انگلیس.** آنها نیز قبول کرده معاودت کردند. فدوی مراتب را به جناب ایلچی دولت بهیّه فرانسه اعلام کرد که سفراء ما را لابد کردند از این که توقف شود تا چاپار آینده برسد. آن هم قبول کرد کشتی را نگاه بدارد اگر چاپار آمد و عهدنامه ممضی شده را نیاورد و آن وقت ما نرفتیم کشتی خود را بفرستد و اگر نامه ممضی شده را آورد انتظار بکشد تا فدوی با عهدنامه ممضی شده سلطان مبادله کرده آن وقت برود. چند روز هم منتظر ورود چاپار شدیم دیگر حکایت تازه نبود مگر این که جناب ناظر امورخارجیه و اسعد افندی به دیدن فدوی آمدند و جناب صارم‌پاشا ناظر مالیه یکی از مسئولان خود را به احوال‌پرسی فدوی فرستاده بودند فدوی هم عالیجاه میرزا محمود پیشخدمت سرکار اقدس شاهنشاهی روح‌العالمین فداه را به دیدن او فرستاد تا روز هشتم شهر رمضان چاپار دولت بهیّه انگلیس از دارالخلافه آمد و عهدنامه ممضی شده را نیاورد. جناب بارون دوبرکند کاغذی که ترجمه آن را در کتابچه نوشته به نظر بندگانعالی خواهد رسید به فدوی نوشته بود که چاپار انگلیس آمد اگر عهدنامه ممضی شده را آورده است مبادله کنید بروید و اگر نیاورد چرا مخالف حکم دولت خود بیشتر از پانزده روز در این جا توقف دارید. جواب نوشتجات خود را هم که از دولت علیّه عثمانی گرفته‌اید من زیاد از این به خفت و ذلت دولت خود راضی نمی‌شوم اگر نمی‌روید صریح بنویسد تا کشتی پادشاهی را که برای بردن شما فرستاده شده است پس بفرستم و بنویسم به دولت خود که دولت ایران فرستادن ایلچی را موقوف کرد آن هم مأمور خود را از طهران بطلبد و پیغام داده بود که **من خبر دارم وزرای مختار دولتین فخیمتین انگلیس و روس نمی‌خواهند این دوستی فخیمتین ایران و فرانسه برقرار و مستحکم شود.** بلکه از دولت خود مأمور شده‌اند که حتی‌المقدور سعی نمایند که ایلچی ایران به دولت بهیه فرانسه نرود و عهد فیمابین دولتین منعقد شود زیرا که کسر اقتدار خود را در آن دولت می‌دانند. این نقل امضای عهدنامه همه بهانه است دو ماه پیش و پس چه عیب دارد جناب حاجی که نوشته‌اند اعلیحضرت شاهنشاهی عهدنامه ارزنةالروم را ممضی کردند و میرزامحمدعلی‌خان مبادله خواهد کرد دیگر وقت مبادله را معین نکرده‌اند می‌توانند دو ماه دیگر مبادله کنند. علاوه از اینها مراسله جناب حاجی و مراسله جناب رشیدپاشا صدراعظم که هر دو دلیل بر انعقاد مصالحه است و ردوبدل شده است یک نوع امضایی است. فدوی هم جواب به جناب بارون دوبرکند نوشت که من از قرار مأموریت و حکم

جناب آقا روحی فداه روز پنج‌شنبه چهاردهم عزیمت مقصد خواهم نمود وزرای مختار دولتین فخیمتین که از این معنی مطلع شده‌اند سه دفعه ترجمانهای خود را فرستاده‌اند. یک دفعه با خود آنها ملاقات شد همه حرف آنها مشعر پرامید و بیم با فدوی بود و می‌گفتند: **ما به کار دوستی تو می‌آئیم فرانسه چه به کار تو می‌آید.** فدوی در جواب گفت که از هیچ دولتی امید و بیم ندارم مگر از دولت خود و ولی نعمت خود و به هیچ وجه من در این باب خبط و خطایی نکرده‌ام که مقصر باشم آقا و ولی‌نعمت من به من گفته است پانزده روز بیشتر توقف مکن کاغذی بده و گفتگویی بکن و جوابی بگیر و برو منهم اطاعت حکم آقای خود راکردم و در این باب کاغذی مفصل به وزرای مختار دولتین فخیمتین روس و انگلیس نوشته است که سواد آن در کتابچه به نظر بندگانعالی خواهد رسید سفرای مختار مخصوص وزیر مختار دولت بهیّه انگلیس می‌خواست از این راه حقی به دولت بهیّه فرانسه برسد و قطع مراوده دولتین بهیّتین ایران و فرانسه شود امروز در مقام تهدید می‌گفت چاپار مخصوص می‌فرستم که وزرای مختار از دولت علیّه ایران نخواهند که حکماً از تو مؤاخذه شود فدوی در جواب گفت مرا به هیچ وجه باکی نیست به علت اینکه اطاعت حکم ولی نعمت خود را کرده‌ام اگر هر دو جهانم خصم باشد نترسم چون نگه دارم تو باشی کاغذ جناب صدراعظم و جواب جناب ناظر امورخارجه در جوف عریضه ارسال حضور سعادت دستور بندگانعالی داشت و خود فدوی روز پنج‌شنبه ۱۴ هفت ساعت از روز گذشته در کشتی جنگی دولت بهیّه فرانسه سوار و عزیمت مقصد نمود در باب کتب و استادان صنایع هر فرمایشی باشد مرقوم فرمایند تا از آن قرار معمول دارد.*

توضیحات:

۱. در اصل: اسلامبول

۲. « « : لارد

۳. « « : اوطاق

۴. واپور احتمالاً به زبان فرانسه کشتی است.

۵. در اصل: نهمین

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، از صفحه ۱۱۵ تا ۱۱۹.

در روز [illegible] جناب مستطاب [illegible] نایب الوزاره [illegible] و تاریخ [illegible] دولت علیه که بجناب آقای [illegible] احکام [illegible]

صحبت [illegible] شرح گفته [illegible] روز حرکت از طهران [illegible] اوضاع و اخبارات روزانه حضور [illegible]

بنده [illegible] از نظر مرحمت آثار عالی [illegible] عراق نیز [illegible] عرض [illegible] کشتی انگلیس [illegible] حضرات [illegible]

خواهم کرد [illegible] روز پانزدهم [illegible] کشتی [illegible] شده روز [illegible] شعبان وارد [illegible] انشاءالله [illegible] کرده [illegible] با آنچه [illegible]

بنده [illegible] فرستاده [illegible] را [illegible] خود [illegible] و [illegible] فرستاده [illegible]

و خانه که [illegible] شده است [illegible] کشتی [illegible] و اسباب تشریفات [illegible]

[illegible] خود [illegible] مذکور [illegible] هنوز خانه خوب برای [illegible] منزل [illegible]

خریده [illegible] و اسباب تشریفات [illegible] سفرا [illegible] دولت [illegible] قرار [illegible]

تشریفاتی که در حق سفرای [illegible] داشته‌اند [illegible] در باب [illegible] گفتگو کردم گفتند آنچه در حق [illegible]

سایر [illegible] رفتار [illegible] در حق [illegible] جناب [illegible] آقا [illegible]

۵۹

دوشنبه ۱۹ شهر رمضان سنه ۱۲۶۳

با وجود ضرورت نفر فراش چند راس اسب برای همراهان فرستاده است فدوی در جواب گفتم هرچه عرض دارد بگوید

نقد اوراق مهمانی مقرر شده بخرج آمده و از آنجا در کالسکه سوار شده به خانه مهمانی رفته چند روز در آنجا بود تا

و روز حرکت از خانه مهمانخانه چند راس اسب آورده با چند نفر فراش منزل ... که بعد رفت مهمانخانه خود

خرج حرف زده بود باید موافق عهدنامه هر چه جواب داده بعد در وقت سفارت صادق پاشا با ایران حکایت

شده است فدوی در جواب گفت بحمدالله تعالی از تصدق سر مبارک قبله عالم روحنا فداه الی یومنا هذا و مرحمت جناب آقای ... الله

بهیچوجه احتیاج بخرج کسی نداریم و اگر شرط طمع و اجحاف در نظر بر آید ثابت میکردم که نشده است اما موافق عهدنامه باید از عهده خرج ایلچی

اول عاید است که در شروط عهدنامه نکنند بار دیگر جناب صدر اعظم و ناظر امور خارجه کامل افندی و کمال افندی احوالپرسی

آمده و خوش آمد منزل گفته و معذرت خواسته بود در باب شب تقصیر مامورین است بود گفتیم در خانه خوب که میخواهیم رسیده

گرار رسیده بهم سپار ... کاغذی که آمده است بعد پرسیده اند تا نامه دارید فدوی جواب داد خیر گفته اند عهدنامه ممضی شده آورده اید

با عهدنامه ممضی شده سلطان ... آورده ام گفتم خیر گفتند پس ماموریت شما ... ولت چه چیز است گفتم مراسله

از جناب جلالتمآب ... برای جناب صدر اعظم دارم و دستورالعمل در ماموریت خود بخط شریف جناب معظم الیه در اجرای حقوق

و مطالب ... مانده است و ... مراجعت کرده مراتب را بجناب صدر اعظم و جناب ناظر امور خارجه گفته سه روز بعد از ورود

بمنزل قرار شد فدوی بروم جناب صدر اعظم و جناب ناظر امور خارجه را ملاقات کنم و در همان روز و روز بعد یکنفر ترجمان

از سفارت دولتین علیتین روسیه و انگلیس آمده از جانب ... وزرای مختار دولتین تهنیت مبارک باد آورده گفتند بعد در باب

عهدنامه پرسیده بطور تقریر فدوی ... گفته بود ... و روز بعد میرزا حسین خان ... سفارت ... روس

و انگلیس و فرانسه برای اعلام ورود خود فرستاده ... ترجمان و نایب خود را فرستاده تعارفات بجا آورد ... کامل افندی

با چند راس اسب چند نفر فراش ... روزی که وعده داده بودند رفتیم در خانه منزل جناب صدر اعظم رفته جناب معظم الیه تا در

اوطاق ... باستقبال آمده کمال عزت و احترام بعمل آورد و فدوی ... خود ... فدوی

اول ... جناب ... کامل ... و با جناب معظم الیه پاره مکالمات بزبان فرانسه

گفته بعد جناب معظم الیه خلوت کرده بجز چند نفر ... دیگر ... خود ... دولت علیه کرد

... دولت علیه ایران و ... بسیار گفتگو کرد و مدح ... را اظهار

... همیشه ... اسلام متفق باشند بعد از اتمام گفتگو از آنجا بمنزل جناب

[illegible] ... استقلال ... با ... بعث اکرام
[illegible] ... گفتم که ... [illegible]

نوشته برای صدراعظم فرستاد که به نواب ... جوابهای فرانسه و روس و انگلیس باز ... فدوی آمده از جناب
خوش آمد گفتند و با خود سفرا نیز دیدن و بازدید شده تعارفات لطیف رسمیه شایسته ... بعد آمده جناب ایلچی
پیغام فرستاد که ... از دولت ... شده است و در قرار ... نوشته است
تا مدتی که دولت عثمانی ... همین است که ... تعارف نکنند و با نفعه ... اگر
... و انگلیس ... دولت ... ایلچی کبیر فرانسه شنید فدوی در جواب گفت ...
... ولی‌نعمت و بزرگ خود دارم ... و جواب کاغذ جناب آقا روحی فداه و جواب ...
از ... صدراعظم ... و جواب ... منتظر ... خواهد رسید در چهارم رمضان قرار دارد ... فرانسه
شده ... حکم جناب ... عزیمت ... در آن ... ایلچی کبیر انگلیس و روس از عزیمت فدوی خبر شده
... نوشته ... عهدنامه ... رسیده است در ...
... آورده و خود هم ... تغییر گفتند چون جناب ... وعده ...
... عهدنامه ... دولت علیه ایران ... دولت خلاف ... است و آنچه ... میتوانند از آن
... دولت ایران است از این گونه تکلمات و تعرضات و دعوا که گفت ...
... این است که جناب ولی‌نعمت من ... نوشته‌اند با نفعه ... توقف نکن من باید اطاعت حکم جناب
... اگر جناب معظم الیه با ... وعده ... خود ... جوابی ... دارند و خواهند داد گفتند
... کار بسیار دشوار میشود و تو مقصر میشوی فدوی گفت هر کس اطاعت حکم آقا و ولی‌نعمت خود را نکند مقصر میشود
دولت علیه روم ... ندارد و ... چرا باید اصرار داشته ... عهدنامه ممضی شده ... چه ضرری دارد ما باید اصرار
داشته باشیم حقوق خود را مطالبه کنیم نه آنها ... آقا و ولی‌نعمت من نوشته است و حکم ... زیاده از یک
توقف مکن چگونه جرأت دارم خلاف حکم جناب معظم الیه بکنم ... آنچه گفتند ... نوشته داده‌اند
آن ... منتظر ... خواهد رسید ... دولت ...
جواب داد اگرچه حکم ندارم ولی ... توقف ... تا ... آنها ... کرده ...
فدوی ... ایلچی ... فرانسه ... اعلام ... توقف ... تا چاپار آمده ...

را [illegible] مراررد لکرچاپار آمد و عهدنامه ممضی شده پالمرستون را ورد و از آنوقت تا روز پنجشنبه [illegible] خود را [illegible] و لکن [illegible]

ممضی شده بیاورد و روز چهارشنبه تا فردوی با عهدنامه ممضی شده سلطان مبادله کند از آنوقت بر [illegible] [illegible]

چاپار شدیم دیگر حکایت تازه نبود مگر اینکه جناب ناظر امور خارجه روز [illegible] پنجشنبه [illegible] فردوی [illegible]

ناظر مالیه [illegible] خود را با حوال پرسی فردوی فرستاده بعد فردوی هم [illegible] میرزا [illegible] را [illegible]

شش [illegible] الامین [illegible] را [illegible] روز فرستاد تا روز هشتم شهر رمضان چاپار دولت بهیه انگلیس [illegible]

و عهدنامه ممضی شده پالمرستون را ورد و جناب بارون [illegible] کاغذی که ترجمه آن [illegible] [illegible] نوشته [illegible]

[illegible] نوشته بود که چاپار انگلیس [illegible] اگر عهدنامه ممضی شده بیاورده است مبادله کنید [illegible]

[illegible] بیشتر از پانزده روز [illegible] جواب نوشتجات خود را هم که از دولت علیه [illegible]

[illegible] و ذلت دولت [illegible] اگر [illegible] تا [illegible] را که برای [illegible]

فرستاده شده است [illegible] دولت خود که دولت ایران [illegible] را [illegible] کرده [illegible]

[illegible]

ایران [illegible] که [illegible] ایران [illegible]

[illegible] عهدنامه [illegible] منعقد [illegible] اگر [illegible] دولت [illegible]

[illegible] پیش [illegible] جناب [illegible] که [illegible] عهدنامه [illegible]

ممضی کرده و میرزا محمد علی خان [illegible] مبادله خواهم کرد و دیگر وقت مبادله [illegible] معین [illegible] نتوانسته [illegible] مبادله [illegible]

علاوه از اینها مراسله جناب [illegible] جناب [illegible] صدر اعظم [illegible] دلیل بر [illegible] است [illegible]

شده است [illegible] فردوی هم جواب [illegible] جناب بارون [illegible] نوشت که من [illegible] جناب [illegible]

روز پنجشنبه چهاردهم [illegible] وزرای [illegible] که از [illegible] شده [illegible]

فرستاده [illegible] با خود [illegible] ملاقات همه [illegible] با فردوی بود [illegible]

[illegible]

[illegible] که [illegible] آن دولت [illegible] گفته است [illegible] [illegible]

سنه ۱۲۶۳

[illegible] و ... بر حسب اطاعت حکم آقای خود را کردم و در جواب کاغذ [illegible]

[illegible] و کاغذی نوشته است که ... [illegible] منتظر بنده کاغذ [illegible]

دولت بهیه انگلیس مسموعات ... از این ... شخصی مرکوب دولت بهیه فرانسه ... و قطع مراوده ... دولتین ایران و فرانسه

شود امروز در مقام ... [illegible] ... دولت علیه ایران [illegible]

[illegible] در جواب ... اطاعت حکم ... [illegible]

شرمنده ... که دارم ... جناب صدر اعظم و جواب جناب ناظر امور خارجه در جوف [illegible]

ارسال حضور ... و خود فدوی روز پنجشنبه ۱۴ هشت ساعت از روز گذشته [illegible]

دولت بهیه فرانسه ... [illegible] ... مرقوم فرمایند تا [illegible]

عرضی ندارد

سند شماره ۹۳

تاریخ: [۱۸][1] رمضان ۱۲۶۳

سواد نامه میرزامحمدعلی‌خان به میرزاآقاسی

سواد کاغذ جناب مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه و ایلچی مخصوص مختار دولت علیّه که به جنابان وزرای مختار دولت بهیّه روسیه و انگلیس مقیم استانبول[2] نوشته‌اند به شرح آن که: جناب جلالت و نبالت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا مکرما؛ اصل و عمده مأموریت و سفارت دوستدار به دولت فخیمه فرانسه بود بعد از ورود به طرابوزان[3] به زیارت فرمان اعلیحضرت شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه و حکم اولیای دولت قاهره مفاخرت حاصل آمده که به دربار دولت علیّه عثمانی نیز آمده خدمت رجال کبار آن دولت علیّه رسیده نیت گذشتن امر معاهده ارزنةالروم را گفته مراسله جناب اجل اعظم آقای حاجی میرزاآقاسی مدظله‌العالی را به جناب صدراعظم رشیدپاشا رسانیده پاره مطالب که در میان است ابلاغ و گفتگو نماید و زیاد از پانزده روز در استانبول مکث نکند و در این باب موکداً در دو کاغذ به دوستدار حکم شده بود. دوستدار به طوری که آن جناب استحضار دارند و سواد آنها را خدمت آن جناب فرستاد با رجال دولت علیّه روم ملاقات و کاغذ جناب آقای حاجی مدظله‌العالی را به جناب رشیدپاشا صدراعظم دولت علیّه روم رسانیده مطالب خود را به رجال آن دولت علیّه نوشته جواب کاغذ جناب آقای حاجی سلمه‌الله را که جناب صدراعظم مشعر بر نیت انعقاد امر مصالحه بین‌الدولتین نوشته بودند با جواب مطالب خود را گرفته چون مأموریت خود را تمام دیده خواست عزیمت مملکت فرانسه نماید که در آن اثناء آن جناب کاغذی به دوستدار نوشته بودند که تو از دولت علیّه ایران مأموری که عهدنامه ممضی شده را با دولت علیّه روم مبادله نمائی. دوستدار در زمانی که در منزل خود ادراک ملاقات آن جناب نمود اظهار کرد که من خبری از این مأموریت ندارم و اولیای دولت قاهره حکمی در این باب به من نفرموده‌اند مگر این که پانزده روز زیاد در استانبول توقف نکرده بروم و من باید حکم آقا و ولی‌نعمت خود را اطاعت نمایم. جناب مشارالیه در یک مجلس دو دفعه بالمشافهه فرمودند که چند روز انتظار ورود چاپار دولت بهیّه انگلیس را که در راه می‌باشد داشته باش اگر معاهدهٔ ممضی شده را نیاوردند آن وقت ما را هیچ حرفی نیست و می‌توانی بروی سهل است برای تأکید این مطلب عالیجاه میرزاحسین‌خان سکرتری خود را نزد آن جناب

فرستاد که موافق قرارداد آن جناب اگر چاپار آمد و عهدنامه مزبوره را نیاورد دیگر توقف نخواهم کرد و دوستدار همین طور به جناب بارون دبرکند ایلچی بزرگ دولت بهیّه فرانسه وعده داده که کشتی جنگی پادشاهی راکه مأمور به حمل و نقل دوستدار به بندر مارسی[۴] است نگاه دارند تا آمدن چاپار اگر عهدنامه ممضی شده رسید که مبادله کرده برود والّا بعد از سی و شش ساعت سفر خود را معین کند. این بود که چاپار وارد شد و به هیچ وجه حکمی از دولت علیّه برای دوستدار نیاورد و عهدنامه ممضی شده نرسید جناب بارون دبرکند ایلچی بزرگ دولت بهیّه فرانسه کاغذی درباب عزیمت دوستدار و معمول داشتن حکم دولت خودم نوشتند که اگر نمی‌روی کشتی دولتی را جواب بگوییم. لهذا دوستدار بر خود لازم دید که به آن جناب اظهار دارد که موافق حکم اولیای دولت خود نمی‌تواند زیاد در این شهر مکث کند و هیچ چیز مانع رفتن دوستدار نخواهد شد مگر حکم ثانی اولیای دولت خود که ناسخ حکم اول باشد. چون لازم بود در مقام اطلاع آن جناب برآمد.

تحریراً فی شهر رمضان سنه ۱۲۶۳.*

توضیحات:

۱. در قسمت بالای صفحه مربوط به این سند در کتابچه سواد مکاتبات، تاریخ «۱۸ رمضان ۱۲۶۳» قید شده است.

۲. در اصل: اسلامبول

۳. « « : طرابزند

۴. « « : مرسیله

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۱۴.

سواد کاغذ جناب مقرب الخاقان میرزا محمد علی خان نایب اول وزارت امور خارجه و ایلچی مخصوص مختار دولت علیه که به جناب [illegible] وزیر امور خارجه

دولت بهیه روسیه و انگلیس مقیم اسلامبول نوشته‌اند شرح آنکه جناب جلالت و نبالت انتساب [illegible] استشعار

امور عهده مأموریت سفارت دولت فخیمه فرانسه بود و بعد از ورود [illegible] به زیارت [illegible] صلی الله علیه

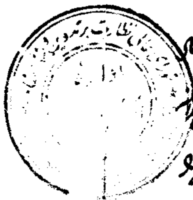
و سلطان و حکم اولیای دولت قاهره مفاخرت حاصل آمده به دربار دولت علیه عثمانی نیز آمده و خدمت رجال کبار آن دولت

رسیده صحبت گذشته در معاهده ارزنة الروم گفته مراسله جناب اجل اعظم آقا حاجی میرزا آقاسی مد ظله العالی را به جناب

صدراعظم رشید پاشا رسانیده [illegible] که درمیان آمد ابلاغ و گفتگو نموده [illegible] روز در اسلامبول مکث نکنند [illegible]

[illegible] در کاغذ [illegible] حکم شده بود [illegible] جناب ایلچی [illegible] و مراد آنجا را خدمت آنجناب فرستاد

بار جانب دولت علیه روم ملاقات و کاغذ جناب آقای حاجی مد ظله العالی را به جناب رشید پاشا صدراعظم دولت علیه روم رسانیده



مطالب خود را [illegible] آن دولت علیه رسیده جواب کاغذ جناب آقای حاجی سلمه الله به جناب صدراعظم مشعر بر [illegible]

در مصالحه [illegible] جواب مطالب خود را گرفته چون مأموریت خود را تمام دیده خواست عزیمت مملکت فرانسه

نماید که در آن اثنا آنجناب کاغذی [illegible] از دولت علیه ایران مأمور به عهدنامه ممضی شده بود



دولت علیه روم مبادله [illegible] که در منزل خود [illegible] ملاقات آنجناب مجدداً اظهار [illegible]

[illegible] مأموریت [illegible] اولیای دولت قاهره حکمی در این باب [illegible] مگر آنکه [illegible] در اسلامبول

[illegible] حکم آقا [illegible] جناب [illegible] در یک مجلس دو دفعه [illegible] فرموده

که چند روز انتظار [illegible] دولت بهیه انگلیس [illegible] عهدنامه ممضی شده [illegible]

[illegible] میرزا حسین خان سکرتری خود را نزد آنجناب

[illegible] قرار داد آنجناب [illegible] و عهدنامه [illegible] توقف نخواهم کرد [illegible]

[illegible] ایلچی بزرگ [illegible] فرانسه [illegible] مأمور [illegible]

[illegible] تا آمدن [illegible] عهدنامه ممضی شده رسید که مبادله [illegible] ان شاء الله [illegible] سفر خود [illegible]

این بود که [illegible] از دولت علیه [illegible] عهدنامه ممضی شده رسید جناب [illegible]

[illegible] ایلچی بزرگ دولت بهیه [illegible] کاغذی [illegible] حکم دولت خود [illegible]

[illegible] لازم دید که [illegible] اظهار [illegible] موافق حکم اولیای دولت خود [illegible]

[illegible] حکم [illegible] اولیای دولت خود [illegible] حکم [illegible]

در مقام اطلاع آنجناب [illegible] تحریراً فی شهر رمضان سنه ۱۲۶۳

سند شماره ۹۴

تاریخ: ۲۱ رمضان ۱۲۶۳

سواد نامه میرزاآقاسی به میرزامحمدعلی‌خان

سواد کاغذ جناب آقا به عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان به تاریخ ۲۱ شهر رمضان سنه ۱۲۶۳.

به شرح آن‌که عالیجاه مقرب‌الخاقان فرزندا، چاپار انگلیس روانه بود. جناب جلالت نصاب محبان استظهاری وزیر مختار دولت بهیّه انگلیس از من در کمال اصرار خواهشمند شدند که این مضامین را به آن فرزند مشروح دارم. لهذا نظر به توجهات جناب معظم‌الیه می‌نویسد که قرار این بود که امضای عهدنامه را این چاپار بیاورد که در آنجا آن فرزند مبادله نماید. چون عهدنامه ترکی و فارسی در نزد فرزندی میرزاتقی‌خان بود و هنوز وارد دارالخلافه نشده بود چاپار مخصوص روانه شد که عهدنامه‌ها را از او گرفته بیاورد. عجالةً تا رسیدن عهدنامه در باب فقراتی که ایلچیان واسطه با اولیای دولت علیّه روم گفتگو کرده و اطمینان داده‌اند. آن فرزند از روی این دو نسخه سواد که در آن جا با جناب محبان استظهاری وزیر مختار انگلیس جواب و سؤال کردم و در جوف همین نوشته ارسال شده است در هر یک از آن فقرات مطابق با جواب من که در آن سوادهاست با اولیای دولت علیّه روم گفتگو نماید و آنها را مطمئن سازد که تا رسیدن عهدنامه دیگر از برای مبادله حالت معطلی گفتگویی باقی نماند. چیزی که در این سوادهاست حکایت فصل هفتم درباب بالیوزها و تجار و رعایای طرفین است. در آن باب هم آن فرزند به هر قسمی که مایهٔ اطمینان اولیای روم باشد قرار بدهد که بالیوز و تجار و رعایای طرفین در امتیازات و سایر متساوی خواهند بود و تفاوتی نخواهند گذاشت البته بدون سواد که هم نوشته شده است. گفتگوی خود را تمام کند که اینک عهدنامه خواهد رسید آن وقت از قرار دستورالعمل که ارسال خواهد شد مبادله نماید.*

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۳.

(۱۷۱)



سند شماره ۹۵

تاریخ: ۲۱ رمضان ۱۲۶۳

سواد نامه میرزاآقاسی به میرزامحمدعلی‌خان

سواد کاغذ جناب حاجی سلمه‌اللّه العالی که به جناب مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه و ایلچی مخصوص مختار دولت علیّه ایران نوشته‌اند.

عالیجاها، مقرب‌الخاقانا، فرزندا، چون چاپار انگلیس روانه بود و جناب جلالت و نبالت نصاب محبان استظهاری وزیر مختار دولت بهیه انگلیس از من در کمال اصرار خواهشمند شدند که این مضامین را به آن مشروح دارم لهذا نظر به توقعات جناب معظم‌الیه می‌نویسد که قرار این بود که امضای عهدنامه را این چاپار بیاورد که در آن جا آن فرزند مبادله نماید چون عهدنامه ترکی و فارسی در نزد فرزندی میرزاتقی‌خان بود و هنوز وارد دارالخلافه نشده بود چاپاری مخصوص روانه شد که عهدنامه را از او گرفته بیاورد. عجالةً تا رسیدن عهدنامه در باب فقراتی که ایلچیان واسطه با اولیای دولت علیّه روم گفتگو کرده و اطمینان داده‌اند آن فرزند از روی این دو نسخه سواد که در این جا با جناب محبان استظهاری وزیر مختار انگلیس جواب و سؤال کرده‌ام و در جوف همین نوشته ارسال شده است. در هر یک از آن فقرات مطابق با جواب من که در آن سوادها است با اولیای دولت علیّه روم گفتگو نماید و آنها را مطمئن سازد که تا رسیدن عهدنامه دیگری از برای مبادله حالت معطله و گفتگویی باقی نماند چیزی که در این سوادها است حکایت فصل هفتم درباب بالیوزها و تجار و رعایای طرفین در آن باب هم آن فرزند به هر قسمی که مایه اطمینان اولیای دولت روم باشد قرار بدهد که بالیوز و تجار و رعایای طرفین در امتیازات و سایر متساوی خواهد بود و تفاوتی نخواهند گذاشت البته در این مواد که نوشته شده است گفتگوی خود را تمام کند که اینک عهدنامه خواهد رسید آن وقت از قرار دستورالعمل که ارسال نزد آن فرزند خواهد شد مبادله نماید چون لازم بود به جهت استحضار در مقام اطناب برآمدم همه اوقات گزارشات و احوالات خود را بنویسد.

تحریراً فی ۲۱ شهر رمضان سنه ۱۲۶۳.*

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۳۱.

روز پنجشنبه ۱۱ شهر [illegible]

[illegible] کاغذ جناب جلالت‌مآب [illegible] که بجناب [illegible] میرزا [illegible] خان نایب الوزاره [illegible] انگلیس [illegible] دولت ایران

[illegible] فرزند [illegible] چاپار انگلیس [illegible] و جناب جلالت‌مآب [illegible] اشتهاری وزیر [illegible]

انگلیس [illegible] شده که این [illegible] آنفرزند مشروح دارم لهذا [illegible]

[illegible] چاپار [illegible] که در آنجا آنفرزند [illegible] عهدنامه [illegible]

در نزد فرزندی میرزا [illegible] خان [illegible] دار الخلافه [illegible] چاپاری مخصوص [illegible] که عهدنامه را از او گرفته بیاورد

[illegible] عهدنامه [illegible] که [illegible] با دولت علیه روم [illegible] آنفرزند [illegible]

این نسخه سواد که در آنجا با جناب [illegible] ایلچی انگلیس [illegible] وزیر [illegible] انگلیس جواب سؤال [illegible] و در جوف همین [illegible] ارسال

شده است در [illegible] فقرات [illegible] جواب که در آن [illegible] با دولت علیه روم گفتگو [illegible] و آنها را [illegible]

[illegible]

در باب [illegible] در آن باب هم آنفرزند [illegible] که با [illegible] ایران با دولت روم [illegible]

[illegible] و [illegible] اختیارات [illegible] خواهند بود [illegible] خواهند [illegible] در این [illegible] که نوشته شده

گفتگوی [illegible] تمام [illegible] عهدنامه [illegible] از قرار دستور العمل [illegible] آنفرزند خواهش مبادله [illegible]

[illegible] همه اوقات [illegible] تحریرا فی ۲۱ شهر رمضان سنه ۱۲۶۳

سند شماره ۹۶

تاریخ: [به احتمال قوی اواخر رمضان ۱۲۶۳][1]

سوادنامه میرزاآقاسی به میرزامحمدعلی‌خان

سواد کاغذ جناب حاجی دام‌ظله‌العالی که به جناب مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره نوشته‌اند. به شرح آن که عالیجاها، مجدت و نجدت همراها، مقرب‌الخاقانا، فرزندا؛ نوشتجات آن عالیجاه فرزند مصحوبی مشهدی قاسم رسید از مضمونش من‌البدایة الی‌النهایه استحضار حاصل گردید. در باب رفتن خود از استانبول به پاریس نوشته بود. بلی حق داشته است که قرار این نبود که اولیای دولت علیّه عثمانیه آن فرزند را زیاد بر پانزده روز در آن جا معطل کنند و در گذراندن امورات جزئیه این قدر بهانه‌جویی کنند و گفتگو نمایند. آن فرزند موافق دستورالعمل دادن اولیای دولت علیّه رفتار کرده است و از مؤاخذه نترسیده است که رفته است. در این موارد به‌هیچ‌وجه ایرادی بر آن فرزند نخواهد بود. ولیک چنانچه توقف آن فرزند در پاریس طول بکشد مورد ایراد خواهد بو. می‌باید که به محض ورود به پاریس و ابلاغ رسالت و رسانیدن تحف و هدایا چندان توقف در آن جا نکند و به تصور منفعت و تعارفاتی که به آن فرزند در حالت مقطعی خواهد رسید خود را در آن جا معطل نکند که در سفارت انجام خدمت شرط است نه خواستن نعمت. انشاءالله پس از آن که از عهده سفارت درست برآمد همه نعمت برای آن فرزند آماده و موجود خواهد بود و بعد ارج افتخار و اعتبار و ثروت و مکنت خواهد رسید این روزها که ششم شهر شوال‌المکرم است بنا هست که امضاء به دولت عثمانی روانه شود و منظور من آن است که تتمه امورات جزئیه بین‌الدّولتین علیّتین به کاردانی آن فرزند بگذرد می‌خواهم که تا رسیدن امضاء به استانبول آن فرزند هم، خود را به آنجا برساند و چند روزی در آن جا بماند و با اولیای دولت علیّه عثمانیّه گفتگو نماید و زود مراجعت به قصر خلافت کند که کار بسیار است یقین می‌دانم که تا حال به پاریس رسیده خواهد بود. دیگر جز ابلاغ رسایل و رسالت در آن جا کار و مهمی ندارد که معطلی داشته باشد. زود بسیار زود پس از اتمام کار از آن جا حرکت کند و به رسم چاپاری خود را به استانبول برساند که کار به عهده تعطیل نیفتد و محتاج به دیگری نشویم دیگر آن فرزند عاقل است. منظور مرا از این نوشتن می‌فهمند. حال که کار را نگذرانیده رفته است می‌خواهم در مراجعت تلافی مافات را بکند. البته زود خیلی زود خود را برساند که هرچه زود مراجعت کند رضای خاطر من در

آن خواهد بود. معلوم است که در رسالت دولت بهیّه فرانسه موافق دستورالعمل رفتار کرده و خواهد کرد و درست از عهده سفارت خود بیرون خواهد آمد دیگر جای اظهار نیست همیشه اوقات از گزارشات و احوالات خود بنویسد.*

توضیحات:

۱. محتوی این سند دقیقاً در ارتباط با دو سند شماره ۹۲ و ۹۳ مورخه ۱۸ رمضان ۱۲۶۳ است. در دو سند مذکور میرزامحمدعلی به تصمیم قطعی خود مبنی بر عدم توقف بیشتر در استانبول اشاره کرده و میرزا آقاسی در این نامه در اشاره مستقیم به بعضی عبارات دو نامه پیشین، قصد عزیمت او از استانبول به پاریس را مورد تأیید قرار داده است. از این رو به نظر می‌رسد میرزاآقاسی بعد از دریافت نامه‌های مورد اشاره، در اواخر رمضان ۱۲۶۳ اقدام به ارسال این نامه به میرزامحمدعلی‌خان کرده باشد.

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۳۰.

سواد [illegible] جناب [illegible] که به جناب [illegible] [illegible] الی [illegible]

نوشته اند [illegible] [illegible] [illegible] در باب [illegible]

بپاریس رفته [illegible] قرار [illegible] که اولیای دولت علیه عثمانیه [illegible]

[illegible] و گفتگو [illegible] آنحضرت [illegible] اولیای دولت [illegible]

[illegible]

آنحضرت در پاریس [illegible]

[illegible]

[illegible] از مشهد [illegible] در [illegible]

[illegible] شوال [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] و با اولیای دولت علیه عثمانیه [illegible]

[illegible] پاریس [illegible]

[illegible] پاریس [illegible]

[illegible] دیگر آنحضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سند شماره ۹۷

تاریخ: ۲ شوال ۱۲۶۳

نامه وزیر مختار انگلیس به میرزاآقاسی

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا، معظما؛

مراسله آن جناب که مشعر بر این بود که عهدنامه رسید اما اولیای این دولت علیّه می‌خواهند سواد او را نوشته امضاء کرده ارسال دارند، رسید؛ لازم دید که به جواب آن مصدع آید که این قانون تا به حال در هیچ دولتی متداول نبوده که نسخهٔ عهدنامه را سواد نمایند. اصلاً راهی ندارد مگر این که همین نسخه ترکی را که در اینجا است سرکار اعلیحضرت پادشاهی و آن جناب مشفق معظم امضاء و مهر کرده به همراهی چاپاری از خود به تعجیل روانه دارند و آن نسخه فارسی را که در آن جا است به مهر سرکار اعلیحضرت سلطان روم و صدراعظم آن جا رسیده و امضا کرده ارسال اینجا دارند. سوای این، امکان‌پذیر نیست. چون در مقام استفسار برآمده بودند به جهت اطلاع زحمت داد.

تحریراً ۲ شهر شوال سنه ۱۲۶۳.*

[مهر پشت سند] جستن شیل

---

* . صندوق ۶، پوشه ۳.

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصابا مجدت و شهامت ارسال اجلالا عالیجاها مستوفی

مراسله آن جناب مشعر بر این معنی در جوف نامه رسید اما اولیای دولت علیه نخواهند



سواد اوراق نوشته امضا کرده ارسال داشته بودند رسید لازم دیده در جواب آن مصدع آمد

در این قانون نامه که در ربیع الثانی سنه اول منعقد شده نسخه عهدنامه را سواد نمایند

صلاح را نمی دارد مگر اینکه همان نسخه ترکی را در دولت سرکار اعلیحضرت پادشاهی

در آن جناب منصوص شما امضا کرده همراهی چاپاری از حضور تعجیل روانه داشته اند و آن نسخه فارسی را

در دولت عهدنامه را اعلیحضرت سلطان روم و صدر اعظم آنجا رسیده و امضا کرده ارسال آنجا خواهد شد

سوای اینها الحال چیزی نیست چون در مقام تعجیل بر آمد بعوض لحیه اطلاع زحمت داد

۱۲۶۳



سند شماره ۹۸

تاریخ: ۴ شوال ۱۲۶۳

نامه وزرای مختار روس و انگلیس به میرزاآقاسی [1]

آن جناب بدون شبه شریک حیرت و افسوس خواهید بود که اینجانبان حاصل کرده‌اند وقتی که مطلع شده‌اند که برخلاف تعهداتی که اولیای دولت علیّه ایران به دو دولت بزرگ واسطه کرده بودند. عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان چنین مصلحت دانست که از استانبول برود بدون این که از عهده مأموریتی که از جانب سنی‌الجوانب اعلیحضرت پادشاهی به او مفوض شده بود، برآمده باشد. خیال این دستخط گذارندگان این است که این گونه رفتار نمی‌تواند صرفه از برای اولیای دولت علیّه ایران ببخشد و خود را محق می‌دانند که به طریق اکمل آن جناب جلالتمآب را به این مرحله ملتفت سازند. موافق اعتماد واقعی صریح این دستخط گذارندگان بهترین چاره این امر که اینجانبان باید اصرار نمایند، این است که بدون دفع‌الوقت به عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان حکم قطعی کافی داده شود که همان ساعت بلادرنگ به استانبول مراجعت نمایند بعد از اتمام مأموریت سفارت تعارفی که به دولت فخیمه فرانسه دارد البته که این وقت باید مأموریت خود را به انجام رسانده باشد. این دستخط گذارندگان بر ذمّه خود قبول داشته حاضرند که بعد از مهرشدن نسخطین احکام مسطوره فوق به توسط وزرای مختار دو دولت بزرگ واسطه مقیم استانبول به عالیجاه میرزامحمدعلی‌خان برسانند تا در آن جا عالیجاه مشارالیه به وصف ایلچی مخصوص و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه ایران و با اعتبار نامه‌های کماینبقی که باید در دست داشته باشد مأمور خواهد بود که مشغول انجام پاره امورات جزئیه متعلقه به اجرای عهدنامه مبارکه که در این ایام در ارزنة‌الروم منعقد شده است گردد.

زیاد زحمت‌افزای خاطر آن جناب گردید.

تحریراً فی ۴ شهر شوال المکرم سنه ۱۲۶۳.*

توضیحات:

۱. از این سند دو سواد بدست آمد. یکی در صندوق ۶، پوشه ۲ و دیگر در سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۴.

---

* . صندوق ۶، پوشه ۳.

جناب جلالت و نبالت نصابا کفایت و کفالت انتسابا مجدت نوازا [illegible] معظما مشفقا مهربانا

آنجناب جلالتمآب بدون شبهه شریک حیرت و افسوسی خواهند بود که اینجانب حاصل کرده‌اند

وقتیکه مطلع شده‌اند که برخلاف تعهداتیکه اولیای دولت علیه ایران بدولت بزرگ واسطه [illegible]

کرده بودند عالیجاه مقرب الخاقان میرزا محمد علیخان چنین مصلحت دانست که از اسلامبول [illegible]

بدون اینکه از عهده مأموریتیکه از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت پادشاهی باو

مفوض شد بعمل برآمده باشد خیال این دستخط گذارندگان این است که اینگونه رفتار [illegible]

سرفه از برای اولیای دولت علیه ایران به بخشد و خود را محق میدانند که [illegible]

آنجناب جلالتمآب را باین مرحله ملتفت بسازند موافق اعتقاد واقعی صریح این دستخط گذارندگان

بهترین چاره این امر که اینجانبان باید اصرار نمایند این است که بدون دفع الوقت بعالیجاه

مقرب الخاقان میرزا محمد علیخان حکم قطعی کافی داده شود که بهمان [illegible]

مراجعت نماید بعد از اتمام مأموریت سفارت تعارف که بدولت فخیمه فرانسه دارد [illegible]

باید مأموریت خود را بانجام رساند [illegible] این دستخط گذارندگان [illegible] قبول [illegible]

بعد از مهر شدن تسطیح احکام مسطوره فوق توسط وزرای مختار دولت بزرگ واسطه [illegible]

عالیجاه مقرب الخاقان میرزا محمد علیخان برسانند تا در آنجا عالیجاه مشارالیه بوصف ایلچی مخصوص و

وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه ایران و با اعتبارنامه‌های [illegible] که باید در دست داشته باشد

بأمور [illegible] مشغول بانجام [illegible] مأموریت [illegible] [illegible] ۱۲۶۳ [illegible]

سند شماره ۹۹

تاریخ: ۵ شوال ۱۲۶۲

نامه میرزاآقاسی به وزیر مختار انگلیس

جناب جلالت و نبالت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا، معظما؛

مرقوم فرموده بودید که کارگزاران دولت علیّه روم درباب ترضیه قضیه [ای] که برای مقرب‌الخاقان میرزاتقی‌خان حادث شده بود، اقدام دارند و غفلت ندارند چنانچه عزل اسدپاشا که مقوی[1] آن حادثه بوده و نصب بحری‌پاشا که در حفظ و حراست عالیجاه مشارالیه کوشیده دلیلی است بیّن و برهانی است واضح. معذلک عالیجاه میرزاتقی‌خان اطاعت به حکمی که از دوستدار در سی‌وپنج روز قبل از این در لواسان به عهده او صادر شده مخالفت کرده قرارنامه را مُهر و مبادله نمی‌کند. لهذا در کمال ادب و احترام مصدع می‌شود که مضمون آن کاغذ از نظر دوستدار هرگز محو نشده است. دوستدار هرگز به میرزاتقی‌خان چنین حکمی نکرده است که قرارنامه را پیش از ترضیه مهر و مبادله نماید بلکه نوشته است جناب وزیر مختار دولت فخیمه انگلیس اطمینان کامل دادند که دولت علیّه عثمانی ترضیه کامل به عمل خواهد آورد، در این صورت تو هم قرارنامه را مهر و مبادله کرده بیا، دیگر به او حکم نکردم من از ترضیه راضی به آن ذلّت شده قرارنامه را مهر و مبادله کرده بیا، حال هم صراحتاً به آن جناب می‌نویسم که هرگاه جنابان جلالتمابان وزرای مختار دولتین فخیمتین واسطه کاغذی بنویسند به دوستدار بدهند که ما اطمینان کامل به دولت علیّه ایران می‌دهیم که دولت علیّه عثمانی به طوری که ما شایسته و سزاوار عظم و شأن دولت علیّه ایران می‌دانیم در تلافی ایلچی کشی ترضیه به عمل خواهد آورد، تا من به میرزاتقی‌خان بنویسم دقیقه [ای] معطل نکرده قرارنامه را مهر و مبادله کرده معاودت کند. والاّ دوستدار به هیچ وعده دولت علیّه روم اعتماد و اعتقادی ندارد و امر قرارنامه مهمل و محمل خواهد ماند. چون لازم بود اظهار شد.

تحریراً فی ۵ شهر شوال‌المکرم ۱۲۶۲.*

توضیحات:

۱. در اصل: مغوی

[مهر پشت سند] آقاسی

---

* . صندوق ۵، پوشه ۴۳.





جناب جلالت و نبالت نصاب مجدت و نجابت انتساب [illegible] مشفقا

مرقوم فرموده بودید که کارگزاران دولت علیه [illegible] قنسولی اصفهان

میرزا تقی خان حادث شده [illegible] چنانچه جنرال [illegible]

[illegible] واضح

مع ذلک [illegible] میرزا تقی خان اطاعت نکرده [illegible]

[illegible] قرارنامه را مهر و دستخط [illegible]

[illegible] قرارنامه [illegible]

[illegible] قرارنامه [illegible]

دولت [illegible] کامل [illegible] دولت علیه عثمانی [illegible]

در صورت [illegible] قرارنامه را مهر و امضا کرده [illegible]

[illegible] قرارنامه را مهر و امضا کرده [illegible]

[illegible] وزرای مختار [illegible] کاغذی [illegible]

[illegible] کامل [illegible] دولت علیه ایران [illegible] دولت علیه عثمانی [illegible]

[illegible]

سند شماره ۱۰۰

تاریخ: ۷ شوال ۱۲۶۳

نامه وزیر مختار روس و انگلیس به میرزاآقاسی

جناب جلالت و نبالت نصابا، کفایت و کفالت انتسابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، معظم مشفقا مهربانا؛

شرح دولتی که آن جناب جلالتمآب به دوستداران قلمی و در ضمن آن اظهار فرموده بود که بر آن جناب یقین است که قبل از رسیدن امضای عهدنامه مبارکه ارزنةالروم از جانب سنی‌الجوانب اعلیحضرت پادشاهی به استانبول که باید بدون دفع‌الوقت ممضا بشود. عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان فرستاده اقدس همایون شهریاری فرصت و وقت خواهد داشت که از پاریس به استانبول مراجعت نماید، به دوستداران رسید. با وجود این اطمینان صریح؛ باز دوستداران لازم و واجب می‌دانند که مجدداً اصرار و ابرام نمایند که به عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان در هر صورت از جانب اولیای دولت علیّه ایران احکامات قطعی و صریح داده بشود که چنانچه تا به حال فرضاً در دولت فخیمه فرانسه باشد تعجیل معاودت به دولت علیّه عثمانیّه نماید و اگر مراجعت نموده باشد به آنجا، نامه دولت علیّه ایران را که در ضمن آن رتبه ایلچی مخصوص و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه ایران به او مفوض می‌شود. نزد اولیای دولت علیّه عثمانیّه ابراز نماید. دوستداران بالصراحه وظیفه خود می‌دانند که اصرار و تأکید نمایند که احکامات مزبوره که باید به عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان داده شود به توسط سفرای دو دولت بزرگ مقیم استانبول به او برسد. علی هذا از آن جناب جلالتمآب توقع است که بلاتأمل لختین، ممهورتین احکامات مزبور را به دوستداران برسانند. درخصوص خیال آن جناب جلالتمآب که از جانب دولت علیّه ایران تا به حال ممضا شده است دوستداران لازم می‌دانند که آن جناب جلالتمآب سامی را در این سهو ملتفت بسازند. به جهت این که وعده امضا کردن، خود امضاء نمی‌شود و موافق قاعده و رسم متداوله واجب است که تصدیق پادشاهی بشود تا این که بر وفق قانون حساب عهدنامه مبارکه صورت انعقاد پذیرد.

چون لازم بود به تاریخ ۷ شهر شوال سنه ۱۲۶۳ زحمت‌افزای خاطر آن جناب سامی کردند. والسلام.*

[مهر پشت سند] جستن شیل؛ کنیاز دوالغاروکی.

---

* . صندوق ۶، پوشه ۳.

جناب جلالت و نبالت نصاب با کفایت و کفالت انتساب امجد اکرم ... سلطنت عثمانی ... معظم ... شفقت



شرح مراسلی که آن جناب جلالتمآب به دوستداران قلمی و در ضمن آن اظهار ... فرموده بودند که ...

در قبل از رسیدن امضای عهدنامه مبارکه ارزنة الروم از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت ...

پادشاهی با اسلامبول که باید بدون فوت الوقت ممضا به عالیجاه مقرب الخاقان میرزا محمد علی خان ... حقیقت نماید

فرستاده شد ... همایون ... فرصت و وقت خواهد داشت که از پاریس با اسلامبول مراجعت ... کنند

به دوستداران رسید و جواب اطمینان صریح باره دوستداران لازم و واجب ...

مجدداً اصرار و ابرام نموده به عالیجاه مقرب الخاقان میرزا محمد علی خان در خصوص ...

اولیای دولت علیه ایران احکامات قطعی و صریح داده شود چنانچه آن جناب ...

فرموده باشند تعجیل معاودت دولت علیه عثمانیه نماید و اگر مراجعت ... نامه دولت علیه ایران

در ضمن ... رتبه ایلچی مخصوص و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه ایران معوض ... دولت

علیه عثمانیه ابراز نماید دوستداران بالصراحه وظیفه خود می‌دانند که ...

احکامات مزبوره که باید به عالیجاه مقرب الخاقان میرزا محمد علی خان داده شود توسط سفارت ...

مقیم اسلامبول باو برسد ... از آن جناب جلالتمآب توقع است که ...

احکامات مزبوره را به دوستداران برسانند در خصوص خیال آن جناب جلالتمآب ...

از جانب دولت علیه ایران یا کتاب ممضا شده است دوستداران لازم ...

آن جناب جلالتمآب سامی را در این سهو ملتفت نمایند ... که عدم امضا ...

موافق قاعده و رسم متداوله واجب است که تصدیق پادشاهی شود ...

قانون جناب عهدنامه مبارکه صورت انعقاد ... تحریراً فی ... شهر شوال سنه ۱۲۶۳ ...



سند شماره ۱۰۱

تاریخ: ۱۱ شوال ۱۲۶۳

نامه وزرای مختار روس و انگلیس به میرزاآقاسی

جناب شوکت و جلالت نصابا، عظمت و حشمت مآبا، دوستان استظهارا، محبان نوازا، مشفقا، مکرما، معظما؛

این جانبان به طور کافی و شافی‌تر از سایر دفعات به آن جناب تکرار می‌دارند ضرورت را که بر گردن اولیای دولت علیّه ایران وارد آمده که برخلاف وعده خود رفتار نکنند. موافق شروح دولتی آن جناب به دو دولت بزرگ واسطه تعهد صریح نموده بودند؛ اولاً: که عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نوشته امضای اعلیحضرت پادشاهی را خواهند برد. ثانیاً: که عالیجاه مشارالیه بعد از ورود به استانبول به وصف ایلچی مخصوص دولت علیّه به انجام امورات جزئیه متعلقه به عهدنامه مبارکه که در این اوقات در ارزنةالروم مهر شده خواهد پرداخت. به آن جناب معلوم و مشخص می‌باشد که به علت استفساراتی که از سفراء دو دولت بزرگ واسطه مقیم استانبول درباب بعضی فقرات عهدنامه مذکوره شده بود به وکیل دولت علیّه ایران لازم خواهد آمد که با امنای دولت علیه عثمانی گفتگو نماید و این گفتگو باید قبل از مبادله امضاء باشد. لهذا اینجانبان به هیچ وجه من‌الوجوه نمی‌توانند راضی باشند که عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان از وقتی که امضاء دولت علیّه عثمانی به دارالخلافه تهران برسد اقدام به مأموریت دولتی خود در استانبول نماید و بالصراحه این قرارداد را ایراد می‌گیرند و مخالف می‌دانند بر تعهداتی که اولیای دولت علیّه قبل از این کرده بودند. تأمل زیاد از این از جانب دولت علیّه در عمل آوردن وعده خود به این جنابان حق تصوری که الآن استحضار دارند خواهد داد که اولیای دولت علیّه ایران شریک و سهیم سلوک عجیب و رفتار غریب عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلیخان می‌باشند و دانسته و فهمیده می‌خواهند تکلیفات حسابی اینجانبان را به عمل نیاورند و از این قرار کسر احترام به دو دولت بزرگ واسطه نمایند. زیاد چه مصدع شود.

تحریراً فی یازدهم شهر شوال سنه ۱۲۶۳. باقی ایام دوستی و اتحاد مستدام.*

[مهر پشت سند] جستن شیل، وزیر مختار دولت بهیه روسیه کنیاز دوالغاروکی.

* . صندوق ۶، پوشه ۳. همچنین سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۷.

جناب شوکت و جلالت نصاب اجل حشمت مآب آقای [illegible] سفیر کبیر امپراطوری [illegible]

همانطور که جنابعالی اطلاع دارند و شاید از زبان و دفعات آنجناب گزارش میدارند معهودات سابقه دولتین علیه ایران

وارد آمده و برخلاف وعده که رفتار کرده‌اند مراتب شروح آنجناب به دولت بزرگ واسطه تعهد [illegible]

آورده و چاره معتمدالسلطان میرزا محمد علیخان نوشته اعلیحضرت پادشاهی نوشته خواهد شد تا اینکه چاره شایسته

به این وضع با ملاحظه اینکه شخص دولت علیه کار امورات جزئیه متعلقه بعهد نامه مبارکه [illegible]

در این باب الزام حاصل شده خواهد بود جناب آنجناب معلوم و شخص چاپار بجهت استحضار آنکه از سفارت [illegible]

متعلق ملاحظه در باب بعضی فقرات عهدنامه مذاکره شده بود که دولت علیه ایران لازم خواهد آمد [illegible]

گفتگو نماید و این گفتگو با قرار مبادله انجام نشد لهذا جنابعالی به جهت الرجاء مینمایند رضایت شده که چاره

معتمدالسلطان میرزا محمد علیخان از دستخط اعلیحضرت دولت علیه عثمانی اظهار طهران رسید اقدام با مراتب [illegible]

در ملاحظه این قرار داد ادعا میکنند و مخالف میدانند بجهت اینکه اولیای دولت علیه قبول ازین

گفته نشده تا بحال دلیلی از جانب دولت علیه در عهدآوری وعده نکرده تا بحال حق تصرف که الان استحقاق دارند

خواهد بود اولیای دولت علیه ایران برگشته و سلوک محبت و رفتار چاره معتمدالسلطان میرزا محمد علیخان شده و

دانسته وعده منتظر تحقیقات جنابعالی نتیجه آن [illegible] از سفارت کبری طهران به دولت بزرگ واسطه [illegible]

مسدود شد تحریراً فی دوازدهم شهر [illegible] سنه ۱۲۶۳ [illegible] [illegible]

سند شماره ۱۰۲

تاریخ: ۱۲ شوال ۱۲۶۳

سواد نامه میرزاآقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس

سواد کاغذ جناب آقا روحی فداه که در جواب به وزرای مختار دو طغرا نوشته‌اند. به تاریخ ۱۲ شهر شوال سنه ۱۲۶۳.

به شرح آن که جنابا مراسله سامی واصل و از مضامین آن اطلاع حاصل شد. درباب امضاء که مرقوم داشته بودید که دوستدار تعهد صریح نموده بود که به عالیجاه مقرب‌الخاقان وزیری میرزامحمدعلی‌خان برساند، بلی درست است که دوستدار هم به اعتقاد خود امضاء را به عالیجاه مشارالیه برساند ولی در دولت عثمانیّه مجری نشد. مکرر به آن جناب اظهار این مطلب شده است که دوستدار شرحی به جناب رشیدپاشا نوشت و تصریح داشت که در دولت ایران ممضی شد و عالیجاه میرزامحمدعلی‌خان مأمور است که گفتگوی امورات جزئیه را اتمام نماید. چه بایست کرد که رجال دولت عثمانیّه به این سند باز مطالبه امضا نموده و جناب رشیدپاشا نوشت که تا امضا نشود گفتگو نخواهد شد. اگر کاغذ دوستدار معتبر است به چه دلیل اولیای دولت عثمانی باز مطالبه امضاء کردند و امورات جزئیه را نگذرانیدند و اگر معتبر نیست پس کاغذ دوستدار را دول خارجه رد کنند. در مراسله سابق که دوستدار نوشت که عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان را مأموریتی نیست شاید تا رسیدن امضا معاودت نماید و حال آن که چندان وجوبی به جهت این دولت علیّه ندارد که مشارالیه امضا را بدهد و گفتگو نماید. معتمد و نوکر قابل به این جدیت بسیار است انشاءالله امضاء را اولیای این دولت علیه این روزها به آن جنابان جلالتمابان خواهد رسانید و آن جنابان مجدت نصابان با هر کس از کسان خود که مصلحت دانسته روانه خواهند کرد و گفتگوی امورات جزئیّه را نیز اگر عالیجاه میرزامحمدعلی‌خان از پاریس تا رسیدن امضای دولت علیّه روم به اولیای دولت علیّه ایران مراجعت به دارالخلافه استانبول نکرد به کسی دیگر که قابل است مرجوع خواهند داشت و گفتگوی امورات جزئیه موافق مندرجات رشیدپاشا بعد از مبادله امضا خواهد اتفاق افتاد.

انشاءالله اولیای دولت عثمانیّه در فکر فرستادن امضا خواهند بود و امضاء نرسید. که گفتگو نخواهد شد. لازم بود زحمت داد.*

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۷.

سند شماره ۱۰۳

تاریخ: ۱۳ شوال ۱۲۶۳

سواد نامه میرزاآقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس

سواد کاغذ جناب آقا روحی فداه به وزرای مختار دولت روسیه و انگلیس دو طغرا به یک مضمون به تاریخ ۱۳ شهر شوال سنه ۱۲۶۳.

به شرح آن که جنابا نظر به خواهش و توقع آن جناب و تعهدی که دوستدار به آن سفارت شده بود که عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان در امورات جزئیه بین‌الدولتین ایران و روم گفتگو نماید معهذا بنابر وفای عهد شرحی به عالیجاه مشارالیه نگاشته شد که پس از معاودت از پاریس در دارالخلافه استانبول توقف کند و بعد از مبادله امضاء و رسیدن به دربار اقدس همایون چنانچه جناب رشیدپاشا نوشته داده است که گفتگوی امورات جزئیه بعد از مبادله خواهد شد. آن وقت عالیجاه مشارالیه با رجال دولت عثمانی در مواد جزئیه گفتگو کند و بگذراند به جهت اطلاع تحریر شد.*



* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۷.

سند شماره ۱۰۴

تاریخ: ۱۴ شوال [۱۲۶۳][1]

سواد نامه وزرای مختار روس و انگلیس به میرزاآقاسی

سواد کاغذ وزرای مختار دولتین فخیمتین به تاریخ ۱۴ شهر شوال‌المکرم که به جناب آقا روحی فداه نوشته‌اند. به شرح آن که آن جناب سامی چندین دفعه به دوستداران اظهار فرموده‌اند که مأموریت عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان به دولت فرانسه همین سفارت تعارفی است که چندان طول نخواهد کشید. اعتقاد دوستداران این است که تعهدی که اولیای دولت علیّه ایران درباب اینکه عالیجاه مشارالیه بعد از مراجعت از پاریس به استانبول معاودت خواهد کرد این تعهد ناتمام، مبهم و غیرکافی است. چون دوستداران این را نمی‌توانند قبول کنند مجدداً اصرار دارند تا احکاماتی که موافق آن عالیجاه میرزامحمدعلی‌خان باید در مراجعت از دولت فرانسه تعجیل نماید و از عهده مأموریت خود در دولت عثمانی برآید بدون دفع‌الوقت جواب به قاعده داده به دوستداران برساند چون دوستداران نسبت به دولت بزرگ که این قدر محاسن سعی و اهتمام به عمل آورده‌اند دولت علیّه ایران فواید کثیره مصالحه را که مبتنی بر عزت و استحکام است حاضر نماید. لهذا آنجناب سامی را مجدداً تکلیف می‌نماید که مطالب صریح و حسابی دوستداران را بعمل آورند.*

توضیحات:

۱. موضوع این سند و سند بعدی یکی است. هر دو سند مربوط است به شوال ۱۲۶۳.

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۷.

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سند شماره ۱۰۵

تاریخ: ۱۵ شوال ۱۲۶۳

سواد نامه میرزاآقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس

سواد کاغذ جناب آقا روحی فداه که در جواب وزرای مختار نوشته‌اند به تاریخ ۱۵ شهر شوال سنه ۱۲۶۳.

به شرح آن که: مراسله سامی سعادت دولتین فخیمتین به یک مضمون رسید از مراتب مرقومه مطلع و مستحضر گردید. درباب تصریح داشتن دوستدار در دیر و زود مراجعت کردن عالیجاه مقرب‌الخاقان فرزندی میرزامحمدعلی‌خان از پاریس به دارالخلافه استانبول شرحی مرقوم داشته بودید دوستدار سابقاً این معنی را به آن جناب اظهار و اشعار داشته است و حال هم می‌نویسد که با عدم عذر گویا مسافرت عالیجاه مشارالیه طول نکشد و زود مراجعت به دارالخلافه استانبول کنند و در مسطور آن نیز تصریح داشت و حال هم صریحاً می‌گوید که بعد از مبادله امضای بین‌الدولتین علیتین ایرانی و عثمانی و رسیدن امضای مزبور به دارالخلافه تهران خارج از دو صورت نخواهد بود. چنانچه تا رسیدن امضاء بر اولیای دولت علیّه مراجعت عالیجاه میرزامحمدعلی‌خان از پاریس مشخص شد که جای سخن نیست مشارالیه مأمور است در ورود [به] استانبول موافق حکمی که پیش یاد شده است گفتگوی امورات جزئیّه را با رجال دولت علیّه عثمانیه خواهد کرد و خواهد گذرانید[1] ... و اگر العیاذ باللّه منظور اولیای دولت بهانه‌جویی و برهم‌زدگی است در این موارد توقع نخواهد داشت وقت بسیار خواهد بود دیگر این همه تکرار و اصرار با دوستدار، رومی نکنند و مناسب نخواهد بود اکنون که در رساندن امضاء به خدمت آنجنابان می‌باشد که از راه محبت برسانید ...[2]*

توضیحات:

۱. حدود دو سطر خط خورده و بعد ادامه مطلب آمده است.

۲. دو کلمه آخر سند خوانده نشد.

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۵-۱.

سند شماره ۱۰۶

تاریخ: ۱۸ شوال ۱۲۶۳

نامه وزیر مختار انگلیس به میرزاآقاسی

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا معظما؛

دوستدار بعد از حوصله و تأمل چند مرتبه، حال لابّد است که به طور صریح شکایت از این نویسنده مراسلات دولتی نماید. درباب کاغذی که از بابت احضار عالیجاه میرزامحمدعلی‌خان به استانبول در مرتبه اول و ثانی از جانب دوستی جوانب جناب وزیر مختار دولت روسیه و دوستدار به مُهر طرفین به آن جناب نوشته شد و آن نویسنده جواب را به همان جناب وزیر مختار روسیه تنها نوشت و به دوستدار اصلاً ننوشت حتی سواد هم نفرستاد که از جواب جناب سامی‌استحضاری حاصل نماید. سهل است یک مرتبه هم شکایت رفت و آن جناب هم حکم فرمودند باز اطاعت نکرده به دفع‌الوقت گذرانید حال هم مایل به رسانیدن آن سوادها نیست، نمی‌داند باعث از چه راه است به چه استصواب از راه تملق یا اظهار اعتبار یا عدم فهم از کدام سبب است در هر صورت مستوجب کمال مؤاخذه و سیاست است و از جانب سامی متوقع است که محتمل این همه غلط کاریهای مشارالیه نگشته لازمه مؤاخذه را فرموده و قدغن فرمایند. سواد آن دوطغرا مراسله را الآن به دوستدار برساند که لازم است. زیاد چه زحمت دهد.

باقی ایام عزت و جلالت مستدام بود. ۱۸ شهر شوال سنه ۱۲۶۳.*

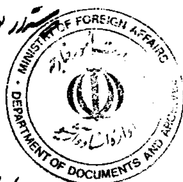
[مهر پشت سند] جستن شیل

---

*. صندوق ۶، پوشه ۳.

جناب جلالت و نبالت و کفالت نصاب مجدت و اجلال انتساب دوستان عالیا مشفقا مهربانا

دوستدار بعد از حوصله و تأنی چندین مرتبه حالا مجبور است که بطور صریح شکایت از این نوشته مراسلات دولتی نماید



درباب کاغذی که از بابت اختیارات میرزا محمد علیخان بالاستقلال در مرتبه اول و ثانی از جانب دوستدار به جناب

وزیر مختار دولت روسیه [illegible] این جانب نوشته شده و آن نوشته جواب را ایشان جناب وزیر مختار روسیه

تنها نوشته و بعد [illegible] هم [illegible] مدتی بوده هم [illegible] در از جواب [illegible] تحقیقات حالی نماید

[illegible] مکرر به این شکایت رسید و جناب ایشان حکم فرمودند باز [illegible] نکرده بعد از وقت

که حالا هم مایل نیستند [illegible] باعث از چه راه است که به این جهت

از راه تعلق یا اظهار عتاب یا عدم فهم از کدام سبب است و در صورت موجب ملال [illegible]

[illegible] است و در جانب [illegible] مخصوص [illegible] مطالب [illegible] الله

[illegible] فرصت [illegible] فرمایش [illegible] از [illegible] به جناب دوستدار [illegible]

[illegible] جلالت [illegible]



سند شماره ۱۰۷

تاریخ: ۱۹ شوال ۱۲۶۳

نامه وزرای مختار روس و انگلیس به حاجی میرزاآقاسی

جناب جلالت و نبالت نصابا، فخامت و مناعت انتسابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا، معظما؛

دوستداران صواب‌دیدها را صرف نموده‌اند که محض خیر و صلاح آشکار اولیای دولت علیّه ایران وظیفه خود دانستند به آن جناب جلالتمآب تکلیف نمایند که رفتار فرمایند موافق تعهداتی که امنای دولت علیّه درباب فرستادن عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان به استانبول به رسم دولتی به دو دولت بزرگ واسطه کرده بودید این معنی باعث افسوس زیاد گردید که مساعی دوستداران نتوانست حاصلی داشته باشد و آن چه از برای دوستداران باقی مانده است این است که مراتب را به اولیای دولتین فخیمتین خود عرض و اظهار دارند و فقط بر گردن اولیای دولت علیّه ایران وارد بیاورند جمیع نتایج عملی را که بی‌حسابی و ناهمواری آن را دوستداران باید اقرار و اعتراف نمایند. چون لازم بود به تاریخ نوزدهم شهر شوال المکرم سنه ۱۲۶۳ زحمت‌افزای خاطر جناب سامی گردید.*

توضیحات:

[مهر پشت سند] جستن شیل، وزیر مختار دولت بهیّه روسیه کنیاز دوالغاروکی.

---

* . صندوق ۶، پوشه ۳. همچنین سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۸-۲.

جنابا جلالت و بسالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا مهربان دوستان اعظما مشفقا معظما

دوستداران صواب دیدها را صرف نموده اند که محض خیر و صلاح [illegible] دولت

علیه ایران وظیفه خود دانسته اند بجناب جلالتمآب تکلیف نمایند که رفتار فرمایند موافق تعهدی که

امنای دولت علیه در باب فرستادن عالیجاه مقرب الخاقان میرزا محمد علیخان باسلامبول

برسم دولتی دو دولت بزرگ واسطه کرده بودند بهم معنی باعث افسوس گردید که مساعی دوستداران

نتوانست حاصلی داشته باشد آنچه از رای دوستداران فی مابین آمده است این است که مراتب

با اولیای دولت انگلیس و فرانسه خود عرض و اظهار دارند و فقط بر کردن اولیای دولت علیه

ایران وارد بیاورند جمیع تاریخ عملی را که بحسابی و ناهمواری بر داده دوستداران را

اقرار و اعتراف نمایند چون لازم بود بتاریخ نوزدهم شهر ربیع الاول ۱۲۷۴ [illegible]

سند شماره ۱۰۸

تاریخ: ۲۰ شوال ۱۲۶۳

نامه وزیر مختار انگلیس به میرزا آقاسی

جناب جلالت و نبالت نصابا محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا معظما؛

اگرچه به اتفاق جناب جلالتمآب وزیر مختار دولت روسیه کاغذی درباب بی‌ادبی که عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان کرده است در بیرون رفتن از استانبول[1] بعد از آن که دولت ایران بر دولت‌های واسطه اعلام صریح کرده بودند که عالیجاه مشارالیه برای مبادله امضاء و به اتمام رسانیدن مواد باقیه که انجام آنها لازم بود مأمور شده است. نوشته ارسال داشته بود. اما بعضی کلمات دیگر لزوم به هم رسانید که در این خصوص علاوه نماید. اگر امنای دولت ایران بگویند که عالیجاه معزی‌الیه احکام مخفیه داشت که در استانبول توقف نکند و برود نه بهبودی به حالت آن حرکت خواهد کرد و نه تخفیفی در بی‌ادبی که نسبت به دولتین واسطه شده است خواهد نمود مشکل است که دوستدار اعتقاد نماید که همراه اعلام دولتی که به دوستدار داده‌اند که به دولت خود اعلام نماید حکم مخفیه هم داده شده باشد که آن اعلام دوستی را باطل نماید. نوشتجات عالیجاه میرزامحمدعلی‌خان از برای مبادله امضاء و اتمام رسانیدن بعضی مواد دیگر که مذکور شده است مخصوص عمل خود امنای دولت ایران بوده است بی‌ترغیب و تلبیس جناب جلالتمآب وزیر مختار دولت روسیه با دوستدار در پنجم شهر رجب این شد آن جناب در طی مراسله به دوستدار مرقوم فرموده‌اند که برحسب امر قدر شمول اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه امر و مقرر شد که عالیجاه فرزندی میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزارهٔ دول خارجه در هر جا که هست بماند تا که احکام و نوشتجات مأموریت مشارالیه به شهر استانبول به او برسد و خود را مأمور قطع و فصل موادی که ناتمامی دارد داند و پس از اتمام فقرات مزبوره روانه مملکت فرانسه بود، چون احکام و نوشتجات مشارالیه موجود است و نظر به اینکه عالیجاه مشارالیه از جزء و کل امورات و قراردادها مطلع و مستحضر است. لهذا اولیای دولت علیّه مصلحت در این دیدند که عالیجاه مشارالیه را نیز

مأمور انجام و اتمام این خدمت کنند که رفته چندی در آن جا اقامت داشته ایـن قـرارداد جـزئیّه را فیصل داده پس از آن به مملکت فرانسه برود. و در ششم شهر مزبور باز جناب سامی به دوستدار مرقوم داشته، خاطر جمع شد و امضاء و تصدیق عهدنامه مزبوره را عالیجاه مجدت و عزت همراها مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه مأمور خواهد شد که به استانبول برده مبادله امضاء و تصدیق نامه اعلیحضرت سلطان دولت علیّه عثمانی برساند، از این اعلامات دولتی هیچ جای اشتباه ندارد که عالیجاه میرزامحمدعلی‌خان مأمور شد به مبادله امضاء و تمام کردن مواد باقیّه که بعد از آن به دولت فرانسه برود، نسبت به رفتار عالیجاه مشارالیه که رفتن از استانبول[1] و از آن سبب دولتین واسطه را در حالت رکیک گذاشتن باشد هر قدر مذمتی به او بشود باز کمتر از آن است که او کرده است و یقین است که از برای بی‌ادبی او سرزنش عبرت‌آمیز شایسته است. چـون دولت ایران مکرر گفته‌اند که سفارت معزی‌الیه محض ادای تـعارفات بـود و بـی‌معطلی بـه اتـمام خواهد رسانید در طوری که وزرای مختار دولتین واسطه در تهران اظهار داشته‌انـد کـه مـراجـعت مشارالیه واقع شود و زیاد ماندن او بی‌سبب در پایتخت فرانسه کمتر باشد و حال آن که یقین است که اقامت او خیلی طول خواهد داشت. در کمال ملایمت و سهولت بود چون صوابدید و خیراندیشی ماها را در مصلحت این دولت خارج ساخته‌اند، واضح است که مبادله امضاء و اتمام سایر مواد را تا وقت نامعین گذشته‌اند در این صورت دوستدار عواقب این کار را نمی‌داند، اما تکراراً مآل‌بینی خود را اظهار می‌نماید که ثمر آن نتایج، هرچه باشد در عـهده خـود دولت ایـران است. چـون لازم بـود زحمت داد. باقی والسلام.

تحریراً فی ۲۰ شهر شوال سنه ۱۲۶۳.*

توضیحات:

۱. در اصل: اسطامبول

* . صندوق ۶، پوشه ۳. همچنین سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۸-۲.

[illegible]

سند شماره ۱۰۹

تاریخ: [به احتمال قوی اواخر شوال ۱۲۶۳][1]

سوادنامه میرزاآقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس

سواد کاغذ جناب آقا روحی فداه که به وزرای دولتین فخیمتین نوشته‌اند. به تاریخ شهر شوال سنه ۱۲۶۳ به شرح آن که: مراسله مشتمله بر تعرض و تهدید رسید هرچند سابقاً به کرات زحمت داده و نوشته شده که عالیجاه میرزامحمدعلی‌خان بعد از اتمام سفارت در پاریس مراجعت به دارالخلافه استانبول خواهد نمود و منتظر رسیدن دماغ اولیای دولت علیّه عثمانیّه که امورات جزئیه را نگذارند خواهد بود آیا باز بکرّات به آنجنابان زحمت داده نوشته بود که تا امضای اولیای دولت علیّه عثمانیّه به دارالخلافه تهران برساند او نیز مثل جناب رشیدپاشا اقدام به گفتگو ننماید. علی ای التقادیر مراسله به عالیجاه میرزامحمدعلی نوشت و به چاپار خود تسلیم کرد که مراسله را در دارالخلافه استانبول به عالیجاه محمدخان مصلحت‌گذار دولت علیّه ایران برساند و او به تعجیل روانه پاریس نماید و بعد از اتمام امر سفارت خود بدون مکث عازم دارالخلافه استانبول شود و منتظر رسیدن امضاء به دولت علیّه ایران باشد بعد از رسیدن امضاء بنای گفتگو را بگذارد و اگر باز اولیای دولت علیّه عثمانیّه تکاهل و تساهل ورزند و گفتگو ننمایند تقصیر و کوتاهی از جانب او باشد.*

توضیحات:

۱. این سند پاسخی است به نامه گلایه‌آمیز وزرای مختار روس و انگلیس [سند قبلی] که به تاریخ ۲۰ شوال ۱۲۶۳ از سوی آنان برای میرزاآقاسی ارسال شده بود. بنابراین از لحاظ زمانی بعد از ۲۰ شوال نوشته شده است.

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۸-۲.

سواد کاغذ جواب اولیای دولت روس ... به وزارت جلیله خارجه نوشته‌اند ... ۱۲۷[illegible] ... که مراسله مشتمله بر تعرف

و ... هر چند سابق مکررات زحمت داده و نوشته شده که عالیجاه میرزا محمد ... خان ... را تمام متعلقات در پاریس همراه جناب جلالتمآب اسعد معمول

خواهند نمود و منتظر رسیدن دماغ اولیای دولت عثمانیه که امروز ... خواهند نمود با وجود مکررات الحال زحمت داده نوشته بود که

که تا امضای اولیای دولت علیه عثمانیه هر آنچه جلالتمآب ... پیشنهاد ... اقدام نکنند ... التفات در مراسله عالیجاه میرزا ...

نوشت و ... تسلیم نمود که مراسله را در ... جلالتمآب اسعد معمول عالیجاه محمد خان ... دولت علیه ایران ...

پاریس ... میرزا تمام ... بدون ... جلالتمآب اسعد معمول ... و منتظر رسیدن ... دولت علیه ایران ...

... رسیدن امضای ... الحمدلله و اگر اولیای دولت علیه ... تقصیر ...

او باشد

سند شماره ۱۱۰

تاریخ: شوال ۱۲۶۳

سوادنامه میرزاآقاسی به میرزامحمدعلی‌خان

سواد کاغذ جناب آقا روحی فداه [که] به عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه و ایلچی مخصوص دولت علیّه به تاریخ شهر شوال سنه ۱۲۶۳ [نوشته‌اند].

به شرح آن که عالیجاه فرزندا برحسب امر سرکار اعلیحضرت قدرقدرت قضا بسطت اقدس همایون[۱] شاهنشاهی روحنا فداه آن عالیجاه فرزند مأمور است که پس از مراجعت و معاودت از سفارت دولت بهیّه فرانسه و ورود به استانبول خود را به رتبه سَفارت مخصوصه دولت علیّه مأمور بر توقف دارالخلافه استانبول دانسته در آن جا اقامت نماید تا بعد از مبادله امضا و رسیدن امضای دولت علیّه عثمانیّه به دارالخلافه تهران آن وقت گفتگوی مواد جزئیه بین‌الدولتین علیّتین را با رجال دولت علیه عثمانی نماید و به طرزی شایسته مهم مزبور را بگذراند. پس از گذشتن امورات جزئیه و فراغت از آن مهم حکم مجدد از مقر خلافت عظمی احضار آن عالیجاه فرزند، شرف صدور خواهد یافت. باید آن فرزند کمال کاردانی و فطانت و استعداد ذاتی خود را در انجام و اتمام این خدمت به عمل آورده، ناقصی در کار سفارت و مأموریت خود نگذارد و با اولیای این دولت علیّه امر را تمام نماید که دیگر پس از آن جای گفتگو از طرفین در موادهای امور دولتی نباشد.*

توضیحات:

۱. در اصل: همیون

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۸+۲.

اداره [illegible] نظارت [illegible]

[illegible] خارجه [illegible] ایران [illegible] تهران [illegible]

اولیای [illegible] ماموریت پس از [illegible] سفارت [illegible] سفارت [illegible] اعلیحضرت [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] علیه [illegible] تهران [illegible] دولتین علیتین [illegible] دولت علیه عثمانی [illegible]

[illegible] پس از [illegible] امورات [illegible] حکم [illegible] اولیای [illegible]

[illegible] اتمام این خدمت [illegible] سفارت ماموریت [illegible] ایران [illegible]

امور دولتی نباشد

سند شماره ۱۱۱

تاریخ: ۲۰ شوال ۱۲۶۳

سواد نامه میرزاآقاسی به وزرای مختار روس و انگلیس

سواد کاغذ جناب آقا روحی فداه به وزرای مختار دولتین فخیمتین به تاریخ ۲۰ شهر شوال سنه ۱۲۶۳.

به شرح آن که:

شرح مرقومه آنجنابان جلالت و نبالت نصابان رسید. لازم آمد که در جواب مراسله آنجنابان مقربان شرحی نگارد که دوستدار را به اعتقاد خود گویا رضاجویی خاطر سفارت دولتین فخیمتین واسطه را در هیچ مواد از دست نداده باشد، با اینحال کمال تعجب و حیرت را دارد که آنجنابان جلالتمآبان چگونه است که رضاجویی دوستدار را حمل بر عدم مرادات خود دانسته‌اند و جُرم بهانه‌جویی و ایرادهای مشهوده اولیای دولت علیّه روم را به اولیای این دولت علیّه روا داشته‌اند که خدای نخواسته منوط بر اغماض باشد بایّ التقادیر مکرر این اخبار به آنجنابان سامی رسید که عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان چگونه به جهت گذرانیدن مواد جزئیه به استانبول رفت و به چه نهج اولیای دولت علیّه عثمانیّه ایراد در گفتگو نمودن گرفتند چنانکه گرفتند تا کار منتهی به یأس شد و مشارالیه مأیوسانه باکسر احترام عزیمت پاریس را نمود که جای دیگر تصورات نخواهد بود. حالا هم مجال گفتگو باقی است چون منظور سفارت دولتین بهیّتین در زود گذشتن امر برخلاف رضای رجال دولت علیّه عثمانی است لهذا کاغذی به عالیجاه میرزامحمدعلی‌خان نوشته شد و ارسال خدمت آنجنابان سامی داشت که ملاحظه فرمودند سواد آن را بردارند و باز روانه نزد دوستدار فرمایند که به چاپار دوستی خود داده روانه دارد که زود به مشارالیه برساند که زیادتر [از] دو ماه در آن جا توقف نکند و معاودت به استانبول نماید. در نظر دوستدار چنان می‌آید که تا رسیدن امضاء مشارالیه هم معاودت نماید که درباب مواد جزئیه گفتگو کند.*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۷.

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سند شماره ۱۱۲

تاریخ: ۲۰ شوال [۱۲۶۳][1]

سوادنامه میرزاآقاسی به میرزامحمدعلی‌خان

سواد کاغذ جناب آقا روحی فداه [که] به تاریخ ۲۰ شهر شوال به عالیجاه میرزامحمدعلی‌خان [نوشته‌اند]. به شرح آن که: عالیجاه مقرب‌الخاقان فرزندا؛ سابق بر این هم شرحی به آن فرزند درباب زیاد توقف نکردن در پاریس نوشته شده [است]. مجدداً نیز می‌نویسم که چون مأموریت استانبول آن فرزند درباب مواد جزئیه بین‌الدّولتین علیّتین ایران و روم مجری نشد و اولیای دولت علیّه عثمانی قبول گفتگو نکردند و امر مبهم ماند معهذا معاودت و مراجعت آن فرزند به استانبول از الزم مهام دولتی است. بعد از تبلیغ رسالت و اجرای سفارت مأذون و مرخص از اولیای دولت علیّه نیست که از روز ورود الی یوم حرکت از پاریس زیاد بر دو ماه نکشد. در مدت دو ماه شرایط سفارت خود را به عمل خواهد رسانید و معطلی دیگر نخواهد داشت باید پس از مدت مزبور بدون تأمل به قسمی که مطلوب و مرضی بوده باشد که خود آن فرزند می‌داند و دستورالعمل لازم ندارد از پاریس حرکت و خود را به استانبول برساند و مواد جزئیّه را با اولیای دولت عثمانیّه گفتگو نموده بگذراند و بعد مجاورت به مقر خلافت عظمی کند البته آن فرزند تغافل نکند، ورود خود را به استانبول برساند.*

توضیحات:

۱. موضوع این سند با چند سند قلبی یکی است. لذا تاریخ این سند نیز ۲۰ شوال ۱۲۶۳ است.

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۷.

[illegible] درباب زیاد توقف کرده در پاریس [illegible] ۵

[illegible] در باب مواد جزئیه بین الدولتین علیتین ایران و روم حرف شده و اولیای دولت علیه عثمانی قبول گفتگو کرده و این مهم [illegible]

مساعدت و مراجعت [illegible] از لوازم مهام دولت است [illegible] رسالت و اجزای سفارت [illegible] دولت علیه [illegible]

[illegible] حرکت از پاریس [illegible] در مدت دو ماه [illegible] سفارت [illegible]

[illegible]

[illegible] انشاءالله [illegible]

سند شماره ۱۱۳

تاریخ: [به احتمال قوی اواخر شوال ۱۲۶۳][1]

سواد نامه میرزاآقاسی به میرزامحمدعلی‌خان

سواد کاغذ جناب حاجی سلمه‌اللّه که به جناب مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره نوشته‌اند.

به شرح آن که: عالیجاها، مجدت همراها، فرزندا، بعد از روانه شدن از استانبول نوشته از آن فرزند نرسیده و استحضاری حاصل نشده است. چند روز قبل شرحی به آن فرزند نگاشته و انفاد نزد عالیجاه محمدخان داشته است و البته تا حال رسیده خواهد بود حال که چاپار روانه می‌شد مجدداً اظهار و تأکید می‌شود که البته بعد از تقدیم خدمت و ابلاغ سفارت و رساندن هدایا و اظهار دوستی بدون مکث و توقف روانه شده برای تماشا و سیاحت خود را معطل ندارد. می‌داند که وجود آن فرزند ضرورت دارد باید در مراجعت به استانبول آمده گفتگویی که با دولت علیّه عثمانیّه در میان است و سابقاً به آن فرزند دستورالعمل داده شده و در آن جا قرار داده بودند که بعد از رسیدن کاغذ امضاء گفتگو را تمام نماید البته غفلت نکرده به زودی بعد از انجام امور پاریس و گرفتن جواب نامه مراجعت کرده امور دولت علیّه روم را درست نماید و بدون اهمال بیاید البته در این باب خودداری نداشته مشغول عیش و خوش‌گذرانی نخواهد بود و خود را بی‌جهت معطل نخواهد داشت. زیاد تأکید لازم نیست البته حسب‌الاظهار عمل داشته همه روزه حقایق حالات را خواهد نگاشت و اگر مسموع شود که بعد از انجام خدمت معطل شده خواهم رنجید زیاد چه نگارد. باقی والسلام*

توضیحات:

۱. موضوع این سند با چند سند قبلی یکی است. مضمون آنها به بازگشت سریع میرزا محمدعلی‌خان از فرانسه به استانبول مربوط است. لذا تاریخ صدور این نامه نیز به احتمال قوی اواخر شوال ۱۲۶۳ است.

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۳۱.

سند شماره ۱۱۴

تاریخ: [اواخر شوال ۱۲۶۳]

سواد نامه میرزا آقاسی به میرزا محمدعلی‌خان

سواد کاغذ جناب حاجی سلمه اللّه العالی که به جناب مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب الوزاره دول خارجه و ایلچی مخصوص مختار دولت علیّه ایران نوشته‌اند.

عالیجاها مجدت و نجدت همراها، مقرب‌الخاقانا، فرزندا، برحسب امر سرکار اعلیحضرت قدرقدرت قضا بسطت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه آن عالیجاه فرزند مأمور است که پس از مراجعت و معاودت از سفارت دولت بهیّه فرانسه و ورود به استانبول خود را به رتبه سفارت مخصوصه دولت علیّه مأمور بر توقف در دارالخلافه استانبول دانسته در آن جا اقامت نماید تا بعد از مبادله امضاها و رسیدن امضای دولت علیّه عثمانیّه به دارالخلافه طهران آن وقت گفتگوی مواد جزئیّه بین‌الدّولتین علیّتین را با رجال دولت علیّه عثمانی نماید و به طرزی شایسته مهم مزبور را بگذراند پس از گذشتن امورات جزئیّه و فراغت از آن مهام، حکم مجدد از مقر خلافت عظمی به احضار آن عالیجاه فرزند شرف صدور خواهد یافت باید آن فرزند کمال کاردانی و فطانت و استعداد ذاتی خود را در انجام و اتمام این خدمت به عمل آورده، ناقص در کار سفارت و مأموریت خود نگذارد و با اولیای آن دولت علیّه امر را تمام نماید که دیگر پس از آن جای گفتگو از طرفین در موادهای امور دولتی نباشد.

تحریراً فی شهر شوال المکرم سنه ۱۲۶۳.*

توضیحات:

۱. مضمون این سند با چند سند قبلی که طی آنها از میرزامحمدعلی‌خان خواسته شده بود تا هرچه سریعتر از پاریس به استانبول جهت مبادله عهدنامه، معاودت کند؛ یکی است. لذا تاریخ این سند به احتمال قوی بعد از تاریخ چند سند قبلی یعنی اواخر شوال است.

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۳۲.

[illegible] سعادت الاقبال [illegible]

[illegible] سعادت الاقبال [illegible]

[illegible] سفارت دولت [illegible] ۱۲۸۳ [illegible]

مخصوص دولت علیه [illegible] ۱۲۸۳ [illegible]

[illegible] دولت علیه [illegible]

دولت علیه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دولت علیه [illegible]

[illegible] شهر شوال المکرم سنه ۱۲۸۳

سند شماره ۱۱۵

تاریخ: [به احتمال قوی اواخر شوال ۱۲۶۳][1]

نامه وزیر مختار انگلیس به میرزاآقاسی

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا، معظما؛

از قرار وعده اولیای این دولت علیّه، می‌بایست عهدنامه به اتمام و به امضای سرکار اعلیحضرت پادشاهی رسیده باشد. حال دوستدار در انتظار است که اولیای این دولت علیّه چه روز به همراهی چاپاری از خود روانه خواهند داشت، تا مراتب را به ایلچی مقیم استانبول اعلام و اظهار دارد. زحمت کشیده دو کلمه به جهت استحضار مرقوم فرمایند امّا هرقدر زودتر روانه شود، بهتر است. زیرا که حال دیگر اسباب معطلی نخواهد داشت. چون لازم بود اظهار داشت. زیاد چه زحمت دهد.*

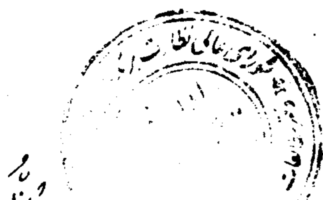
توضیحات:

۱. موضوع این نامه با مضمون سند بعدی (۱۱۶) دقیقاً یکی است. در این نامه به ضرورت اعزام هرچه سریعتر چاپار برای همراه بردن عهدنامه جهت مبادله اشاره شده و در سند بعدی از اعزام چاپار ابراز خرسندی شده است. لذا در مقایسه با تاریخ سند بعدی (۴ ذیقعده ۱۲۶۳) به نظر می‌رسد این نامه قبل از آن و در اواخر شوال ۱۲۶۳ نوشته شده باشد.

[مهر پشت سند] جستن شیل

---

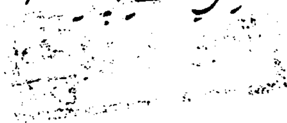
* . صندوق ۶، پوشه ۳.





حالات دنبال و کفایت نقش باجی آن پیشنهاد اعتمادالسلطنه

از قرار وعده اولیای این دولت علیه یا بایست معهده نامه با تمام و انجام ... الساعه رسیده باشد



حالا که سه روز است در انتظار است ... اولیای این دولت علیه چه روز ... جاری ...

روانه ... داشته تا مراتب را بایستی بیقطع ... اطلاع و اظهار ... ورود

زحمت کشیده ... مرقوم فرمایند ... هر قدر زودتر ... روانه شود

بهتر است زیرا که حالا دیگر ... مقطع نگاه داشت ... لازم ...

اظهار داشت

سند شماره ۱۱۶

تاریخ: ۴ ذیقعده ۱۲۶۳

نامه وزیر مختار انگلیس به میرزاآقاسی

جناب جلالت و نبالت و کفایت نصابا، محبان استظهارا، دوستان اعتضادا، مشفقا، معظما؛

از قراری که مذکور شد اولیای این دولت علیّه قرار داده‌اند که عالیجاه میرزاجواد عهدنامه را ببرد در استانبول به میرزاعلی‌خان برساند. از روانه کردن مشارالیه خیلی باعث خرسندی[1] خاطر گردید ولی از این قرار شده است به طریق چاپاری برود. لازم دید که به این مراسله به جناب سامی زحمت دهد که هم این قدر ملاحظه نمایند که چهار ماه است از قرار مقرره در عهدنامه؛ مبادله امضا به تأخیر افتاده است حالا هم که حامل با اسب و بنه در کمال تأنی و سُستی برود چقدر به طول خواهد انجامید و در آنجا چقدر معطلی خواهد داشت. خلاصه این است که در هر صورت بهتر این است که اولیای این دولت علیّه قرار بفرمایند که عالیجاه میرزاجواد به طریق چاپاری عهدنامه را برداشته روانه شود و خیلی هم زود برود لزومی نخواهد داشت که اسب و بُنه و تدارک همراه باشد، سهل است در چاپاری بی‌زحمت‌تر به مقصد خواهد رسید. لازم است که اولیای این دولت علیّه هم به همین طریق به عالیجاه مشارالیه حکم خواهند داد. زیاد چه زحمت دهد.

۴ شهر ذیقعده سنه ۱۲۶۳.*

توضیحات:

۱. در اصل: خورسندی

[مهر پشت سند] جستن شیل

---

* . صندوق ۶، پوشه ۳. همچنین سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ۱۷۸+۳.

جناب جلالت و نبالت و شوکت نصاب مجدت و نجابت انتساب [illegible] اعتضاد [illegible] سالار

از قراری که مذاکره شد اولیای این دولت علیه قرار داده‌اند که عالیجاه میرزا جواد عهدنامه را ببرد در [illegible]



به میرزا محمدعلی‌خان برساند از روانه کردن ایشان [illegible] خیلی باعث خورسندی خاطر گردید ولی از آن جایی که قرار شده است

از طریق چاپاری برود لازم دیده شد که باز هم به جنابعالی زحمت داده در این مقصود ملاحظه نمایند چاپار [illegible]

از قرار مقرره در عهدنامه مبادله امضا تا چهار ماه است حالا هم در حالی [illegible] و [illegible] در طول

تا آن وقت بیشتر برود چقدر به طول خواهد انجامید و در این جا چقدر معطل خواهد شد خلاصه این است

که در هر صورت بهتر این است اولیای این دولت علیه قرار بفرمایند که عالیجاه میرزا جواد با طریق

چاپاری عهدنامه را برده [illegible] روز [illegible] و خیلی هم زود برود [illegible] نگاه خواهد داشت در این

[illegible] همراه باشند [illegible] است در چاپاری [illegible] زحمت [illegible] خواهد [illegible]

اولیای این دولت علیه هم به جای طریق [illegible] حاکم [illegible] وارد [illegible] زحمت [illegible]

۱۱ [illegible] شهر ذیقعده سنه [illegible]



سند شماره ۱۱۷

تاریخ: ۴ ذیقعده ۱۲۶۳

سوادنامه میرزاآقاسی به وزیر مختار انگلیس

سواد کاغذ جناب آقا روحی فداه که در جواب مراسله جناب وزیر مختار دولت انگلیس نوشته‌اند؛ به تاریخ ۴ شهر ذیقعدة‌الحرام ۱۲۶۳.

به مضمون آن که: مراسله سامی رسید. درباب رفتن عالیجاه میرزاجواد و اطمینان خاطر آن جناب نوشته بودید، معلوم شد آن مرقوم فرموده بودید که چون به چاپاری نمی‌رود طول خواهد کشید. از این که امضای عهدنامه مبارکه را می‌برد چاپاری رفتن او خلاف حرمت است. اولیای دولت به او قدغن کرده‌اند که بسیار زود برود و در هیچ جا معطل نشود. به چاپاری رفتن او یا به طریقی که به او حکم شده است، پنج شش روز بیشتر تفاوت نخواهد داشت.*



* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۷۸+۳.

سند شماره ۱۱۸

تاریخ: ۵ ذیقعده ۱۲۶۳

سواد فرمان محمدشاه به میرزامحمدعلی‌خان

سواد ملفوفه فرمان همایون که به افتخار جناب مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره و ایلچی مخصوص رفتار دولت علیّه ایران شرف صدور یافته است.

به شرح آن که: عالیجاها رفیع جایگاها، مجدت و نجدت همراها، فخامت و مناعت انتباه، اخلاص و ارادت آگاها، عمدةالسفراء والعظام، مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه و سفیر مخصوص دولت علیّه ایران به توجهات خاطر خطیر سرکار اقدس همایون شاهنشاهی مفتخر بوده بداند که در این وقت عالیجاه عزت و ارادت همراه میرزاجواد، غلام پیشخدمت سرکار اقدس را از دربار عظمت مدار ملوکانه مرخص و مأمور داشتیم که امضای عهدنامه بین‌الدّولتین علیّتین ایرانی و عثمانی را با نامه که از جانب سنی‌الجوانب اقدس همایون خدیوانه با اعلیحضرت سلطان دولت علیّه عثمانیّه شرف ترقیم و تحریر یافته است در دارالخلافه استانبول به آن عالیجاه برساند که مبادله شود باید پس از وصول امضا و اطلاع بر مضمون این همایون منشور قضا دستور خود را به منصب جلیل سفیر مخصوص این دولت علیّه برقرار و سرفراز داشته بعد از مبادله و رسیدن امضای دولت علیّه عثمانیّه به دربار اقدس همایون آن وقت خود را مأمور در گفتگوی مواد جزئیّه بین‌الدّولتین علیّتین با رجال دولت علیّه عثمانیّه داند و گفتگو نماید و به طریقی که مصلحت داند امر را بگذراند و تغافل ننماید.

تحریراً فی ۵ شهر ذیقعدةالحرام سنه ۱۲۶۳.*

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۳۳.

[illegible]

سند شماره ۱۱۹

تاریخ: ۹ ذیقعده ۱۲۶۳

نامه وزرای مختار روس و انگلیس به میرزاآقاسی

جناب شوکت و جلالت نصابا، عظمت و حشمت مآبا، دوستان استظهارا، محبان نوازا، مشفقا، مکرما، معظما؛

دوستداران مطلع شده‌اند که جناب سامی مصلحت دانسته عالیجاه میرزاجواد غلام پیشخدمت اعلیحضرت پادشاهی را تعیین فرموده‌اند که امضاء و تصدیق‌نامه اعلیحضرت پادشاهی را ببرد لهذا تکلیف خود را در این دانسته که از جناب سامی توقع نمایند لازمه احکام به عالیجاه مشارالیه بدهند که چنانچه در حین ورود عالیجاه میرزاجواد به استانبول عالیجاه مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان از پاریس به آنجا مراجعت نکرده باشد امضا و تصدیق‌نامه مزبوره را بدست سفراء دو دولت بزرگ واسطه مقیم استانبول رساند تا این که ایشان بدون دفع‌الوقت بتوانند آن را به مبادله امضاء و تصدیق‌نامه اعلیحضرت سلطانی برسانند. چون مطلب منحصر بود زیاد بر این مصدع نیامدند.

تحریراً فی نهم شهر ذیقعدةالحرام سنه ۱۲۶۳. باقی ایام دوستی و اتحاد مستدام باد.*

توضیحات:

[مهرهای پشت سند] جستن شیل، وزیر مختار دولت بهیّه روسیه کنیاز دوالغاروکی.

---

* . صندوق ۶، پوشه ۳. همچنین سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۳، ص ۱۷۸+۳.

جناب شوکت و جلالت نصاب مجدت و حشمت مآب ... (؟) ایلچی کبیر اعلیحضرت سلطان (؟)



چنانچه از آن مطلع شده اند در جناب سامی مصلحت دانسته جناب میرزا ابوالعلا (؟) ... اعلیحضرت پادشاهی (؟)

تعیین فرموده اند در امضا و تصدیق نامه اعلیحضرت پادشاهی ... بر له ... التفکیک ... را در ... دانسته که

از جناب سامی توقع نماید اذن حکام جناب مشارالیه ... چنانکه در حین ورود جناب میرزا ابوالعلا (؟)

جناب شوکت کامیاب (؟) میرزا محمدعلیخان از پاریس با کمال ... جهت که ... امضا و تصدیق نامه ... (؟)

سفرای دولت بزرگ واسطه تعجیل ... تا اینکه ایشان بدون دفع الوقت ... (؟)

آنرا بما داده امضا و تصدیق نامه اعلیحضرت سلطانی ... مطلب ... (؟)

مستدعی است ... تحریراً ۶ شهر ذی‌قعده الحرام سنه ۱۲۶۳ ... (؟)



سند شماره ۱۲۰

تاریخ: [به احتمال قوی از ۱۸ تا آخر محرم ۱۲۶۴][1]

سوادنامه میرزامحمدعلی‌خان به محمدشاه

سواد عریضه جناب مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه و ایلچی مخصوص مختار دولت علیّه ایران که به خاکپای همایون نوشته‌اند.

قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم. بعد از مراجعت این غلام جان نثار از مملکت فرانسه و ورود به استانبول عالیجاه میرزاجواد پیشخدمت وارد و از زیارت فرمان جهانمطاع خدیوانه که به سرافرازی و افتخار این غلام جان‌نثار از مصدر خلافت عرضه و شرف ترقیم یافته بود مفاخرت حاصل نمود. این که در طی فرمان مبارک امر و مقرر شده بود که این غلام جان‌نثار عهدنامه بین‌الدّولتین علیّتین ایران و روم را مبادله نماید برحسب امر قدرقدر ملوکانه تا به حال درباب امر مبادله چند مجلس با جنابان وزرای مختار دولتین فخیمتین واسطه گفتگو شده است و از قراری که جنابان مشارالیهما وعده کرده‌اند این روزها به انجام خواهد رسید و از این که روزنامه سفر سفارت فرانسه و مقالاتی که بعد از معاودت در استانبول با سفرای دولتین فخیمتین واسطه شده بود به عرض اولیای دولت قاهره نرسیده بود در این وقت روزنامه سفر سفارت فرانسه را با صورت مقالات و تحریراتی که با سفرای دولتین واسطه شده بود به اولیای دولت قاهره عرض نمود. چون عالیجاه میرزاحسین‌خان در همه مجالس چه در فرانسه و چه در استانبول همراه بود، لهذا به مصحوب عالیجاه مشارالیه انفاذ داشت که کماهوحقه به خاکپای مبارک عرض نماید استدعا و التماس از مراحم فزون از قیاس خسروانه آن است که پیوسته این غلام جان نثار را به صدور فرامین مطاعه مفتخر و سربلند فرمایند الامر الاقدس الاعلی مطاع.*

---

*. سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، برگ ۷۰، ص ۱۳۹.

توضیحات:

۱. میرزامحمدعلی‌خان بنا به نوشته سفرنامه سفارتش به فرانسه، در تاریخ ۱۷ محرم ۱۲۶۴ از پاریس به استانبول معاودت کرده است. با توجه به اینکه در متن سند به چند بار گفتگو با سفرای دول واسطه در طول روزهای بعد از بازگشت اشاره داشته است؛ لذا به احتمال قوی این نامه را در فاصله زمانی هیجدهم تا آخر محرم ۱۲۶۴ برای میرزاآقاسی ارسال داشته است.

سند شماره ۱۲۱

تاریخ: [به احتمال قوی از ۲۰ تا آخر محرم ۱۲۶۴][1]

سواد نامه میرزامحمدعلی‌خان به وزرای مختار روس و انگلیس مقیم استانبول

سواد کاغذ جناب مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه و ایلچی مخصوص دولت علیّه ایران که به وزرای مختار دولتین بهیّتین روس و انگلیس مقیم استانبول نوشته‌اند.

به شرح آن که: بعد از آن که میرزاجواد به بندر طرابوزان[2] رسید. من عالیجاه میرزاحسین‌خان را خدمت جنابان وزرای مختار دولتین واسطه فرستادم که از قراری که شنیده‌ام رجال دولت عثمانیّه درباب امضاء پاره اشکالها به میان آورده‌اند.[3] هرگاه این طریق است و آن جنابان اطلاع دارند مقرر دارند تا بنویسم میرزاجواد از طرابوزان مراجعت نماید آن جنابان چه به واسطه و چه شفاهاً فرمودید که به هیچ وجه اشکالی نخواهد بود و شمار این کار را نکنید بلکه بنویسد میرزاجواد زودتر بیاید بعد از ورود او شما را به هیچ وجه رجوعی به رجال دولت عثمانی نباشد. از ورود او با عهدنامه مبارکه ما را دولتی اعلام نمائید، ما دانیم با رجال دولت عثمانی. منهم نوشتم او آمد و بعد از آمدن او سواد فرمان مأموریت خود را خدمت آن جنابان فرستادم و اعلام کردم که میرزاجواد آمده است و خود او را هم خدمت آن جنابان فرستادم تا این که در روز چهارشنبه بیست‌وششم ژانویه در سفارتخانه دولت بهیّه روسیه خدمت آن جنابان رسیدم و چنین می‌دانستم به هیچ وجه اشکالی برای مبادله امضای عهدنامه نخواهد بود زیرا که بعد از چندین سال وکلای مرخص دولتین علیّتین ایران و عثمانی به توسط وکلای مأمورین دولتین واسطه و ملاحظه و تحقیقات وزرای مختار دولتین روس و انگلیس عهدنامه را مهر و مبادله کرده دیگر سخنی نبود مگر بعد از مبادله عهدنامه‌های ممضی شده که درباب پارهٔ جزئیات باید گفتگو شود. آن جنابان به دوستدار فرمودند که رجال دولت علیّه عثمانی درباب چهار فقره مطالب از جنابان مأمورین واسطه توضیح آن را سؤال کرده‌اند و آن جنابان جوابی به آنها داده‌اند که از این جواب و سؤال دولت علیّه

ایران اطلاع دارند. دوستدار در جواب گفت که جناب حاجی میرزاآقاسی که آقا و بزرگ من است از این سؤال و جواب چیزی به من مرقوم نفرموده‌اند مگر سواد دو کاغذ که به جنابان وزرای مختار دولتین واسطه مقیم دارالخلافه طهران نوشته‌اند و در کاغذ علیحده نیز که سواد آن جنابان است به من صراحتاً حکم فرموده‌اند که موافق آن دو سواد بی‌کم و زیاد به رجال دولت علیّه عثمانی گفتگو کرده اطمنیان بدهم و در خلال این مطلب هم گفتم که این جواب و سؤالی که شما می‌فرمائید به فرانسوی است حالی من نمی‌شود. سواد آنها را نزد من بفرستید که ترجمه کرده استحضار حاصل کنم و جواب بگویم تا دیروز مترجم جنابان مأمورین واسطه سواد آن سؤال و جواب را آوردند و ترجمه کرده ملاحظه می‌کنم که در این باب دوستدار به هیچ قسم نمی‌تواند کاغذی بدهد و سؤال و جواب را قبول نماید زیرا که بکلی با مأموریت و دستورالعمل دوستدار مخالفت دارد لهذا استدعای عاجزانه دوستدار این است که به چیزی که دوستدار مختار نیست و مأموریت از پادشاه ولی نعمت خود ندارد و جناب حاجی میرزاآقاسی که آقا و بزرگ من است به من دستورالعمل نداده است، تکلیف نفرمایند و تأمل بفرمایند دوستدار از همین فقرات را مصحوب چاپار به زودی به دولت خود عرض کرده آن چه مقرر فرمودند از آن قرار معمول می‌دارد. والسلام*

توضیحات:

۱. میرزامحمدعلی‌خان بنا به نوشته خود در روزنامه سفارتش به فرانسه، در تاریخ ۱۷ محرم ۱۲۶۴ از پاریس به استانبول معاودت کرده است. او چند روز بعد از بازگشت به استانبول در دیدارها و ملاقاتهای مقدماتی با وزرای مختار روس و انگلیس مسأله مبادله عهدنامه را پیش کشید. که با مشکل ایضاحات مواجه شد لذا تاریخ این سند که برای اولین بار در آن از بهانه‌تراشی عثمانی و طرح مسأله ایضاحات سخن به میان آمد، به احتمال قوی مربوط است به فاصله زمانی بین بیستم تا آخر محرم ۱۲۶۴.

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، حاشیه صفحه ۱۳۶.

۲. در اصل: طرابزند

۳. بعد از مراجعت میرزامحمدعلی‌خان از پاریس به استانبول، میرزاجواد که عهدنامه را جهت مبادله از تهران به استانبول همراه آورده بود، به او سپرد. «ترکان در تصویب پیمان دست نگاه داشته، و مبادله آن را مشروط بدان کرده بودند که چهار مطلب را که به صورت «ایضاحات» تهیه کرده و نمایندگان روس و انگلیس نیز آنها را تأیید نموده بودند مورد قبول ایران قرار گیرد. وگرنه دولت عثمانی حاضر به مبادله عهدنامه نخواهد گشت. ترکان که در کنفرانس ارزنةالروم نتوانسته بودند با گنجاندن مادهٔ دهم در قرارنامه، موضوع مبادله آن را معلق گردانند، و از برخی مواد آن خاصه حاکمیت ایران بر محمّره و شط العرب خرسند نبودند ـ حال بنای اشکال‌تراشی را نهاده، نغمه ایضاحات را که در معنی تجدید نظر عهدنامه بود، ساز کردند.» نگاه کنید به: آدمیت، پیشین، ص ۱۴۰.

سند شماره ۱۲۲

تاریخ: [به احتمال قوی از ۲۰ تا آخر محرم ۱۲۶۴][1]

سواد سؤالات دولت عثمانی و ایضاحات سفرای دول واسطه[2]

فقراتی که دولت علیّه عثمانی سؤال کرده است حالی آنها نمایند از قرار تفصیل ذیل است:

[سؤال اول:] دولت عثمانی به موجب شرط فقره قرارنامه تصور می‌کند که ترک کردن شهر و بندر و لنگرگاه و همچنین جزیرةالخضر به ایران، به این ترتیب نمی‌تواند احاطه بکند نه اراضی دولت عثمانی را که بیرون از شهر محمره است، نه سایر بنادر دولت عثمانی را که واقع است در آنجاها.

جواب: مأمورین دولتین واسطه می‌گویند که لنگرگاه محمّره در محلی است که واقع شده است در محاذی شهر داخل در مرداب حفّار. لهذا المراتب ممکن نیست نتیجه معین دیگر بدهد. مأمورین واسطه علاوه بر آن قبول می‌کنند رأی رجال دولت عثمانی را که واگذار کردن به ایران محلی را که در آن سؤال کرده بودند شهر و بندر و لنگرگاه محمّره و جزیرةالخضر است، و باب عالی ترک نکرده است در این محل نه زمین دیگر و نه بندر دیگر که در آنجا واقع شده باشد.

[سؤال دوم:] ثانی دولت عثمانی سؤال می‌کند از شرح باقی آن فصل که درباب عشایر حقیقی تبعه دولت ایران که آنها می‌توانند سکنی داشته باشند نصف آنها در خاک ایران باشند و نصف آنها در خاک عثمانی. در این حالت می‌تواند ایران آن خاک عثمانی را متصرف شود و به آنها تعلق یابد و چندی نگذرد دولت ایران آن زمین عثمانی را متصرف شود؟

جواب: مأمورین دولت ایران هیچ بهانه نمی‌تواند به دست بیاورد مملکتی را که در سمت یمین شط العرب است نه زمینی که در سمت یسار است و متعلق به دولت عثمانی است. اگرچه عشایر ایران نصف یا همه در طرف دست راست یا اراضی دست چپ که تعلق به عثمانی دارد سکنی کرده باشند.

سؤال سوم[3]: دولت عثمانی درباب فقره اول و چهارم سؤال می‌کند اگر دولت ایران مطالبات

خسارت دولتی را می‌تواند در میان مطالبات شخصی مطالبه دولتی بکند در حالتی که ترک کرده است؟ و نیز دولت عثمانی تصور می‌کند که این ادعا نباید دخل بکند به تنها، مگر حق عادیّه ییلاقیه و بعضی خسارات که فیمابین تبعهٔ دولتین ایران و عثمانی رسیده مثلاً به واسطه سارقین طرفین یا خود چیزی مثل این.

جواب: مأمورین معنی محقق اول و چهارم عهدنامه که دولت ایران می‌تواند در این باب ادعا بکند و هر طریقه که باشد ترک می‌شود. البته باید ترک شود بناء علیه هیچ کس نمی‌تواند در این باب حرفی بزند طلب اشخاص طرفین می‌تواند آن اشخاص را راضی بدارد. تشخیص صحیح این مطالبه نشان خواهد داد همچنانکه قبول شده است مأمورین بخصوصه که تعیین خواهد شد. خلاصه چیزی که ملاحظه شده است درباب طلب اشخاص می‌تواند آن مأمور طی نماید.

سؤال چهارم: دولت عثمانی سؤال می‌کند اگر دولت ایران گفتگویی که درباب قلعه شده است قبول کرده است که علاوه شده بود به فقره دوم[۴] و همچنین فقره که از فصل هفتم که در سواد وکلای طرفین نوشته شده بود.

جواب: مأمورین اعتقاد دارند، می‌توانند جواب بدهند که دولت علیّه ایران قبول کرده‌اند، همراه خوشوقتی، که علاوه کنند در فقره هفتم درباب مقابله داشتن امتیازات که درباب حجّاج و تجّار نوشته شده است و کنسولها[5]. و در باب سؤال قلعه، مأمورین خیلی مایل هستند که به مأمورین دولتین واسطه تأکید نمایند که اجرای خواهش دولت عثمانی را نمایند بخصوص این مطلب و امید دارند که بهره‌یاب شوند.*

---

*. سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، حاشیه صفحه ۱۳۸.

توضیحات:

۱. با توجه به توضیحی که برای تاریخ دو سند قبلی آورده شد و نیز با توجه به محتوی و مضمون اسنادی که در پی این آورده می‌شود، پیدا است که از ۱۷ محرم ۱۲۶۴ یعنی ورود میرزامحمدعلی‌خان به استانبول تا آخر محرم که چند دیدار و گفتگو بین او و سفرای دول واسطه صورت گرفت است، مسأله ایضاحات بطور رسمی مطرح شده است.

۲. از ایضاحات اربعه غیر از این سواد، سواد دیگری نیز بدست آمد [سند بعدی] که هرچند محتوی هر دو یکی است اما در پاره عبارت‌ها و جمله‌بندیها با یکدیگر تفاوت دارند، لذا هر دو آورده می‌شود. علاوه بر این دو سند، سواد سومی هم از صورت سؤال و جوابهای دولت عثمانی با سفرای دول واسطه بدست آمد که تنها حاوی سه سؤال و جواب است، سواد سند مزبور نیز بعد از این دو سند آورده شده است. لازم به ذکر است که بعد از ارائه ایضاحات اربعه از سوی سفرای دول واسطه به میرزامحمدعلی‌خان، او شرحی مبنی بر موافقت خود با آنها به سفرای مزبور می‌دهد. از شرح مزبور دو سواد بدست آمد که بعد از اسناد ایضاحات، هر دو آورده شده است.

۳. در اصل: سیم

۴. » » : دویم

۵. » » : قونسولها

سند شماره ۱۲۳

تاریخ: [به احتمال قوی از ۲۰ تا آخر محرم ۱۲۶۴][1]

سواد دیگری از سؤالات دولت عثمانی و ایضاحات سفرای دول واسطه

سواد فقراتی چند که رجال دولت عثمانیّه از مأمورین دولتین واسطه سؤال می‌نمایند از قرار ذیل الکتابه است:

[سؤال] اول: رجال دولت عثمانی تصور می‌کنند یکی از اجزاء فقرهٔ دوم[2] قرار نامه راکه ترک کردن شهر و بندر و لنگرگاه محمّره و همچنین جزیرهٔ الخضر به ایران کافی نمی‌دانند، که موضوع نماید، اراضی دولت عثمانی راکه خارج از شهر محمّره است و نه سایر بنادر دولت عثمانی راکه در آنجاها واقع است.

جواب مأمورین دولتین واسطه: لنگرگاه محمره محاذی آن شهر و داخل در خلیج حفّار است و بلاشبهه معنی دیگر نتیجه نمی‌دهد و علاوه بر این مأمورین واسطه قبول می‌کند برای رجال دولت عثمانی راکه واگذاردن به ایران شهر و بندر لنگرگاه محمّره و جزیره الخضر است و دولت عثمانی در این موقع ترک نکرده است نه زمین و نه بندری که ممکن است در آنجاها داشته باشد.

سؤال دوم: دولت عثمانی سؤال می‌کند اگر از مضمون باقی فقرهٔ دوم که در باب عشایر معروفهٔ تبعهٔ دولت ایران نوشته شده است و می‌گوید ممکن است نصف آن عشایر در خاک ایران و نصف آنها در خاک دولت عثمانی باشد در این صورت چندی بگذرد دولت ایران ادّعا خواهد کرد که آن خاک دولت عثمانی از ما است.

جواب مأمورین در باب فقرهٔ دوم: دولت ایران به هیچ بهانه نمی‌تواند زمینی را تصرف کند که در سمت یمن شط العرب است و نه زمینی راکه سمت یسار است و تعلق به دولت عثمانی داشته باشد، خواه عشایر ایران نصف یا همه در اراضی مزبوره باشد.

سؤال سوم[3]: دولت عثمانی در باب فقرهٔ اول و چهارم قرارنامه می‌گوید آیا دولت ایران می‌تواند، مطالبات اشخاص را مطالبهٔ دولتی بگوید، در حالتی که ترک کرده است، دولت عثمانی تصور می‌کند که این ادعا نباید شود مگر رسومات مراعی و بعضی خسارات که به تبعهٔ طرفین رسیده مثلاً به واسطه قطاع‌الطریق یا خود چیزی مثل آن.

جواب مأمورین: معنی محقق فصل اول و چهارم قرارنامه معلوم است به چیزی که می‌تواند دولت ایران در آن باب ادعای دولتی بکند و از آن گذشته هرچه باشد ترک می‌شود، و البته باید ترک شود بناء علیه هیچکس نمی‌تواند در این باب حرف بزند طلب اشخاصی طرفین می‌توانند آن اشخاص یکدیگر را راضی بدارند. تشخیص صحیح این مطالبه نشان خواهد داد همچنان که قبول شده است مأمورین بخصوصه تعین شوند. خلاصه چیزی که معیّن خواهد شد درباب طلب اشخاص، می‌تواند آن مأمور طی نماید.

سؤال چهارم: دولت عثمانی سؤال می‌کند که اگر دولت ایران گفتگویی درباب ساختن قلعه شده است قبول کرده است که علاوه شود به فقرهٔ دوم، همچنین فقره از فصل هفتم که در سواد وکلای طرفین نوشته شده بود.

جواب: مأمورین اعتقادشان این است که می‌توانند جواب بدهند که دولت علیهٔ ایران همراه خوشوقتی قبول کرده‌اند که علاوه کنند در فقرهٔ هفتم درباب مقابله داشتن امتیازاتی که برای زوّار و تجّار کنسولها[۴]ی آن دولت نوشته شده است در باب سؤال قلعه مأمورین خیلی میل دارند که به مأمورین دولتین واسطهٔ مقیم دارالخلافه طهران اصراری نمایند که اجزای خواهش دولت عثمانی را بخصوص این مطلب نمایند و امیدوارند که مقصودشان به عمل آید.*

توضیحات:

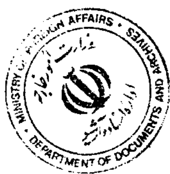
۱. نگاه کنید به توضیح تاریخ چند سند قبل.

۲. در اصل: دویم

۳. « « : سیم

۴. « « : قونسولها

* . صندوق ۶، این سند قبلاً در جلد اول گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی منتشر شده است. (۳۵۷-۳۵۸) اما به دلیل اشتباهی که در تخمین این سند در آن کتاب صورت گرفته جایگاه این سند در روند مذاکرات ارزنةالروم مشخص نیست. در کتاب فوق تاریخ این سند ۱۲۶۶ قید شده است در حالی که این تاریخ مصادف است با دومین سال سلطنت ناصرالدین شاه. اما به واقع اسناد ایضاحات مربوط است به آخرین سال سلطنت محمدشاه. به احتمال قوی‌تر از ۲۰ تا آخر محرم ۱۲۶۴.



فقراتی چند که رجال دولت علیه عثمانیه از مأمورین دولتین واسطه سؤال نموده‌اند از قرار ذیل است

اولاً رجال دولت عثمانی تصور میکنند که از اجرای فقره دوم قرارنامه که ترک کردن شهر و بندر و لنگرگاه محمره و همچنین جزیره الخضر باشد به ایران کافی میدانند در موضوع اراضی دولت عثمانی که خارج از شهر محمره است و نیز ساحل که رعایای دولت عثمانی در آنجا واقع است

جواب مأمورین دولتین واسطه لنگرگاه محمره محاذی آن شهر و واقع در خلیج حفار است و بلاشبهه معنی که فهمیده میشود ... و علاوه بر این مأمورین دولتین واسطه قبول میکنند برای رجال دولت عثمانی را که واگذاردن به ایران شهر و بندر و لنگرگاه محمره و جزیره الخضر است دولت عثمانی در این موقع ترک کرده است زمین ... نه بندری که محکم است در آنجا داشته باشند

سؤال دوم دولت عثمانی سؤال میکند اگر از مضمون باقی فقره دوم در باب عشایر معروفه تبعه دولت ایران نوشته شده است و مکرر محکم است نصف آن عشایر در خاک ایران و نصف دیگر در خاک دولت عثمانی هستند در صورت خیمه‌نشینی که در دولت ایران ادعا خواهد کرد که آنها را ...

جواب مأمورین در باب فقره دوم دولت ایران به هیچ بهانه نمیتواند زمینی را تصرف کند که در دست ... شط العرب است و نه زمینی را که در سمت راست و تعلق به دولت عثمانی داشته باشد خواه عشایر ایرانی نصف یا همه در اراضی مزبوره باشند

سؤال سیم دولت عثمانی در باب فقره اول و چهارم قرارنامه میگوید آیا دولت ایران میتواند مطالبات اشخاص ... در حالتیکه ترک کرده است دولت عثمانی تصور میکند که این ادعا نباید بشود مگر ... مراعی و بعضی خسارات تبعه طرفین رسیده ... قطاع الطریق یا چیزهای دیگر از آن

جواب مأمورین معنی تحقیق فصل اول و چهارم قرارنامه معلوم است که مجبور میشود دولت ایران در آن باب ادعای ... هر چه باشد ترک میشود و البته باید ترک بشود ... علاوه هیچکس مجبور نمیشود در این باب حرف بزند و طلب اشخاص طرفین ... برای تشخیص صحیح این مطالبه ثبات خواهد داد ... محکمه که قبول شده است مأمورین مخصوصه تعیین شوند ... در باب طلب اشخاص میشود ... آن مأمورین

سؤال چهارم دولت عثمانی سؤال میکند که آیا دولت ایران کلیه ... در باب ... قطعه شده است قبول کرده است علاوه بر فقره ... همچنین فقره از فصل هشتم که در سواد ... طرفین نوشته شده

جواب مأمورین اعتقادشان این است که میتوانند جواب بدهند که دولت علیه ایران ... قبول کرده‌اند که علاوه ... در فقره ... در باب ... داشتن اختیار ... برای وزرا و کارگزاران ... دولت نوشته شده است در باب سؤال ... مأمورین ... دولتین واسطه مقیم دارالخلافه طهران ... اجرای خواهش دولت عثمانی را بخصوص ...



سند شماره ۱۲۴

تاریخ: [به احتمال قوی از ۲۰ تا آخر ۱۲۶۴][1]

سواد سؤالات دولت عثمانی در معنی صحیح بعضی فقرات عهدنامه ارزنةالروم و جواب سفرای دول واسطه

سفرای انگلیس و روس خبردار شدند که دولت عثمانلو بعضی شقوق درخصوص معنی صحیح متن عهدنامه که در ارزنةالروم تحریر شده که الان دولت علیّهٔ ایران قبول کرده، به هم رسانیده‌اند، و هم مطالبهٔ اطمینان می‌نمایند. در این فقرات ذیل، سفرا در خاطر داشتند که این شقوقات دولت عثمانلو را رفع نمایند، خاطر جمعی صریح در آن فقرات به آنها می‌دهند.

سؤال اول: که محل لنگرگاه محمره واضح‌تر بیان شود، به طوری که درست معلوم و فهمیده شود که در واگذاشتن به دولت ایران شهر و بندر و لنگرگاه محمّره این قرار مداخله ندارد، یا به املاک دولت عثمانلو در خارج آنجا، یا به بنادر دیگر که ملک دولت عثمانلو است که در همان حوالی واقع است.

جواب سفرا در سؤال اول: لنگرگاه محمره واقع است در جایی محاذی شهر محمّره در میان نهر حفّار که این بیان محل هیچ بیان دیگر ندارد، علاوه بر آن سفرا با وزیر عثمانلو هم خیال هستند که در واگذاشتن شهر و بندر لنگرگاه محمّره به دولت ایران دولت عثمانلو دست برنمی‌دارد، نه از املاک خارج از آنجاها و نه از بنادر دیگر که در آن حوالی واقع است.

سؤال دوم: دولت عثمانلو توهّم دارد در خصوصیاتی که در فقرهٔ دوم عهدنامه ملاحظه شده یعنی در وقتی که طوایف منقسم شوند، که اغلب از آنها به ایران باشند و کمتر از آنها به روم باشند، از مقدّمه فرصت شود که به ملکی که محل سکنای آن کمتر باشد اسم ملک ایران گذارده باشند.

جواب سفرا در سؤال دوم[2]: نظر به شقوقی که دولت روم ذکر کرده است، در باب قسمت طوایف، سفراء می‌گویند، اگر اتفاقاً طوایف منقسم شوند به طوری که قسمت بزرگ ساکن شوند، در ملک محقق شدهٔ ایران و قسمت کوچک بماند در مُلک عثمانلو در این صورت دولت ایران حق

نخواهد داشت که به چنین بهانه مطالبهٔ ملکی که قسمت کوچک طوایف ساکن بوده‌اند نماید، زیرا که موافق مضمون فصل عهدنامهٔ منظوره این قسمت کوچک می‌باید به ایران برگردد.

سؤال سوم[۳]: دولت عثمانلو می‌خواهند بیان واضحتر داشته باشند از فقراتی که دخل به مطالبات دولت به دولت یا اشخاص دارد.

جواب سفرا در سؤال سوم: در آن که مداخله دارد به مطالبات نقدی که دولت به دولت دارد، سفرا می‌گویند که از قرار فقرات اول و چهارم عهدنامهٔ منظوره، همهٔ مطالبات دولتین از هر بابت که باشد متروک است. لهذا گفتگو در میان نمی‌شود آورد. مگر مطالبات اشخاص و تشخیص آنها واگذاشته شده است به مأمورین. سفرا چنین استنباط می‌کنند در مطالبات اشخاص مطالباتی که از مراعی به عمل آمده است و خسارت که از چپاول و تاخت و غارت شده است مندرج است.*

توضیحات

۱. نگاه کنید به توضیح تاریخ چند سند قبل.

۲. در اصل: دویم

۳. « « : سیم

* . صندوق ۶، پوشه ۱۶. از این سند سواد دیگری نیز در صندوق ۵ پوشه ۳۶ موجود است. این سند در جلد اول گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی منتشر شده است. (۳۶۰-۳۶۱) اما تاریخ سند ۱۲۶۶ قید شده که اشتباه است. نگاه کنید به توضیح سند قبل.

سفرای انگلیس و روس حضرو اررشد در دولت عثمانیه بعضی تعویق در خصوص بعضی صحیح متن عهدنامه در ارزنة الروم که تحریر شده و در آن دولت علیه ایران قبول کرده بود و اسباب بعضی بعضی اطمینان مینمایند و از این فقرات ذیل سفرا در خاطر داشته در باب تعویقات دولت عثمانیه ارزنة الروم باید فایده همه را معین و صحیح در انتصورات باملاحظه نهند

سئوال اول در محلی که لفظ محمره واضح تر بیان شود بطوری که دولت علیه و ضمنیه شود در رود و اگر انتقال دولت ایران شهر و بندر و لنگرگاه محمره بمقرار مرافعه بروند یا املاک دولت عثمانیه در خارج آنجا یا بمعنا و دیگر هم ملک دولت عثمانیه است که در ایمان حوالی او افتد

[illegible]

سئوال دوم دولت عثمانیه تا هم وارد در خصوص حاتی در دو فقره دوم عهدنامه ملاحظه شده معین و رقیق در طوایف منتقسم شوند در عقب از ایشان ایران باشند و بعضی از ایشان بروم باشند از این نقد سه فرصت نشود در هر جاکه در محلی سکنی ایل کمتر باشند اسم ملک ایران گذارده باشند

[illegible]

سئوال سیم دولت عثمانیه میخواهند بیان واضح تر داشته باشند از فقرات دوم در ملکات دولت علیه دولت یا الحاقی وارد

[illegible]

سند شماره ۱۲۵

تاریخ: [به احتمال قوی از ۲۰ تا آخر محرم ۱۲۶۴][1]

سواد دیگری از ایضاحات سفرای دول واسطه به سؤالات دولت عثمانی

مختصری از ترجمه

چون ما ایلچیان مخصوص قلباً میل داریم که رفع تشکیکات رجال دولت روم بشود لهذا به سؤالات آنها جواب می‌گوئیم:

اول: لنگرگاه محمره درجایی است محاذی آن شهر و جایی که آن اسم دارد که در نهر حفّار است و از اینجانبان تأویل دیگر نمی‌توان کرد. دیگر به خیال وزیر دولت روم هم رأی هستیم که از واگذاشتن آنجاها که ذکر شده است یعنی شهر و بندر محمّره و لنگرگاه محمّره و جزیرةالخضر دولت روم جای دیگر و بندر دیگر و خاک دیگر که در آنجاها بوده باشد واگذار نخواهد کرد و نیز ایلچیان مخصوص می‌نمایند که دو دولت ایران در ملک‌های آن طرف شط العرب به هیچ وجه من‌الوجوه نمی‌تواند ادعا کند و هم بر خاک این طرف شط که متعلق به روم باشد اگرچه طوایف ایرانی یا قدری از طوایف ایرانی در این طرف با این خاک نشسته باشد به هیچ وجه نمی‌تواند ادعا نماید.

درباب تشکیلی که دولت روم حاصل کرده است که بلکه تأویل غیرصحیح فصل اول و چهارم عهدنامه از جانب دولت ایران ادعای خسارات از دولت به دولت برپا شود اینجانبان اظهار می‌نمایند که نظر به معنی اصل این دو فصل همه ادعاها که از این گونه از هر جهت هست باید موقوف باشد و گفتگوی آنها دیگر به هیچ وجه تحدید نمی‌تواند شد و فقط ادعای اشخاص باید تلافی شود و تشخیص و تصدیق آنها هم چنان که قرار شده است وکلای مخصوص تعیین خواهند شد اثبات آنها را نزد وکلا خواهند برد و آنها هم حکم خواهند داد که چه چیز ادعای اشخاص می‌تواند شد.

درباب آن دو فقره دیگر که در اواخر کاغذ عالی افندی نوشته شده است ایلچیان بـر خـود واجب می‌دانند که جواب بدهند که شک ندارند که دولت ایران در باب رفتار با رعایا و زوّار و بالیوز طرفین به کما خوشی قبول خواهند کرد که از طرفین بالسویه رفتار شود و در فصل هفتم هم نوشته شود. و در باب نساختن قلعه‌جات ایلچیان باید اظهار عقاید خود را نمایند در این که هـرگاه از دو دولت اسلام قرار بدهند که در سواحل شط العرب حصار نسازند فی‌الواقع باعث دوام اطمینانی که در تعهدنامه منظور است میان دولتین اسلام خواهد شد بنابراین ایلچیان کمال میل دارند که وا دارند ایلچیانی را که در طهران هستند در عمل آوردن خواهش دولت روم که در این باب کمک نمایند و امید دارند که رفتار آنها بی‌ثمر نخواهد ماند.*

توضیحات:

۱. نگاه کنید به توضیح تاریخ چند سند قبل.

---

*. صندوق ۵، پوشه ۳۷.

محضری از ترجمه

چون ما ایلچیان مخصوص علیا ممید داریم که رفع مشکلات حال دولتین روم بشود لهذا این سؤالات را اظهار میکنیم

آمد لنگرگاه محمره در جائی است محاذی آن شهر و جائی را این اسم دارد و در نهر حفار آب وارد ... تا وسعت پیدا میشود که دیگر ایلچیان وزیر دولت روم همراه ایستیم که از روی اظهار ایشان آنها را ذکر نموده اند بعد

شهر و بندر محمره و لنگرگاه محمره و جزیره الخضر دولت روم جای دیگر و بندر دیگر و خاک دیگر در آنجا ملاحظه شود واگذار بخواهد کرد و نیز ایلچیان حقوق اظهار میکنند دولت ایران در ملکهای آن طرف شط العرب ... که بعضی طوایف ایران دارند ... منعی بر هم شد اگرچه طوایف ایران یا قدری از طوایف ایران در آن طرف با املاک گشته شد ... ادعا نماید درباب شکایت دولت روم حاصل کرده است بلکه تا وقت عقد قصد او در حیات ... عهدنامه

از جانب دولت ایران ادعای خسارات از دولت روم باشد ایلچیان اظهار مینمایند که ... همه ادعاها که از هر گونه از هر جهت باشد موقوف باشد ولکن این ادعاها ... وقط ادعای

اشخاص باید ملاحظه شود و تحقیق و تصریح آنها بجا که مقرر شده است و کلای ... حقوقی خواهند شد اثبات ادعای آنها را

نزد وکلا خواهند برد و آنها هم حکم خواهند داد هرچه جزو ادعای اشخاص میشود درباب ... قوه دیگر

در دوازده ماه عالی ... نوشته است ایلچیان رجوع ... جواب ... بدهند و شک بگذارند

دولت ایران درباب رفتار با رعایا و تعدی و با ... طرق ... خواهد که ... ما البومیه رفتار ... درباب ... ایلچیان ... اظهار عقاید ... دراین هرگاه ... قرار ... شط العرب ... باعث ...

[illegible]

سند شماره ۱۲۶

تاریخ: [به احتمال قوی اواخر محرم ۱۲۶۴][1]

سواد نامه وزرای مختار روس و انگلیس مقیم استانبول به میرزامحمدعلی‌خان

سواد کاغذ جنابان وزرای مختار دولتین بهیّتین روس و انگلیس که به جناب مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره و ایلچی مخصوص دولت علیّه ایران نوشته‌اند.

به شرح آن که جناب ایلچی بعد از ورود میرزاجواد در دو مجلس افتخار حاصل کرده با آن جناب گفتگو نمودیم و حالا مفصلاً به آن جناب اظهار می‌کنیم دلایلی را که آن جناب لابد است امضاء نامه‌ها را که از جانب اعلیحضرت شاه مأموریت دارد مبادله نماید و موافق این نوشته دولتی به آن جناب اعلام می‌کنیم قبول نمائید توضیح نامه[2] را که در باب بعضی مواد عهدنامه وزرای مختار دو دولت واسطه در استانبول به دولت عثمانی داده‌اند که اگر این توضیح نامه را نمی‌دادند دولت عثمانی هرگز قبول نمی‌کرد عهدنامه ارزنةالروم را. این توضیح نامه را وزرای مختار دو دولت واسطه در طهران حالی دولت ایران کرده‌اند و در آنها به هیچ وجه امر مهمی نیافته‌اند.[3] جناب شما برخلاف امید ما امتناع دارید در دادن این تصدیق نامه که ما می‌طلبیم و حال آن که مطابق است به دستورالعملی که جناب حاجی میرزاآقاسی به حکم اعلیحضرت شاه به شما داده‌اند و سواد گفتگوهایی که وزرای مختار با جناب حاجی کرده‌اند از قراری که وزرای مختار نوشته بودند این توضیح‌نامه به دولت ایران معلوم است و بعد از ملاحظه دستورالعمل شما بیشتر بر ما ظاهر شد که دولت علیّه شما را مفتخر ساخته کمال اعتماد را به ما دارند و به شما امر شده است در هر چیزی که لازم است از برای اتمام مأموریت شما موافق صلاح‌دید ما رفتار کنید. لهذا به هیچ وجه اهمال نکنید درباب اتمام امری بسیار مهم و عمده یعنی مبادله عهدنامه که دو دولت ما محض خیرخواهی در مدت چندین سال مشغول هستند. بنابر مأموریت شما و فرستادن امضای عهدنامه هیچ شک و شبهه در نیت دولت علیّه ایران نیست و آن نیت مطابق است با اطمینانی که به رسم دولتی به وزرای مختار ما داده‌اند و به دربار دولتین واسطه نوشته شده است. به موجبات مزبوره کمال تأسف را داریم از این که لابد هستیم به شما به رسم دوستی اعلام کنیم که اگر شما اصرار نکنید در رد تصدیق‌نامه که ما می‌طلبیم یا در باب بعضی از فقرات آن بخواهند به طهران بنویسند و دستورالعمل مجدد بخواهند

این عمل ضد خواهش و منفعت دولتی خود شما است و چون عمل خلاف مصلحت دولت شما از شما صادر می‌شود، از مأموریت، خود را اخراج می‌کنید، آن وقت چیزی باقی نمی‌ماند مگر زحمات بسیار سنگینی به عهده خود آن جناب به شخصه و بار گرانی به دوش دولت شما می‌افتد و از یک تعویقی که ما هرگز گمان نداشتیم حادثه عظیمی که می‌تواند از این دفع‌الوقت بی حد و نهایت برای دولت شما حاصل شود بلکه باطل نماید عهدنامه را که دو دولتی بعد از مدت چندین سال امید دارند به خوبی به آخر رسیده باشد خسارت بی‌حساب برای دولت ایران حاصل شود بی این که بدانیم دولت ما به ما چه حکم خواهند داد به شما خبر می‌کنیم که ردکردن شما نتیجه خواهد داد که ما لابد شویم به وزرای مختار مقیم دربار دولت ایران بنویسم به وزیر ایران خبر کنند در حالتی که شما نصیحت ما را قبول نکنید ما کمال تأسف را داریم که نمی‌توانیم بعد از این فایده برای منفعت دولت ایران داشته باشم و ما لابد می‌شویم مأموریت شما را تمام بدانیم و با شما به هیچ وجه در کارهای دولتی رجوع نکنیم. با دولت شما برای اجرای وعده که به رسم دوستی به دو وزیر مختار داده است تدابیری چند که اقتضاء کند به کار برد و ایلچی دیگر برای مبادله عهدنامه بفرستد.*

توضیحات:

۱. با توجه به توضیحی که برای تاریخ سند شماره [۱۲۰ الی ۱۲۲] آورده شد و نیز با توجه به این که این سند پاسخ وزرای مختار روس و انگلیس به نامه قبلی میرزامحمدعلی‌خان است [سند شماره ۱۲۱]. لذا به احتمال قوی این نامه نیز در اواخر محرم ۱۲۶۴ و متعاقب سند مزبور و تقریباً همزمان با طرح رسمی ایضاحات نوشته شده است.

۲. مقصود وزرای مختار از «توضیح نامه» همان ایضاحات اربعه است.

۳. به اعتقاد آدمیت، این که سفرای روس و انگلیس گفته بودند اولیای دولت ایران و شخص حاجی میرزاآقاسی این «توضیح نامه» را دیده‌اند و با آن مخالفتی نکرده‌اند؛ دروغ محض است. حاجی مطلقاً چنین دستوری نداده بود، و شیل به کولی نوشته بود: دولت ایران به هیچ وجه به پذیرفتن آن ایضاحات تن درنخواهد داد. نگاه کنید به آدمیت، پیشین، ص ۱۴۸.

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، حاشیه صفحه ۱۳۷.

سند شماره ۱۲۷

تاریخ: [به احتمال قوی اواسط صفر ۱۲۶۴][1]

سواد شرح موافقت میرزامحمدعلی‌خان به ایضاحات

هو

ترجمهٔ شرحی است که وزرای مختار دو دولت واسطه داده‌اند، فدوی مهر کرده دستخط گذارد.

به جناب موسی تیتف ایلچی مخصوص و وزیر مختار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه مقیم دربار دولت عثمانی؛ من اظهار می‌کنم به جناب شما که نظر به مأموریتی که از طرف دولت خود دارم برای مبادله امضای عهدنامه ارزنةالروم، قبول می‌کنم کاملاً مجاوبتی که شده است به دربار دولت عثمانی از جانب ایلچیان دولت متوسطه درباب سه فقره اول موافق کتابچه که از آن جناب به دوستدار رسیده و بعد از آن درباب فقره چهارم از همان کتابچه پیدا نمی‌کنیم هیچ اختلافی در داخل کردن در فقره هفتم از عهدنامه درخصوص اجرای احترامات معاملات طرفین از طرف دو دولت نسبت به تبعه خودشان یعنی به حجّاج و شهبندرها. و در باب بنای ساختن استحکامات اعلیحضرت شاهنشاهی خلدالله ملکه فرموده‌اند تا اوقاتی که دولت عثمانی در طرف دست راست شط العرب که محاذی خاک دولت ایران است بنای ساختن استحکامات نگذارد، دولت ایران همچنین در سمت چپ که متعلق به اوست نخواهد گذارد.*

توضیحات:

۱. با توجه به چند سند قبل (اواخر محرم) که راجع به تهدید به قبول ایضاحات بود و با توجه به دو سند ۱۲۸ و ۱۳۱ که هر دو با توجه به توضیحی که در ذیل دوّمی آورده شد و مربوط است به ۲۸ صفر ۱۲۶۴، و در ضمن آن میرزامحمدعلی‌خان طی گزارش بلندی خطاب به میرزاآقاسی تلاش کرده تا تن دادن به ایضاحات را به نوعی توجیه کند؛ به نظر می‌رسد این سند که شرحی است در موافقت او با ایضاحات، پیش از دو سند ۱۲۸ و ۱۳۱، یعنی در اواسط صفر ۱۲۶۴ نوشته شده باشد.

---

* . صندوق ۶، پوشه ۱۶. همچنین سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، حاشیه صفحه ۱۳۹.

ترجمه شرحی است که وزرای مختار دولتین واسطه داده‌اند
هر
فردی مهر کرده در شط گذارند

بجناب مسیو تیتوف ایلچی مخصوص و وزیر مختار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه مقیم دربار دولت عثمانی

من اظهار میکنم بجناب شما نظر بمأموریتی که از طرف دولت خود دارم برای [illegible] بعض عهدنامه

ارزنة الروم قبول میکنم کاملاً توضیحاتیکه شده است بباب عالی دولت عثمانی از جانب ایلچیان دولت

متوسطه در باب سه فقره اول موافق است بجهتیکه از آنجناب [illegible] رسیده و بعد از آن در باب

فقره چهارم از همان کتابچه پیدا نمیکنم هیچ اشکالی در داخل کردن در فقره هفتم از عهدنامه

عبارتی در خصوص اجرای احترامات متعلقه طرفین از طرف دولت نسبت به تبعه خود شان

یعنی حجاج و شهبندرها و در باب بنای حق استحکامات اعلیحضرت شاهنشاهی

خلد الله ملکه فرموده‌اند تا اوقاتیکه دولت عثمانی در طرف راست

شط العرب که ملک دولت ایران است بنای حق استحکامات

نمیگذارد دولت ایران هم همچنین در سمت دست چپ که متعلق باوست نخواهد گذارد

سند شماره ۱۲۸

تاریخ: ۲۸ صفر ۱۲۶۴

سوادنامه میرزامحمدعلی‌خان به میرزاآقاسی

سواد کاغذ جناب مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه و ایلچی مخصوص مختار دولت علیّه که به جناب آقای حاجی سلمه‌اللّه العالی نوشته است.

تصدقت شوم، پیشتر عرض کرده بود که نظر به این که ایلچی دولت بهیّه فرانسه به فدوی پیغام داده بود که جناب عالی پاشا وزیر امورخارجه گفته است تا ایلچی ایران چند فقره مطلب ما را ممضی ندارد، ما عهدنامه ممضی شده را مبادله نخواهیم کرد. فدوی به توسط عالیجاه میرزاحسین‌خان به جنابان وزرای مختار دولتین واسطه پیغام داد که از قراری که مسموع شد رجال دولت علیّه عثمانی درباب امضاء و مبادله عهدنامه پاره اشکالها به میان آورده‌اند هرگاه این طریق است و آن جنابان اطلاع دادند از این که مبادا حقی برای دولت علیّه حاصل شود مقرر دارند تا بنویسند میرزاجواد از طرابوزان مراجعت نماید جناب وزیر مختار دولت بهیّه روسیه و جناب لرد[1] کولی به واسطه عالیجاه موسی [موسیو] پیزانی مترجم اول خود پیغام دادند که به هیچ وجه من‌الوجوه اشکالی نخواهد بود و شما هرگز این کار را نکنید. بلکه بنویسد زودتر بیاید بعد از ورود او شما را کاری به رجال دولت علیّه عثمانی نباشد، بعد از ورود به رسم دولتی به ما اعلام نمائید. ما دانیم با رجال دولت علیّه عثمانی. فدوی هم نوشت. میرزاجواد از طرابوزان[2] آمد و بعد از ورود او سواد فرمان مبارک و تعلیقه بندگانعالی را نزد وزرای مختار فرستاد آنها را از ورود میرزاجواد مطلع ساخت، چند روز که از این مقدمه گذشت جنابان معزی‌الیهما کاغذی به فدوی نوشتند که روز چهارشنبه نوزدهم در سفارتخانه روس وزرای مختار را ملاقات کرده دستورالعمل و احکام خود را ابراز کند فدوی در روز موعود به سفارتخانه دولت بهیّه روسیه رفته جنابان معزی‌الیهما با دو نفر مترجم اول خود و فدوی با میرزاحسین‌خان در آن جا بودیم جنابان معزی‌الیهما از فدوی سؤال

کردند که مأموریت شما از دولت علیّه ایران به دربار دولت عثمانی چیست، فدوی در جواب گفت: دولت علیّه ایران مرا به رتبه ایلچی مخصوص سرافراز و مأمور فرموده‌اند که عهدنامه امضاءشده اعلیحضرت قدرقدرت قضا شوکت شاهنشاهی روح‌العالمین فداه را با عهدنامه ممضی شده اعلیحضرت سلطان مبادله نماید بعد جنابان معزی‌الیهما گفتند که رجال دولت علیّه عثمانی درباب توضیح چهار فقره مطلب از عهدنامه ارزنة‌الروم که مبهم نوشته‌اند از ما که مأمورین دولتین واسطه هستیم سؤال کرده بودند و ما برطبق هر یک جوابی نوشته‌ایم که به اولیای دولت علیّه ایران همان سؤال و جواب را اطلاع داده‌ایم و از قراری که وزرای مختار دولتین واسطه که مقیم دارالخلافه طهران هستند به ما نوشته‌اند که جناب حاجی جوابهای ما را قبول فرموده‌اند و عهدنامه را به امضای اعلیحضرت با فروجاه ممالک ایران رسانیده فرستاده‌اند و شما را مأمور کرده‌اند که آن جوابهای ما را قبول کرده عهدنامه ممضی شده حضرتین را مبادله نمائید، فدوی در جواب گفت که: جناب حاجی که آقا و بزرگ من است در باب سؤال و جوابی که شما می‌گوئید چیزی به من مرقوم نفرموده‌اند، مگر سواد و جواب کاغذی که به جناب کلنل[۳] شیل وزیر مختار دولت بهیّه انگلیس نوشته‌اند نزد من فرستاده‌اند که اگر دولت علیه عثمانی در آن باب گفتگویی نماید من مطابق آن جواب‌هایی که جناب حاجی در طی آن دو سواد مرقوم فرموده‌اند جواب بگویم و آنها را مطمئن بسازم. بعد وزرای مختار در جواب گفتند هر طور که شما می‌توانید رجال دولت علیّه عثمانی را ساکت و مطمئن سازید بنویسد. فدوی از قرار سوادی که در جوف عریضه است مطابق جوابهایی که جناب آقای روحی فداه داده بودند نوشته به آنها داده جنابان معزی‌الیهما بعد از ترجمه و ملاحظه قبول نکرده گفتند این طور جوابهایی که به ما نوشته‌اید باعث اسکات رجال دولت عثمانی نخواهد شد و بسیار مبهم است. ما که وزرای مختار و مأمورین دولتین هستیم منظوری به جز گذاشتن امر معاهده دولتین نداریم و نمی‌خواهیم نفع به دولت عثمانی برسد و ضرر به دولت علیّه ایران و آن چه ما جواب نوشته‌ایم موافق قانون حساب و اصل مضمون عهدنامه است. و فردا آن سؤال و جواب را که به خط فرانسوی است همراه صاحب منصب خود نزد شما خواهیم فرستاد که ترجمه کرده از مضامین آنها خوب

مطلع شوید. فردای آن روز سؤال و جواب مزبور را که به خط فرانسوی بود ترجمه کرده جوابی که سواد آن را در جوف عریضه است به وزرای مختار نوشت. جنابان معزی‌الیهما باز آن جواب را قبول نکرده باز قرار گفتگوی را به مجلس دیگر دادند. سه روز بعد در سفارتخانه روس با وزرای مختار دولتین فخیمتین واسطه ملاقات کرده فدوی به جنابان معزی‌الیهما گفت: اولاً رجال دولت عثمانی بعد از مهر و مبادله عهدنامه ارزنةالروم که وکلای مرخص طرفین به توسط مأمورین دولتین فخیمتین واسطه بعد از ملاحظات و تحقیقات چندین ساله کرده بودند هیچ حقی نداشتند سؤالی در باب توضیح فقرات آن نمایند مگر بعد از امضای حضرتین. ثانیاً: جناب آقای حاجی سلمه‌الله العالی برای هر یک جوابی مرقوم داشته‌اند و مرا مأمور فرموده‌اند که برطبق آن جوابها به رجال دولت عثمانی جواب گوید و اگر سوای جواب جناب معظم‌الیه بخواهد فدوی قبول کند، به هیچ وجه از دولت خود مأمور نیست و اختیاری ندارد، جنابان وزرای مختار در جواب گفتند که این سؤال و جواب پیش از مهر و مبادله معاهده ارزنةالروم شده بود و رجال دولت عثمانی تا جواب از ما نگرفتند به وکیل مرخص خود ننوشتند که عهدنامه را مهر و مبادله کند چنانچه ما به دولت‌های خود نوشته‌ایم و جوابهای ما را پسندیده فرموده‌اند که دولت علیّه ایران باید آن جوابها را قبول نمایند علاوه بر اینها دولت ایران هم قبول کرده‌اند، امر بر تو مشتبه است زیرا که اگر قبول نمی‌کردند چرا عهدنامه ممضی شده را می‌فرستادند و به میرزاجواد حکم می‌فرمودند اگر شما نیامده باشید، مشارالیه عهدنامه ممضی شده را به ما بدهد که مبادله نمائیم اگر از ما خاطرجمع نبودند و ما را وکیل خود نمی‌دانستند چرا این امر را به عهده ما مفوض می‌داشتند. تو باید حکماً موافق خواهش دولتهای واسطه جوابهای ما را قبول کنی و تصدیق بنویسی تا عهدنامه بین‌الدولتین ممضی و مبادله شود والّا رجال دولت علیّه روم که به هیچ وجه نفعی از این مصالحه ندارند و از خدا می‌خواهند دست‌آویزی پیدا نمایند و عهد را بشکنند آن وقت دولتین فخیمتین واسطه هم شهادت خواهند داد که خلاف و نقض عهد از دولت علیّه ایران شده است و خواهند رنجید و حق مسله این است که دولتها و مأمورین آنها در این چند ساله خسته شده‌اند و می‌خواهند زود کار را بگذرانند که زیاد از

این طول نکشد و هرگز تأمل نخواهند کرد که تو به دولت علیّه ایران بنویسی و دستورالعمل مجدد بخواهی و بعد از انقضاء آن مجلس روز دیگر که بازدید فدوی آمدند همین فقرات را به میان آوردند و فدوی باز جوابها داده است که تفصیل آن را مصحوب چاپار خود که چند روز دیگر خواهد آمد عرض خواهد کرد و از این که در اوقاتی که در پاریس بود کاغذی از جناب موسیوگیزو گرفت که جناب موسیودوبورکند ایلچی دولت بهیّه فرانسه درباب امر رومی حمایت نماید. عالیجاه میرزاحسین‌خان را نزد جناب معزی‌الیه فرستاد که باید شما در این باب حمایت نمائید. جناب معزی‌الیه در جواب گفتند که چون من در اول این معامله مداخله نداشتم نمی‌توانم خود را دخیل نمایم. چون لازم بود جسارت نمود. الامر العالی مطاع.

تحریراً فی ۲۸ شهر صفر سنه ۱۲۶۳.*

توضیحات:

۱. در اصل: لارد

۲. » » : طرابوزاند

۳. » » : قولونل

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، برگ ۶۸، صص ۱۳۳ و ۱۳۴.

[illegible]

[illegible]

تحریراً فی ۲۸ شهر صفر سنه ۱۲۶۴

سند شماره ۱۲۹

تاریخ: [به احتمال قوی اوایل ربیع‌الاول ۱۲۶۴][1]

سواد نامه میرزاآقاسی به میرزامحمدعلی‌خان

سواد کاغذ جناب حاجی که به خط خود به مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه و ایلچی مخصوص مختار دولت علیّه ایران نوشتند. به شرح آن که:

عالیجاه مقرب‌الخاقان فرزندا، با سلامتی از اسفار بعیده مراجعت کرده وارد دارالخلافه استانبول گردیده‌اید ایزد تعالی در همه حال حافظ و نگهبان باد. چاپار دولت فخیمه فرانسه با تعجیل روانه بود دو کلمه مصحوب او نگاشت که کمال رضامندی از این سفر خیریت اثر حاصل است. موافق قاعده حرکت کرده‌اید، و عالیجاه ارجمندی میرزاجواد که آن جا وارد شده، ندانستم رأی اولیای دولت علیّه عثمانیه به کجا انجامید، هفت سال است که این گفتگوها در میان است هیچ ثمری و حاصلی به عمل نیامد. باز همان ایلات در مقام خود ساکن و مشغول تاخت و تاز سرحدات دولت علیّه ایران هستند و با تجّار و زوّار ستم افزودند و نکاسته‌اند حالا شنیدم تدارک‌آلات حربیه و مایحتاج در سرحدات دولت علیّه عثمانیه می‌شود. دولتین فخیمتین واسطین در این باب اصرار و تأکید را در دارالخلافه طهران زیاد از حد گذرانیدند که غایله به میان نیاید و بین‌المسلمین نقار حاصل شود. میرزامحمدعلی فدوی گفته بود:

یار بر حال دل زار گریست	حال دل بین که بر او یار گریست

کسانی که مسلم هستند راضی بر نفاق بین‌المسلمین نمی‌باشند. خود اهل اسلام دائماً در فکر تفریق بین‌المؤمنین هستند. کمال سعی را کردم که این نفاق مبدل به وفاق گردد. سیما با چنین همجواری که هرساله ده کرور منفعت از معاملات و زیارات به اهالی مملکت می‌رسانند، سبب رنجش این گونه همجوار بودن خارج شدن از رویه نکته‌دانی می‌باشد، به آن فرزند بلند جایگاها می‌نویسم که زیاد مذلّت و خواری را قبول نکرده اگر با احترام امضاء به عمل آمد و اولیای دولت علیّه عثمانیّه موافق حق و حساب راه رفتند فیها و نعمت، والا از جنابان مجدت و نجدت نصابان وزرای

مقیم دارالخلافه استانبول تصدیق گرفته و به جناب وزیر مختار دولت فخیمه فرانسه زیادتر اصرار نمایند که کیفیت را به جناب جلالتمآب محبان اعتضادی موسی [موسیو] گیزو هم به این تفصیل قلمی دارد. زیادتر مکث در دارالخلافه استانبول موجب کسر و نقصان دولت علیّه ایران است. بعد از اثبات مطلب و سبقت ایشان عازم دارالخلافه طهران شوید. اولیای دولت علیّه ایران در همه حال اتمام حجت را نمودند: یفعل الله ما یشاء و یحکم مایرید. زیاد زحمت ندارم والسلام خیرختام.*

توضیحات:

۱. از چند نامه‌ای که از ۲۰ محرم تا آخر صفر ۱۲۶۴ میرزامحمدعلی‌خان برای میرزاآقاسی ارسال داشته بود. (اسناد آنها پیشتر آورده شد). میرزاآقاسی از کارشکنی‌ها و اشکال‌تراشی‌های دولتمردان عثمانی و حمایت سفرای دول واسطه از آنها آگاهی یافته و به احتمال قوی در اوایل ربیع‌الاول ۱۲۶۴ اقدام به ارسال این نامه برای میرزامحمدعلی‌خان کرده است. از محتوی این نامه او برمی‌آید که او از عادلانه پایان یافتن قضیه الرزنةالروم و مبادله تصدیق‌نامه‌های عهدنامه مأیوس شده است لذا می‌نویسد: «... زیاد مذلّت و خواری را قبول نکرده اگر با احترام امضاء به عمل آمد و اولیای دولت علیّه عثمانیّه موافق حق و حساب راه رفتند فبها و نعمت ... زیادتر مکث در دارالخلافه استانبول موجب کسر و نقصان دولت ایران است.»

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، برگ ۷۰، ص ۱۳۹.

سواد کاغذ جناب جنرل [illegible] المقرب الخاقان میرزا محمد علی خان نایب الوزاره دول خارجه و ایلچی مخصوص [illegible] دولت علیه
ایران نوشته شرح آنکه [illegible] مقرب الخاقان فرزند [illegible] با سفارت [illegible] مرخص گشته وارد دار الخلافه اسلامبول
گردیده [illegible] در حصول حفظ [illegible] با چاپار دولت فخیمه فرانسه [illegible] مخصوص [illegible]
که [illegible] رضامندی [illegible] خیریت اثر [illegible] موافق قاعده حرکت کرده [illegible] از جمله میرزا [illegible] که [illegible]
وارد شده [illegible] اولیای دولت علیه عثمانیه [illegible] است که این [illegible] در میان [illegible]
[illegible] دولت [illegible] دولت علیه ایران [illegible]
[illegible] دولت علیه عثمانیه [illegible]
[illegible] دار الخلافه طهران [illegible]
[illegible] دولت [illegible]
[illegible] اهل اسلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اولیای دولت علیه عثمانیه [illegible]
[illegible] دار الخلافه [illegible]
[illegible] دولت فخیمه فرانسه [illegible]
[illegible] دار الخلافه [illegible] دولت علیه ایران [illegible]
[illegible] دار الخلافه طهران [illegible] اولیای دولت علیه ایران [illegible]

سند شماره ۱۳۰

تاریخ: ۲۰ ربیع‌الاول ۱۲۶۴

سواد نامه میرزاآقاسی به میرزامحمدعلی‌خان

سواد کاغذ جناب حاجی سلمه اللّه العالی که به مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه و ایلچی مخصوص مختار دولت علیّه ایران نوشته‌اند به شرح آن که:
نوشتجات آن عالیجاها فرزند در ورود به استانبول رسید از مضامین هر یک استحضار کامل حاصل گردید مزید اعتقادات من در کاردانی‌ها[1] و مصلحت‌اندیشی‌های آن فرزند شد. آفرین صدهزار آفرین که درست از عهده فقرات مأموریت خود برآمده است زیرا که از اطراف و جوانب به من خبر رسید و از درست‌کاری و کاردانی آن فرزند نمی‌نوشتند. جای بسیار تحسین است در ضمن خدمات و در ازای زحمات آن فرزند یک قطعه نشان مرحمت و التفات اعلیحضرت قدرقدرت اقدس همایون شاهنشاهی روح‌العالمین فداه عنایت داشتند که انشاءالله این چند روزه به جهت آن فرزند فرستاده خواهد شد. خیلی در این سفر از حرکات و سکنات و طرز رفتار و سلوک آن فرزند خشنود و خرسند و راضی گردید آن قسمی که منظور من بود در سفارت و مأموریت خود در مملکت فرانسه به عمل آورد. انشاءالله می‌خواهم که در توقف استانبول نیز چنان از عهده خدمت برآید که محمود بین‌الامثال و الاقران گردد. از قراری که معلوم شد عالیجاه میرزاجواد خود را به استانبول رسانیده است و امضای مبارک را داده است، دیگر به این جهات معطلی نخواهد داشت. می‌خواهم که به نوعی از عهده گفتگو و قطع و فصل مواد جزئیّه و اتمام ناتمامی کار برآید که دل من می‌خواهد. خود می‌داند که جای مماطله نخواهد بود اگرچه یقین می‌دانم که تا رسیدن این کاغذ آن فرزند کارهای متعلقه به خود را صورت انجام داده است و منتظر حکم احضار خواهد بود ولی بر سبیل مبالغه و تأکید می‌نویسم که باید در کمال فطانت و آراستگی چنانچه لازمه دانشمندی است در آن جا کارهای خود را به زودی و خوبی بگذراند که معطلی زیاد در اقامت آن جا برای آن فرزند به هم نرسد و از خدمت حضور ملوکانه دور نماند. زیاد بر این چه بنویسم البته از قراری که قلمی شده است رفتار نموده محبت باطنی مرا درباره خود بسیار بداند.

تحریراً فی ۲۰ شهر ربیع‌الاول سنه ۱۲۶۴.*

توضیحات:

۱. در اصل: کاردانیهای

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۱۴۰.



سواد [illegible] جناب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آذربایجان [illegible]

شرح آنکه نوشتجات [illegible] در ورود به [illegible] رسید از مضامین [illegible] کاملا [illegible] مزید اعتقادات [illegible]

در کار [illegible] و صحت [illegible] آن عزیز [illegible] آفرین صد هزار آفرین که درست از عهده سفارت ماموریت خود برآمد

زیراکه از اطراف و جوانب هم خبر رسید و از وزیر [illegible] آن عزیز [illegible] بسیار تحسین [illegible] و ضمن خدمات

و درازای زحمات آن عزیز [illegible] اعلیحضرت قدر قدرت اقدس [illegible] روح العالمین فداه عنایت

داشته که [illegible] چند روز [illegible] آن عزیز فرستاده خواهد شد [illegible] از حرکات و سکنات و طرز رفتار و سلوک آن عزیز

خشنود و خورسند [illegible] آنچه منظور [illegible] سفارت و ماموریت خود در مکالمه [illegible] بعمل آورد [illegible] میخواهم که در

اسلامبول [illegible] از عهده [illegible] [illegible] [illegible] خود را [illegible]

رسانیده است [illegible] دیگر با [illegible] مطلع [illegible] میخواهم [illegible] از عهده [illegible] قطع و فصل

[illegible] جزئیه و تمام [illegible] کار [illegible] دل من میخواهم خود [illegible] که [illegible] مطالعه [illegible] اگرچه یقین میدانم

[illegible] تا رسیدن این [illegible] آن عزیز کارهای متعلقه [illegible] صورت انجام [illegible] و منتظر حکم احضار خواهد بود [illegible]

مبالغه و تاکید [illegible] که [illegible] چنانچه لازم [illegible] است در [illegible] کارهای خود [illegible]

[illegible] هم مطلع [illegible] آن عزیز [illegible] و از [illegible] حضور [illegible]

[illegible] دیگر چه نویسم البته از قراری که [illegible] رفتار [illegible] مرا درباره خود [illegible]

۲۰ شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۴

سند شماره ۱۳۱

تاریخ: ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۲۶۴

سوادنامه میرزامحمدعلی‌خان به میرزاآقاسی

...[1] و بعد از انقضاء آن مجلس روز دیگر که [به] بازدید فدوی آمدند باز همین فقرات را به میان آوردند و گفتند حالا که دولت ایران مشغول کار خراسان است به محض این که جوابهای ما را تصدیق نکنی دولت عثمانی عهدنامه ارزنةالروم را باطل خواهد داشت و صلح نخواهد کرد مگر این که دولت ایران را به خطر و خسارت بی‌حساب بیندازد و دو دولت واسطه هم بکلی دست خواهند کشید و علاوه از این که خود را معزول از سفارت می‌کنی مخمصه‌ها به عهده شما خواهد افتاد حالا به طور دولتی به شمار اعلام می‌کنیم و اعلام دولتی مأمور دو دولت بزرگ را سهل و آسان مشمارید و از عاقبت این کار برای دولت خود و خود بیندیشید و از مؤاخذه دولت خود و دولتین واسطه بترسید. فدوی در جواب گفت چگونه امری را تصدیق کنم که ضرر علانیه برای دولت خودم مشاهده می‌کنیم ازجمله آن جنابان در جواب دولت عثمانی نوشته‌اند که دولت عثمانی فقط شهر و لنگرگاه و جزیرةالخضر را به دولت ایران ترک کرده است، دیگر زمینی و بندری که در آن جاها می‌تواند داشته باشد ترک نکرده است، سخن من در این باب این است که شهر محمّره که ذکر شده است شهر و توابع شهر و اراضی که متعلق به اوست منظور بوده است. اگر فقط قلعه شهر منظور بود می‌نوشتند فقط قلعه محمّره تعلق به دولت ایران دارد و اسم شهر را مذکور نمی‌ساختند. و این که نوشته‌اند دولت عثمانی فقط شهر محمره را ترک کرده است یا اراضی دیگر محمّره ملک ایران بوده است و ملک دولت عثمانی نبوده است که به دولت ایران داده باشد دولت ایران از دو کرور خسارات آن جا محض تکلیف دو دولت واسطه گذشتند حالا می‌خواهند ملک محمّره را ملک عثمانلو بشمارند جنابان معزی‌الیهما از جوابهای من کمال تغیّر را به هم رسانیده گفتند ما شنیده بودیم که جناب شما سی سال است در کار وزارت و سفارت و امورات دولتی بوده‌اید و سیاحت بسیار کرده‌اید از قانون استحضار کامل دارید با این که در عهدنامه صراحتاً نوشته‌اند شهر و بندر محمّره و لنگرگاه و جزیرةالخضر را

دولت عثمانی به دولت عثمانی به دولت ایران ترک می‌کند ملکی است از عثمانلو که واگذار به دولت ایران می‌کند و خارج می‌نماید زمین و جزیره هر چیز دیگر را این طور ایرادها به وزیر مختار دولت بزرگ گرفتن از آداب‌دانی شما بسیار دور است، حالا که اینطور است ما بعد از این عهد دولتی را شکسته می‌دانیم و شما را هم ایلچی نمی‌دانیم و حالا چاپار خودمان را می‌فرستیم که دولت ایران نقض عهد کرده بعد از خسارت بی‌نهایت که به دولت ایران خواهد رسید دو دولت واسطه دولت ایران را لابد خواهند کرد که از شما مؤاخذه عظیمه شدیده نماید بعد فدوی هرچه جواب گفت، گفتند سخن تمام شد. ما دیگر حرفی نداریم بعد فدوی سه روز مهلت خواست قبول نکردند. گفتند فردا چاپار ما باید برود **از حالا تا هفده ساعت دیگر مهلت شما که چهار فقره جوابی که به دولت عثمانی داده‌ایم، تصدیق نمائید، یا جواب بگوئید قبول ندارم،** آن مجلس به این طریق گذشت، رفتند و بعد از ساعتی هر دو وزیر مختار که کاغذ به فدوی نوشتند که سواد آن در جوف عریضه با سواد چهار فقره مطلب که تفسیر کرده‌اند به حضور سعادت دستور ارسال داشت کاغذ را به همان مضامین که می‌گفتند، نوشتند، فرستادند و پیغام دادند که این کاغذ را برای این نوشتیم که ایلچی بداند ما از جانب دولت خود مأموریم و دولتی اعلام می‌کنیم که اگر تصدیق نکنید جوابهای ما را، عهدنامه ارزنةالروم باطل خواهد شد. **فدوی هر چه فکر کرد دید زور محض است و نمی‌تواند با سه دولت به مخالفت برخیزد لابد موافق سوادی که آنها دادند و در جوف عریضه است نوشته به آنها داد** و فردای آن روز در سفارت‌خانه دولت بهیه روسیه آنها را ملاقات کرد، صراحتاً به آنها گفت که مرا به‌هیچ‌وجه از دولت خود مأموریت و اختیاری نبود چنین کاغذی بدهد و جوابهای آن جنابان را تصدیق نماید اما چون آن جنابان گفتند و نوشتند که اگر من جوابهای آن جنابان را تصدیق نکنم عهدنامه ارزنةالروم خواهد شکست و دو دولت واسطه خواهند رنجید و برای دولت علیّه ایران خطر و خسارت زیاد دارد آن نوشته را دادم. حال موقوف به قبول اولیای دولت علیّه است. غرض، قربانت شوم ایلچیان دو دولت واسطه حمایت صریح به عثمانلو می‌کنند و با این که در گرفتن کاغذ هفده ساعت بیشتر به فدوی مهلت ندادند حالا یک ماه بیشتر می‌شود که از این مقدمه می‌گذرد باز به دفع‌الوقت می‌گذرانند و قبل از ورود میرزاجواد بنا داشتم که انشاءالله وقتی که عهدنامه مبادله شود،

عهدنامه ممضی شده را عالیجاه میرزاحسین‌خان نیاورد و تفصیل وقایعات فرنگستان و روم را کماهو حقه چنانچه در همه جا همراه بود و جوانی فهمیده و عاقل است به عرض بندگانعالی برساند. بعد از ورود میرزاجواد از قرار حکمی که از بندگانعالی در دست داشت مأمور بود که خود او عهدنامه را برداشته مراجعت نماید میرزاجواد را برای آوردن عهدنامه نگاه داشت و از این که عالیجاه میرزاحسین‌خان در همه مجالس همراه بود و از رفتار و کردار سفراء با فدوی استحضار داشت که به نگارش عرایض ممکن ننمود لهذا عالیجاه مشارالیه را حتماً به چاپاری روانه حضور سعادت دستور عالی داشت که مراتب را آنچه در همه جا برای العین دیده و شنیده است مفصلاً به عرض بندگانعالی برساند و مشهدی قاسم آدم خود را هم به اتفاق او روانه داشت که جواب عرایض فدوی را گرفته به مشهدی قاسم داده که زود به فدوی برساند. الحق عالیجاه مشارالیه جوانی شایسته و قابل [است] و فدوی در این سفر کمال رضامندی از او دارد انشاءالله مورد التفات و مرحمت قبله عالم روح‌العالمین فداه و جناب آقایی مدظله‌العالی خواهد شد. همین قدر عرض می‌کنم که از حیثیت، پاکی و هوش و ادراک و قابلیت دخلی به هیچ‌کس ندارد، مستعد و مستحق تربیت و عنایت جناب آقا روحی فداه است.

تحریراً فی ۱۴ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۶۴.*

توضیحات:

۱. از ابتدای سند تا این قسمت که آورده می‌شود، با سند شماره ۱۲۸ مورخه ۲۸ صفر ۱۲۶۴ در کتابچه شماره ۷ سواد مکاتبات عیناً یکی است. لذا برای آگاهی از این بخش، به سند شماره ۱۲۸ مراجعه شود.

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷ صفحات ۱۳۵-۱۳۸.



سرکار [illegible] جناب مستطاب [illegible] نایب [illegible] دولت [illegible] ایلچی مخصوص دولت علیه ایران که بجناب آقای حاجی [illegible]

شرح [illegible] تصدیق [illegible] عرض کرده بود که نظر با [illegible] ایلچی دولت [illegible] [illegible] بود که جناب عالی پاشا وزیر [illegible]

گفته است تا ایلچی ایران آنچه فقره مطلب را [illegible] ما عهدنامه ممضی شده را مبادله نخواهیم کرد فدوی بتوسط جناب میرزا حسین خان



بجناب وزرای عثمانیه [illegible] پیغام داد که از قرار [illegible] رجال دولت علیه عثمانی در باب [illegible] عهدنامه پاره [illegible]

[illegible] و جناب [illegible] اطلاع [illegible] میرزا [illegible] مراجعت [illegible] دولت علیه [illegible]

حاصل [illegible] جناب [illegible] ایلچی دولت [illegible] جناب [illegible] جواب خود گفته بودند [illegible]

[illegible] خواهد [illegible] و شما [illegible] ده روز [illegible] رجال دولت عثمانی [illegible]

شما را [illegible] اعلام کرده [illegible] رجال دولت عثمانی فدوی [illegible] ایلچی دولت [illegible]

خود [illegible] بعد از ده روز [illegible] وزرای عثمانی [illegible]

خود [illegible] میرزا [illegible] ده روز [illegible] وزرای عثمانی [illegible] ده روز

معزی الیهما [illegible] روز چهارشنبه نوزدهم صفر [illegible] وزرای عثمانی [illegible] ملاقات کرده [illegible]

[illegible] که دارد [illegible] فدوی [illegible] دولت علیه [illegible] جنابان معزی الیهما [illegible]

و فدوی با میرزا حسین خان در آن مجلس بودیم اول جنابان معزی الیهما از فدوی سؤال کردند که از دولت ایران در باب عثمانی [illegible]

دارید فدوی در جواب گفتم دولت علیه ایران مرا برتبه ایلچی مخصوص سرافراز و فقط مأمور فرموده اند که عهدنامه [illegible]

[illegible] با عهدنامه ممضی شده اعلیحضرت سلطان مبادله نمایید جنابان معزی الیهما [illegible]

که رجال دولت علیه عثمانی در باب توضیح چهار فقره مطلب عهدنامه [illegible] که سهو نوشته اند [illegible] مأمورین دولت [illegible]

[illegible] سؤال کرده بودند و ما بر طبق هر یک جوابی نوشته ایم که همان سؤال و جواب را هم بنظر اولیای دولت علیه ایران رسانیده اند

و از قرار [illegible] وزرای عثمانی [illegible] دارالخلافه طهران [illegible] باز نوشته اند جناب [illegible] جوابهای ما [illegible] فرموده اند [illegible] عهدنامه را

با مضای اعلیحضرت پادشاه [illegible] بممالک ایران [illegible] فرستاده اند و شما را مأمور کرده اند که آن جوابهای ما را تصدیق کرده عهدنامه

[illegible] مبادله نامه فدوی در جواب نقشه که جناب حاجی آقاسی و وزیر [illegible] است در باب سؤال و جواب
که [illegible] مرقوم نموده‌اند فرموده‌اند جواب کاغذی که به جناب جلالتمآب شیخ وزیر مختار دولت بهیه انگلیس نوشته‌اند
نمودید فرموده‌اند که اگر دولت عثمانی در آن باب گفتگو داشته باشد مطابق آن جوابها که جناب حاجی در طی آن سؤال مرقوم
فرموده‌اند جواب بگویم و آنها را مطلب لازم بود وزیر مختار در جواب گفته آن جوابها چه چیز است و شما چه قسم میتوانید دول
دولت عثمانیه را ساکت نمایید و مطلب نامه بنویسید تا ملاحظه کنیم فدوی مطابق جوابها که جناب [illegible] داده بودند و سؤالهای آن سفیر
انگلیس حضور مبارک در [illegible] عالی آنچه نوشته بود با آنها داده جناب ایلچی بعد از ترجمه و ملاحظه تصدیق نمودند گفتند انشاءالله جوابهایی که شما نوشته‌اید با
اشکالات [illegible] دولت عثمانی نخواهد بود و چون شما کاری که باید بکنید این است که به تصدیق جوابهای سابق ما بکنید و آنها را ممضی بدارید ما که وزرای
مختار دولتین متوسطه هستیم منظوری جز اینکه شما در مسأله [illegible] نداریم و نمیخواهیم نفع دولت عثمانی برسانیم و ضرر دولت
ایران و آنچه ما جواب نوشته‌ایم موافق قانون جات و اصل مضمون عهدنامه است و فردا صورت آن سؤال و جواب را که گفته‌اید اگر
همراه بیاورید از جناب صاحب سفیر [illegible] خواهیم گرفت که ترجمه کنم از مضمون آن درست مستحضر شوم فردای آنروز بیاورد از جناب صاحب سفیر انگلیس
روسیه صورت آن سؤال و جواب را آورده فدوی ترجمه کرده جوابها که سؤالهای آن [illegible] بعد از ارسال حضور عالی داشت با آنها نوشته جات
سفیری الیها باز آن جواب سابق تصدیق نموده باز قرار گفتگو را بمجلس دیگر دادند سه روز بعد باز در سفارتخانه دولت بهیه روسیه اجلاس شده
فدوی به جناب انوری الیها گفت اولا اولیای دولت عثمانی بعد از مهر و مبادله عهدنامه ارزنةالروم وکلای مخصوص طرفین به توسط [illegible]
دولتین متحابتین و واسطه بعد از گفتگوها و [illegible] و تحقیقات چند تا که هیچ حقی نداشته سؤالها در باب توضیح فقرات آن عهدنامه
کرده بودند ما حضرتین ثانیا جناب اقبال‌مآب حاجی سلمه‌الله تعالی بر طبق هر یک جوابی نوشته‌اند و مراتب مرقوم فرموده‌اند [illegible] آنها را بر
دولت عثمانی جواب گویم و اگر علاوه از جوابهای جناب معظم‌الیه بخواهم [illegible] قبول کنم به هیچوجه از دولت خود مأموریتی ندارم و [illegible]
ندارم و [illegible] جناب انوری الیها دیده که آن ایراد صحیح را گرفتم در جواب گفتند که این سؤال و جواب پیش از مهر و مبادله
عهدنامه ارزنةالروم شده بود و حال دولت عثمانی تا این جوابها را نگرفته بوکلای مخصوص خود اذن نمی‌دادند که عهدنامه را
مهر و مبادله کنند چنانچه ما در باب [illegible] خود نوشته‌ایم و جوابهای سابق [illegible] نموده‌اند و حق داشته‌اند و فرموده‌اند باید دولت علیه
ایران آن جوابهای سابق را قبول کند و دولت ایران هم قبول کرده است امر بر شما مشتبه است زیرا که اگر قبول نمی‌کردند چرا عهدنامه
ممضی شده [illegible] و میرزا جعفرخان حکم سفیر بوده که اگر شما [illegible] معذرت گفته باشد عهدنامه ممضی شده [illegible]

بهتر است که هر گاه مبادله تا حال به انجام رسیده بود و اولیای دولت علیه ... می سپردند چرا که از روی عهدنامه مأخوذ می شدیم
جناب شما باید حکماً موافق خواهش اولیای دولت علیه جواب های ما را تصدیق کنید و تصدیق بنویسید تا عهدنامه بین الدولتین ممضی و مبادله
شود و الا اولیای دولت علیه روم به هیچ وجه بغیر از این مصالحه ندارند و از حضرات میخواهند دست آویزی پیدا نمایند و عهد را شکسته
از وقت دولتین متحابتین و سایر هم شهادت خواهند داد که خلاف و نقض عهد از دولت ایران شده است و حق مسئله این است که اینها
و با موردین آنها در این چند سال خسته شده اند و میخواهند زود کار را بگذرانند هر زمانی که از این طول کشیده و هر گز نا ... نخواهند داد
به دولت ایران عرض کنیم و دستور العمل جدید بخواهیم و بعد از انقضای آن مجلس روز دیگر که یازدهم فوریه است باز همین فقرات را بمیان آوردند
و گفتند حالا که دولت ایران مشغول کار خراسان است مصلحت این است که جواب های ما را تصدیق نمایند دولت عثمانیه عهدنامه ارض الروم را باطل خواهد داشت
و صلح نخواهد کرد و بکرات گفتند که دولت ایران بخیال خیانت جواب میدهد و دولتین واسطه هم دست از آن کشیده و علاوه بر اینکه خود
سفیر دولت ایران از سفارت ... جمیع مخصوصه ... شما خواهد ... ما بطور رسمی بشما اعلام میکنیم و اعلام دولتی ماموریم دولت ...
سهل ... شمارید و از عاقبت ... بر ... دولت خود و خود منتفی شده و از طرف دولت خود و دولتین واسطه ...
در جواب گفتم ... تصدیق کنم بهتر علاوه بر این دولت خود ... از جمله ... در جواب ... عثمانیه نوشته اند که
دولت عثمانیه فقط شهر و لنگرگاه و جزیره الخضر به دولت ایران ترک کرده است و دیگر زمین و ... که در اینجا ... داشته باشد ترک
نکرده است ... در جواب این است که شهر محمره که ذکر شده است شهر و اراضی ... متعلق به ... منظور است ... فقط شهر
منظور بود ... فقط ... محمره ... تعلق به دولت ایران دارد و اسم شهر را ... و آنچه نوشته اند دولت عثمانیه فقط شهر
محمره را ترک کرده است ... اراضی ... محمره ملک ایران است ... دولت عثمانیه ... است که به دولت ایران ... دولت ایران
از هر گونه ... دولت ... که ... ملک محمره ... ملک عثمانیه ... به شما ... جناب ...
از جواب های ... را ... گفته ... جناب شما ... است ... سفارت و امور ...
... بسیار ... با آنکه در عهدنامه صراحةً نوشته اند شهر و بندر محمره و لنگرگاه و جزیره الخضر را
دولت عثمانیه به دولت ایران ترک میکند ... از عثمانیه ... دولت ایران ... و خارج ... زمین ... جزیره ...
دیگر ... دولت ... از آن ... که ... است ... از این عهد
... و شما ... ایم ... که دولت ایران نقض عهد کرده بعد از ...
که دولت ایران ... دولت ... از شما ... شده ...

[illegible] سخن تمام است ما دیگر حرفی نداریم جز فدوی سه روز مهلت خواست قبول کردند گفتند فردا [illegible] را با [illegible] بدهد از [illegible]
[illegible] فدوی مهلت [illegible] که جواب فقره جوابی که دولت عثمانی داده ما هم تصدیق نمائید یا جواب [illegible] قرار [illegible]
با [illegible] گذشت رفته و [illegible] عرض [illegible] وزیر [illegible] کاغذ [illegible] نوشته که [illegible] از جوف عریضه با [illegible] جواب فقره
مطلب که تغییر [illegible] از حضور [illegible] ارسال داشت کاغذ [illegible] مضامین که سفارت نوشته فرستاده و پیغام داده که این
کاغذ را برای [illegible] نوشتیم که ایلچی [illegible] ما از جانب دولت خود مأموریم و [illegible] اعلام میکنیم که اگر تصدیق نکنید جوابهای [illegible] عهدنامه
ارزنة الروم باطل خواهد شد [illegible] که [illegible] و [illegible] با [illegible] دولت [illegible] لام [illegible] موافق [illegible]
[illegible] داده و در جوف عریضه [illegible] نوشته [illegible] داد و فردای آن روز که باز [illegible] ایشان را [illegible] کرد
[illegible] با ایشان گفت که [illegible] از دولت خود [illegible] چنین کاغذی [illegible] و جوابهای [illegible]
اما چون [illegible] گفته و نوشته که اگر جوابهای [illegible] تصدیق نکنم عهدنامه ارزنة الروم خواهد شکست و [illegible]
خواهند [illegible] و برای [illegible] خطر [illegible] دارد و آن نوشته را دادم [illegible] موقوف [illegible] دولت علیه است
[illegible] ایلچیان [illegible] صریح [illegible] میکنند و [illegible] کاغذ [illegible] تغییر [illegible]
مهلت [illegible] که از [illegible] میکنند [illegible] وقت [illegible] و [illegible] میرزا [illegible] داشتم که [illegible]
و [illegible] عهدنامه مبادله شود عهدنامه [illegible] میرزا حسین خان [illegible] و بعضی [illegible] فرنگستان [illegible]
چنانچه [illegible] همراه [illegible] و [illegible] قبول است [illegible] از [illegible] که [illegible]
در دولت [illegible] که او عهدنامه [illegible] میرزا [illegible] برای [illegible] عهدنامه [illegible]
میرزا حسین خان در همه [illegible] همراه [illegible] و [illegible] داشت که [illegible] عرض [illegible]
[illegible] حضور [illegible] داشت که [illegible] آنچه [illegible] برای [illegible] نوشته [illegible]
مفصلا [illegible] و [illegible] خواهم [illegible] داشت که جواب [illegible] فدوی [illegible]
داده [illegible] که [illegible] الحق [illegible] جواب [illegible] و [illegible] فدوی [illegible]
از [illegible] دارد [illegible] و [illegible] خواهند [illegible] عرض میکنم که از [illegible]
و [illegible] و [illegible] جناب [illegible] روحی فداه است [illegible]

سند شماره ۱۳۲

تاریخ مبادله: ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۴

تصدیق‌نامه عهدنامه دوم ارزنةالروم[1]

عهدنامه مابین محمدشاه و سلطان عبدالمجید به توسط میرزاتقی‌خان مأمور ایران و انورافندی مأمور عثمانی در ارزروم منعقد شده است.

فهرست مندرجات

فصل اول ـ ترک مطالبات نقدیهٔ طرفین.

فصل دوم ـ واگذار کردن دولتین بعضی نقاط و اراضی را به یکدیگر و تعهدات راجعه به سلیمانیه و محمّره و غیره.

فصل سوم ـ ترک بعضی ادعاهای سابقه و تعیین مأمور برای تحدید حدود.

فصل چهارم ـ درباب قطع و فصل بعضی خسارات و رسومات معوقه.

فصل پنجم ـ شرایط راجعه به شاهزادگان فراری.

فصل ششم ـ درباب حقوق گمرکی مال‌التجارهٔ طرفین.

فصل هفتم ـ شرایط راجعه به زوّار و اتباع ایران در ممالک عثمانی و حقوق و امتیازات مومی‌الیهم کنسولها[2]ی دولتین و محل اقامت و امتیازات مشارالیهم.

فصل هشتم ـ تعهدات دولتین درباب عشایر سرحدی و دفع و رفَع غارت و سرقت و تجاوزات و نیز درباب تبعیت آنها.

فصل نهم ـ تأیید عهدنامجات سابقه ـ تصدیق عهدنامه.

فصل اول ـ دولتین اسلام قرار می‌دهند که مطالبات نقدی که تا به حال از یکدیگر ادعا می‌کردند کلیه متروک دارند لیکن این قرارداد به شرطی که درباب تسویهٔ مطالبات مخصوصه در فصل چهارم ذکر شده است؛ خللی وارد نخواهد آورد.

فصل دوم[3] ـ دولت ایران تعهد می‌کند که جمیع اراضی بسیطهٔ ولایت زهاب یعنی اراضی

جانب غربی آن را به دولت عثمانی واگذار کند و دولت عثمانی هم تعهد می‌شود که جانب شرقی زهاب یعنی تمام اراضی جبالیه آن را به اضافهٔ دره [کرند] به دولت ایران واگذار کند و دولت ایران قویاً تعهد می‌کند که از هرگونه ادعا به شهر و سنجاق سلیمانیه صرف‌نظر کرده، به حق تملکی که دولت عثمانی در سنجاق مذکوره دارد وقتاً من‌الاوقات به هیچوجه دخل و تعرض ننمایند و دولت عثمانی قویاً تعهد می‌کند که شهر و بندر محمّره و جزیرةالخضر و لنگرگاه و نیز اراضی ساحل شرقی یعنی سمت یسار شط العرب را که در تصرف عشایری است که معروفاً متعلق به ایران هستند به ملکیت در تصرف ایران باشد و علاوه بر این سفاین ایران حق خواهند داشت که به آزادی تمام از مصب شط العرب الی التقای حدود دولتین در شط مزبوره سیر نمایند.

فصل سوم ـ طرفین متعهد می‌شوند که به موجب عهدنامهٔ حاضره سایر ادعاهایی که در باب اراضی داشتند متروک داشته و مهندس و مأمور تعیین نمایند که موافق مادهٔ سابقه حدود بین‌الدولتین را معین نمایند.

فصل چهارم ـ طرفین قرار دادند که از جانب خود مأمورین معین شود که خساراتی که بعد از قبول اخطارات دوستانه که به توسط دولتین معظمتین واسطه به تاریخ شهر جمادی‌الاولی ۱۲۶۱ تحریر و تبلیغ شده، به طرفین وارد آمده است و نیز مسئلهٔ رسومات مرتع از سالی که تأخیر افتاده است از روی عدالت قطع و فصل شود.

فصل پنجم ـ دولت عثمانی وعده می‌دهد که شاهزادگان فراری ایران را در بُرسا اقامت داده، غیبت مشارالیهم را از محل مذکوره و نیز مناسبات خفیهٔ آنها را با ایران رخصت ندهد و دولتین علیتین متعهد شدند که سایر فراری‌ها را موافق عهدنامهٔ سابق ارزروم تماماً رد نمایند.

فصل ششم ـ تجار ایران حقوق گمکی مال‌التجارهٔ خود را از روی قیمت هر روزه و متداوله نقداً یا جنساً از قراری که در عهدنامهٔ ارزروم ۱۲۳۸ در مادهٔ راجعه به تجارت ذکر شده است، بپردازند و از مبلغی که در عهدنامهٔ مزبوره ذکر شده است، زیاده وجهی مطالبه نشود.

فصل هفتم ـ دولت عثمانی وعده می‌دهد که امتیازات لازمه را دوبارهٔ زوّار ایران معمول دارد تا از هر نوع تعدیات مصون بوده، بتوانند با کمال امنیت محال مبارکه که در خاک عثمانی واقع شده

است، زیارت کنند و همچنین برای استحکام و تأکید روابط دوستی و اتحادی که لازمهٔ دولتین اسلام و تبعهٔ طرفین است دولت عثمانی تعهد می‌کند که مناسبترین وسایل را به کار برد تا چنانکه زوّار ایران در ممالک عثمانی از جمیع امتیازات متمتع می‌باشند، سایر اتباع ایران نیز از امتیازات مذکوره بهره‌ور بوده خواه در تجارت و خواه در مواد سایره از هر نوع ظلم و تعدی و بی‌حرمتی محفوظ باشند و علاوه بر این در تمام نقاط عثمانی به غیر از مکه مکرمه و مدینهٔ منوره هر جایی که از طرف ایران برای منافع تجارت و حمایت تبعه و تجار کنسول لازم شده و معین می‌شود دولت عثمانی مشارالیهم را قبول نموده و وعده می‌دهد که امتیازاتی که لازمهٔ سمت رسمیت آنها است و دربارهٔ کنسولهای سایر دول متحابه معمول است در مادهٔ مشارالیهم نیز معمول دارد و دولت ایران نیز تعهد می‌کند که در مادهٔ کنسولهای عثمانی در هر محل خاک ایران که لازم شد و معین می‌شود و نیز در ماده و تبعه و تجار آن دولت که به ایران رفت و آمد می‌نمایند معاملهٔ متقابله را کاملاً معمول دارد.

فصل هشتم ـ دولتین اسلام تعهد می‌کنند که برای دفع و رفع و منع غارت و سرقت از طرف عشایر و قبایلی که در سرحد می‌باشند، تدابیر لازمه را اتخاذ کرده و مجری دارند و برای همین مقصود در نقاط مناسب عساکر اقامت خواهند داد و دولتین متعهد می‌شوند که از عهدهٔ هر نوع حرکات متجاوزیه از قبیل نهب و غارت و قتل که در اراضی یکدیگر وقوع می‌یابد، برآیند و قرار دادند که عشایر متنازع فیها که صاحبان آنها معلوم نیست فقط یک دفعه به اراده و اختیار خود واگذار شوند که محلی را که بعد از این اقامت خواهند کرد، معین کنند و عشایری که تبعیتشان معلوم است جبراً به اراضی دولت متبوعه داخل شوند.

فصل نهم ـ تمام مواد و فصول معاهدات سابقهٔ علی‌الخصوص مواد و فصول عهدنامهٔ ارزروم ۱۲۳۸ که مخصوصاً به واسطهٔ این عهدنامه الغا و تغییر داده نشده است، به قوه خود باقی خواهد ماند. کانه لفظ به لفظ در این عهدنامه درج شده باشد و دولتین قراردارند که این عهدنامه بعد از مبادله در ظرف دو ماه یا کمتر از طرف دولتین قبول و امضا شده و تصدیقنامه‌های آن هم مبادله شد.*

* . اسناد معاهدات، صندوق $\frac{۱۸}{۱}$

توضیحات:

۱. از بازگشت میرزامحمدعلی‌خان در ۱۷ محرم ۱۲۶۴ تا ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۴ میان او و سفرای دول واسطه بارها بحث و گفتگو در باب کیفیت مبادله تصدیق‌نامه عهدنامه صورت گرفت. مهمترین مسأله در فاصله این دو ماه، طرح ایضاحات و تحمیل آن به میرزامحمدعلی‌خان بود که اهم اسناد آن آورده شد. بعد از قبول ایضاحات از جانب نماینده ایران و دادن شرحی مبنی بر موافقت خود به سفرای دول واسطه. بالاخره در ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۴ یعنی پس از یک سال و یک روز کم که از امضای معاهده می‌گذشت (۱۶ ربیع‌الثانی ۱۲۶۳) در مجلسی در خانه عالی پاشا وزیر امورخارجه عثمانی مبادله تصدیق‌نامه‌های عهدنامه دوم ارزنةالروم صورت گرفت.

۲. در اصل: قونسولهای

۳. « « : دویم

این سند در جلد اول گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، آمده است. (صفحات ۴۷۹-۴۸۱)

تصدیق نامه عهدنامه دوم ارزنةالروم

تاریخ مبادله: ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۴

تصدیق اولنمشدر

مذكوره اولان دولت عثمانیه نك مملكتنه و قلمرولرینه بر گونه حق تعرض ایتمیه جكنی قویا تعهد ایدر

و محمره شهری و بندری و جزیرة الخضر و لنكرگاهی و هم دخی شط العربك شرقی جانبنده یعنی جانب یسارنده شط العربك

معروف اولان عشائرك تصرفنده بولنان اراضینی ملكیت اوزره ایرانه ترك ایلر و دولت عثمانیه

تعهد ایدر و بوندن بشقه شط العربك كرك منصبی و كرك محلاتی طرفینك مشترك ...

... اولنه جق ...

... اراضی ...

تعیینی تعهد ایدرلر ...

...

...

... دولت عثمانیه ... ایران ...

... ایران ...

عقد اولنان ...

[illegible] ممالک دولت عثمانیه‌ده کائن اولان [illegible]

[illegible]

عثمانیه [illegible]

تأکید و استحکام [illegible] ممالک [illegible] عثمانیه‌ده جمیع [illegible]

مذکوره [illegible]

[illegible]

[illegible] ممالک عثمانیه [illegible] جمیع [illegible]

[illegible] دولت عثمانیه [illegible]

کافه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] معاهده [illegible]

[illegible]

[illegible]

بوندن طرفنده دولتين جانبندن قبول و امضا اولنوب [illegible] مبادله قلنمق [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سند شماره ۱۳۳

تاریخ: ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۴

سواد صورت مجلس مبادله رسمی عهدنامه دوم ارزنةالروم

صورت مجلسی که به جهت مبادله عهدنامه مبارکه واقع شده در خانه جناب عالی‌پاشا وزیر دول خارجه دولت علیّه عثمانیّه در بیست و یکم ماه آزار[1] سنه ۱۸۴۸ مطابق ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۴.

حضار مجلس: جناب عالی پاشا وزیر دول خارجه دولت علیّه عثمانیّه

جناب میرزامحمدعلی‌خان ایلچی مخصوص دولت علیّه ایران

جناب لرد[2] کولی وزیر مختار دولت بهیّه انگلیس

جناب موسی تیتف وزیر مختار دولت بهیّه روسیه

مأمور مرخص دولت علیّه عثمانیه و دولت علیّه ایران جمع شدند در این مجلس مخصوص همراه مأمورین دو دولت واسطه، جناب عالی پاشا وزیر دول خارجه اعلان کرد که اذن از سلطان دارد که مبادله کند عهدنامه مقرره فیمابین ایران و عثمانی راکه در سی‌ویکم ماه ایار[3] سنه ۱۸۴۷ مطابق ۱۶ جمادی‌الآخر سنه ۱۲۶۳ سمت انعقاد یافته. جناب میرزامحمدعلی‌خان ایلچی مخصوص دولت علیّه ایران نیز اعلان کرد داشتن اذن از جانب پادشاه خود در این باب. لهذا عهدنامه منعقده ارزنةالروم همراه تصدیق‌نامه‌های شاهانه از طرف اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت سلطان بعد از ابراز طرفین مقابله شد و مشخص شد که تماماً مطابق است با یکدیگر همچنانکه می‌باید و مبادله دو تصدیق‌نامه که رسماً وقوع یافت فیمابین جنابان مذکورین مختارین در حضور دو مأمور مذکوره بود. به این سبب این صحیفه به چهار نسخه مطابق نوشته شده که متضمن است به دستخط و مهر جنابان از برای معلوم شدن دولتین علیّتین و همچنین از برای معلوم شدن دو دولت واسطه از این قرار دستخط گذارده‌اند.

عالی [پاشا]، محمدعلی [خان]، لردکولی، [موسی] تیتف.*

توضیحات:

۱ و ۳. این دو ماه از ماههای تاریخ رومی است که در عثمانی رایج بوده و هنوز هم متداول است. نگاه کنید به: گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله، تألیف احمد بیرشک، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (تهران ۱۳۶۷) ص ۱۸۹.

۲. در اصل: لارد

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، برگ 71 a.

۷۶

[illegible]

سند شماره ۱۳۴

تاریخ: ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۴

سواد ترجمه پروتکل مجلس دیپلوماتیک

«پروتکل مبادله عهدنامه»

صورت مجلس شورای که در استانبول در عمارت جناب جلالت مآب عالی پاشا وزیر امورخارجهٔ باب عالی که مورخهٔ بیست‌ویکم ماه مارس سال ۱۸۴۸ مطابق پانزدهم ربیع‌الآخر ۱۲۶۴ هجری منعقد یافت.

اسامی جالسین مشورت‌خانه از قرار تفصیل ذیل است:

جناب مستطاب عالی پاشا وزیر امورخارجهٔ باب عالی، جناب میرزامحمدعلی‌خان ایلچی مخصوص سرکار اعلی‌حضرت شاهنشاهی دولت ایران، جناب لرد کولی[۱] وزیر مختار و مأمور مخصوص بریتانیای اعظم، جناب تیتف[۲] سفیر مخصوص و وزیر مختار سرکار اعلحضرت امپراطوَر[۳] ممالک روس.

مأمورین مخصوص دول ایران و عثمانی بالاتفاق مشورت رسمی را با وکلای مختار دو دولت اصلاح‌کنندهٔ انگلیس و روس نمودند. جناب عالی پاشا وزیر امورخارجهٔ باب عالی در مجلس بدین عبارت ناطق شد که من از جانب اعلحضرت سلطان مأمور هستم که مذاکره و سؤال و جواب قطعی مبادلهٔ عهدنامهٔ منعقدهٔ مابین دولتین ایران و عثمانی را که نوزدهم ماه مه ۱۲۶۳ در ارض‌روم [ارزنةالروم] منعقد شده است تمام نماییم.

جناب میرزامحمدعلی‌خان هم به همان عبارت تقریر وزیر دولت عثمانی را مذکور ساخت که من نیز جانب اعلحضرت شاهنشاه ایران مأمور هستم که این امر را صورت بدهیم و مأمورین هر دو دولت ایران و عثمانی را وفق فرامین و اسناد معتبرهٔ خود که در محضر محاکمهٔ مأمورین مشارالیها انگلیس و روس نمودند، مستحسن و مقبول‌الطرفین‌اند به جهت شهادت صورت مجلس به مهر مأمورین هر چهار دولت ممهور به امضای دستخط آنها ممضی و مزین گردید.

محل مهر عالی پاشا ـ محل مهر و امضای لرد کولی ایلچی انگلیس ـ محل مهر میرزامحمدعلی‌خان ـ محل مهر ایلچی دولت روس تیتف.

ترجمه مطابق اصل است بندهٔ درگاه ... جعفر، مترجم وزارت امورخارجه.*

توضیحات:

۱. در اصل: لورد کاولی

۲. « « : تیوتوف

۳. « « : ایمپراطور

* . صندوق ۶، این سند قبلاً در جلد اول «گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی» آمده است صص ۴۸۶ و ۴۸۷.

پروتوکل مجلس دیپلوماتیک



صورت مجلس شورایی که [illegible] در عمارت جناب جلالتمآب عالی پاشا وزیر امور خارجه باب عالی

که در روز سه‌شنبه [illegible] ۱۸۴۸ مطابق با [illegible] ربیع الاول ۱۲۶۴ هجری منعقد یافت

اسامی [illegible] جناب [illegible] عالی پاشا

وزیر امور خارجه باب عالی جناب میرزا محمد علی خان [illegible] اعلیحضرت شاهنشاه

دولت ایران جناب لرد کاولی وزیر مختار و مأمور مخصوص بریتانیای اعظم

جناب تیتوف [illegible] و وزیر مختار [illegible] امپراطور ممالک روس

مأمورین مخصوص دول ایران و عثمانی بالاتفاق [illegible] وکلای [illegible] دولت

اطلاع کننده انگلیس و روس [illegible] جناب عالی پاشا وزیر امور خارجه باب عالی در مجلس

عبارت [illegible] از جانب اعلیحضرت سلطان مأمور هستم که مذاکره و سؤال

و جواب [illegible] مبادله عهدنامه منعقده مابین دولتین ایران و عثمانی را که نوزدهم

ماه [illegible] ۱۲۶۳ در ارزنة الروم منعقد شده است [illegible] جناب میرزا محمد علی خان

همان عبارت تقریر وزیر دولت عثمانی را [illegible] که من نیز از جانب اعلیحضرت

شاهنشاه ایران مأمور هستم که [illegible] و مأمورین [illegible] دولت [illegible]

[illegible] که [illegible] مأمورین [illegible] انگلیس و روس [illegible]

[illegible] صورت مجلس [illegible] مأمورین [illegible] دولت [illegible]

Procès-verbal de la Conférence [illegible] l'échange des ratifications du Traité [illegible] entre les [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] l'année 1848/13 [illegible]

(1)

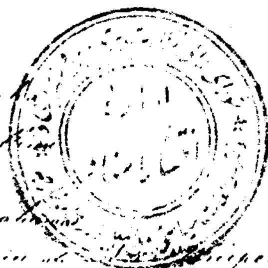
Présents:

Son Excellence [illegible] Ministre des Affaires de la Sublime Porte

Son Excellence Mirza Mahmoud Khan, Envoyé extraordinaire de Sa Majesté le Schah de Perse.

Son Excellence Lord Cowley, Ministre plénipotentiaire de S. M. Britannique.

Son Excellence [illegible] Envoyé extraordinaire et Ministre plénipotentiaire de Sa Majesté l'Empereur de toutes les Russies.



Les Plénipotentiaires de la Sublime Porte et de la Cour de Perse s'étant réunis en conférence officielle avec les représentants des deux Cours Médiatrices, Son Excellence Ali Pacha, Ministre des Affaires Étrangères de la Sublime Porte a déclaré qu'il était autorisé par Sa Majesté le Sultan à procéder à l'échange des ratifications du traité conclu entre la Porte et la Perse à Erzeroum le 19/31 mai de l'an 1847 (16 Djemazil akhir 1263). Son Excellence Mirza Mahmoud Ali Khan Envoyé extraordinaire du Schah de Perse a déclaré de son côté avoir l'autorisation de son souverain à ce même effet.

En conséquence les instruments [illegible] du Traité d'Erzeroum revêtus de la ratification souveraine de Sa Majesté le Schah et de Sa Majesté le Sultan ayant été produits des deux parts, ont été collationnés et trouvés exactement conformes et en bonne et due forme; après quoi l'échange des deux ratifications a été formellement effectué entre nous

Excellences les dits Plénipotentiaires, et en présence des deux Représentans sus mentionnés.

En témoignage de quoi le présent Protocole a été rédigé en quatre exemplaires identiques munis des signatures et des cachets de leurs Excellences pour l'information des Hautes Cours contractantes ainsi que des Hautes Cours Médiatrices.

Aali



Mahamad Aly

Cowley

Titoff

سند شماره ۱۳۵

تاریخ: ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۲۶۴

سوادنامه میرزامحمدعلی‌خان به میرزآقاسی

سواد کاغذ جناب میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه و ایلچی مخصوص [دولت] علیّه ایران که به جناب حاجی سلمه‌اللّه العالی نوشته است. به شرح آن که: تصدقت شوم چند روز قبل روزنامه فرنگستان را با صورت مکاتبات با سفرای دولتین متوسطین مصحوب عالیجاه میرزاحسین‌خان و مشهدی قاسم چاپار انفاذ حضور سعادت دستور بندگانعالی داشت. انشاءالله تعالی تا به حال از نظر سعادت اثر گذشته است و بر رأی منیر عالی معلوم آمده که به طوری که سفرای دولتین متوسطین چند فقره از عهدنامه ارزنةالروم را توضیح و تأویل کرده‌اند. حمایت از دولت عثمانی کرده‌اند. چنانچه درباب ملک و لنگرگاه محمّره که با آن طور توضیح کرده‌اند خواسته‌اند رخنه در اراضی و جزیره محمّره نمایند اما این معنی حاجت به توضیح ندارد و مثل آفتاب روشن است که تا هر جا که در تصرف شیخ جابر بوده و خانه و مسکن اعراب بنی‌کعب است داخل در شهر محمّره محسوب می‌شود و اگر به زور از فدوی تصدیق‌نامه گرفته باشند شرط ملکیت را که تصرف است باطل نمی‌کند و همچنین درباب خسارت اشخاص که می‌خواهند خسارت کربلای معلی را به این واسطه داخل مطالبات اشخاص بشمرند که دولت علیّه حق نداشته باشد در آن باب مطالبه دولتی نمایند او را نیز باطل نمی‌کنند. چنانچه نوشتجات سفرا در درست است که دولت علیّه عثمانی فقره خسارت کربلا را خارج از قرارداد و فصول عهدنامه قرار داده‌اند و خود مقر شده‌اند که از عهده خسارت بیرون خواهند آمد فدوی صراحتاً به جنابان وزرای مختار گفت که اولیای دولت علیّه ایران محض توسط دو دولت بزرگ از دو کرور خسارت محمّره چشم پوشیدند حالا شما می‌خواهید اراضی و جزایر محمّره را به دولت عثمانی بدهید. از انتقام شهدای کربلای معلی اغماض کردید. شما می‌خواهید خسارت آن جا را هم پایمال نمائید. از این معنی برآشفته بسیار تندی و تلخی کردند و گفتند مضمون صریح عهدنامه فقط شهر محمّره را دولت عثمانی به

ایران داده است نه سایر ملک باغستان بصره را و همچنین در باب خسارت به جز چند فقره که در عهدنامه معین شده است باقی مطالبات اشخاص است نه دولتی. خلاصه قربانت شوم سفرای دو دولت واسطه بخصوص سفیر انگلیس زیاد از حد در این باب ساعی بود. مع ذلک درباب مبادله به هیچ وجه اقدامی نمی‌کردند تا این که فدوی به توسط مترجم خود به هر دو پیغام فرستاد، که شما درباب تصدیق‌نامه که به زور گرفتید ایلچی ایران را تا هفده ساعت بیشتر مهلت نمی‌دادید[1] چگونه است که این کار مبادله این قدر طول می‌کشد و دولت عثمانی به دفع‌الوقت می‌اندازد. هیچ اصرار ندارید. من صراحتاً به طور دولتی به شما اعلام می‌کنم که اگر در این هفته امر مبادله نگذشت من میرزاجواد را با عهدنامه پس خواهم فرستاد اگرچه در ظاهر قدری های و هو کرده بودند اما در باطن خیلی تأثیر کرده بود و عصر همان روز هر دو به منزل جناب عالی‌پاشا وزیر دول خارجه رفته بودند و اصرار کرده بودند که دو روز دیگر باید عهدنامه مبادله شود. جناب عالی‌پاشا هم قبول کرده رقعه به فدوی نوشته که در روز پانزدهم در ساعت شش به منزل من برای مبادله بیاید. فدوی در روز و ساعت موعود به خانه جناب عالی‌پاشا رفته جنابان وزرای مختار لردکولی و موسیو تیتف با مترجم‌های خودشان نیز حضور داشتند بعد از مقابله و تصحیح عهدنامه تصدیق شده به دستخط همایون را با عهدنامه دستخط شده اعلیحضرت سلطان مبادله کرده درباب این که جناب صدراعظم شرحی مشعر بر تصدیق خط اعلیحضرت سلطان بنویسند فدوی اظهار کرد وزرای مختار جواب دادند که قاعده نیست. شهادت‌نامه اجلاس را چهار نسخه نوشته و همگی مهر کردیم شاهد بر گذشتن کار و تصدیق اعلیحضرت سلطان دانسته و سوادی از آن صورت اجلاس را در جوف عریضه به حضور بندگانعالی فرستاد. خود عهدنامه را هم عالیجاه میرزاجواد در هفته آینده به حضور سعادت دستور بندگانعالی خواهد آورد با وصف آن توضیح نامه وزرای مختار خیلی منت تحویل می‌دادند که دولت عثمانی راضی به مبادله نمی‌شد و می‌خواست راه پیدا کند که مبادله نکند ما نگذاشتیم و آنها با سه نفر ترجمان آنها توقع نشان شیر و خورشید دارند و همچنین جناب صدراعظم و جناب وزیر دول خارجه و چند نفر از نواب و منشیان آنها دیگر اختیار با بندگانعالی است ...[2]

تحریراً فی هیجدهم شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۲۶۴.*

توضیحات:

۱. راجع به قضیه «مهلت هفده ساعته ...» نگاه کنید به سند شماره ۱۳۱ مورخه ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۲۶۴.

۲. ادامه سند گزارشی است درخصوص مسائل روز فرانسه، از قبیل تشکیل پارلمان، جمهوری شدن فرانسه و غیره.

---

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

مراسله جناب میرزا محمدعلی خان نایب الوزاره [illegible] مخصوص علیه ایران که بتوسط جناب جلالتمآب [illegible] رسید شرح آنکه
تصدیق شده چند روز قبل روزنامه فرنگستان را با عبارات مکاتبات و مکالمات با سفرای انگلیس و روس توسط [illegible] میرزا جعفرخان
در عهدنامه [illegible] چهار پنج فصل حضور سعادت [illegible] ارسال داشت [illegible] تا حال از نظر سعادت اثر گذشته است در باب [illegible]
[illegible] که بعد از آنکه سفرای انگلیس و روس مضمون چند فقره از عهدنامه ارزنةالروم را توضیح دادند [illegible] حمایت از دولت عثمانیه
[illegible] جناب [illegible] در باب ملکیت [illegible] محمره که با نظر توضیح کرده‌اند خواسته‌اند رخنه در اراضی و جزیره محمره بنمایند اما اهتمام جناب [illegible] توضیح
[illegible] ارشادات [illegible] که تا حال که در تصرف شیخ جابر [illegible] و مسکن اعراب بنی کعب است داخل در شهر محمره محسوب بشود
[illegible] از فدوی تصدیق نامه گرفته باشند شرط ملکیت آنکه تصرفات باطل نکنند و همچنین در باب زیارت اماکن که میخواهند زیارت
کربلای معلی بروند [illegible] داخل مطالبات اشخاص می‌شود که دولت علیه حق [illegible] در آن باب [illegible] باطل نکنند
چنانچه نوشتجات سفرا در دست است که دولت علیه عثمانیه فقره زیارت کربلا را خارج از قرارداد و فصل عهدنامه قرار داده‌اند
و خود مقر شده‌اند که از عهده زیارت بیرون خواهند آمد فدوی صراحةً بجناب بابی وزرای مختار گفته که اولیای دولت علیه ایران
[illegible] چشم پوشیده [illegible] میخواهند اراضی و جزایر محمره را دولت عثمانیه [illegible]
[illegible] اغماض کرده [illegible] میخواهند زیارت [illegible] تا حال [illegible] از این فقره [illegible] کرده
مضمون صحیح عهدنامه فقط شهر محمره را دولت عثمانیه با ایران داده است نه سایر [illegible] بصره و همچنین در باب زیارت
بجز چند فقره که در عهدنامه [illegible] مطالبات اشخاص است نه دولتی خلاصه [illegible] سفرای دولتین
[illegible] بهیچ وجه اقدامی نکردند تا اینکه فدوی بتوسط مترجم خود پیغام
فرستاد که [illegible] در باب تصدیق نامه [illegible] تا هفته [illegible] مهلت بدهند [illegible] که
[illegible] نشده و دولت عثمانیه [illegible] اعلام میکنیم که اگر در
هفته [illegible] خواهم فرستاد اگرچه [illegible] اما در باب [illegible]
تا [illegible] بمنزل جناب عالی پاشا وزیر دول خارجه رفته [illegible] که در روز دیگر با [illegible] عهدنامه
مبادله شود جناب عالی پاشا [illegible] در ساعت شش بمنزل [illegible] برای مبادله
فدوی در روز [illegible] ساعت [illegible] جناب عالی پاشا رفته جناب بابی وزرای مختار [illegible] باتر جمهای
خودشان [illegible] حضور داشتند [illegible] تصحیح عهدنامه تصدیق شده [illegible] با عهدنامه [illegible] اعلیحضرت
سلطان مبادله کرده در باب [illegible] جناب صدراعظم [illegible] تصدیق [illegible] اعلیحضرت سلطانی [illegible] فدوی [illegible] وزرای
مختار حوالت داده‌اند که قاعده [illegible] شهادت نامه [illegible] مبادله را چهار نسخه نوشته و [illegible] مهر کرده [illegible] کار

و الصدق اعلیحضرت سلطان دانسته و لوازم آن صورت اعلانش را در جوف عریضه که حضور مبارک ارسال
خود عهدنامه سوم هم عالی پاشا میرزا حسین در عقبه آینده که جدید سوم در دستور هیئت کابینه خواهد آورد با وصف آن از وضع تمام
مقدار حقارت جنیمت تحویل میدادند که دولت عثمانی از هر جانب دولتمند شده و مشغولیت راه سید کنند که مبادا دولت
مانند اشیم و آنها با سه نفر رجال از آنها توقع لشکر بشر و حوزه شده دارند و همچنین جناب صدر اعظم و جناب
وزیر دول خارجه و چند نفر از وزراء بنشیان آنها دیگر اختیار با هیئت کابینه است و دیگر از وقایع تازه فرانسه
آنکه ملت فرانسه در سال که خانه پارلمنت را باز کرده خواسته بودند پاره از وزرا و ارکان دولت و پاره از وکلای
رعیت را تغییر و تبدیل دهند در اواخر شهر ربیع الاول خواستند رئیس ملت فرانسه ضیافتی که قرار داده بودند بدهند
به عهد اعلیحضرت پادشاه و جناب میسیو گیزو مانع آمده قشون را با اسباب جنگ حاضر کردند در پاریس بازار عام
همه سلاح برداشته و قشون ملتی فرانسه آماده جنگ گشت پادشاه خواست قانون تازه در دولت بگذارد که آنها
ساکت شده و موسیو [illegible] را که یکی از وکلای رعیت بود نزد خود طلبید که وزرا را [illegible] تغییر دهد هم راضی نشده
بعد موسیو [illegible] و موسیو اودیلن بارو که از رؤسای وکلای رعیت بودند حضور رسیدند آنها گفتند که اگر شما از سلطنت استعفا کنید
و نواده تان سلطان شود و مادرش را نایب با حق او راضی میشویم پادشاه فرانسه بعد از آنکه از سلطنت استعفا کرد رفت رعیتها
به خانه پارلمنت گفتند حق حقه ما گفته پادشاه نمیخواهیم و نمیخواهیم دولت جمهور باشیم لهذا [illegible] عده قشون
حمله [illegible] از طرفین کشته شدند بعد آرام گرفتند و نواده و مادرش بیچاره رفته پادشاه و وزرا [illegible] با مادرش
و موسیو گیزو با سایر وزرا [illegible] قرار گرفتند بطوریکه هیچ [illegible] بودند دولت فرانسه جمهوریه شد و تمامی ممالک فرانسه متحد گفته
بعد از آنکه جمهوریه شهرت نامه نوشته قرار دولت خود را [illegible] که یکی از آنها این بود که ممالک [illegible] متعرض نشوند [illegible]
دولت انگلیس [illegible] و پاره خیالات که تازه در نظر داشت [illegible]
[illegible] جمهوریه [illegible] دولت [illegible]
دولت عثمانی سؤال کرده بود که شما در باب جمهوریه فرانسه چه [illegible] دولت جواب [illegible] و بنای [illegible] دارند [illegible]
فرانسه که [illegible] صورت باشد [illegible]
[illegible] از دولت عثمانی [illegible] ایلچی صورت [illegible] فرانسه [illegible]
جمهوریه گذاشت [illegible] دولت فرانسه ایلچی [illegible] جمهوریه [illegible]
[illegible] ترجمه [illegible]

رسیده‌ایم و اکثر اوقات مصروف تهیه ایم برای لازم است که هرگاه در کار ما هست با عزت ببینیم فوری که فهمیده این خواهش
ارزکار رکذار انگلیس شده است جواب داده که آصف الدوله ما را بی تو بمکه معظمه برود و مراجعت هرات الذین کنند
ها الدکه رو بعیه لو سرعه بدارد و اجازه اولیای دولت است در این صورت کی داخل قرار یافت مجرای نه و اکنون بیاید اکثر
سلطنه بنویسند جناب مشیر الیه جواب داده حالا ما نوشتیم بعیه لو که دعوت کنند انگلیس ... مانع نشود
انگلیس بعد بنا رسیده که ... تا اولیای دولت در باب ... اظهار دوا ... جناب ... وزیر مختار انگلیس ...
وداع منزل فوری آمده بود خود اظهار داشت که جناب آصف الدوله کاغذی نوشته بود که اگر من با ایران
بروم تا حفظ ... خود بگیرم من در جواب گفتم حالا برو بعیه لو و عریضه بنویس اگر احضار کردند برو به طهران
انگلیس منتخبه ... چنین گذارش لازم بود جسارت کرد باره اخبار از هندوستان رسیده بود برادران ...
عریضه فرستاد ... میرزا محمد ... ارزرو الامر الاعلی مطاع تحریر را ... سیم ربیع الاول سنه ۱۲۶۴

سند شماره ۱۳۶

تاریخ: ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۴

سواد نامه میرزامحمدعلی‌خان به میرزاآقاسی

سواد کاغذ جناب مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه و ایلچی مخصوص مختار دولت علیّه ایران که به جناب حاجی سلمه اللّه العالی نوشته است. به شرح آن که تصدقت شوم در هفته گذشته که چاپار دولت بهیّه انگلیس عازم بود هم به توسط سفارت هم به توسط تجار وقایع امورات اتفاقیه را در طی عرایض عرض و انفاذ حضور سعادت دستور بندگانعالی داشت و امروز که روز بیست‌وپنجم ربیع‌الثانی است و عالیجاه میرزاجواد را با عهدنامه تصدیق شده اعلیحضرت سلطان روانه صوب حضور سعادت دستور بندگانعالی می‌داشت به عرض این عریضه جسارت نمود که سابقاً عرض کرده بود که عهدنامه دولتین در خانه جناب عالی‌پاشا وزیر دول خارجه با احترام تمام در حضور جنابان وزرای مختار دو دولت واسطه مبادله شد در آن جا فدوی خواهش کرد که توپ شادیانه و موزیقان برای مبادله اگر باشد بهتر است جناب وزیر دول خارجه گفتند این طور رسم و قانون دولت ما نیست و برای هیچ دولتی نکرده‌ایم اما قاعده این است که دو سه روز بعد از مبادله شما به رسم دولتی به باب عالی بیایید و به جناب صدراعظم و به من از جانب اولیای دولت خودتان تبریک و تهنیت بگوئید و ما از جانب پادشاه و دولت خودمان به شما مبارک‌باد و تهنیت بگوئیم. در روز موعود از باب عالی بیست نفر غواص فرستاد. اول به منزل جناب رشید پاشای صدراعظم رفتیم و از دو جانب رسوم تبریک و تهنیت گفته شد و جناب معظم‌الیه بسیار اظهار خوشوقتی و انبساط نمود که بحمدالله تعالی عهدنامه دولتین علیتین مبادله شد و رفع غوایل و کلفت گردید و انشاءالله تعالی روز به روز اسباب یگانگی و اتحاد بیشتر و محکمتر خواهد شد. فدوی در جواب گفت بلی مکنون خاطر آن جناب همیشه این بود و هست ولی پاره امورات از سرحداران صادر و ناشی می‌شود و پاره آثار خلاف و بدع از احکام ممالک محروسه عثمانی به ظهور می‌رسد که مغایر قانون دوستی است. در جواب گفتند تا به حال که اتمام امر معاهده نشده بود.

انشاءاللّه حال با همه حکام و سرحدات حکم پادشاهی صادر خواهد شد که سرمویی خلاف قاعده رفتار ننمایند و من خود به نفسه مراقب این امر خواهم بود. بعد تعریف بسیاری از بندگانعالی کرده می‌گفتند از قراری که در تواریخ خوانده و شنیده‌ایم تا به حال چنین شخص دانایی و عالم و فاضلی در ایران نبوده است و از سن شریف اشعار نمودند، فدوی هفتاد گفت بعد گفتند از قراری که می‌گویند الحمدالله هیچ یک از قوای ایشان روبه انحطاط ننهاده است. گفتم بلی، ماشاءالله این هم یکی از دادخدایی است که به جناب معظم‌الیه کرامت فرموده‌اند. بعد مقدمه اوضاع فرنگستان به میان آمد[۱].......

الامر العالی مطاع فی ۲۵ ربیع‌الثانی سنه ۱۲۶۴*

توضیحات:

۱. بقیه سند راجع به اوضاع و مسائل روز کشورهای اروپایی است به ویژه انقلابهای سال ۱۸۴۸ میلادی فرار مترنیخ و ایجاد موج جمهوری‌خواهی در کشورهای اروپایی ...

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، صص ۱۴۴ و ۱۴۵.

[illegible] جناب [illegible] آقای میرزا محمدعلی خان نایب الوزاره [illegible] دولت علیه ایران که به جناب [illegible]

[illegible] شوم در رقیمه گذشته که [illegible] دولت [illegible] تفصیلی عرض [illegible] هم [illegible] وقایع امورات

اتفاقیه را که [illegible] بعضی عرض و [illegible] حضور [illegible] داشت و امروز که روز [illegible] پنجم ربیع الثانی است [illegible]

میرزا محمود را با عهدنامه [illegible] اعلیحضرت [illegible] روانه [illegible] حضور [illegible] عبارت نمود

که [illegible] عرض که بود که عهدنامه [illegible] جناب عالی پاشا وزیر امور خارجه با احترام تمام در حضور جناب [illegible] وزرای

مختار [illegible] مبادله شد در این [illegible] که ترتیب [illegible] و [illegible] مبادله [illegible] بهتر است جناب

وزیر امور خارجه گفته همین طور رسم و قانون دولت [illegible] در برای [illegible] اما قاعده است که [illegible] روز

بعد از مبادله [illegible] جناب عالی پاشا [illegible] جناب صدر اعظم [illegible] از جانب اولیای دولت خودتان تبریک [illegible]

را از جانب پادشاه و دولت خودتان [illegible] مبارکباد [illegible] بگوییم [illegible] روز [illegible] عالی [illegible]

منزل جناب [illegible] پاشا صدر اعظم رفتیم و از جانب [illegible] رسوم تبریک [illegible] گفته شد و جناب معظم الیه [illegible]

و [illegible] الحمدلله [illegible] عهدنامه [illegible] مبادله شد در رفع [illegible] انشاءالله تعالی روز به روز [illegible]

[illegible] استحکام [illegible] خواهد شد [illegible] در جواب گفت [illegible] خاطر [illegible] همیشه [illegible]

امورات [illegible] سرحد [illegible] در باره [illegible] دولت عثمانی [illegible]

که [illegible] قانون [illegible] است در جواب گفته شد تا [illegible] که اتمام [illegible] حال [illegible] سرحدات

حکم پادشاهی صادر خواهد شد که سرپرستان خلاف قاعده رفتار ننمایند و من خود منتظر مراقبت این امر خواهم بود بعد به تعریف بسیاری
از شنبه گذشته کرده مشغول اند از قراری که در تواریخ خوانده و شنیده ایم تا بحال چنین شغلی [illegible] و عالم واقع نشده در ایران [illegible]
و از کسی تعریف اشعار نموده فدوی هم مقالی گفت بعد گفته از قراری که [illegible] انگلیس [illegible] از قوت [illegible] با خط [illegible] نهاده
گفتم پادشاه [illegible] است که بجناب معظم الیه گزارش فرموده اند بعد بمقدمه اوضاع فرنگستان [illegible] آمد
گفته در فرنگستان [illegible] است که دولت مستقل باشند مگر دولت روس و امروز چهار پنج ماه [illegible] که همه ممالک [illegible] آزاد
شده اند و همچنین [illegible] که دولت [illegible] امپراطوری بود دیگر روز تمام شد [illegible] فرار کرد [illegible] امپراطور [illegible]
[illegible] الحمدلله پادشاهان اسلام [illegible] خصوص اعلیحضرت پادشاه [illegible] عین
عدالت [illegible] شورش انگلیس هم مذکور است [illegible]
[illegible] است فدوی از جناب صدر اعظم سؤال کرد که بچه وضع [illegible] از قراری که [illegible] هم [illegible] فرانسه [illegible]
دولت جمهوریه [illegible] دارد و از قراری که جمهوریه فرانسه شهرت داده اند تا کنون دولت خود را به پنج شرط
که یا ازآزادی است [illegible] لذا [illegible] حمایت [illegible] لهذا
آنها هم [illegible] جمهوریه شوند و [illegible] چهار پنج روز دیگر کشتی انگلیس می آید [illegible] خواهیم شد [illegible]
[illegible] تا عهدنامه مبادله شود [illegible] با اعلیحضرت سلطان [illegible] که عهدنامه مبادله [illegible]
حضور اعلیحضرت سلطان خواهند [illegible] میرزا [illegible] جناب [illegible] جناب صدر اعظم
[illegible] فدوی از این [illegible] تمام دارد زیرا که سرحد [illegible] جناب معظم الیه [illegible] و تا بحال چند دفعه
از جناب وزیر [illegible] دولت [illegible] است که چرا [illegible] سلطان [illegible] فدوی [illegible] است همه [illegible]
سرحد [illegible] است لکن هرچه زودتر سرحد [illegible] بهتر بود و خوب است که فدوی سرحد [illegible]
[illegible] است که [illegible] پریشان [illegible] فدوی گفته است که دارد و [illegible]
[illegible] جناب [illegible] بحمدالله [illegible] جناب صدر اعظم [illegible]
بزرگ [illegible] جناب وزیر [illegible]
البته [illegible] لازم است لکن [illegible] حمایت دولت عثمانی [illegible]
و دیگر آنکه فدوی یک قطعه نشان [illegible] صاحب منصب فرانسه [illegible] داد یک قطعه [illegible] است که [illegible]
جناب وزیر [illegible] که برای جناب معظم الیه [illegible] و دیگر [illegible]
[illegible] قرار [illegible] فدوی [illegible] قرار داده [illegible]
همیشه [illegible] خود فدوی [illegible] دولت و دین [illegible] الامر [illegible]

[illegible] ۱۲۶۴

سند شماره ۱۳۷

تاریخ: [احتمالاً جمادی‌الاول ۱۲۶۴][1]

سوادنامه حاجی میرزاآقاسی به وزیر مختار انگلیس

سواد مراسله جناب حاجی است که به جناب وزیر مختار انگلیس نوشته‌اند.

جناب جلالت و مجدت مآبا، نبالت و نجدت اکتسابا، کفالت و کفایت انتسابا، دوستان نوازا، محبان استظهارا، مشفق مکرم معظما؛

مراسله محبت‌آمیز که از راه کمال مهر قلمی فرموده بودند رسید و مضامین دوستی تضمینش معلوم و مفهوم گردید درباب استفسار اولیای دولت علیّه عثمانیّه از لنگرگاه که در عهدنامه مسطور آمده کدام است اعلی جنابان دوستان نوازان ایلچیان عظیم‌الشأن مقیمان استانبول از روی کمال صداقت گفته‌اند که معلوم است لنگرگاه هر بندر محاذی آن بندر می‌باشد. دوستدار را جواب این است: می‌بایست بفرمایند که اسم لنگرگاه نام مجدد نیست بلکه سالهای سال گذشته و قرنهای بی‌شمار طی شده سابقاً مکانی را در آنجاها لنگرگاه گفته‌اند و هیچ محاذی نبود این قید محاذات از شرایط لنگرگاه نیست هنگام تحقق از اهالی و سکنهٔ آنجاها و همچنین از اهالی سفاین دور و نزدیک می‌باید هرجا مشهور به لنگرگاه بوده آنجا را با این اسم هم حالا مرسوم نموده و البته باید تابع پیشینیان شد. آن سؤال را این جواب انسب بوده نه لفظ محاذی و ادّعای علم درباب استفسار.

دوم: جواب این است که لفظ محمره اسم بندری است از بنادر تا هر جاکه اطلاق اسم محمّره یا تابع محمّره یا لاحق محمّره شود آن محمّره می‌باشد. البته به نظر شریف جناب سامی در قبالجات آمده که هر ملکی را داخل در قباله می‌نویسند با توابع ولواحق بالصراحه می‌نویسند مهندسین عظام که وارد آنجا می‌شوند هر جا را مانع دانستند تابع خواهد بود و داخل محمّره و آنچه تابع نبوده باشد احدی گفتگو در آن باب نخواهد کرد.

درباب استفسار سوم[2] معلوم است که شرعاً و عرفاً تصرف دلیل قوی ملکیّت خواهد بود هر جایی را که از مساکن عشایر ایران دولت علیّه ایران همیشه متصرف بوده مال دولت علیّه ایران خواهد

بود در هر جا باشد و اگر در تصرف دولت علیّه عثمانیّه بوده احدی را گفتگو و حرف نخواهد بود.

قلمی فرموده بودید که سبب تعویق امضاء می‌باشد اگر در جواب‌های اولیای دولت علیّه ایران جای خبطی باشد. یقیناً باعث بر عدم امضای اولیای دولت علیّه ایران خواهند بود لکن اگر جوابها مطابق قواعد عقلی و نقلی باشد معلوم خواهد شد که سبب تعویق امضاء اولیای دولت علیّه عثمانیّه می‌باشند چنانکه تا حال به جهت عدم تحقیق سبب تعویق ایشان بوده‌اند و اگر ضرر مطلقاً به طرفین ندارد چنانکه مرقوم فرموده‌اند پس توقف اولیای دولت علیّه عثمانیّه را باید سببی پیدا شود والاّ همان روز کاغذ دولتی به خدمت آن جناب مجدت نصاب دوستان نوازی نوشته زحمت داد که روزی که توپ اعلام مبادله خالی شد اعلیحضرت ظل‌اللهی شاهنشاه جمجاه ایران ادام اللّه دولته الی یوم القیام معاهده را امضاء فرمودند و امری بود به مبارکی و فرخی به سعی و اجتهاد وکلاء و اولیای دولتین فخیمتین گذشت این تعویق همه از امنای دولت عثمانیه شده. زیاد زحمت ندارد ایام جلالت مستدام باد.*

[حاشیه سند] سواد مطابق اصل است.

[مهر] آقاسی

توضیحات:

۱. در جایی از متن سند به پایان یافتن مبادله عهدنامه اشاره شده است. لذا با توجه به این که امر مبادله در تاریخ ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۴ صورت گرفته و در نامه‌ای به تاریخ ۲۵ ربیع‌الثانی (سند قبلی) به چگونگی برگزاری مراسم شادیانه به مناسبت مبادله عهدنامه اشاره شده است. به نظر می‌رسد از ماه بعد یعنی جمادی‌الاول که مأمورین طرفین قصد اجرای مفاد عهدنامه را داشته‌اند. در عمل پاره‌ای مشکلات در تفسیر فقرات عهدنامه پیش آمده که در سند بعدی نیز اشاره‌ای به این موضوع شده است. بنابراین به احتمال قوی این نامه در جمادی‌الاول ۱۲۶۴ از سوی میرزاآقاسی به وزیر مختار انگلیس در ارتباط با همین موضوع نوشته شده است.

۲. در اصل: سیم

---

* . صندوق ۵، پوشه ۳۷.

سواد مراسله جناب حاجی [illegible] به جناب وزیر مختار انگلیس نوشته اند



جناب جلالت و مجدت آیات دوستان مهربانا مکرما [illegible]



مراسله محبت آمیز [illegible] در باب [illegible]

لنگرگاه [illegible] که [illegible] جناب [illegible] وزرای عظام [illegible]

طول [illegible] گفته اند [illegible] لنگرگاه. هر بندر محاذی آن بندر [illegible]

در اسم لنگرگاه، نام محمره نیست بلکه سالهای سال گذشته و قرنهای بیشمار طی شده [illegible] لنگرگاه گفته اند

و لازم نیست در لنگرگاه محاذی [illegible] باشد [illegible] محاذی را بواسطه اینکه هر جا لنگرگاه گفته [illegible]

محاذات از شرایط لنگرگاه نیست [illegible] همچنین [illegible] هر روز [illegible]

هر جا [illegible] لنگرگاه [illegible] اسم [illegible] باید تابع [illegible]

نه لفظ محاذی [illegible] در باب [illegible] در لفظ محمره اسم [illegible] تا هر جا را اطلاق

اسم محمره یا تابع محمره یا لاحق محمره [illegible] محمره [illegible] در قبالجات آمده [illegible]

داخل در قباله [illegible] با توابع و لواحق بالصراحه [illegible] عظام [illegible] هر جا را تابع دانسته

تابع خواهد بود و داخل محمره و آنچه تابع [illegible] خواهد کرد [illegible] در باب [illegible]

در شرعا و عرفا تصرف دلیل قوی ملکیت خواهد بود. هر جائی را [illegible] ساکن عشایر ایران دولت علیه ایران

[illegible] متصرف بوده مال دولت علیه ایران خواهد بود و در هر جا [illegible] در تصرف دولت علیه عثمانیه بوده [illegible]

سند شماره ۱۳۸

تاریخ: جمادی‌الثانی ۱۲۶۴

سوادنامه میرزامحمدعلی‌خان به حاجی میرزاجبّار

سواد کاغذ جناب مقرب‌الخاقان میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه و ایلچی مخصوص مختار دولت علیّه ایران که به عالیجاه حاجی میرزا جبّار مصلحت‌گذار بغداد نوشته‌اند.

به شرح آن که عالیجاه رفیع جایگاها عزت و سعادت همراها دوستا مهربانا. نوشته شما در ۲۹ جمادی‌الاول واصل شد و از مضامینش استحضار کامل حاصل آمد. درباب قلعه حاجی جابر که نوشته بودید خیال کارگذاران دولت علیّه عثمانی در این است که در خاک دولت علیّه عثمانی واقع شده و باید آن قلعه خراب شود. اینها چه حرف است و چگونه می‌شود کسی ادعایی برخلاف حکم صریح عهدنامه مبارکه بکند چنانچه در فقره دوم عهدنامه مقرره صراحتاً مرقوم است دولت عثمانی نیز قویاً تعهد می‌کند که شهر و بندر محمّره و جزیرةالخضر و لنگرگاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب یسار شط العرب راکه در تصرف عشایر متعلقه معروفه ایران است به ملکیت در تصرف دولت ایران باشد در این صورت در جانب یسار شط العرب هر جا که در تصرف عشایر ایران مثل حاجی جابر و غیرِ حاجی جابر است ملک ایران است و احدی نمی‌تواند حکم صریح عهدنامه را تغییر بدهد. لهذا صورت مصالحه نامه را نوشته نزد آن عالیجاه فرستاد که از روی بصیرت و آگاهی جواب بگوئید با چنین مستمسکی که می‌تواند به شما خلاف بگوید شما موافق حکم این عهدنامه هر حقی که دارید چه در باب بندر محمّره چه در باب گذاردن وکیل چه در باب امتیازات کنسولها[1] به استحضار کنسول دولت بهیّه انگلیس با جناب حاجی نجیب پاشا مکتوباً گفتگو بکنید و حق خود را مجری بدارید. اگر چیزی مشکوک فیه یا قرار قدیمه بوده است که آنها بخواهند تغییر بدهند چه مضایقه که لازم باشد. من در اینجا با رجال دولت علیّه عثمانی گفتگو کنم یا اگر حقوق شما را مجری ندارند به نوشته سند از او بدست آورده بفرستید که رفع شود درباب قلعه حاجی‌جابر تابحال در اینجا حرفی نشده است و می‌باید شما در آنجا از روی عهدنامه گفتگو کرده جواب بدهید اگر

بخواهند خلاف عهدنامه بگوئید آن وقت به دارالخلافه تهران یا استانبول اعلام کنید که رفع شود. درباب امتیازاتی که در حق کنسولهای دول سایره می‌شود در حق شما نمی‌شود خود در این باب حق خود را بنوشته مطالبه بکنید و جواب بخواهید اگر قبول نکرده و جواب نوشت همان نوشته را بفرستید تا در اینجا قرار داده شود.

درباب گذاردن وکیل بجز از مکه معظّمه و مدینه منوّره که استثناء شده است، در همه جا از ممالک عثمانی می‌توانیم بگذاریم شما خود به واسطه عالیجاه رانسن صاحب جناب وزیر بغداد قرار بدهید بعد از آن که بنوشته جواب داد آن وقت رفعش آسان است. درباب شلیک[۲] و شادیانه گذشتن امر مصالحه در اینجا من با جناب وزیر دول خارجه گفتگو کردم، گفتند قاعده ما نیست که شلیک و شادیانه نمائیم و در حق هیچ دولتی نکرده‌ایم لکن باید مأمور آن دولت رسماً بیاید به صدراعظم و وزارت دول خارجه تهنیت بگوید ما هم به او تهنیت و مبارک بگوئیم شما هم ملاقات مخصوص رسماً بطور دولتی با جناب وزیر بغداد کرده یکدیگر را تهنیت بگوئید.

درباب تنبیه پنج فقره مقصر آن را هم ببینید با تبعه دول خارجه چگونه رفتار می‌شود شما هم همان طور بکنید و هر گفتگویی می‌کنید به واسطه کنسولگری دولت بهیّه انگلیس باشد که در میانه شاهد شود. هر چیز را نمی‌توان هر روز به رجال دولت عثمانی اظهار کرد و همچنین درباب ملک هر طور تبعه دول سایره می‌کنند شما هم رفتار کنید اگر بخواهند فرق بگذارند قبول نکنید و نوشته بنویسید جواب بخواهید.

درباب تبعه روسیه از قرار خواهش شما با جناب وزیر مختار گفتگو به قدر ده پانزده هزار تومان اسباب از قبیل اسب و شال و جواهر برای اعلیحضرت سلطان پیشکش فرستاده بود و خواهش کرده بود اذن حاصل کرده در بغداد بماند اینجانب مطلع شده کاغذی به جناب وزیر دول خارجه نوشت که آصف‌الدوله خلاف حکم همایون می‌خواهد در بغداد سکنی نماید و پیشکش به حضور اعلیحضرت سلطان فرستاده است از این که جناب معزی‌الیه به خلاف حکم آقای خود به سمت بغداد می‌رود. شما نباید پیشکش او را قبول کنید و او را هم که فراری محسوب می‌شود رد کنید، پیشکش او را جواب دادند قبول نخواهیم کرد. اما در باب رد او هنوز جوابی نداده‌اند چون

حکمی از دولت علیّه نداشتم. اصراری نکردم انشاءاللّه هر حکمی که درباب آصف‌الدوله برسد به شما اعلام خواهد شد. که از آن قرار معمول دارید. گزارشات را زود به من بنویسید همان نقشه که فرستاده بودید با عهدنامه مطابق است، شما در باب قلعه شیخ جابر موافق عهدنامه با آنها جـواب بگوئید.

تحریراً فی شهر جمادی‌الثانی سنه ۱۲۶۴.*

توضیحات:

۱. در اصل: قونسولها

۱. « « : شنیک

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، برگ ۸۱

سواد مراسله جناب مستطاب آقای میرزا محمد علیخان نایب الوزاره خارجه به ایلچی کبیر مختار دولت علیه ایران که به جناب حاجی میرزا ...

شرح نگاشته عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراه ... نوشته شاه در ۲۹ جمادی الاول ... و از مضامین ... کاملاً حالی گردید در باب

قلعه محمره ... نوشته بودید خیال کار کرده اند دولت علیه عثمانی در این است که در خاک دولت علیه عثمانی واقع شده و باید آن قلعه خراب

اینها چه حرف است و چگونه میشود کسی ادعائی برخلاف حکم صریح عهدنامه مبارکه بکند چنانچه در فقره دویم عهدنامه مقرر و مرقوم

دولت عثمانی نیز قویاً تعهد میکند که شهر و بندر محمره و جزیره الخضر و لنگرگاه و هم اراضی ساحل شرقی یعنی جانب یسار شط العرب را که در تصرف عشایر

ایرانی متعلقه معروفه ایران است بملکیت در تصرف دولت ایران باشد در اینصورت در جانب یسار شط العرب هر جا که در تصرف عشایر

ایرانی است هر جا باشد جزو ملک ایران است و هیچ نمیتوانند حکم صریح عهدنامه را تغییر بدهند لهذا صورت ... نوشته ...

در ساعت که از روی بصیرت و آگاهی جواب بگوئید با چنین مستمسکی نمیتوانند ادعای خلاف بکنند تا موافق حکم این عهدنامه هر حقی داریم چه در باب

محمره چه در باب ... و کلیه چه در باب ... با جناب حاجی ... گفتگو بکنید

و حق خود را ... بجز ... قرار ... لازم ...

دولت علیه عثمانی گفتگو ... حقوق ... نوشته ... رفع شود در باب قلعه ...

تا ... در اینجا چه ... شده است و ... از روی عهدنامه گفتگو ... جواب ... خلاف عهدنامه ... آنوقت ...

... اعلام ... رفع شود در باب ... در حق ... سایر ... در حق ... خود در این باب

حق خود ... نوشته ... و جواب ... و جواب ... نوشته ... قرار ... شود در باب

که از روی ... مکه معظمه و مدینه منوره ... شده است در همه جا از ممالک عثمانی ... خود ... جناب

در باب شکوک و شبهاتی که ... از وقت ... بعد از آنکه نوشته جواب ... قرار ... بغداد

برای انجام با جناب وزیر امور خارجه گفتگو کردم گفتند قاعده باعث شکوک و شبهات نخواهد بود و در حق هیچ دولتی ...

امورات دولت را شما باید به صدراعظم و وزارت امور خارجه تهنیت بگویید ما هم باید تهنیت و مبارکباد بگوییم شما هم

مخصوص ... بطور دوستی با جناب وزیر بغداد ... دیگر تهنیت بگویند در باب پنج فقره مقصر آنها هم نوشته با ...

خارجه چگونه رفتار ... شما هم اظهار کنند و ... گفتگو ... رابطه ... دولت ... انگلیس ... و در میانه شما ...

هر چیز را ... در روز ... اظهار کرد و همچنین در باب ملک ... اشاره میکنند شما هم رفتار کنند ...

فرق ... قبول نکنند و نوشته بنویسید جواب بخواهید در باب ... رسید از قرار خواهش شما با جناب وزیر مختار گفتگو خواهم کرد

... در باب آصف الدوله ... به توسط سفارت انگلیس ...

... اعلیحضرت ... پیشکش فرستاده بود و خواهش ... بغداد ...

... جناب وزیر امور خارجه نوشت ... آصف الدوله ... در بغداد ... پیشکش به حضور اعلیحضرت

سلطان فرستاده است ... جناب ... آقای ... بغداد ... شما باید پیشکش ...

... پیشکش ... جواب ... در باب ... جواب ...

... در باب آصف الدوله ... اعلام خواهد شد ...

... نقشه که فرستاده بودید با عهدنامه مطابق است ... در باب ... عهدنامه مبارکه با آنها جواب ...

تحریر فی شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۶۳

سند شماره ۱۳۹

تاریخ: ۱۰ رجب ۱۲۶۴

نامه نماینده انگلیس [فرنت] به میرزاآقاسی

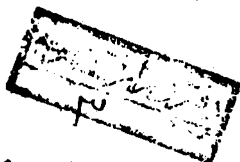
جناب جلالت و نبالت و کفالت نصابا، مخلصان استظهارا، محبان اعتضادا، مشفقا معظما؛

به جهت اطلاع و استحضار جناب سامی نگارش می‌رود که امنای دولت بهیّهٔ انگلیس از جهت مبادلهٔ امضای عهدنامهٔ فیمابین دولتین علیتین عثمانلو و ایران منتهای سرور و خرسندی حاصل کرده‌اند. و دوستدار از جانب سنی‌الجوانب امنای دولت علیّهٔ خود مأمور است که از طرف دولت بهیهٔ انگلیس به امنای دولت علیّهٔ ایران تهنیت و مبارک باد گوید که این امر مطوّل به اتمام رسید و امید دارند که این دوستی فیمابین دولتین علیتین اسلام مؤید و مستحکم و برقرار بماند، چون لازم بود زحمت داد، باقی‌الایام جلالت مستدام باد.

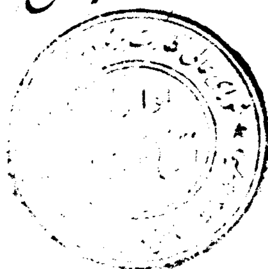
فی ۱۰ شهر رجب ۱۲۶۴.*

* . صندوق ۶. این سند قبلاً در جلد اول «گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی» آمده است. ص ۴۹۱.

جناب جلالت و نبالت همراه کفایت ابهت ... معظم



بجهة اطلاع و استحضار جناب مستطاب عالی نگارش میرود که دولت بهیه انگلیس از جهة مساعی که در انعقاد عهدنامه



فیمابین دولتین علیتین عثمانیه و ایران منتهای سرور و خرسندی حاصل کرده اند و بسیار ازین جهت



... جناب اولیای دولت علیه هم مأمورات که از طرف دولت بهیه انگلیس با اولیای دولت علیه ایران

تهنیت و مبارکباد گوید که این امر مطلوب با تمام رسید و امیدوارند که این دوستی

دولتین علیتین اسلام مؤید و مستحکم و برقرار باشد ... ۱۲۶۴

سند شماره ۱۴۰

تاریخ: ۲۴ رمضان ۱۲۶۴

سواد نامه میرزاآقاسی به میرزامحمدعلی‌خان

سواد کاغذ جناب آقا روحی فداه که به میرزامحمدعلی‌خان نایب‌الوزاره دول خارجه نوشته‌اند. به تاریخ ۲۴ شهر رمضان المبارک ۱۲۶۴.

به شرح آن که: عالیجاها، مقرب‌الخاقانا، فرزندا، در اواسط شهر رمضان‌المبارک نوشتجات آن فرزند که به نگارش پارهٔ [ای] مواد برآمده اظهار و اشعار دارد که این معنی ظاهر است و محتاج به ادله و بیان نخواهد بود که هر کس امری و مهمی را از جزء به کل پیشنهاد همم خود نمی‌کند مگر به جهت حاصلی که از آن امر مترتب آمد منهم می‌خواهم این مرحله را بفهمم که آیا این مصالحه که فیمابین دولتین علیتین ایران و آل عثمان بعد از رد و قبول بسیار و سعی‌ها و زحمات وکلای دولتین واسطه در عرض شش هفت سال اتفاق افتاده آیا چه حاصلی به جهت دولت علیّه ایران به هم رسانید و این نجل وداد و اتحاد مثمر کدام ثمری شد. مقصود از این مصالحه به عمل آمدن مرابطی بود که به جهت دولت علیّه ایران از جانب دولت علیّه عثمانیّه به منصه ظهور رسد وگرنه چه مصالحه و چه دوستی. از جانب آن فرزند هر روز نوشتجات پی چیزی و معطّلی می‌رسد و راست هم می‌گوید زیرا که اخراجات داده و منهم بقدر امکان در دادن تنخواها کوتاهی نکرده‌ام و در آن ضمن هیچ کاری از پیش نرفته است ازجمله شروطها رد خسارات و ایلات است که به هیچ وجه الی حال مجری نشده است و آن فرزند با این که از موضوع کار اطلاع دارید و می‌دانید که هنوز اولیای دولت علیّه عثمانیّه به شرایط صلح وفا ننموده‌اند و در آنجا نشسته است و خرج همطرفی می‌کند و آه و ناله می‌نویسد این مرحله خارج از دو صورت نیست یا اولیای دولت علیّه عثمانیّه به شرایط مصالحه رفتار خواهند نمود یا نخواهند نمود در هر صورت این همه معطلی لازم ندارد. منوط [به] یک، دو، سه مجلس گفتگو است والسلام. اگر این مطالب مجری شد فبها می‌توان گفت این مصالحه چندان بی‌حاصل نبوده است و اگر نشنیدند بر آن فرزند بحثی نیست بر رسول تبلیغ امر است ولی به طرزی که رسل

کرده‌اند. آن عالیجاه به طریق حکمت به قسمی امورات عمده را از پیش برد که طرف مدعی حیران بماند مراد که کمال اطمینان به کاردانی ذاتی و امانت آن فرزند بوده است و اما چون مسافرت آن فرزند به طول کشیده است به تصور آن که مبادا از سبک و سیاق عادیه خود عاری شده باشد این گونه اظهارات می‌رود چنان است که من کمال رضامندی را از محاسن آداب آن فرزند نداشته باشم ولی در این باب من ملجاء می‌باشم که اولیای دولت ابدمدت حاصل عمل را می‌خواهند و من جوابی که موجب اسکات آنها باشد ندارم مگر آن که آنها را وعده به اتمام ورود آن فرزند بدهم که انشاءاللّه با کارهای پرداخته شده از هر باب که تصور شود خود در جواب اولیای دولت علیّه خدمت خود را جلوه دهد و اجرایی داده بل در مواردی که اولیای دولت علیّه در صرافت و فکر آن نیستند و مصلحت دولت است ادعا کند که چنین و چنان کرده است. سابقاً هم مصحوب عالیشأن مشهدی قاسم آدم آن فرزند به تفصیل دو طغرا کاغذ مبنی بر پاره فقرات نوشتم البته تا حال رسیده خواهد بود که گفتگو با جناب صدراعظم و اولیای دولت علیّه عثمانیّه کرده است. به همان طریق که دستورالعمل نوشته بودم دیگر گویا احتیاج به اظهارات مجدد نباشد مختصرش آن که هرگاه طالب دوستی یک جَهتانه با دولت علیّه ایران باشند و میل موافقت صادقانه داشته باشند به جهت آن که هر دو دولت را ملت یکی است والحمداللّه رب العالمین هر دو مروج اسلامند مضایقه نیست زیرا که مصلحت دولتین علیتین اسلام از معاودت و مظاهرت یکدیگر است که ادعای دین و دولت اسلام بسپارند. باری آن رقعه نوشتم و باز هم می‌نویسم که البته توقف آنجا را زیاده بر این طول ندهد و زود مراجعت به خاکپای مبارک اعلیحضرت قدرقدرت ظل‌اللهی روحنا و روح العالمین فداه نماید که وجود آن فرزند لازم است زیاده زیاده است.*

* . سواد مکاتبات، کتابچه شماره ۷، ص ۲۲۵.

جناب آقا روحی فداه [illegible] میرزا محمد علیخان نایب الوزاره [illegible]

[illegible] شهر رمضان المبارک ۱۲۴۱ بشرح اینکه تعالی [illegible] فرزندا در اواسط شهر رمضان المبارک نوشته [illegible]

[illegible] حکام [illegible] دیوانخانه [illegible] مدار [illegible] همون [illegible]

[illegible] طهران [illegible] چون [illegible] کس [illegible]

[illegible] امر [illegible] جمله [illegible]

ایران و آل عثمان [illegible] دولتین علیتین

[illegible] دولت علیه ایران [illegible]

[illegible] دولت علیه ایران از جانب دولت علیه عثمانیه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دولت علیه عثمانیه [illegible]

[illegible] دولت علیه عثمانیه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] رضامندی [illegible]

[illegible]

[illegible] اولیای دولت علیه [illegible]

اولیای دولت علیه [illegible]

[illegible]

با جناب صدر اعظم [illegible] اولیای دولت علیه عثمانیه [illegible]

[illegible] دولت علیه ایران باشند [illegible]

اینکه هر دو دولت [illegible] والحمد لله رب العالمین [illegible] دولتین علیتین

[illegible] دولت اسلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

فهرست راهنما[1]

«آ»

آدمیت، فریدن: ۲۶، ۳۵۰، ۳۶۶

آصف‌الدوله: ۴۱۷، ۴۱۸

«الف»

ابردین، لرد: ۳، ۸۰

احمد: ۱۳۵

احمدپاشا: ۱۰۱

احمدخان دنبلی: ۴۷

اسد پاشا: ۳۰۴

اسحق پاشا: ۴۷

اسعد افندی: ۲۸۳

افشار، ایرج: ۱۹۲

اقبال، عباس: ۱۰۶، ۱۴۱، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۹۲

الترود: ۳۳

امیرنظام: ۴۷

انوری، افندی: ۴۴، ۹۰، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۸۹، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۹، ۳۸۸

ایرانیان: ۶۷

ب

بارون دوبرکند [دبرکند]: ۲۹۱، ۲۸۳، ۳۷۳

بالیوز: ۹۹، ۱۲۸، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۹۱، ۲۰۸، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۶۳

بحری پاشا: ۳۰۴

بدرخان بیک: ۱۸۴

بهمن میرزا: ۷۰، ۷۲

بیرشک، احمد: ۴۲۷

«پ»

پاشای بغداد: ۴

پاشایان: ۲۳۹

پالمرستون: ۱۶۸، ۲۴۷، ۲۵۲

پیزانی: ۳۷۰

«ت»

تیتف [موسی]: ۲۸۱، ۳۶۸، ۳۹۶، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۴

۱. تذکر: این فهرست تنها اعلام مندرج در اسناد را شامل می‌شود و لذا از آوردن اعلام مقدمه و فهرست مطالب خودداری شده است. همچنین علیرغم دقّت فراوانی که در تنظیم این فهرست صورت گرفته، احتمال اشتباه و خطا به ویژه در مورد بعضی از اسامی جغرافیایی که اغلب نامأنوس بودند؛ وجود دارد. تذکر اشتباهات احتمالی از سوی خوانندگان امکان رفع نواقص در چاپ بعدی را فراهم خواهد ساخت.

«ج»

جعفر: ۳۹۹

جعفرقلی‌خان: ۴۷

جهانگیر میرزا: ۴

«ح»

حسنعلی میرزا: ۴۸

حسین پاشاخان: ۵

حسین خان سردار: ۴۷

حسین خان زیلان: ۶۱، ۶۲

«د»

دوالغــاروکی [کــنیاز]: ۱۳۳، ۱۸۴، ۱۹۹، ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۲۰، ۳۴۴

دوحامل [ژنرال]: ۵۳

دنیس: ۵۰، ۵۱

«ر»

رانسن: ۴۱۷

رشید پـاشا: ۴۷، ۲۸۳، ۲۹۰، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۲۵، ۴۰۹

رضاقلی‌خان هدایت: ۹۱، ۱۹۲

رؤف پاشا: ۳۱، ۳۲، ۵۴، ۶۱

«س»

سپهر، لسان‌الملک: ۱۹۲، ۱۹۸

سلطان احمد ثالث: ۵۰، ۶۶، ۶۷

سلطان سلیم: ۵۱، ۶۱، ۶۷، ۶۹

سلطان مرادخان رابع: ۶۶، ۶۷، ۹۸

سلطان محمد: ۴۳

سلطان مصطفی: ۴۳

سلیمان پاشا: ۵۴

سهراب خان: ۴۷

«ش»

شانسلیه غراف نسلرود [ویس]: ۳۳، ۹۱، ۱۷۳

شاه صفی: ۵۴، ۷۰، ۹۸

شیخ ثامر آل غضبان: ۶۲، ۶۳، ۶۶، ۶۹، ۹۲

شیخ جابر: ۴۰۳، ۴۱۸

شیل [جستن]: ۳، ۱۲، ۳۱، ۸۰، ۸۵، ۹۹، ۱۰۱، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۳۳، ۱۴۹، ۱۷۹، ۲۰۳، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۵۲، ۲۶۴، ۳۰۰، ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۲۰، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۷۱

«ص»

صارم افندی: ۵۳، ۶۶

صارم پاشا: ۲۸۰، ۲۸۳

«ط»

طامسن: ۲۴۷

«ع»

عالی افندی: ۲۴۲، ۲۴۴، ۳۶۳، ۲۷۶، ۲۷۸
عالی پاشا: ۳۹۱، ۳۹۶، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۴، ۴۰۹
عبدالحمید: ۱۸۹، ۲۲۶، ۳۸۸
عبداللّه بیک بابان: ۹۱
عبداللّه پاشا بابان: ۱۴۰
علی‌اکبر سلطان: ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۶۳، ۱۸۱
علی‌خان ماکویی: ۴۷
علی‌رضا پاشا: ۲۳۲

«غ»

غراف سرتیژ: ۲۸۲

«ف»

فتحعلی‌خان قاجار: ۴۷
فرنت: ۴۲۱
فریدون میرزا: ۴۸

«ق»

قاسم [آقای]: ۶۱، ۲۹۷، ۳۸۳، ۴۰۳، ۴۲۴
قائم مقام: ۴۷

«ک»

کاتب افندی: ۴۱، ۵۱، ۷۰
کاتب چلبی: ۶۷
کامل افندی: ۲۸۱
کمال افندی: ۲۸۱
کولی، لرد: ۲۸۱، ۳۶۶، ۳۷۰، ۳۹۶، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۴

«گ»

گیزو: ۳۷۳، ۳۷۷

«م»

مترنیخ: ۴۱۰
محمدخان [سردار ماکوئی]: ۴۷، ۲۸۰، ۳۳۳
محمدعلی‌خان شیرازی، میرزا: ۴۸، ۹۸، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۹۰، ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۰۲، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۹، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۶–۳۵۰، ۳۵۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۹۱، ۳۹۶، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۳، ۴۰۹، ۴۱۶، ۴۲۳
محمدولی‌خان: ۴۸
محمدشاه: ۲۵، ۳۶، ۷۲، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۴۷، ۱۵۶، ۱۸۹، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۲۶، ۲۷۴، ۳۴۲، ۳۵۷، ۳۷۰، ۳۸۸، ۴۲۴
محمود: ۱۶
محمودپاشا: ۴، ۲۸، ۲۹، ۱۲۰

محمودخان ابدال کُرد: ۱۴۰
میرزاآقاسی، حاجی: ۶، ۹، ۱۵، ۱۸، ۳۱، ۴۰، ۴۳، ۴۵، ۵۰، ۵۱، ۵۵، ۶۲، ۶۶، ۶۹، ۷۴، ۷۷، ۹۷، ۱۰۴، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۴، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۹۳، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۹۰، ۲۹۳، ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۴، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۶۵، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۸۱، ۴۰۳، ۴۰۹، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۲۱، ۴۲۳
میرزاتقی‌خان امیرکبیر: ۱۲، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۶، ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۳، ۶۱، ۶۳، ۶۶، ۶۹، ۷۴، ۷۷، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۱-۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۰۴، ۳۸۸
میرزاجبّار: ۴۱۶
میرزاجعفرخان: ۴۴، ۴۵
میرزاجواد: ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۶۵، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۶، ۳۷۹، ۳۸۳، ۴۰۴، ۴۰۹
میرزاحسن: ۱۳۵
میرزاحسین‌خان سپهسالار: ۲۸۱، ۲۹۰، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۷۰، ۳۷۳، ۳۸۳، ۴۰۳
میرزامحمود: ۲۸۳
موسی: ۱۷۴

«ن»

نادرشاه: ۶۱
ناصرالدین شاه: ۳۵۷
نجیب پاشا: ۳۲، ۳۳، ۹۱، ۱۴۰، ۱۷۶، ۴۱۶
نصیری، محمدرضا: ۲۶، ۱۲۱، ۱۲۲، ۲۲۷
نورالدین: ۱۱۷
نوری افندی: ۱۲

«و»

وسمیش: ۲۰۷

«ی»

یوسف خان: ۴۷

فهرست اماکن

«آ»

آباقای: ۴۷، ۶۷، ۷۰

آخورک: ۴۷، ۱۴۰

آذربایجان: ۵، ۷۰، ۷۲، ۷۷، ۸۱، ۱۶۸، ۱۸۶

«الف»

اباقیه: ۱۹۷

اخسقه: ۵۰، ۶۷، ۶۹

ادرنه: ۳۶

ارپاچای: ۴۷

اردلان: ۳، ۴

ارزنةالروم: ۶، ۱۲، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۲، ۳۷، ۴۰، ۴۴، ۴۸، ۵۳، ۶۲، ۶۶، ۷۲، ۸۱، ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۹۰، ۹۲، ۹۷، ۹۸، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۰-۱۹۲، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۷، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۲، ۲۶۸، ۲۷۴، ۲۸۳، ۲۹۰، ۳۰۲، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۵۰، ۳۵۷، ۳۵۹، ۳۶۵، ۳۶۸، ۳۷۱، ۳۷۷، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰-۳۹۲، ۳۹۶، ۳۹۸، ۴۰۳

ارس: ۱۸۶

اروپا: ۶۶

ارومی: ۷۷

استانبول: ۳، ۵، ۹، ۲۶، ۴۰، ۴۴، ۶۲، ۷۴، ۸۱، ۸۵، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۶۶، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۵، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۹، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۷، ۳۰۲، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۹، ۲۴۲، ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۵۴، ۳۶۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۹۸، ۴۱۳، ۴۱۷

اسلامبول: ۶

اسکدار: ۵۰

اشنو: ۷۷

اطریش: ۲۱۴

الغازیر: ۶۷

انگلیس: ۳، ۵، ۹، ۱۲، ۱۳، ۱۸، ۲۵، ۲۸، ۳۱–۳۳، ۳۶، ۴۰، ۴۷، ۴۸، ۵۳، ۵۵، ۶۹، ۷۴، ۸۰–۸۲، ۸۵، ۹۱، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۴۹، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۹۳، ۱۹۷، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۱۲، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۸، ۲۳۳، ۲۴۲، ۲۴۷، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۴، ۲۸۰، ۲۸۴، ۲۹۰، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۰۰، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۹، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۴، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۹، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۷۱، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۴، ۴۰۹، ۴۱۳، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۲۱

اورامان: ۲۹، ۷۷، ۱۲۰

اهواز: ۶۷

ایران: در بیشتر صفحات

ایروان: ۴۷

«ب»

باب عالی: ۳۵۲، ۴۰۹

باشقلان: ۴۷

بایزید: ۴۷، ۵۰، ۶۹، ۱۹۷

بُرسا [بُرسه]: ۱۲۷، ۱۴۴، ۱۹۱، ۱۹۸، ۳۸۹

بصره: ۴۸، ۶۷، ۹۲، ۴۰۴

بغاز: ۲۸۰

بغداد: ۱۵، ۱۶، ۳۱، ۴۸، ۵۴، ۶۷، ۱۷۶، ۱۷۷، ۲۴۰، ۴۱۷

«پ»

پاریس: ۲۹۷، ۳۱۴، ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۵، ۳۴۴، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۷۳

پترزبورگ [پطربورغ]: ۱۲

«ت»

تبریز: ۶۷

تفلیس: ۶۷

تهران [طهران]: ۱۶۸، ۲۸۳، ۳۰۸، ۳۱۶، ۳۲۷، ۳۴۹، ۳۵۷، ۳۶۳، ۳۶۵، ۳۷۱، ۳۷۶، ۴۱۷

«ج»

جزیرة الخضر: ۱۲۷، ۱۹۰، ۱۹۷، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۵۴، ۳۲۵، ۳۵۶، ۳۶۲، ۳۸۱، ۳۸۸، ۳۸۹، ۴۱۶

جیحون: ۶۷

«چ»

چهریق: ۴۷، ۶۷

«ح»

حاجی جابر [قلعه]: ۴۱۶

حریر: ۴۷، ۶۷

حفّار: ۲۱۲، ۳۴۳، ۳۵۲، ۳۵۶، ۳۵۹، ۳۶۳

حکّاری: ۵۰، ۶۲، ۶۶، ۶۹

حلب: ۳۶

«خ»

خانقین: ۶۷

خوزستان: ۵۴

خوشاب: ۴۷، ۷۰

خوی: ۴۷، ۷۷، ۱۹۷

خیوق: ۹

«د»

دارالخلافه: ۶۶، ۲۰۵، ۲۳۵، ۲۴۰، ۲۴۳، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۶، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۳۵، ۳۴۲، ۳۴۹، ۳۵۷، ۳۷۱، ۳۷۶، ۳۷۷، ۴۱۷

درّه: ۴۳، ۴۴

دوبایزید: ۶۷

دیار بکر: ۶۷

«ر»

رواندوز: ۴، ۲۹، ۶۹، ۷۷، ۱۲۰

روس: ۱۳، ۱۸، ۲۵، ۲۸، ۳۱-۳۳، ۳۶، ۴۰، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۳، ۵۵، ۶۶، ۶۹، ۷۴، ۸۱، ۸۲، ۸۵، ۸۷، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۵۲، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۹۳، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۷، ۲۱۷، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۴۲، ۲۵۶، ۲۶۸، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۹۰، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۹، ۳۴۴، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۹، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۸۲، ۳۹۸، ۴۱۷

روم: در بیشتر صفحات

«ز»

زهاب: ۴، ۴۸، ۵۳، ۵۴، ۹۸، ۹۹، ۱۲۷، ۱۹۰، ۱۹۷، ۲۰۹، ۳۸۸، ۳۸۹

«س»

سردشت: ۷۷

سلدوز: ۷۷

سلیمانیّه: ۳، ۴، ۵، ۲۸، ۳۶، ۳۷، ۴۷، ۵۳، ۵۴، ۶۷، ۷۰، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۹۰، ۲۰۹، ۳۸۸، ۳۸۹

سنجاق: ۳۸۹

«ش»

شط العرب [شط]: ۳۶، ۶۷، ۹۸، ۱۲۷، ۱۴۰، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۹۰، ۱۹۷، ۲۱۲، ۲۰۷، ۲۳۳، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۵۲، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۶، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۸، ۳۸۹، ۴۱۶

شهر زور: ۶۷، ۷۰

«ط»

طرابوزان [طرابزند]: ۸۵، ۲۴۹، ۲۹۰، ۳۴۸، ۳۷۰

«ع»

عثمانی [عثمانلو، عثمانیّه]: در بیشتر صفحات

عراق: ۱۵، ۹۱، ۱۹۳

عربستان: ۹۲

عمان: ۹۸

«غ»

غازلی گل: ۴۷

«ف»

فارس: ۴۸، ۵۴

فرات: ۶۷

فرانسه [فرانسوی]: ۲۱۳، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۴۰، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۷، ۳۰۲، ۳۰۶، ۳۱۴، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۷، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۴۶، ۳۴۹، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۷، ۳۷۹، ۴۰۵

فرنگستان [فرنگ]: ۵، ۳۸۳، ۴۰۳، ۴۱۰

«ق»

قارص: ۵۰، ۵۴، ۶۷، ۶۹

قزل رباط: ۶۷

قطور: ۱۹۷

«ک»

کارون: ۵۴، ۲۱۲

کربلا: ۱۵، ۱۸، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۴۷، ۵۳، ۶۹، ۸۰، ۹۱، ۱۲۰، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۷۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۴۰، ۴۰۳

کردستان: ۲۸، ۲۹، ۹۱، ۹۲، ۱۲۰، ۱۴۰، ۱۷۶، ۱۸۴

کرکوک: ۶۷

کرند: ۱۲۷، ۱۹۰

کرمانشاه: ۶۷

کوی: ۶۵

«گ»

گنجه: ۶۷

«ل»

لاهیجان [لائیجان]: ۷۷، ۱۴۰

لندن: ۱۲، ۳۳، ۹۱

لنگرگاه: ۱۲۷، ۱۹۰، ۱۹۷، ۲۰۷، ۲۱۲، ۲۳۲، ۲۳۸، ۳۵۲، ۳۵۶، ۳۸۱، ۳۸۹، ۴۱۳، ۴۱۶

لواسان: ۳۰۴

«م»

مارسی: ۲۹۱

ماکو: ۴۷

محمّره: ۴، ۲۹، ۳۶، ۴۳، ۴۴، ۴۸، ۵۳، ۵۴، ۶۹، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۴۰، ۱۷۶، ۱۹۰، ۱۹۷، ۲۰۷، ۲۱۲، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۴۲، ۲۴۳، ۳۵۰،

۳۵۲، ۳۵۶، ۳۵۹، ۳۶۲، ۳۸۱، ۳۸۸، ۳۸۹، ۴۰۳،
۴۱۳، ۴۱۶
محمودی: ۴۷، ۶۷، ۷۰، ۱۹۷
مدینه: ۱۲۸، ۱۶۱، ۱۹۱، ۳۹۰، ۴۱۷
مراغه: ۶۷
مرکور: ۴، ۷۷
مکه: ۱۲۸، ۱۶۱، ۱۹۱، ۳۹۰، ۴۱۷
موش: ۵۴
موصل: ۶۷

«ن»

نمسه: ۲۱۳
نوشار: ۴۷، ۷۰
نهاوند: ۶۷

«و»

وان: ۵۰، ۵۴، ۶۷، ۶۹، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۹۷

«ی»

یزیدی خانه [یزیدخانه]: ۴۷، ۷۰

فهرست ایلات و طوایف

«آ»

آیرملو: ۱۴۵

«الف»

اردلان: ۴

«ب»

بلباس: ۴، ۱۴۰

به به: ۴

بنی کعب: ۴۰۳

«ح»

حاجی جابر [عشایر]: ۴۰۶

«ز»

زیلان [اکراد]: ۶۱

«ش»

شیخ کعب: ۴۳

«ق»

قراباباق: ۱۴۵

«ک»

کعب: ۴۸

کوران: ۴۸، ۵۴

کوکلان: ۱۸۷

«م»

مکری: ۴

«ی»

یموت: ۱۸۷

In the Name of God

Documents on the Negotiation Process and the Conclusion of the Second Erzrum Treaty

(1842-1848)

Compiled by:

Nasrollah Salehi

The Institute for Political & International Studies

Tehran - 1998